



فرهنگ خراسان

بخش علوم

مشهد مقدس

نوقاح

طایران

تبادکان و رادکان

تألیف مرزبان طاروی

چهارم

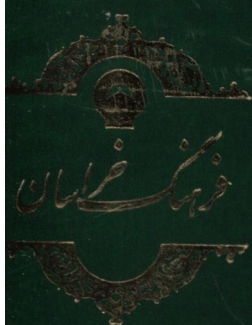


انتشارات



آرشیو ملی

بهای دوره هفت جلدی: ۳۵۰۰۰۰ ریال



بخش علوم

مشهد مقدس
نوغان
طاهران
تبارگان و رازگان
تألیف: مرتضی‌الدین

۲

۸	۰۲۶
۵	۲۸

تألیف: مرتضی‌الدین

اسکن شد



فرهنگ خراسان

بخش طوس

مشهد مقدس

نوقان

طابران

تبادکان و رادکان

تألیف عزیزانده عطاردی

جزء دوم

۹۷۳۸۱



انتشارات عطارد

عطاردی قوچانی، عزیزالله، ۱۳۰۷ -
فرهنگ خراسان / مؤلف عزیزالله عطاردی -
تهران: عطارد، ۱۳۸۱ -
ج ۷: مصور، جدول.

ISBN : 964-7237-17-0 (دوره) - ISBN

964-7237-10-3 (ج ۱) - ISBN : 964-7237-11-1 (۲)

ISBN : 964-7237-12-x (ج ۳) - ISBN : 964-7237-13-8 (ج ۴)

ISBN : 964-7237-14-6 (ج ۵) - ISBN : 964-7237-15-4 (ج ۶)

ISBN : 964-7237-16-2 (ج ۷)

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه.
۱. خراسان - سرگذشتنامه. ۲. خراسان - تاریخ.

۳. مشهد - سرگذشتنامه. الف. عنوان.

۹۵۵/۸۲

DSR ۲۰۱۷ / ر ۳۳ ع ۶

۸۱ - ۱۶۵۷۴ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات عطارد

مرکز فرهنگی خراسان

۴۶

فرهنگ خراسان - بخش طوس (جلد دوم)	نام کتاب
عزیزالله عطاردی	مؤلف
انتشارات عطارد	ناشر
چاپخانه سپهر	چاپ
اول - پاییز ۱۳۸۱	نوبت چاپ
۳۰۰۰ دوره	تعداد

مرکز پخش: تهران، میدان تجریش، میدان امامزاده قاسم، کوچه قنات، پلاک ۱۳
تلفن: ۲۷۱۷۹۳۹ - ۲۷۳۳۳۸۴

حق چاپ محفوظ است.

شابک: (دوره) شابک: ۰ - ۱۷ - ۷۲۳۷ - ۹۶۴

(ج ۲) شابک: ۱ - ۱۱ - ۷۲۳۷ - ۹۶۴ ISBN : 964 - 7237 - 11 - 1

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موقوفات مشهد مقدس

موقوفات مشهد مقدس

وقف در شریعت مقدس اسلام جایگاه بسیار بلند و ممتازی دارد و مسائل و احکام آن از طرف فقهاء عظیم الشان رضوان الله علیهم تجزیه و تحلیل گردیده و حدود و ثغور آن مشخص شده است. در کتب احادیث و فقه کتابی به نام کتاب الوقف عنوان شده و مسائل مربوط به وقف در آنجا گردآوری و مورد بحث قرار گرفته است.

در فرهنگ و معارف اسلامی و سیره پیامبر گرامی و اهل بیت علیهم السلام وقف و یا حبس اموال و استفاده از منافع آن برای رفع نیازمندیهای مستمندان و کمک و مساعدت به فقراء و طبقه کم درآمد اخبار و روایاتی وارد شده که در آن مؤمنین تشویق شده‌اند، تا از خود باقیات الصالحاتی به جای گذارند و مقداری از دارائیهای خود را به عنوان وقف در اختیار جامعه قرار دهند.

محمد بن یعقوب کلینی رضوان الله علیه در کتاب الوصیه کافی از مشایخ خود نقل می‌کند که رسول خدا و امیرالمؤمنین و حضرت زهرا سلام الله علیهم اجمعین هر

کدام موقوفات و صدقاتی داشته‌اند، و از درآمد آنها گروهی منتفع می‌شدند، اسامی این موقوفات در متن حدیث ذکر شده‌اند و مصرف آنها هم از طرف واقفان معین گردیده است.

در حدیثی که کلینی از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند آمده است که وصیت نامه حضرت زهرا سلام الله علیها به خط امیرالمؤمنین علیه السلام بود، و مقداد بن اسود و زبیر بن عوام هم آن را گواهی کرده بودند، و در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که صدقات حضرت زهرا اختصاص به بنی هاشم داشته است.

در روایتی دیگر ابوجعفر کلینی از عبدالرحمان بن حجاج نقل می‌کند که او گفت: موسی بن جعفر علیه السلام وصیت نامه علی علیه السلام را به من نشان دادند، و موقوفات و صدقات آن حضرت مشروحاً در آن حدیث آمده، متولیان موقوفه در متن وصیت نامه معین شده‌اند و موارد صرف آن هم تعیین گردیده است.

موقوفات علی علیه السلام اکثر در ینبع و وادی القری و اطراف مدینه منوره بوده و اسامی رقبات وقفی هم در وصیت نامه ذکر شده‌اند، اکثر این موقوفات باغها و مزارع و نخلستانهایی بوده‌اند که امیرالمؤمنین سلام الله علیه آنها را شخصا به عمل آوردند و به عنوان وقف در اختیار مسلمانان قرار دادند.

امام محمدباقر سلام الله علیه نیز در مدینه ملکی را وقف کردند و درآمد آن را صرف مجلس نوحه خوانی و ذکر مصیبت برای امام حسین علیه السلام در ایام حج هنگام اقامت حاجیان در منی نمودند. انتخاب منی از این جهت بود که حجاج در ایام تشریق در آنجا گرد می‌آیند و ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام در منی به گوش همگان می‌رسد.

شرح و تفصیل موقوفات و صدقات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در اینجا موجب تطویل می‌باشد، و خود نیازمند تألیف یک کتاب مستقل می‌باشد، این موقوفات در زمان بنی امیه و بنی عباس در اثر مداخله حکومت گرفتار تغییرات و تحولات گردید و بعد هم به طور کلی از اختیار متولیان در آمد.

از زمانهای گذشته سنت وقف در میان مسلمانان جاری بوده و گروهی از مؤمنان و اهل صلاح و دیانت صدقات جاریه‌ای از خود به یادگار گذاشتند و رقابتی را برای امور خیریه وقف نمودند، و سازمانهای، مذهبی، علمی، فرهنگی و خدماتی از آن منتفع شدند، و نیازمندان از درآمد آن موقوفات استفاده کردند.

سیره مرضیه در جامعه اسلامی در طول تاریخ بر این بوده که گروهی از حاکمان، امیران و ثروتمندان و توانگران قراء و قصبات و املاک مزروعی خود را وقف کردند و درآمد آنها صرف ترویج علم و ادب و فرهنگ و فضیلت و معارف اسلامی گردیده است.

اکنون در کشور ایران موقوفات زیادی وجود دارند، که درآمد آنها صرف مساجد، مزارات، حسینیه‌ها، مدارس، آموزشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، دارالایتام، مؤسسات بهداشتی و درمانی و امور خیریه می‌شود.

از روزی که حضرت امام رضا سلام الله علیه در باغ سناباد طوس به خاک سپرده شد، انظار شیعیان و دوستان اهل بیت به آن طرف توجه پیدا کرد، و سیل زائران و مسافران و مشتاقان کوی رضا به آن سو روان گردید. دهکده سناباد از حالت اولیه بیرون شد و به صورت قصبه درآمد.

علماء و محدثان و فقیهان شیعه در آنجا حضور پیدا کردند. خطباء و واعظان و مرثیه سرایان به آن محل روی آوردند، زائران از اطراف و اکناف در آنجا جمع شدند، گروهی برای خدمت به زائران و تهیه احتیاجات آنان به فعالیت مشغول شدند، کسبه و بازرگانان و اهل حرفه و هنر در آنجا ساکن شدند.

علماء و دانشمندان نیاز به مسجد و مدرسه و کتابخانه پیدا کردند. خطباء و واعظان محلی برای موعظه و سخنرانی طلب می‌نمودند. زائران به مسافرخانه و محل استراحت نیاز داشتند، کسبه و بازرگانان و اهل حرفه و کار جایی برای کسب و کار می‌خواستند، خادمان و کارگذاران بارگاه ملکوتی امام علیه السلام به مکان نیاز داشتند.

بر اساس شواهد تاریخی بقعه مبارکه رضویه در آن ایام تنها یک بناء کوچک و محدود به حرم بوده و بالای آن هم یک گنبد ساخته شده بود، و در اطراف آن مسجد و رواقی نبوده است. مسجد و رواق در اطراف حرم مطهر از قرن چهارم پدید آمده است. کثرت زائران و رفت و آمد علماء و اهل فضل نیازمند فضاهای زیارتی جدید گردید. از این رو در اطراف حرم مسجدها و رواقهایی از طرف بانیان خیر ساخته شد و در اختیار زائران قرار گرفت، و برای علماء و طلاب علوم نیز مدارس و آموزشگاههایی در کنار حرم بنا گردید.

برای استراحت زائران و مسافران هم مسافرخانه‌ها و رباطها احداث شد و وقف زائران گردید. در این هنگام حسینیه‌ها تأسیس شد و مرثیه خوانان در آن به ذکر مصائب اهل بیت پرداختند. شاعران و مداحان به مرثیه سرایی و نوحه خوانی پرداختند. برای کسبه و اصناف و بازرگانان بازارها و سراهای تجارتی بنا گردید، و مشهد مقدس رونق پیدا کرد، و بر عمران و آبادی آن افزوده شد، و انظار حاکمان و امیران خراسان متوجه مشهد مقدس گردید و هر کدام به نحوی در توسعه مشهد رضوی گام برداشتند.

مشهد مقدس در ابتداء از یک قنات استفاده می‌کرد، و آن قنات مشهور سناباد بود که در طول تاریخ همواره نام خود را حفظ کرده است. پس از اینکه مشهد بزرگ شد، و بر جمعیت آن افزوده گردید، از طرف افراد نیکوکار و حاکمان و امیران قنات‌هایی حفر گردید و در اختیار اهالی مشهد قرار گرفت.

موقوفات آستان قدس

آستان قدس رضوی در مشهد و خراسان بیشترین موقوفات را دارد، و نخستین سرمایه‌دار در مشهد می‌باشد. در ادوار تاریخ و قرون و اعصار دوستان و شیعیان و ارادتمندان حضرت رضا (علیه السلام) مقداری از مایملک خود را وقف آستان مقدس آن جناب

کرده‌اند تا زائران و نیازمندان از آن استفاده نمایند.

بطور قطع و یقین معلوم نیست از چه زمانی وقف در آستان قدس رضوی رایج گردیده و نخستین واقف چه کسی بوده است، زیرا اسناد و مدارک وقفی آستان قدس در طول تاریخ چندین بار غارت شده و یا در آتش سوزی‌ها به آتش کشیده شده است. روضه مبارکه رضویه مکرر از طرف مخالفان و معاندان اهل بیت (علیهم‌السلام) مورد حملات وحشیانه قرار گرفته و تخریب شده است، معلوم است کسی که بقعه مبارکه را به آتش می‌کشد در فکر آن نیست که در روضه رضویه کتاب‌های علمی و اسناد تاریخی و وقفی هم هست.

بر اساس قرائن و امارات و شواهد تاریخی روضه مبارکه رضویه در زمان آل بویه دارای موقوفاتی بوده و بعد از آنها سامانیان و غزنویان هم به آن حرم مطهر توجه داشته‌اند، مخصوصاً محمود غزنوی و جانشینان او و تعدادی از امیران دربار سامانی و غزنوی در توسعه و عمران مشهد کوشش کرده‌اند.

امیران سامانی که به عنوان امرای خراسان در آن منطقه حکومت می‌کردند و با زیدیان و علویان در حال جنگ بودند و از خلفای بنی عباس حمایت می‌کردند نسبت به روضه مبارکه رضویه مخالفتی نداشته‌اند، بلکه تعدادی از کارگزاران آنها به مشهد مقدس اظهار علاقه کرده‌اند.

از عهد سامانیان و غزنویان هیچ بنائی در مشهد وجود ندارد، و موفوقه‌ای هم از آنها در اختیار نیست، تنها تعدادی قرآن که توسط کارگزاران آنها به روضه مبارکه رضویه وقف شده که اکنون وجود دارند و ما در فصل واقفان از آنها یاد خواهیم کرد.

از زمان حکومت سلجوقیان و خوارزمشاهیان حرم مطهر رضوی و کاشیهای سنجری باقی مانده و یک سنکاب هم از خوارزمشاهیان در موزه حضرت رضا (علیهم‌السلام) محفوظ می‌باشد و یک قرآن هم به خط یکی از بانوان سلجوقی باقی مانده است.

از عصر ایلخانیان بنائی در مشهد مقدس وجود ندارد، بناهای آنها در عصر

تیموریان تخریب و به جای آنها رواقهای جدیدی احداث گردید. در اسناد و مدارک وقفی آستان قدس تنها یک رقبه وقفی از غازان خان موجود می‌باشد که ما آن را در فهرست واقفان ذکر خواهیم کرد.

تیموریان در مشهد مقدس یادگارهایی از خود به جای گذاشته‌اند مخصوصاً شاهرخ فرزند امیر تیمور که به مشهد مقدس علاقه‌ای خاص داشت، او در مشهد کاخی و باغی ساخت و سالی چند ماه در مشهد زندگی می‌کرد.

زوجه او گوهرشاد هم مسجد جامع مشهد را بنا کرد، و تعدادی از امیران و وزیران تیموری هم در این شهر مقدس آثاری از خود به یادگار گذاشتند که ما در فهرست واقفان از آنها یاد خواهیم کرد. رواق دارالسیاده و رواق دارالحفاظ و دارالسلام در زمان تیموریان ساخته شده‌اند.

تعدادی مساجد، مدارس و آب انبار و بازار و سرای بازرگانی و حمام و آسیاب از طرف رجال عصر تیموری در مشهد ساخته شد، شماری از آنها باقی مانده و بقیه هم در خرابیهای اطراف حرم مطهر در اثر توسعه فضاهای زیارتی از بین رفتند. ما در فصل واقفان از آنها یاد خواهیم کرد.

در زمان حکومت صفویه مشهد مقدس بسیار توسعه پیدا کرد. شاهان صفوی و حاکمان و امیران خراسان توجه خاصی به مشهد نمودند، در این زمان مراکز علمی و فرهنگی زیادی در این شهر تأسیس گردید و علماء و طلاب شیعه از اطراف و اکناف در مشهد مقیم شدند.

در این عصر رقبات و املاک زیادی وقف آستان قدس و مدارس دینیہ گردید. بازارها، کاروانسراها، حمامها و تیمچه‌های زیادی بنا گردید و وقف شد، صحن کهنه در این زمان توسعه پیدا کرد و گنبد مطهر طلا گردید و آب چشمه کلاس به صحن مقدس آورده شد.

در زمان صفویه مدارس متعددی ساخته شد، و رواقهایی در کنار حرم مطهر بنا

گردید، و وسائل و امکانات زیادی در اختیار زائران بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام قرار گرفت. ما در فصل واقفان از آنها یاد خواهیم کرد و رقبات وقفی عصر صفویه را ذکر می‌کنیم.

در حکومت افشاریه که مشهد مقدس برای نخستین بار پایتخت کشور شد. نادرشاه افشار مشهد را مرکز حکومت و سلطنت خود قرار داد، او ایوان شمالی امام رضا و گلدسته ایوان عباسی را طلاکاری کرد و سقاخانه مشهور به اسماعیل طلانی را بنا نمود و رقباتی هم وقف آستانه نمود.

در سلطنت قاجاریه املاک و رقبات زیادی از طرف شاهان این سلسله و درباریان و امیران وقف آستان قدس گردید و ما در فصل واقفان از آنها یاد خواهیم کرد. صحن نو، رواق دارالسعاده و رواق دارالضیافه از آثار عصر قاجاریه می‌باشد.

در طول سلطنت قاجاریه بازارها و بازارچه‌ها و سراهای بازرگانی و مؤسسات عمومی بنا گردید و وقف شد، ولی در تخریب‌های پیایی همه آن بناها ویران شدند و به فضاهای زیارتی تبدیل گردیدند. مدرسه سلیمان خان از بناهای عصر قاجاریه است که اکنون وجود دارد.

در حکومت خاندان پهلوی موقوفات آستان قدس رضوی دچار تحولات و تغییراتی گردید، تعدادی از نایب التولیه‌های آستان قدس که از اعتقادات درستی برخوردار نبودند با اعمال سلیقه‌های شخصی و پیروی از سیاستهای دولت مرکزی موقوفات را از مجرای طبیعی بیرون کردند و دخل و تصرفاتی در آن نمودند.

در سال ۱۳۰۴ محمدولی خان اسدی از طرف رضا شاه به عنوان نیابت تولیت معین شد. محمدولی خان که از کارگذاران امیر قائن بود و از روشنفکران زمان خود به شمار می‌رفت وارد مشهد مقدس گردید و زمام اختیار آستان قدس را در دست گرفت. با ورود اسدی به مشهد و استقرار او در مقام نیابت تولیت سنت‌های گذشته در آستان قدس فراموش شد و روشنفکران و رجال سیاسی بر آستان قدس مسلط شدند.

این وضع تا پایان سلطنت پهلوی‌ها در سال ۱۳۵۷ ادامه داشت و ما اکنون وضع موقوفات را در طول حکومت پهلوی‌ها به نظر خوانندگان می‌رسانیم.

تصرفات در موقوفات آستان قدس

۱- نخستین کاری که محمد ولی خان اسدی انجام داد ایجاد دفتر درآمد و مخارج آستان قدس بود. قبل از او در طول تاریخ درآمد موقوفات بر اساس نیت واقفان خرج می‌شد و هر موقوفه خود دفتر مخصوصی داشت و در مورد خود مصرف می‌گردید.

اسدی دفتر درآمد آستان قدس را تأسیس کرد و همه درآمدها را در آن واریز نمود و بعد هم خرج کرد، و به وقفنامه‌ها و نظریات واقفان توجهی ننمود، و هر کس هم اعتراض کرد به سخنان او گوش نداد و برنامه‌های خود را به مورد عمل نهاد.

۲- قبل از اسدی آستان قدس رضوی مکتب‌خانه و دارالایتام داشت. در این مکتب‌خانه‌ها و دارالایتام‌ها کودکان بی‌سرپرست درس می‌خواندند و مخارج آنها و استادان و معلم‌ها از محل موقوفات خاص پرداخت می‌شد و کودکان پس از فراگیری خواندن و نوشتن وارد بازار کار می‌شدند.

محمد ولی خان اسدی این مکتب‌ها را تعطیل کرد و به جای آن دبستان و دبیرستان تأسیس نمود و گروهی دانش‌آموز را در آنجا گرد آورد و برای آن مدارس معلمینی استخدام کرد و برنامه‌های وزارت معارف را مورد عمل قرار داد.

۳- در سال ۱۳۱۶ هنگام نیابت تولیت فتح‌الله پاکروان طلاها و نقره‌های آستان قدس را همراه با تعدادی قندیل طلا و نقره که در حرم مطهر قرار داشتند به تهران فرستاده شد. این طلاها و قندیل‌ها در طول تاریخ از طرف امیران و سرداران خراسان به آستان قدس رضوی اهداء شده بود.

بردن این قندیل‌ها به تهران که همه وقف آستان قدس بودند، موجب ناراحتی

مردم مشهد و زائران بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام گردید، و در محافل و مجالس سخن از سرقت و غارت طلاهای حرم بود، و این کار موجب رسوائی حکومت گردید.

در سال ۱۳۱۸ دولت وقت به جای طلاهایی که از حرم مطهر برده بود چند پارچه ملک مزروعی را در درکز برای آستان قدس خریداری می‌کند قیمت این املاک در آن ایام یک ملیون و سیصد و نود هزار ریال بوده که به فروشندگان املاک پرداخت می‌گردد و طلاها در اختیار دولت قرار می‌گیرد و تحویل بانک ملی می‌شود.

در میان طلاهای مذکور چند قطعه کتیبه به خط علیرضا عباسی بوده و این قطعات از اشیاء بسیار نفیسی به شمار می‌رفته و از نظر هنری قابل توجه بودند. این قطعات و قندیل‌ها وقف آستان قدس بودند و می‌بایست در حرم مطهر از آنها نگهداری شود.

بعد از شهریور سال ۱۳۲۰ که قدرت حکومت پهلوی ضعیف شد گروهی در صدد برآمدند تا طلاهای وقفی را بار دیگر به مشهد مقدس برگردانند. از این رو با دربار مکاتباتی انجام گرفت. محمد رضا شاه هم دستور داد پولی در اختیار بانک ملی قرار دهند و طلاها را به آستان قدس رضوی بازگردانند.

در هشتم خردادماه ۱۳۲۵ طلاهای آستان قدس با هواپیما به مشهد مقدس حمل گردید، و در مجلسی که در آستان قدس در حضور نائب التولیه و کارگذاران آستان قدس رضوی تشکیل شده بود تحویل گردید و به خزانه روضه رضویه منتقل شد.

۴- در زمان نیابت تولیت فتح‌الله پاکروان که از سال ۱۳۱۴ تا شهریور ۱۳۲۰ دوام پیدا کرد، تمام املاک آستان قدس به عنوان اجاره به دولت واگذار شد و سالیانه مبلغی از طرف دولت به عنوان مال الاجاره به آستان قدس پرداخت می‌گردید و طرف قرارداد هم شرکت فلاحتی خراسان بود.

شرکت فلاحتی خراسان یک شرکت دولتی بود و به وزارت دارائی تعلق داشت. این شرکت املاک آستان قدس را اجاره کرده بود و از سال ۱۳۱۵ تا سال ۱۳۲۸ به کار

خود ادامه داد، در این سال بار دیگر املاک موقوفه به آستان قدس رضوی بازگردانیده شد.

این موضوع قطعاً جنبه سیاسی داشت و دولت به عنوان اجاره درآمد آستان قدس را در اختیار گرفت. این جریان بعد از واقعه مسجد گوهرشاد و اعدام اسدی صورت گرفت، و شرکت فلاحتی خراسان هم توسط پاکروان تأسیس گردید و تمام سهام آن متعلق به وزارت دارائی بود.

۵- یکی از کارهایی که در زمان رضاشاه انجام گرفت معاوضه دهکده اوین در شمیران با املاک خالصه دولتی در سرخس بود. دهکده اوین وقف آستان قدس رضوی بود و در کنار آن زمین‌های باغ فیض و پونک هم از موقوفات آستانه مقدسه محسوب می‌شدند.

دولت دهکده اوین را که به آستان قدس تعلق داشت گرفت و مقرر گردید املاک خالصه سرخس به آستان قدس واگذار شود و این تحویل و تحول در زمان وزارت داور انجام گرفت و دهکده اوین از تصرف آستانه مقدسه رضویه خارج گردید. دهکده اوین در آن ایام یک آبادی مهم بود. آب رودخانه درکه اراضی آن را آبیاری می‌کرد و درآمد زیادی داشت، ولی از اراضی خالصه سرخس چندان درآمدی به دست نمی‌آمد. این کار توسط درباریان رضا شاه انجام گرفت و کسی هم نتوانست جلو آن را بگیرد.

۶- یکی از کارهای خلافی که درباره موقوفات آستان قدس رضوی انجام گرفت فروختن املاک مزروعی به کشاورزان بود. در هنگام اصلاحات ارضی که در زمان محمد رضا شاه قانون آن تصویب شد، املاک مزروعی آستان مقدس مشمول این قانون گردید و به زارعان فروخته شد.

البته این قانون یعنی فروش املاک وقفی به زارعان بعد از انقلاب اسلامی لغو گردید، و مقرر شد زارعان زمین‌ها را به عنوان اجاره در اختیار داشته باشند و روی آنها

کار کنند، و مقداری بابت اجاره به آستان قدس پردازند، و این قانون شامل کلیه موقوفات می‌باشد.

تنوع موقوفات

در میان موقوفات آستان قدس رضوی از یک ده شش دانگ تا یک طاحونه در یک آبادی و یا از یک مزرعه پهناور تا یک زوج از یک ملک، و یا از یک باغ بزرگ تا یک خانه کوچک و یا از یک سرای تجارتی تا یک حجره و از یک بازار تا یک مغازه وجود دارند.

واقفان افراد گوناگونی بوده‌اند، گاهی یک امیر و وزیر و یا فرد مالداري چند دهکده و مزرعه را وقف کرده است. گاهی یک روستائی یک آسیاب را وقف نموده است، در میان موقوفات کاریز، باغ، مزرعه، منزل، دکان، بازار، سرای بازرگانی و حمام دیده می‌شوند.

گروهی برای روشنائی حرم، عده‌ای برای اطعام فقراء و مستمندان، جماعتی برای تعمیر اماکن متبرکه، دسته‌ای برای ذکر مصیبت و جمعیت‌های مذهبی بعضی برای دارو و درمان بیماران، و یا کمک به زائران و مسافران تهیدست و رسانیدن آنان به محل‌های سکونت.

یکی از ثروتمندان در کاشمر ملکی را وقف کرده است که در ایام تولد امام حسین علیه السلام مجلس ضیافت باشکوهی در آستان قدس برگزار کنند و اعیان و اشراف مشهد را در آن مجلس دعوت نمایند و از بهترین غذاها و خورش‌ها و میوه‌ها و شیرینیها از آنان پذیرائی نمایند.

غارت وقفنامه‌ها

مسلمانان و مؤمنان و شیعیان حضرت رضا علیه السلام روی اخلاص و ایمان خود برای

تعظیم و بزرگداشت آن جناب و توسعه اماکن متبرکه و خدمت به زائران حرم مطهر املاک و رقبات و مستقلاتی وقف کردند، آن موقوفات در مسیر تاریخ گرفتار تغییرات و دگرگونی شدند.

پاره‌ای از این تحولات قهر و غلبه دشمنان و مخالفان بود، قبائل و عشائر ازبک، ترکمان و افغان که مخالف شیعیان بودند، در حمله به خراسان و مشهد مقدس رضوی نخست به حرم امام رضا حمله می‌کردند و اشیاء آن را به غارت و یغما می‌بردند. در این غارت‌ها کتابها و اشیاء نفیس و وقفنامه‌ها غارت شدند. غارتگران توجه نداشتند که آن وقفنامه‌ها بدرد آنان نمی‌خورد و هیچ سودی را عاید آنها نمی‌کند، ولی آنها هرچه می‌دیدند با خود می‌بردند و از این رو بسیاری از اسناد و مدارک آستان قدس در این حملات از بین رفت.

دیگر اینکه گروهی از حاکمان و مأموران دولتی و کارگذاران آستان قدس در اثر ضعف ایمان و کسب مال و ثروت نسبت به موقوفات تعدی کردند و املاک و رقباتی را خود متصرف شدند و یا به گروهی بخشیدند و وقف نامه‌ها را هم از بین بردند. در زمان‌های گذشته پیرامون مشهد مقدس دیواری بلند کشیده شده بود و چند در ورودی هم به نام دروازه وجود داشت که مردم از آنها وارد شهر می‌شدند. بیرون این دیوار بلند زمین‌های مزروعی بود، رودها از کوه بینالود و هزار مسجد به طرف این اراضی سرازیر بودند.

در دشت طوس قنات‌های زیادی احداث شده و اراضی و باغات را آبیاری می‌کردند، اکثر این قنات‌ها و مزارع و باغها وقف آستان قدس بودند. والیان خراسان و نائب‌التولیه‌ها با نظریات و سلیقه‌های شخصی و گاهی هم به صورت شرعی و قانونی این موقوفات را در اختیار دیگران گذاشتند.

در طومار موقوفات عضدالملکی که در سال ۱۲۷۳ نوشته شده آمده: چنانچه بسیاری از املاک موقوفه سرکار فیض آثار که اسامی آنها در افراد قدیمی مرقوم و بعضی

از قرار حدود موقوفه در وقفنامه قدیمه و افراد سابقه آستانه مضبوط است و بعضاً معاندین دین و منحرفان و متمردان مداخله و متصرف گردیده‌اند.

مرحوم عبدالحمید مولوی که از کارشناسان عالی مقام آستان قدس بودند، در آثار خود نوشته‌اند: «در اصطلاح حسابداری در آستان قدس موقوفات مطلقه عبارت از رقباتی است که وقفنامه آنها ضایع شده و در دسترس نیست، نام متولی و واقف و مصارف آن بر همه پوشیده است.»

اما رقبه وقف مسلم و قدیمی و متصرفی آستان قدس می‌باشد و سبب از بین رفتن وقفنامه این قبیل رقبات که تماماً قبل از عهد سلاطین صفویه وقف شده بود، هجوم و حمله ازبکها از ترکستان و بلخ در آغاز عهد صفویه به مشهد معلی است.

آنها از آستان قدس جواهرات وقفی و قندیل‌های طلا و نقره و تمام فرشها و پرده‌های زربفت و شمعدانهای برنجی و مسی و کلیه ظروف و لوازم طبخ آستان قدس، کتب وقفی از خطی و نفیس و اسناد وقفنامه را که در کتابخانه ضبط می‌شد و تمام اشیاء آستان قدس را هرچه بوده غارت کرده و با خود بردند.

معلوم نیست در کجا ضایع شده و یا پاره کرده و از بین برده‌اند، لذا درآمد این قبیل موقوفات را در آستان قدس موقوفه مطلقه می‌دانند و درآمد آن را اقرب بنظر سایر مصارف رقباتی که وقفنامه دارد می‌رسانند و در مقابل موقوفاتی که وقفنامه دارند موقوفات خاصه می‌گویند.

واقفان مردمان خوش نیتی بوده‌اند و منظورشان از خیراتی که قرار داده‌اند باقیات الصالحاتی بوده و مایل بوده‌اند به همان قسم که در زندگی به مردم عنایت داشته‌اند بعد از مرگ هم خیرات آنها به نسل‌های آتی عاید گردد ولی توجه نداشته‌اند که متولیان و اعقاب واقف به شرائط وقف عمل خواهند کرد و یا به میل خود رفتار خواهند نمود.

نگارنده گوید: تجاوز و تعدی به موقوفات آستان قدس و تغییر و تحول در آنها

در طول تاریخ و تصرفات غیر شرعی از طرف متولیان و کارگزاران آستان قدس بسیار مفصل و مشروح است، مطالبی را که در اینجا نقل کردیم تنها چند مورد است و نظیر آنها فراوان می باشد.

تجاوز به موقوفات در همه جا هست، موقوفات مدارس مشهد مقدس هم چنین می باشد. مراجعه به وقفنامه های مدرسه عباسقلی خان و یا مدرسه پریزاد و سایر وقفنامه ها به خوبی تجاوز را نشان می دهد و از آن همه املاک و رقبات وقفی اکنون هیچ کدام آنها در تصرف وقف نیست و همه به نام اشخاص ثبت شده و دست به دست گشته اند.

به نظر می رسد هنگامیکه ثبت اسناد و املاک در ایران تأسیس گردید و قرار شد هر کس آنچه را در اختیار دارد به ثبت برساند، گروهی از صاحبان قدرت و نفوذ که دارای ایمان و اعتقادی نبودند با همکاری مقامات دولتی بسیاری از املاک مزروعی آستان قدس را به نام خود ثبت کرده باشند.

موقوفات آستان قدس در مشهد

آستانه مقدسه رضویه در جلگه طوس و مشهد مقدس موقوفات زیادی دارد این موقوفات شامل اراضی، املاک، باغها، کارخانجات و صنایع گوناگون، کشاورزی، دام داری، بازار، بازارچه، سراهای بازرگانی، منازل و مجموعه های مسکونی می باشند.

آستان قدس رضوی بعد از انقلاب در توسعه اماکن متبرکه و امور کشاورزی و دام داری گامهای موثری برداشته و در کارهای فرهنگی و توسعه معارف عمومی و درمان و بهداشت بسیار فعال می باشد، و در ایجاد صنایع و کارخانجات هم کوشش کرده و فراورده هایی به بازار مصرف روانه می کند و کلیه هزینه های این مؤسسات از محل موقوفات و نذورات پرداخت می گردد.

توسعه اماکن متبرکه

آستان قدس رضوی پس از انقلاب اسلامی فضاهای جدیدی برای زائران و مشتاقان بارگاه ملکوتی حضرت رضا (ع) کرده است. یکی از آنها رواق مجلل و باشکوه دارالولایه می باشد که اکنون بزرگترین رواق در حوزه اماکن متبرکه می باشد.

رواق دارالرحمة و دارالهدایة نیز از بناهای جدید هستند که در جنب صحن جمهوری اسلامی قرار دارند، و از نظر ظرافت و هنر بسیار ممتاز می باشند و هر بیننده ای را به طرف خود جذب می کنند. این دو رواق با ستون های ضخیمی که درون آنها خالی می باشد بنا گردیده اند.

از بناهای جدید صحن مقدس جمهوری اسلامی می باشد که در حال حاضر بزرگترین صحن در اماکن متبرکه می باشد، در این صحن دو گلدسته طلائی در شمال و جنوب بنا گردیده و اطراف آن هم حجره هائی ساخته شده که در اختیار خدمات عمومی و فرهنگی آستان قدس قرار دارند.

از بناهای جدید صحن مبارک قدس می باشد. این صحن بین صحن موزه و بست شیخ بهاء الدین قرار دارد، و به مسجد گوهرشاد هم اتصال دارد. از بناهای جدید ایجاد و بست در جنوب و شمال اماکن متبرکه می باشد که به نام طبرسی و شیخ بهاء الدین نام گذاری گردیده است.

آستان قدس رضوی اکنون مشغول ساختن یک صحن جدید به نام صحن جامع رضوی می باشد، که در آینده بزرگترین صحن ها خواهد شد، و هم چنین در فلکه بزرگ آستان قدس دو مدرسه علوم دینی در حال ساختمان است و در این محل دارالشفاء آستان قدس هم بنا خواهد گردید.

در کنار این مجموعه زیرگذری هم ساخته شده که وسائط نقلیه هنگام رسیدن به حوزه اماکن متبرکه وارد زیرگذر می شوند و از آنجا حرم را دور زده و وارد خیابان های اصلی شهر مشهد می شوند. ما در درباره این بناها و زیرگذر و خصوصیات آن در تاریخ

آستان قدس رضوی مشروحاً بحث کرده‌ایم.

موقوفات فرهنگی آستان قدس

۱- کتابخانه مرکزی

کتابخانه مبارکه رضویه براساس قرآنهای وقفی موجود بیش از یک هزار سال سابقه تاریخی دارد. قدیمترین قرآن وقفی در سال ۳۶۳ توسط ابوالقاسم سیمجور به هنگام حکومت سامانیان به آستان مقدس وقف شده است و اکنون یک هزار و پنجاه و پنج سال از آن زمان می‌گذرد.

بعد از آن قرآنی توسط محمدبن کثیر در ماه ربیع‌الاول سال ۳۹۳ وقف گردیده و سپس قرآنی توسط ابوالبرکات در سال ۴۲۱ سال وفات سلطان محمود غزنوی به آستان قدس وقف شده است، و اینها حکایت از عمر این کتابخانه می‌کنند.

کتابخانه مبارکه رضویه در طول تاریخ مورد توجه علماء و محققان و رجال دانش دوست بود، حاکمان و امیران ایران و خراسان در توسعه آن کوشش کردند، و اکنون یکی از مهمترین کتابخانه‌های ایران و جهان اسلام به شمار می‌رود مخصوصاً گنجینه قرآن آن در جهان بی‌نظیر می‌باشد.

ساختمان جدید کتابخانه رضویه که بعد از انقلاب در جوار روضه مبارکه رضویه بنا گردیده یکی از زیباترین و باشکوهترین بناها می‌باشد. این ساختمان مجلل در سه طبقه و بیست و هشت هزار متر مربع زیربنا دارد، و دارای سالنها و تالارهای زیادی می‌باشد.

در کتابخانه مبارکه رضویه حدود پانصد هزار جلد کتاب موجود است که بیش از سی و سه هزار آن خطی می‌باشد. این گنجینه گرانها اکنون در اختیار اهل علم و ادب و فرهنگ و فضیلت می‌باشد. آستان قدس در حال حاضر دارای سیزده کتابخانه در

مشهد و شهرستانها می باشد که همه از موقوفات و نذورات اداره می شوند.

۲- دانشگاه علوم اسلامی رضوی

این مؤسسه فرهنگی و علمی بعد از انقلاب تأسیس گردیده است. دانشگاه علوم اسلامی رضوی در جوار بارگاه ملکوتی حضرت رضا علیه السلام بنا گردید و بعد مدرسه میرزا جعفر و خیرات خان هم به آن متصل گردید و به صورت یک مدرسه درآمد. هدف از تأسیس این دانشگاه تربیت فضلاء و علماء در معارف اسلامی بوده و دانشجویان این دانشگاه در سه مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا تحصیل می کنند و کلیه مخارج آنها را هم آستان قدس رضوی از محل موقوفات و نذورات می پردازد.

۳- دانشگاه امام رضا علیه السلام

یکی از کارهای خدماتی و علمی آستان قدس رضوی تأسیس دانشگاه امام رضا علیه السلام می باشد. این دانشگاه با سرمایه آستان قدس سامان گرفته است و قرار است به عنوان یک دانشگاه غیرانتفاعی فعالیت کند و در رشته های گوناگون دانشجو قبول کند. در حال حاضر دانشکده پزشکی این دانشگاه دارای یک بیمارستان آموزشی ۳۲۰ تختخوابی می باشد، و امید می رود با مرور زمان سایر دانشکده ها هم به آن اضافه شوند و یک واحد آموزشی عالی در مشهد مقدس رضوی فعالیت خود را آغاز می نماید.

۴- بنیاد پژوهشهای اسلامی

یکی از مؤسسات فرهنگی آستان قدس رضوی بنیاد پژوهشهای اسلامی می باشد. این بنیاد تحت نظر هیئت امناء اداره می شود. بنیاد پژوهشها در فرهنگ و

معارف اسلامی، تاریخ، ادبیات، کلام و رشته‌های گوناگون کار می‌کند و گروهی از اساتید و نویسندگان در آنجا انجام وظیفه می‌کند.

بنیاد پژوهشهای اسلامی کارهای خود را به صورت گروهی انجام می‌دهد و هر گروهی تحت نظر یک سرپرست تحقیق می‌کند. این بنیاد از بدو تأسیس تاکنون صدها اثر علمی، ادبی و تاریخی چاپ کرده و منشاء آثار و خدماتی شده است.

۵- بنیاد فرهنگی رضوی

بنیاد مذکور برای تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان تأسیس گردیده است. آستان قدس رضوی در مشهد مقدس تعدادی مدارس ابتدائی، راهنمایی و دبیرستان دائر نموده و به فعالیت آموزشی مشغول می‌باشد و صدها دانش آموز دختر و پسر در این مدارس تحصیل می‌کنند و مخارج و هزینه‌ها را آستان قدس پرداخت می‌کند.

۶- مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس

یکی از واحدهای فرهنگی آستان قدس رضوی مؤسسه چاپ و انتشارات می‌باشد. آستان قدس با داشتن چاپخانه مجهزی در مشهد امور چاپی نشریات آستان قدس را به عهده دارد، و خود نیز کتابهایی را چاپ و منتشر می‌کند و در مشهد نمایشگاه و فروشگاه دارد.

۷- شرکت به نشر

این شرکت که یک مؤسسه بزرگ و انتشاراتی می‌باشد از سازمانهای فرهنگی آستان قدس می‌باشد و مرکز آن در تهران خیابان انقلاب مقابل دانشگاه تهران است. مؤسسه به نشر کتابهای آستان قدس را توزیع می‌کند و یکی از سازمانهای مشهور کشور می‌باشد.

۸- موزه آستان قدس

موزه آستان قدس رضوی یادگار قرون و اعصار می باشد. هنگامیکه انسان وارد موزه می گردد در اعماق تاریخ فرو می رود. موزه آستان قدس دارای اشیاء نفیس هنری است که در طول زمان توسط حاکمان، امیران و رجال و اعیان به آنجا هدیه شده است. موزه آستان قدس در کنار صحن موزه قرار دارد و در یک ساختمان زیبا و مجلل برای بازدیدکنندگان آماده است. درباره موزه و اشیاء گرانبهای آن باید تحقیقات کاملی از طرف متخصصان و کارشناسان انجام گیرد و خصوصیات هریک از آنها روشن گردد.

۹- مرکز آفرینشهای هنری آستان قدس

یکی از سازمانهای فرهنگی و هنری نو بنیاد در آستان قدس «مرکز آفرینشهای هنری» می باشد. در این مؤسسه گروهی خطاط، نقاش، منبت کار، به انواع و اقسام هنرهای زیبا و سنتی به تولید کارهای هنری مشغول هستند و آثار خود را هم به جامعه هنر دوست ارائه نموده اند.

۱۰- تبلیغات و ارشاد

در اماکن متبرکه سازمانی هست که وظائف تبلیغات و ارشاد زائران را به عهده دارد. این مؤسسه در حوزه اماکن شریفه فعالیت دارد و مرکز آن در صحن جمهوری اسلامی می باشد. این مؤسسه زائران را از جهت مذهبی، اخلاقی و رعایت شئون دینی در حوزه اماکن مقدسه را هنمائی می کند. از وظائف دیگر این سازمان تشکیل مجالس سخنرانی و خطابه برای زائران و چاپ جزوات برای زائران، و نیز برگزاری مراسم جشن و سرور در اعیاد و ذکر مصیبت در ایام محرم و صفر و یا وفیات ائمه اطهار علیهم السلام است.

۱۱- مؤسسه فرهنگی قدس

یکی از تشکیلات فرهنگی آستان قدس رضوی «سازمان فرهنگی قدس» است این مؤسسه در سال ۱۳۶۶ به وجود آمده و به عنوان یک سازمان مستقل با اساسنامه به ثبت رسیده است، و کلیه هزینه‌ها و مخارج آن را آستان قدس رضوی از محل درآمدهای خود پرداخت می‌کند.

سازمان فرهنگی قدس در حال حاضر یک روزنامه‌ای به نام قدس در مشهد و تهران در یک زمان منتشر می‌کند، و در سراسر ایران توزیع می‌گردد و جای خود را در میان مطبوعات و نشریات باز کرده است و خوانندگان زیادی در سراسر ایران دارد.

۱۲- نشریات و مجلات آستان قدس

در تشکیلات فرهنگی و تبلیغاتی آستان قدس رضوی تعدادی مجله هم چاپ و توزیع می‌گردد. این مجلات با مقالات متنوع و گوناگون در موضوعات مختلف تهیه و تنظیم و منتشر می‌گردند. مجلات عبارتند از مجله مشکاة، حرم و زائر، این نشریات هم در سراسر کشور خوانندگانی دارند و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

موقوفات کشاورزی و دام داری

یکی از کارهای اساسی آستان قدس رضوی کشاورزی، دام داری و باغداری می‌باشد. آستانه مقدسه به لحاظ داشتن زمین‌های مرغوب و املاک و باغات در مشهد مقدس و جلگه طوس در زمینه تولید فرآورده‌های کشاورزی و دامی و انواع و اقسام میوه بسیار فعال است.

آستان قدس در املاک و باغات و مزارع خود در مشهد و حومه آن ده‌ها حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق حفر کرده و با استفاده از کاریزهای قدیم زمین‌های زیادی را

زیر کشت برده و از نظر کشاورزی در استان خراسان در صدر اوّل قرار دارد و همواره جایزه نخست را می‌برد.

مزرعه طرق

طرق یکی از آبادی‌های باستانی ناحیه طوس و مشهد مقدس می‌باشد، و در جنوب شهر مشهد قرار دارد. در قرون سابق یکی از دروازه‌های شهر مشهد به نام دروازه طرق بوده و سمعانی در کتاب التحبیر خود از این دروازه یاد می‌کند و در کتاب‌های تاریخی از این دهکده بسیار نام برده شده است.

آستان قدس رضوی در زمین‌های موقوفه طرق چند حلقه چاه عمیق حفر و به وسیله مهندسان و کارشناسان امور کشاورزی و کارگران ماهر و حرفه‌ای در زمین‌های این آبادی که بسیار وسیع می‌باشد شروع به کشاورزی کرده و انواع و اقسام فرآورده‌های کشاورزی را در این مزرعه تولید می‌نماید.

مؤسسه کشاورزی طرق با به کار بردن وسائل امروزی و مکانیزه و انواع و اقسام ماشین‌ها در این مزرعه فعالیت دارد، و در آن چغندر، میوه‌های گوناگون، خوراک دام، غلات آبی و دیم به عمل می‌آورد و به بازار مصرف در مشهد و شهرستانها روانه می‌کند. مزرعه نمونه طرق یکی از مراکز دیدنی در مشهد مقدس می‌باشد، و کسانی که آن را از نزدیک دیده‌اند و تشکیلات آن را مشاهده کرده‌اند، از آن همه کار و کوشش و فعالیت در شگفت می‌مانند. ما توفیق همه خدمت‌گذاران صدیق آستانه مقدسه را که برای خدا و امام رضا کار می‌کنند از خداوند مهربان خواستاریم.

دام داری در مزرعه طرق

دام داری در آستان قدس رضوی سابقه طولانی دارد. اکنون در مزرعه نمونه طرق و کنویست دام داری صنعتی به روش نوین به فعالیت خود ادامه می‌دهد، و صدها

گاو شیرده از نژادهای گوناگون در آنجا نگهداری و تربیت می شوند و با روشهای معمول گاو داری در جهان از آنها استفاده می شود.

گاو داری صنعتی آستان قدس در استان خراسان یک نمونه است. مدیران و کارگزاران این مؤسسه در نگاه داری و مراقبت از دامها از جهت بهداشت و سلامتی دام و فرآورده های آن توجه خاصی به عمل می آورند. دامپزشکان پیوسته از محیط زندگی دامها سرکشی می کنند.

آستان قدس در مزرعه نمونه گوسفند هم تربیت می کند و هزاران گوسفند در آنجا نگهداری می شوند، پشم گوسفندان در کارخانه قالی بافی آستان قدس مورد استفاده قرار می گیرد و گوشت آنها هم در مهمانخانه آستان قدس و در بازار آزاد مصرف می گردد.

در مزرعه نمونه طرق تعدادی هم شتر نگهداری می شوند. شترهای آستان قدس رضوی از زمانهای گذشته داستانها دارند. شترها به صحن و سرای امام رضا علیه السلام می آمدند، مردم دور آنها جمع می شدند و می گفتند: شترها به امام رضا پناه آورده اند. خادمان شتران پناه آورده به حرم را به شترخانه امام رضا علیه السلام تحویل می دادند. ظاهراً این شترها نذری هستند و از طرف عشائر خراسان به آستان قدس تقدیم می گردند.

مزرعه کنویست

کنویست از آبادیهای متصل به مشهد مقدس می باشد که در شرق این شهر قرار دارد. کنویست به خاطر نزدیکی با کشف رود و استفاده از نهر خیابان در گذشته از مزارع پردرآمد آستان قدس رضوی بود. اکنون هم با وجود قطع این آبها یکی از مراکز مهم کشاورزی آستان قدس به شمار می رود.

روستای موقوفه کنویست در حدود شش هزار هکتار زمین دارد. برای فعالیت های کشاورزی، دامداری و ایجاد صنایع جای بسیار مناسبی است، از اینرو

آستان قدس رضوی در آنجا سرمایه زیادی گذاشته علاوه بر کشاورزی کارخانه‌هایی هم در آنجا تأسیس کرده است.

در این مزرعه انواع محصولات کشاورزی و فرآورده‌های لبنی تولید می‌گردد، و صدها کارشناس و کارگر ماهر کشاورزی و دامی در آنجا فعالیت دارند، در این دهکده چاه‌های عمیق زیادی حفر گردیده و مسجد باستانی آن هم با آجر و کاشی در زمینی به مساحت ۵۱۰ متر تجدید بنا شده است.

باغهای وقفی آستان قدس

آستان قدس رضوی در مشهد مقدس و حومه باغهای متعددی دارد. در این باغها انواع و اقسام میوه‌ها مانند، سیب، زردآلو، گیلان، آلبالو، آلو بخارا، شلیل، گلابی، انار، به، هلو، انواع انگورها، انجیر و توت به عمل می‌آید. علاوه بر مصرف محلی به شهرهای ایران و خارج هم صادر می‌گردد.

در اسناد و مدارک وقفی آستان قدس رضوی و کتاب‌ها و تذکره‌ها باغهای زیادی در مشهد وجود داشته‌اند و وقف آستانه مقدس بوده‌اند، ولی اکنون به خاطر توسعه شهر مشهد همه آن باغها تبدیل به منازل مسکونی و تجارتي گردیده‌اند و یا به صورت خیابان و میدان درآمده‌اند.

اکنون از آن باغها که توسط امیران و حاکمان بنا گردیده بود و توسط بانیان وقف بارگاه ملکوتی حضرت رضا علیه السلام شده بودند، اثری نیست و تنها نام آنها در اسناد و کتب تاریخی دیده می‌شود. ما اینک تعدادی از باغها را که اکنون وجود دارند به نظر خوانندگان می‌رسانیم.

باغ ملک آباد

این باغ بزرگ در شهر مقدس مشهد قرار دارد و یکی از بزرگترین و مشهورترین

باغهای آستان قدس می‌باشد. باغ ملک آباد در حدود سیصد هکتار مساحت دارد. در این باغ درختان میوه‌های گوناگون غرس گردیده و باغ بسیار پر محصولی می‌باشد. باغ ملک آباد در طول سالیان دراز مقر نائب التولیه‌ها بود و باغی محصور برای اقامت کارگذاران درجه اول آستان قدس به شمار می‌فت و افراد عادی حق ورود به آنجا را نداشتند. محمد رضا شاه در اواخر حکومت خود کاخی در آنجا بنا کرد و هنگام مسافرت به مشهد در آنجا اقامت می‌نمود.

در این باغ بزرگ چند دستگاه گلخانه جهت تولید گل و گیاه وجود دارد. منابع آب این باغ از سه رشته قنات ملک آباد، گلخیمی و گودسلوک و چند حلقه چاه عمیق تأمین می‌گردد و در حدود هفتاد هکتار از اراضی این باغ مجهز به سیستم آبیاری قطره‌ای می‌باشد و سالی صدها تن انواع میوه در این باغ تولید می‌گردد و به بازار مصرف عرضه می‌شود.

باغ امام رضا (ع)

این باغ در شمال مشهد قرار دارد. باغ امام رضا (ع) در حدود دویست هکتار است. در این باغ انواع درختان میوه غرس شده‌اند، و آنها عبارتند از انواع آلو، شلیل، هلو، گیلان، گوجه، زردآلو، سیب‌های تابستانی و زمستانی گلابی تابستانی و زمستانی، به، گردو و توت.

در این باغ انواع درختهای غیر میوه هم مانند چنار و غیر آن که جنبه تزئینی دارند غرس شده‌اند و بر زیبایی باغ امام رضا افزوده‌اند. در این باغ چند حلقه چاه حفر شده و نیازمندیهای باغ را تأمین می‌کنند. در این باغ سالی صدها تن انواع میوه تولید و به بازار عرضه می‌شود.

باغ بیلدر

این باغ وقفی در پانزده کیلومتری غرب مشهد قرار دارد، و یکی از باغهای معروف آستان قدس می باشد. این باغ در حدود پنجاه سال قبل تأسیس گردیده و بعد توسعه پیدا کرده است. در این باغ آثاری هست که قدمت آن به حدود دویست سال قبل می رسد و از موقوفات قدیم آستانه می باشد.

قسمت قدیمی این باغ هشت هکتار و بخش جدید آن در حدود چهل هکتار است. در این باغ انواع درختان میوه و غیره از قبیل تبریزی چنار و بید که جنبه تزئینی دارند غرس شده اند، این باغ از یک رشته قنات آبیاری می گردد و انواع میوه ها در آن تولید و به بازار مصرف ارسال می گردد.

باغ طرق

درباره مزرعه و دامداری طرق در فصل سابق مطالبی نقل کردید، و اینک در موضوع باغ طرق به طور اختصار اطلاعاتی در اختیار خوانندگان می گذاریم. باغ طرق در حدود چهارصد هکتار زمین را در برگرفته و یکی از باغهای بزرگ و پر درآمد آستان قدس رضوی می باشد.

باغداری در مزرعه طرق از سالها قبل آغاز گردیده و همواره در فعالیت و توسعه گام برداشته است. در باغ طرق انواع درختان میوه، زردآلو، هلو، شلیل، آلو، گلابی، زمستانی و تابستانی، سیب تابستانی و زمستانی تولید می گردد و درختان متفرق غیر میوه هم در آن غرس شده اند.

باغهای حومه مشهد

آسان قدس رضوی در حومه شهرستان مشهد مقدس باغهای متعددی دارد که همه آنها فعال می باشند و هزاران درخت میوه در آنها غرس شده اند. این باغها

محصولات فراوانی دارند که در بازارها و میدان‌های شهر مشهد و شهرستان‌ها عرضه می‌شوند و اینک اسامی این باغها را به نظر خوانندگان می‌رسانیم:

باغ دانشگاه، باغ گناباد، باغ اردو، باغ خواجه ربیع، باغ آل هاشمی، باغ حسینی، باغ الندشت، باغ آبکوه، باغ مصطفی خانی، باغ میر کاریز، باغ توتونچیان، باغ ایران خودرو، باغ کنار آسایشگاه، باغ گلستان، باغ نود هکتاری میدان فردوسی.

موقوفات صنعتی آستان قدس

آستان قدس رضوی به منظور ایجاد درآمد برای توسعه کارهای عمرانی، فرهنگی، بهداشتی و درمانی و خدماتی خود از سالها قبل از محل موقوفات مطلقه اقدام به تأسیس و یا خریداری تعدادی کارخانه در مشهد مقدس نمود. این مؤسسات هرکدام در نوع خود مصدر کارهای ارزنده‌ای شدند و برای آستان قدس به عنوان یک پشتوانه اقتصادی و مالی در آمده‌اند.

اغلب این کارخانه‌ها در مشهد مقدس می‌باشند و تعدادی هم در شهرهای دیگر به فعالیت خود ادامه می‌دهند، و محصولات گوناگونی به بازار عرضه می‌کنند و مشتریان زیادی هم در داخل و خارج به دست آورده‌اند، و ما اکنون نام آن مؤسسات و فرآورده‌های آنها را به طور اختصار بیان می‌کنیم.

۱- کارخانه نخریسی مشهد

کارخانه نخریسی مشهد یکی از قدیمی‌ترین کارخانه‌های خراسان می‌باشد. این کارخانه در سابق به نام خسروی مشهور بود ولی اکنون به نام نخریسی معروف است. این کارخانه در اراضی گلختمی در جنوب شهر مشهد مقدس قرار دارد و در حدود شصت سال از تأسیس آن می‌گذرد.

کارخانه نخریسی و نساجی خسروی به ظرفیت ۱۰۱۲۰ دوک در اسفند ماه

۱۳۱۳ با سرمایه شش میلیون ریال که قسمت اعظم آن را آستان قدس رضوی پرداخت کرد تأسیس گردید، و به صورت شرکت سهامی اداره می‌شد و در سال ۱۳۱۸ برق خراسان هم به آن ضمیمه گردید.

تولید کارخانه نخریسی عبارت است از مقداری نخ ۲-۵-۱۰ که به مصرف قالی استان می‌رسد و مقداری نخ ۲۰ که به مصرف پارچه تولیدی شرکت می‌رسد. واحد نساجی از این نخ پارچه‌های خام، متقال و چلوار تولید می‌نماید. پارچه در حدود چهار میلیون متر و نخ در حدود ۱۷۵۰ بقچه.

۲- کارخانه قند آبکوه

این کارخانه هم از قدیمی‌ترین کارخانه‌ها در مشهد مقدس می‌باشد و بعد از کارخانه قند کرج و کهریزک سومین کارخانه قند در ایران است. کارخانه در زمینی به مساحت دو میلیون و هفتصد و نود هزار متر در زمینهای موقوفه آستان قدس در سال ۱۳۱۵ تأسیس و شروع به کار کرد.

کارخانه قند آبکوه در سال ۱۳۴۸ به آستان قدس فروخته شد، و از آن زمان تا حال اداره آن در اختیار آستان قدس می‌باشد و با ظرفیت ۲۵۰۰ تن چغندر در روز فعالیت می‌کند، و تولیدات کارخانه عبارتست از شکر، قند، تفاله و ملاس و روزانه ۷۵۰ تن قند و ۱۵۰ تن شکر و ده هزار تن تفاله خشک و بیست و پنج هزار تن تفاله دو نم تولید می‌کند.

۳- کارخانه قند چناران

این کارخانه در سال ۱۳۳۴ در زمینی به مساحت سی و دو هکتار شامل کارخانه و منازل و بهداری و دبستان احداث گردید، و در ابتداء یک کارخانه دولتی بود که توسط سازمان برنامه و شرکت سهامی کارخانجات دولتی ایران بنا گردیده و فعالیت

خود را آغاز نمود.

آستان قدس رضوی در ۱۳۴۹ کارخانه قند چناران را از دولت خریداری کرد، و اداره آن را به عهده گرفت. در سال ۱۳۵۱ شرکت قند رضوی تأسیس شد و یک نفر خارجی مدیریت آن را در اختیار گرفت. بعد از انقلاب از آن خارجی خلع ید شد و قند چناران تحت نظر هیئت مدیره منتخب اداره می شود.

بعد از انقلاب یک سری بازسازیها شروع شد. متوسط تولید قند کارخانه قبل از انقلاب حدود پنج تا شش هزار تن بود ولی اکنون به دوازده هزار تن افزایش یافته است. در این کارخانه سه باب مدرسه، حمام و مسجد و شرکت تعاونی وجود دارد.

۴- کارخانه نان رضوی

یکی از کارخانجات آستان قدس رضوی در مشهد مقدس کارخانه نان ماشینی رضوی می باشد. در خیابانها و محله های این شهر مقدس فرآورده های آن را در معرض فروش گذاشته اند و مردم برای خرید نان رضوی در فروشگاه های آن همواره در صف ایستاده اند.

امروز نان رضوی یکی از مطلوبترین خوردنیها درآمده و از جمله سوقات مشهد مقدس می باشد. زائران و مسافران در هنگام ترک مشهد از این نان ها خریداری می کنند و برای تبرک به شهر و دیار خود می برند. نان رضوی در انواع گوناگون تولید و به بازار مصرف عرضه می گردد. کارخانه نان رضوی در سال ۱۳۴۶ به منظور تأمین نان مورد نیاز بیمارستان شاهرضا در محوطه بیمارستان با سرمایه گذاری در حدود چهار میلیون ریال تأسیس گردید. در سال ۱۳۵۱ به منظور توسعه کارخانه اقدام به تأسیس شرکت سهامی خاص نان قدس رضوی گردید.

در سال ۱۳۵۳ ظرفیت تولید کارخانه نان رضوی از چهار تن به دوازده تن در روز افزایش یافت و با خرید ماشین آلات و وسائل مختلف کارخانه انواع نانهای سفید

و فائتزی روزانه متجاوز از یکصد و پنجاه هزار واحد نان به تولید و مصرف می‌رسانید. بعد از انقلاب کارخانه نان رضوی به فعالیت‌های خود ادامه داده و پس از تکمیل ساختمان و نصب ماشین آلات با همت متخصصان و کارشناسان و کارگران این واحد صنعتی را به نحو مطلوب راه اندازی کرده‌اند و اینک در دو خط تولید تمام خود کار به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

۵- کارخانه فرش آستان قدس

یکی از مؤسسات آستان قدس رضوی که بعد از انقلاب اسلامی ایجاد گردیده شرکت فرش آستان قدس می‌باشد. این شرکت در قریه کنویست موقوفه آستانه مقدسه فعالیت دارد، و گروهی از فرشباخان، مرد و زن در آنجا به فرشباخی اشتغال دارند.

ساختمان نوبنیاد کارخانه فرشباخی بسیار جالب و دیدنی است و نمای خارجی آن همانند یک فرش مزین گردیده و از دور مانند یک قالی مشاهده می‌شود. این مؤسسه در سال ۱۳۶۰ تحت عنوان «شرکت تهیه و تولید فرش آستان قدس رضوی» به ثبت رسیده و کار خود را آغاز کرده است.

زمینی به مساحت دوازده هزار متر مربع برای کارخانه آماده شده و هزینه ساختمان آن کلا از طرف آستان قدس پرداخت گردیده و در حدود هشت هزار متر مربع بنا دارد و پنج سالن بزرگ و کوچک برای بافتن فرش ساخته شده، و دارای فضای سبز، میدان بازی و استخر شنا می‌باشد.

کارخانه فرش آستان قدس خود طراح و نقشه کش دارد. کارشناسان نقشه‌ها را آماده می‌کنند و به دست بافندگان می‌دهند. مواد اولیه کارخانه در آستانه فراهم می‌شود و پس از تبدیل به نخ در همان جا رنگ آمیزی شده و به کار گرفته می‌شود.

فرشهای حرم و رواقها و اماکن متبرکه کلا در این کارخانه بافته می‌شوند. این شرکت برای مساجد و بقاع متبرکه سایر اماکن در شهرها و ولایات هم سفارش قبول

می‌کند، و اکنون فرش کارخانه آستان قدس رضوی در تعدادی از اماکن مقدسه شهرها و ولایات گسترده شده است.

۶- کارخانه کاشی‌سازی آستان قدس

بارگاه ملکوتی حضرت رضا سلام الله علیه و کلیه اماکن متبرکه با کاشی‌های الوان و رنگارنگ پوشیده شده‌اند، و قدیمی‌ترین آثار در این روضه مبارکه کاشیها می‌باشند که یادگار قرون و اعصار هستند. هنرمندان مخلص با عشق و شور این کاشی‌ها را ساختند و از خود به یادگار گذاشتند.

صنعت کاشی‌سازی در آستان قدس رضوی همواره به عنوان یک هنر ظریف وجود داشته و پیوسته تعدادی استاد و هنرمند در آنجا به این کار ظریف مشغول بودند و رواقها و صحن‌ها را با کاشی‌های گوناگون زینت می‌دادند و سطح ابنیه و ساختمان را می‌پوشیدند.

آستان قدس رضوی بعد از انقلاب در زمین‌های وقفی خود اقدام به بناء یک کارخانه کاشی‌سازی نموده است. این کارخانه هم در دهکده کنویست در حومه مشهد مقدس می‌باشد. کارخانه کاشی‌سازی با تجهیزات و وسائل مورد نیاز انواع و اقسام کاشی تولید می‌کند، و علاوه بر نیازهای آستان قدس سفارشهای مختلف را هم قبول می‌کند.

۷- کارخانه کنسرو سازی آستان قدس

یکی از مؤسسات فعال در مشهد مقدس کارخانه کنسرو و سردخانه آستان قدس می‌باشد و هدف از تأسیس آن حفظ محصولات تره‌بار املاک آستان قدس در مشهد است. میوه‌های باغهای آستانه مقدسه در اینجا نگهداری می‌شوند و به مرور زمان به مصرف می‌رسند.

این کارخانه در سال ۱۳۵۴ در زمینی به مساحت ۲۱ هکتار ایجاد گردید و

ماشین آلات آن از خارج خریداری و به مشهد حمل و نصب گردید. شرکت کنسرو و سردخانه رضوی کلا متعلق به آستان قدس می باشد و در آن انواع کمپوت کنسرو و رب گوجه فرنگی تولید می گردد.

این کارخانه بعد از انقلاب توسعه پیدا کرد و ساختمان آن نوسازی گردیده و در آن عصاره آب میوه طبیعی، عصاره سیب و عصاره انگور هم تهیه می گردد. کلیه مواد اولیه این کارخانه از مزارع و باغهای آستان قدس تأمین می شود و پس از تولید به بازار مصرف عرضه می گردد.

موقوفات درمانی و بهداشتی آستان قدس

قرائن و شواهد تاریخی نشان می دهد که در جوار بارگاه حضرت رضا علیه السلام از زمانهای قدیم شفاخانه و یا دارالشفاء وجود داشته و زائران و ساکنان مشهد در آنجا به اطباء و حکماء مراجعه می کردند، و برای بیماری های خود درمان و دارو دریافت می نمودند و معالجه می شدند.

روایات مستند در این باره از زمان صفویه در دست می باشد، در کتب تاریخی و تذکرها نام طبیب و حکیمی که در آستانه مبارکه بیماران را مداوا می کرده اند آمده است که نمونه آن چنین است.

اسکندر بک ترکمان در عالم آراء آورده است: حکیم عماد الدین محمود که در علم و حکمت و دانشوری و حذاقت مشهور آفاق بود رسالات مرغوب و نسخه های غریب از او در علم طب و ترتیب معاجین و معالجه امراض مزمنه و مواد حاره معتمد علیه اطباء است.

چون شاه جنت مکان در رواج و رونق آستانه مقدسه حضرت امام الانس و الجن باقصی الغایه توجه مرعی داشته، از هر طبقه آن چه بهتر بود به خدمات آن سرکار تعیین می فرمودند او نیز به طبابت سرکار فیض آثار مأمور گشته مدتها در مشهد مقدس

معلى به معالجه مرضى مشغولى داشت.

اعتماد السلطنه گوید: میرزا جعفرخان مشیرالدوله در ماه ذی حجه سال ۱۲۷۷ به عنوان والی و نیابت تولیت وارد مشهد مقدس شد. او در نظم امور خاصه در ضیافت زوار و علماء و شام خدام مساعی جمیله نمود و دارالشفاء سابق را که در جنب مسجد جامع بود و جائی تنگ غیر مناسب متروک داشته و در خیابان علیا به باغ وقفی سرکار فیض آثار مریضخانه بنا نمود.

نوروز علی بسطامی در فردوس التواریخ ضمن حالات میرزا موسی خان نائب التولیه گوید: از آن جمله دارالشفاء مبارکه است که همیشه اوقات جمعی به ساختن دوا و غذا در آن مکان مبارک مشغولند که رنجوران و مریضان و علیلان از غرباء و مجاورین ارض اقدس.

به دستیاری کارکنان آن محفل، شفاترین از طبیب و ناظر و کحال و جراح و بیماردار و پرستار و حافظ و معین در مقام ظاهر نیز علاج امراض و اسقام خود نموده بعد از صرف دوا و غذا از شفابخشای «یامن اسمہ دواء و ذکره شفاء» شفا یابند.

مرحوم مؤتمن در نامه آستان قدس گوید: به طوریکه آثار و قرائن نشان می دهد تقریباً از چهارصد سال پیش موضوع توجه به بهداشت عمومی و رعایت حال مرضای فقیر و زوار در دستگاه آستان قدس رضوی عنوان داشته و دارد و در حدود و امکان وسائل برای رفاه احوال مرضی فراهم ساخته اند.

مرحوم عبدالحمید مولوی در کتاب موقوفات آستان قدس نوشته اند: سرای ناصری در سابق دارالشفای آستان قدس بوده است. ناصرالدین شاه در سفر اول که به مشهد سفر می کند دارالشفای آستان قدس را که در عهد صفویه و نادرشاه در این محل بوده می بیند.

او ایراد می کند که دارالشفاء به مسجد گوهرشاد و بازار و مدارس پریزاد و مدرسه دو درب و مدرسه بالاسر نزدیک است و مناسب نیست. او دستور می دهد

دارالشفاء را به محل دورتری ببرند. در آن زمان عضدالملک متولی بوده و در ضلع جنوبی بالا خیابان دارالشفاء جدید را می‌سازند.

مرحوم مولوی می‌نویسند: مبلغ شصت و شش تومان در آن ایام به عمل دارالشفاء به شرح زیر می‌داده‌اند.

- ۱- عالی جناب حاج ملاحسین ناظر دارالشفاء پانزده تومان.
- ۲- عالی جناب حاج ملاحسین ناظر ادویه و اغذیه پنج تومان
- ۳- عالی جناب میرزا محمد طبیب هفده تومان و پنج قران، دارالشفاء در سال ۱۲۸۱ فقط یک طبیب داشته است.
- ۴- میرزا باقر مشرف دارالشفاء هفت تومان.
- ۵- آقای محمد اسماعیل ده تومان.
- ۶- آقا علی ده تومان.
- ۷- میرزا ابوالقاسم پنج تومان.
- ۸- ملا عبدالرحیم پنج تومان.
- ۹- بیمارداران چهارده تومان، ذکور شش نفر هشت تومان و پنج قران اناث دو نفر پنج تومان و پنج قران، یعنی پرستاران زن و مرد، دارالشفاء آستان قدس در یکصد و پنجاه سال قبل پرستاران زن هم داشته است.

طب جدید در آستان قدس رضوی

طب نوین نخست توسط پزشکان اروپائی به مشهد مقدس آمد. در زمان قاجاریه تعدادی پزشک انگلیسی و روسی برای خدمت در کنسولگریهای این دو دولت و نمایندگیهای بازرگانی آنها در مشهد مقیم شدند. این پزشکان بر طبق روش کشورشان بیماران را درمان می‌کردند و داروهای خود را هم به آنان می‌دادند. این پزشکان باب مراد و ارتباط را با خانواده‌های مشهور مشهد و اعیان این

شهر باز کردند و با آنها رفت و آمد برقرار نمودند، و ضمناً از مزایا و خصوصیات طب فرنگی و داروهای آنجا تعریف و توصیف کردند. از این رو مردم مشهد اندک اندک طب سنتی خود را رها کردند و به پزشکان اروپائی روی آوردند.

در آن زمان افرادی از مشهد برای تحصیل طب به اروپا رفتند و در دانشگاههای آنجا طب فرنگی را فرا گرفتند، و پس از چند سال به مشهد بازگشتند و بیماران خود را به روش پزشکان فرنگی معالجه کردند و طب سنتی ایران را به باد مسخره گرفتند و آن را از میدان بیرون نمودند.

بیمارستان شاهرضا

این مؤسسه بزرگ که اکنون به نام بیمارستان امام رضا علیه السلام نامگذاری شده است، نخستین بیمارستانی است که در مشهد مقدس توسط آستان قدس بنا گردید، و در اختیار مردم مشهد و خراسان و زائران بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام قرار گرفت.

بیمارستان مزبور در سال ۱۳۰۷ در زمان نیابت تولیت محمدرولی خان اسدی پایه‌ریزی شد و ساختمان آن آغاز گردید، و در سال ۱۳۱۳ بهره‌برداری از آن شروع شد و از آن تاریخ دارالشفاء آستان قدس تعطیل و لوازم آن به این بیمارستان تحویل گردید.

بیمارستان در مزرعه الندشت که موقوفه آستان قدس می‌باشد بنا گردید، مساحت کل زمین بیمارستان ۲۱۷۹۰۰ مترمربع می‌باشد و کلاً محاط است و اطراف آن را نرده‌کشی کرده‌اند. این بیمارستان نخست با یکصد تخت شروع به کار کرد و بعد به مرور زمان توسعه پیدا نموده است و امروز یکی از بزرگترین بیمارستانهای مشهد مقدس می‌باشد.

نگارنده گوید: این بیمارستان را نخست شاهرضا نام‌گذاری نمودند، مردم خیال می‌کردند مقصود از شاهرضا شاه پهلوی بوده و از این رو بعد از انقلاب اسلامی نام

آن را عوض کردند. به بیمارستان امام رضا تغییر نام دادند، در صورتیکه این تصور مطابق با واقع و حقیقت نیست.

کلمه «شاهرضا» چند قرن پیش از این به حضرت رضا علیه السلام اطلاق گردیده و این عنوان هم اکنون در کتیبه‌های قدیمی آستان قدس موجود است و مداحان در مشهد همواره در اشعار خود امام رضا علیه السلام را به عنوان شاهرضا یاد می‌کردند و آن را یکی از القاب و عناوین آن جناب می‌دانستند.

بالای در ورودی ساعت بست بالا خیابان، سنگی هلالی نصب گردیده و در آن اشعاری به خط نستعلیق حجاری شده است. از جمله ابیات آن کتیبه این دو بیت می‌باشد.

چون ز دولت سرای شاه رضا یافت این باب زینت دیگر
هاتفی گفت بهر تاریخش بهر فردوس ره بجو زین در
مصراع آخر به حساب ابجد ۱۰۴۴ می‌باشد که هنگام سلطنت شاه صفی صفوی می‌باشد و اکنون حدود چهارصد سال از نصب این کتیبه زیبا می‌گذرد و در آن زمان از امام هشتم به عنوان شاهرضا تعبیر شده است.

بیمارستان منتصریه

یکی از بیمارستانهای درمانی و بهداشتی آستان قدس بیمارستان منتصریه می‌باشد، این بیمارستان در یک زمینی به مساحت ۳۵۰۰ زرع مربع در حاشیه خیابان جنت بنا گردیده و واقف آن بانویی به نام رابعه بوده که در فصل واقفان از خصوصیات آن بحث خواهیم کرد.

این بیمارستان در سال ۱۳۲۷ به آستان قدس واگذار گردید و از آن تاریخ توسط آستانه اداره می‌شود. ساختمان این بیمارستان کهنه و فرسوده بود. آستانه مقدسه رضویه آن را خراب کرد و از نو تجدید بنا نمود، و در سال ۱۳۴۶ مورد بهره‌برداری قرار

گرفت.

جذامی خانه آستان قدس در مشهد

یکی از مؤسسات بهداشتی و درمانی جذامیخانه مشهد بود. این آسایشگاه در زمین وقفی محراب خان واقع در شمال مشهد مقدس قرار داشت. بر اساس اسناد و مدارک آستان قدس این مؤسسه در سال ۱۳۰۳ شمسی به وجود آمده و در اختیار بیماران مبتلا به جذام قرار گرفت.

این جذامیخانه ده‌ها سال به فعالیت‌های خود ادامه داد، تا آنگاه که شهر مشهد توسعه پیدا کرد، و اراضی موقوفه محراب خان به خانه‌های مسکونی تبدیل گردید، و جذامیخانه که سابقاً بیرون شهر بود داخل شهر قرار گرفت، از این جهت جذامیخانه را از آنجا به یکی از دهات بجنورد بردند.

سازمان‌های درمانی آستان قدس بعد از انقلاب

کارگزاران و متصدیان آستانه مقدسه بعد از انقلاب اسلامی بار دیگر در فکر احیاء عنوان «دارالشفاء رضوی» برآمدند، و ساختمانی را در بست پائین خیابان که متصل به اماکن متبرکه می‌باشد به این کار اختصاص دادند، و این نام قدیمی را بار دیگر در مقابل مردم قرار دادند.

کار بسیار خوبی که آستان مقدس رضوی انجام داد این است که این مؤسسه در کنار اماکن متبرکه می‌باشد، دارالشفاء و یا به اصطلاح گذشتگان شفاخانه امام رضا علیه السلام همواره در جوار حرم مطهر بوده و زائران به راحتی از آن استفاده می‌کردند.

در دارالشفاء بخشهای اطفال، کوش، حلق، اعصاب، پوست، بیماریهای زنان، دندان پزشکی و عکسبرداری تأسیس گردیده و در دو وقت صبح و عصر به خدمات خود ادامه می‌دهد، و بودجه آن هم از محل نذورات پرداخت می‌گردد و نیازهای

درمانگاه را برطرف می‌سازد.

داروخانه امام رضا علیه السلام

یکی از سازمانهای درمانی آستان قدس رضوی که بعد از انقلاب ایجاد گردیده داروخانه امام می‌باشد. این داروخانه در کنار بیمارستان امام رضا قرار گرفته و یکی از مراکز فعال در امر دارو می‌باشد که روزی صدها نفر نیازهای داروئی خود را از آنجا به دست می‌آورند.

داروخانه امام اساسنامه‌ای دارد که اهداف آن را مشخص می‌کند و وظائف خود را بر اساس آن انجام می‌دهد. از جمله کارهای این مؤسسه ارائه خدمات و اطلاعات داروئی به پزشکان و داروسازان می‌باشد و دانشجویان داروسازی دوره کارآموزی خود را در اینجا می‌گذرانند.

موقوفات امدادی آستان قدس

همان گونه که از عنوان آن پیداست وظائف این مؤسسه کمک و یاری رساندن به زائران مرقده امام رضا علیه السلام می‌باشد، و اهداف آن از قرار ذیل می‌باشد:

۱- کمک به زائران بیمار که برای آنها دارو تهیه می‌گردد و به پزشکان معرفی می‌شوند.

۲- افرادی که جیب آنها در اماکن متبرکه و یا خیابانها و معابر شهر توسط جیب‌برها و یا سارقان ربوده می‌شود. در اینجا آستان قدس به آنها کمک می‌کند و مخارج آنها را تأمین می‌نماید و پس از زیارت بلیط برای بازگشت در اختیار آنها قرار می‌دهد.

۳- کسانی که به عللی هزینه سفر آنها تمام می‌شود آستان قدس برای آنها بلیط فراهم می‌کند تا به وطن خود مراجعت کنند.

۴- به طور کلی هر مشکلی که برای زائران پدید آید، آستان قدس رضوی در رفع مشکل آنها می‌کوشد.

۵- آستان قدس رضوی به خانواده‌های کم درآمد کمکهای بلاعوض و یا قرض الحسنه می‌دهد و از مستمندان دستگیری می‌کند، ضمناً آستان قدس رضوی با راه‌آهن و شرکت‌های مسافربری قراری دارد و مسافران و زائران تهیدست را به شهرها و ولایات خودشان می‌رساند.

مهمان سرای آستان قدس رضوی

یکی از سازمانهای وابسته به آستان قدس رضوی «مهمان سرای» حضرت رضا (ع) است. پذیرائی از زائران در آستان قدس سابقه طولانی دارد و این سنت از قرن‌ها قبل در آن روضه مبارکه معمول بوده است، و در آن زمان آن را دارالضیافه و یا مضيف خانه می‌گفتند.

در زمان‌های گذشته گروهی از مردم نذر می‌کردند اگر خداوند حاجت مرا برآورد من گوسفند و یا گوسفندانی را به مشهد می‌برم و در آنجا ذبح می‌کنم و به زائران می‌دهم. بعضی هم با تشکیل مجالس ذکر مصیبت و یا جشن و سرور مردم را اطعام می‌کردند، و بعضی هم گوسفندهای نذری خود را به دارالضیافه می‌دادند.

اما اکنون امکان اینکه زائران خود گوسفند را بکشند و در میان زائران تقسیم کنند وجود ندارد. از این رو گوسفندهای نذری را به مهمانسرا می‌دهند و مهمان سرا گوسفندها را ذبح کرده و به صورت غذای نهار و شام به زائران می‌دهد و صاحبان نذر را هم به مهمانسرا دعوت می‌کند.

نوروز علی بسطامی می‌گوید: در مطبخ سرکار فیض آثار جمعی از کارکنان و طبّاخان مشغول ساختن اطعمه و اشربه می‌باشند که آنچه از فقرا و مساکین از صادر و واردین ارض فیض قرین که بشرف عتبه بوسی آن حضرت مشرف می‌شوند به انواع

مطعومات و مشروبات متلذذ شوند.

در حالات جعفرخان مشیرالدوله نوشته است: مقرر فرمودند: که در مطبخ سرکار فیض آثار زائران را در مهمانخانه مبارکه به قاعده در وقت هر مغرب از خان نعمت آن حضرت کامیاب سازند و هر یک از علماء و سادات و صاحبان شرف و مجد که به زیارت مشرف می‌شوند به ضیافت خاصه که دربانان خان طعام را از مطبخ سرکار به منازل ایشان ببرند.

در کتاب منتخب التواریخ گوید: مهمانخانه حضرتی در بست بالا خیابان است که همه روزه مقدار قابلی برنج طبخ می‌شود و برای زوار حضرت رضا علیه السلام آماده می‌گردد. خصوصاً در زمان تولیت آقای اسدی که ایشان مهمانخانه را تغییر قابل کردند و غذا هم در کمال نظافت به زوار امام رضا علیه السلام می‌رسید.

در مطلع الشمس گوید: در سال ۱۰۲۰ محمدولی خان از یک عازم ایران شد و از راه مرو به مشهد آمد. حاکم مشهد با قشون پیاده و سواره در بیرون مشهد از خان استقبال کرد. او بعد از ورود به حرم مطهر مشرف شد، او را به دارالسیاده بردند و از کارخانه حضرت او را طعام دادند، او بعد از چند روز به اصفهان رفت.

در جای دیگری از این کتاب می‌نویسد در سال ۱۱۰۷ سلطان اکبر ولد اورنگ زیب پادشاه هندوستان که در اصفهان به سر می‌برد قصد مراجعت به هند کرد و از طریق مشهد مقدس عازم هند شد و روز عرفه وارد طرق گردید و شب به طور ناشناس وارد حرم مطهر گردید و امام را زیارت کرد و بعد در گنبد الله وردی خان که دارالضیافه حضرت امام همام است شیلانی برای او کشیدند.

در کتاب آثار الرضویه آمده: اجناسی که برای غذای روزانه ذکر شده بدین قرار است: برنج سی من، روغن شش من، نمک سه من، پیاز سه من، نخود چهار من، فلفل سه سیر، ادویه سه سیر، زعفران سه مثقال.

در سفرنامه ناصرالدین شاه آمده است در مسافرت سال ۱۲۸۳ شاه بعد از

تشرف به حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام برای صرف نهار که در کارخانه مخصوص حضرت فیض آثار آماده و مهیا ساخته بودند به گنبد الله وردی خان تشریف بردند. بطوریکه از اسناد آستان قدس معلوم می‌گردد سابقاً غذاهای زوار در محلی طبخ می‌شد و غذای خدام و کارگزاران آستان قدس در جای دیگر ولی از سال ۱۳۰۸ به بعد آشپزخانه اختصاصی خدمه تعطیل گردید و در یک مطبخ برای زائران و مهمانان و خادمان غذا طبخ می‌شود و این سنت همچنان باقی است.

بطور کلی مهمان سرای آستان قدس رضوی در تمام ایام سال و شب و روز از زائران و مهمانان پذیرائی می‌کند. در این مکان سفره اطعام گسترده است، از ضعیف و شریف، پیر و جوان، زن و مرد، عرب و عجم و طبقات مختلف طبق برنامه از غذاهای آن استفاده می‌کنند.

زائران با خوردن غذا در مهمانخانه حضرت رضا علیه السلام از خداوند برای خود شفا طلب می‌کنند و برای بیماران خود به خارج از مهمانخانه هم می‌برند تا آنها با خوردن غذای امام شفا پیدا کنند و گروهی از زائران هم باقی مانده غذاها را برای تبرک به خارج مهمانخانه می‌برند.

البته تعداد زائران و مهمانان نسبت به تغییر فصول سال متفاوت است. در زمستانها تعداد زائران کم می‌باشد و در ایام تابستان و یا روزهای زیارتی تعداد زائران بیشتر می‌گردد. نوع غذا و خوراکیها هم با تغییر فصول سال تغییر پیدا می‌کند و مناسبت‌ها رعایت می‌شود.

مهمانخانه حضرت رضا علیه السلام اکنون سال ۱۳۷۷ شمسی در قسمت شمالی بست پائین خیابان قرار دارد و در یک ساختمان سه طبقه با وسائل و امکانات مجهز، آماده پذیرائی از زائران و مهمانان می‌باشد. کشتار گوسفند در محل انجام می‌گردد و اداره بهداشت بر ذبح گوسفندان نظارت دارد.

مهمانسرا بلیط‌ها را خود توزیع می‌کند و با مراجعه به هتل‌ها و مسافرخانه‌ها

بلیط در اختیار زائران قرار می‌دهد و زائران طبق برنامه به مهمان‌خانه مراجعه می‌کنند و پس از ارائه بلیط وارد مهمان‌خانه می‌شوند و غذای خود را صرف می‌کنند. مهمانسرای رضوی زائران خارجی را بر زائران داخلی مقدم می‌دارد و حق اولویت را به آنان می‌دهد.

مرحوم عبدالحمید مولوی در کتاب موقوفات آستان قدس درباره کارگزاران و حقوق بگیران مهمانسرای آستان قدس در سال ۱۲۸۰ قمری مطالبی ذکر کرده‌اند که اکنون به نظر خوانندگان می‌رسد.

۱- عالی‌جناب میرزا محمدتقی مشرف که بازرس کارخانه زواری بوده سالی پنجاه تومان.

۲- آقای سید محمد روضه خان که در مهمان‌خانه روضه می‌خوانده سالی پانزده تومان.

۳- کربلانی علی اکبر طبابخ که برای زوار شام و نهار تهیه می‌کرده سالی هفت تومان و پنج قران.

۴- استاد محمدعلی طبابخ شام زوار سالی هشت تومان و پنج قران.

۵- سید قاسم شاگرد پانزده قران.

۶- کربلانی جعفر شربت‌دار که موقع غذا خوردن قدح شربت و دوغ را در دست داشته و به زائران می‌داده است پانزده قران، درآمد حمام شاه و دکاکین آن وقف شربت‌خانه زوار آستان قدس بوده است.

۷- آقا محمدعلی ایاغچی که در مهمانسرا کار می‌کرده و گوشت و وسائل آشپزخانه را فراهم می‌کرده یک تومان.

۸- کربلانی حسن فراش که شام و نهار را از آشپزخانه می‌آورده و سر سفره می‌برده یک تومان.

۹- کربلانی علی اکبر دربان که مردم را از ورود به مهمان‌خانه منع می‌کرده یک

تومان.

۱۰- سقای شام زوار که برای زوار و خدمه آب می آورده سالی شش تومان.

مستغلات وقفی آستان قدس

روضه مبارکه رضویه در مشهد مقدس مستغلات زیادی داشته و دارد. این مستغلات عبارتند از منازل، مسافرخانه، مغازه، سراهای تجارتنی، بازار، بازارچه، تیمچه، پاساژ، آپارتمان و هر نوع ساختمانی که از آن استفاده شود و مال الاجاره دریافت گردد.

آستان قدس رضوی در محدوده حرم مطهر مستغلات زیادی داشت که نام آنها در اسناد و مدارک وقفی آمده و در کتابهای تاریخی ثبت گردیده است. ولی همه آنها در تخریب سال ۱۳۵۴ ویران شدند و تعدادی هم در توسعه حریم حرم که بعد از انقلاب مورد عمل قرار گرفته تخریب شده اند.

آستان قدس به علت داشتن زمین های زیادی در مشهد و حومه از سالها قبل اقدام به ساختمان مجتمع های مسکونی و شهرک سازی نموده، در این مجتمع ها واحدهای مختلفی از نظر مساحت و تعداد اطاقها بنا گردیده و در اختیار مردم قرار گرفته است و اکنون به تعدادی از آنها اشاره می شود:

شهرک بیلدر

آستان قدس در این ناحیه خوش آب و هوا تعدادی کارگر و زارع دارد و در اینجا بعد از انقلاب اقدام به ساختن تعدادی واحدهای مسکونی نموده است. مساحت هر خانه ۱۵۰ متر با هفتاد متر زیر بنا می باشد و این خانه ها را در اختیار کارگران و کشاورزان گذاشته است.

شهرک ابوذر

این شهرک در کنار جاده آسیائی در جنوب مشهد می باشد. آستان قدس در اینجا تعدادی آپارتمان ساخته، و چند واحد ویلائی هم بنا کرده است. در این شهرک مدرسه و مسجد هم برای ساکنان آن بنا گردیده است و منازل کوی ابوذر دو اطاقی و سه اطاقی می باشند.

شهرک معلولین

افراد معلول قبلا در آسایشگاه زندگی می کردند. آستان مقدس رضوی برای آنها خانه های مسکونی بنا کرد تا بتوانند همراه خانواده خود در آنجا زندگی کنند. خانه های شهرک معلولین هر کدام ۱۶۵ متر مربع مساحت دارد و هرکدام دو اطاق با هال و آشپزخانه و حمام دارند. این منازل طوری ساخته شده اند که معلولان بتوانند با چرخهای خود از آنها استفاده نمایند.

شهرک رضوی

این شهرک در جاده سرخس بنا گردیده، و در زمینی به مساحت سی هزار متر مربع منازل مسکونی ساخته شده است. بنای این مجموعه ۹۷۲۲ متر مربع که در دو تیپ ۹۶ و ۸۶ متر مربعی احداث شده و کلاً ۱۳۷۲۴ متر مربع حیات سازی گردیده است.

مجموعه مسکونی شهید مدرس

این مجموعه در سی و دو هزار متر زمین احداث شده و در حاشیه بلوار شهید رستمی قرار دارد. این مجموعه بیست هزار متر مربع فضای سبز و دارای سی و سه هزار و چهارصد متر مربع بنا می باشد. کل مجموعه شامل ۳۵ بلوک شش واحدی هست و به

همه وسائل مجهز می باشد.

مجموعه مسکونی کنویست

این مجموعه در زمینی به مساحت شصت و سه هزار و ششصد متر مربع شامل ۱۴۳ واحد مسکونی و ویلانی احداث گردیده، مساحت زیربنای هر واحد از ۹۰ متر تا ۱۲۰ متر مربع می باشد و مساحت زیربنای مجموعه ۱۴۱۹۲ مترمربع است، این مجموعه به افراد کم درآمد واگذار گردیده است.

مجموعه مسکونی بلوار سجاد

این مجموعه در قطعه زمینی واقع در جنوب غربی تقاطع بلوار سجاد و خیام احداث شده است. مساحت زمین این مجموعه ۲۲۱۷ مترمربع شامل ۲۴ واحد مسکونی است واحدهای مزبور که در سه طبقه طراحی گردیده دارای پارکینگ و تأسیسات می باشد.

مجموعه مسکونی محمدآباد

از کارهای آستان قدس ساختن آپارتمان در محمدآباد مشهد می باشد. این مجتمع در زمینی به مساحت ۳۲۳۳۳ مترمربع در امتداد کوی کارمندان و حاشیه بلوار مصلی قرار دارد. مساحت کل ۲۴۶۶۵ مترمربع در چهار طبقه می باشد. در این مجتمع فروشگاه و مهد کودک و زمین بازی تهیه شده است.

مجتمع مسکونی فردوسی

این مجتمع در نزدیک فلکه فردوسی مشهد مقدس بنا گردیده و سطح متوسط زیربنای هر واحد آن ۳۵۰ مترمربع می باشد. کلیه ساختمانها با آجر سفال چیده شده

است.

مجتمع مسکونی بلوار تلویزیون

در غرب مشهد مقدس در نزدیک تلویزیون یک مجموعه آپارتمانی شامل ۱۱۰ واحد دو اتاقه در زمینی به مساحت پنج هزار مترمربع در چهار طبقه ساخته شده و جمعا نوزده هزار مترمربع زیربنا دارد و جهت ساکنان این مجموعه مسجد هم ساخته شده است.

آستان قدس رضوی غیر از این مجموعه‌هایی که از نظر خوانندگان گذشت واحدهای متفرقه‌ای هم در گوشه و کنار مشهد مقدس و حومه دارد که ذکر همه آنها در اینجا موجب تطویل می‌شود و همچنین ذکر خصوصیات هر یک از بازارها و اماکن تجارتي و یا منازل مسکونی در این مقال ممکن نیست.

بناء مساجد، مدارس و مقابر

آستان قدس از محل موقوفات و درآمد خود در گوشه و کنار کشور اقدام به ساخت مسجد و مدرسه نموده و تعدادی از مزارات و مقابر را تعمیر و تجدید بنا کرده است. از آن جمله مقبره مرحوم مدرس می‌باشد که در شهر کاشمر با هزینه آستان مقدسه رضویه بنا گردیده است.

مقبره مرحوم مدرس در حدود نهصد متر زیربنا دارد و در وسط آن یک صحن ساخته شده است. در اطراف مقبره چهار رواق بنا گردیده و در هر طرفی یک ایوان قرار گرفته، رواق وسط روی مقبره شکلی گنبدی دارد و از سطح زمین هفده متر ارتفاع و نمای آن کاملاً سنتی و با کاشی و آجر پوشیده شده است.

آستان قدس در شهر گناباد یک مدرسه علمیه بنا کرده که طلاب علوم در آن تحصیل می‌کنند. این مدرسه در دو طبقه بنا گردیده و دارای ۳۵ حجره و مدرس

می‌باشد. این مدرسه با سالن غذاخوری، آشپزخانه، رختشوی خانه و وسائل بهداشتی مجهز می‌باشد و دو هزار و نهصد متر زیر بنا دارد.

یکی از کارهای آستان قدس بعد از انقلاب بازسازی مرقد امامزاده حسن در طبس می‌باشد. این بنا دو هزار مترمربع است. ساختمان این مقبره در سال ۱۳۵۹ شروع گردید، و در اطراف آن چهار ایوان ساخته شده و پس از اتمام ضریحی هم از طرف آستان قدس برای آن تهیه گردید.

از جمله کارهای آستان قدس بازسازی شهر هویزه می‌باشد، که در هنگام جنگ به کلی ویران شده بود. یکی از کارهای بزرگ آستان قدس در امور شهرسازی بناء شهر جدید هویزه با تمام امکانات و وسائل شهری است. ما درباره بناء هویزه در تاریخ آستان قدس رضوی به تفصیل بحث کرده‌ایم.

فهرست واقفان مشهد مقدس

ما در این فصل نام کسانی را که در مشهد مقدس رضوی در طول تاریخ موقوفه‌ای از خود به جای گذاشته‌اند ذکر می‌کنیم، و این موقوفات عبارتند از مساجد، مدارس، حسینیه‌ها، کتابخانه‌ها، بیمارستانها، آب انبارها، رباطها و کلیه مؤسسات عام المنفعه که شود آنها به همگان می‌رسد.

ما این اسامی را از اسناد و مدارک و کتب تاریخی و تذکره‌ها استخراج کرده‌ایم و صورت رقبات وقفی را هم در اینجا خواهیم آورد. اگرچه بسیاری از آن رقبات اکنون وجود ندارند، و در مسیر تاریخ به عللی از بین رفته‌اند ما این اسامی را به صورت الفبائی تنظیم کرده‌ایم تا به سهولت از آنها استفاده شود.

در این فهرست که به نظر خوانندگان می‌رسد، تعدادی مدرسه بنا کرده‌اند و جمعی مسجد و حسینیه ساخته‌اند. گروهی رواق و صحن در حوزه اماکن متبرکه بنا نموده‌اند. تعدادی هم کاریز و آب انبار احداث کرده‌اند، و بعضی هم کارهای درمانی و

بهداشتی انجام داده‌اند.

۱- آصف الدوله

اللهیارخان آصف الدوله صدراعظم فتحعلی شاه قاجار بود. او در زمان محمدشاه قاجار حاکم خراسان شد. وی هنگام اقامت در مشهد مقدس کاریزی برای چهارباغ حفر کرد، و این کاریز سالها جریان داشت و بعد در اثر حفر چاه عمیق در مجاورت آن خشک گردید.

۲- آغچه

آغچه نام یکی از بانوان عصر تیموری می‌باشد. این بانو در مشهد مقدس رضوی بازارچه‌ای درست کرده بود، این بازارچه از موقوفات آستان قدس رضوی بشمار می‌رفت. در این بازارچه گرمابه‌ای هم بود که آن را حمام آغچه می‌گفتند. این بازارچه و حمام در سال ۱۳۵۴ ویران گردید.

۳- ابوالحسن صاحب نسق

او یکی از کارگزاران آستان قدس رضوی بوده است، وی در سال ۱۱۲۹ نصف قریه شیرین در زاب را وقف ایتام سادات نمود. دهکده شیرین یکی از آبادیهای مهم در زاب بوده است.

۴- اسماعیل خان

ظاهراً این واقف از اهل شهرستان خوی آذربایجان بوده است. او در سال ۱۳۰۸ قمری ششدانگ مزرعه زاغه را که در دو فرسنگی خوی می‌باشد به آستانه مقدسه رضویه وقف کرده است.

۵- اسماعیل

این واقف ظاهراً از اهل قوچان بوده، او در سال ۱۲۵۱ هـ سهم از یکصد و چهار سهم مزرعه حسین آباد قوچان را وقف آستان قدس رضوی نموده است.

۶- الله وردی خان گرجی

او در زمان شاه عباس حاکم فارس بود. او دهکده دوله را که در شمال مشهد مقدس می باشد وقف آستانه مقدسه رضویه نمود.

۷- امام وردی خان

او از عشیره بیات نیشابور بوده است. امام وردی خان سه رقبه وقفی به نام نجف آباد، و سنجلیه و باغ آن و محمدآباد را در اطراف نیشابور وقف آستان قدس کرده است.

۸- امی خانم

او دختر بهاءالدین ابردهی بوده است. این بانو در سال ۱۳۳۳ قمری ملکی را وقف آستان قدس کرده است.

۹- انیس الدوله

او یکی از همسران ناصرالدین شاه بود، و ناصرالدین شاه بسیار به وی علاقه داشت و یکی از زنان مشهور عصر خود به شمار می رفت. انیس الدوله در مشهد مقدس یک سوم بازار زرگرها را خریداری کرد و به آستان مقدسه وقف نمود و درآمد آن را به روضه خوانی در اماکن متبرکه و روشنائی و تنظیف درب نقره که خود آن را نصب کرده

بود اختصاص داد.

این بازار بین صحن عتیق و جدید قرار داشت و تعدادی مغازه هم در آنجا بود. این بازار در سال ۱۳۵۴ تخریب گردید و ارتباط دو صحن قدیم و جدید قطع گردید. کسبه این بازار انگشت فروش بودند و یکی از بازارهای معروف در حوزه اماکن متبرکه به شمار می‌رفت.

۱۰- باباخان معتمدالتولیه

او یکی از رجال مشهد و کارگذاران آستان قدس بوده است. باباخان یک زوج از مزرعه اسماعیل آباد میان ولایت را وقف مکتب‌خانه ایتام سادات و حافظ مزار برادر خود میرزارحیم مستوفی نمود.

۱۱- باقر سمنانی

او یکی از خادمان روضه مبارکه رضویه بود. وی یک زوج و فرد از خین چماقی میان ولایت و همچنین یک باب خانه در مشهد وقف روضه خوانی کرد و مقرر داشت که در کشیک‌خانه خدام درلیالی کشیک ثانی صرف چائی شود.

۱۲- بهاءالدین

او یکی از واقفان عصر خود بوده و املاکی به آستان قدس وقف کرده است. وی دهکده محمدآباد را که در خارج دروازه نوقان بود و آن را محمدآباد سه گوشه می‌گفتند وقف کرد. او موقوفه‌ای دیگر هم به نام باغو که آن را کلاته مؤذنها می‌گفتند وقف کرده است.

او درآمد موقوفه باغورا به حقوق مؤذنان آستان قدس اختصاص داده است ولی درآمد محمدآباد را پنج قسمت کرده، چهار بخش آن را به طلاب علوم دینی اختصاص

داده و یک قسمت آن هم باید به مصرف غذای زائران برسد.

۱۳- بیک آغا خانم

این بانو که از خصوصیات و زندگی او اطلاعی در دست نیست ظاهراً از اهل قزوین بوده است. وی در سال ۹۹۷ قریه سلیمان آباد را که در منطقه بهاریات قزوین بوده به آستان قدس رضوی وقف کرده است.

۱۴- جان خانم

او در سال ۱۲۶۶ شش دانگ سرده را در نیشابور وقف روضه منوره رضویه کرده است.

۱۵- جعفرخان بک

او در سال ۱۱۷۲ یک دانگ از شش دانگ دهکده ادک را در نیشابور وقف آستان قدس رضوی نموده است.

۱۶- جعفرقلی میر شکار باشی

او یکی از رجال زمان حکومت صفویه بود. جعفرقلی در سال ۱۱۲۵ در مشهد مقدس آسیابی ساخت. این آسیاب در بالاخیابان و در مدخل شهر مقدس مشهد قرار داشت و از آب نهر خیابان که از چشمه کلاس به طرف مشهد جریان داشت کار می کرد. در این آسیاب دو سنگ کار گذاشته بودند. آب نهر زیاد بود و هر دو سنگ را به گردش در می آورد. جعفرقلی میر شکار باشی درآمد این آسیاب را وقف مصارف آستان قدس کرده بود و آسیاب تا سال ۱۳۰۷ خورشیدی هم دایر بود و بعد از آن از رونق افتاده و اکنون اثری از آن نیست.

۱۷- جعفرقلی میرزا

ظاهراً این شخص از شاهزادگان مقیم مشهد مقدس بوده است. وی شش دانگ از مزرعه عاشقان و ربع مزرعه خارستانک را که در منطقه میان ولایت مشهد می‌باشند وقف آستان قدس نموده است.

۱۸- جعفر مازندرانی

او در سال ۱۳۱۲ قمری ده جریب شالی‌زار را در ساری وقف آستان قدس رضوی نموده است.

۱۹- جمالی قزوینی

بطوری که از اسناد و مدارک معلوم می‌شود، آقا جمالی قزوینی مزرعه‌ای را در قزوین وقف آستانه مقدسه کرده بود، و در زمان واقف مزرعه در خارج شهر قزوین بوده است. واقف مقرر کرده که درآمد مزرعه صرف روشنائی حرم مطهر شود. این موقوفه که در آستان قدس رضوی به نام «موقوفه آقا جمالی» معروف بوده در اثر توسعه شهر قزوین اکنون داخل شهر قرار گرفته و موقعیت خوبی پیدا کرده است.

۲۰- حبیب رشتی

حاج میرزا حبیب‌الله رشتی ولد مرحوم حاج حسن خان قاجار در سال ۱۲۹۴ شش دانگ منزل خود را در مشهد وقف جناب سیدالشهداء (علیه السلام) نموده و مقرر داشته که درآمد آن صرف روضه خوانی در شبهای جمعه شود.

۲۱- حسام‌الدین

او در سال ۹۳۸ دهکده احمدآباد را به آستان قدس رضوی وقف کرده و از حالات او اطلاعی در دست نیست.

۲۲- حسن امین‌الرعا یا

حاج ملا میرزا حسن امین‌الرعا یا از آستان قدس درخواست کرد او را به عنوان خادمی روضه مبارکه رضویه قبول کنند، پس از قبولی او هم یک ربع اسماعیل‌آباد کاشمر را وقف آستانه مقدسه کرد که در زمان ناصرالدین شاه سالی پنجاه تومان درآمد داشته است.

۲۳- حسنقلی خان میرپنج

او در سال ۱۲۷۶ دو باب دکان قصابی و غلاف سازی واقع در بازار سرشور را وقف کرده است.

۲۴- میرزا حسین

او در سال ۱۲۸۵ در حاجی‌آباد یک طاحونه وقف کرده و در گل مکان هم یک ثلث از یک زوج و پنج سهم نیز از قنات درویش بک را وقف کرده است.

۲۴- سید حسین

او در سال ۱۳۱۵ قمری ثلث مهدی‌آباد نیشابور را وقف آستان قدس نموده است.

۲۵- حسین تاجر سبزواری

او در سال ۱۳۱۶ قمری یک شبانه روز از حسین آباد ابارش را در نزدیک سبزواری وقف آستان مقدس رضوی کرده است.

۲۶- حسین خان شجاع الدوله قوچانی

امیر حسین خان شجاع الدوله حاکم قوچان و ایلخانی ایل زعفرانلو رقباتی به آستان قدس رضوی وقف کرده است که از آن جمله حسین آباد جنگل نیشابور دو ثلث، شاه فیل میان ولایت دوزوج، محمدیه و کلاته میان ولایت چهار زوج، جوقان چناران دوزوج و شش دانگ قهرمان آباد اسفراین در آمد این املاک را اختصاص به حفاظ پائین پای مبارک و نهار خدام و مصارف دیگر قرار داده است. حسین آباد جنگل از دهستان عشق آباد بخش فدیشه شهرستان نیشابور است.

۲۷- حسین جوینی

میرزا حسین جوینی در سال ۱۲۲۹ قمری یک سهم از چهارده سهم رودبار شاداج را وقف آستان قدس کرده است.

۲۸- حسین خان شاهسون

حسین خان شاهسون نظام الدوله که مدتی در مشهد والی خراسان بود، یکی از رجال عهد قاجاریه می باشد. او بحرآباد نیشابور و نصف محمدآباد تبادکان را وقف زائران آستان قدس نمود.

۲۹- حسینقلی بک

او در سال ۱۲۵۹ باغ بیرم آباد را که در نیم فرسخی کرمان می باشد با تمام

عمارات و ابنیه و حمام و مزرعه به آستان قدس رضوی وقف کرده است.

۳۰- حسین ملک

مرحوم حاج حسین ملک یکی از افراد خوش ذوق و صاحب اندیشه در تاریخ معاصر بود. او از مردان موفق و رجال دانشمند و دانش دوست و متمکن و ثروتمند به شمار می‌رفت او از پدران خود املاک و مستغلات زیادی در خراسان و تهران به ارث برده بود.

مرحوم ملک از مال و ثروت خود استفاده کرد و با وقف آنها زندگی جاوید برای خویشان فراهم نمود. آثار فرهنگی به جای مانده از او نام وی را در جهان زنده نگهداشته و خیرات و مبرات او عمر جاودان به او بخشیده و در زمره نیکوکاران ثبت کرده است.

ما درباره خدمات فرهنگی و اجتماعی او در تاریخ آستان قدس رضوی به مناسبت‌هایی یاد کرده‌ایم، و در این فصل هم درباره موقوفات آن مرحوم به طور اختصار بحث می‌کنیم و از خصوصیات و مزایای موقوفات ملک اطلاعاتی در اختیار خوانندگان قرار می‌دهیم.

مرحوم ملک کلیه املاک و مستغلات و دارائیهای خود را در خراسان و تهران طی هفت وقفنامه به آستان قدس رضوی وقف کرده و مصارف آنها را هم معین نموده است. وقفنامه‌های آن مرحوم در حیات خودش در یک کتابچه به چاپ رسیده است.

وقفنامه اول که در تاریخ ۱۳۱۶/۸/۶ شمسی تنظیم گردیده و به شماره ۸۱۹۴ در دفتر اسناد رسمی ۲۸ تهران به ثبت رسیده مربوط به کتابخانه ملی ملک در تهران می‌باشد. این کتابخانه در خانه شخصی آن مرحوم در بازار بین‌الحرمین تهران قرار داشت.

از آنجا که این ساختمان فرسوده شده و در منطقه تجارتي بازار تهران قرار

داشت و مسئولان و متصدیان موقوفات ملک در آستان قدس رضوی تصمیم گرفتند جای آن را تغییر دهند و ساختمانی جدید برای کتابخانه ملی ملک از نو بنا کنند. از این رو در زمینی به مساحت ۵۱۲۰ مترمربع در نزدیک وزارت امور خارجه و کنار موزه ایران باستان که متعلق به واقف بود و قبلاً از طرف او برای کتابخانه وقف شده بود، ساختمانی بنا گردید. این بنا ۹۰۰۰ مترمربع زیربنا دارد و یکی از زیباترین بناها می باشد.

بخش کتابخانه با زیربنای حدود ۳۵۰۰ مترمربع دارای دو سالن قرائت خانه خواهران و برادران و محققین و بخش اداری و مخازن کتاب می باشد و دارای سه مخزن کتاب در سه طبقه هر طبقه ۴۰۰ مترمربع می باشد که می تواند حدود ۳۰۰ هزار کتاب را در خود جای دهد.

بخش موزه با زیربنای ۵۰۰۰ مترمربع شامل هشت سالن موزه می باشد که سالنها بنا به موضوع مجموعه انتخاب و طراحی شده اند و هریک از اشیاء موزه به حسب موضوع در سالن مخصوص چیده شده و از هم تفکیک گردیده است. این ساختمان که براساس معماری اصیل ایرانی شکل گرفته در باغ ملی تهران که در مرکز شهر قرار دارد و از اماکن قدیم تهران به شمار می رود بنا گردیده. این بنا با سر درب مقرنس و کاشی های معرق و خطاطی و هنرمندی جلب توجه می کند و همگان را به طرف خود جذب می نماید.

کتابخانه ملی ملک که اکنون موقوفه آستان قدس رضوی می باشد، دارای ۳۱۳۰۰ مجلد کتاب چاپی و ۳۶۰۰ مجلد کتاب به زبانهای فرانسه، انگلیسی، ایتالیائی و آلمانی و دارای ۶۵۳۷ مجلد نسخه خطی است که فهرست شده و در اختیار دانشمندان و محققان قرار گرفته است.

وقفنامه دوم، این وقفنامه در سال ۱۳۳۰ شمسی به شماره ۸۷۱۰ در دفتر اسناد رسمی شماره ۷۷ حوزه تهران به ثبت رسیده است در این وقفنامه تعداد ۲۰ رقبه املاک

در خراسان و پنج رقبه در تهران وقف گردیده و مصارف آن هم معین شده است. وقفنامه سوم در سال ۱۳۲۳ به شماره ۶۶۶۸ در دفترخانه اسناد رسمی ۴۰ حوزه تهران به ثبت رسیده و در آن یک قطعه زمین در باغ ملی تهران برای کتابخانه وقف گردیده است، و اکنون کتابخانه ملک در همین زمین که ساختمان شده است قرار دارد. وقفنامه چهارم به شماره ۷۴۷۳ در دفتر اسناد رسمی ۳۱ حوزه تهران در تاریخ ۱۳۲۵/۱۲/۱۰ به ثبت رسیده و در این وقفنامه ۱۳ رقبه از املاک خود را در فریمان وقف کتابخانه کرده، و مصارف آنها را به کتابخانه خود کتابخانه ملی ملک اختصاص داده‌اند.

وقفنامه پنجم، این وقفنامه در سال ۱۳۳۱ تنظیم گردیده و در دفتر اسناد رسمی شماره ۷۷ حوزه تهران به ثبت رسیده است. در این وقفنامه مرحوم ملک سه رقبه از املاک خود را در تربت جام وقف نموده و مصارف آن را هم معین کرده است. وقفنامه ششم در تاریخ ۱۳۳۴/۷/۶ تنظیم گردیده و به شماره ۴۶۰۵۵ در دفتر اسناد رسمی شماه ۶ حوزه مشهد ثبت گردیده است. مرحوم ملک در این وقفنامه شش قطعه از املاک خود را در خراسان وقف کرده و مقرر داشته نصف درآمد آن صرف کتابخانه ملی ملک و نصف دیگر به مصرف بهداری رضوی چناران برسد. وقفنامه هفتم در تاریخ ۱۳۴۰/۳/۲۷ خورشیدی تنظیم گردیده و به شماره ۵۱۳۴۸ در دفترخانه شماره ۶ مشهد به ثبت رسیده است. مرحوم ملک در این وقفنامه ۱۵ قطعه از املاک خود را در خراسان وقف روضه مبارکه رضویه نموده و مصارف آنها را هم معین کرده است.

دفتر موقوفات ملک

موقوفات مرحوم حاج حسین ملک در آستان قدس رضوی یک دفتر ویژه دارد و جدا از سایر موقوفات آستانه رضویه زیر نظر یک مسئول به فعالیت‌های خود ادامه

می‌دهد و موقوفات ملک در حال حاضر یکی از تشکیلات آستان قدس رضوی می‌باشد که صدها کارمند و کارگذار دارد.

یکی از مسئولان دفتر موقوفات ملک اظهار داشت: در مورد اینکه چرا موقوفات ملک دفتر مستقلی دارد و جدا از موقوفات دیگر اداره می‌شود از این جهت است که این موقوفات بسیار گسترده و متنوع هستند و باید طبق نظر واقف در محل خود هزینه شوند و موقوفات ملک در سه بخش فعالیت دارد:

- ۱- فعالیت در امور کشاورزی، باغداری و مستغلات.
- ۲- فعالیت‌های فرهنگی، کتابخانه و موزه ملک در تهران.
- ۳- فعالیت‌های عمرانی، خدماتی و بهداشتی.

تولیت موقوفات ملک

مرحوم ملک تولیت موقوفات خود را در اختیار نائب التولیه‌های آستان قدس قرار داده و نظارت را هم به دو تن از دخترانش یکی عزت ملک خانم از بطن صبیبه مرحوم حاج سیدعبدالله متولی مسجد گوهرشاد و دوم فاطمه خانم ملقبه بفری خانم از بطن زرین ملک زوجه دیگر خود قرار داده است.

۳۱- حق نظر ترکمان

حاج حق نظر ترکمان مقبره‌ای در تکیه بکتاشیه مشهد مقدس وقف کرده بود که خود و اولاد او را در آنجا دفن نمایند. از این تکیه که در کجای مشهد بوده اطلاعی در دست نیست ولی در هنگام سفر ناصرالدین شاه به مشهد وجود داشته است.

۳۲- حمدالله خان یاور

او در سال ۱۳۱۱ قمری سه دانگ از یک مزرعه را در زنجان وقف آستان قدس

رضوی کرده است.

۳۳- حیدرخان قاجار

او در سال ۱۳۱۰ قمری مزرعه‌ای در کاج کلا مازندران وقف آستان مقدس رضوی نموده است.

۳۴- خواجه محتشم تونی

او احمدآباد تربت را وقف آستانه رضویه نمود، و مقرر داشت درآمد آن را صرف روشنائی و فرش حرم مطهر و حقوق حفاظ روضه مبارکه نمایند و رباط میان دشت راه تربت را هم از آن محل تعمیر کنند.

۳۵- خالق وردی

او در سال ۱۲۴۰ ملکی را به مسجد جامع گوهرشاد وقف کرده است.

۳۶- خسرو میرزا

خسرو میرزا ملقب به برهان الملک که از شاهزادگان بوده در سال ۱۳۲۳ قمری ملکی را وقف مسجد جامع گوهرشاد نموده است.

۳۷- خیرات خان

او بانی مدرسه خیرات خان در مشهد مقدس می‌باشد، که در زمان صفویه سال ۱۰۵۷ بنا گردیده است. مدرسه مزبور یکی از مدارس قدیمه مشهد می‌باشد و در بست پائین خیابان در کنار اماکن متبرکه قرار دارد، و درب ورودی آن از طرف بست می‌باشد.

این مدرسه در دو طبقه بنا گردیده و جلو هر اطاقی یک ایوان هم قرار گرفته است. مدرسه‌ای زیبا و با روح که طلاب علوم در آن درس می‌خوانند. اساتید بزرگ حوزه مشهد مقدس در طول تاریخ در آنجا تدریس می‌کردند و یکی از مدارس فعال حوزه علمیه مشهد به شمار می‌رود.

بانی این مدرسه مرحوم خیرات خان ظاهراً هندی است و از رجال دربار قطبشاهیان دکن و از کارگذاران آنها بوده است. قبر خیرات خان در بالای کوه قلعه کولکنده در کنار یک مسجد کوچک در حیدرآباد دکن می‌باشد و تصویری هم از او در موزه سالار جنگ حیدرآباد محفوظ است.

۳۸- خیرالنساء

این بانوی نیکوکار که حالات و خصوصیات او معلوم نیست در سال ۱۲۵۵ رقبات و املاک متعددی در کرمان و شهر بابک وقف آستان قدس کرده است و آنها عبارتند از مزرعه موسومه به جالنگ، مزرعه بخوکوب، مزرعه سرپازه، مزرعه برونیک و مزرعه لای‌کو.

۳۹- دبیر سهرابی

دبیر السلطان مشهور به دبیر سهرابی از وکلای مجلس شورای ملی بود و در اواخر قاجاریه از رجال سیاست به شمار می‌رفت او در قوچان موقوفات زیادی دارد که همه را به آستان مقدس رضوی وقف کرده است. دبیر سهرابی فرزندی نداشت و لذا املاک خود را وقف کرد.

رقبات وقفی او عبارتند از: بهمن‌آباد، عشرت‌آباد، قاسم‌آباد، قره تپه، عبدل‌آباد، نصرت‌آباد، محمدآباد و دورشته قنات و نیم سهم از چهل و هشت سهم چلکی، و بیست و یک سهم از مدار شصت و دو سهم قیطاقتی، شش دانگ دولت‌آباد، شش دانگ

هی هی، حیدرآباد فرخان و قره جوی فرخان.

این املاک در منطقه قوچان می باشد و همچنین باغ بزرگی در کنار شهر قوچان که اکنون تبدیل به بیمارستان و منطقه مسکونی شده از طرف دبیر سهرابی وقف آستان قدس گردید، و مقرر شد درآمد آن املاک صرف بیمارستان شاهرضای مشهد شود.

۴۰- درویش بک

او در شهر مشهد کاریزی احداث کرد که به نام کاریز درویش بک معروف بوده است. این کاریز در محله نوقان در منطقه دریادل جاری بوده و به آستان قدس تعلق داشته است، و درآمد آن صرف مکتب خانه ایتام سادات می شده. این قنات در اثر حفر چاههای عمیق خشک شد و متروک گردید.

۴۱- رابعه خانم

این بانوی نیکوکار مؤسس بیمارستان منتصریه می باشد که از موقوفات آستان قدس رضوی به شمار می رود. مرحوم حاج محمدحسن میرزا منتصرالملک در حیات خود چند پارچه ملک خود را در جلگه کاشمر و محولات به زوجه خود بانو رابعه خانم احترام السلطنه واگذار کرد و شرط نمود که از محل آن املاک مریضخانه ای در مشهد مقدس بسازد.

بانوی نامبرده در سال ۱۲۹۷ شمسی قسمتی از املاک شوهرش را فروخت و قطعه زمینی به مساحت ۳۵۰۰ زرع خریداری کرد و بیمارستانی به نام منتصریه تأسیس نمود و با شرائط معینی وقف آستان قدس رضوی کرد و تولیت آن را مادام العمر با خودش قرار داد.

در دی ماه سال ۱۳۲۷ شمسی بانو رابعه در گذشت و خویشاوندانش بیمارستان را با املاک همت آباد و جعفرآباد به آستان قدس واگذار کردند و از آن تاریخ تحت نظر

آستانه مقدسه رضویه اداره می‌شود و در آن تغییر و تحولاتی انجام گرفته است.

۴۲- رجبعلی بک

او در سال ۱۱۱۸ هفتصد جریب و سیصد و هشتاد و پنج زرع زمین مشجر و بیاض در محله سراب مشهد مقدس وقف آستان قدس رضوی نمود و مقرر داشت درآمد آن صرف روشنائی کشیک خانه و حرم مطهر گردد. این زمین بین باروی شهر مشهد و باغ عنبر قرار داشته است.

۴۳- رضاقلی خان

حاج رضاقلی خان سپهدار در سال ۱۲۸۹ یک زوج از مدار بیست و چهار زوج جمال آباد از توابع سلطان آباد خرقان را وقف آستان قدس رضوی کرده است.

۴۴- زمرد ملک

او یکی از بانوان هنرمند و خطاط خاندان سلجوقیان بوده است. پدر او ابوالقاسم محمود خواهرزاده سلطان سنجر سلجوقی است که یکی از رجال بزرگ زمان خود به شمار می‌رفت. از زمرد ملک قرآنی در آستان قدس وجود دارد که در سال ۵۴۰ تحریر شده است.

نام این بانو در کاشی‌های حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام که به کاشی‌های سنجری معروف می‌باشد آمده است. از قرائن پیداست که این بانوی هنرمند در عمران و آبادی و تزئین بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام نقش مهمی داشته است و نام او هنوز در آستان قدس موجود می‌باشد.

۴۵- زینب بکم

زینب بکم دختر شاه طهماسب صفوی در مشهد مقدس گرمابه‌ای بنا کرد. این گرمابه در کنار بازار بزرگ مشهد قرار داشت و آن را گرمابه سرسوق و در اصطلاح عامه آن را حمام سوسو می‌گفتند. این گرمابه قدیمی عهد صفوی در سال ۱۳۵۴ هنگام توسعه فلکه تخریب گردید.

۴۶- سالار

نام او حسن خان فرزند اللهیارخان آصف‌الدوله و از رجال عصر قاجاریه می‌باشد. آصف‌الدوله حاکم خراسان شد و فرزندش حسن خان را از طرف خود روانه مشهد مقدس کرد تا به نیابت از پدرش در خراسان حکومت کند. او وارد مشهد شد و بنای مخالفت با حکومت گذاشت.

سالار در مشهد قیام کرد و ادعای استقلال نمود. سالار تا سبزوار هم جلو رفت و در صدد براندازی حکومت مرکزی برآمد. ناصرالدین شاه که از سالار ناراحت شده بود، سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه را برای سرکوبی او روانه خراسان کرد. حسام‌السلطنه وارد خراسان شد و سالار را دستگیر و اعدام نمود، و خود به جای او فرمانروای خراسان گردید.

در مشهد مقدس سه قطعه از املاک و مستغلات سالار به نام آستان قدس وقف شده بود که یکی از آنها باغ سالار بود که در بالا خیابان قرار داشت و دیگر کاروان سرای سالار که تا این اواخر هم موجود بود و سنگتراشان در آنجا کار می‌کردند، و سوم حمام سالار که از حمام‌های مشهور بود و در سال ۱۳۵۴ هنگام توسعه فلکه ویران گردید.

۴۷- سعدالدین

سعدالدین محمد وزیر خراسان در عهد شاه سلیمان صفوی شش دانگ گود سلوک را وقف آستان قدس کرد و مقرر نمود عایدات آن صرف اجرت ساعت ساز حرم حضرت رضا علیه السلام شود، روستای گود سلوک در جنوب مشهد مقدس بوده و کاریزی هم داشته است.

میرزا سعدالدین وزیر مدرسه‌ای هم در جنب مقبره شیخ بهاءالدین عاملی ساخته بود که به مدرسه پائین پا شهرت داشت. این مدرسه در زمان محمدولی خان اسدی تخریب گردید و جزء صحن موزه شد. میرزا سعدالدین شعر هم می‌سروده و دیوانش هم موجود می‌باشد.

۴۸- سعید طباطبائی

بطوری که از اسناد و مدارک وقفی معلوم می‌شود مرحوم حاج سید سعید طباطبائی نائینی که از رجال نیکوکار و علاقمند به فرهنگ و معارف بوده در سال ۱۳۳۲ شمسی اقدام به تأسیس کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد نمود و یادگاری از خود به جای گذاشت.

مرحوم حاج سید سعید نائینی مقیم مشهد در حدود پنج هزار مجلد کتب چاپی و خطی خود را وقف مسجد گوهرشاد کرد و املاکی هم وقف نمود تا از عوائد آن کتابخانه به کار خود ادامه دهد. او خشت اول کتابخانه را نهاد و دیگران هم دنبال او را گرفتند و در تقویت آن کوشیدند.

۴۹- سلطان حسین صفوی

شاه سلطان حسین صفوی در یکی از سفرهای خود به مشهد مقدس رضوی چند قطعه ملک خریداری کرده و وقف آستان مقدسه نموده است. آن املاک عبارتند از

عشرت آباد، علی آباد، و ابراهیم آباد. این وقفنامه به خط میرزا احمد نیریزی خطاط معروف بوده است.

این وقفنامه که مهر و امضای شاه سلطان حسین نیز در آن بوده از آستان قدس بیرون شده و املاک هم دست به دست گشته است. مرحوم محمدولی خان اسدی در سمنان این وقفنامه را به دست می آورد و به آستان قدس منتقل می کند. زمین های عشرت آباد اکنون محل مسکونی شده است.

۵۰- سلطانم

سلطانم زوجه شاه طهماسب صفوی و جده شاه عباس بزرگ بود. او در مشهد مقدس سرائی بنا کرد که به سرای سلطانی معروف گردید. او از طایفه موصولو بود و در قزوین درگذشت. ساختمان این سرا در نوع خود بی نظیر و در سه آشیانه ساخته شده بود.

این سرا وقف آستان قدس بود و در طومار علی شاه افشار عایدات او را سالی سی و پنج تومان و در طومار عضدالملک که در سال ۱۲۸۱ تنظیم گردیده دویست و چهل تومان عایدی داشته است. این سرای تاریخی در سال ۱۳۵۴ ویران گردید.

۵۱- سلیمان خان

سلیمان خان اعتضادالسلطنه قاجار در مشهد مقدس مدرسه ای بنا کرد که اکنون هم آباد و به مدرسه سلیمان خان معروف می باشد و طالبان علوم در آن تحصیل می کنند. این مدرسه در سال هزار و دویست بنا گردید، و رقباتی هم در کاشمر و چند باب دکا کین در مشهد وقف آن بود.

۵۲- سید میرزا

او در تاریخ ۱۱۶۹ ملکی را وقف مسجد جامع گوهرشاد کرده است.

۵۳- شاه تقی الدین

میرزا شاه تقی الدین محمد رضوی فرزند میرزا محمدباقر رضوی متولی آستان قدس در سال ۱۰۸۸ سه باب دکان واقع در پائین پای مبارک و یک تیمچه و دو باب دکان در محله عیدگاه در جنب تیمچه چیت گران وقف آستان قدس کرده بود. یکی از سرداران خراسان که ظاهراً وهاب خان نام داشته است، صد تومان برای میرزا محمدباقر رضوی متولی می فرستد. متولی شصت و پنج تومان آن را صرف امور آستانه مبارکه می کند، و پس از فوت محمدباقر فرزند او شاه تقی الدین سی و پنج تومان بقیه را صرف ساختن تیمچه می نماید.

۵۴- شاهرخ تیموری

شاهرخ فرزند امیر تیمور که پایتخت او هرات بود، به مشهد مقدس رضوی بسیار علاقه داشت. او در مشهد قصری و چهارباغی ساخت و سالی چند ماه در این شهر اقامت می کرد. در زمان شاهرخ چند رواق در حرم مطهر و مسجد و مدرسه در مشهد بنا گردید که هنوز هم باقی هستند.

مدرسه معروف دو درب که به مدرسه شاهرخیه مشهور بوده و مدرسه پریزاد و مدرسه بالا سر که تخریب شد و جزء رواق دارالولایه گردید و رواق دارالسیاده و رواق دارالحفاظ و دارالسلام و مسجد گوهرشاد در زمان این سلطان بنا گردیده اند.

۵۵- شاه سلیمان

در تاریخ ۱۰۸۶ هنگام سلطنت شاه سلیمان صفوی گنبد مطهر حضرت رضا

علیه السلام که در اثر زلزله شکاف برداشته بود، تعمیر و نوسازی گردید و طلاکاری شد، و همچنین در عهد این سلطان تعدادی مدرسه در مشهد بنا شد و بعضی هم تعمیر و بازسازی شدند و ما در فصل مدارس از آنها یاد کرده‌ایم.

۵۶- شاه صفی

در تعدادی از کتیبه‌های اماکن متبرکه و مساجد مشهد و حومه نام شاه صفی آمده است که در فصل خود از آنها یاد کرده‌ایم.

۵۷- شاه طهماسب

شاه طهماسب صفوی برای دفع حمله ازبکان از خراسان و مشهد مقدس چند بار به مشهد مسافرت کرد، و پس از مرگ او جنازه‌اش را در مشهد رضوی در پشت سر حضرت رضا علیه السلام به خاک سپردند که آن محل به صفا شاه طهماسبی معروف بود. شاه طهماسب صفوی ملکی به نام مزرعه حسینی در میان ولایت مشهد و رقبه‌ای در جمع آباد تبادکان خریداری نمود. عوائد آن را صرف فتیله عنبر حرم مطهر و حفاظ مزار خود نمود.

۵۸- شاه عباس صفوی

در میان سلاطین صفویه شاه عباس بیش از همه آثار از خود به جای گذاشته و در عمران و آبادی مشهد مقدس رضوی بسیار اهتمام داشته است. او یک بار پیاده از اصفهان تا مشهد رفت و مدتی در آنجا اقامت نمود، ما اکنون به چند مورد از کارهای او در مشهد اشاره می‌کنیم.

۱- توسعه صحن کهنه

این صحن قبل از شاه عباس صحن کوچکی بوده و ایوان امیر علی شیر که اکنون به ایوان طلا مشهور می‌باشد در گوشه جنوبی صحن قرار داشت و زائران از آن در به حرم مطهر مشرف می‌شدند، و قسمت شرقی صحن مطهر مدرسه علوم دینی بوده است. شاه عباس در صدد توسعه صحن مطهر برمی‌آید، و پس از مذاکره با معماران و طرح نقشه‌ها صحن را از طرف شرق توسعه می‌دهد به طوری که ایوان امیر علی شیر در وسط صحن قرار می‌گیرد همان گونه که اکنون هست، و صحن حالت مربع مستطیل پیدا می‌کند.

۲- ایوان عباسی

در مقابل ایوان امیر علی شیر در طرف شمال ایوانی بنا می‌کند که آن را ایوان عباسی می‌گویند و اکنون از آنجا به طرف بست طبرسی رفت و آمد می‌گردد و در قسمت شرقی هم یک ایوان بزرگ بنا می‌کند که اکنون از آنجا به طرف بست پائین خیابان می‌روند.

۳- تذهیب گنبد مطهر

گنبد اصلی حرم حضرت رضا علیه السلام در قرن ششم هجری بنا گردیده است و در طول تاریخ چندبار مرمت شده و روپوش آن با کاشی تزئین گردیده بود. شاه عباس تصمیم می‌گیرد گنبدی دیگر روی گنبد قدیم بسازد و آن را طلاکاری نماید. او دستور می‌دهد گنبدی روی گنبد قرن ششم بسازند و آن را با ستون‌های چوبی استوار کنند، و بعد طلاکاری نمایند. او گنبد جدید را با خشتهائی از مس پوشانید و روی آنها را طلا نمود، و در سال یکهزار و ده این کار پایان یافت و کتیبه‌ای هم دور گنبد نوشته شده و نام شاه عباس در آن آمده است.

۴- صندوق قبر مطهر

یکی از کارهای شاه عباس در مشهد ساختن صندوق برای قبر امام رضا علیه السلام است بنابر اسناد و مدارک آستان قدس صندوق چوبی گرانبهائی که در آن ورقه‌های طلائی با خطوط و نقوش زیبائی تزئین یافته بود بالای قبر مطهر قرار گرفت. در اطراف صندوق آیات قرآنی به خط علیرضای عباسی هنرمند و خوشنویس معروف عصر صفوی نوشته شده بود. این صندوق تا سال ۱۳۱۱ شمسی روی قبر مطهر داخل ضریح قرار داشت، و بعد از آن صندوق چوبی را برداشتند و جای آن یک صندوق سنگی گذاشتند.

جریان تعویض این صندوقها و علل و انگیزه‌هائی که موجب این کار گردید، و داستان طلاهای صندوق و کتیبه‌های علی‌رضا عباسی و نقل و انتقال آنها به تهران و بازگردانیدن آنها به مشهد داستانی طولانی دارد که ما همه آنها را در تاریخ آستان قدس نقل کرده‌ایم.

۵- بناء گنبد خواجه ربیع

یکی از کارهای شاه عباس صفوی در مشهد مقدس ساختن بناء آرامگاه خواجه ربیع است، که بسیار با شکوه و مجلل بنا گردیده است. بقعه خواجه ربیع در وسط یک باغ بزرگ ساخته شده و گنبد آن با کاشی‌های رنگارنگ تزئین یافته است. داخل بقعه چهار گوش و با طرز زیبائی نقاشی گردیده و ازاره‌های آن با کاشی‌های خوش رنگ و زیبا پوشیده شده و کتیبه‌ای هم با خط ثلث بسیار زیبائی به خط علیرضا عباسی تحریر شده است.

۶- نهر خیابان

از کارهای سودمند و عام‌المنفعه شاه عباس آوردن آب چشمه کلاس به داخل

شهر مشهد و جاری کردن آن در میان صحن کهنه می‌باشد. چشمه کلاس در شش فرسنگی شمال مشهد قرار دارد و آب آن را با ایجاد نهری وارد مشهد نمودند. آب چشمه کلاس پس از عبور از بالا خیابان وارد صحن می‌گردید و از آنجا به پائین خیابان می‌رفت و سپس در مزارع آستان قدس رضوی مورد استفاده قرار می‌گرفت و زمین‌های وسیعی را در بیرون مشهد آبیاری می‌کرد. شاه عباس صفوی مقرر داشته بود که درآمدهای حاصله از این آب صرف غذای زائران بارگاه امام رضا علیه السلام شود. تولیت آن راهم در اختیار میرزا الغ رضوی بانی بقعه خواجه ربیع گذاشته بود. آب چشمه کلاس صدها سال از مشهد و صحن رضوی می‌گذشت ولی اکنون قطع شده است.

۷- موقوفات شاه عباس

در فردوس التواریخ گوید: قلعه خیابان که از نهر شاهی آبیاری می‌گردد از موقوفات شاه جنت مکان شاه عباس است بر مصرف اطعام عموم زوار که اکنون در عرض سال مداخل آن به نحوی است که سالیانه شبی سی من برنج در کارخانه مبارکه طبخ می‌شود و به زائرین اطعام می‌نمایند.

شاه عباس صفوی در سال ۱۰۱۱ محلی برای دفن اموات در مشهد وقف کرد و در این مورد وقفنامه‌ای تنظیم نمود که بر حسب آن اقدام به دفن اموات در آن محل بنمایند و مقرر داشت کارگذاران آستان قدس رضوی بر حسب وقفنامه کارکنند متن آن چنین است.

وقف نمود جمیع اراضی عمارات آستانه مقدسه واقعه در اطراف مرقد مطهر و صحن مقدس و اراضی واقعه در پائین پای مبارک بر آستان عرش نشان که هر که را خواهند به شرف دفن در آن ارض مقدس مشرف سازند و آن آستان خلد نشان را برای او مأمّن سازند.

بعد از قیام آنچه مقرر می‌شود احدی مزاحم و مانع نشود و شرط شد متولی باشیان و عمال خجسته اعمال سرکار فیض آثار از نبش قبر مانع گردند، مگر به فاصله چهل سال تمام و هر کس از این سلسله علیه عالیه واقف برحمت ایزدی پیوست از جهت دفن او در این ارض مقدس دیناری مطالبه حق الارض ننمایند.

هرکه از خدام والامقام و فراشان و سایر منصوبان به آستانه بوده باشد زیاده از این مبلغ نگیرند، در عمارات یک تومان، در صحن پنج قرآن و از سایر ناس هر قدر گنجایش داشته باشد که باعث انتفاع سرکار فیض آثار بوده باشد، مرخص و مختارند ولی از مبلغ ذیل کمتر نباشد، در عمارت پنج تومان، در صحن مقدس سه تومان و در سایر نقاط دو تومان.

۵۹- شاه محمدخان

او یکی از سلاطین قطبشاهی دکن هندوستان که از شیعیان و علاقمندان حضرت رضا علیه السلام بود، قطعه‌ای الماس گرانبها وقف روضه مبارکه رضویه نمود، پس از چندی عبدالؤمن خان ازبک به مشهد مقدس حمله کرد و شهر را غارت نمود و این الماس را هم از خزانه رضویه به غارت برد.

در سال ۱۰۰۹ یارمحمد میرزا که از شاهزادگان ازبک بود به اصفهان نزد شاه عباس رفت و یک قطعه الماس به او هدیه کرد. بعداً معلوم گردید که این الماس متعلق به آستان قدس بوده که ازبکها آن را به غارت برده‌اند، یعنی همان الماسی که پادشاه دکن هدیه کرده بود.

شاه عباس صفوی دستور دادند الماس گرانبها را به روم ببرند و در آنجا بفروشند. الماس را به قیمت زیادی فروختند و از بهای آن املاک و مستغلاتی را خریدند و به آستان قدس رضوی وقف نمودند.

۶۰- شاه محمدخان سرهنگ

او از کارمندان وزارت امور خارجه بود و در سال ۱۳۰۳ قمری دو سهم از دوازده سهم کاروانسرای بازار بزرگ مشهد که به سرای سالار مشهور بود و همچنان دو دربند دکان در بست بالا خیابان متصل به راهروی بازار خفافان وقف آستان قدس رضوی نمود.

۶۱- شاهویردی بک

او از معاصران شاه سلیمان صفوی بود. وی چند باب دکان و یک حمام و کاروانسرا وقف آستانه کرد، و مقرر داشت عوائد آنها را بعد از هزینه تعمیرات و اخراج حق التولیه هر سال مبلغ پنج تومان به وظیفه فراش شموع دارالسیاده و حافظ قبر او بدهند.

هر روز پنج فتیله و سی شمع که فتیله عنبر جهت شرفه بالای سر مبارک و شمع پیه در چهار شرفه وقفی خود واقف که در چهار سمت دارالسیاده آویخته شده صرف شود و مابقی منافع موقوفات را زائر و مسافری که فقیر و مریض باشد که از عود به وطن خود عاجز باشد تا یک تومان کمتر به او ندهند و باقی به اختیار متولی شرعی می باشد.

۶۲- شهربانو بکم

او در سال ۱۲۲۹ شش دانگ ده مظفر را وقف آستان قدس رضوی کرده است.

۶۳- شمس النساء

او نصف قریه بیلدر را که در غرب مشهد مقدس قرار دارد وقف آستان قدس رضوی نموده و عوائد آن را برای طلاب علوم که از خدام و منسوبین آستان قدس می باشند اختصاص داده است و نصف دیگر بیلدر را هم آستان قدس در سال ۱۳۱۷

شمسی از مرحوم محمد دانش و مرحوم صدرالتجار خریداری نمود و اکنون بیلدر تماماً در اختیار آستان قدس می باشد.

۶۴- صالح نقیب

او معاصر شاه سلیمان صفوی و یکی از شخصیت های بزرگ عصر خود بود. او در شهر مشهد مقدس مدرسه ای بنا کرد که به نام «مدرسه نواب» معروف می باشد. این مدرسه از مدارس معتبر مشهد و محل رفت و آمد علماء و مدرسان بزرگ حوزه علمیه مشهد بود.

این مدرسه از سالهای بسیار گذشته مورد توجه فضلاء و طلاب علوم قرار داشت و طالبان علوم سعی می کردند در آنجا حجره ای بدست آورند و از مزایای آن استفاده کنند. این مدرسه اخیراً تخریب و نوسازی شده است. مدرسه نواب موقوفات زیادی هم دارد که روی سنگی نوشته شده است.

۶۵- صبیح حسینیقلی خان

او دختر حسینیقلی خان قاجار بود و نامش در نوشته ها نیامده است. این بانو دکانی در مشهد مقدس وقف مسجد کرده است و مقرر داشته هر ماه یک عدد ریال به خادم مسجد بدهند و باقی را جهت سوخت روشنائی و بویا و تعمیرات صرف نمایند.

۶۶- صدرالدین خان

در یک سند وقفی آمده شخصی به نام میرزا صدرالدین خان نجم السلطنه فرزند شیخ محمد حسن مجتهد شیرازی مزرعه ای در جلگه رخ وقف مسجد جامع گوهرشاد کرده و تاریخ وقف سال ۱۳۳۶ قمری می باشد. در آن وقف نامه نوشته شده: هرگاه مسجد گوهرشاد کتابخانه ای تأسیس کرد سالی سی تومان از محل موقوفه

او به کتابخانه بدهند. او در وقفنامه خود گوید: هرگاه کتابخانه‌ای برای مسجد بنا گردید مبلغ سی تومان کتب علمیه، حدیث، تفسیر، فقه، اصول، حکمت و غیره خریداری کنند و به اهل علم مجاناً بدهند.

۶۷- صدرالعلماء

او شش دانگ دهکده چاهوک تربت را وقف آستان قدس نموده است و عوائد آن را به حقوق خدام اختصاص داده است.

۶۸- صفی قلی خان

صفی قلی خان بگلربیگی فرزند رستم خان سپهسالار ایران در تاریخ ۱۰۷۲ هفده باب دکان و دو باب قهوه‌خانه ما بین جلوخانه عمارت چهارباغ شهر مشهد که محل سکناى حاکمان بوده وقف آستان قدس کرده و نیز مزرعه کوچکی هم در راه کلات نادری وقف نموده است.

۶۹- عادل خان

او در کهستان کرمان مزرعه‌ای را وقف آستان قدس رضوی نموده است و نام آن در اسناد و مدارک ذکر شده است.

۷۰- عباسقلی بک

او از کارگزاران نادرشاه افشار بوده است، وی در سال ۱۱۱۸ که هنوز نادرشاه بر سرکار نیامده بود ملکی را در مشهد مقدس وقف آستان قدس رضوی نمود. این ملک هفتصد جریب و سیصد و هشتاد و پنج زرع زمین مشجر و بیاض بود. این زمین و باغ در محله سراپ قرار داشت.

۷۱- عباسقلی خان

او عباسقلی خان شاملو بیگلربیگی خراسان و حاکم هرات در زمان صفویه بود. وی در مشهد مقدس مدرسه‌ای بنا کرد که هنوز هم وجود دارد و مورد استفاده طلاب علوم می‌باشد. مدرسه عباسقلی خان در حاشیه پائین خیابان مشهد بنا گردیده و یکی از مدارس تاریخی می‌باشد.

عباسقلی خان هشتاد و چهار رقبه ملک و مستغلات وقف مدرسه کرده که در مشهد مقدس، جام، تایباد، هرات، فراه و بادغیس بوده‌اند. موقوفات او در افغانستان از بین رفته و در اختیار نمی‌باشد. ولی موقوفات مشهد و جام در اختیار هستند.

۷۲- عباسقلی خان سرتیپ

او ده جریب زمین شلتوک‌زار را در یک فرسخی اشرف مازندران - بهشهر - کنونی در سال ۱۳۰۱ قمری وقف آستان قدس رضوی نموده است.

۷۳- عتیق علی منشی طوسی

او از اعقاب خواجه نصیرالدین طوسی بود. عتیق علی در اردوباد آذربایجان متولد شد و بعد به مشهد رضوی آمد و در این شهر مقدس مقیم شد. موقوفات عتیق علی طوسی دارای املاک و رقبات زیادی هست و وقفنامه او قدیمیترین وقفنامه در آستان قدس می‌باشد.

وقفنامه او در سال ۹۳۷ تنظیم گردیده و بیش از چهارصد و هشتاد سال از آن می‌گذرد، و از غارت‌ها و دستبرد حوادث مصون مانده است. رقبات وقفی عتیق علی عبارتند از: حمام آقچه در مشهد، حمام جدید البنیان در مشهد، مزرعه کنویست تبادکان، مزرعه سنگور تبادکان، مزرعه توکار تبادکان، مزرعه عشر رادکان، مزرعه

منزل آباد، مزرعه چاه خاصه میان ولایت، مزرعه چاهنو تبادکان، مزرعه شاطغای بلوک درزاب، مزرعه کاهوسه زوج، مزرعه جایاب هفت زوج و فرد. طاحونه کلوخ در طرق و باغ اخلمد.

واقف مقرر داشته درآمد املاک و رقبات وقفی او باید صرف اطعام زوار و دارالشفاء مبارکه و روشنائی حرم محترم گردد.

۷۴- عبدالله خان مستوفی

او در سال ۱۳۰۶ و سال ۱۳۱۰ قمری املاکی در گیلان وقف آستانه مقدسه رضویه کرده است، و آنها عبارتند از: پشتک خوره بانضمام باغات و صحاری نوزده جریب و اشکیک به انضمام باغات و صحاری بیست و دو جریب و خسج و در جوار رشت پنج جریب.

۷۵- حاج عبدالله

او در سال ۱۱۶۸ تیمچه قیصریه را که مشتمل بر حجرات فوقانی و تحتانی و دکان عطاری و آنچه متعلق به تیمچه بود و در کنار درب صحن مقدس خیابان سفلی قرار داشت، وقف آستانه مقدسه کرد و همچنین دکاکین بازار زرگران درب صحن مقدس به انضمام دکان نخود بریزی و غیره را وقف روضه رضویه نموده است.

۷۶- عبدالله رضوی

عبدالله رضوی معروف به میرزای ناظر یکی از اعیان مشهد مقدس و از ثروتمندان مشهور در تاریخ معاصر بود. ناظر و نظارت یکی از القاب و عناوین رجال در آستان قدس بود که به کارگذاران بالای آستانه اطلاق می شد و یا از طرف سلاطین و نایب التولیه ها به شخصی داده می شد.

میرزای ناظر از معدود ثروتمندانی است که در فکر خدمت به جامعه خود برآمد، و مقدار زیادی از دارائی خود را وقف کرد و در اختیار مردم قرار داد و از خود نام نیکی در تاریخ باقی گذاشت و نام خود را در زمره نیکوکاران ثبت کرد.

او وقفنامه‌ای به شماره ۲۶۷۳ مورخ ۱۳۴۳/۱۲/۲ شمسی در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۶ مشهد تنظیم کرد و موجبات ایجاد یک درمانگاه به نام «درمانگاه میرزای ناظر رضوی» و پرورشگاهی به نام «پرورشگاه ایتام میرزای ناظر» فراهم آورد.

مرحوم عبدالله رضوی میرزای ناظر، املاک و مستغلاتی هم برای اداره این دو مؤسسه خیریه عام المنفعه وقف نمود و محل این دو مؤسسه را در مزرعه سوران واقع در بیست کیلومتری مشهد مقدس قرار داد و اینک نام املاک و رقبات وقفی را در اینجا ثبت می‌کنیم.

۱- زمین پلاک شماره ۴ فرعی از ۲۳۳، اصلی مجزی شده از مزرعه احمدآباد واقع در بخش ۹ مشهد به مساحت شش هزار مترمربع به مبلغ سی میلیون تومان.

۲- مساحت ۹۸۰ مترمربع مفروز از ۱۲۴۲ ذرع زمین پلاک شماره ۲۸۴۲ بخش دو مشهد با اعیان موجود در حاشیه میدان دقیقی مشهد به مبلغ بیست میلیون تومان.

۳- شش هزار و هشتصد سهم از سهام بانک مسکن ارزش هر سهم ده هزار ریال مجموعاً هفت میلیون و سیصد هزار تومان

۴- یک واحد مسکونی واقع در بندر انزلی پلاک شماره ۹۵، اصلی بخش شش بندر انزلی به مبلغ یک میلیون تومان.

۵- بیست و دو میلیون ریال سپرده ثابت نزد شرکت پس انداز وام مسکن مشهد.

۶- شش دانگ یک قطعه باغ میمی مشتمل بر چهل جویه پلاک شماره یک فرعی واقع در باغات نکاح بخش ۹ شهرستان مشهد بیست هزار متر مربع دو میلیون تومان.

۷- باقی مانده شش دانگ پلاکهای ۱۱۰۵ تا ۱۱۰۷ و ۱۱۱۰ و ۱۳۱۵ به

مساحت پانصد و سی و سه متر مربع واقع در بخش یک مشهد به مبلغ هشتصد هزار تومان.

۸- شش دانگ یک باب کاروانسرا معروف به سیکاری و یک باب دکان و یک دالان و دو حیاط مخروبه متصل به یکدیگر واقع در بخش دو مشهد بازار بزرگ به مبلغ دو میلیون تومان.

۹- شش دانگ مزرعه بجمهن با سه چاه عمیق دارای پلاک هجده اصلی واقع در بخش نه دهستان تبادکان با متعلقات آن حدود یک میلیون متر به مبلغ یکصد میلیون تومان.

۱۰- شش دانگ ۲۰ در بنددکان و یک قطعه زمین پشت دکاکین مزبور پلاک شماره ۱۷۹۸ تا ۱۸۱۸ واقع در بخش چهار مشهد خیابان طبرسی به مبلغ ده میلیون ریال

۱۱- شش دانگ یک قطعه زمین حدود ۹۱۴ متر مربع واقع در تهران بخش ۳ حسن آباد به مبلغ چهار میلیون تومان.

۱۲- تمامی پنج سهم از مدار دوازده سهم مزرعه قنات کلاته میرزا عبدالله پلاک ۱۶۹، اصلی واقع در بلوک پائین ولایت بخش ۱۲ مشهد به مبلغ یک میلیون تومان.

۱۳- سه سهم و دو سوم از یک سهم مشاع از مدار نه سهم مزرعه سلطان آباد دارای پلاک ۱۷۹، اصلی واقع در بخش دوازده دهستان پائین ولایت مشهد و چهار سهم مشاع از نه سهم مزرعه سلطان آباد پلاک شماره ۱۷۰ و ۹، اصلی در بخش ۱۲ دهستان پائین ولایت به مبلغ ۷۶۰ هزار تومان.

۱۴- پنج سهم و نیم از بیست سهم اراضی حسین آباد پلاک شماره ۱۴، اصلی واقع در ناحیه خارج دروازه پائین خیابان مشهد داخل محدوده به مبلغ ده میلیون تومان.

۱۵- یکصد و سی و هفت هزار و چهارصد و هفتاد و چهار متر مربع خریداری از آستان قدس در تاریخ ۱۳۳۲/۱۲/۱۸ به مبلغ ۲۷ میلیون تومان.

۱۶- شش دانگ مزرعه عرب آباد پلاک ۱۳۷ بخش ۷ مشهد دهستان چناران یک میلیون تومان.

۱۷- هفت باب مغازه در خیابان تهران شهرستان مشهد در اراضی خریداری شده از شهرداری مورخ ۱۳۱۷/۶/۵ در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۴ حوزه ثبت مشهد ایجاد شده منافع و درآمد این دکانین به مصرف مسجدی که به نام عبدالله رضوی در کوچه مشتاق خیابان دانشگاه مشهد ساخته شده برسد قیمت مغازه ها یک میلیون تومان.

وقفنامه مرحوم سید عبدالله رضوی در چهار ماده نوشته شده که در آنها نحوه اداره موقوفه تشریح گردیده است. املاک و مستغلات موقوفات مرحوم عبدالله رضوی در مشهد با گسترده‌گی و درآمد خود می‌تواند کمک‌های زیادی به ضعفاء و مستمندان بنماید.

وقفنامه سید عبدالله رضوی براساس حکم شماره ۱۰۶۷/۶۹ شعبه ۳۰ دیوان عالی کشور تأیید گردیده و اکنون در اداره اوقاف خراسان در مشهد مقدس محفوظ می‌باشد و ما این مطالب را از آن وقفنامه استخراج کرده ایم.

۷۷- عبدالرحیم خان

عبدالرحیم خان اعتماد الرعایا در سال ۱۳۱۳ قمری دو در بند دکان متصل به سرای بالا محله پلکو و یک جریب و نیم دوازده قبضه رطب آباد و یک جریب توت آباد وقف آستانه مقدسه کرده است.

۷۸- عبدالرشید خان

او در سال ۱۲۲۵ صدمن بذرافشان مبارک آباد واقع در نوق رفسنجان را وقف آستانه رضویه نموده است.

۷۹- عبدالکریم

او در سال ۱۲۹۴ ملکی را وقف مسجد جامع گوهرشاد کرده است.

۸۰- عراقی

او یکی از رجال بزرگ عصر غزنویان و از کارگزاران آن دودمان بوده است. او به مشهد علی بن موسی الرضا علیه السلام علاقمند بود، و در مشهد رضا خدماتی انجام داد. ابوالفضل بیهقی دبیر و مورخ معروف در تاریخ خود از او یاد می‌کند و گوید: روز دوشنبه ششم شعبان ابوالحسن عراقی دبیر گذشته شد رحمة الله علیه و چنان گفتند که زنان او را دارو دادند که زن مطربه مرغزی را به زنی کرده بود و مرد سخت بدخود بود و باریک‌گیر ندانم که حال چون باشد. اما در آن هفته که گذشته شد و من به عیادت او رفته بودم، او را یافتم چون تار موی ولکن سخت هشیار. گفت و وصیت بکرد تا تابوتش به مشهد علی بن موسی الرضا رضوان الله علیه بردند به طوس و آنجا دفن کردند که مال این کار را در حیات خود بداده بود.

کاریز مشهد را که خشک شده بود باز روان کرده و کاروان سرائی برآورده و دیهی مستغل سبک خراج بر کاروانسرای و بر کاریز وقف کرده و من در سنه احدی و ثلاثین^(۱) که به طوس رفتم با رایت منصوره پیش که هزیمت دندانقان افتاد. به نوقان رفتم و تربت رضا را رضی الله عنه زیارت کردم. گور عراقی را دیدم در مسجد آنجا که مشهد است در طاقی پنج گز از زمین تا طاق و او را زیارت کردم و به تعجب بماندم از حال این دنیای فریبنده که در هشت و نه سال این مرد را برکشید و بر آسمان جاه رفت و بدین زودی بمرد و ناچیز گشت.

۸۱- علاءالدین کشمیری

میرزا علاءالدین کشمیری در سال ۱۰۱۳ یکباب طاحونه که دو سنگ کوچک و بزرگ در آن کار می‌کرد و در نهر طرق زیر رباط شاهی ساخته و وقف آستانه مقدسه رضویه کرده بود. درآمد آن را برای مصرف حقوق حفاظ دوره مبارکه که صبح و شام یک جزء کلام الله مجید تلاوت و به روح پرفتوح امام علیه السلام هدیه کنند قرار داده بود.

۸۲- علی خان

علی خان ولدالله یارخان در سال ۱۲۱۲ دو شبانه روز از محمدآباد جوین را وقف آستان قدس رضوی نموده است.

۸۳- علی خان سرهنگ

علی خان سرهنگ در سال ۱۳۱۱ قمری ملکی را در خرقان وقف آستان قدس رضوی نموده است.

۸۴- علی رضا میرپنج

علی رضا خان امیر پنجه در سال ۱۳۱۰ قمری یک ملک شش دانگ را در کنار رودخانه تلوار در گروس وقف روضه مبارکه رضویه کرده است.

۸۵- علی شیرازی

حاج میرزا علی شیرازی در سال ۱۳۰۹ قمری شش دانگ دو در بند دکان در محله میدان شاه شیراز را وقف آستان قدس کرده است.

۸۶- حاج ملاعلی قوچانی

حاج ملاعلی قوچانی بازار کلاه دوزان را که در پشت آب انبار صحن مقدس جدید و دارای هفده باب دکان بود وقف آستان قدس رضوی کردند.

۸۷- علی نائینی

او نیز بازاری که در آن کلاه می فروختند وقف آستان قدس کرد، و مقرر نمود درآمد آن صرف روشنائی و تعزیه داری حضرت امام حسین علیه السلام شود.

۸۸- علی اکبر

حاج علی اکبر خان در سال ۱۳۰۲ قمری یک عشر از درآمد مزرعه حلوائی و مزرعه قاسم آباد وصل بحلوائی و یک عشر درآمد آسیای شاهراه و ربع مهدی آباد میان ولایت را وقف آستان قدس کرد و درآمد آن را به ایتم سادات اختصاص داد.

۸۹- علی اکبری

یکی از رقبات وقفی آستان قدس موقوفه حاج علی اکبری است، و اوسه سهم از بیست سهم دهشتک را در میان ولایت مشهد مقدس وقف آستان قدس کرده است.

۹۰- علی اکبر خان سرهنگ

علی اکبر خان سرهنگ سبزواری در سال ۱۳۱۰ قمری نیم سهم از دوازده سهم شاه بهرام واقع در بلوک فروغن سبزوار را وقف روضه رضویه کرده است.

۹۱- علی اکبر تائبی

او ملکی را وقف کرده و درآمد آن را به زوار جبل عامل و احساء و جزایر

اختصاص داده و شرط کرده هرکدام از آنها هنگام اقامت در مشهد مقدس یک ختم قرآن انجام دهند.

۹۲- علی شاه افشار

او برادرزاده نادرشاه افشار بود و بعد از کشته شدن نادرشاه در مشهد به سلطنت رسید و خود را به نام عادلشاه معرفی کرد. علی شاه موقوفات آستان قدس را که توسط نادر در اختیار دولت قرار گرفته بود بار دیگر به آستان مقدس رضوی بازگردانید. او دستور داد موقوفات آستان قدس رضوی را در طوماری گردآورند، و در آستان رضوی نظم و انضباطی برقرار کرد و کارگذاران روضه مبارکه را موظف نمود تا براساس وقفنامه‌ها کار کنند، و خود نیز املاک زیادی وقف روضه مبارکه رضویه نمود. علی شاه افشار املاک زیادی را وقف دارالشفاء مبارکه رضویه نمود، و آن رقبات عبارتند از: مزرعه عوضی بلوک تبادکان، مزرعه رفیقان بلوک درزاب، مزرعه سعیدآباد بلوک درزاب، مزرعه قوشان بلوک درزاب، مزرعه انداد بلوک درزاب. مزرعه کلوخان بلوک درزاب، مزرعه ماریان بلوک درزاب، مزرعه در تک‌آباد بلوک درزاب، مزرعه چنبر غربال بلوک میان ولایت، مزرعه درزان بلوک تبادکان، مزرعه جایاب بلوک چناران، مزرعه استفتی بلوک میان ولایت و مزرعه احمدآباد گل‌مکان.

۹۳- علی شیر نوائی

امیر علی شیر نوائی یکی از علماء و ادباء و وزراء عصر تیموریان می‌باشد. او شاعری بزرگ و ادیبی نامور و سیاستمداری مشهور بود. امیر علی شیرنوائی وزارت سلطان حسین میرزا بایقرا را در هرات به عهده داشت و در همانجا درگذشت و قبرش در باغ مقبره گوهرشاد در هرات می‌باشد.

امیرعلی شیر به مشهد مقدس بسیار علاقه داشت و مدتها در این شهر زندگی می‌کرد. او در جوار روضه مبارکه رضویه منزلی داشت و در آنجا به خاطر قرب جوار اقامت می‌نمود. منزل او ظاهراً در قسمت غربی حرم مطهر در جایی که اکنون صحن جمهوری و رواق دارالولایه بنا شده بوده است. او در مشهد مقدس هم اکنون یادگاری دارد و آن ایوان جنوبی صحن کهنه که به ایوان طلا مشهور شده می‌باشد که در تاریخ به ایوان امیرعلی شیر معروف است که عرض آن ۷/۸۰ متر و طول ۱۴/۷۰ متر و ارتفاع ۲۱/۴ متر می‌باشد و بین سالهای ۸۷۵ تا ۸۸۵ بنا گردیده است

۹۴- غازان خان

غازان خان مغول فرزند ارغون خان در شب جمعه ۲۹ ربیع‌الآخر سال ۶۶۷ در مازندران متولد شد. او از طرف پدر خود به حکومت خراسان منصوب شد، و بعد از درگذشت پدرش مخالفان خود را از میدان بیرون کرد و به سلطنت دست یافت و به کشورگشائی پرداخت.

غازان خان در چهارم ماه شعبان سال ۶۹۴ در حضور شیخ صدرالدین ابراهیم بن شیخ سعدالدین حموی جوینی مسلمان شد و شهادتین گفت، و در آن روز صد هزار نفر از مغولان و ترکان مسلمان شدند و به انوار توحید و عرفان رسیدند و از ظلمت کفر و عبادت اوثان نجات یافتند.

غازان خان مدتها در جلگه طوس و رادکان و کناره‌های کشف رود زندگی کرده و در آنجا اقامت داشته است. او به حضرت رضا علیه السلام علاقمند شد و رقباتی وقف روضه مبارکه رضویه نموده است. او در سال ۶۹۹ سه محل را وقف آستان قدس کرده که دو محل آن از بین رفته و تنها فرهاد گرد فریمان باقی مانده است.

۹۵- غیاث‌الدین

غیاث‌الدین یوسف یکی از رجال و اعیان زمان تیموریان است. او در مشهد مقدس مدرسه‌ای بنا کرد که به مدرسه دو درب مشهور است. این مدرسه در دو طبقه بنا گردیده و اکنون درحوزه اماکن متبرکه قرار گرفته است و از هر طرف محصور می‌باشد. مدرسه مزبور در زمان شاه‌رخ بنا گردیده و کتیبه موجود آن سال ۸۴۳ را نشان می‌دهد. قبر غیاث‌الدین یوسف در زیر گنبد جنوبی مدرسه قرار دارد و سنگی سیاه روی قبر گذاشته شده که نام بانی مدرسه و تاریخ فوت او را نوشته است. تعدادی دکانین وقف این مدرسه بود که در سال ۱۳۵۴ ویران گردیدند و تبدیل به فضای زیارتی شدند.

۹۶- فاضل خان تونی

او یکی از علماء بزرگ عصر خود بود، وی را علاءالملک هم می‌گفتند. فاضل خان در مشهد مقدس مدرسه‌ای زیبا و مجلل در سال ۱۰۷۵ بنا کرد و رقبات زیادی هم وقف آن نمود، مدرسه فاضل خان در مشهد موقعیت ممتازی پیدا کرد و فضلاء و اساتید به آن روی آوردند.

مدرسه مزبور در طول تاریخ صدها عالم، فقیه، مفسر، حکیم، محدث و واعظ تربیت کرد و خدمات زیادی به معارف اسلامی و نشر آثار اهل بیت علیهم‌السلام انجام داد. در کتاب‌های تاریخی و تذکره‌ها و اسناد و مدارک از این مدرسه بسیار یاد شده است. در سال ۱۳۰۷ خورشیدی مقرر شد دور اماکن متبرکه فلکه‌ای بسازند تا وسائط نقلیه بتوانند حرم را دور بزنند و به خیابان‌های جنوبی و شمالی عبور کنند. در احداث این فلکه مدرسه فاضل خان تخریب گردید و به صورت خیابان درآمد.

۹۷- فتحعلی خان

فتحعلی خان صاحب دیوان شیرازی مدتی متولی آستان قدس رضوی بود، و رقباتی هم وقف آستان قدس کرده است. او در سال ۱۳۱۵ قمری شصت جریب زمین در محمودآباد شیراز وقف آستان قدس کرده است و همچنین سه ریع از انابد کاشمر را وقف روضه رضویه نموده است.

در مشهد مقدس هم به سال ۱۳۱۰ قمری تیمچه جدیدالبناء متصل به باغ آصف الدوله در بالا خیابان و همچنین دوازده دربند دکان متصل به تیمچه مزبور و کاروانسرائی واقع در کوچه چهارباغ وقف کرده است. باغ آصف الدوله از باغهای مشهور مشهد بود که اکنون اداره مرکزی آستان قدس و بازار مرکزی در جای آن قرار گرفته اند.

فتحعلی خان، صاحب دیوان مقرر داشته از محل درآمد موقوفه انابد کاشمر که از بهترین رقبات وقفی آستان قدس می باشد روز تولد امام حسین علیه السلام در روضه رضویه جشنی گرفته شود و اعیان و اشراف مشهد در آن دعوت شوند و بهترین مأكولات به آنها داده شود.

۹۸- فتحعلیشاه قاجار

در پائین پای حضرت رضا سلام الله علیه دری مرصع و جواهرنشان داخل ضریح قرار داده بودند. دری طلائی و زیبا دارای خطوط و نقوش که هر بیننده ای را به طرف خود جلب می کرد، بعد از مدتی این در را از جای خود برداشتند و در زیر گنبد بالای سر مبارک گذاشتند.

در کتب و مجلات اهل ذوق و هنر مقالاتی پیرامون خصوصیت های هنری این درب ظریف نوشته اند. در یک جزوه خطی که در زمان ناصرالدین نوشته شده آمده: که از سمت پائین پا در وسط یک باب درب مرصع به مبلغ گزاف خاقان جنت مکان فتحعلی شاه طاب ثراه تقدیم کرده است.

در نامه آستان قدس آمده: این در مرصع جواهر نشان را که اکنون بر دیوار روی مبارک مقارن بالای سر مطهر به دیوار نصب شده است فتحعلیشاه قاجار در سال ۱۲۳۳ قمری به شکرانه استیلاء بر خراسان تقدیم آستان قدس کرده است.

۹۹- فتح الله خان

فتح الله خان مستوفی در سال ۱۳۰۶ قمری نود و نه جریب در پشک گیلان وقف آستان قدس کرده است.

۱۰۰- فرنگیس بگم

فرنگیس بگم دختر خلیفه سلطان یک سهم از دوازده سهم رادکان را وقف مدرسه فاضل خان نموده است.

۱۰۱- فضل الله اصفهانی

امیر فضل الله شهرستانی اصفهانی، جد شهرستانیهای ایران و عراق در سال ۹۶۳ وقفنامه ای تنظیم کرده که نه متر و شصت و پنج صدم متر طول آن است. در این وقفنامه رقباتی وقف مکه معظمه، و روضه مطهره پیامبر گرامی و حضرت صدیقه طاهره و امام حسن مجتبی و امام حسین و قبه رفیعہ سجادیه و باقریه و کاظمیه و رضویه و تقویه و عسکرین و عباسیه در کربلا.

مقبره سنی فاطمه و حیدریه در اردبیل، و قبه ام المؤمنین خدیجه در مکه و قاسم و ابراهیم فرزندان پیامبر و مزار حضرت عبدالعظیم در ری وقف کرده است و تمام رقبات با خصوصیات آنها را در آن وقفنامه ذکر شده اند. مرحوم عبدالحمید مولوی که این وقفنامه را دیده می نویسد تمام این رقبات در طول تاریخ دست به دست شده اند و اکنون یک رقبه هم در اختیار وقف نیست.

۱۰۲- فضل الله وزیر نظام

فضل الله وزیر نظام برادر میرزا آقاخان نوری صدراعظم ناصرالدین شاه که از رجال عصر قاجار بود نائب التولیه آستان قدس رضوی گردید. او هنگام اقامت در مشهد مقدس بناها و موقوفاتی احداث کرد و در اختیار آستانه مقدسه رضویه قرار داد. از آن جمله تیمچه حکاکان بود که مصرف آن وقف روشنائی حرم مطهر و رواقها نمود، و بازار کفشدوزان را وقف زوار کرد. بناء کاروانسرا و بازار بزازان هم از موقوفات او می باشد. او هنگام اقامت در مشهد ساختمانی برای دفتر آستانه می سازد.

میرزا فضل الله نوری در جنوب شرقی صحن نو در یک زمین کوچکی دفتری برای خود می سازد و در همانجا ساکن می شود و به کارهای آستانه مشغول می شود و بعد آن را بنا خراب کرده و تیمچه ای برای فیروزه تراشان می سازد و اکنون محل آن به صورت وضوخانه در آمده است.

بازار وزیر نظام و سرای او در مشهد یکی از مراکز مهم تجارتی بود و در حدود هفتاد و پنج دکان و حجره های متعدد که بازرگانان در آن به کسب و کار مشغول بودند، درآمد سالیانه آنها در صد سال پیش حدود چهارصد و هفده تومان و سه قرآن بوده است.

بازار وزیر نظام و سرای او که در زمان تیموریان منزل امیرعلی شیرنوائی بوده و بعد از در اثر تحولاتی بصورت بازار و سرای تجارتی در آمد در سال ۱۳۵۴ تخریب گردید و به فضای سبز تبدیل شد، و بعد از انقلاب در آن زمین رواق دارالولایه و صحن جمهوری اسلامی احداث گردید.

۱۰۳- قاسم تهرانی

حاج قاسم تهرانی فرزند حاج علی اکبر کور تهرانی است. او در مشهد مقدس

چند سهم از شمس آباد میان ولایت و دو خمس آسیاب حاجی آباد را وقف دوازده نفر حافظ قرآن و یک صدرالحفاظ و یک خطیب می‌کند و مقرر می‌دارد:

این حفاظ در هر صبح و اول هر شب باید در مسجد بالاسر مبارک حضرت رضا علیه السلام حاضر شوند و هر یک جزئی از قرآن مجید را تلاوت کنند و حقوق خود را دریافت کنند، و اما پدر او حاج علی اکبر تهرانی هم داستانی دارد که اکنون به نظر خوانندگان می‌رسد.

حاج علی اکبر تهرانی مردی مالدار و متدین بود. یک چشم او کور و از این جهت او را حاج علی اکبر کور می‌گفتند. او در تهران کاروانسرای مجلی بنا کرد. خبر ساختن این کاروانسرای زیبا به فتحعلی شاه قاجار رسید. او تصمیم گرفت از این کاروانسرا دیدن کند.

یکی از روزها به حاج علی اکبر گفتند: شاه می‌خواهد از کاروانسرای شما دیدن نماید، در روز معین فتحعلی شاه وارد کاروانسرا شد و از بناء آن بسیار تعریف کرد. حاج علی اکبر احساس کرد شاه انتظار دارد او بگوید کاروانسرا را به شما تقدیم کردم. اما برخلاف معمول و عرف آن روز حاج علی اکبر به فتحعلی شاه گفت: این کاروانسرا صاحبش بسیار بزرگتر از شما می‌باشد. فتحعلی شاه پرسید: صاحب این کاروانسرا کیست؟ حاج علی اکبر پاسخ داد حضرت سیدالشهداء علیه السلام است. مقصود آن بود که این کاروانسرا وقف آن حضرت است.

۱۰۴- قاسم خراسانی

حاج قاسم ملک التجار خراسان شمس آباد میان ولایت را وقف آستان قدس نمود و مقرر داشت عوائد آن را صرف حقوق حفاظ بالاسر مبارک نمایند و در حدود چهارده نفر حافظ، خطیب و فراش در آنجا قرآن تلاوت می‌کردند و حقوق دریافت می‌نمودند.

۱۰۵- قمرنسا خانم

قمر نساء دختر میرزا بدیع فندرسکی در سال ۱۲۲۸ شش دانگ سورمن از توابع فندرسک شاهرود را وقف آستان قدس رضوی نموده است.

۱۰۶- کلب علی بادکوبه‌ای

او یکی از بزرگان شیعه و اهل بادکوبه بود. وی در سال ۱۲۶۳ قمری تیمچه‌ای در مشهد وقف آستان قدس نمود و تولیت آن را به ملا محمد کاظم استرآبادی داد، و درآمد آن را به مکتب خانه ایتام سادات اختصاص داد.

۱۰۷- گنج علی خان

گنج علی خان از رجال واعیان زمان صفویه است. وی در کرمان حاکم بود، از او بناها و آثاری در کرمان هنوز برجاست که یکی از آنها حمام معروف گنج علی خان است که نام او را همچنان زنده نگهداشته و یکی از بناهای با ارزش تاریخ است. گنج علی خان رقبات و املاکی وقف آستان قدس کرده که اکنون در کرمان محفوظ و موجود می‌باشند و آنها عبارتند از مزرعه مؤیدی، مزرعه باغ خان، مزرعه شهرآباد، بازار و دکاکین، حمام و میدان معروف به گنجعلی خان. قنات مشهور به گنج‌آباد که خود گنج علی خان آن را احداث کرد، یکصد و سی و نه سهم از اراضی مزروعی علی‌آباد، کاروانسرای واقع در بازار محمودی که خود واقف آن را احداث کرده است، حمام مشتمل بر باغچه‌ها و اراضی عالیه طرف جنوب. بازار مشتمل بر دکاکین و حجرات تحتانی و فوقانی و دکانچه‌ها و تخت گاهها و فضای میدان، یخدان، قنات شهرآباد که تا لنگرشیخ عبدالسلام امتداد داشته و هفت فرسخ طول دارد و یکصد من بذر افشان دارد، مبارک آباد که در رفسنجان قرار دارد.

سلطان آباد که به لندی مشهور است به انضمام تمامی دو باغ واقع در محله قطب آباد که یکی نعمت آباد و مشتمل بر اراضی عالیه و عمارات و بیوتات و دیگری عشرت آباد که مشتمل بر اراضی عالیه بر عمارات و بیوتات.

خیابانی که از بیرون باغ نعمت آباد کشیده شده به باغ نظر با تمامی باغ که مشهور است به باغ ناصر آباد و هکذا باغ جدیدالبنائی که سزاوارخان باباخان مرحوم ساخته، گنجعلی خان عوائد این موقوفات را برای فرش حرم و کارهای خیر اختصاص داده است.

۱۰۸- گوهرشاد

جامع گوهرشاد یکی از زیباترین مساجد اسلامی به شمار می رود. این مسجد مجلل و باشکوه یادگاری از قرن نهم هجری و نمونه ای از بناهای سنتی و اسلامی می باشد. این مسجد در جوار بارگاه ملکوتی حضرت رضا سلام الله علیه قرار گرفته و با آن در ارتباط است.

مسجد جامع گوهرشاد در سال ۸۲۱ بنا گردیده و بانی آن گوهرشاد آغا فرزند امیر غیاث الدین ترخان و همسر شاهرخ فرزند امیر تیمور گورکانی است که از خاندانهای معروف عصر تیموریان بودند. گوهرشاد از بانوان بزرگ تاریخ به شمار است و آثاری از خود به جای گذاشته است.

ظاهر امر نشان می دهد که گوهرشاد بکم به مشهد مقدس رضوی بسیار علاقه داشته و در تعظیم و تکریم بارگاه امام رضا علیه السلام کوشش می کرده است. رواق دارالسیاده و دارالحفاظ و دارالسلام در اماکن متبرکه از بناهای گوهرشاد آغا می باشند.

مسجد جامع گوهرشاد از روز نخست دارای وقفنامه و موقوفات زیادی بوده که توسط واقفه وقف گردیده اند. مسجد از روز نخست دارای متولی بوده و به طور مستقل به کارهای خود ادامه داده است، و چون در جوار بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام قرار

گرفته با آن ارتباط پیدا کرده و به صورت یک مجموعه درآمده‌اند.

گوهرشاد زندگی پرفراز و نشیبی داشته و یکی از بانوان فعال در دربار شاه‌رخ بود. فرزندان هنرمندی هم چون بایسنغر که در خطاطی و هنر از ارکان عصر خود بود تربیت کرد. گوهرشاد در سال ۸۶۱ به خاطر رقابتهائی که بعد از شوهرش شاه‌رخ پیش آمد کشته شد.

قبر او اکنون در خیابان شهر هرات در یک باغ بزرگ زیر یک گنبد زیبا و فیروزه‌گون قرار دارد. نگارنده این مقاله در سال ۱۳۴۶ و سال ۱۳۴۹ هنگام مراجعت از هند و پاکستان از آن دیدن کرده است.

مسجد گوهرشاد دارای یک صحن وسیع و چهارایوان بزرگ در چهار طرف و تعداد ۲۲ غرفه و شش طاق‌نما در طرفین ایوان مقصوره و ۲۸ در ورودی از صحن به طرف شبستانها و هفت شبستان در چهار طرف و یک گنبد زیبا و فیروزه‌گون و دو مناره در طرفین ایوان قبله می‌باشد.

وقفنامه مسجد گوهرشاد

گوهرشاد پس از ساختن مسجد موقوفات زیادی برای مسجد از خود به جای گذاشت و وقفنامه مفصلی درباره نحوه اداره مسجد و حقوق امام و خطیب و فراشان و خادمان مسجد نوشته که اکنون محفوظ می‌باشد و املاک و رقبات وقفی با خصوصیات آنها در وقفنامه آمده است.

این وقفنامه بسیار مفصل می‌باشد و در سال ۸۲۹ تنظیم شده و به امضاء گوهرشاد رسیده است. ۲۶ نفر از اعیان، علماء و رجال آن‌عصر هم وقفنامه را تأیید کرده‌اند که نام همه آنها در وقفنامه مندرج است. ما متن این وقفنامه را که مشروح و مفصل است در تاریخ آستان قدس ذکر نموده‌ایم.

در بخشی از آن آمده: عالیجناب عصمت مآب، عفت اناب، خورشید منزلت،

مشتري طلعت، مهد عليا، ستر عظمی، زبدة نساء العالمين، نتیجه اعظام الكبراء و الخواقين، مهر سپهر دولت و بختیاری و سپهر مهر سعادت و کامکاری عصمت الدنيا و الدين گوهرشاد بیگم خلدالله تعالی ظلال خیراتها و حسناتها الى يوم القيامة.

جمله گی ایام شریفه اش بر نهج مراد و منهج رشاد است و موقع همه اوضاع طریقه قویمه و جاده مستقیمه و خاطر فطیره به تنسیق احوال اخروی مایل و ضمیر منیرش مواکب خیر و احسان را مستقبل، خلود سعادتش و علامه دولتش آنکه همت بلند پرواز بر آن مقصور گردانیده.

اکرام تمام و انعام عامش همچنانکه در ایام حیات به خاص و عام می رسد بعد از وفات نیز همان فوائد و موائد بزائد به همگان عاید و خیرات جاریه شایسته از اعمال حسنه جهت رفع درجات و محو سیئات موافق کلام معجز نظام «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون».

به سمع جان استماع فرموده و از اطیب املاک و اسباب به جهات شرعیه وجوهات مرضیه و انتقالات دینی به جناب شریفش منتقل شده بود و در تحت تصرف و کلاء حضرتش بلا مانع و منازع و مزاحم و معارض و مساهم، استمرار و استقرار یافته و مسجلات قضاة اسلام و احکام ملت مصطفوی علیه الصلوة والسلام به مصلحت و مجاری ناطق و متشمل گشته.

وقف و تسبیل کرد عالیجناب مشارالیه بر مسجد جامع مبارکه شریفه طیبیه در مشهد مقدس و مرقد اقدس رضوی علی راقدها السلام والتحیه که داخل روضه مطهره و تربت معطر بنا فرموده که رشک بهشت برین است و مطاف ملائک مقربین.

شروط وقف

حضرت واقفه مشارالیه وقف لازم شرعی کرد بر مسجد مذکور احسن الله خیرا فی الدارین و شرط کرد که متولی بقاع متبرکه و اوقاف مذکوره اولاد حضرت مشارالیه

بطناً بعد بطن قرناً بعد قرن و نعوذ بالله که نسل واقفه مشارالیهها منقطع گردد.

اولاد عالیجناب شریعت پناه تقوی شعار فضائل دستگاه افتخار الاکابر و النجباء مولانا علاءالدوله و الفضیلة و الدنيا والدین علی حمیدی العلوی المشهدی الرضوی متولی اوقاف بقاع مذکوره باشد. به دستور اولاد اولاد واقفه مشارالیهها، اگر نسل عالیجناب مشارالیه نیز منقطع گردد ذکور او اناثا یکی از صلحای سادات عظام مشهد مقدس رضوی متولی باشد به دستور اولاد عالیجناب مشارالیهها.

از مجموع ربع محصولات و موقوفات حق التولیه بقرار عشر کامله گیرند، و عشر دیگر جهت کارکنان و ضابطان و عمال و معمار بقاع مذکوره که نظام رتق و فتق و نسق مهمات و معموری بقاع و اوقاف آن بسی ایشان وابسته و مقرر است.

شرط دیگر آن است که در اوقاف صدور عظام و وزرای کفایت انجام مدخل نمایند و رسم الصداره و رسم الکفایه و حق التولیه و محصلانه و ضابطانه گیرند، و عمال و صاحبان دفتران نسخه جمع و خرج نطلبند و به حساب دفتر تعرض نرسانند و به هیچ وجه من الوجوه من القلیل و الکثیر در اوقاف مدخل نمایند و عزل و نصب ارباب وظائف و صلاح و فساد و مهمات آن بدمه متولی شرعی داند تا یوم الجزاء.

شرط دیگر آن است که اوقاف را زیاده از سه سال به اجاره ندهند تا آنکه مدت اجارت منقضی نشود عقد اجارت دیگر نکنند و مستزاد را بعد اجارت شرعی اعتبار نمایند و به متقلبه و طالب حیل و تاویل ندهند.

شرط دیگر اینکه از ربوع اوقاف چیزی که زیادت آید به زوار مرقد مقدسه رضوی از صلحاء و اعراب مکه و مدینه رسول و مسافران بر وجهی که رای و صواب دید متولی باشد شرعاً بغير حق التولیه و عشر دیگر به شرح صدر براین موجب که مفصل می شود بر ارباب وظائف بر وجه استحقاق صرف نماید بعد عمارت مسجد.

وظائف

وظیفه امام صلاة خمس، امام و خطیب مسجد به اسم عالی جناب شریعت شعار مشارالیه و هر کس را معین نماید، و مشارالیه ماذون باستخلاف و اولاد اولاد متولی به شرح صدر و مذکور عمل نماید، وظیفه امام نقد گندم و جو، وظیفه حفاظ خوش خوان نقد گندم و جو.

وظیفه مصدر و حفاظ و معرف روز جمعه و روز دوشنبه بدستوری که مقرر شده جهت واقفه مشارالیه یک جزو و یا زیاده تلاوت کنند و وظیفه آنها نقد گندم و جو، وظیفه معرف خوش خوان نقد گندم و جو، وظیفه مؤذنان بشروط ملازمه دائمی نقد گندم و جو، وظیفه سقایان و فراشان بهر نفر بشروط پسندیده تعطیل ننمایند نقد گندم و جو، و شرط دیگر آن است که موقوفات را نفروشدند و نخرند و ابتذال ننمایند و به کسی نبخشند و در هر چند سال سوادى از وقفیت تازه سازند، از حاصل مستغلات و به قیود و شروط عمل نموده خلاف ننمایند.

فمن بدله بعد ماسمعه فانما ائمه على الذين يبدلونه، و عليه لعنة الله والملائكة و الناس اجمعين كتب هذه الوقفية الشرعية فى اواسط شهر رجب المرجب سنة تسع و عشرين و ثمانمائة.

موقوفات مسجد جامع گوهرشاد در یک دفتر مخصوص ثبت گردیده و تحت نظر اداره اوقاف خراسان اداره می شود. مسجد جامع گوهرشاد کتابخانه مستقلى هم دارد که در بست شیخ بهاء الدین بهائی کنار مسجد قرار دارد و یکی از کتابخانه های معتبر مشهد می باشد.

جامع گوهرشاد بر حسب ضرورت و احتیاجات خود کارخانه کاشی پزی ویژه ای تأسیس کرده و حدود هفتاد سال سابقه دارد. تولیدات آن در نوع خود کم نظیر و از ظرافت و نفاست خاصی برخوردار است. از این جهت برای ساخت کاشی های معرق سفارشاتى هم قبول می کند.

ما درباره مسجد گوهرشاد و خصوصیات آن و کتیبه ها، ایوان ها، شبستانها در

تاریخ آستان قدس مفصلاً بحث کرده‌ایم. جویندگان می‌توانند به آن کتاب جلد دوم از صفحه ۷۱۵ تا ۷۷۲ مراجعه کنند.

۱۰۹- مجدالملک

او تعدادی دکان در کنار کاروان سرای ناصریه بنا کرده بود و مجدالملک مدتی متولی آستان قدس بوده است.

۱۱۰- محراب خان

محراب خان یکی از رجال بزرگ عصر صفوی و از کارگزاران آن دولت بود. او مدتی در مرو حکومت می‌کرد و در سال ۱۰۳۲ درگذشت. محراب خان در محله دروازه نوقان مشهد مسجدی بنا کرده که هنوز هم وجود دارد و به مسجد محراب خان معروف می‌باشد.

او یک مزرعه هم در شمال شرق مشهد مقدس وقف روضه مبارکه رضویه نمود. این مزرعه اکنون به منطقه مسکونی تبدیل شده و به نام کوی طلاب معروف گردیده است، و ایستگاه راه آهن مشهد هم در اراضی محراب خان قرار دارد.

۱۱۱- محسن خان قزوینی

میرزا محسن خان قزوینی در سال ۱۳۱۶ قمری ربع آسیای خسروخانی را که در نزدیک باجیگران می‌باشد وقف آستان قدس کرده است.

۱۱۲- محمد اکبر

خواجه محمد اکبر در سال ۱۱۴۰ ملکی را وقف مسجد گوهرشاد نموده است و نام این رقبه و واقف در ضمن اوقاف مسجد گوهرشاد و در اداره اوقاف مشهد محفوظ است.

۱۱۳- محمد بک

او در سال ۱۱۷۶ نصف خرق را که از آبادی های بلوک درزاب می باشد وقف آستان قدس رضوی کرده است.

۱۱۴- محمد تقی بجنوردی

در مشهد موقوفه ای بوده به نام خان حسینی، متولی این موقوفه شیخ محمد تقی بجنوردی عالم مشهور مشهد بود، درآمد این موقوفه صرف روضه خوانی حضرت سیدالشهداء علیه السلام می گردید.

۱۱۵- محمد تقی میرزا

رکن الدوله محمد تقی میرزا حاکم خراسان شش دانگ تیمچه بلور فروشان را در سال ۱۳۰۵ قمری از ورثه امام جمعه مشهد به مبلغ شش هزار و پانصد تومان خرید و به آستان قدس داد. ظاهراً این محل به مسجد گوهرشاد تعلق داشته و بعد از اینکه امام جمعه در آنجا تیمچه ای می سازد بین امام جمعه و متولی مسجد کشمکش ایجاد می شود.

در این هنگام رکن الدوله وارد میدان و واسطه می شود تا نزاع فیصله پیدا کند. از این رو تیمچه را می خرد و پولی به امام جمعه مشهد می دهد و تیمچه را هم به آستان قدس صلح می کند. آستان قدس سالها آن را تصرف داشت تا در سال ۱۳۵۴ هنگام توسعه فلکه تخریب گردید.

۱۱۶- محمد جعفر بک

او در سال ۱۱۶۹ نصف نوکاریز را در جلگه طوس وقف آستانه قدس کرده است.

۱۱۷- محمد حسین

میرزا محمد حسین که ظاهراً کرمانی بوده مزرعه‌ای را در کرمان به روضه مبارکه رضویه وقف کرده است.

۱۱۸- محمد حسین تاجر

حاج محمد حسین قره‌باغی تاجر در سال ۱۳۱۰ قمری یک باب کاروانسرا و دو باب دکان متصل به سرای مزبور واقع در بازار بزرگ وصل به کوچه قنادها وقف روضه رضویه کرده و تولیت آن را به شیخ محمد تقی بجنوردی داده است.

۱۱۹- محمد حسین شریف

او در سال ۱۲۵۴ مزرعه حسین آباد دریاچه و ربع قنات حسین آباد کرمان را وقف آستان قدس کرده است.

۱۲۰- محمد حسین شیرازی

حاج محمد حسین شیرازی در سال ۱۳۱۴ قمری دو دانگ ده ریز را در شیراز وقف آستانه رضویه نموده است.

۱۲۱- محمد حسین طیب

حاج شیخ محمدحسین طیب در سال ۱۲۱۲ قمری اسماعیل آباد و پنج سهم از چشمه صاد را در کاشمر وقف آستان قدس کرده است.

۱۲۲- محمدحسین عضدالملک

میرزا محمدحسین عضدالملک قزوینی که از رجال عصر قاجار بود و نیابت تولیت آستان قدس را هم به عهده داشت، منشأ آثار و خدمات زیادی در آستان قدس رضوی گردید. او قنوات مخروبه را آباد کرد، و طلاکاری ایوان صحن نو در زمان او انجام گرفت.

طومار معروف عضدالملکی که مجموعه موقوفات آستان قدس را در بردارد توسط او تهیه گردید. او مزرعه حسین آباد را در میان ولایت مشهد خریداری کرد و به روضه مبارکه رضویه وقف نمود و مقرر داشت که عوائد آن را صرف روضه خوانی حضرت سیدالشهداء بنمایند.

۱۲۳- محمدحسین کرمانی

او در سال ۱۰۹۶ سه ربع از کنوگیر، و شش دانگ سمزقند و کلاته بوغا و نصف عوضی و شش دهم زیرکن، را وقف روضه مبارکه کرده است.

۱۲۴- محمدخان قاجار

آقا محمدخان قاجار در سال هزار و دویست و پنج به خراسان لشکر کشید و مشهد مقدس را از تصرف فرزندان نادر خارج کرد و محمدولی خان قاجار را به حکومت مشهد منصوب نمود و فتحعلی بک کوتوال را به نیابت تولیت برگزید، و پنج عدد قندیل طلای مرصع به لؤلؤ و جواهرات هر یک به وزن پنج من وقف آستان قدس رضوی کرد.

۱۲۵- محمد ناصر خان

محمد ناصر خان ظهیرالدوله در سال ۱۲۸۸ شش دانگ شادکن را وقف آستان قدس نمود و مقرر داشت عوائد آن صرف دارالشفای مبارکه شود.

۱۲۶- محمدخان کلیدری

او در سال ۱۲۵۴ چهار شبانه روز و سی و پنج سیر از مدار دوازده شبانه روز مزرعه کلیدر را که در سر ولایت قرار دارد وقف آستانه مقدسه نمود.

۱۲۷- محمدرضا اردستانی

حاج محمدرضا اردستانی در سال ۱۱۱۶ ملکی را به مسجد گوهرشاد وقف کرده است.

۱۲۸- محمدرضا شاه پهلوی

در زمان سلطنت رضا شاه و محمد رضا شاه پهلوی تحولاتی در آستان قدس انجام گرفت تعدادی از املاک معاوضه و تعدادی هم خریداری گردید، و ساختمانها و مستغلاتی پدید آمد. شمار این رقبات به یکصد و بیست و پنج مورد رسید و در سال ۱۳۲۷ کلیه این املاک به ثبت رسید.

در این مورد وقفنامه از طرف محمد رضا شاه تنظیم گردید، و در آن وقفنامه آمده: به منظور بسط و توسعه مؤسسات خیریه آستان قدس رضوی که به حمدالله خاطر پیوسته بدان تمایل داشته و برای صیانت از فروش و تغییر و تبدیل و تعویض وقف صحیح شرعی و حبس مؤید ملی فرمودیم.

کلیه املاک و رقباتی که برای آستان قدس رضوی از منافع آستان قدس و مازاد

آن به موجب اسناد رسمی در مشهد و سایر شهرستانها خریداری گردیده اعم از اینکه در زمان پدر تاجدارم اعلیحضرت رضا شاه و یا در زمان سلطنت ما خریداری شده باشد.

همچنین املاک و رقباتی که بنام آستان قدس و در اراضی موات احیاء گردیده و ابنیه و عماراتی که جهت بیمارستان شاهرضا واقع در مشهد مقدس و سایر مؤسسات خیریه آستان قدس ساختمان و ایجاد شده و اسامی آنها در یکصد و بیست و پنج مورد است به تفصیل جداگانه نوشته و احصاء می‌گردد.

حدود و مشخصات هر یک طبق اسناد مالکیت و پرورنده‌های ثبتی معین و مضبوط است بر مصارف خیریه آستان قدس رضوی به این ترتیب که تمام عوائد حاصله موقوفات و رقبات فوق الاشعار پس از وضع مصالح الاملاک و نفقه القنوات و کلیه مخارج ملکی و ملکی و عشر حق التولیه.

درآمد آن را برای تأمین بهداشت و نگهداری و توسعه و مصارف بیمارستان شاهرضا و جذامیخانه و پرورشگاه یتیمان و نوانخانه و تقویت مبانی فرهنگی آستان قدس از قبیل مخارج موزه و کتابخانه و خرید کتاب و امثال ذلک و هم چنین برای تعمیر و مرمت و توسعه و تکثیر ابنیه و بیوتات قدیمی داخل آستان قدس و صیانت آنها از خرابی و اندراس مصرف گردد.»

این وقفنامه که ما مقداری از آن را نقل کردیم در تاریخ فروردین سال ۱۳۲۷ شمسی به امضاء محمدرضا شاه پهلوی رسیده و در دفترخانه شماره ۲۳ مشهد به شماره ۳۷۱۰ توسط مرحوم محمود بدر نائب التولیه آستان قدس از طرف محمد رضا شاه امضاء گردیده است، و تمام وقفنامه در تاریخ آستان قدس رضوی تألیف نگارنده چاپ شده است.

محمد سعید خوافی در سال ۱۱۷۶ محوطجات سنگان با بیست و شش جریب زمین و چهل و پنج سرقه آب وقف آستان قدس رضوی کرده است.

۱۳۰- محمد صالح قزوینی

او در سال ۱۱۰۵ یک دربند دکان شمع ریزی واقع در حاشیه میدان مشهد مقدس وقف روضه رضویه نموده است.

۱۳۱- محمد علم خان

محمد علم خان حاکم بدخشان نصف شمس آباد میان ولایت و مؤمن آباد چناران را وقف آستانه مبارکه کرده و مقرر داشته عوائد آنها صرف روشنائی حرم مطهر و زوار کابلی و افغان شود. محمد علم خان این دو رقبه را در سال ۱۳۰۹ قمری وقف کرده است.

۱۳۲- محمدعلی قائم مقام

حاج میرزا محمدعلی قائم مقام التولیه یکی از رجال متنفذ مشهد بود. او خواجه جراح را که یکی از دهات نزدیک چناران می باشد، شش دانگ وقف آستانه قدس کرد و مقرر نمود عوائد آن صرف دارالضیافه مبارکه شود.

۱۳۳- محمدعلی وزیری

مرحوم سید محمدعلی وزیری یکی از علماء و وعاظ شهر یزد بودند، او مردی صالح و جلیل القدر بود و بسیار مورد علاقه مردم و خدمتگذار جامعه به شمار می رفت و در میان مردم محبوبیت فوق العاده ای داشت و غیر از اینکه یک شخصیت روحانی و مذهبی بود از فرهنگیان و دانشمندان و اهل ادب هم به شمار می رفت و همه طبقات او را

دوست می‌داشتند.

حاج سید محمدعلی وزیری رحمه الله علیه در طول زندگی خود کتابهای زیادی فراهم آورد، و یک مجموعه بزرگ علمی و فرهنگی را تأسیس کرد، مرحوم وزیری تصمیم گرفت کتابخانه خود را به صورت عام در اختیار مردم بگذارد و لذا جایی در کنار مسجد جامع یزد برای کتابخانه خود برگزید.

این کتابخانه در یزد به کتابخانه وزیری مشهور شد، مردم به آن روی آوردند و کتابخانه توسعه پیدا کرد و بر تعداد کتابهای آن افزوده گردید، و شهرت آن همه جا را گرفت و اهل علم و ادب به آن روی آوردند، نگارنده این مقال برای دیدن نسخه‌های خطی آن به یزد رفتم و از آن استفاده نمودم.

یکی از روزها در تهران با وی ملاقاتی داشتم، مرحوم وزیری فرمودند: تصمیم گرفته‌ام کتابخانه خود را وقف آستان قدس رضوی نمایم، از شنیدن این موضوع خوشحال شدم و او را در این مورد تحسین کردم و گفتم: کار بسیار خوبی می‌کنید و کتابخانه با اتصال به روضه مبارکه رضویه جاودانی خواهد شد.

او گفت: من وقفنامه‌ای را تنظیم کرده‌ام دوست دارم شما هم آن را مطالعه کنید و اگر نظری دارید بگوئید، من وقفنامه را مطالعه نمودم و آن را بسیار محکم و استوار یافتم و به او تبریک گفتم، بعد از مدتی او به یزد رفت و مقدمات کار را فراهم نمود.

او کتابخانه خود را وقف آستانه مقدسه کرده ولی شرط نموده است که کتابخانه در یزد بماند و آستان قدس آن را اداره کند، و در این مورد وقفنامه‌ای مفصل هم تهیه شده است. آستان قدس هم شرایط او را قبول کرد و اکنون کتابخانه وزیری یزد متعلق به آستان قدس می‌باشد.

در سال ۱۳۴۸ کتابخانه به آستان قدس تحویل شد و برای افتتاح آن مجلس بزرگی در شهر یزد تشکیل گردید. اهل علم و ادب و رجال فرهنگی در آن شرکت کردند، و کتابخانه با سخنرانی حضرت آقای وزیری افتتاح گردید و کار خود را با

مدیریت جدید آغاز نمود.

ما در باره کتابخانه وزیری یزد در تاریخ آستان قدس رضوی بطور مشروح بحث کرده‌ایم، و از خصوصیات واقف و کتابخانه مشروحاً گفتگو نموده‌ایم و متن وقفنامه را هم آورده‌ایم، جویندگان می‌توانند به تاریخ آستان قدس رضوی تألیف نگارنده جلد ۱ صفحه ۴۴۷ تا ۴۵۸ مراجعه کنند.

۱۳۴- محمد قلی خان

او فرزند اللهیار خان آصف‌الدوله می‌باشد. حسن خان سالار فرزند آصف‌الدوله در مشهد بر علیه دولت مرکزی قیام کرد و شهر مشهد را تا سبزوار تصرف نمود و بعد حسام‌السلطنه از طرف ناصرالدین شاه به خراسان آمد، و با سالار جنگ کرد و او را گشت.

سالار هنگام قیام برضد ناصرالدین شاه و تصرف شهر مشهد به آستان رضوی تجاوز کرد و طلاها را تصرف نمود. پس از کشته شدن او فرزندش محمدقلی خان باغ و قنات سالار را در مشهد به آستان قدس واگذار کرد. آن باغ را باغ آصف‌الدوله می‌گفتند که اکنون ادارات مرکزی آستان قدس در بالا خیابان در آنجا قرار دارد.

۱۳۵- محمد مؤمن وزیر

او در سال ۱۱۳۶ شش دانگ موقوفه جمع آباد را وقف مقبره شاه طهماسب صفوی که در رواق شمالی حرم مطهر دفن است نموده.

۱۳۶- محمد معین

حاج محمد معین التجار رشتی در سال ۱۳۱۱ قمری سه دانگ یک کاروانسرا را وقف آستانه مقدسه کرده است.

۱۳۷- محمد میرزا

حاج سلطان محمد میرزا سیف الدوله فرزند فتحعلیشاه قاجار که در زمان پدرش متولی آستان قدس بود. قریه حسن آباد سرجام را خریداری کرد و مبلغ هشت هزار تومان از مال آستانه مقدسه پرداخت کرد و جزء موقوفات مطلقه قرار داد.

۱۳۸- محمد میرزا

حاج محمد میرزا فرزند قهرمان میرزا در سال ۱۳۰۶ قمری یک سهم از شانزده سهم محمد آباد شادمهر را در تربت حیدریه خریداری نمود و به روضه مبارکه رضویه وقف کرد.

۱۳۹- محمد ولی بک

محمد بک دیوان بیگی در سال ۱۰۹۲ شش دانگ برزل آباد را که بین قوچان و شیروان قرار دارد وقف آستان قدس رضوی نموده است.

۱۴۰- محمود بیکا

او یکی از افراد خوش نیت و علم دوست عصر خود بوده است. محمود بیکا در سال ۱۱۲۰ شش دانگ از روستای محراب خان را وقف آستان قدس نمود، و مقرر داشت درآمد آن را صرف تعلیم و تعلم ایتم سادات نمایند و شرط کرده همه ساله دودست لباس و دوزیر جامه و دو کلاه و یک شال کمر به آنان داده شود، و نیز شرط کرده.

همه روزه بهر یک ده سیر نان و ده سیر طعام مطبوخ تسلیم نمایند و تمام اوقات روز ایتم سادات در مکتب خانه واقع در حجرات صحن عتیق حاضر شده زیر نظر یک

معلم متدین صالح درس بخوانند و مبلغی برای شستشوی لباسها به آنها بدهند.

۱۴۱- مرتضی قلی بک

او در میان ولایت مشهد باغو معروف به کلاته مؤذنان را وقف روضه رضویه نموده و مقرر داشته درآمد آن را خرج مؤذنان آستان قدس کنند.

۱۴۲- مرتضی قلی خان طباطبائی

او از متولیان بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام بود و در هنگامی که روسهای تزاری گنبد امام هشتم را بتوب بستند او سمت متولی باشی را داشت. مرحوم مرتضی قلی خان طباطبائی نائینی در سال ۱۳۴۱ قمری رجب آباد تبادکان را وقف روضه رضویه نمود مقرر داشت عشر درآمد آن را به مکتب خانه سادات در مشهد صرف کنند.

۱۴۳- معدل الملک

حاج معدل الملک شیرازی در سال ۱۳۰۸ قمری یک دانگ از شش دانگ داریان را در شیراز وقف آستان قدس رضوی نمودند.

۱۴۴- معصومه خانم

این بانو در سال ۱۲۵۲ عباس آباد کوه سرخ را با مبلغ بیست و پنج قران وقف روضه منوره رضویه کرده است. کوه سرخ یک منطقه ییلاقی است که بین کاشمر و نیشابور قرار دارد.

۱۴۵- موسی خان

حاج میرزا موسی خان فراهانی برادر مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام در مشهد مقدس متولی بوده و تولیت او در حدود بیست سال طول کشیده است. او و خواهرش تاجماه بیگم هرچه در تبریز و خارج آن داشته‌اند وقف بر چهارده معصوم کرده‌اند و در صوفیان تبریز هم ملکی را وقف کرده است.

۱۴۶- مهدی قلی خان

مهدی قلی خان قرائی که از کارگذاران روضه رضویه بود محمدآباد تربت و طاحونه سنگان را وقف آستان قدس نمود و عوائد آن به روضه خوانی و مکتب خانه و تعمیر کتب و کلام الله مجید و چائی خدام و عیدی کفشدارها و خدام اختصاص داد. او در مشهد قناتی هم حفر کرده بود که به کاریز مهدی قلی خانی معروف بود و این قنات در اثر حفر چاههای عمیق خشک گردید، و قریه دستجرد قزوین در بالا رودبار نقد شصت و هشت تومان و پنج قران و دویست دینار، جنس پانزده خروار وقفی سرکار فیض آثار.

چهار دانگ، نقد چهل و پنج تومان و شش قران و هشتصد دینار، جنس ده خروار بیست و شش من، باغ سبزی کار آقا جمالی تماماً سی و پنج تومان مقرر جمعی ضبطی حال سیصد و هفتاد و نه تومان و شش قران و پانصد دینار منها تخفیف مرحمتی یکصد تومان الباقی دویست و هفتاد و نه تومان شش قران و پانصد دینار وقفی مهدی قلی خان در سال ۱۰۵۵

از جمله موقوفات مهدی قلی خان چند باب دکاکین است که در جنب حمام شاه مشهد می‌باشند، و عوائد آنها صرف شربت خانه مبارکه می‌گردد و از آن جمله گرمابه مهدی قلی خان است که به حمام شاه معروف می‌باشد و نوزده باب دکان در جنب این گرمابه بین بازار بزرگ و بازار سرشور.

او همچنین دو آبادی کازرگاه و پس پشته را نیز وقف کرده است و دیگر از

موقوفات او کاریز مسجد گوهرشاد بوده است. مهدی قلی بک که سمت میرآخوری شاه عباس را داشت در مشهد کاریزی نو احداث کرد تا آب از داخل مسجد گوهرشاد بگذرد و نمازگذاران و زائران از آن استفاده کنند.

۱۴۷- مهدی قلی خان

او مهدی قلی خان قوللر آغاسی شاه سلطان حسین صفوی بود که رقباتی وقف آستانه مقدسه کرده است و درآمد آنها را صرف شربت خانه مبارکه می‌شده است.

۱۴۸- مهرجهان

مهرجهان بیگم و خواهرش شمس‌النساء بیگم نصف بیلدر را وقف آستان قدس کردند و مصرف آن را جهت طلاب علوم و منسوبین آستان قدس اختصاص دادند. بیلدر در غرب مشهد و اکنون در اختیار آستان قدس می‌باشد.

۱۴۹- میرزا آقاخان

میرزا آقاخان سرهنگ فوج خرقان در محرم سال ۱۳۱۶ قمری یک دانگ و نیم از شش دانگ بخت‌آباد خرقان را وقف آستان قدس نموده است.

۱۵۰- میرزا سعید خان

میرزا سعید خان انصاری که مدتی نائب التولیه آستان قدس بود در سال ۱۲۹۲ قمری شش دانگ فتح‌آباد را وقف آستانه مقدسه رضویه نمود. او در باغ آصف الدوله مشهد ساختمانهای زیبایی با حوضخانه و اندرونی و بیرونی بنا کرد و عائداتی از این طریق نصیب آستان قدس نمود.

۱۵۱- میرزای صراف

او یک زوج از مزرعه گل مکان را وقف آستان قدس کرده و همچنین یک سهم از شانزده سهم شهر طوس پائین را وقف بر آستان مقدس کرده است.

۱۵۲- نادرشاه افشار

نادرشاه افشار مشهد مقدس را پایتخت خود قرار داد. او ایوان جنوبی صحن کهنه را طلاکاری کرد، و یک قندیل طلای مینای مرصعی با قفل طلای مرصعی به آستان قدس تقدیم داشت و چهارده زوج مزرعه دهشک را وقف سقاخانه طلائی صحن کهنه نمود تا از عواید آن آب در اختیار زائران قرار دهند، و نادرشاه هفتاد و شش دربند دکان هم در میدان مشهد وقف مقبره خود کرده بود.

۱۵۳- ناصرالدین شاه

او در سال ۱۲۸۴ وارد مشهد مقدس گردید، و هنگام ورود به روضه مبارکه رضویه مشرف شد و مرقد پاک آن حضرت را زیارت کرد و جیقه سلطنتی را به آستان قدس تقدیم نمود.

۱۵۴- نسا خانم

نسا خانم دختر داود بیکا در سال ۱۰۷۷ یکباب دکان طبخی در بازار چهار سوق میدان مشهد وقف آستان قدس کرده است.

۱۵۵- نظام الدوله

او شش دانگ از بحرآباد را وقف آستان قدس کرده بود.

۱۵۶- نعمت الله خان یاور

حاج نعمت الله یاور فوج افشار در سال ۱۳۱۱ قمری چهار شعر از یک دانگ سنگ آوین خرقان را وقف آستان قدس کرده است.

۱۵۷- نوروز علی بسطامی

نوروز علی مؤلف کتاب فردوس التواریخ یکی از علماء و مؤلفین مشهد مقدس بود او در سال ۱۲۹۷ قمری وقفنامه‌ای تنظیم کرده و رقباتی را وقف آستانه مقدسه رضویه نموده است و در کتاب فردوس التواریخ گوید:

چهار سال قبل از تحریر این نسخه شریفه و تألیف این صحیفه منیفه موفق به این نعمت عظمی شدم و دو سهم از هفت سهم از دکان بقالی سمساری و حلوانی که متصل به هم هستند در بازار قیصریه ارض اقدس رضوی و چهار سهم از دکان طباحی متصل به حمام سالار بهادر را

وقف بر مصرف گلاب درب آستانه عرش درجه بقعه رضویه علی مشرفها آلاف السلام والتحیه و بر قاریان قرآن که در حرم محترم تلاوت قرآن نمایند نمودم و به تصرف وقف دادم و حال تحریر ماهی بیست و چهار هزار رایج اجاره دکانین مزبوره است.

تولیت دکانین مزبور مادام الحیوة با خودم می‌باشد و بعد از خودم با دو اولاد ذکورم محمد صادق و ابوالحسن می‌باشد که هر دو به اطلاع و استحضار یکدیگر در امور آن تصرف نمایند و بعد از آن به اولاد ذکور ایشان هر کدام اصلح و اتقی باشند و هرگاه عمل نمایند تولیت با متولی روضه رضویه خواهد بود.

همچنین وقف مؤبد و حبس مغلد شرعی نمودم تمامی یک باب حوالی ملکی خود را که واقع است در دالان مشهور به علی‌پناه که متصل است از دو سمت بممر خاص و از جانبی به ورثه آقا محمد طاهر و از سمتی به حوالی آقا میرحسین بر تعزیه

داری امام حسین علیه السلام و حضرت رضا و باقی ائمه هدی علیهم السلام.

منافع اجاره آن را بعد از تعمیرات لازمه و حق التولیه در همان منزل ذکر مصیبت و منقبت آن بزرگواران نمایند. در روزهای پنجشنبه یا جمعه، هرگاه اجاره آن وفا نماید بیست نفر از فقرا را دعوت نماید با یک روزه خوان محدث طعام بدهند به ایشان. هرگاه اجاره وفا به طعام ننماید جای صرف نمایند و تولیت، مادام الحیاء با خودم می باشد و بعد از فوتم به هر دو اولاد ذکور که نور چشمان موفقان محمد صادق و ابوالحسن می باشد و هر دو به مشورت و رای یکدیگر به اجاره و استجاره و احترامات تعزیه داری نمایند.

بعد با اولاد ایشان ماتعاقبو و تناسلوا و هرگاه اولاد ایشان منقرض شوند تولیت با متولی روزه عرش آشیان خواهد بود و هرکدام از آنها که خواسته باشند در آنجا سکنی نمایند مال الاجاره آن را صرف تعزیه داری نمایند و هرگاه هر دو خواستند سکنی نمایند بالمناصفه اخراجات تعزیه داری را متحمل شوند.

هرگاه غیر این نمایند یا حوالی را قسمت نمایند یا به فروشند و یا اجاره طویل زیاده از پنج سال بدهند به لعنت خدا و نفرین رسول الله صلی الله علیه و آله گرفتار شوند، و اگر العیاذ بالله اقدام به این ننمودند و مال الاجاره را در مصارف روزه خوانی صرف ننمودند تولیت آن با متولی روزه عرش درجه حضرت امام رضا علیه السلام خواهد بود.

۱۵۸- یحیی مرتضوی

مرحوم سید یحیی مرتضوی در سال ۱۳۶۴ شمسی کتابخانه خود را در شهرستان رفسنجان وقف آستان قدس کرده است. این کتابخانه در شهر رفسنجان مورد استفاده مردم می باشد و همه طبقات از آن استفاده می کنند و کتابخانه اکنون زیر نظر آستان قدس اداره می شود.

۱۵۹- یلداش بک

یلداش بک کوزه کنانی تبریزی خان میرمعین را که اکنون به کاروانسرای ازبگها معروف می‌باشد و در پائین خیابان مشهد قرار دارد وقف آستان قدس رضوی کرده است. او علاوه بر این کاروانسرا املاکی را هم در کاشمر وقف کرده است. همچنین روستای شیروآباد واقع در بخش میان ولایت مشهد در کنار راه قدیم مشهد به قوچان وقف نموده است. از موقوفات یلداش بک تنها کاروانسرای میرمعین معروف به سرای ازبگها و آبادی بخش میان ولایت در تصرف وقف است و بقیه از بین رفته‌اند.

۱۶۰- سوری

او از کارگذاران غزنویان در خراسان بود. بیهقی درباره وی گوید: چون آن شکست روی داد^(۱) سوری با ما به غزنین آمد و بروز ملک مودودی صاحب دیوان حضرت غزنین را پیش گرفت و خواست که همان دارات خراسان برود و بنرفت و دست وی کوتاه کردند و آخر کار این مرد آن آمد که بر قلعه غزنین گذشته شد. خدای عزوجل بر وی رحمت کند که کارش با حاکمی عدل و رحیم افتاده است مگر سر بسر بجهد که باستمکاری مردی نیکو صدقه و نماز بود و آثارهای خوش وی را بطوس هست. از آن جمله آنکه مشهد علی بن موسی الرضا علیه السلام را که بویکر شهرمد کدخدای فائق الخاصه آبادان کرده بود.

سوری در آن زیادهای بسیار فرموده بود و مناره کرد و دهی خرید فاخر و بر آن وقف کرد و بنیشابور مصلی را چنان کرد که به هیچ روز کار کسی نکرده بود از امراء و اثر آن بر جای است و در میان محلت بلقباد و حیره رودی است خرد و به وقت بهار آنجا سیل بسیار آمدی و مسلمانان را از آن رنج بسیار بودی مثال داد تا با سنگ و خشت

۱- مقصود شکست سلطان مسعود غزنوی در جنگ با طغرل بک سلجوقی می‌باشد.

پخته ریخته گردد و آن رنج دور شد.

۱۶۱- محمد خوارزمشاه

سلطان محمد خوارزمشاه در زمان سلطنت خود سنگایی وقف آستان قدس رضوی کرده است. این سنگاب بسیار زیبا و هنرمندانه تزئین گردیده و منبت کاری شده است. این سنگاب اکنون در موزه آستان قدس محفوظ است و یادگاری ارزشمند از قرون گذشته می باشد.

۱۶۲- سید محمد جلال الدین تهرانی

او یکی از شخصیت های علمی، سیاسی و فرهنگی کشور در تاریخ معاصر بود. وی پس از تحصیل در حوزه علمیه و فراگرفتن معارف اسلامی و فلسفه و نجوم رهسپار اروپا گردید و سالها در فرانسه و سایر کشورهای اروپا به فراگیری علم نجوم پرداخت، و از کتابخانه های اروپا بسیار استفاده کرد.

مرحوم سید محمد جلال الدین پس از بازگشت به تهران وارد کارهای دولتی شد و به وزارت و سفارت رسید. او چند بار استاندار و نائب التولیه آستان قدس رضوی شد و خدماتی در آنجا انجام داد. او در آخرین روزهای حکومت پهلوی از طرف محمد رضا شاه به عنوان رئیس شورای نیابت سلطنت برگزیده شد.

مرحوم سید جلال الدین برای ملاقات امام خمینی رضوان الله علیه عازم پاریس گردید، و پس از ملاقات با امام از ریاست شورای نیابت سلطنت استعفا داد و در پاریس اقامت گزید، و بعد از چند سال در پاریس درگذشت و جنازه اش را به مشهد مقدس انتقال دادند و در جوار بارگاه ملکوتی امام هشتم به خاک سپردند.

مرحوم سید جلال الدین منزل مسکونی خود را در تهران و کتابخانه اش را که بسیار ممتاز بود وقف آستانه مقدسه رضویه نمود، و پس از درگذشت آن سید جلیل

القدر رحمة الله عليه به مشهد مقدس منتقل گردید، ما شرح حال او را در تاریخ مشهد مفصل و مشروح آورده‌ایم.

۱۶۳- ابوالقاسم هرندی

مرحوم شیخ ابوالقاسم هرندی در سال ۱۳۴۹ خورشیدی کتابخانه خود را در کرمان وقف آستان قدس نمود. او در وقفنامه خود تصریح می‌کند که هر طائفه‌ای از مردم می‌توانند از این کتابخانه استفاده کنند. او یکی از شخصیت‌ها و معاریف کرمان بود و با تأسیس کتابخانه یادگار نیکی از خود به جای گذاشت.

۱۶۴- حسین کی استوان

مرحوم حسین کی استوان تهرانی یکی از صاحب منصبان وزارت دارائی بود، و از دانشمندان و فضلاء و اهل قلم به شمار می‌رفت. او در روزنامه‌ها و مجلات مقالات متعددی نوشت و چند متن ادبی را هم چاپ کرد، و علاقه زیادی به جمع‌آوری کتاب داشت.

در کتابخانه مرحوم کی استوان تعدادی کتاب خطی هم بود، او یکی از روزها به اینجانب پیشنهاد کرد برای کتابهای خطی کتابخانه‌ام فهرستی بنویسید، تا خصوصیات آنها روشن گردد. ما هم خواسته‌های او را اجابت کردیم و فهرستی برای نسخه‌های خطی او نوشتیم.

او کتابخانه‌اش را وقف آستان قدس کرده بود، و پس از درگذشت او چون فرزندی نداشت و ازدواج نکرده بود مادرش کتابها را در اختیار آستان قدس گذاشت. خداوند او را رحمت کند که مردی معتقد به اهل بیت علیهم‌السلام بود و در نشر فضائل و مناقب آنها کوشش می‌نمود.

نگارنده گوید:

موقوفات مشهد مقدس در اینجا به تفصیل مورد تحقیق گرفت و ما با استفاده از منابع و مآخذ موجود فهرستی از واقفان را به نظر خوانندگان این کتاب رساندیم، ولی ادعا نداریم که به همه موقوفات آگاهی یافته باشیم زیرا کثرت رقبات وقفی و پراکندگی آنها و تحولاتی که در تاریخ پدید آمده احصاء کل آنها ممکن نیست.

موقوفات مشهد مقدس به آستان قدس و مسجد گوهرشاد و مدارس طلاب علوم دینی اختصاص دارند. تعدادی از آنها هم وقف اولاد و بعضی هم وقف سادات رضوی و رقباتی هم برای روضه خوانی و ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام می باشند و تعدادی هم برای امور فرهنگی و درمانی وقف شده اند.

موقوفات آستان قدس رضوی کلاً تحت نظر متولیان و کارگذاران آستان قدس اداره می شود. مقامات دولتی حق دخالت در آن را ندارند. از زمان های بسیار قدیم روضه رضویه به صورت مستقل توسط یک نائب التولیه تحت نظر حاکم ایران قرار دارد و متولی مسئول شخص اول ایران می باشد.

اما سایر موقوفات مانند مساجد، مدارس، امور فرهنگی و بهداشتی و به هر عنوانی دیگر که رقبه و ملکی وجود داشته باشد در اختیار اداره کل اوقاف خراسان می باشند، و اوقاف خراسان به همه آنها نظارت دارد و متولیان وقف در برابر اوقاف مسئول هستند و باید طبق ضوابط عمل کنند.

منابع و مآخذ موقوفات

همان گونه که در آغاز این فصل به نظر خوانندگان محترم رسید، اکثر وقفنامه‌های آستان قدس رضوی و یا مساجد و مدارس مشهد مقدس در طول تاریخ از بین رفته‌اند. تعدادی از آنها در جنگها و غارت‌های دشمنان و مخالفان از بین رفته و همراه نفائس آستان قدس غارت شده‌اند.

بخشی از وقفنامه‌ها هم توسط افراد متنفذ و بی‌اعتقاد و متجاوز به املاک و رقبات وقفی از آستان قدس بیرون شدند و از بین رفتند، اکنون قسمتی از منابع موقوفات را که در کتب تاریخی و طومارها و مجموعه‌های وقفی جمع‌آوری گردیده به نظر خوانندگان می‌رسید.

نخستین اثری که در آن از موقوفات آستان قدس رضوی یاد شده تاریخ مسعودی تألیف ابوالفضل بیهقی است که در قرن پنجم تألیف شده است، و بعد در کتابهای دوره صفویه و قاجاریه از موقوفات یاد شده و در تاریخ معاصر هم درباره موقوفات روضه مبارکه رضویه مجموعه‌هایی گرد آمده و در تعدادی از کتابها از موقوفات یاد شده که اینک به شرح آنها می‌پردازیم.

۱- تاریخ بیهقی

ابوالفضل بیهقی از دبیران و منشیان دوره محمود غزنوی است. او ادیبی دانشمند و دبیری فاضل بود که در دیوان غزنویان کار می‌کرد و در سفرها همراه آنها بود و حوادث و وقایع را می‌نوشت و ضبط می‌کرد. از این رو کتاب او بسیار مورد توجه علماء و

دانشمندان می باشد.

او در حالات تعدادی از رجال و کارگزاران حکومت غزنویان از آثار خیر آنها در مشهد رضا علیه السلام سخن می گوید، و از موقوفات آنان که درباره عمران و آبادی مشهد مقدس می باشد یاد می کند، که ما نام آنها را در فهرست واقفان آورده ایم.

۲- تاریخ عالم آراء عباسی

اسکندربیک ترکمان از مورخان و منشیان عهد صفوی می باشد. کتاب عالم آرای عباسی یکی از مهمترین کتب تاریخ در این زمان است. مورخان و مؤلفان از مطالب آن در وقایع عصر صفویان استفاده کرده اند. اسکندربیک در این کتاب از توجه سلاطین صفوی و اقدام آنها در عمران و آبادی مشهد مقدس و موقوفات آنان یاد کرده است.

۳- طومار علی شاه افشار

علی شاه افشار برادرزاده نادرشاه افشار بعد از کشته شدن نادر چندی در مشهد مقدس به حکومت و سلطنت رسید و خود را بنام عادلشاه معرفی کرد. عادل شاه دستور داد اسامی موقوفات و تعداد رقبات وقفی آستان قدس رضوی را در طوماری بنویسند. او علاوه بر ضبط اسامی رقبات وقفی و تعیین حدود و ثغور آنها برای نظم آستانه مقدسه هم دستورات و احکامی صادر کرد و به کارگزاران روضه مبارکه رضویه ابلاغ نمود و آنها را موظف ساخت تا بر طبق دستورات عمل کنند و وظائف خود را انجام دهند. طومار علی شاه هم اکنون در آستان قدس رضوی محفوظ می باشد.

۴- طومار عضدالملک

مرحوم سید محمدحسین عضدالملک که مدتی وزیر خارجه بود در زمان

ناصرالدین شاه به نیابت تولیت برگزیده می‌شود. او هنگام ورود به مشهد و استقرار در آستان قدس رضوی موقوفات و رقبات متعلق به آستان قدس را مرور می‌کند تا از مندرجات آنها اطلاع یابد.

در آن زمان اسامی موقوفات در ورقه‌های کوچکی به خط سیاق نوشته شده بود که در اصطلاح آستان قدس به آنها فرد می‌گفتند. عضدالملک دستور می‌دهد همه آن ورقه‌های گوناگون را در یکجا گرد آورند و مجموعه‌ای از اوقاف را فراهم نمایند تا دسترسی به آن آسان گردد.

از این رو طوماری جدید از اوقاف را می‌نویسند که به طومار عضدالملک معروف می‌باشد. طومار در سال ۱۲۷۳ نوشته می‌شود و برای امضاء به تهران فرستاده تا ناصرالدین شاه هم آن را امضاء می‌کند. پس از امضاء بار دیگر به مشهد برمی‌گردد، و علماء مشهد هم آن را امضاء می‌کنند. طومار عضدالملک را ۳۹ نفر از علماء مشهد امضاء کرده و نام همه آنها در طومار می‌باشد.

۵- فهرست نوروز علی بسطامی

نوروز علی بسطامی مؤلف کتاب فردوس التواریخ فهرستی از رقبات وقفی آستان قدس را در کتاب خود آورده است، و نام تعدادی از واقفان را در فردوس التواریخ ذکر می‌کند، و ما در تدوین این فصل از آن استفاده کرده‌ایم و خود مؤلف فردوس هم از واقفان می‌باشد.

۶- مطلع الشمس

اعتمادالسلطنه مترجم درباره ناصرالدین شاه و وزیر مطبوعات در آن زمان همراه ناصرالدین شاه به خراسان رفت و هنگام اقامت در مشهد مقدس تحقیقات و یادداشت‌هایی در این سفر جمع کرد و بعد به صورت کتابی بنام مطلع الشمس تألیف نمود

و به چاپ رسانید.

در کتاب مطلع الشمس درباره بارگاه ملکوتی حضرت رضا علیه السلام هم مطالب زیادی نقل شده است. از آن جمله راجع به موقوفات رضوی هم سخن به میان آمده ولی جامع نیست. کسانی که درباره موقوفات مشهد تحقیقی دارند می توانند از آن هم استفاده کنند.

۷- کتابچه صدیق الدوله

میرزا محمدرضا صدیق الدوله در سال ۱۳۱۷ قمری نایب التولیه آستان قدس بود. او هنگام تصدی این مقام طوماری از رقبات وقفی روضه مبارکه رضویه را فراهم کرد، و نام آن را آثار الرضویه گذاشت. این کتاب همان زمان در چاپخانه سنگی مشهد به چاپ رسید.

این کتاب در حقیقت تکمیل طومار علیشاه و طومار عضدالملک بود و رقباتی که در آن دو طومار نیامده بودند در اینجا ذکر شده است، و ظاهراً طومار صدیق الدوله نخستین کتابی است که درباره موقوفات آستان قدس به چاپ رسیده است. این کتاب یک بار چاپ شده و نسخ آن نایاب است.

۸- جزوه خطی عهد ناصری

در زمان ناصرالدین شاه شخصی که معلوم نیست از چه طبقه ای بوده و چه عنوانی داشته است، جزوه ای درباره چند رقبه وقفی آستان قدس نوشته است. این نسخه از اول و آخر ناقص می باشد از این رو جامع آن شناخته نشد. نسخه مزبور مدتی دست نگارنده بود و از آن استفاده شد.

۹- جزوه محمدولی خان اسدی

محمدولی خان اسدی هنگامی که به عنوان نیابت تولیت به مشهد مقدس رفت، دستور داد گروهی از علماء و موجهین شهر مشهد و تعدادی از کارمندان با سابقه آستان قدس وقفنامه‌ها را که در کتابخانه آستان قدس بود مطالعه کنند و فهرستی از آنها را تهیه نمایند.

در این باره تحقیقات زیادی توسط گروه مزبور انجام گرفت و فهرستی تهیه شد و در سال ۱۳۰۶ در یک کتابچه‌ای تنظیم و ذیل صفحات آن هم توسط آیت الله زاده خراسانی امضاء گردید. این جزوه هم اکنون در آستان قدس رضوی موجود می‌باشد.

۱۰- کتابچه خطی درباره موقوفات

در کتابخانه آستان قدس رضوی جزوه مخطوطی به خط میرزا احمد نیریزی خطاط معروف محفوظ است. در این جزوه تعدادی از رقبات وقفی آستان قدس ذکر شده‌اند. از آن جمله موقوفات سلطان حسین صفوی می‌باشد که به خط نیریزی نوشته شده و امضاء شاه سلطان حسین هم در آن دیده می‌شود.

این جزوه زیبا و هنری معلوم نیست در چه زمانی از آستان قدس بیرون شده بود. ظاهراً متجاوزان به موقوفه این وقفنامه را سرقت کرده بودند. محمدولی خان اسدی در سفری این وقفنامه را در سمنان مشاهده می‌کند و آن را به مبلغ نود تومان در آن زمان می‌خرد و به آستان قدس رضوی تحویل می‌دهد.

۱۱- وقفنامه‌های آستان قدس

این عنوان کتابی است که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که در آن از وقفنامه‌های آستان قدس یاد شده است. از مؤلف و تاریخ تألیف آن اطلاعی در دست نیست کتاب مزبور خطی و به شماره ۱۹۸۸ ثبت شده است.

۱۲- کتابچه مختاریک

مختاریک از کارگذاران آستان قدس رضوی بوده است و در سال ۱۲۸۲ قمری این کتابچه را تألیف کرده است و در آن از موقوفات آستان قدس رضوی و مصارف آنها یاد کرده و کتابچه به خط سیاق بوده، مرحوم عبدالحمید مولوی به این کتابچه شرحی نوشته و رساله هم در نزد او بوده است.

۱۳- موقوفات آستان قدس

این کتاب جامع ترین کتابی است که تاکنون درباره موقوفات آستان قدس رضوی تألیف شده است. این کتاب از تألیفات دانشمند و محقق معروف مرحوم حاج عبدالحمید مولوی رئیس اداره املاک آستان قدس رضوی است که بسیار جامع تألیف شده است.

باقر پیرنیا نائب التولية آستان قدس رضوی در سال ۱۳۴۶ دستور دادند گروهی از اشخاص بصیر و مطلع به امور موقوفات آستان قدس را بررسی کنند و یک فهرست جامع درباره رقبات وقفی آستانه رضویه فراهم آورند.

هیئت مزبور عبارت بودند از آقایان عبدالحمید مولوی، سید عبدالحسین مجید فیاض، فضل الله موتمن، علی اصغر امینیان و چند نفر دیگر از افراد معتمد، این هیئت در مرداد ماه سال ۱۳۴۶ شمسی کار خود را شروع کرد و به خواندن طومارها و وقفنامه‌ها پرداخت.

بعد از سالها تحقیق و فعالیت مداوم این کار انجام گرفت و مجموعه بزرگی از موقوفات آستان قدس فراهم آمد، و بعد به صورت کتابی با مسئولیت مرحوم مولوی مدون گردید و برای چاپ آماده شد و حتی قرارداد چاپ آن هم بین آستان قدس و مرحوم مولوی تنظیم گردید.

این کتاب در هشت دفتر ماشین نویسی و تایپ گردیده و اکنون در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود می باشد، و نسخه ای دیگر هم از این کتاب در منزل یکی از علمای مشهد که او هم جزء این کمیسیون بوده موجود می باشد و این کتاب هنوز به چاپ نرسیده است.

۱۴- فهرست موقوفات آستان قدس

در اداره املاک آستان قدس رضوی فهرستی به صورت الفبائی از موقوفات مرتب شده است. در این فهرست نام واقف، موقوفه و محل وقف در مناطق مختلف آمده است و تاریخ وقف رقبه هم در آن ذکر شده است. این فهرست اگرچه مختصر است ولی بسیار جامع می باشد.

این فهرست هم از آثار مرحوم عبدالحمید مولوی می باشد. او در یکی از آثار خود می نویسد: من پس از اینکه موقوفات آستان قدس را مرتب کردم و برای چاپ آماده نمودم، در پایان فهرستی برای آن ترتیب دادم، این فهرست از نظر تاریخی و جغرافیائی اهمیت دارد.

۱۵- راهنمای آستان قدس رضوی

این کتاب تألیف مرحوم علی موتمن می باشد. او یکی از کارگذاران روضه منوره رضویه بود، و سالها در آستان قدس کار می کرد. او در کتاب راهنمای آستان قدس به مناسبت هائی از موقوفات هم بحث کرده و یکی از مصادر و مأخذ موقوفات مشهد می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

۱۶- تاریخ آستان قدس رضوی

این کتاب تألیف نگارنده این سطور حاج شیخ عزیزالله عطاردی است که در

هزار صفحه چاپ شده است و بخش اول کتاب فرهنگ خراسان می باشد. در این کتاب هم درباره موقوفات آستان قدس و مسجد جامع گوهرشاد مطالبی آمده جویندگان می توانند به این کتاب هم مراجعه کنند.

۱۷- مجموعه اوقاف خراسان

اداره کل اوقاف خراسان از چند سال قبل مشغول تدوین کتابی جامع درباره اوقاف مشهد مقدس می باشد. در این مجموعه درباره موقوفات و واقفان تحقیق می شود و رقبات وقفی شناسائی می کردند. فهرستی از کارهای اداره کل اوقاف به نظر نگارنده رسیده است.

اداره اوقاف خراسان درباره موقوفاتی که از نظر قانونی تحت نظارت آن اداره قرار دارد تحقیق می کند. ما در اینجا از ذکر اسامی واقفان این مجموعه به جهت کثرت اسامی معذور هستیم و امیدواریم هرچه زودتر تحقیقات پایان گیرد و کتاب در اختیار همگان قرار گیرد.

جناب آقای شیبانی مدیر کل محترم اوقاف خراسان و همکارانشان در تحقیق و تدوین موقوفات مشهد مقدس کوشش می کنند و هزاران سند وقفی را مورد بررسی قرار داده اند. ما موفقیت معظم له و همکارانشان را از خداوند مهربان خواستاریم.

مدارس علوم دینیه مشهد مقدس

مدارس علوم دینیه مشهد

بطور قطع معلوم نیست از چه زمانی تدریس علوم و معارف اسلامی در جوار روضه مبارکه رضویه آغاز گردیده و نخستین مدرّس در آن آستان مقدس چه فردی بوده است، در مصادر و منابع موجود در این باره مطلبی نیست و کسی از آن سخن نگفته است.

نخستین اثر مکتوب که نگارنده پس از تحقیق و بررسی بدست آورده و در آن از تدریس و املاء حدیث در جوار مشهد مبارک رضوی بحث گردیده امالی شیخ ابوجعفر صدوق رضوان الله علیه می باشد، در کتاب امالی و یا مجالس صدوق در این مورد چنین آمده است:

راوی امالی از شیخ صدوق نقل می کند که وی روز جمعه سیزدهم ماه ذی حجه

سال سیصد و شصت و هفت در مشهد رضا برای ما مجلس املاء تشکیل داد و روایات وارده در فضائل حضرت امام علی بن موسی علیه السلام را برای ما قرائت کرد، این روایات در مجلس بیست و پنج از مجالس صدوق با سند ذکر شده‌اند.

مجلس بیست و ششم از امالی صدوق در روز عید غدیر سال ۳۶۷ در کنار روضه رضویه علیه آلاف السلام و التحیه املاء گردیده و در آن از فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام و خصوصیات روز غدیر بحث شده و روایاتی در این باب برای شاگردان و راویان القاء شده است.

مجلس نود و چهار از مجالس صدوق هم در روز سه‌شنبه هفدهم ماه شعبان سال سیصد و شصت و هشت در مشهد مقدس املاء گردیده و در آن روایاتی در فضائل اهل بیت علیهم السلام و امام هشتم سلام الله علیه نقل شده است.

مجلس نود و هفتم از امالی صدوق نیز در آخر ماه شعبان سال سیصد و شصت و هشت در جوار روضه مبارکه رضویه املاء گردیده، شیخ ابو جعفر صدوق در این مجلس حدیث عبدالعزیز بن مسلم را که در امامت و ولایت می‌باشد برای اهل علم و حدیث که در مشهد مقدس زندگی می‌کرده‌اند املاء فرموده است.

شیخ ابو جعفر صدوق مدتی در نیشابور زندگی می‌کرده و سرپرست شیعیان این شهر بوده است، و در یک سفری که برای جمع‌آوری اخبار و احادیث اهل بیت علیهم السلام و فضائل و مناقب آنها به ماوراءالنهر سفر کرده بود، در مشهد مقدس اقامت گزید و مجلس املاء حدیث تشکیل داد.

ابو جعفر صدوق همان‌گونه گذشت در سال ۳۶۷- و ۳۶۸ در مشهد مقدس بوده، و یکصد و شصت و پنج سال از شهادت امام رضا علیه السلام می‌گذشته است، از این مجلس معلوم می‌شود که مشهد مقدس در زمان صدوق قصبه‌ای بوده و در آن جا گروهی از علماء زندگی می‌کرده‌اند و مدرسه و دارالعلمی هم بوده که ابن بابویه در آن جا به تدریس پرداخته است.

ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین رضوان الله علیه در جمع آوری اخبار و احادیث اهل بیت بسیار کوشش می کرد، و برای ملاقات با اهل حدیث به جاهای زیادی مسافرت کرد، او سالها در شهرهای خراسان گردش کرد و با محدثان بزرگ به گفتگو پرداخت ما انشاء الله در شرح حال آن بزرگوار در همین کتاب در این باره به تفصیل سخن خواهیم گفت.

از مطالعه و تحقیق درباره علماء و فقهاء و متکلمان شیعه در قرن چهارم و پنجم و ششم هجری در ناحیه طوس و مشهد مقدس به خوبی روشن می گردد که در مشهد رضوی علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام بسیار رونق داشته و مدارس و آموزشگاه هائی در آن جا وجود داشته است.

اقامت شیخ صدوق در نیشابور قرن چهارم و رفت و آمد او به مشهد مقدس تنها برای زیارت نبوده و کارهای علمی و تحقیقی و تأسیس مدرسه و ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام هم مد نظر بوده است، و قطعاً شاگردان شیخ صدوق در خراسان حوزه درسی و تحقیق داشته اند.

مجلس املاء حدیث و تشکیل حوزه درس از طرف ابن بابویه نمایانگر این است که در آن زمان در مشهد مقدس رضوی محدثان و فقیهانی بوده اند که شیخ صدوق با آنها به بحث و تحقیق پرداخته است، و آنان در موقعیتی بوده اند که توجه شیخ را به خود جلب کرده اند.

سال ۳۶۷ هجری مصادف است با انقراض سلسله سامانیان و روی کار آمدن غزنویان، ظاهراً در زمان سامانیان مشهد مقدس در آرامش بسر می برده و حادثه ای در آن جا پیش نیامده است ولی پس از ظهور امیر سبکتکین در آن جا مشکلاتی پیش آمد و منجر به تخریب بقعه مبارکه رضویه گردید.

از حالات شیخ ابو جعفر محمد بن حسن طوسی شیخ الطائفه نیز به خوبی معلوم می گردد که در زمان آن بزرگوار هم مشهد مقدس طوس دارای اساتید بزرگ و فقهاء



شماره ۱ - مدرسه دوزب صفحه ۱۳۴



شماره ۲ - گنبد های مدرسه و درب صفحه ۱۳۵



شماره ۳ - سنگ قبر بانی مدرسه دودرب صفحه ۱۳۶



شماره ۴ - مدرسه پریزاد صفحه ۱۳۸



شماره ۵ - بیمارستان امام رضا علیه السلام صفحه ۳۹۴ -



شماره ۶- در ورودی بیمارستان امام رضا صفحه ۳۹۴



شماره ۷ - دار و خانه امام رضا صفحه ۳۹۹



شماره ۸- یک مجتمع مسکونی در مشهد مقدس صفحه ۳۷۲

عظیم‌الشان بوده است و شخصیت‌هایی مانند او و حکیم ابوالقاسم فردوسی در آن منطقه دانش آندوختند.

شیخ طوسی رضوان الله علیه در سال ۳۸۵ یعنی چهار سال بعد از وفات شیخ صدوق متولد می‌شود، و در مدارس آن منطقه به تحصیل مشغول می‌شود، شیخ ابو جعفر طوسی تا سال ۴۰۸ در طوس اقامت می‌کند، و سپس رهسپار بغداد می‌گردد تا در نزد اساتید بزرگ شیعه به تحصیلات خود ادامه می‌دهد.

ابو جعفر طوسی پس از ورود به بغداد در حوزه درس شیخ مفید رضوان الله علیه حضور پیدا می‌کند و از خواص آن بزرگوار قرار می‌گیرد، و مدت پنج سال با استاد بزرگ خود زندگی می‌کند، زیرا شیخ مفید در سال ۴۱۳ جهان را وداع می‌گوید.

شیخ طوسی پس از ورود به بغداد کتاب مشهور تهذیب را در شرح رساله مقنعه شیخ مفید تألیف می‌کند، و در اختیار محدثان و فقیهان شیعه قرار می‌دهد، تهذیب یکی از امهات کتب شیعه و یکی از ارکان اربعه امامیه می‌باشد، این کتاب شریف در طول تاریخ مورد استفاده فقهاء بوده و یکی از کتب اربعه شیعه بشمار رفته است.

مقصود نگارنده از ذکر این مطلب این است، که شیخ طوسی در هنگام ورود به بغداد در سال ۴۰۸ یک فقیه و محدث بزرگ بوده که پس از ورود به بغداد این کتاب بزرگ را تألیف می‌کند، و معلوم است که وی در مدارس شیعیان ناحیه طوس و مشهد امام رضا علیه السلام تحصیل کرده و شایستگی شرح رساله مقنعه را بدست آورده است.

شیخ مفید در بغداد شاگردان زیادی داشته و تعدادی از آنها از زمره فقهاء و مجتهدان شیعه بوده‌اند، و سالها از محضر مبارک شیخ مفید استفاده نمودند، ولی هیچ کدام از آنها موفق به شرح رساله مقنعه او نشدند، ولی شیخ طوسی در بدو ورود مبادرت به تألیف کتاب تهذیب می‌کند و رساله مقنعه استاد خود را در زمان حیات او شرح می‌دهد.

از این داستان معلوم می‌باشد که شیعیان و دوستان امام رضا علیه السلام در مشهد مقدس

رضوی مدرسه‌ای داشته‌اند و گروهی در آن تدریس می‌کرده‌اند و فقیه بزرگی مانند شیخ طوسی در آن جا به مرتبه فقاها و اجتهاد می‌رسد و در بغداد به خدمات علمی ادامه می‌رهد.

متأسفانه از زندگی و خصوصیات شیخ طوسی و خاندان او در طوس هیچ گونه خبر مستندی نیست و از استادان و معلمان او هم نام برده نشده جز اینکه وی در طوس متولد شده و در سال ۴۰۸ عازم بغداد شده و در آن جا به تألیف و تصنیف و تدریس پرداخته است.

همان گونه که ذکر شده ابو جعفر طوسی معاصر فردوسی بوده و بیست و شش سال ایام او را درک کرده و سه سال قبل از درگذشت فردوسی، طوس را ترک گفته است، ما در شرح حال شیخ طوسی در همین کتاب مطالب دیگری را هم خواهیم آورد و از زاویه دیگری در این مورد بحث خواهیم کرد.

در اواخر قرن چهارم شخصیت‌های بزرگی مانند شیخ ابو جعفر طوسی و حکیم ابوالقاسم فردوسی که از رجال علم و ادب شیعه بشمار می‌رفتند و اکنون شهرت جهانی دارند، در مدارس شیعیان ناحیه طوس تحصیل کردند و به مقامات بزرگی در فقه و ادب رسیدند.

ما قبلاً متذکر شدیم، که مشهد مقدس رضوی مرکز شیعیان و دوستان اهل بیت بود، و نوقان و طابران محل اهل سنت و جماعت بشمار می‌رفت مدارس شیعیان در مشهد و مدارس اهل سنت هم در نوقان و طابران بوده است، و بطور قطع شیخ طوسی و فردوسی در مدارس مشهد رضوی که متعلق به شیعیان بوده تحصیل کرده‌اند.

در قرن پنجم و ششم نیز گروهی از علماء و بزرگان شیعه در مشهد رضوی مقیم بوده‌اند، و حوزه تدریس و تحقیق و املاء حدیث داشته‌اند، که از مشاهیر آنها عبدالله بن حسن حمزه طبرسی، و ابو جعفر مشهدی، و قطب الدین محمد بن حسین کیزی مؤلف و محقق معروف می‌باشند.

ما ان شاء الله در همین کتاب در شرح حال علماء و رجال ادب و عرفان از مدارس و مجالس علمی قرن چهارم، پنجم و ششم هجری بحث خواهیم کرد و مطالب مفیدی را در اختیار محققان و خوانندگان این کتاب قرار خواهیم داد.

در قرن هفتم هجری شخصیت‌هایی مانند خواجه نصیر طوسی و پدران و خویشاوندان او که از علماء و متکلمان و فلاسفه عصر خود بودند، در مشهد مقدس رضوی پا به عرصه وجود گذاشتند، این‌ها در مشهد مقدس تحصیل کردند و در مدارس آن جا دانش آموختند.

وجود این شخصیت‌ها و دانشمندان که از مشاهیر علماء امامیه بشمار می‌روند و از مفاخر شیعه هستند، خود نمایان گر این است که در آن قرن‌ها در جوار روضه ملکوتی امام هشتم مدارس علوم دینی وجود داشته و این دانشمندان از آن جاها برخواسته‌اند.

قرن هفتم و هشتم که دوران تسلط اعقاب چنگیز بود و مدت دو قرن در خراسان و ایران حکومت کردند، مشهد مقدس رضوی محل امنی بود، مغولان نوقان و طابران را خراب کردند و مردم آن جا به مشهد رضوی مهاجرت نمودند و بعد از این نوقان جزء مشهد گردید و طابران هم ویرانه ماند.

بطوریکه قبلاً تذکر دادیم، سکنه مشهد از شیعیان و علویان بودند و مردمان نوقان و طابران از اهل سنت بشمار می‌رفتند، طبعاً مدارس شیعیان در مشهد رضوی قرار داشت و مدارس اهل سنت هم در نوقان و طابران بود.

در دوره مغولان مشهد مقدس اهمیت زیادی پیدا کرد، و جمعیت آن رو به فزونی نهاد، مدارس و مجالس علمی و دینی در آن تأسیس گردید و علماء زیادی در آن مدارس به تدریس پرداخته، و مشهد در امن و آرامش بسر می‌برد و زائران به راحتی رفت و آمد می‌کردند.

با ظهور تیموریان در خراسان و تسلط آنان بر ایران، مشهد مقدس رضوی مورد

توجه و عنایت سلاطین سلسله تیموری قرار گرفت، پادشاهان و امیران تیموری به سادات و علویان اعتقادی خاص داشتند، و آنان را بر دیگران مقدم می‌داشتند. از اسناد و مدارک تاریخی معلوم می‌شود، در زمان تیموریان مخصوصاً دوره شاهرخ فرزند امیر تیمور که در هرات حکومت می‌کرد، گروهی از علماء و دانشمندان شیعه در مشهد مقدس رضوی سکونت کردند، و به تدریس و تفسیر قرآن و بیان احکام و مسائل شیعه پرداختند.

سادات رضوی در زمان تیموریان در مشهد سکونت کردند و برای نخستین بار تولیت استان قوس رضوی در اختیار آنها قرار گرفت، در این زمان مدارس دینی در جوار بارگاه ملکوتی امام رضا بنا گردید که هنوز تعدادی از آنها باقی است. در زمان تیموریان مشهد مقدس توسعه پیدا کرد، و شاهرخ پادشاه تیموری در مشهد خیابانی بنام چهار باغ و قصری برای سکونت خود ساخت و سالی چند ماه در جوار روضه مبارکه رضویه زندگی می‌کرد، مسجد گوهرشاد و مسجد شاه هم در این زمان ساخته شده‌اند.

در زمان تیموریان مدارس دینی مشهد رونق داشته‌اند، و طلاب علوم در آن جا تحصیل می‌کردند، و جماعتی از اهل علم و ادب، عرفان و هنر در آن جا اقامت گزیدند و در نشر علم کوشش نمودند، ما در این کتاب نام آنان را با خصوصیات هر یک از آنها خواهیم آورد.

در قرن دهم و یازدهم که مقارن با حکومت و سلطنت خاندان صفوی بود و دولت و سیاست از تیموریان گرفته شد و سلاطین حنفی مذهب از اریکه قدرت بزیر کشیده شدند، و دولت شیعه تأسیس گردید مشهد مقدس یکی از مراکز مهم مذهب تشیع در شرق ایران در آمد.

در دولت صفویان مشهد مبارک رضوی به صورت یک مرکز مهم علمی و هنری در آمد، جماعت زیادی از علماء جبل عامل در این هنگام به ایران مهاجرت کردند و

امور مذهبی و دینی دولت نوپای صفوی را در اختیار گرفتند، و جماعتی از آنها هم در مشهد ساکن شدند.

در زمان صفویه مدارس جدیدی در کنار روضه مبارکه رضویه بنا گردید، و حوزه بزرگی پایه ریزی شد، هنوز تعدادی از آن مدارس در مشهد معمور و مورد استفاده می‌باشند، که در این کتاب به آنها اشاره خواهد شد و از علماء و مدرسان آن مدارس هم ذکری بمیان خواهد آمد.

بطوریکه از تاریخ عصر صفویه معلوم می‌گردد، در جوار مرقد مطهر حضرت رضا علیه السلام مدارس بوده که در توسعه حرم مطهر و صحن کهنه رضوی آن مدارس تخریب گردیدند و به صحن کهنه ملحق شدند. این مدارس ظاهراً در عصر ایلخانیان و یا تیموریان ساخته شده بودند.

در قرن دوازدهم که حکومت صفویه منقرض گردید و افشاریان در خراسان ظهور کردند و مشهد مقدس را پایتخت خود قرار دادند، به جهت نزاع‌ها و اختلافات مدرسه‌ای در مشهد مقدس بنا نشده و در این مورد چیزی در مصادر دیده نشده و مدرسه‌ای هم که متعلق به زمان افشاریان و یا نادر شاه باشد در مشهد وجود ندارد.

در قرن سیزدهم که مقارن با سلطنت خاندان قاجار بوده تا آن جایی که نگارنده اطلاع دارد دو مدرسه بنا گردیده است که یکی از آنها بنام مدرسه پائین پا که تخریب گردید و اکنون بصورت یک رواق در اماکن متبرکه می‌باشد و دومی مدرسه معروف سلیمان خان میباشد.

در قرن چهاردهم که با ایام سلطنت خاندان پهلوی مصادف بود، در مشهد مقدس هیچ مدرسه دینی ساخته نشد بلکه تعدادی از آنها ویران شدند، و بصورت فلکه و خیابان در آمدند، ما درباره این مدارس در آینده به تفصیل بحث خواهیم کرد.

پس از انقلاب اسلامی ایران تعدادی از مدارس مانند مدرسه میرزا جعفر و خیرات خان و مدرسه نواب و سلیمان خان بازسازی شدند، و مدرسه نواب بطور کلی

تخریب و از نو بنا گردید، و فقیه عالی مقام حاج سید ابوالقاسم خوئی رضوان الله علیه مدرسه‌ای مجلل و با شکوه در مشهد مقدس بنا نمودند که خصوصیات آنها بعداً بیان خواهد شد.

آستان قدس رضوی هم در فلکه بزرگ حرم مدرسه‌ای بزرگ در حال احداث دارد، و مدرسه‌ای هم بنام دانشگاه علوم اسلامی رضوی بنا کرده که اکنون مورد استفاده می‌باشد، و مدارس متعدد دیگری هم اکنون در ساختمانهای ساده و معمولی از طرف علماء و مدرسان و افراد نیکوکار تأسیس گردیده که نام آنها در صفحات آینده خواهد آمد.

مدارس دینی در مشهد مقدس

ما در این فصل از مدارس که اکنون در مشهد مقدس باقی مانده و مورد استفاده می‌باشند نام می‌بریم و خصوصیات هر یک از آنها را بیان می‌کنیم این مدرسه‌ها در زمان تیموریان و صفویان بنا گردیده‌اند، اگر چه در طول تاریخ تعمیرات و تغییراتی در آنها پدید آمده ولی اصل بنا هم چنان محفوظ می‌باشد.

۱- مدرسه دو درب

این مدرسه که بنام مدرسه دو درب معروف می‌باشد قدیم‌ترین مدرسه علوم و معارف اسلامی می‌باشد، این مدرسه را از این جهت دو درب می‌گفتند که قبل از تخریب دری به بازار زنجیر و دری به کوچه‌های اطراف داشت.

دری از طرف بازار که در اصلی بود، و طلاب و مدرسان از آن جا وارد مدرسه می‌شدند، و سر در بزرگ آن هنوز هم وجود دارد، و در دیگری از سمت غرب که بطرف محله‌ها باز می‌شد، این محله‌ها در سال ۱۳۵۴ تخریب گردید و به جای آن صحن جمهوری اسلامی ساخته شد.

بازار بزرگ نیز تبدیل به یک مسیر گردیده و از آن جا به رواق دارالولایه و بست شیخ بهاء الدین عاملی رفت و آمد می‌گردد، این مدرسه یادگاری از قرن نهم هجری بوده و نام شاهرخ فرزند امیر تیمور در مدخل مدرسه نقش بسته است.

این مدرسه که نام اصلی آن مدرسه شاهرخیه می‌باشد دارای ۳۲ حجره در دو طبقه می‌باشد که در مقابل هر حجره یک ایوان قرار گرفته است در این مدرسه چهار ایوان در چهار طرف ساخته شده است.

در ایوان جنوبی زیر طاق آمده: قوله تعالى «و يطعمون الطعام على حبه مسكينا... تا و ذلت قطوفها تذليلا» این کتیبه به خط زیبایی گچ‌بری شده و تاریخ تحریر آن معلوم نیست ولی در سال ۱۴۰۵ تعمیر شده است.

در ایوان شرقی نوشته شده: قوله تعالى: «هو الذي أرسل رسوله بالهدى و دین الحق... تا و مغفرة و أجرا عظيما، تحریرا فی محرم سنة ثلاث و أربعين و ثمانمائة و هم چنین آیه مبارکه آیه الكرسي با خط ثلث زیبایی گچ‌بری شده است.

در ایوان شمالی در حاشیه نوشته شده «بسم الله الرحمن الرحيم الذين يقولون ربنا اننا آمننا فاغفر لنا ذنوبنا... تا و انك على كل شيء قدير» در آخر آمده: سید حبیب‌الله.

در ایوان غربی یک محراب هم قرار دارد و بالای محراب بطرز زیبایی مقرنس‌کاری شده و خطوط و نقوشی در دیوار موجود می‌باشد که زیبایی و ظرافت و هنر بانیان آن دلالت می‌کند.

در مدرسه دو درب دو گنبد در ضلع جنوب و غرب قرار گرفته‌اند، در گنبد ضلع جنوبی یک قبری هست که روی آن سنگی سیاه قرار دارد که در یک طرف آن با خط ثلث بسیار زیبایی نوشته شده:

هذه روضة من رياض الرضوان، منور بانوار الغفران... الله الكريم الرحيم المنان، و الأمير الاعظم الاعلى الاقدم، افتخار الامراء و الكبراء، في العرب و العجم، اعتضاد

الملوک و السلاطین، اقتدار الخواقین، السابق فی مضمار التفایح غیاث الدولة و الدنیا و الدین امیر یوسف خواجه بهادر.

در طرف دیگر آمده: و هو ابن الامیر الکبیر..... ناصب لواء المعدلة و واهب عطاء الموهبة ناصر الحق و الدین امیر شیخ علی بهادر طاب ثراه و جعل الجنة مثواه و فاته فی الثالث و العشرین من شهر الله المکرم سنة ست و ستین و ثمانمائة.

در یک طرف سنگ قبر به خط ثلث زیبائی نوشته شده: «الذین یقولون ربنا اننا آمنّا فاغفر لنا ذنوبنا» تا آخر آیه، و در قسمت دیگری از بدنه این سنگ نوشته شده، «المستغفرون بالاسحار»، قال النبی ﷺ: القبر صندوق العمل صدق و روی سنگ هم آیه الكرسي نوشته شده است.

بالای در و رودی مدرسه دو درب زیر طاق کتیبه ای هست که در آن با خط ثلث در زمینه لاجوردی نوشته شده:

بعد حمد الله و صلواته علی رسوله قد اسست هذه العمارة فی ایام دولة السلطان الأعظم ظل الله فی الارضین مغیث المسلمین أبی الظفر شاه رخ بهادر سلطان خلد الله ملكه و سلطانه، باهتمام الامیر الأعظم غیاث الدین یوسف خواجه بهادر دامت معدلته، تقبل الله منه فی سنة ثلاث و أربعین و ثمانمائة.

در دو طرف کتیبه نوشته شده:

طوبی لك العمارة و العزّ و العلا یا أحسن المنازل یا خیر ملتجا
در طرفین در و رودی ابیاتی بزبان فارسی نوشته شده که
چند بیت آن محو شده و آن چه خوانده می شود این است:

.....	غلام همت آنم که دل برو ننهاد
.....	
که یاد ماند از او در جهان به نیکی یاد	جهان نماند و خرم رو ار آدمئی
سرای دولت باقی نعیم آخرب است	زمین سخت نکه کن چه می کنی بنیاد
همین نصیحت ما پیشه گیر و نیکی کن	که دانم از پس من کم کنی به نیکی یاد

در گنبد جنوبی مدرسه تعدادی از کتیبه‌ها باقی مانده که در آن بفارسی نوشته شده است.

به دست ما چه از این حل و عقد چیزی نیست

به عیش با خوش و خوش گر رضا دهیم رواست

که زیر گنبد خط جنان ثواب بود

که اقتضای قضاها ز گنبد خضراست

ز بعد حسن عمل هر زاد میماند

در این سرای غرور ای رفیق باد هواست

فرار از منظر هفت اشکوبه

دریچه‌ای است که در باغ جنت المأو است.

در سنگی که بالای در ورودی گذاشته شده چنین نوشته‌اند: الله الحمد که در زمان

خلافت قرین و ایام دولت میمنت آئین، سلطان اعظم و خاقان افخم مالک رقاب امم

اسکندر دارا حشم و جمشید و فریدون خدم، سید سلاطین عرب و عجم.

السلطان بن السلطان بن السلطان، و الخاقان بن الخاقان ابن الخاقان شاه سلیمان

الحسینی الصفوی بهادر خان خلدالله ملکه و سلطامه و افاض علی العالمین عدله و بره و

احسانه.

حسب فرمان ملک دوران بلقیس زمان علیا جناب قمرر کاب خورشید

احتجاب عالمتاب ناموس العالمین نواب علیه عالیہ متعالیه والده ما جده که مصداق

«الامر الیک فانظری ماذا تأمرین» است.

مساعی جمیله نواب مستطاب شوکت و عظمت اجلال دستگاه، ابهت و عظمت و

عدالت و اقبال اکتناه منبع الجود و الاحسان و مظهر رایات الفضل و الامتتان قدسی مآب

ملکی صفات عالیجاه آقای عظیم المنزله و الشأن

شاه وردی خلف صدیق و نائب عالی مقدار خورشید آستان گردون و قار اقتدار

أمیر الامراء کلب علی خان قورچی باشی بگلر بگی مشهد مقدس معلی و صواب دید رای اصابت پیرای قدوه مشایخ شریعت و افضال و خلاصه سلسله فضل و کمال التحریر الکامل شیخ محمد فاضل الخادم المدرس مدرسه مبارکه میمونه تعمیر زینت پذیر گردید.

در دو طرف ایوان ورودی کلمه «الحکم لله» با کاشیهای معرق روی ترنج‌ها زینت یافته است.

نگارنده گوید: از کتیبه‌های مدرسه دو درب به روشنی معلوم می‌گردد، که این مدرسه در زمان سلطنت شاهرخ فرزند امیر تیمور در سال ۸۴۳ بنا گردیده است، و بانی مدرسه یکی از رجال آن عصر بنام امیر اعظم غیاث الدین یوسف خواجه بهادر بوده که قبر او هم اکنون زیر گنبد جنوبی مدرسه قرار دارد.

این مدرسه در زمان شاه سلیمان صفوی توسط یکی از بانوان خاندان شاهی به مباشرت بگلر بگی مشهد تعمیر گردیده است، مدرسه دو درب همواره مورد استفاده طلاب علوم بوده و بعد از انقلاب توسط آستان قدس رضوی نوسازی گردیده و اکنون محل سکونت طلاب می‌باشد.

۲- مدرسه پرزاد

این مدرسه هم از مدارس عصر تیموریان و متصل به دارالسیاده می‌باشد، و مقابل مدرسه دو درب قرار گرفته است، در سابق بین این دو مدرسه بازاری بنام بازار زنجیر قرار داشت، این بازار در سال ۱۳۵۴ تخریب گردید و اکنون بصورت راهروئی در آمده که زائران از طریق بست شیخ بهاءالدین از آن به حرم مطهر مشرف می‌شوند.

در مدرسه پرزاد در ۲۳ حجره و دو طبقه بنا گردیده، جلو هر اطاقی یک ایوان قرار دارد، این مدرسه با کاشیهای زیبا و معرق تزئین گردیده و با گچبری‌هایی که دارای خطوط و نقوشی گوناگون می‌باشند به مدرسه جلوه خاصی بخشیده‌اند.

در این مدرسه یک مدرسی هم بنا گردیده که به رواق دارالسیاده ارتباط دارد و یک دری در آنجا قرار دارد که طبق وصیت متولی باید آن در همواره در جای خود باشد و طلاب این مدرسه هرگاه خواستند در شب و روز به حرم مطهر مشرف شوند و برای بانیان مدرسه زیارت کنند.

دیوارها و سقف این مدرس بصورت مجلل و با شکوهی آینه کاری گردیده که نظر واردین را بطرف خود جلب می‌کند، کف آن مفروش و از اره‌ها با سنگ‌های مرمر پوشیده شده است.

بالای دری که از آن به دارالسیاده می‌روند آیه مبارکه «و من دخله کان آمنا» با خط ثلث بسیار زیبایی روی شیشه نوشته شده و نصب گردیده است. در مدرسه پریزاد دو ایوان یکی در طرف قبله و دیگری در طرف شرق متصل به دارالولایه قرار دارند در ایوان طرف شرق در حاشیه زیر طاق سوره مبارکه والفجر را با خط ثلث بسیار زیبایی روی گچ نوشته‌اند، این کتیبه در سال ۱۴۰۶ قمری تعمیر و مرمت گردیده است.

در حاشیه در مدرس کتیبه‌ای زیبا با کاشی معرق نصب شده که زیبایی و ظرافت آن خط جلب توجه می‌کند در آن کتیبه آمده: قال النبی ﷺ: طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة، و قال ﷺ: العلم بلا عمل کالشجر بلا ثمر.

قال امیر المؤمنین ﷺ: فضل العالم علی العابد کفضل القمر علی سائر النجوم و عنه ﷺ: من ذل عالما بغير حق اذله الله تعالی يوم القيامة علی رؤس الاولین و الآخرین و قال ﷺ: لكل شئ طریق و طریق العلم التقوی.

در ایوان قبله مدرسه پریزاد زیر طاق سوره مبارکه و التین و الزیتون را با خط ثلث گچبری شده تاریخ تعمیر آن ۱۳۶۵ می‌باشد، در ورودی مدرسه زیر طاق مقرنس کاری شده و با گچ تزئین گردیده و در حاشیه آن زیر سقف نوشته شده است. قد وفق الله سبحانه لتعمیر هذه المدرسة المقدسة فی ایام دولة السلطان المعظم و

الخاقان الأعظم ذی الشوكة القاهرة الاسكندرية و الحشمة الباهرة السليمانية السلطان بن السلطان المنصور شاه سليمان الصفوی الحسینی بهادر خان خله الله تعالى ملكه.
 أمر أمير الامراء الكرام و خان الخوانین العظام، مصدر الخير و الانار نجف قلی خان بگلر بگی قندهار باهتمام عالی حضرت آقا محمد باقر و سعی میرزا شکرالله سنة ۱۰۹۱.

بانی مدرسه پریزاد

بر اساس وقف نامه مفصلی که رو نوشت آن در اختیار نگارنده می باشد بانی این مدرسه پریزاد خانم از اولاد خواجه ربیع بوده و از ندیمان و دوستان گوهرشاد آغا زوجه شاهرخ و واقف مسجد جامع گوهرشاد در مشهد مقدس رضوی بوده است.
 برابر وقف نامه موجود او مدرسه را در سال ۸۲۳ بنا کرده و وقف نموده است، و رقبات زیادی از املاک و دكاكین در مشهد مقدس و اطراف آن وقف مدرسه کرده و تولیت آن را به شوهرش واگذار کرده است.

شوهر او در وقف نامه به عنوان عالی جناب مقدس القاب سلالة الاطیاب و الانجاب عمدة السادات العظام میرزا محمد میرک الحسینی خادم سرکار فیض آثار روضه رضویه علیه آلاف التحية و متولی مزار فائض الانوار قطب الاولیاء و العارفین غوث الاتقیاء و السالکین.

خواجه ربیع الدین بن الخثیم قدس سرّه و بعد اولاد ذکورا و سلالة السادة العظام میرزا ابوالمعالی متولی خواهد بود و بعد از این اسنیت اولاد متولی سابق یا اسنیت اولاد لاحق مناط نیست، بلکه بعد از هر متولی اکبر اولاد ذکور خود متولی مناط است.

هكذا نسلا بعد نسل و عقبا بعد عقب و بعد انقراضهم العیاذ بالله با اکبر اولاد ذکور از ذکور خود متولی خواهد بود، و هر گاه در حال حیات متولی بنحوی شود که ارباب رتق و فتق موقوفات مذکوره عاجز بماند و امورات موقوفات معوق ماند اکبر اولاد ذکور

متولی عاجز شده متولی خواهد بود ما تعاقبوا و تنا سلوا علی المراتب المسطورة و الطبقات المذكوره مفوض نمود.

موقوفات مدرسه پریزاد

وقفنامه مزبور بسیار مشروح و مفصل است نقل همه آنها در این کتاب مقدور نیست، و اینک خلاصه آن را در این جا بنظر خوانندگان می‌رسانم.

۱- مدرسه پریزاد همگی و تمامی یک باب مدرسه متصل به مسجد گوهرشاد.

۲- هشت باب دکان متصل به مدرسه.

۳- همگی مجری المیاء بیست و چهار سهم الا چهار سهم از مزرعه اداک از بلوک مازول بلده نیشابور

۴- دوازده زوج مزرعه چشمه اسلامیة از مدار شانزده زوج بلوک شهر طوس نوذر شهیر به بلوک جاغرق، شرقاً و جنوباً متصل به شهر طوس.

۵- دوازده سهم الا پنج سهم مزرعه جرمق از مدار بیست و دو زوج در بلوک شهر طوس نوذر شهیر به بلوک جاغرق، شرقاً به مزرعه سرآسیاب غرباً به مزرعه شقاق، جنوباً به رودخانه کشف رود شمالاً به مزرعه دندانۀ موسوم به مزرعه بابا قوری.

۶- همگی چهار زوج مزرعه باغو از مدار شش زوج در بلوک شهر طوس نوذر شهیر به بلوک جاغرق، جنوباً متصل به کال اروند شمالاً به رود کشف رود.

۷- چهار زوج از مزرعه کنار کال از مدار شش زوج بلوک تبادکان، شرقاً به مزرعه شقاق و غرباً به محوطه نکاح شمالاً به مزرعه سمزقند جنوباً به مزرعه حسین آباد.

۸- چهار زوج مزرعه حسین آباد واقع در بلوک تبادکان متصل به مزار خواجه

ربیع.

۹- چهار زوج مزرعه چاهشک از بلوک تبادکان متصل به مزرعه ماکان و به

مزرعه آباد که متصل به مزار خواجه ربیع است.

۱۰- چهار زوج کامل مزرعه ماکان بلوک تبادکان متصل به مزرعه چاهشک و

به مزرعه حسین آباد متصل به مزرعه خواجه ربیع

۱۱- چهار زوج مزرعه خوش آب بلوک تبادکان متصل به کال و مزار خواجه

ربیع است.

مصرف در آمد موقوفات

وقف بر اولاد ذکور و بر اولاد ذکور از ذکور بطناً بعد بطن و بعد انقراضهم بر اولاد ذکور اناث خود و بعد انقراضهم وقف بر اولاد اناث از ذکور و بعد انقراضهم بر اولاد اناث از اناث و بعد انقراضهم بر مساکین سادات آل رسول علیهم السلام الی آخر الزمان

مدرسه مذکوره وقف است و مختص اولاد خود واقفه که هر یک از اولاد در یک اطاق مدرسه سکنا نمایند هر چند مبتدی باشند و آن چه اضافه آمد حبس نمایند و به مساکین طلبه زوار امام ثامن علیه السلام بدهند هر یک را یک اطاق، زوار مذکور زیاده از سه ماه در مدرسه زیست نمایند.

زوار دیگر غیر از اولاد واقفه احدی در مدرسه اگر به قدر یک دقیقه سکنا نماید بخون امام حسین علیه السلام شریک خواهد بود، مقرر شد ضمن العقد متولی مذکور دو عشر از منابع پنج باب دکا کین سمت شمالی مدرسه برسم حق التولیه برداشت نماید و آن چه اضافه آید صرف و خرج پنج باب دکا کین و مدرسه نماید و آنچه اضافه آید بطلاب علوم دینی مدرسه بالمساوات قسمت نماید.

آن چه از املاک مزروعی و متعلقات آنها بعمل آید از هر زوج از املاک مقدار دو خروار گندم و یکصد من جو حق التولیه متولی و باقی را سهم نمایند، سهم اول روز مبارک عید غدیر به خدام سرکار فیض آثار امام ثامن علیه السلام نهار بدهند.

سهم دوم را به طلاب مدرسه یوما فیوما قسمت نمایند، سهم سوم را به رسم

وظیفه حافظی روضه رضویه به اولاد ذکور واقفه بالمساوات بدهند، و سهم چهارم را صرف و خرج مزار قطب الاولیاء جد چهاردهم واقفه خواجه ربیع الدین بن خثیم نمایند و آن چه اضافه آید به رسم خادمی و حافظی مزار فائض الانوار مذکور بین اولاد واقفه بالمساوات قسمت نمایند.

آن چه از باب دکان سمت جنوب درب مدرسه مذکوره بعمل آید، یک ثلث را به متولی برسم حق التولیه تصرف نماید، و دو ثلث دیگر را بباقی اولاد ذکور بالمساوات قسمت نماید متعاقبوا.

حکام شرع انور، حکام عرف، متولیان سرکار فیض آثار به ای نحوکان در موقوفات از مدرسه و دکانین و املاک و متعلقات آنها و تولیت دخل و تصرف ننمایند که به لعنت خدا و تفرین رسول گرفتار و از شفاعت بی نصیب و در خون سیدالشهداء و ائمه هدی علیهم السلام شریک.

نگارنده گوید: ما خلاصه ای از وقفنامه این مدرسه را آوردیم تا خوانندگان عصر ما متوجه گردند در طول تاریخ بر سر این مدرسه ها و موقوفات آنها چه آمده است، و متجاوزان و زورمندان بر سر موقوفات مدارس دینیه چه آوردند و چگونه آنها را تصرف کردند و بنام خود ثبت دادند.

بر اساس پرونده ای که متعلق به مدرسه پریزاد می باشد و در اداره اوقاف خراسان محفوظ است، گویا فرزندان واقفه تولیت خواجه ربیع و مدرسه پریزاد را در دست داشته اند و تا سال ۱۳۱۵ سید ابوالقاسم پریزاد و یا سید ابوالقاسم موسوی حجازی تولیت آن را در اختیار داشته است.

در سال ۱۳۱۵ شمسی او را از تولیت خواجه ربیع برداشته اند و اختیار آن را به آستان قدس رضوی داده اند، محتملاً تولیت خواجه ربیع در جریان حوادث مسجد گوهرشاد که در سال ۱۳۱۴ پیش آمد نقشی داشته و او را از کار برکنار کرده، و تولیت مدرسه پریزاد را هم به اوقاف داده اند.

سید ابوالقاسم پریزاد متولی اصلی خواجه ربیع و مدرسه پریزاد در سال ۱۳۴۱ فوت می‌کند، و در سال ۱۳۴۳ سید مرتضی حسین‌زاده حریری فرزند مرحوم سید مرتضی متولی موقوفه شناخته شده اما در محکمه تجدید نظر تولیت او نقض می‌گردد و اختیار مدرسه مانند سابق در دست اوقاف خراسان قرار می‌گیرد.

رقبات وقفی را متنفذان و زورمندان مشهد در هنگام تأسیس اداره ثبت اسناد بنام خود ثبت کردند، و دکاکین موقوفه هم در تخریب سال ۱۳۵۴ ویران شدند، و از آن همه موقوفات مدرسه پریزاد اکنون تنها یک سهم و نیم از مزرعه ادک، و مزرعه حسین آباد و باغ خواجه ربیع باقی مانده است، فاعتبروا یا اولی الابصار.

مدرسه پریزاد بعد از انقلاب از طرف آستان قدس رضوی تعمیر اساسی یافته و اکنون مورد استفاده می‌باشد و در ارتباطی به دارالسیاده در جای خود محفوظ مانده است.

۳- مدرسه نواب

یکی از مدارس مشهور و معمور مشهد مقدس رضوی مدرسه نواب می‌باشد، این مدرسه در زمان صفویه بنا گردیده و در طول قرون و اعصار مورد استفاده طلاب علوم بوده است، از این مدرسه گروهی از علماء و فقهاء فارغ‌التحصیل شدند و خدمات زیادی به فرهنگ و معارف اسلامی انجام دادند.

مدرسه نواب در طول تاریخ خود همواره مرکز فضلاء و اساتید معروف حوزه علمیه مشهد مقدس بود، و طلاب با استعداد سعی می‌کردند در آن مدرسه حجه‌رای بدست آورند و در آنجا سکونت نمایند، تا از امتیازات آن مدرسه بهره‌مند گردند.

بانی مدرسه نواب میرزا صالح رضوی بوده که از نقباء مشهد مقدس بشمار می‌رفته و در سال ۱۰۸۶ بنا گردیده است، این مدرسه در ضلع شمالی بالا خیابان نزدیک فلکه بزرگ آستان قدس قرار دارد، این مدرسه در دو طبقه ساخته شده و

عبارات ذیل بر آن نقش بسته بود:

بسم الله الرحمن الرحيم بعد حمدالله قد اتفق اتمام بناء هذه المدرسة الرفعية الصالحة في ايام خلافة السلطان الاعظم و الخاقان الاكرم مولی ملك العرب و العجم السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ابوالمظفر.

شاه سليمان الحسيني الموسوي الصفوي خلدالله ملكه و سلطانه و افاض على العالمين بره و احسانه من مال خالص نواب مستطاب عمدة السادات النجباء الكرام و مرجع النقباء العظام صدر الاسلام و المسلمين ميرزا صالح تقيي رضوی كتبه محمد صالح سنة ست و ثمانين بعد الالف.

در زیر کتیبه اشعاری با خط نستعلیق خفی نوشته شده بود:

بعهد شاه سليمان شهنشاه ايران	که زنگ کفر ز مرآت کائنات زدود
شه سریر خلافت که اندر ایامش	اساس جهل شکست و بنای علم فزود
سپهر عز و شرف میرزا ابوصالح	محیط مکرمت و علم و فضل و بخشش و جود
مدار عالم صدر ممالک ایران	همای اوج سعادت عزیز مصر و جود
بنای مدرسه خالصاً لوجه الله	ز بهر طالب علم و عمل تمام نمود
ز روی طوع و رضا و مقام شاه رضا	که تا رضا شود از وی رضا خدا خوشنود
بدستیاری معمار کلک صنع کشید	عجیب نقش بدیعی بکارگاه و جود
بصدر مدرسه ها داد جاز روی شرف	که هر چه صدر بصدر مدارسش جا بود

بسعی مصدر خیرات میرزا صدرا

تمام کشت به وقت و بساعت مسعود

کلیب باب رضا صالحاء بن صوفی	غلام زمره ارباب علم و کشف و شهود
ز بهر سال بنا از خرد نشان می جست	که ناگهان دری از غیب بر دلش بگشود
بگفت هاتنی از بهر سال تاریخش:	از این رفیع بناشان آسمان افزود

بانی این مدرسه ابو صالح رضوی از اشراف و اعیان و سادات عظام مشهد

مقدس رضوی و ملقب به نواب و نقیب سادات مشهد بوده است، و ما انشاء الله در همین کتاب شرح حال او را خواهیم آورد.

مدرسه نواب و یا مدرسه صالحیه در طول زمان دچار فرسودگی شده و رطوبت به ارکان آن راه یافته بود، از این رو اداره اوقاف خراسان اقدام به نوسازی آن کرد، ساختمان دو طبقه و آجری سابق را بکلی تخریب نمودند و از نو بنائی جدید با اسلوب سنتی ساختند.

ساختمان جدید مدرسه نواب اکنون در حاشیه شمالی بالا خیابان کنار بارگاه ملکوتی حضرت رضا علیه السلام بسیار زیبا و دل انگیز چهره می گشاید و بینندگان را بطرف خود جلب می کند، بنائی مجلل و با شکوه با کاشیهای الوان و خطوط و نقوش در برابر زائران و ساکنان مشهد قرار گرفته است.

خصوصیات بناء جدید مدرسه نواب

پس از تخریب بنای سابق طرحی بر اساس سنتی قدیم تهیه گردید و ساختمان شروع شد، در قبله مدرسه حاشیه بالا خیابان تعدادی مغازه مانند سابق بنا گردید و به صاحبان اولیه تحویل شد و این مغازه ها موقوفه مدرسه می باشد.

سر درب ورودی مدرسه از طرف قبله مجددا همانند طرح قبلی بصورت مقرنس و کاشیکاری جالب مزین گردیده و در مدخل مدرسه یک هشتی ساخته شده و سقف آن یزدی بندی گردیده است، این سر در و هشتی بسیار زیبا بنا گردیده و جلوه خاصی به آن قسمت از خیابان داده است.

ساختمان جدید مدرسه نواب در سه طبقه بنا گردیده و دارای یک زیرزمین که یکسره خالی می باشد، در این مدرسه ۶۴ حجره برای سکونت طلاب علوم ساخته شده و دو مدرس به مساحت ۷۹۵ متر بنا گردیده و یک سالن کتابخانه به مساحت ۴۸۸ متر مربع.

در بنا جدید یک مسجد و سالن اجتماعات به مساحت ۴۸۸ متر بنا گردیده محلی برای امور اداری مدرسه، پارکینگ، موتورخانه، رختشوی خانه، آشپزخانه، محل غذا خوری، وضوخانه، انبار مواد غذایی این بناها در مجموع ۲۷۰۳ متر مربع می باشند. نگارنده گوید: ما در مطاوی این کتاب از حالات میرزا صالح رضوی نقیب مشهد مقدس و مدرسان عالی مقام این مدرسه که از اساتید و فقهاء مشهور مشهد مقدس بودند، مطالبی به اطلاع خوانندگان این کتاب خواهیم رسانید.

۴- مدرسه عباسقلی خان

این مدرسه یکی از مدارس بزرگ مشهد مقدس می باشد که در زمان دولت صفویه بنا گردیده، بانی آن عباسقلی خان شاملو حاکم هرات بوده است، فضای وسیع مدرسه با حجره ها و ایوان های بزرگ بینندگان را بطرف خود جلب می کند. در این مدرسه تعداد ۲۸ حجره در دو طبقه برای سکونت طلاب بنا گردیده و در مقابل هر حجره یک ایوان هم قرار دارد که طلاب علوم هنگام تابستان در آن جا به مطالعه و استراحت می پردازند و یا با یکدیگر مباحثه می کنند. در مدرسه عباسقلی خان دوازده راه رو برای رفتن به طبقه دوم ساخته شده و روی راهروها نیز یک حجره کوچک بنا گردیده که یک نفر در آن سکونت می کند، در چهار طرف مدرسه ایوان ساخته شده که از آنها به عنوان مدرس هم استفاده می شود. بالای سه ایوان اطاق بزرگی هست که از آنها برای تدریس و یا برپائی مجالس استفاده می گردد، نمای ایوان های هر دو طبقه کاشی کاری گردیده و با روشی سنتی تزئین یافته است، کاشیها از نوع معرق و با رنگ های گوناگون آراسته شده است. در حاشیه ایوان قبله کتیبه ای با خط ثلث زیبا روی کاشیهای سفید در زمینه لاجوردی قرار گرفته و در آن نوشته شده: بسم الله الرحمن الرحیم شهد الله انه لا اله الا هو و الملائكة و اولوا العلم قائماً بالقسط... تا و تلك الامثال نضربها للناس و ما

يعقلها الا العالمون.

در پایان نوشته شده: رقمه محمد رحیم فی ۱۰۷۷.

در بالای در ورودی مدرسه عباسقلی خان سنگی نصب شده که در آن آمده:
الملك الله.

حکم جهان مطاع شد آنکه ایالت و شوکت پناه و جلالت دستگاه امیر الامراء
العظام، نظام الايالة و الشوكة و العز و الاقبال عباسقلی خان غلام زاده قدیمی و
دولت خواه صمیمی بکلربگی کل خراسان بعنایت شاهانه مفتخر و سرافراز کشته.
بداند که عریضه که در این وقت مصحوب وزارت و رفعت و معالی پناه و عزت و
عوالی و کمالات دستگاه، صفی اکمالا للوزارة و الرفعة و العز و المعالی میرزا سعدالدین
محمد وزیر سرکار خود بدرگاه معلی فرستاده.

استدعا نموده بود که با توجهات محال آن عالی جاه ملکی را که وقف مدرسه
محدثه خود نموده بسیورغال آن عالی جاه مقرر فرمائیم بنظر کیمیا اثر رسانید.
بر عنایات شاهانه در باره آن عالی جاه از ابتداء چهار ماهه قوی ثیل ما توجهات
ملکی محال مزبور بسیورغال ابدی و احسان سرمدی بعالی جاه شفقت و مرحمت
فرمودیم، بتوجهات شاهانه مشمول باشد تحریرا فی جمادی الاولی سنة ۱۰۷۸.

روزی که باین اشرف احکام سرافراز معلوم شد این نکته که در عالم اخلاص
زان خدمت تحریر بکاتب نپسندید عباسقلی گشت ز لطف شه ایران
بر تارک موری فکند سایه سلیمان خود بر ورق دیده رقم کرد بمژگان
نگارنده گوید: مدرسه عباسقلی خان یکی از مدارس معروف مشهد بوده و
موقوفات زیادی در خراسان داشته است، برابر رو نوشتی که از موقوفات مذکور در
اختیار نگارنده می باشد و از طرف اوقاف خراسان در دست این جانب قرار گرفته است.
وقف نامه مدرسه عباسقلی خان مشروح و مفصل می باشد، این وقف نامه که رو
نوشت آن در هفده صفحه ماشین شده که اکنون در کتابخانه این جانب موجود می باشد

در اول ماه محرم سال ۱۰۷۸ تحریر شده است.

مرحوم عباسقلی خان که حاکم هرات و بکلربیگی خراسان بوده از ثروت و مکنت زیادی برخوردار بوده، و اکنون فهرست موقوفات مدرسه او را در این جا ذکر می‌کنیم، و درج همه وقف‌نامه در این جا موجب تطویل کتاب خواهد شد.

در مشهد مقدس معلی

- ۱- تمامی یک باب کاروان سرای معمور در خیابان پائین صحن مقدس مشتمل بر یکصد و بیست حجره فوقانی و تحتانی و متعلقات آن.
- ۲- تمامی کل دکاکین قیصریه ما بین مدرسه و کاروان سرا مشتمل بر یکصد باب دکان بزازی.
- ۳- تمامی دکاکین واقع در خیابان که متصل است به مدرسه و مشتمل بر چهل و نه باب دکان.
- ۴- تمامی یکصد و سی سهم از قنات موسوم به قنات چاه نو و اراضی زراعت آن واقع است در بیرون دروازه خیابان پائین و متصل به اراضی و باغات گل خطمی.
- ۵- تمامی یکصد و سی سهم از کل دو قطعه باغ انگوری و درختستان که واقع است در سمت جنوبی بلده فاخره، درختستان هشت جریب و باغ انگور چهار جریب.
- ۶- تمامی یک درب حمام واقع در جنب مدرسه و کاروان سرا.

در دارالسلطنه هرات

- ۷- تمامی یکصد و سی و سه سهم از مزرعه موسوم به حسن آباد مع باغات انگور و عمارت و باغچه و اشجار.
- ۸- تمامی کل قنات موسوم به غوغائی واقع در بلوک ادوان و تیزان.
- ۹- تمامی کل مزرعه موسومه به حسن آباد و عباس آباد واقع در بلوک انجیل.

- ۱۰- تمامی کل قناتین موسومین به کمر کلاغ و عبدالقادر در بلوک خیابان.
- ۱۱- تمامی یک حجره طاحونه موسوم به طاحونه جویچه در قریه غیران بلوک انجیل.
- ۱۲- تمامی یک حجره طاحونه موسوم به طاحونه قریه تونیان.
- ۱۳- تمامی کل دو باب کاروانسرای معموره و دکانین متعلقه واقع در پای حصار.
- ۱۴- تمامی یکصد و پنجاه و هشت و نیم سهم از یکدرب حمام مشهور به حمام چهار سوق.
- ۱۵- تمامی یکصد و سی و سه سهم از یک درب حمام مشهور به حمام باغ شهر.
- ۱۶- تمامی یک باب کاروانسرای معموره مشهور به کاروانسرای چهار سوق.
- ۱۷- تمامی کل یک باب کاروانسرای معموره مشهور به کاروانسرای بیرون فیروز آباد و متعلقات آن.

در ولایت جام

- ۱۸- تمامی کل مزرعه موسومه به باقوشی واقع در بلوک ترخستان مع باغات انگوری و درختستان و مضافات.
- ۱۹- تمامی نصف از کل مزرعه سعدآباد واقع در میان ولایت.
- ۲۰- تمامی سه سهم از مزرعه موسوم به طمغاباد واقع در میان ولایت.
- ۲۱- تمامی کل مزرعه موسوم به فلورن مع باغات انگوری واقع در روینج.
- ۲۲- تمامی کل مزرعه موسوم به جوروند واقع در بلوک تربت.
- ۲۳- تمامی دو سهم از کل مزرعه موسوم به نوکاریز در توابع بردو.
- ۲۴- تمامی کل مزرعه موسوم به عباس آباد کوچک واقع در ترخستان.
- ۲۵- تمامی کل مزرعه موسوم به نعیم آباد واقع در بلوک ترخستان.

- ۲۶- تمامی کل مزرعه موسوم به کماران واقع در بلوک ابضا.
- ۲۷- تمامی کل مزرعه موسوم به چاهکند واقع در پایان جام سوای یک زوج مع طواحین و باغات و توتستان.
- ۲۸- تمامی کل قنات موسوم به دو حصاران واقع در پایان جام.
- ۲۹- کل مزرعه موسوم به محمدآباد واقع در پایان جام.
- ۳۰- تمامی نصف از مزرعه موسوم به ملک آباد واقع در بلوک ترخستان.

در ولایت باخرز

- ۳۱- همگی هشت شبانه روز و یک طاقه و چهل سرقه از کل مزرعه ساریان واقع در رودبار ناحیه مالان.
- ۳۲- همگی چهار شبانه روز و یک طاقه و سی و هفت و نیم سرقه از کل مزرعه پشته رودبار.
- ۳۳- تمامی کل مزرعه رباطچه.
- ۳۴- تمامی کل مزرعه باستان واقع در رودخانه ناحیه زیر پل.
- ۳۵- تمامی مزرعه نوده.
- ۳۶- همگی مزرعه کمرک.
- ۳۷- همگی مزرعه موسومه به سرخدر واقع در ناحیه مالان.
- ۳۸- همگی مزرعه کاریزک علیا در توابع قریه مالان.
- ۳۹- تمامی مزرعه کاریزک سفلی.
- ۴۰- همگی کل قنات موسوم به مهران در قریه مالان.
- ۴۱- همگی شش شبانه روز از مزرعه موسومه به النجرد واقع در جلکه مالان.
- ۴۲- تمامی مزرعه موسومه به جزش واقع در جلکه مالان.
- ۴۳- تمامی ربع از مزرعه موسومه به رباط واقع در مالان.

- ۴۴- همگی چهار روز و یک طاقه از قریه ترشاد در ناحیه مالان.
- ۴۵- همگی هفت شبانه روز و دوازده و نیم سرقه از مزرعه موسومه به ماروکه واقع در ناحیه مالان.
- ۴۶- تمامی مزرعه موسومه به جان مرغ از توابع مالان.
- ۴۷- همگی شصت سرقه و چهار دانگ و نیم از کل قناتین موسومتین به حسنا و صدرآباد از توابع قریه زره.
- ۴۸- همگی چهارده شبانه روز و یک طاقه و جهل سرقه از مزرعه دمشاد از توابع قریه فارد ناحیه زیر پل.
- ۴۹- همگی هفت شبانه روز و دوازده و نیم سرقه از کل مزرعه موسومه به کل آب از توابع قریه فارد از ناحیه زیر پل.
- ۵۰- تمامی پنج شبانه روز و نیم طاقه از مزرعه موسومه به کوشک از توابع قریه فارد از ناحیه زیر پل.
- ۵۱- همگی کل قنات محمودآباد واقع در ناحیه فارد.
- ۵۲- همگی شش سهم از مزرعه قاسم آباد او توابع فارد زیر پل.
- ۵۳- همگی چهار روز از مزرعه مابور از توابع تایباد.
- ۵۴- تمامی یکدرب باغ مکروم و مشجر واقع در مزرعه باغند به مساحت ۱۲ جریب.
- ۵۵- تمامی حصه معینه از قناتین موسومتین به شاداب و دیره از توابع باغند.
- ۵۶- همگی حصه معینه از نصف مزرعه موسومه به بقرات واقع در تایباد.
- ۵۷- همگی حصه معینه از مزرعه موسومه به یعقوبان از توابع قریه تایباد.
- ۵۸- همگی و تمامی بیست سرقه از مزرعه ارزنجه از توابع قریه کاریز که از قنات قریه مذکوره مشروب می شود.
- ۵۹- تمامی پنجاه سرقه از قنات سعدآباد از توابع قریه کاریز.

۶۰- همگی قنات شوراب از توابع قریه کاریز.

۶۱- همگی یک حجر طاحونه موسومه به طاحونه مالان.

۶۲- همگی یک حجر طاحونه مشهوره به طاحونه پای قلب واقع در مزرعه

دریوند.

۶۳- تمامی یک حجر طاحونه موسومه به طاحونه عباس آباد.

۶۴- همگی یک حجر طاحونه موسومه به طاحونه رباط از توابع مالان.

۶۵- همگی نصف از طاحونه مشهوره به طاحونه ماهروان از توابع مالان.

در ولایت فراه

۶۶- همگی یکصد و سی و سه سهم از قریه موسومه به مساد و باغات مکرومه و

مشجره و طاحونه و عصارى و غیره.

۶۷- تمامی یکصد و سی و سه سهم از قریه موسومه به جوی سفید با باغات و

محوطات و غیره مستغلات مخصوصه.

۶۸- تمامی یکصد و سی و سه سهم از ثلث کل قریه موسومه به تودنک با باغات

و محوطات و غیره مستغلات مخصوصه.

۶۹- همگی یکصد و سی و سه سهم از کل مزرعه موسومه به مزرعه برنک مع

باغات مکرومه و مشجره و اشجار مختلفه و مستغلات موضحه.

۷۰- همگی سبع از مزرعه موسومه به اصلان آباد که بر آب رودخانه جهجه دائر

است.

۷۱- همگی قنات موسومه به قنات منقلی مع منسوبات و متعلقات آن و اراضی

آن متصل است به اراضی برنک.

در ولایت بادغیس

۷۲- همگی یکصد و سی و سه سهم از مزرعه دائره موسومه به جلران با محوطات و غیره مستغلات و منسوبات و متعلقات آن.

عباسقلی خان شاملو حاکم هرات و بانی مدرسه عباسقلی خان تولیت مدرسه را در حال حیات در اختیار خود قرار داده و بعد از فوت فرزند ارشدش متولی خواهد بود و بعد در اختیار فرزندان و احفاد او قرار می‌گیرد.

در صورتیکه نسل عباسقلی خان منقرض گردد یکی از خویشاوندان و عشیره که متصف به صفات معتبره باشد تولیت مدرسه را در اختیار خواهد گرفت، و اگر خدای نکرده کسی از این سلسله موجود نبود و همه منقرض شدند تولیت آن در اختیار متولی جلیل‌القدر سرکار فیض آثار خواهد بود.

در یک سند وقفی که در اداره اوقاف خراسان مضبوط است، باغ حسن خان وقف مدرسه عباسقلی خان می‌باشد و واقف آن مردی بنام حاج محمد حسن معاون التجار بوده است، در زمان نوشتن این سند متولی مدرسه عباسقلی خان عمدة الامراء العظام آقای خان بابا خان شاملو بوده و نائب التولية نیز عباسقلی خان معرفی شده است.

این سند در سال ۱۳۲۳ قمری تنظیم شده و گروهی از علماء مشهد مقدس در آن ایام این سند را امضاء و گواهی کرده‌اند و اینک نام آنها در این جا ذکر می‌گردد.

۱- بسم الله الرحمن الرحيم قد تحقق اعتراف جناب مستطاب معاون التجار دام اقباله و اعترف عالی جاه عباسقلی خان دام اقباله بما رقم فی الورقة الاحقر حسنعلی، محل مهر ثقة الاسلام آقای حاج شیخ حسنعلی تهرانی رحمة الله علیه.

۲- بسم الله الرحمن الرحيم قد تحقق اعتراف جناب الحاج محمد حسن معاون التجار دام اقباله بما زبر فی الورقة لدى متناوبا بشهادات من أثق به منضمة الى القرائن العلمية و اعترف جناب عباسقلی خان زید عزه بجميع ما فی الورقة متناو باکذلک أيضاً،

الکتاب علی نسختین حرره فی ۲۷ شوال المکرم من سنة ۱۳۲۳. الواثق بالله ذبیح الله، محل مهر مرحوم شیخ ذبیح الله قوچانی.

۳- حاج میرزا حبیب فقیه و ادیب معروف خراسان هم آن سند را امضا کرده و گواهی خود را بر آن نوشته است.

۴- امضاء و تصدیق میرزا محمد طاهر بن حجة الاسلام میرزا احمد رضوی.

۵- شیخ اسماعیل مجتهد مقیم مشهد مقدس نیز این ورقه را امضاء و گواهی نموده است.

نگارنده گوید: این رقبات موقوفه که بنظر خوانندگان رسید متعلق به مدرسه عباسقلی خان بوده است، و از در آمد آن موقوفات در سالهای نخستین مدرسه آباد و مشهور بوده و طلاب علوم در آن درس می خواندند و اساتید بزرگ و شخصیت‌های علمی مشهد در آنجا تدریس می کردند.

همان گونه که از وقفنامه معلوم می گردد بسیاری از رقبات وقفی مدرسه عباسقلی خان در هرات و ولایات افغانستان قرار دارد، و پس از جدائی افغانستان از ایران دیگر عایدات موقوفات به مدرسه مزبوره قطع گردیده است.

در حدود سالهای ۱۳۴۰ هجری شمسی با یکی از رجال سالخورده آن زمان درباره مدارس مشهد مقدس و مدرسه عباسقلی خان گفتگو می کردم آن مرد سالخورده که از اوضاع و احوال سیاسی ایران و خراسان به خوبی آگاه بود گفت:

پس از اینکه دولت افغانستان از طرف دولت ایران به رسمیت شناخته شد، مقرر گردید موقوفات مدارس مشهد و آستان قدس که در آن طرف مرز ایران و افغانستان قرار گرفته اند، به دولت افغانستان واگذار گردد و در مقابل دولت افغانستان مبلغی در برابر آن ها به دولت ایران بپردازد.

آن شخص مطلع می گفت: قرارداد بسته شد و دولت افغانستان هم تعهد کرد که مبلغ مورد توافق را بپردازد، ولی آن مرد مطلع می گفت من از جریان آن که بعد چگونه

عمل شد و سرانجام به کجا رسید و آن پولها چگونه وصول شد و در اختیار چه مقامی گذاشته شد اطلاعی ندارم.

۵- مدرسه خیرات خان

این مدرسه هم یکی از مدارس باستانی مشهد می‌باشد و در زمان صفویه بنا گردیده است، در اصلی مدرسه نامبرده از سمت بست پائین خیابان گشوده می‌شود، در مدرسه خیرات خان چهل و هشت اتاق برای سکونت طلاب علوم در دو طبقه ساخته شده است.

بالای در ورودی مدرسه خیرات خان یک مدرس بزرگ قرار دارد که استادان در آن تدریس می‌کنند، و در قسمت شمالی نیز ایوانی بنا گردیده است، در مقابل هر حجره در دو طبقه یک ایوان می‌باشد که طالبان و ساکنان حجره‌ها در آن جا استراحت می‌کنند و یا به مطالعه و مباحثه مشغول می‌شوند.

در بالای ایوان طرف قبله و در ورودی در گوشه‌ای روی کاشی نوشته شده «انا فتحنا لک فتحا مبینا» و در قسمت دیگری از این ایوان آمده «نصر من الله و فتح قریب» و در بالای اتاقها در لچکها اسماء الحسنی نوشته شده است.

بالای ایوان شمالی نوشته شده «أنا مدینة العلم و علی بابها» و بالای غرفه‌ها در ترنجه‌ها نوشته شده «یا حجة بن الحسن العسکری».

در حاشیه در ورودی مدرسه خیرات خان به خط ثلث زیبایی روی کاشی نوشته

شده:

بسم الله الرحمن الرحیم لقد تم بناء هذه المدرسة المباركة المسماة بالخیراتیه فی ایام دولة السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم مولی ملوک العرب و العجم السلطان بن السلطان الخاقان بن الخاقان الشاه عباس الصفوی الموسوی الحسینی بهادر خان خلدالله ملکه و افاض علی العالمین حسناته.

قد وفق لبنائها فی حیاته و بعد وفاته المرحوم المغفور خیرات خان تغمده الله بغفرانه فی سنة سبع و خمسين و الف ۱۰۵۷.

نگارنده گوید: ظاهراً بانی مدرسه خیرات خان در مشهد مقدس یکی از وزیران و رجال دربار قطب شاهیان بوده است، قطب شاهیان از پادشاهان و سلاطین شیعه بودند و در منطقه دکن هندوستان سلطنت می کردند و پایتخت آنها حیدرآباد دکن در هند بوده است.

در قلعه کولکنده نزدیک حیدرآباد آثار و قبور سلاطین قطب شاهی هم اکنون محفوظ می باشد، و در بالای تپه قلعه کولکنده قبری هست که روی آن اسم خیرات خان را نوشته اند.

در کتابخانه و موزه سالار جنگ واقع در شهر حیدرآباد صورت خیرات خان در لباس رسمی درباری میان تصاویر پادشاهان و امیران قطب شاهی قرار دارد.

مدرسه خیرات خان پس از انقلاب از طرف آستان قدس بازسازی شده و در حال حاضر جزء دانشگاه رضوی می باشد که در آن علوم و معارف اسلامی تدریس می گردد، مدرسه خیرات خان یکی از مدارس پر جنب و جوش در طول تاریخ خود بوده و گروهی از اساتید مشهد مقدس در آنجا تدریس می کردند و ما ان شاء الله در این کتاب حالات آنها را ذکر خواهیم کرد.

۶- مدرسه میرزا جعفر

این مدرسه در جوار روضه مبارکه رضویه متصل به صحن کهنه بنا گردیده و یکی از بزرگترین و باشکوهترین مدارس علمیه مشهد مقدس می باشد، این مدرسه دارای فضائی وسیع بصورت مربع مستطیل بوده و بسیار زیبا و جذاب که واردین و بینندگان را بطرف خود جذب می کند.

حیاط مدرسه با سنگ های خلیج شش گوشه فرش گردیده و از اره ها در چهار

طرف با سنگ مرمر سیاه پوشیده شده است، در وسط مدرسه حوض بزرگی به شکل مربع مستطیل ساخته شده و فواره‌هایی در آن کار گذاشته‌اند و در مواقع معینی از آنها آب فوران می‌کند و جلوه خاصی به فضای مدرسه می‌دهد.

اطراف حوض را گل‌کاری کرده و درختان گوناگونی در آنجا غرس نموده‌اند که شکوهی به مدرسه می‌دهد، در این مدرسه دو ایوان در طرف جنوب و شمال قرار دارد و مدرسه در دو طبقه ساخته شده که طبقه اول آن در حدود دو متر از سطح حیاط بالاتر می‌باشد.

مدرسه میرزا جعفر مجموعاً ۵۲ حجره دارد که در مقابل هر حجره یک ایوان هم قرار گرفته است، شانزده راهرو برای رفتن به طبقه بالا بنا گردیده که طلاب از این راهروها به طبقه بالا رفت و آمد می‌کنند، بالای این راهروها اطاقهای کوچکی برای سکونت ساخته شده که معمولاً یک نفر در آنها می‌تواند اقامت نماید.

تمام ایوانها و دیوارهای این مدرسه‌ها با کاشی‌های معرق و الوان در کمال زیبایی و ظرافت و هنر مزین شده و جلال و شکوهی به این بنا داده است، تمام درها و پنجره‌های حجرات این مدرسه با چوب ساخته شده و پنجره‌ها همه مشبک می‌باشند.

کتیبه‌های ایوان جنوبی

در پیشانی ایوان جنوبی متصل به صحن کهنه با خط ثلث زیبا و زرد رنگی در زمینه لاجوردی نوشته شده است:

قد وفق بعمارة هذه المدرسة بعد ما اندرست آثارها امتثالاً لأمر السلطان الأعظم
والخاقان الافخم ادام الله دولته وأقام الله أعلام نصرته نصيراً الملة السنية الملقب بظهير
الدولة العلية محمد ناصر خان والي مملكة خراسان كتبه الشهيد في سنة ١٢٨٥.

در حاشیه ایوان کتیبه‌ای به خط ثلث قرار دارد که در آن نوشته شده:

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على رسولك محمد المصطفى و وليك أمير

المؤمنين وسيد الأوصياء على المرتضى وسيدة نساء العالمين فاطمة الزهراء والحسن
المجتبى تا امام زمان عليه السلام.

در پایان آیه شریفه «قل لا أسألكم عليه أجرا الا المودة فى القربى» آمده و در
زیر آن نوشته شده: «لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم».

در داخل ایوان زیر طاق نوشته شده: قال سيد المرسلين وخاتم النبيين ع:
اطلبوا العلم من المهد الى اللحد.

عنه عليه السلام: الارواح طيور سماوية فى اقفاص اشباح البشرية اذا التفت بالعلم صارت
ملائكة و اذا التفت بالجهل صارت حشرات الأرض.

عنه عليه السلام: مداد العلماء افضل من دماء الشهداء، كتبه محمد حسين الشهيد
المشهدى ۱۲۶۲.

این ایوان بطرز زیبایی مقرنس کاری گردیده و تزئین یافته است و یک غرفه نیز
در آن بنا گردیده است.

کتیبه‌های ایوان شمالی

در پیشانی این ایوان سوره مبارکه انا اعطیناک الکوثر با خط ثلث زرد رنگ در
زمینه لاجوردی نوشته شده و در حاشیه آن آیه شریفه آیه الكرسي با خط ثلث سفید
رنگ در زمینه لاجوردی آمده است و در آخر آمده کتبه الشهيد محمد بن المشهدى
۱۲۸۵.

در طرفین ایوان زیر کتیبه و بالای ازاره بسم الله الرحمان الرحيم نوشته شده و در
داخل ایوان زیر طاق آیه الكرسي را با نستعلیق زرد رنگ نوشته‌اند و در بالای درهای
حجرات داخل ایوان بسم الله الرحمان الرحيم نوشته شده و در وسط ایوان انا فتحناک
فتحا مبینا نوشته شده است.

در گوشه راست ایوان به خط نستعلیق روی کاشی نوشته شده: به سعی و اهتمام

عالی حضرت استاد محمد حسین کاشی پز قزوینی صورت انجام پذیرفت و در گوشه طرف چپ ایوان آمده: به سعی و اهتمام سعادت نشان استاد علی اکبر معمار کاشانی این خجسته عمارت تعمیر یافت.

در این ایوان سه حجره در پائین و یک غرفه بزرگ و دو غرفه کوچک در بالا قرار دارد، داخل ایوان زیر سقف مقرنس کاری شده و بانقش و نگار تزئین یافته است.

کتیبه‌های بالای ایوان حجره‌ها

در بالای ایوان حجره‌ها در چهار طرف مدرسه کتیبه‌های زیبایی با خط ثلث نوشته شده و در آن از آیات قرآنی و اخبار و روایات درباره علم و فضیلت علماء استفاده شده است، ما اکنون آنها را ذیلاً یادداشت می‌کنیم، در طرف چپ ایوان جنوبی بالای حجره چنین نوشته شده است:

۱- قال الله تعالى: ويرفع الله الذين آمنوا منكم والذين اوتوا العلم درجات و قال الله تعالى: انما يخشى الله من عباده العلماء.

۲- قال رسول الله ﷺ و سلم: فضل العالم على العابد كفضلي على ادنى امتي.

۳- قال الرضا عليه السلام: كان العابد من بنى اسرائيل لا يتعبد حتى عشر سنين (كذا).

۴- قال رسول الله ﷺ: لسان العاقل وراء قلبه و قلب الأحمق وراء لسانه.

۵- محادثة العالم على الزابل خير من محادثة الجاهل على الزرابي.

۶- قال الرضا عليه السلام: السخا شجرة فى الجنة من تعلق بغصن من أغصانها دخل الجنة.

۷- قال الله عزوجل: مذاكرة العلم بين عبادى يحيى مما يحيى القلوب الميتة.

۸- قال النبى ﷺ: يقول الله عزوجل للعلماء يوم القيامة: انى لم اجعل علمى و

حلمى فيكم الا و أنا أريد أن اغفر لكم على ما كان فيكم بالاولى.

۹- قال رسول الله ﷺ: العالم والمتعلم شريكان فى الأجر و لاخير فى سائر الناس.

۱۰- قال النبى ﷺ: ما شئ أجمع الى شئ أفضل من علم الى حلم.

- ١١- قال علي عليه السلام: كل وعاء يضيق بما جعل فيه الا وعاء العلم فانه يتسع.
- ١٢- قال علي عليه السلام: ما أخذ الله على أهل الجهل أن يتعلموا و على أهل العلم أن يعلموا صدق علي عليه السلام.
- ١٣- قال النبي صلى الله عليه وآله: ألا لا غبطة في اثنين: رجل آتاه الله ما لا فسلطه على هلكته في الحق و رجل آتاه الله الحكمة و هو يقضى بها و يعلمها.
- ١٤- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما يصدق الناس بصدقة مثل تيسره.
- ١٥- قال علي عليه السلام: منهومان لا يشبعان طالب علم و طالب دنيا صدق علي عليه السلام.
- ١٦- قال أبو عبدالله جعفر الصادق عليه السلام: اذا مات المؤمن الفقيه ثلم في الاسلام ثلثة لا يسدها شئ.
- ١٧- قال الامام علي عليه السلام: العالم كالذهب و المتعلم كالفضة و ساير الناس كالرصاص.
- ١٨- قال الرضا عليه السلام: من لم يشكر المنعم من المخلوقين لم يشكر الله عزوجل.
- ١٩- قال أبو عبدالله الصادق عليه السلام: عالم يتمتع بعلمه أفضل من سبعين ألف عابد.
- ٢٠- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: انما العلم آية محكمة أو فريضة عادلة، أو سنة قائمة و ما خلاها فضل.
- ٢١- قال أبو عبدالله جعفر الصادق عليه السلام: العالم اذا لم يعمل بعلمه ذلت موعظته عن القلوب.
- ٢٢- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: طلب العلم فريضة على كل مسلم الا ان الله يحب بغاة العلم.
- ٢٣- قال أمير المؤمنين عليه السلام: أيها الناس اعلموا ان كمال الدين طلب العلم و العمل به و ان طلب العلم واجب.
- ٢٤- الدنيا و الآخرة عدولن متفاتان و سبيلان مختلفان.
- ٢٥- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لجلوس ساعة من مذاكرة العلم أحب الى الله تعالى من ألف غزوة و قراءة القرآن كله.

- ٢٦- قال النبي ﷺ نوم مع العلم خير من صلوة على جهل.
- ٢٧- قال ﷺ: من اتجر بغير فقه فقد ارتطم في الربا.
- ٢٨- قال الرضا ﷺ السخي قريب من الله وقريب من الجنة وقريب من الناس والبخل بعيد من الله وبعيد من الجنة وبعيد من الناس.
- ٢٩- ساعة عالم تبكى على فراشه وينظر في علمه خير من عبادة سبعين عاما.
- ٣٠- اذا علمتم فاعملوا بما علمتم لعلكم تهتدون.
- ٣١- قال رسول الله ﷺ: من خرج من بيته ليلتمس بابا من العلم كتب الله له بكل قدم ثواب نبي من أنبياء بني اسرائيل.
- ٣٢- روى عن أبي عبد الله ﷺ من أراد الحديث لمنفعة لم يكن به في الآخرة نصيب ومن أراد الآخرة أعطاه الله خيرة.
- ٣٣- طالب العلم أحبه الله وأحبته الملائكة ولا يحب العلم إلا السعيد.
- ٣٤- قال الامام علي ﷺ: لا... كالعقل ولا فقر كالجهل ولا ميراث كالآدب.
- ٣٥- قال ﷺ لطالب العلم أعطاه الله بكل حرف يسمع ويكتب مدينة في الجنة وأحبه الله.
- ٣٦- حديث في حلال الله وحرامه تأخذ من صادق خير من الدنيا وما فيها.
- ٣٧- قال الرضا ﷺ: من لقي مسلما فقيرا فسلم عليه خلاف سلامه على الغنى لقي الله يوم القيامة وهو عليه غضبان.
- ٣٨- قال أمير المؤمنين ﷺ: لو ضربت خشوم المؤمن بسيفي هذا على أن يبغضني ما أبغضني.
- ٣٩- عنهم ﷺ: من اراد الحديث والتفقه للدنيا لم يكن له في الآخرة نصيب ومن أراد الآخرة أعطاه الله تعالى به خيرا.

۷- مدرس‌های مدرسه میرزا جعفر

در این مدرسه مبارکه دو مدرس بزرگ در ضلع شرقی و غربی مدرسه بنا شده، این مدرسها با کاشیهای الوان و رنگارنگ که با طرز زیبایی نقاشی و رنگ آمیزی شده‌اند جلب توجه می‌کنند، کف مدرس‌ها با سنگهای مرمر فرش شده و با کاشیهای الوان پوشیده شده است.

در مدرس‌ها سه صنف ساخته شده و داخل آنها را با کاشیهای الوان پوشانیده‌اند، در وسط هر صنف یک ترنج چهار گوشه زیبا قرار دارد که بر زیبایی آن افزوده است، در این صنف‌ها معمولاً طلاب با یکدیگر مباحثه نموده و درسها را تکرار می‌کنند. در این صنف‌ها کتیبه‌های زیادی هم نوشته شده و از آیات قرآن و اخبار و روایات استفاده کرده‌اند، این کتیبه‌ها با خط ثلث زیبایی نوشته شده و در دیوارها و بالای صنف‌ها و طاق نماها نصب گردیده‌اند و به مدرس جلوه‌ای خاص بخشیده‌اند و کتیبه‌های مدرس شرقی عبارتند از:

۱- قال الله تعالى ان ربك يعلم انك تقوم أدنى من ثلثي الليل تا واستغفروا الله ان الله غفور رحيم.

۲- والله المشرق والمغرب اينما تولوا فثم وجه الله.

۳- وقل رب ادخلني مدخل صدق واخرجني مخرج صدق واجعلنی من لدنک سلطانا نصیرا.

۴- و من آیاته خلق السماوات والارض واختلاف السنتکم والوانکم.

۵- قال الله تعالى قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبلة ترضيها فول وجهك شطر المسجد الحرام.

۶- وأقيموا الصلوة وآتوا الزكاة واركعوا مع الراكعين.

۷- وعد الله المؤمنين والمؤمنات جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها و مساكن طيبة.

- ۸- وَأَنْ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا.
- ۹- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا.
- ۱۰- اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ تَا آخِرَ آيِهِ.
- ۱۱- يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا.
- ۱۲- إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا.
- ۱۳- أَقِمِ الصَّلَاةَ لَدُلُوكَ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقِرْآنَ الْفَجْرِ قِرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا.
- ۱۴- إِنْ الصَّلَاةُ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ.
- ۱۵- قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ.
- ۱۶- وَازْلَفَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ.
- در سقف مدرّس شرقی سه روزنه برای روشنائی قرار داده‌اند و در اطراف هر یک از آنها اسماء و صفات خدا را با خط ثلث زیبایی نوشته‌اند، و آن نامها عبارتند از:
- ۱۷- يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَيَا مَنْ هُوَ صَانِعُ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ الْهَادِي كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مَنْ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ هُوَ عَالِمُ بِكُلِّ شَيْءٍ.
- ۱۸- يَا مَنْ هُوَ بَيْنَ رَجَاهِ كَرِيمٍ، يَا مَنْ هُوَ فِي صُنْعِهِ حَكِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي مَلَكِهِ مُقِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي سُلْطَانِهِ قَدِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ فِي جَلَالِهِ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَى عِبَادِهِ رَحِيمٌ، يَا مَنْ هُوَ بَيْنَ عَصَاهُ حَلِيمٌ.
- ۱۹- يَا ذَا الْحِكْمَةِ وَالْبَيَانِ، يَا ذَا الْقُدْرَةِ وَالسُّلْطَانِ، يَا ذَا لَامِنٍ وَالْإِمَانِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْإِمْتِنَانِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ، يَا ذَا الْعِظَمَةِ وَالسُّلْطَانِ يَا ذَا الْحُجَّةِ وَالْبِرْهَانِ، يَا ذَا الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ.

مدرس غربی

این مدرس مانند مدرس شرقی مدرسه میرزا جعفر با کاشیهای الوان و معرق و ترنج‌های زیبا آراسته شده است و کتیبه‌هایی روی دیوارها و صفه‌ها با خط ثلث در آنجا نقش بسته و در قسمت انتهای مدرس سوره مبارکه یا ایها المدثر با خط ثلث سفید رنگ در زمینه لاجوردی نوشته شده است و کتیبه‌ها عبارتند از:

- ۱- الا وان التقوی مطایا، حمل علیها اهلها و اعطوا ازمتها فاوردتهم الجنة
الاولان الخطایا شمس حمل علیها اهلها و خلعت لجومها.
- ۲- الا ینار شیمه الابرار و الاحتکار شیمه الفجار.
- ۳- قال ﷺ: ان أخوف ما أخاف علیکم اتباع الهوی و طول الامل اما اتباع الهوی فیصد عن الحق و اما طول الامل فینسی الآخرة.
- ۴- العقل یصلح الرویة و العدل یصلح البریة.
- ۵- قال الله تعالی شهد الله انه لا اله الا هو و الملائكة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم.
- ۶- قال الامام ﷺ: الانصاف شیمه الاشراف و الحیاء قرین العفاف.
- ۷- الدنیا مطلقة الاکیاس، العاجلة میتة الارجاس.
- ۸- العلم فضل و شر العمل اکمل و اخلف؟!
- ۹- در مدخل مدرس سوره مبارکه یشبع الله ما فی السماوات و ما فی الارض و هو العزیز الحکیم، نوشته شده است.
- ۱۰- قال ﷺ: العقل مرکب العلم و العلم مرکب الحلم و العلم أصل کل خیر و الجهل أصل کل شر.
- ۱۱- قال علی ﷺ: الدنیا دار الاشقیاء و الجنة دار الاتقیاء.
- ۱۲- قال ﷺ: الجنة غایة السابقین و النار غایة المفرطین.

۱۳- التفاق اخ الشریک و الغیبة شر الافک.

۱۴- العالم حی و ان کان میتا و الجاهل میت و ان کان حیا و قال کل وعاء یضیق بما فیہ الا وعاء العلم فانه یتسع.

۱۵- الجود من کرم الطبیعة و المن مفسدة الصنیعة.

۱۶- عنه علیه السلام الدین اشرف النسبین النیة الصالحة أحد العملین العلم احدى الحیاتین.

۱۷- یا صراخ من استصرخه، یا مرشد من استرشده یا مکرم من استکرمه یا جار من استجاره یا ناصر من استنصره یا غافر من استغفره یا راحم من استرحمه یا عاصم من استعصمه.

۱۸- یا ذا العزة الدائمة، یا ذا الکرامة الظاهرة یا ذا القدرة الكاملة، یا ذا الحکمة البالغة یا ذا المنة السابقة یا ذا الرحمة الواسعة، یا ذا النعمة السابغة یا ذا الحجة القاطعة.

۱۹- یا رب المسجد الحرام یا رب الحلّ و الحرام، یا رب النور و الظلام یا رب البیت الحرام، یا رب الشهر الحرام، یا رب البلد الحرام، یا رب الرکن و المقام.

۲۰- یا من لا یخاف الا عدله، یا من لا ینظر الا براه، یا من لا یسلك الا عفوه، یا من لا یرجى الا فضله، یا من سبقت رحمته غضبه، یا من وسعت کل شیء رحمته، یا من لا سلطان الا سلطانه، یا من لا یدوم الا ملکه.

بانی مدرسه میرزا جعفر

میرزا جعفر سرو قد مشهدی یکی از رجال قرن یازدهم هجری می باشد و در مشهد مقدس سکونت داشته است، او از علماء و شعراء عصر خود بشمار می رفته، غلام علی بلگرامی در تذکره سرو آزاد صفحه ۱۴۱ چاپ لاهور در شرح حال با ذل رفیع خان مشهدی گوید: عموی رفیع خان میرزا جعفر سرو قد در مشهد مقدس مدرسه دارد

و بعد گفته:

نورالدین محمد خان و فخرالدین محمد خان و کفایت خان پسران میرزا جعفر سروقد به هند آمدند و به خطابات و خدمات پادشاهی ممتاز بودند، نورالدین محمد در سال ۱۱۲۶ در اورنگ آباد در گذشت و فخرالدین در سال ۱۱۳۹ در کشمیر وفات کرد. برادر میرزا جعفر سروقد بنام میرزا محمود پدر رفیع خان باذل به هند رفت و در محمود پوره برهان پور در گذشت، بطور کلی خاندان میرزا جعفر همه به هند رفته‌اند و در آنجا به مقامات عالیه دولتی رسیده‌اند، و شرح حال آنها در تذکره‌ها آمده است که ان شاء الله در این کتاب خواهد آمد.

در مطلع الشمس صفحه ۵۳۵ هم از این مدرسه یاد می‌کند و گوید: مدرسه میرزا جعفر درب آن واقع در صحن عتیق و بنای آن عالی و مزین به کاشی معرق ممتاز ولی این بنا رو بخرابی گذاشته بود مرحوم ناصر خان ظهیر الدوله در ایام حکمرانی در خراسان آن را مرمت و تجدید کردند و الان کمال رونق و بها را دارد.

در کتاب منتخب التواریخ صفحه ۶۶۸ گوید: مدرسه میرزا جعفر درب آن واقع است در میان صحن عتیق و این مدرسه بهترین مدارس مشهد است و ضعا و مکانا و بنای آن بسیار عالی و مزین است بکاشی معرق ممتاز و تاریخ آن سنه هزار و پنجاه و نه است.

گویند بانی این مدرسه خراسانی الاصل بود رفت به هندوستان و در آنجا نوکر شخصی شد، بعد از مدتی آن شخص از دنیا می‌رود، اموال او را حراج می‌کنند، از جمله صندوق کهنه‌ای بود که میرزا جعفر می‌دانست جوفش نقود و جواهرات است.

آن را حراج کردند بدون احتمال اینکه جوفش جواهرات است، میرزا جعفر آن را بقمیت نازلی خریداری کرد و نقود و جواهر آن را سرمایه خود قرار داد و مشغول تجارت شد، چون مال وافر بدست آورد قصد معاودت کرد بخراسان، حاکم هند او را مانع شد و گفت: اگر خیال معاودت داری باید همان قسم که دست خالی باینجا آمده

بودی برگردی.

میرزا جعفر در جواب گفت: این تکلیف را با آنکه شاق است من قبول می‌کنم بشرط آنکه مدت بیست سال عمر عزیزم را که در این مملکت صرف تحصیل دولت و مکنت آن نموده‌ام به من رد کنید.

از این جواب حاکم را خوش آمد و اجازه داد که میرزا جعفر بهر کجا که می‌خواهد برود، اگر چه عمر او وفا نکرد که بوطن خود برسد، لکن قبل از وفات قسمتی از اموال خود را خاص خیرات و مبرات نمود و از وجوهی که به مشهد فرستاد این مدرسه ساخته شد و موقوفاتی به جهت او وقف کرد.

نگارنده گوید: مرحوم ملاهاشم مؤلف منتخب التواریخ این قصه را از یک کتاب و نوشته مستند نقل نکرده است و داستان را همان گونه که شنیده نقل کرده است، غلام علی بلگرامی در تذکره سرو آزاد که از او نام می‌برد اشاره‌ای به سفر میرزا جعفر به هندوستان نمی‌کند و گوید: فرزندان او به هندوستان رهسپار شدند و در آنجا درگذشتند.

مدرسه میرزا جعفر بعد از انقلاب اسلامی از طرف آستان قدس رضوی بازسازی شد و اکنون جزء دانشگاه علوم اسلامی رضوی می‌باشد و طلاب علوم در آن به فراگیری معارف اسلامی مشغول هستند.

مدرسه سلیمان خان

این مدرس در کنار بازار بزرگ و مقابل مسجدشاه قرار دارد، و یکی از مدارس مهم و معمور در مشهد مقدس می‌باشد، این مدرسه از آغاز مرکز طلاب فاضل و اساتید میرز حوزه علمیه مشهد مقدس و از شهرت خاصی برخوردار بود و طلاب دوست داشتند در آنجا حجره‌ای بدست بیاورند.

مدرسه سلیمان خان کهنه و فرسوده شده بود، و بعد از انقلاب به دستور فقیه

بزرگوار مرجع عالی قدر شیعه حضرت آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی رضوان الله علیه تخریب گردید و از نو تجدید بنا شد، و در سال ۱۴۰۲ قمری ساختمان آن پایان گرفت. مدرسه سلیمان خان در سه طبقه بنا شده و در آن پنجاه حجره برای سکونت طلاب ساخته شد، و سه مدرس مهم برای تدریس بنا گردید، این مدرسه دارای کتابخانه می باشد و ضمناً وسائل رفاهی از قبیل آشپزخانه و رختشوی خانه و سالن پذیرائی برای طلاب آماده شده است.

این مدرسه به خاطر موقوفات زیادی که دارد یکی از مدارس معتبر شمرده شده و موقوفات آن در تهران، کاشمر و مشهد مقدس می باشد و بانی آن مرحوم امیر سلیمان خان قاجار می باشد و در زمان قاجاریه ساخته شده است.

۸- مدرسه رضوان

این مدرسه نیز یکی از مدارس قدیمی مشهد مقدس است و در محله عیدگاه قرار دارد، مرحوم ملا هاشم خراسانی در منتخب التواریخ گوید: مدرسه حاج رضوان واقع در عیدگاه چنده حجره دارد و چند طلبه زیادتز ندارد و تاریخ بنایش هم معلوم نیست.

۹- مدرسه بالا سر

مدرسه مزبور یکی از مدارس باستانی مشهد مقدس و در زمان تیموریان ساخته شده بود، این مدرسه از طرف شمال به صحن کهنه و از شرق به رواق دارالسیاده و از جنوب به مدرسه پریزاد و از غرب به بازار زنجیر ارتباط داشت و نزدیکترین بنا به حرم مطهر بود.

اعتماد السلطنه در کتاب مطلع الشمس گوید: در این مدرسه چند شعر مسطور به خط نستعلیق کچبری شده است:

در عهد شهنشاه سلیمان زمان کز نام و نسب فخر سلاطین باشد
 دستور زمانه میرزا سعدالدین کاو را همه لطف و کرم آئین باشد
 رنگی پی تعمیر در این مدرسه ریخت ز انسان که به از بنای پیشین باشد
 چون گشت تمام گفت احسان تاریخ زین مدرسه ره بقبله دین باشد
 نگارنده گوید: این مدرسه را از این جهت بالا سر می گفتند که در بالای سر
 حضرت رضا علیه السلام قرار داشت، این مدرسه و مدرسه پریزاد کنار هم و متصل به
 دارالسیاده ساخته شده بودند، و از نظر مساحت و سبک معماری نیز مانند هم بودند
 مؤلف این کتاب در هنگام تحصیل در حوزه علمیه مشهد در این مدرسه سکونت
 داشت.

در ضلع جنوبی این مدرسه در طبقه فوقانی اطاق بزرگی بود که در آن سکونت
 داشتم، در پشت اطاق بزرگ یک اطاق کوچکی بود که با کاشیهای الوان مزین شده بود
 و این اطاق به رواق بزرگ دارالسیاده متصل بود، و روزنه‌ای از آن بطرف حرم مطهر
 قرار داشت.

ما از این روزنه که مقابل پنجره فولادی بالاسر بود داخل حرم را مشاهده
 می کردیم در آن ایام آن اطاق نزدیکترین محل خارج حرم مطهر به روضه مبارکه
 رضویه بود و این توفیق نصیب ما شده بود.

اساتید و بزرگان مقیم مدرسه در آن ایام معتقد بودند، این حجره محل عبادت و
 راز و نیاز گروهی از علماء و عابدان بوده، آنها برای قرب جوار و خلوت اینجا را برای
 عبادت و زیارت انتخاب می کرده‌اند، تزئینات اطاق هم نشان می داد که در گذشته
 جماعتی از خواص از این اطاق استفاده می کرده‌اند.

در آن زمان حدود سال ۱۳۲۷ شمسی که نگارنده در این مدرسه و حجره مقیم
 بودم شنیدم که مرحوم شیخ بهاء الدین عاملی هنگام اقامت در مشهد از این اطاق به
 خاطر قرب جوار استفاده می کرده و در آنجا به عبادت و راز و نیاز مشغول می شده

است.

این مدرسه در تخریب بزرگ سال ۱۳۵۴ شمسی از خرابی مصون ماند، علاقمندان به آثار باستانی به مقامات عالی مملکتی رسانیدند که این مدرسه از بناهای عهد تیموریان می باشد و جزء آثار تیموریان ثبت گردیده و فیلم و عکس هایی از آن در اسناد و مدارک داخلی و خارجی موجود است.

مجریان برنامه تخریب با شنیدن تذکرات کارشناسان از خراب کردن مدرسه بالاسر و پریراد و دو درب خودداری کردند، ولی بعد از انقلاب مقامات آستان مقدس و مهندسان و معماران این مدرسه را تخریب نمودند و به جای آن رواق دارالولایه را بنا کردند و هیچ مقامی هم جلو آنها را نگرفت.

مقامات آستان قدس معتقد بودند که این محل متعلق به آستان قدس بوده و برف انداز حرم مطهر می باشد، در زمان ما برفهای پشت حرم مطهر را به حیاط این مدرسه می ریختند بطوریکه در زمستانها مدرسه پر از برف می شد و مأمورین آستان قدس برفها را از این مدرسه بیرون می بردند تا ساکنان بتوانند در داخل مدرسه رفت و آمد نمایند. بطوریکه شخصاً مشاهده نمودم یکی از روزها محمود بدر نائب التولیه آستان قدس به مدرسه بالاسر آمد و در کنار در ورودی توقف کرد، طلاب از حجره ها بیرون شدند تا از علت آمدن او به مدرسه مطلع کردند، او با چند نفر در مدخل مدرسه گفتگو می کرد و بعد هم آنجا را ترک گفت.

بعد از رفتن او از مدرسه یکی از مسئولان گفت: آستان قدس رضوی در نظر دارد این مدرسه را خراب کند، اما علماء مشهد مقدس با تخریب مدرسه مخالفت کردند آستان قدس هم از تصمیم خود عقب نشست، اما بعد از انقلاب بار دیگر مقامات آستان قدس مدعی مالکیت آن شدند و مدرسه را تخریب نمودند و کسی هم پیدا نشد آنها را از این کار باز دارد و یک مدرسه ششصد ساله ویران گردید.

۱۰- مدرسه باقریه

یکی از مدارس قدیمه مشهد مقدس مدرسه باقریه بود، و این مدرسه در حاشیه بالا خیابان نزدیک روضه مبارکه رضویه قرار داشت و از بناهای عصر صفوی بود و تا سال ۱۳۵۴ شمسی دائر و طلاب علوم در آن تحصیل می‌کردند یکی از مدارس آباد و پرجنب و جوش مشهد شمرده می‌شد.

این مدرسه توسط ملا محمد باقر سبزواری از علماء و فقهاء بزرگ قرن یازدهم هجری بنا گردید، به خاطر بانی آن محمد سمیع آن را سمیعیه هم می‌گفته‌اند مدرسه باقریه در زمان شاه سلیمان صفوی به دستور ملا محمد باقر در سال ۱۰۸۳ بنا گردیده بود.

اعتماد السلطنة در مطلع الشمس گوید: کتیبه خیلی خوش خطی در بالای در این مدرسه بخط رقاع در سنگ مثبت شده است به این عبارت:

قد اتفق اتمام بناء هذه المدرسة الشريفة السمعية في أيام دولة السلطان الأعظم و الخاقان المعظم مولی ملوک العرب و الترك و العجم، ذی شوكة الا سکندرية و الحشمة السليمانية السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان أبو المظفر المنصور شاه سليمان الصفوی الحسينی بها در خان خلدالله دولته.

بتجویز عالی حضرت اکمل الفضلاء و الحكماء مجتهد الزمانی مولینا محمد باقر الخراسانی من مال الحضرة الفاضل الباذل ذی الحسب الرفیع مولانا محمد سمیع باهتمام سيد العالم العامل مير عبدالحسين و سعی حاج شفیع الاصفهانیین فی سنة ثلاث و ثمانین بعد الالف کتبه محمد رحیم.

مدرسه باقریه در سال ۱۳۵۴ شمسی تخریب گردید و جزء فلکه بزرگ آستان قدس رضوی در آمد، این مدرسه دکاکین و مستغلاتی هم داشت که آنها هم ویران شدند.

نوروز علی بسطامی در فردوس التواریخ گوید: آقا جمال خونساری در اواخر

زمان حیات ترک اصفهان نموده مجاورت امام انس و جان علیه صلوات الله الملك المنان را اختیار نمود و یکی از مدارس قدیمه مشهد مقدس را که در اوان معروف به سمیعیه بود تعمیر و تجدید فرمود.

مبالغی کتب و املاک و دکانین و مایحتاج بر سکنه آن وقف ساخت و خود به نفس نفیس در آنجا به مباحثه و تدریس پرداخت و تا حال تحریر آن مدرسه معمور و به مدرسه ملا محمد باقر موسوم و مشهور است و حال تحریر که سال هزار سیصد و یک است اکثر طلاب ساعی و پرهیزکار و در آن مدرسه مبارکه اشتغال بدرس و مباحثه دارند.

۱۱- مدرسه فاضل خان

این مدرسه در زمان وجودش یکی از بزرگترین و مشهورترین مدارس مشهد مقدس بوده است، طلاب زیادی در این مدرسه تحصیل می کردند، و اساتید بزرگی در آنجا تدریس می نمودند، بطوریکه از استادان خود شنیدم مدرسه فاضل خان در حوزه علمیه مشهد بسیار ممتاز بوده است.

مؤلف مطلع الشمس گوید: مدرسه فاضل خان یا فاضلیه در خیابان علیا، در سر در این مدرسه کتیبه ایست به خط ریحان و دو سطر هم در پیشانی در به خط ثلث یا رقاع است، این هر دو کتیبه در سنگ منبت است و بسیار خوب نوشته شده و عبارت آن اینست:

قد اتفق بحمد الله سبحانه و حسن توفيقه بناء هذه المدرسة المسماة بالفاضلية في ايام دولة صاحب القران الأعظم و الخاقان المعظم مالک رقاب الامم مولی ملوک الترك و العرب و العجم، احفاد ائمة الهدی و سید السلاطین فی العالم السلطان بن السلطان ابو المظفر شاه عباس الثاني الصفوی الحسينی خلد الله سبحانه ملکه و سلطانه و أفاض علی العالمین بره و عدله و احسانه.

و بعد لما ثبت بالبراهین العقلية و السعی النقلية فی أن تحصیل العلوم الدینیة طاعة لله سبحانه أفضل من العبادات و إعانة الطلبة و أهل العلم تعظیما لشانه من أقرب الطاعات بنیتها محض الله و فزت باتمامها و أنا عبدالله ملامیر اطاعة لاشارة أخى الفاضل الكبير و العالم المدتق التحریر الواصل الى جوار الملك المنان.

علاء الملك المخاطب بفاضلخان التونی تغمده الله بغفرانه و أسكنه سبحانه بحبوة جنانه، ربنا تقبل منا انک أنت السميع العليم و أشركه فی صالح دعائى، رب اغفرلى و لاخى و أدخلنا فی رحمتک و أنت أرحم الراحمین و أنت و لینا فاغفرلنا و ارحمنا و أنت خیر الغافرین.

بسمی الصالح التقی المتقی حاج محمد باقر القراسی و حرره العبد الراجی الى رحمة الله ابوالمحسن عنایت الله فی تاریخ سنة خمس و سبعین بعد الألف من الهجرة علی صاحبها ألف سلام و تحية.

در منتخب التواریخ گوید: این مدرسه کتابخانه ای دارد که او را هفتاد هزار تومان قیمت می نمایند.

مرحوم عبدالحمید مولوی در کتاب موقوفات آستان قدس گوید: موقوفات مدرسه فاضل خان بهترین مزارع و بیشتر از سایر مدارس در آمد داشت و طالبان علم قرن ها در آنجا به اکتساب علوم می پرداختند و ابوالحسن میرزا شیخ رئیس قاجار که فاضل و دانشمند بود سرپرستی و متصدی این مدرسه را در اختیار داشت.

نگارنده گوید: مدرسه فاضل خان در سال ۱۳۰۷ شمسی هنگام نیابت تولیت محمد ولی خان اسدی تخریب نمود و جزء فلکه گردید، و کتابخانه مدرسه هم به آستان قدس منتقل گردید و موقوفات آنرا هم ضمیمه آستان قدس کرد.

۱۲- مدرسه حاج حسن

این مدرسه در کتب تاریخی و اسناد و مدارک موجود بنام مدرسه بهزادیه هم

ذکر شده است و بانی آن شخصی بنام ملک بهزاد بوده و در قرن یازدهم زندگی می‌کرده است، ولی در میان مردم بنام مدرسه حاج حسن مشهور و معروف بود و معلوم نیست به چه علت آنرا مدرسه حاج حسن می‌گفتند.

مدرسه مزبور در حاشیه شمالی بالا خیابان قرار داشت و تا سال ۱۳۵۲ شمسی دائر و مشهور بود، و طلاب علوم دینی در آن تحصیل می‌کردند، و افراد فاضلی هم از آن برخواستند و آثاری از خود به جای گذاشتند که شرح حال آن در این کتاب خواهد آمد. اعتماد السلطنه در مطلع الشمس گوید: این مدرسه کتیبه بسیار خوش خطی به خط رقاع دارد به این عبارت: قد اتفق اتمام بناء هذه المدرسة المباركة فی ایام دولة السلطان الأعظم و الخاقان المعظم مولی ملوک التترک و العرب و العجم.

السلطان بن السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه سلیمان الصفوی الحسینی خلدالله ملکه و سلطانه و أفاض علی العالمین بره وعد له و احسانه من عین مال زبده أهل السداد و الرشاد ملک بهزاد و بسعی التقی حاج الحرمین الشریفین حاج نظر علی کتبه أقل عباد الله عنایت الله.

ملا هاشم خراسانی در منتخب التواریخ گوید: مدرسه بهزادیه مشهور به مدرسه حاج حسن در بالا خیابان و از مدرسه نواب نزدیک است به آستانه مقدسه و در سر درب مدرسه بخط رقاع کتیبه خوش خطی دارد و از او معلوم می‌شود که در زمان شاه سلیمان از مال ملک بهزاد ساخته شده، تاریخش هزار و نود است.

نگارنده گوید: مدرسه حاج حسن در سال ۱۳۵۲ هنگامه توسعه فلکه بارگاه رضوی تخریب گردید و از صفحه تاریخ حذف شد.

۱۳- مدرسه عبدالله خان

این مدرسه در اول پائین خیابان قرار داشت، و در میان مردم به مدرسه ابدال خان معروف بود، درست به خاطر دارم که این مدرسه در قسمت شمالی پائین خیابان

در کنار پیر پالان دوز بود، مدرسه‌ای کوچک با تعدادی حجره که طلاب در آن سکونت داشتند.

در منتخب التواریخ گوید: مدرسه عبدالله خان واقع در جنب پیر پالان دوز تاریخ اصلش معلوم نیست لیکن در سنه هزار و دویست و نود و هفت تعمیر شده است، این مدرسه در سال ۱۳۵۴ تخریب گردید و ضمیمه فلکه بزرگ آستان قدس شد.

۱۴- مدرسه قدمگاه

در مشهد مقدس رضوی محلی بنام قدمگاه بوده که مردم معتقد بودند حضرت رضا علیه السلام در آنجا اقامت کرده و به نوشتن قرآن مجید مشغول بوده است در قرن دهم هجری در اینجا مدرسه‌ای بنام مدرسه قدمگاه وجود داشته که طلاب در آنجا تحصیل می‌کرده‌اند.

طبق شواهد و قرائن این مدرسه در جایی که اکنون به باغ رضوان معروف بود قرار داشته است، در گلستان هنر صفحه ۱۴ درباره این مدرسه مطلبی آورده، جویندگان می‌توانند به آن کتاب مراجعه کنند.

۱۵- مدرسه ملاتاج

یکی از مدارس قدیم مشهد مدرسه ملاتاج یا مدرسه مستشار بوده است این مدرسه در شمال صحن کهنه و متصل به ایوان عباسی بوده و یکی از مدارس مشهور مشهد بشمار می‌رفته است، این مدرسه در زمان پهلوی که مدارس دینی مورد بی‌مهری قرار گرفتند از رونق افتاد و مهجور و متروک ماند و بصورت انباری برای آستان قدس در آمده بود.

ملاهاشم در منتخب التواریخ گوید: مدرسه ملاتاج المشهور به مدرسه مستشار واقع است در میان صحن عتیق تاریخ اصلش معلوم نیست، لکن تعمیرش را میرزا

رضای مستشارالملک کرده و تاریخ تعمیرش تقریباً در حدود سنه هزار و دویست و نود بوده.

در کتاب حدیقه الرضویه از این مدرسه یاد شده و معلوم است که در هنگام توپ بستن حرم مطهر از طرف روسهای تزاری این مدرسه طلبه داشته و گروهی در آن تحصیل می کرده اند، ادیب هروی مؤلف حدیقه در باره حادثه توپ بستن به گنبد مطهر گوید:

طلاب مدارس را که واقع بود میان بست و صحن و بازار بزرگ مانند مدرسه خیرات خان، مدرسه میرزا جعفر، مدرسه مستشار، مدرسه بالاسر و مدرسه پریزاد و مدرسه شاهرخ - دو درب - ساعت پنج از شب گذشته از اطاقهاشان بیرون کشیده به اسراء ملحق نمودند.

مرحوم مؤتمن در نامه آستان قدس از کتاب بدر فروزان نقل کرده که مناره ایوان عباسی به امر نادرشاه ساخته شده، و پایه این مناره در مدرسه ملاتاج بوده است. مرحوم عبدالحمید مولوی در کتاب موقوفات آستان قدس گوید: در شمال صحن عتیق مدرسه معروف به مدرسه ملا تاجی بوده که نصف جنوبی این مدرسه را شاه عباس بتصرف صحن داده و ایوان عباسی شمال صحن تماماً در عرصه این مدرسه به وجود آمده است.

در قرن سیزدهم هجری میرزا محمدرضا مستشارالملک بقایای مدرسه را که در شرف خرابی بود از نو با آجر تراش بنا می کند، تمام ضلع شمالی مدرسه را به ضمیمه دو حجره در طرف شرقی و دو حجره در طرف غربی مدرسه تجدید بنا کرده و طالبان علم ترک زبان که از قفقاز برای کسب علم به مشهد می آمدند در حجرات این مدرسه زندگی می کردند.

مناره طلایی که نادرشاه افشار در شمال ایوان عباسی مذکور بنیان نهاد در فضای این مدرسه وقوع داشته، و در پای مناره مقبره فیلسوف مشهور حکیم صفا اصفهانی

قرار داشت، بنای اولیه این مدرسه متعلق به عهد اعقاب امیر تیمور بوده و تقدیر این چنین بوده که نصف جنوبی مدرسه را شاه عباس جزو صحن کهنه قرار دهد و نصف دیگرش هم در این عهد به درج کلام ساقط گردد.

نگارنده گوید: همان گونه که مرحوم مولوی تذکر داده‌اند، مدرسه ملاتاج از مدارس قدیم می‌باشد، در کتاب عالم آراء عباسی آمده که شاه عباس هنگام ورود به مشهد تصمیم گرفت صحن کهنه را توسعه دهد، و آنرا بصورت مربع مستطیل قرار دهد. صحن کهنه در آن زمان به اندازه نصف این صحن بوده و ایوان امیرعلی شیر نوائی که اکنون به ایوان طلا معروف می‌باشد در آن ایام در گوشه صحن قرار داشته، و در قسمت شرقی آن دو مدرسه دینی بوده است، شاه عباس تصمیم می‌گیرد این دو مدرسه را خراب کند و صحن را بطرف شرق توسعه دهد.

یکی از مدارس مورد نظر مدرسه ملاتاج بوده است، پس از تخریب مقداری از مدرسه ملاتاج در قسمت شمالی آن باقی می‌مانده و مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی به مرور زمان آسیبی به آن می‌رسد تا آنگاه که شخصی بنام مستشارالملک در زمان قاجاریه آنرا تجدید بنا می‌کند و در اختیار طلاب قرار می‌گیرد.

در کنار این مدرسه مسجد کوچکی هم از عهد قدیم وجود داشت و در آن از شرق ایوان عباسی باز می‌شد، مرحوم مولوی در موقوفات آستان قدس نوشته حاج آقا جان معمار آستان قدس از عهد نادرشاه برای امام این مسجد سالی چهارده خروار گندم از موقوفات خود وظیفه مقرر داشته است و بازارچه حاج آقا جان بنام او می‌باشد»

همان گونه که تذکر داده شد مدرسه ملاتاج که زمانی یکی از مدارس مشهور مشهد مقدس بوده، نصف جنوبی آن از طرف شاه عباس ضمیمه صحن کهنه شد و نصف شمالی آن هم که در ایام پهلوی ها بصورت انبار در آمده بود در تخریب سال ۱۳۵۴ به فضای سبز تبدیل گردید و بعد از انقلاب ضمیمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی شد.

از خصوصیات ملاتاجی هیچ اطلاعی در مآخذ و منابع وجود ندارد، و معلوم

نیست که او در چه زمانی زندگی می‌کرده و از کدام طبقه بوده است جز اینکه مدرسه او در طول تاریخ دو بخش گردید و از حالت اولیه درآمد.

نیمی از آن توسط شاه عباس صفوی به صحن کهنه ملحق گردید و چند قرن است که زائران بارگاه ملکوتی حضرت رضا علیه السلام در آنجا زیارت می‌خوانند و قسمت دیگر آن در زمان تولیت آقای حاج شیخ عباس واعظ طبسی متولی آستان قدس رضوی ضمیمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی گردید که طلاب علوم در آن تحصیل می‌کنند.

۱۶- مدرسه کنار حرم

ابن بطوطه سیاح مغربی در سفرنامه خود از این مدرسه یاد می‌کند و گوید: من از طریق جام وارد مشهد رضا شدم، او گوید: گنبد بزرگی روی قبر امام علیه السلام بود و در کنار مزارش یک مسجد و یک مدرسه هم وجود داشت، همه بناهای آنجا مزین به کاشیهای الوان و بسیار زیبا و دلفریب بودند.

از عبارات ابن بطوطه که در صفحه ۳۸۸ نقل شده بخوبی روشن است که در قرن هشتم در جوار روضه مبارکه رضویه مدرسه‌ای بوده که اکنون اثری از آن دیده نمی‌شود، زیرا که قدیمیترین مدارس موجود در مشهد رضوی مدرسه دو درب می‌باشد و آن هم در قرن نهم بنا گردیده است.

۱۷- مدرسه سعدیه

بانی این مدرسه شخصی بنام سعدالدین بوده و از زندگی و خصوصیات او اطلاعی در دست نیست و مدرسه هم اکنون وجود ندارد و ضمیمه اماکن متبرکه شده است، این مدرسه در میان مردم و در محاورات بنام مدرسه پائین پا شهرت داشته زیرا در قسمت پائین حرم مطهر قرار گرفته بود.

ملاهاشم خراسانی در منتخب التواریخ گوید: مدرسه سعدیه مشهور به پائین پا،

این مدرسه پشت مقبره شیخ بهائی واقع شده و در سر درب به خط ثلث روی کاشی معرق کتیبه نوشته شده و الان ریخته شده.

در کریاس مدرسه اشعاری کتیبه شده و در آخرش نوشته کتبه محمدرضا امامی سنه هزار و هشتاد و هفت و در ایوان پشت به قبله آیات شریفه گچ‌بری شده و تاریخ آن سنه هزار و هشتاد و شش است با رقم محمدرضا امامی.

در مطلع الشمس نیز از این مدرسه یاد شده است و در آن آمده: مدرسه پائین پای مبارک معروف به سعدیه، در بیرون بر سر در این مدرسه بخط ثلث نوشته است: قد زینت فی ایام دولة السلطان العادل و الخاقان الباذل السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان ناصرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه ۱۲۸۹.

قصیده‌ای نیز بخط نستعلیق در این محل نگاشته‌اند که چند شعر اول را مرمت محو کرده آنچه باقی مانده است این است:

همین صدی که نزد کلک و رأیش	هماره آصف اندر عذر خواهی
درم افشاند و طرح مدرسی ریخت	که ایمن باد از آسیب بتاهی
مبارک منزلی از علم مشحون	در او حل گشته احکام الهی
همایون مدرسی چون کعبه پاک	منزه طول و عرضش از تباهی
در آن رنگین بنای خوش عمارت	نماید چهره رخشانی ز کاهی
مکانی نشر درس علم و آداب	دهد بر سال تاریخش گواهی

در کریاس مدرسه این اشعار بخط نستعلیق پست کتیبه شده:

در زمان شه فرشته سپاه	شاه دین پرور و سلیمان جاه
پادشاهی که در تصرف اوست	هفت اقلیم تا به اوج سما
آصف روزگار سعدالدین	که بود مهربان به خلق خدا
هر زمان کل در آب می‌گیرد	پی تعمیر کعبه دلها
بهر تدریس کاروان علوم	کرده از روی اعتقاد بنا

این چنین مدرسه بهشت آیین اندر این خاک پاک خلد آسا
الغرض ز اهتمام همت او کشت چون این بهین بنا بر پا
آمد از غیب این ندا عالم بود آباد مجمع فضلا
کتیبه محمدرضا الامامی ۱۰۸۷.

مرحوم عبدالحمید مولوی در کتاب موقوفات آستان قدس گوید: مدرسه سعدیه یا پائین پا توسط میرزا سعدالدین محمد وزیر خراسان در عهد شاه سلیمان صفوی بنا گردید در این مدرسه طالبان علم به اکتساب علوم می پرداختند و معلم بنده مرحوم شیخ عبدالکریم درگزی در این مدرسه حجره داشت.

مدرسه سعدالدین را رئیس فرهنگ و اوقاف مشهد قبل از سال ۱۳۲۰ شمسی به مبلغ شش هزار تومان به آستان قدس فروخت و تا بحال مجوزی ندیده‌ام که رئیس اوقافی حق داشته باشد مدرسه علوم دینی را که موقوفه عهد صفویه است بتواند بفروشد بلکه قانون مصوب سال ۱۳۰۹ شمسی راجع به این گونه آثار خلاف آنرا ثابت می‌کند. به هر حال مدرسه را خراب کردند و طبق نقشه‌ای که مسیو کدار باستانشناس ترسیم کرده بود در محل مدرسه مخروبه کتابخانه و موزه آستان قدس را بنا نمودند و بعدا کتابخانه و موزه هم تخریب گردید و به ساختمان جدید منتقل شد.

نگارنده گوید: داستان تخریب مدرسه پائین پا و یا مدرسه سعدالدین که توسط نائب‌التولیه آستان قدس انجام گرفت کار اول و آخر در آستان قدس نبوده و متولیان و کارگزاران آستانه هر گاه تصمیم بگیرند بنائی را خراب و ویران کنند و در جای آن بنائی جدید بسازند به وقف‌نامه‌ها و یا قوانین و مقررات کشوری گوش نمیدهند، از زمان‌های بسیار قدیم این روش در آستان قدس مورد عمل قرار گرفته است.

در سال ۱۳۰۹ شمسی قانونی از مجلس گذشت که آثار از باستانی باید محافظت شوند و کسی حق تخریب و تملک آنها را ندارد، مدرسه پائین پا از جمله همین آثار بود زیرا بناء آن در عهد صفویه انجام گرفته و کتیبه‌های آن هنوز هم موجود

بود.

اما هنگامیکه مقامات آستان قدس تصمیم گرفتند صحن موزه را بسازند و ساختمان کتابخانه و موزه و تالار تشریفات را بنا نمایند، تمام آثار تاریخی این محل را که یکی از آنها مدرسه پائین پا بود خراب کردند و به وقف و قانون هم توجه نمودند. در سال ۱۳۵۴ هم در تخریب بزرگ مشهد و توسعه فلکه نیز به وقف و قانون توجه نمودند و چندین مدرسه دینی و ده‌ها اثر تاریخی را ویران نمودند و بعد از انقلاب هم کارگزاران و مهندسان آستان قدس مدرسه بالا سر را که بیش از ششصد سال عمر داشت ویران کردند و تبدیل به رواق نمودند.

محل مدرسه پائین پا در قسمت شمالی صحن موزه بوده محلی که اکنون به عنوان رواق دارالعبادة نام‌گذاری شده قرار داشته است و مقداری از آن هم داخل صحن موزه قرار گرفته است.

از سید جلال‌الدین تهرانی رحمه‌الله علیه که چندین سال نیابت تولیت آستان قدس را در اختیار داشت شنیدم که فرمود: من در مورد مدارس قدیم به مشهد اقدام کردم و به دربار پهلوی گفتم دستور دهید مدارس نزدیک اماکن متبرکه را حفظ کنند. از آنجا که مرحوم سید جلال‌الدین تهرانی مرد بی‌نظری بود درباریان به گفته‌های او توجه کردند و مانع تخریب همه مدارس شدند، اگر اقدام این مرد بزرگ و علاقمند نبود عبدالعظیم ولیان و مهندسان آستان قدس همه آن مدارس را خراب می‌کردند و امروز دیگر مدرسه خیرات خان، میرزا جعفر، دو درب و پریزاد هم نبودند.

۱۸- مدرسه حاج صالح بخارائی

از تاریخ بناء این مدرسه اطلاعی در دست نیست، این مدرسه هم در نزدیکی حرم مطهر بوده است، مرحوم عبدالحمید مولوی در کتاب موقوفات از این مدرسه نام برده و گوید: مرحوم سید حسن مشکان طبسی صاحب مجله دبستان که از فضلاء و

شعراء و اهل علم و ادب بودند در این مدرسه تحصیل می کردند.
مدرسه حاج صالح بخارائی که به آن مدرسه نو هم می گفتند در زمان محمد ولی خان اسدی هنگام تأسیس فلکه اول آستان قدس تخریب گردید و جزء خیابان و فلکه گردید.

۱۹- مدرسه غزالیه طوس

این مدرسه از مدارس قدیم ناحیه طوس و ظاهراً در طابران یوده است، چرا که در قرون گذشته طابران را طوس هم می گفته اند همان گونه که اکنون هم مردم آنجا را طوس می گویند، اگر چه طوس نام ناحیه بوده و به مشهد و نوقان هم اطلاق می شده است.

در کتابخانه مدرسه صدر اصفهان کتابی بنام شواهد مطول دیدم که کاتب نوشته بود: در سال ۷۷۸ در مدرسه غزالیه طوس تحریر آن انجام گرفت، از این کتاب معلوم می شود که در طوس مدرسه ای بنام غزالی بوده است و در آنجا علماء و فضلائى بوده اند که کتاب های علمی را نسخه برداری می کرده اند.

ظاهراً مدرسه بنام ابو حامد غزالی بوده، اگر چه برادر او هم به غزالی معروف می باشد، علاوه بر این دو برادر محمد و احمد غزالی، افراد دیگری هم بنام های غزالی در ناحیه طوس زندگی می کرده اند و ما در همین کتاب نام آنها را ذکر خواهیم کرد.

۲۰- مدرسه حاج آقا جان

همان گونه که در این فصل گذشت حاج آقا جان معمار آستان قدس بوده و در زمان نادرشاه زندگی می کرده است، او در مشهد مقدس بازاری ساخته بود که بنام بازارچه حاج آقا جان هنوز هم در قسمت شمالی حرم مطهر باقی است، و از آنجا به تپل محله رفت و آمد می شود.

مرحوم حاج ملاهاشم خراسانی در منتخب التواریخ گوید: مدرسه حاج آقا جان واقع در قبرستان قتلگاه، گویا در حدود هزار و دویست و پنجاه ساخته شده و چند حجره و موقوفه مختصری دارد.

نگارنده گوید: این مدرسه اکنون وجود ندارد، و معلوم نیست در چه سالی تخریب شده، محتملا در هنگام توسعه فلکه اول آستان قدس هنگام تخریب قبرستان قتلگاه و یا غسلگاه این مدرسه هم ویران شده باشد قبرستان مزبور در زمان اسدی ویران شد و تبدیل به یک دبستان گردید.

۲۱- مدرسه نو

در عنوان مدرسه حاج صالح بخارائی گفته شد که اینجا را مدرسه نو هم می‌گفتند، ولی مرحوم ملاهاشم خراسانی در منتخب گوید: مدرسه نو را مرحوم حاج ملا احمد کاشی بنا کرد و بناء آن در حدود سنه هزار و سیصد هجری قمری بوده است، مرحوم ملاهاشم از خصوصیات این مدرسه و این که در کجا بوده مطلبی نگفته است.

۲۲- مدرسه علی نقی میرزا

این مدرسه نیز در زمان قاجاریه توسط علی نقی میرزا والی خراسان ساخته شد مدرسه مزبور در پائین پای مبارک حضرت رضا در کنار رواق بنا گردیده بود مرحوم ملاهاشم در منتخب از این مدرسه یاد می‌کند و گوید: علی نقی میرزا از فرزندان فتحعلی شاه این مدرسه را بنا کرد ولی فعلا عنوان مدرسه بودن را ندارد.

نگارنده گوید: زمین این مدرسه که در جوار رواق دارالسلام قرار داشته متعلق به مسجد گوهرشاد بوده است، هنگامیکه علی نقی میرزا تصمیم می‌گیرد در این زمین مدرسه‌ای بسازد، متولی مسجد جامع گوهرشاد به عنوان اینکه این محل به مسجد گوهرشاد تعلق دارد او را از این کار باز می‌دارد.

علی نقی میرزا چون والی و حاکم خراسان بوده از قدرت خود استفاده می‌کند و در آن زمین مدرسه‌ای می‌سازد، و به اعتراض متولی مسجد هم اعتنائی نمی‌کند، بعد از رفتن علی نقی میرزا مدرسه از رونق می‌افتد و طلاب از آنجا پراکنده می‌شوند.

ساختمان مدرسه همچنان به عنوان مدرسه پائین پا باقی ماند، در زمان سلطنت رضاشاه که بناء صحن موزه و ساختمان کتابخانه و موزه آستان قدس نهاده می‌شود مدرسه علی نقی میرزا هم تخریب می‌گردد و تبدیل به یک فضای باز می‌شود و تا سال ۱۳۴۲ هم به همین حال باقی بود.

درست به خاطر دارم که برفهای پشت رواق‌ها را به آنجا می‌ریختند و بعد خادمان و کارگران آن برفها را به بیرون ابنیه متبرکه منتقل می‌کردند، در سال ۱۳۴۳ شمسی هنگام نیابت تولیت امیر عزیزی سقف آن با تیر آهن بنا کردند و تبدیل به یک رواق نمودند و نام آنرا دارالذکر نهادند.

۲۳- مدرسه میرافضل

این مدرسه هم یکی از مدارس قدیمه مشهد بوده و در قرن یازدهم مورد استفاده طلاب علوم بوده است، از این که این مدرسه در کجای مشهد مقدس بوده و خصوصیات آن چگونه بوده است اطلاعی در دست نیست، و کسانی که درباره مشهد تحقیق کرده‌اند از این مدرسه نام نبرده‌اند.

مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی رضوان الله علیه در کتاب طبقات اعلام الشیعه قرن یازدهم هجری جلد ۱۱ صفحه ۵۸۴ در شرح حال ملک احمد تونی گوید: نسخه‌ای از تهذیب المنطق را به خط او دیدم که در سال ۱۰۱۴ تحریر کرده بود و در آخر آمده که در مدرسه میرافضل واقع در مشهد رضوی انجام گرفت و ملک احمد تونی از طلاب مدرسه میرافضل بوده است.

۲۴- مدرسه سیدی

از این مدرسه اطلاع مستندی در دست نیست، و معلوم نشد که در کدام محله مشهد مقدس بوده است، اعتمادالسلطنه در مطلع الشمس گوید: در سال ۸۴۵ قمری امیر سیدی که از امراء بزرگ شاهرخ بود و حکومت فارس را داشت و شخص مشهور ظالمی بود در فارس وفات کرد و نعش او را از شیراز به خراسان آورده و در مشهد در گنبد مدرسه‌ای که ساخته و پرداخته خودش بود دفن گردید.

یکی از مؤلفین گوید: امیر سیدی را در مدرسه دو درب دفن کرده‌اند زیرا در مشهد تنها مدرسه دو درب گنبد دارد؟!، در صورتیکه در مطلع الشمس آمده او در گنبد مدرسه‌ای که خود بنا کرده بود به خاک سپرده شد.

مدرسه دو درب از بناهای ایام شاهرخ بوده و بانی آن بطوریکه در کتیبه بالای در مدرسه دو درب آمده امیر غیاث‌الدین خواجه یوسف بهادر بوده و قبرش هم در گنبد جنوبی مدرسه می‌باشد، و نام او روی سنگ قبر هم نوشته شده است.

مدرسه امیر سیدی یکی از مدارس علمیه مشهد بوده، و بانی آنهم بطوریکه در مطلع الشمس آمده امیر سیدی بوده است که بعد از مرگش در آنجا در گنبد مدرسه دفن شده است، این مدرسه هم در طول زمان تخریب شده و به فضای زیارتی تبدیل گردیده است.

۲۵- مدرسه امام صادق

این مدرسه توسط فقیه بزرگوار و مرجع عالی قدر شیعه حاج سید محمدهادی میلانی رضوان الله علیه تأسیس گردید، مرحوم میلانی از عراق به مشهد مقدس مهاجرت کردند و در این شهر سکونت اختیار نمودند و به تربیت طلاب و تدریس و افتاء مشغول شدند، شرح حال ایشان در همین کتاب خواهد آمد.

نگارنده گوید: مدارس که در بالا ذکر شدند جز یک مدرسه یعنی مدرسه امام

صادق علیه السلام همه یادگاری از قرون گذشته هستند، قدیمیترین مدرسه موجود در مشهد مدرسه دو درب و آخرین مدرسه از نظر تاریخ تأسیس مدرسه سلیمان خان است که در عهد قاجاریه بنا گردیده است.

از مدارس موجود دو مدرسه در عهد تیموریان و بقیه در عهد صفویه ساخته شده‌اند، ولی مدرسه‌های قبل از تیموریان همه در طول تاریخ خراب شده و یا توسط حاکمان و متولیان روضه مبارکه رضویه تخریب شده‌اند، همان گونه که در زمان ما تعدادی از آنها ویران شدند و به اماکن متبرکه پیوستند.

از قرن سوم که حضرت رضا سلام الله علیه در سناباد طوس به شهادت رسیدند و در این سرزمین به خاک سپرده شدند، مشهد آن بزرگوار مورد توجه شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفت، مجالس د محافل علمی در آنجا برقرار گردید و مدارس و مساجد برای تبلیغ و تعلیم معارف اهل بیت تأسیس شد.

علماء و فقهاء و محدثان و متکلمان شیعه در آنجا گرد آمدند و به تدریس علوم متداول مشغول شدند، مخصوصاً از قرن پنجم به بعد مشهد رضوی حالت یک شهر به خود گرفت و رفت و آمد به آن مکان مقدس بیش از پیش وسعت یافت و به عنوان بزرگترین زیارتگاه در آمد.

آنچه از تاریخ مشهد مقدس و ناحیه طوس بدست می آید مشهد رضوی پایگاه تشیع و پیروان اهل بیت علیهم السلام بوده و مدارس علمیه شیعیان در این شهر مقدس بوده است، اگرچه خانواده‌هایی از اهل سنت هم در آنجا سکونت داشته‌اند ولی اکثریت سکنه مشهد را شیعیان تشکیل می‌داده‌اند.

شهرهای نوقان و طابران و قرای اطراف طوس اکثر از اهل سنت بوده‌اند و شیعیان در آن اماکن در اقلیت بوده‌اند، مدارس علمیه اهل سنت در نوقان و طابران بوده و علماء بزرگ اهل سنت در این دو شهر مقیم بوده و به تدریس و تألیف اشتغال داشته‌اند.

در طول قرون و اعصار علماء و دانشمندان زیادی از این شهر یعنی مشهد

رضاء علیه السلام و نوقان طابران درخواستند که تعدادی از آنها شهرت جهانی دارند، ما ان شاء الله در این کتاب شرح حال آنان را که از منابع و مآخذ موجود استخراج کرده ایم خواهیم آورد.

مدارس بعد از انقلاب

بعد از انقلاب در مشهد مقدس مدارس متعددی بنا گردیده است تعدادی از این مدرسه ها رسمی و به روش مدارس جدید و دانشگاه ها اداره می شوند و بقیه بصورت سنتی طلاب را می پذیرند، و با امتحان معمولی و رایج در حوزه ها به آنها در مدارس حجره می دهند و به آنان شهریه می پردازند.

ساختمان این مدارس نیز متفاوت هستند، تعدادی از آنها مجلل و با شکوه بنا گردیده اند، و بقیه در ساختمانهای معمولی قرار دارند، بعضی از مدارس در ساختمانهای وقفی قرار دارند، و پاره از مدرسه ها در مکان های اجاره ای می باشند و وضع ثابتی ندارند.

تعدادی از مدارس زیر نظر آستان قدس رضوی اداره می شوند، و بعضی هم از طرف مراجع تقلید کمک می گیرند، و پاره ای از مدارس هم توسط مؤسسين و اساتید برنامه های خود را انجام می دهند، و از افراد خیر و نیکوکار برای اداره مدارس وجوهی دریافت می کنند.

در مشهد مقدس یک دفتر سرپرستی حوزه علمیه قرار دارد که زیر نظر نماینده ولی فقیه انجام وظیفه می نماید، و به امور طلاب از جهات گوناگون رسیدگی می کند و مشکلات آنها را بررسی می نماید، تمام مدارس موظفند از طرف مدیران خود با سرپرستی حوزه همکاری نمایند.

همان گونه که تذکر داده شد تعدادی از این مدارس نوین یاد وقف شده اند و صورت وقفی آنها به اداره اوقاف مشهد ارسال شده و در دفتر موقوفات ثبت شده است،

ولی تعدادی از آنها در منازل اجاره‌ای قرار دارند و وضع آنها ثابت نیست، این گونه مدارس به اصطلاح قائم به شخص هستند و با فوت مدرس و یا متصدی طلاب از آنجا پراکنده می‌شوند، و یا اینکه صاحب ملک آنجا را تخلیه می‌کند و اجاره را فسخ می‌نماید، و یا متصدی پس از مدتی از اداره آن ناتوان می‌گردد و آنرا رها می‌نماید، بنابراین نمی‌توان این مدرسه‌ها را ثابت تلقی کرد و جزء مدارس رسمی و وقفی قرار داد.

۲۶- دانشگاه علوم اسلامی رضوی

بعد از انقلاب اسلامی در زمین‌هایی که در بخش شمالی مدرسه میرزا جعفر و خیرات خان قرار گرفته بود اطاقها و حجراتی درست شد و برای طلاب علوم دینی آماده گردید، این ساختمان مجلل و باشکوه در سه طبقه بنا گردیده و اکنون به عنوان دانشگاه علوم اسلامی رضوی فعالیت دارد.

این بنای بزرگ و زیبا که مانند بناهای سنتی بارگاه ملکوتی حضرت رضا علیه السلام ساخته شده به مدرسه‌های خیرات خان و میرزا جعفر پیوسته و اکنون بصورت یک مؤسسه علمی و فرهنگی در آمده‌اند، و در قسمت شمالی ساختمان حیاط بزرگی ساخته شده که بر زیبایی آن افزوده است.

در این مجموعه کوشش گردیده که معماری سنتی آستان قدس حفظ شود و نوآوریها با هنرهای قدیم تلفیق گردد، این بنا روی هم رفته بیست و دو هزار متر مربع زیر بنا دارد، و در این مجموعه دویست و پنجاه اطاق، هفت مدرس یک کتابخانه و یک سالن بزرگ اجتماعات ساخته شده است.

همچنین یک سالن غذا خوری، قسمت اداری، رختشوی‌خانه و یک مسجد بنا گردیده است، دانشگاه علوم اسلامی رضوی در رشته‌های فرهنگ و معارف اسلامی دانشجو می‌پذیرد و براساس ضوابط دانشگاه‌ها کار می‌کند و مدرک رسمی هم به فارغ

التحصیلان خود می‌دهد.

۲۷- مدرسه خوئی

این مدرسه هم بعد از انقلاب بنا گردیده است مدرسه مزبور به دستور و موافقت مرجع عالی مقام شیعه و فقیه و اصولی بزرگ معاصر و استاد حوزه علمیه نجف اشرف حاج سید ابوالقاسم خوئی رضوان الله علیه بنا گردید و امروز یکی از مدارس معتبر و مورد توجه در مشهد مقدس رضوی می‌باشد.

مدرسه نامبرده در مرکز شهر قرار دارد و گنبد و مناره آن از مسافت‌های دور دیده می‌شود و با حرم مطهر رضوی هم فاصله زیادی ندارد، این مدرسه در دو طبقه بنا گردیده و دارای یکصد و پنجاه اتاق می‌باشد، که طالبان علم در آن تحصیل می‌نمایند و بطور شبانه روز در آنجا سکونت دارند.

مدرسه نامبرده دارای وسائل رفاهی و حمام می‌باشد که سطح آن با سنگ مرمر پوشانده شده است، و همچنین دارای آشپزخانه با همه وسائل و رختشوی خانه و دستگاه تهویه مطبوع می‌باشد، و از نظر آسایش و رفاه طلاب بسیار مطلوب و در سطح بالائی قرار دارد.

در فضای زیر گنبد مدرس بزرگ بنا شده که در آن صدها نفر طالب علم می‌توانند پای درس استاد بنشینند و درس خود را فراگیرند، در زیر مدرس ساختمان مجلل و زیبای کتابخانه قرار دارد که بسیار دیدنی است و نگارنده که صدها کتابخانه را در جهان اسلام و غیر اسلام دیده است مانند آنرا کمتر مشاهده کرده و در حقیقت سالی با این خصوصیات کم نظیر می‌باشد.

بطوریکه تذکر دادیم در مشهد مقدس بعد از انقلاب اسلامی مدارس متعددی توسط علماء و اساتید مشهد و یا اشخاص نیکوکار بنا گردیده ما اسامی این مدارس را که از سرپرستی حوزه علمیه مشهد مقدس و اداره اوقاف خراسان بدست آورده‌ایم ذیلاً

بنظر خوانندگان می‌رسانیم:

- ۲۸- مدرسه امیر المؤمنین - میدان شهداء
- ۲۹- مدرسه موسوی نژاد - بازار بزرگ
- ۳۰- مدرسه شهید صدوقی - خیابان خواجه ربیع
- ۳۱- مدرسه فاضل - خیابان دانشگاه
- ۳۲- مدرسه حجة بن الحسن - گلشهر
- ۳۳- مدرسه ولی عصر گلشهر
- ۳۴- مدرسه حجتیه کوچه حوض نو
- ۳۵- مدرسه کجوری کوچه چهار باغ
- ۳۶- مدرسه ولی عصر بازار سرشور
- ۳۷- مدرسه سیدان بازار بزرگ
- ۳۸- مدرسه امام محمد باقر سی متری طلاب
- ۳۹- مدرسه طباطبائی بالا خیابان
- ۴۰- مدرسه سعادت خیابان دانشگاه
- ۴۱- مدرسه حضرت مهدی کوچه میر علم خان
- ۴۲- مدرسه امام حسن عسکری بلوار طبرسی
- ۴۳- مدرسه صاحب الزمان سی متری طلاب
- ۴۴- مدرسه علی بن ابی طالب بالا خیابان
- ۴۵- مدرسه حجت سی متری طلاب
- ۴۶- مدرسه حجتیه اول رده
- ۴۷- مدرسه المهدی خیابان آزادی
- ۴۸- مدرسه موسی بن جعفر خیابان خسروی نو
- ۴۹- مدرسه بعثت خیابان خسروی نو

- ۵۰- مدرسه امام حسین بازار بزرگ
- ۵۱- مدرسه میلانی مقابل صحن امام
- ۵۲- مدرسه ابوالفضل قلعه ساختمان جاده سرخس
- ۵۳- مدرسه ثامن الائمه بازار بزرگ
- ۵۴- مدرسه خضراء بالا خیابان
- ۵۵- مدرسه کرمانیها چهار راه سیلو
- ۵۶- مدرسه قائم چهار راه سیلو
- ۵۷- مدرسه شیرازی خیابان آزادی
- ۵۸- مدرسه جعفریه پائین خیابان
- ۵۹- مدرسه بقیه الله خیابان کامکار
- ۶۰- مدرسه الهادی چهار راه خسروی
- ۶۱- مدرسه جواد الائمه کوی طلاب
- ۶۲- مدرسه باقری انتهای خیابان افسر
- ۶۳- مدرسه خاتم الانبیاء چهار راه خسروی
- ۶۴- مدرسه ولی عصر سی متری طلاب
- ۶۵- مدرسه جعفریه فلکه هفده شهریور
- ۶۶- مدرسه امام رضا خیابان آزادی
- ۶۷- مدرسه حضرت مهدی خیابان آزادی
- ۶۸- مدرسه امام سجاد کوچه چهار باغ

خصوصیات حوزه های علمیه

حوزه های علمیه دینی در ایران و سایر کشورهای اسلامی از قدیم ترین زمان بر اساس سنت ها و روشهای مرسوم تشکیل گردیده و در طول قرون و اعصار در همه



شماره ۹ - کارخانه فرش آستان قدس صفحه ۲۹۴



شماره ۱۰ - نمایی از بافندگان فرش در مشهد صفحه ۲۹



شماره ۱۱ - نمایش از بافندگان فروش در مشهد صفحه ۲۹۵



شماره ۱۲ - نمایی از تالار مطالعه کتابخانه آستان قدس صفحه ۲۳۷



شماره ۱۳ - تالار اجتماعات کتابخانه مبارک‌رک‌ر ضویه صفحه ۲۴۱



شماره ۱۴ - نمایی از مسجد کتابخانه رضویه صفحه ۲۴۱



شماره ۱۵ - نمایی از سقف کتابخانه رضویه صفحه ۲۴۱



شماره ۱۶ - نمای بیرونی مدرسه نواب صفحه ۱۴۴

شهرها و ولایات و قراء و قصبات به یکروشی ثابت با قوانین و ضوابط خود همواره عمل کرده و می‌کنند اساتید و مشایخ علم و ادب در نگهداری آن کوشش نموده‌اند.

ما در کتاب‌های قرون گذشته و تاریخ مدارس اسلامی در شهرها و کشورهای مختلف اسلامی از مغرب اقصی تا هندوستان و از مصر تا کاشغر مشاهده می‌کنیم آنها به یک روش کار می‌کردند و برنامه‌ها با هم یکسان بوده‌اند، در میان مسلمانان معمول بود کودکان خود را به مکتب خانه‌ها می‌گذاشتند تا قرآن بیاموزند این مکتب‌خانه‌ها در واقع عنوان کلاس آمادگی را داشتند.

کودکان در مکتب‌خانه با قرآن مجید که اصل و اساس شریعت مقدس می‌باشد آشنا می‌شدند و روخوانی قرآن را از معلمان فرا می‌گرفتند و خود را آماده می‌کردند تا به مدرسه‌ها قدم بگذارند.

بعد از آموختن قرآن کسانی که دارای استعداد بودند و عشق و علاقه به فراگیری علوم و معارف داشتند با ذوق و شوق و شور و عشق عازم مدرسه می‌شدند، و یا در محل خود نزد استاد و معلمی درس می‌خواندند، و مقداری از مقدمات علوم را در آبادی خود کنار خانواده خود فرا می‌گرفتند.

بعد از ورود به مدرسه و یا نشستن در کنار درس استاد محلی نخست ادبیات عربی را که زبان قرآن و سنت نبوی بود تحصیل می‌کردند، ادبیات را نخست از علم صرف و اشتقاق شروع می‌نمودند، زیرا شناخت الفاظ و ریشه‌یابی آن نخستین مرحله از معرفت ادبیات عربی می‌باشد.

پس از علم صرف و اشتقاق الفاظ به تحصیل علم نحو می‌پردازند، علم نحو که آنرا علم اعراب هم می‌گویند، یکی از شاخه‌های علوم ادبی می‌باشد و موضوع آن شناخت حرکات الفاظ و کلمات و ترکیب آنها به یکدیگر و معرفت کلمه مفرد و تننیه و جمع، مضاف و مضاف الیه و رفع و نصب و جر و سائر قواعد فن اعراب.

کسانی که علم صرف و نحو را به خوبی فراگیرند می‌توانند عبارات عربی را

درست بخوانند و از اشتقاق و ترکیب الفاظ و کلمات آگاه کردند، و با فراگرفتن علم صرف و نحو می‌توانند قرآن مجید و احادیث را از روی اصول و قواعد بدانند، و تفسیر و معانی آنرا بفهمند.

طلاب علوم دینی در مدارس قدیمه به این دو علم که از امهات علوم ادبی هستند بسنده نمی‌کردند، بلکه بعد از صرف و نحو علوم معانی، بیان و بدیع را هم از ادیبان عالی مقام فرامی‌گرفتند تا از فصاحت و بلاغت قرآن مجید و اخبار و احادیث هم آگاه شوند و سخن بلیغ را از گفتگوهای عادی تشخیص دهند.

درست به خاطر دارم که استادان بزرگ ادبیات در مشهد مقدس روزهای تعطیل را اختصاص به تدریس کتاب‌های ادبی از شعر و نثر اختصاص می‌دارند تا شاگردان خود را ادیب و سخن‌شناس بار آورند، و آنها را با نوشته‌های بزرگان از شعر و نثر آشنا نمایند.

آنها مقامات حریری و بدیع الزمان را که از نثرهای بسیار مغلق و پیچیده‌ای بودند و یا تعلقات سبع را که از اشعار بزرگان عرب بود تدریس می‌کردند، برای همین جهت بود که طلاب حوزه خراسان و مشهد مقدس در ادبیات هم دارای امتیازی خاص بودند.

در حوزه‌های علمیه قدیم پس از خواندن ادبیات زبان عربی و شناخت اصول و قواعد آن دنبال علم فقه و اصول می‌روند، و بعضی هم که دارای ذوق و استعداد می‌باشند منطق و حکمت هم تحصیل می‌کنند، یعنی در یک زمان فقه، اصول، منطق و حکمت را فرا می‌گیرند.

طلاب علوم در مدارس قدیمه در سه مرحله تحصیل می‌کنند، نخست ادبیات عربی که آن را مقدمات می‌گویند، طالب علم در این مرحله تنها زبان و ادبیات عربی را فرا می‌گیرد تا با شناخت اصول و قواعد آن خود را برای تحصیلات متوسطه و عالی آماده کند.

مرحله دوم در اصطلاح حوزه‌ها «سطح» می‌باشد، سطح عبارت از این است که استاد کتاب را باز می‌کند و شاگردان هم کتاب‌های خود را باز می‌کنند و استاد از روی کتاب تدریس می‌کند، و شاگردان هم به تقریر استاد گوش می‌دهند، در این مرحله استاد عبارت‌های کتاب را می‌خواند و برای شاگردان توضیح می‌دهد.

طلاب پس از اینکه درس را از استاد فرا گرفتند، و از مدرس خارج شدند به حجره‌های خود در مدارس می‌روند، درس خود را مرور می‌کنند و بعد از آن با یک نفر از هم‌درسان خود آن را مباحثه می‌کنند، معمولاً هر کدام یک بار متن درس را می‌خوانند و آن را تکرار می‌نمایند تا در حافظه جای بگیرد و مطلب فهمیده شود.

فائده مباحثه آن است که اگر یکی از طرفین در درک مطلب مشکلی داشته باشد با کمک فکری و استعداد طرف مباحثه آن مطلب را دریابد، و اگر چنانچه هر دو طرف مشکلی داشته باشند و موضوع را درک نکنند از یک شاگرد ارشد سؤال می‌کنند و اگر او هم نتوانست حل کند روز بعد از استاد خود سؤال می‌کنند.

مرحله سوم درس «خارج» می‌باشد، در این مرحله استاد بالای منبر و یا کرسی قرار می‌گیرد، و بدون اینکه کتابی در دست داشته باشد، مطالب را تقریر می‌کند و شاگردان هم بدون اینکه کتاب در دست بگیرند در مقابل استاد حضور پیدا می‌کنند و به بیانات و تقریر او گوش می‌دهند.

در اینجا طلاب و محصلین تنها یک دفتر و قلم در دست دارند و تقریرات استاد را می‌نویسند، در این مرحله طلاب نیازی به آوردن کتاب ندارند، چون قبلاً موضوعات و مسائل مطروحه از طرف استاد را در کتاب‌ها خوانده‌اند و با اصول و قواعد آشنا می‌باشند و در مسائل مورد بحث حضور ذهن دارند.

استاد در تدریس خارج فقه و یا اصول و یا حکمت و منطق، نخست مسئله‌ای که ذهن شاگردان با آن آشنا می‌باشد مطرح می‌کند و اقوال علماء را در باره آن مسئله نقل می‌نماید و بعد از نقل اقوال نظر خود را هم اظهار می‌کند، و طلاب هم به سخنان استاد

گوش فرا می دهند تا وی مطلب را تقریر کند.

بعد از اینکه استاد درس خود را به پایان رسانید، شاگردان حق دارند که با استاد بر سر مسائل مطروحه به بحث و گفتگو بپردازند، و موضوعات را مورد نقد و تحلیل قرار دهند، استاد هم به سخنان آنها گوش می دهد و بعد پاسخ هر یک از آنها را می دهد، و مجلس درس با شور شعف پایان می پذیرد.

فائده درس خارج این است که استاد مطالب را از حفظ بیان می کند و طلاب هم به سخنان او گوش می دهند، مسائل مطروحه در دلها می نشیند و در حافظه ها ضبط می گردد، و شاگردان به آراء و اقوال و نظریات علماء فن آشنا می شوند، و با روش استنباط احکام از آیات و اخبار آگاهی پیدا می کنند.

شاگردان و طلاب درس خارج اگر مقدمات علوم از ادبیات و سطح را به خوبی فرا گرفته باشند و قواعد و اصول را به دست آورده باشند هنگام حضور در درس خارج مطالب استاد را در می یابند و مشکلی نخواهند داشت ولی آن کسانی که در فهم ادبیات و سطح مشکلی داشته اند از درس خارج هیچ سودی نمی برند.

در مدارس علوم دینیه نخست ادبیات و فقه و اصول مورد توجه طلاب بوده است و پس از فراگیری این علوم به رشته های دیگری می پرداختند، کلام، حکمت، طب منطق، ریاضیات نجوم و هندسه هم در این مدارس به شاگردان تعلیم داده می شد و این بستگی به ذوق و استعداد طالبان علوم و معارف داشت.

در قرون گذشته همانگونه که فقهاء و مجتهدان در این مدارس تربیت می شدند و در مسند ارشاد و افتاء قرار می گرفتند، منجمان، طبیبان، مهندسان، معماران، خطاطان، نقاشان و هنرمندان هم در درون همین مدرسه ها تحصیل می کردند و در کنار هم زندگی می نمودند.

مساجد با شکوه و کاخهای ملوک و سلاطین، و منازل مجلل امیران و سران قبائل، قلعه های کهن و دژهای تاریخی و پل های کوچک و بزرگ و سدهای بجای

مانده از صدها سالیش نشان می‌دهد، که این بناها از روی اصول علمی بنا شده‌اند و بانیان آن اماکن از دانش زیادی برخوردار بوده‌اند.

از طرف دیگر دبیران، وزیران و کارگزاران عالی مقام حکومتی هم در همین مدارس درس می‌خواندند، و بعد از فراغ از تحصیل در تشکیلات حکومتی بکارهای گوناگون کشوری و لشگری می‌پرداختند، تاریخ سیاسی کشور ما از عهد سامانیان تا دوره قاجاریه گواه بر این سخن می‌باشد.

صاحبان علوم غریبه‌وار باب تصوف و عرفان و شاعران و ادیبان و منشیان و مترسلان همه در این مدارس تحصیل می‌کردند، و اساتید فن در مدارس رسمی و یا خانه‌های خود علاقمندان به این رشته‌ها را تربیت می‌کردند، و آنان را به رموز کارها آشنا می‌نمودند و استعدادها را بارور می‌ساختند.

در حوزه‌های علمیه سنتی تحصیل مدت معینی ندارد، و مقطع خاصی برای آن در نظر گرفته نشده است، ورود به این مدارس به سن و سال بستگی ندارد، و محدودیت سنی در آنجا نیست، بستگی به علاقه و ذوق اشخاص دارد، و درب مدرسه و مدرس روی همه باز است و مانع و دربان در آنجا نیست.

در آنجا جوانان با سالخوردگان روستائیان با شهرنشینان، تهیدستان با توانگران همه کنار هم روی زمین می‌نشینند و درس استاد را گوش می‌دهند، در حوزه‌های قدیم مدرک وجود ندارد، و به کسی مدرک نمی‌دهند مگر آن دسته از شاگردان ممتاز که استاد به آنها گواهی اجتهاد می‌دهد.

در حوزه‌های علمی انتخاب استاد آزاد است و هر شاگردی و طالب علمی این اختیار را دارد که استادی برای خود برگزیند و پای درس او بنشیند، و از محضر او استفاده کند، انتخاب رشته را هم خود برمی‌گزیند و طبق ذوق و استعداد خود بدون در نظر گرفتن نتایج مادی آن انتخاب موضوع می‌کند.

در حوزه‌های علمیه ترقی و تعالی بر حسب استعداد و کوشش طالب علم

می‌باشد چون مدرک و پایان‌نامه در آنجا نیست و تحصیلات زمان معینی ندارد طالب علم همواره خودش را طلبه و محصل تلقی می‌کند و کتاب و مطالعه را در زندگی خود در اولویت می‌داند.

گروهی از طلاب پس از اینکه مقداری درس خواندند، و چند کتاب را فراگرفتند خود بتدریس مشغول می‌شوند و خوانده‌ها و دانسته‌های خود را به شاگردان جدید الورد تعلیم می‌دهند، و در اثر ممارست و کوشش و مطالعه در یک فنی مشهور می‌گردند و طالبان به حوزه درس او می‌روند.

برای همین جهت در حوزه‌ها هر استادی یک امتیاز دارد، یکی در فقه، و دیگری در اصول و شخصی در ادبیات و فردی در کلام و یا حکمت تخصص پیدا می‌کند و عده‌ای مربی اخلاق و مفسر قرآن و یا در رشته‌های دیگر تبحر پیدا می‌کنند و در یک موضوع مجلس درس تشکیل می‌دهند.

جماعتی از محصلین به طرف تبلیغات و منبر و سخنرانی حرکت می‌کنند، این گروه در ایام محرم و صفر و یا ماه رمضان و سایر ایام متبرکه به شهرها و قصبات مسافرت می‌نمایند و مردم را موعظه می‌کنند و مسائل شرعی و احکام را برای مردم بیان می‌نمایند و به اصطلاح منبری می‌شوند.

تعدادی هم در حالی که درس می‌خوانند به طرف تألیف و تصنیف و نگارش کتاب در موضوعات گوناگون می‌روند، این گروه بیشتر اوقات خود را به تحقیق و تتبع و مراجعه به کتابخانه‌ها سپری می‌کنند، مؤلفان و مصنفان علوم و فرهنگ اسلامی از میان اینها برمی‌خیزند و شهرت پیدا می‌کنند.

پاره‌ای از طلاب پس از اینکه مقداری از علوم و معارف را بدست آوردند و با اصول و مبانی دینی آشنا شدند پای‌بند محراب و مسجد می‌شوند، آنها در مسجد یکی از شهرها و محلات امام جماعت مسجدی را در اختیار می‌گیرند و از این طریق به خدمات دینی مشغول می‌شوند و شهرتی بدست می‌آورند.

بعضی از طلاب نیز بعد از اینکه اندکی درس خواندند و با کتاب آشنا شدند به مجالس روضه‌خوانی و ذکر مصائب و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام روی می‌آورند، و به اصطلاح روضه‌خوان می‌شوند، این جماعت بیشتر در منازل و تکایا و هیئت‌های عزاداری حضور دارند و مرثیه می‌خوانند.

دسته‌ای از طالبان علم پس از چند سال تحصیل هر یک به عللی حوزه‌ها را ترک می‌کنند، این جماعت به کارها و مشاغل دولتی روی می‌آورند، و یا در کارهای خصوصی آ‌ز کشاورزی و کسب و کار مشغول می‌شوند و یا در قراء قصبات ساکن می‌شوند و به تبلیغ و ارشاد روزگار خود را می‌گذرانند.

تعدادی از طلاب هم به عللی در حوزه‌ها نمی‌توانند خود را به یکی از مراحل فوق برسانند، آنها یا استعداد فراگیری ندارند، و یا به خاطر خصوصیات اخلاقی و نداشتن بیان درس و منبر و سخنرانی توانائی پیدا نمی‌کنند برای خود حرفه و شغل مناسبی پیدا نمایند و جایگاهی در اجتماع بدست آورند.

این جماعت که در حوزه‌های علمی عدد زیادی را تشکیل می‌دهند، به علت فقدان برنامه و شغل در حوزه‌ها سرگردان می‌باشند، نه درسی دارند و نه منبری و نه مجلسی، اینان اوقات خود را در مجالس روضه‌خوانی که در منازل تشکیل می‌شوند می‌گذرانند و سیاهی لشکر برای جریانهای می‌کردند.

این گروه که اکثر سالخورده هستند و عائله‌های سنگینی هم دارند، برای گرفتن شهریه در درسهای رسمی شرکت می‌کنند تا از مزایای حوزه برخوردار شوند وقتی که از اینها سؤال می‌شود چرا در این سن و سال در درسها شرکت می‌کنید می‌گویند: **اطلبوا العلم من المهد الى اللحد؟!.**

تبلیغات در حوزه‌های علمیه

گروهی از طالبان مدارس علوم دینی در تعطیلات ماه محرم و صفر و یا ماه

مبارک رمضان برای تبلیغات و سخنرانیهای دینی و اجتماعی به قراء و قصابات و شهرهای دور و نزدیک مسافرت می‌کنند، این سنت از قدیم در حوزه‌ها بوده است مخصوصاً در حوزه‌های خراسان امری رایج و معمول می‌باشد.

طلاب فاضل و خوش بیان و شیرین سخن به شهرهای بزرگ و پرجمعیت می‌روند و طلاب مبتدی و یا متوسط به قراء و قصابات رهسپار می‌شوند، و گروهی نیز به خارج کشور مسافرت می‌نمایند، ایرانیان و شیعیان مقیم آن کشورها پای منبر آنها اجتماع می‌کنند و استفاده می‌کنند.

خطباء و وعاظ خراسان در قرن معاصر منابر بزرگ و کرسیهای خطابه را در اختیار داشتند و در مجالس مهم و با شکوه تهران و مشهد از آنها استفاده می‌شد، و ما ان شاء الله در کتاب فرهنگ خراسان از آنان یاد می‌کنیم شرح حال و خدمات آنها را بیان می‌نمائیم.

پس از سالهای ۱۳۲۰ شمسی فعالیت‌های مخرب احزاب سیاسی در ایران شروع شد و مکتب‌های مادی و الحادی تبلیغات خود را شروع کردند و عوامل آنها در قراء و قصابات تبلیغات ضد اسلامی را آغاز کردند و در مدارس و کارخانجات و مزارع مرام خود را ترویج نمودند.

در این میان علماء بزرگ مشهد و مجتهدان عالی مقام برای خنثی کردن اثر تبلیغات آنها گروهی از طلاب را تربیت کرده و برای مقابله با آنان به شهرها و قراء و قصابات فرستادند، تا در برابر تبلیغات مخالفان اسلام و مذهب اهل بیت علیهم‌السلام مقابله نمایند.

در دوران سلطنت پهلوی‌ها علماء مذهبی با آنها در حال مبارزه بودند، و عوامل دولت در لباس معلم و استاد و کارشناس با القاء شبهات مردم را از دین و مذهب دور می‌کردند و مفاصد را در جامعه ترویج می‌نمودند و مردم را از اخلاق نیک و آداب و سخن مذهبی دور می‌ساختند.

در این ایام حوزه‌های علمیه چون سدی در برابر آنها ایستادند، گروهی از بزرگان به زندان افکنده شدند، یا تبعید گردیدند، نقش تبلیغ و خطابه در آن زمان بسیار مؤثر بود و تنها از طریق مسجد و منبر برنامه‌های حکومت و نیات پلید آنها افشاء می‌گردید و مردم در جریان اعمال دولتی‌ها قرار می‌گرفتند.

از سال‌های ۱۳۴۰ شمسی مؤسسات و سازمان‌هایی در مشهد مقدس برای تبلیغات پدید آمد، این سازمانها مورد تایید علماء بزرگ و مجتهدین مشهد و نجف و قم قرار گرفتند، و مبارزه آشکار و پنهان را با مبلغان حکومتی و گروهکهای الحادی آغاز نمودند.

گروه تبلیغی حوزه علمیه خراسان

تعدادی از فضلاء حوزه علمیه مشهد مقدس پیرامون هم جمع شدند و سازمانی تحت عنوان «گروه تبلیغی حوزه علمیه خراسان» پایه‌ریزی نمودند، و ارتباط خود را با علماء و مجتهدین بزرگ آن زمان برقرار کردند و با کمک و هدایت مراجع معظم تقلید کارهای خود را آغاز نمودند.

هدف این گروه نخست تبلیغ و ترویج احکام دینی و پاسخ به شبهات وارده از طرف معاندان و مخالفان بود، طلاب علوم دینی پس از امتحان و آزمایش به قراء و قصبات اطراف مشهد و سایر شهرهای خراسان فرستاده می‌شدند و برای مردم در مساجد و حسینیه‌ها سخنرانی می‌کردند.

در این میان گروهی مفسد و خراب‌کار و عوامل حکومت در شهرها وجود این مبلغان را مانع پیشرفت خود می‌دیدند و بر ضد آنها توطئه می‌نمودند و مشکلاتی هم برای آنان ایجاد می‌کردند، ولی از طرف دیگر اکثریت جامعه از این گونه مبلغان حمایت می‌نمودند و پای سخنرانی آنها جمع می‌شدند و استفاده می‌کردند.

برنامه‌های گروه تبلیغی که مورد تایید علماء طراز اول بود و از ناحیه آنها مورد

تایید قرار می‌گرفت با همه مشکلات به کارهای خود ادامه داد و صدها دهکده و آبادی را زیر پوشش تبلیغاتی قرار گرفت و با منافقان و مخالفان به مبارزه برخاست.

گروه تبلیغی که مقر آن در مساجد مشهد قرار دارد پس از انقلاب با حمایت امام خمینی رضوان‌الله علیه و رهبر معظم انقلاب اسلامی به فعالیت خود ادامه می‌دهد و کارهای تبلیغی و خدمات خود را همچنان پی می‌گیرد و برنامه‌ها را کماکان اجرا می‌نماید.

گروه تبلیغی اکنون غیر از امور تبلیغ احکام کارهای عمرانی، فرهنگی و خدماتی هم انجام می‌دهد، گروه تبلیغاتی در ساختن مساجد، پل‌ها، راه‌های ارتباطی، ساختن حمام‌های روستائی، کمک به کشاورزان، حفر چاهای عمیق، لوله‌کشی، و تشکیل کلاسهای عقیدتی فعالیت می‌کند.

همچنین حمایت از بیماران روانی، حمایت از معلولین، اعزام استاد برای مدارس دینی، اقامه نماز جماعت در مدارس، کمک به بیماران، خرید لباس برای نیازمندان، خرید دارو برای مستمندان، تهیه لباس و کفش برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت و خدمات گوناگونی که این مؤسسه انجام می‌دهد بی‌نیاز از تعریف می‌باشد. این سازمان تحت نظر عالم جلیل‌القدر آقای دهشت به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

حوزه علمیه نرجس

یکی از مؤسسات علمی در مشهد مقدس حوزه علمیه مکتب نرجس می‌باشد این حوزه در سال ۱۳۴۵ شمسی پایه‌گذاری شده است، این مکتب همان گونه که از نامش پیداست مختص بانوان و دانشجویان می‌باشد و در آن معارف اسلامی و اعتقادات به بانوان تعلیم داده می‌شود.

فعالیت این مؤسسه با مخالفت دولت پهلوی روبرو شد، عمال آن دولت این

مدرسه نو بنیاد را مخالف برنامه‌های خود تلقی کردند و مدت چند سال مدرسه را تعطیل نمودند، ولی با از هم پاشیدن آن حکومت مؤسسه بار دیگر فعالیت خود را آغاز کرد و به راه خود ادامه داد.

مکتب نرجس دارای اساسنامه مدون بوده و با نظارت هیئت مؤسس و هیئت مدیره به کارهای خود ادامه می‌دهد و برنامه‌های آن از قرار ذیل است:

- ۱- گسترش و نشر حقائق دینی و معارف عالیه اسلام
- ۲- تعلیم و تبیین فرهنگ غنی وحی
- ۳- تحکیم بنیادهای اعتقادی، ترویج مکارم اخلاقی و اعتلای مبانی فرهنگی
- ۴- حفظ و حراست از کیان اسلام و ارزشهای آن
- ۵- ایجاد امکانات و زمینه‌های لازم برای تربیت خواهران طلبه
- ۶- تربیت نیروهای مبلغ برای هدایت فکری و عقیدتی مردم
- ۷- ایجاد محیط مساعد برای درخشش و تلائف فرهنگ و معارف اسلامی
- ۸- تحکیم و تداوم اهداف عالیه انقلاب.

مدرسه علمیه نرجس در بخش‌های مختلف فعالیت می‌کند و آن بخش‌ها

عبارتند از:

- ۱- بخش فرهنگی
- ۲- بخش اجتماعی
- ۳- بخش هنری
- ۴- کلاسهای زبان خارجی
- ۵- بانک نوارهای درسی
- ۶- کتابخانه و تالار مطالعه
- ۷- کلاسهای تابستانی
- ۸- واحد امور شهرستانها

۹- بخش پژوهش و تحقیقات

۱۰- بخش کامپیوتر

این مؤسسه با همت و تلاش بانو فاطمه سید خاموشی مشهور به طاهائی در مشهد پایه‌ریزی شده و خدمات زیادی در طول تاریخ تأسیس خود انجام داده و یکی از کانونهای فعال در مشهد مقدس می‌باشد، ما موفقیت بانو طاهائی و همکاران ایشان را در خدمت به معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) از خداوند مهربان خواستاریم.

دفتر تبلیغات اسلامی مشهد

دفتر تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۶۷ به منظور گسترش آموزشهای لازم در سطح حوزه و استفاده از نیروهای فاضل حوزه در امور تحقیقات و پژوهش تشکیل شد، دفتر تبلیغات از بدو تأسیس زیر نظر ولایت فقیه قرار گرفته و با اشراف ولی فقیه اداره می‌شود.

در این مؤسسه آموزشهایی به طلاب داده می‌شود که آنها عبارتند از: تاریخ سیاسی اسلام، روش تحقیق، ادبیات فارسی، روانشناسی عمومی ریاضی و زبان خارجی.

آموزش تخصصی اقتصاد، دوره مکالمه زبان عربی و مکالمه و ترجمه و نگارش زبان انگلیسی، خطابه و انشاء، تربیت مربی کودکان و نوجوانان، آموزش کامپیوتر، آموزش خوشنویسی، تحقیقات و پژوهش، فعالیت در حوزه علوم قرآنی تهیه مجموعه مقالات قرآنی.

تصحیح متون قدیمه و نشر آثار علماء گذشته، ترجمه آثار مفید از زبانهای عربی و انگلیسی، تاریخ حوزه‌های شیعه، پخش نوارهای گوناگون درسی از اساتید مبرز حوزه‌ها و نشر جزوات مورد نیاز طلاب، و تأسیس یک کتابخانه برای استفاده طالبان علوم.

سازمان تبلیغات اسلامی مشهد

این سازمان یک مؤسسه مستقل بوده و در سال ۱۳۶۰ تأسیس گردیده است، مرکز سازمان تبلیغات در تهران بوده و شعب آن در مراکز آستانها و شهرستانها دائر می باشد، از آنجا که این سازمان در برنامه های خود از طلاب حوزه ها استفاده می کند ما این مؤسسه را در این بخش آوردیم.

سازمان تبلیغات در یک ساختمان بزرگ در خیابان دروازه طلایی مشهد مقدس قرار دارد و دارای بخشهای متعدد می باشد که هر یک از آنها وظائف محوله خود را تحت نظریک سرپرست انجام می دهند و اینک برنامه های این سازمان را از یک نشریه متعلق به آن مؤسسه به نظر خوانندگان می رسانیم.

- ۱- اعزام مبلغ به قراء و قصبات و شهرستانها
- ۲- اعزام ائمه جماعات به مدارس و مراکز آموزشی و کارخانجات
- ۳- فرستادن علماء مستعد جهت استقرار در مناطق محروم
- ۴- ایجاد کانونهای قرآن و انجام مسابقات قرآنی
- ۵- برنامه ریزی و اقدام جهت برپائی مراسم و شعائر
- ۶- برگزاری مراسم تبلیغی و فرهنگی ویژه بانوان
- ۷- نمایش فیلم های آموزنده جهت استفاده عموم.
- ۸- شناسائی و جذب نیروهای ادبی و هنری به منظور آفرینش آثار ارزشمند

اسلامی

- ۹- برگزاری نمایشگاه های عکس و کتاب
- ۱۰- برپائی جشنواره ها و شبهای شعر
- ۱۱- برقراری و گسترش شبکه سینما سیار برای روستاها
- ۱۲- تهیه داستانها، فیلم نامه ها و نمایشنامه ها.

نگارنده گوید: در پایان این فصل به اطلاع خوانندگان می‌رساند اینها مدارس و سازمانهای حوزه علمیه مشهد مقدس بودند که در طول هزار سال در این شهر مقدس فعالیت داشته‌اند، تعدادی از آنها ویران شده‌اند و اکنون اثری از وجود آن مراکز نیست و تعدادی نیز موجود و فعالیت دارند.

حوزه‌های درس مذهبی منحصر به این مدارس نیست، زیرا گروهی از علماء در منازل خود تدریس می‌کنند و جماعتی هم در مساجد و حسینیه‌ها حوزه‌های علمی و درس تشکیل می‌دهند، و طلاب علوم را تربیت می‌نمایند، و این سنت از قدیم معمول بوده و گروهی دوست دارند در خارج مدارس رسمی درس بدهند.

گروهی از علماء و مدرسان عالی مقام مستقل هستند، و از نظر مالی بی‌نیاز می‌باشند، و احتیاجی به موقوفات مدارس ندارند، از این رو به مدارس رسمی که تحت نظارت افرادی خاص می‌باشد روی نمی‌آورند، و یا اینکه بیمار و سالخورده هستند و توانائی حضور در مدارس را ندارند، این گونه افراد در منازل خود به تدریس مشغول می‌شوند و طالبان علوم هم در آنجاها حضور پیدا می‌کنند.

آموزش و پرورش مشهد مقدس دبستانها، راهنمائی‌ها، دبیرستانها، دانشسراها و تربیت معلم

آموزش و پرورش مشهد مقدس

مدرسه‌ها و آموزشگاههای جدید به سبک اروپا در مشهد مقدس رضوی از زمان قاجاریه پدید آمد، در زمان قاجاریه روسها از طرف شرق به خراسان حمله آوردند و منطقه خوارزم را از پیکر ایران جدا کردند، و خود در آنجا مستقر شدند و فرهنگ خود را در شهرها و ولایات مفتوحه نشر دادند.

روسیه تزاری در زمان ناصرالدین شاه از طرف شمال خراسان و خوارزم به سوی جنوب حمله کردند و سرزمین‌های بین جیحون و سیحون را به اشغال خود در آوردند و سپس مناطق غرب جیحون را هم تا دامنه‌های کوه هزار مسجد و سواحل دریای مازندران را تصرف کردند و خود را به سرخس و درگز و شمال بجنورد و قوچان رسانیدند.

روسیه تزاری پس از اینکه بر این سرزمین‌ها مسلط شد و قرارداد رسمی بین آنها و حکومت قاجاریه منعقد گردید تمام آن مناطق را به کشور خود ملحق کرد و قراردادی بنام آخال بین دو دولت منعقد شد، و به امضاء طرفین رسید، دولت روسیه در مشهد کنسولگری تأسیس نمود و مرکز تجاری باز کرد.

از سوی دیگر دولت انگلیس هم که هندوستان را تصرف کرده بود، سلطنت تیموریان را در آن سرزمین پهناور برانداخت و همه امیران و حاکمان محلی را یا مطیع خود کرد و یا تحت الحمايه خود نمود و یا آنان را از اریکه قدرت و حکومت بزیر کشید و عمال خود را جای آنها گذاشت.

دولت انگلستان پس از تسلط بر هند بزرگ متوجه سرزمین‌های سند و سیستان و بلوچستان و افغانستان گردید، و امیران این مناطق را هم زیر نفوذ خود درآورد و هر کدام از آنها را که اطاعت نمی‌کردند بازور و غلبه از حکومت معزول می‌نمود و عوامل خود را در جای آنها می‌گذاشت.

دولت انگلستان در زمان قاجاریه سند و بلوچستان را تصرف کرد و میران تالپور را که در این ناحیه حکومت می‌کردند مغلوب ساخت و تا زاهدان پیش آمد و راه آهن هندوستان را به آنجا متصل نمود.

از طرف دیگر پس از تسخیر پيشاور که در آن ایام جزء هند بزرگ بود، به منطقه افغانستان لشکر کشید و پس از جنگهای متعددی که با افغانها انجام داد با سیاست و فریب خود را به قندهار رسانید و سیستان را هم مورد تهدید قرار داد، و نفوذ خود را تا هرات در جنوب مشهد مقدس برقرار کرد.

در زمان ناصرالدین شاه قاجار انگلستان بر بخشی از سیستان و بلوچستان و افغانستان تسلط پیدا کرد و افغانستان را تحت الحمايه خود قرار داد و گروهی از سران افغان تسلیم انگلستان شدند، در دوره قاجاریه دولت انگلستان هم در مشهد کنسولگری تأسیس کرد و اداره بازرگانی باز نمود.

با تأسیس کنسولگری روسیه تزاری و انگلیس در مشهد و رفت و آمد مأموران سیاسی و بازرگانی دو کشور و سیاحان روسی و انگلیسی و ارتباط آنها با مردم مشهد گروهی را با فرهنگ اروپا آشنا کرد و ارتباط بین تعدادی از خاندان‌های بی‌بند و بار با آنها برقرار گردید.

از اسناد و مدارک تاریخی و کتاب‌های سیاسی به خوبی روشن می‌شود که دولت انگلیس تعدادی از مسلمانان هند و شیعیان آنجا را برای کار در کنسولگری و اداره بازرگانی خود در مشهد مستقر کرد، و آن افراد چون مسلمان و شیعه بودند و فارسی هم می‌دانستند با جامعه ارتباط برقرار کردند.

از طرف دیگر روسیه هم همانند انگلیس کار کرد، آنان هم تعدادی از مسلمانان و شیعیان قفقاز را در مشهد به عنوان کارمند کنسولگری و یا بازرگان ساکن نمودند، انیها نیز چون فارسی و ترکی می‌دانستند با طبقات گوناگون مشهد رابطه برقرار کردند.

ورود مسلمانان تابع روسیه و انگلیس از هندوستان و قفقاز و خوارزم و ماوراءالنهر و اقامت آنها در مشهد اولین بذر فرهنگ اروپائی را در این شهر مقدس پاشید، کنسولگری‌های روس و انگلیس در مشهد به مناسبت‌هایی مجالس جشن و سرور و مهمانی برگزار می‌کردند.

این مجالس به سبک فرنگیها برگزار می‌گردید، روسها و انگلیسها در اینجا مسابقه گذاشته بودند و هر کدام سعی می‌کردند گروهی از مشه‌دیها را به طرف خود جلب کنند، و طرفدارانی برای خود پیدا کنند، آنها توانستند از طریق تبعه خود به جوامع مشهد نفوذ پیدا نمایند.

بازرگانان با تجار مشهدی آشنا شدند، علماء شیعه هندوستان و قفقاز و خوارزم که شیعه بودند با علماء مشهد ارتباط پیدا کردند، سیاست‌بازان هم با رجال حکومتی ایران به گفتگو نشستند، و راه نفوذ خود را در منطقه پهناور خراسان پیدا نمودند و قدرت خود را در منطقه توسعه دادند.

طبق اسناد و مدارک تاریخی و قرائن شواهد نخستین کار فرهنگی اروپائیان در مشهد مقدس تأسیس کلاس زبان بوده است، و استادان آنها هم هندی بوده‌اند که زبان انگلیسی تعلیم می‌داده‌اند، و یا قفقازی که زبان روسی را تدریس می‌کرده‌اند، و گروهی از اشراف مشهد زبان خارجی را فرا می‌گرفتند.

در این زمان تعدادی پزشک اروپائی هم در مشهد مقیم می‌شوند و طب اروپائی را ترویج می‌کنند، و در اثر تبلیغات طرفداران این اطباء مردم از طبیب‌های بومی روی بر می‌گردانند و به پزشکان فرنگی متوجه می‌شوند.

این موضوع در مشهد نخست از طبقه اشراف و حاکمان شروع می‌گردد طب سنتی تحقیر و منزوی می‌شود و داروها هم از خارج وارد می‌گردد و در اختیار بیماران قرار می‌گیرد، و داروهای سنتی از میدان بیرون می‌گردند و مورد تمسخر پیروان پزشکان خارجی قرار می‌گیرند.

پزشکان فرنگی در مشهد برای معالجه مردمان متمول و اعیان و یا علماء بزرگ به منازل آنها می‌رفتند و با فرزندان و خدمه آنها آشنا می‌شدند و با آنان طرح دوستی می‌ریختند و ارتباط برقرار می‌کردند، این پزشکان اکثر مأموران سیاسی بودند و در حرفه پزشکی گزارش‌های سیاسی تهیه می‌نمودند.

از روی قرائن و مدارک نخستین مدرسه به سبک اروپائی در مشهد مقدس توسط همین مهاجرین و اتباع روسیه و انگلیس بوده است، آنها برای فرزندان خود مدرسه‌هایی بنا کردند و از خارج هم معلم آوردند، زیرا آنها با کشور خود در ارتباط بودند و در نظر داشتند کودکان خود را طبق فرهنگ کشورشان تعلیم دهند و آنها را تربیت نمایند.

آنچه مسلم است گروهی از شاهزادگان قاجار که در مشهد سکونت داشته‌اند، و جماعتی از اعیان و اشراف و بازرگانان مشهدی فرزندان خود را به این مدارس می‌فرستادند و در نظر داشتند فرزندان آنها در نزد معلمان خارجی زبان انگلیسی و

روسی بیاموزند.

پس از مدتی تعدادی از علماء و رجال دینی که با این گروه‌ها در تماس بوده‌اند و با اشراف و شاهزاده‌ها رفت و آمد داشته‌اند، به آنها پیوستند و از مزایای این گونه مدارس نو بنیاد سخن گفتند و فرزندان خود را برای فرا گرفتن زبان خارجی به این مدرسه سپردند.

تحصیل در مدارس خارجی‌ان که توسط عاملان روس و انگلیس در مشهد پایه‌ریزی شده بود، در میان جامعه مسلمان مشهد خوش‌نما نبود، و مردم نسبت به محصلان این گونه آموزشگاه‌ها بد بین بودند، و معلمان آن مدرسه‌ها که از خارج دستور می‌گرفتند مورد سوءظن قرار داشتند.

انجمن خیریه سعاد

از اسناد تاریخی و مصاحبه با معلمان سالخورده مشهد که در سالهای ۱۳۵۰ شمسی توسط نگارنده این سطور انجام گرفت، و اکنون آن معلمان در قید حیات نیستند و همه به رحمت خداوند اصل گردیده‌اند، چنان پیداست که نخستین مدرسه جدید در سال ۱۳۲۵ قمری انجام گرفته است.

روزنامه حبل المتین در شماره ۴۴ مورخ ۱۹ جمادی الاولی سال ۱۳۲۵ نوشته است: انجمن خیریه سعاد اولین انعقاد خود را در اواسط ماه محرم در منزل جناب حاج میرزا ابوتراب خان اقبال التولیه از اجله محترمین مشهد با حضور هیئتی که عبارت بودند از چهارده نفر تشکیل شد.

آقایان دانشمندان غیور ملت خواه اتفاق نموده، نظامنامه مکملی دائر به مقاصد و حدود و وظائف اعضاء این انجمن در همین محفل به آراء حاضرین مرتب شد، این انجمن هفته یک مرتبه در ظرف سه ساعت افتتاح و اختتام می‌یابد.

مقصودش حتی المقدور اقدام نمودن در امور خیریه و فوائد نوعیه است، عموماً

در ترویج معارف خصوصاً در اندک مدتی جلب همت و همراهی از اغلب آقایان و معتبرین مشهد نموده فعلاً عده اعضاء آن بالغ بر سی نفر از اجله آقایان علماء و شاهزادگان و تجار و محترمین.

که هر یک از آنها مشارالیه با البنان و معتمد علیه عند الاعیان هستند می باشند با اینکه این انجمن خیریه تاکنون هشت یا نه مرتبه بیشتر انعقاد نیافته آثار و نتایج خیلی عمده بروز داده است.

مدرسه رحیمیه

مدرسه نامبرده ظاهراً نخستین آموزشگاهی است که در مشهد مقدس توسط جماعتی از اعیان و شاهزادگان و بازرگانان مشهد تأسیس گردیده، و بانی آنهم انجمن خیریه سعادت بوده، و بنام حاج عبدالرحیم که یکی از صاحبان نفوذ و ثروتمند مهم مشهد در آن ایام بوده است.

روزنامه حبل المتین در همان شماره گذشته در این مورد می نویسد از کارهای انجمن خیریه سعادت تأسیس مدرسه رحیمیه است که یکصد نفر از ابناء وطن را به اصول جدید تعلیم و تربیت خواهد نمود.

انجمن سعادت شش نفر از اعضاء را که مدارس داخله و خارجه را دیده و در امورات مدرسه بصیرتی بسزا دارند از برای فراهم آوردن لوازم اساسیه و ترتیب مقدمات این مشروع مقدس برای رسیدگی و مراقبت تامه به امورات مدرسه برای همیشگی منتخب و معین نمود.

این هیئت با کفایت با درایت بدون تأخیر و مسامحه تلگرافاً معلمین و کتب و پروگرام دروس را از وزارت جلیله معارف خواهش کردند و انشاء الله در همین ماه ربیع الثانی این مدرسه رسماً افتتاح می یابد، وجوه اعانه اساسیه این مدرسه که در ظرف چهار روز از غیرتمندان ملت خواه جمع و حاضر و موجود شد قریب یکهزار و پانصد

تومان و اعانه استمراری ماهانه بیست تومان است و صورت وجوه اعانه اساسیه
مدرسه رحیمیه.

- ۱- حاج عبدالرحیم آقا ۲۰۰ تومان
- ۲- حاج محمد کاظم رکن التجار ۱۰۰ تومان
- ۳- آقا محمد جواد اخوان ۱۰۰ تومان
- ۴- شاهزاده جلال السلطان ۷۰ تومان
- ۵- آقا میرزا عبدالحمید خان متین السلطنة ۵۰ تومان
- ۶- آقا میرزا غلامرضا خان منشی باشی گمرگ ۵۰ تومان
- ۷- آقا میرزا ابوتراب خان اقبال التولیه ۵۰ تومان
- ۸- آقا مشهدی علی اصغر ولدی اردبیلی ۵۰ تومان
- ۹- حاج محمد اسماعیل کاشانی اسلامبولچی ۵۰ تومان
- ۱۰- آقا مشهدی محمد عمو اوغلی ۵۰ تومان
- ۱۱- آقا علی آقا درودی ۵۰ تومان
- ۱۲- آقا میر مرتضی قره باغی ۵۰ تومان
- ۱۳- آقا یوسف بک قره باغی ۵۰ تومان
- ۱۴- حاج محمد تقی رضایوف ۵۰ تومان
- ۱۵- حاج جلیل خامنه ای ۵۰ تومان
- ۱۶- سید مولتیور رئیس گمرکات ۵۰ تومان
- ۱۷- حاج میر حسین قالی باف ۵۰ تومان
- ۱۸- حاج محمد ابراهیم میلانی ۵۰ تومان
- ۱۹- حاج ملا حسین قالی باف ۵۰ تومان
- ۲۰- حاج معین التجار ۵۰ تومان
- ۲۱- حاج معاون الصنائع ۵۰ تومان

- ۲۲- حاج شیخ ابوالقاسم تهرانی ۵۰ تومان
 ۲۳- حاج محمد میرزا تاجر یزدی ۵۰ تومان
 اعانه استمراری ماهیانه
 ۱- آقای حاج میرزا هاشم مجتهد ۵ تومان
 ۲- شاهزاده جلال السلطان ۳ تومان
 ۳- حاج معین التجار ۲ تومان
 ۴- آقا میرزا عبدالحسین خان منشی باشی ۲ تومان
 ۵- اعتبار السلطنة ۲ تومان
 ۶- دکتر فتح علی خان ۲ تومان
 ۷- میرزا اسماعیل خان مترجم گمرک ۱۵ قران
 ۸- میرزا فرج الله خان اردبیلی ۱ تومان
 ۹- محمد باقر خان سرتیپ ۱ تومان
 ۱۰- حاج محمد علی رضا یوف ۱ تومان

نگارنده گوید: انجمن خیریه سعادت در مشهد کارهای فرهنگی و بهداشتی هم در آن زمان انجام داده که در فصل‌های آینده این کتاب به آنها اشاره خواهد شد، همانگونه که ملاحظه شد بنیان‌گذاران این انجمن از شاهزادگان و بازرگان مقیم مشهد بوده‌اند

حاج میرزا ابوتراب خان اقبال التولیه که انجمن در منزل او تأسیس شد، یکی از رجال آن روز مشهد و پدر دکتر منوچهر اقبال مشهور بوده است، اقبال التولیه مستاجر بزرگ املاک آستان قدس در جنوب خراسان و از رجال با نفوذ در مشهد شمرده می‌شد. محمد کاظم رکن التجار پدر حاج حسین ملک بانی و مؤسس کتابخانه ملی ملک در تهران که یکی از بازرگانان معروف آن عصر و دارای صدها رقبه املاک در خراسان و تهران بود که فرزندش حاج حسین ملک همه آنها را وقف آستان قدس

رضوی نمود که اکنون بنام موقوفات ملک در تهران و مشهد معروف می‌باشد. تعدادی از آنها که از نامشان پیداست از اهل قفقاز و آذربایجان بودند، آنها در مشهد تجارتخانه داشتند و اکثر تبعه روس بودند و یا با آن کشور ارتباط داشتند، و به اصطلاح امروزی‌ها از روشنفکران ملی‌گرا بودند که دم از وطن و ملک و ملت می‌زدند و نامی از دین و اسلام نمی‌بردند.

مدرسه معرفت

این مدرسه هم یکی از مدارس جدید مشهد مقدس بود که در ۱۳۲۵ قمری توسط یکی از اهالی خامنه آذربایجان که در روسیه به شغل تجارت مشغول بود تأسیس یافت، روزنامه حبل‌المتین در شماره ۳۰ صفر ۱۳۲۵ در این باره گوید: هشت ماه قبل حاج اسدالله خامنه‌ای تبریزی مقیم پتروسکی بعزم زیارت به مشهد مقدس آمد، این مرد غیور ملت خواه که در خامنه به تأسیس مدرسه معرفت بذل همت فرموده در اینجا یک مدرسه بطرح جدید صرف مقدرت نمود بدائر کردن مدرسه با همان اسم موفق گردید.

اما چون اداره مدرسه به عهده فرد بی‌سواد بود، این مدرسه نظم و ترتیب نیافت و معلمین آن استعفا کردند، انجمن خیریه سعادت در تجدید حیات مدرسه معرفت همت کرد.

مؤسس محترم جناب حاج اسدالله خامنه‌ای تبریزی به یمن اقدامات جناب میرزا محمد خان کاشی ناظم و معلم ریاضی و از حسن اهتمامات جناب سید حسین ادیب اردبیلی معلم فارسی و عربی روی بانتظام و روز بر مقرون به کمال است فعلا شاگردان این مدرسه از یکصد نفر متجاوز است و در سه درجه متدرج است:

صنف اول - ابتدائی دوم فارسی و حساب خوان، سوم فارسی - عربی و حساب و

جغرافی خوان.

از اینها سه ربع تقریباً اطفال فقراء هستند که مجاناً تربیت می‌شوند و لوازم تحصیل آنها از مدرسه داده می‌شود و یک ربع کمتر غیر مجانی هستند، که جناب حاج اسدالله در این اواخر به حسب اصرار و خواهش جمعی از آقایان مجبور به قبول و ترتیب آنها گردید.

مدرسه سادات رضوی

بنا به اظهارات یکی از معلمان سالخورده مشهد که در حدود بیست سال پیش با نگارنده گفتگو می‌کرد: مدرسه رحیمیه بعد از کودتای ۱۲۹۹ شمسی تعطیل گردید و به جای آن با کمک و سرمایه افراد خیر و نیکوکار که اغلب از اغنیاء و بزرگان سادات رضوی بودند بنام مدرسه سادات رضوی فعالیت خود را آغاز کرد.

سید علی‌رضا آموزگار که از گردانندگان حزب دمکرات در مشهد مقدس بود به مدیریت آن منصوب گردید، مدرسه سادات رضوی بیش از شش سال دوام نکرد و منحل گردید، و بطور کلی تا سال ۱۳۱۷ شمسی مدارس ملی در مشهد مقدس بیش از مدارس دولتی بوده است.

مدارس دخترانه

به موازات تأسیس مدرسه پسرانه در مشهد تعدادی مدرسه دخترانه هم تشکیل گردید، و آنها عبارت بودند از دبستان فروغ به مدیریت خانم فروغ السلطنة و دبستان بانوان به مدیریت شاهزاده بانو خواهر فروغ السلطنة و مدرسه عصمتیه به سرپرستی بی‌بی عصمت الشریعه.

مدارس حزب دمکرات مشهد

در صدر مشروطیت حزب دمکرات در مشهد مقدس بسیار فعال بود، این حزب

مؤسسات خیریه سعادت را تقویت کرد و چند مدرسه بنام مجموعه شرکت فرهنگ شامل دبستانهای نظمیه، فرهنگ، علمیه و شرق با کمک مردم بنیاد نهاد و فعالیت‌های خود را آغاز کرد.

بطور کلی مشهد مقدس در سال ۱۳۱۲ شمسی دارای پنج دبستان دولتی پسرانه بنام‌های ذیل بوده است دبستان عسجدی، عنصری، فردوسی، منوچهری، و احمدی و یک دبستان دخترانه بنام ایران دخت بوده است و این مدرسه اکنون بنام ۲۲ بهمن نام‌گذاری شده است.

مدارس آستان قدس رضوی

آستانه مقدسه رضویه برای تعلیم و باسواد کردن ایتام سادات موقوفات دارد، و مدتها مکتب‌خانه داشته است، قدیم‌ترین موقوفه خاص این مصرف که وقف‌نامه آن موجود است مزرعه محراب خان و سهامی از قنات درویش بک که محمود خان ناظر در سال ۱۱۲۰ وقف کرده است.

آستان قدس از در آمد این موقوفات در حجرات صحن مطهر رضوی مکتب‌خانه داشت و گروهی از کودکان بی‌سرپرست در آنجا زیر نظر معلمان تحصیل می‌کردند و در سال ۱۳۲۷ قمری این مکتب‌خانه دارای تشکیلات جدیدی شد و بصورت یک مدرسه چهار کلاسه در آمد و به عمارت کوچه چهار باغ منتقل گردید.

متولیان و کارگزاران آستان قدس بعد از اینکه مدارس جدید در مشهد تأسیس می‌گردند تصمیم می‌گیرند مدرسه‌هایی به همان سبک بنا نمایند، در این هنگام آستان قدس مکتب‌خانه‌های قدیمی و سنتی خود را رها کرده و رو به ساختن مدارس نو می‌نماید.

در زمان نیابت تولیت محمد ولی خان اسدی از محل در آمد موقوفات آستانه یک دبستان شش کلاسه تأسیس می‌گردد و در سال ۱۳۰۷ شمسی دو کلاس اول و دوم

دبیرستان نیز دائر می‌شود و در همین سال دبستان ابتدائی دخترانه هم از محل موقوفات آستانه دائر می‌گردد.

دبیرستان شاه رضا

محمد ولی خان اسدی پس از تأسیس دبستان‌ها تصمیم می‌گیرد دبیرستانی هم توسط آستان قدس بسازد، از این رو در قسمتی از باغ عنبر که موقوفه آستان قدس بود دبیرستانی بنا می‌کند و نام آنرا دبیرستان شاهرضا نام‌گذاری می‌نماید، و این دبیرستان دومین دبیرستان مشهد مقدس در آن ایام بوده است و دبیرستان اول معلوم نشد چه نام داشته و در کجا بوده است.

ریاست دبیرستان را به دکتر امیر برجندی که تازه از آمریکا به ایران آمده بود واگذار می‌کنند، و از داخل و خارج برای این مدرسه معلم استخدام می‌نمایند، دبیرستان شاهرضا و سایر مدارس آستان قدس به شاگردان بی‌بضاعت خود لوازم التحریر و کتاب مجانی می‌دهد.

در سال ۱۳۱۳ رضا شاه برای افتتاح مقبره فردوسی به مشهد مقدس مسافرت می‌کند و ضمناً از این مدارس هم دیدن می‌نماید، در این سفر میرزا علی اصغر خان حکمت هم در معیت رضا شاه بوده‌اند، معلوم نیست رضا شاه به چه علت دستور می‌دهد مدارس آستان قدس به دولت واگذار شود.

در این هنگام آستان قدس رضوی دبستان‌های پسرانه و دخترانه و دبیرستان شاهرضا را به وزارت فرهنگ می‌فروشد و خود کناره‌گیری می‌کند دبستان دخترانه آستان قدس که به نام مدرسه ناموس اسم‌گذاری شده بود به نام گوهرشاد نام‌گذاری می‌شود.

دبستان دخترانه ناموس که دو کلاس اول و دوم دبیرستان هم داشته بعد از تحویل و تحول کلاسهای دبیرستان آن تبدیل به یک دبیرستان کامل می‌گردد و نام آنرا دبیرستان شاهدخت می‌گذارند، و بعد از انقلاب بنام دبیرستان آزادگان تغییر پیدا کرده

است.

نگارنده گوید: اینها مدارس و آموزشگاه‌هائی بود که از اوائل مشروطیت تا سال ۱۳۱۲ شمسی به نظر خوانندگان رسید، ممکن است در این میان مدرسه‌های دیگری بوده که نام آنها در اسناد و مدارک نیامده باشد، در این مدرسه‌ها معلمان و استادان به تعلیم و تربیت شاگردان مشغول شدند و اکثر آنها گم نام ماندند و اطلاعی از زندگی و خصوصیات آنان در دست نیست.

ما در مشهد مقدس استادان و معلمان دانشمند و محققى داشتیم، تعدادی از آنها اهل قلم بودند و از مؤلفان و نویسندگان بشمار می‌رفتند، ولی هیچ کدام از آنها موفق نشدند درباره مدارس جدید مشهد و معلمان و استادان آن مدرسه کتاب و یا جزوه‌ای بنگارند و اطلاعاتی از گذشتگان را در اختیار آیندگان قرار دهند.

مشهد مقدس رضوی بعد از سالهای ۱۳۱۲ توسعه پیدا کرد و بر وسعت و جمعیت آن افزوده شد، به تناسب رشد جمعیت شهری و مهاجرت مردم شهرستانها و قراء و قصبات خراسان به این شهر مقدس مدارس ابتدائی و متوسطه پسران و دختران رو به فزونی نهاد.

از سالهای ۱۳۳۵ طرق ارتباطی مشهد گسترش پیدا کرد و راه آهن به مشهد متصل گردید، و پروازهای هواپیما به مشهد زیاد گردید و رفت و آمد به سهولت انجام شد و مردم به طرف مشهد مقدس روی آوردند، اراضی مزروعی اطراف مشهد تبدیل به مناطق مسکونی گردید و تازه‌واردان در آنجا سکونت کردند.

پس از انقلاب اسلامی شهر مقدس مشهد بیشتر گسترش پیدا کرد، و از هر طرف توسعه یافت، ده‌ها آبادی حومه شهر داخل مشهد شدند و ده‌ها بزرگراه و خیابانهای وسیع در گوشه و کنار ساخته شدند، و کوی‌ها، برزن‌ها و محله‌های جدید در چهار سوی این شهر مقدس بوجود آمدند و هزارها خانواده در آنجا ساکن شدند.

اکنون مشهد مقدس بیش از دو میلیون جمعیت ثابت دارد، و بیش از دوازده

ملیون زائر و مسافر در طول سال به آن شهر می‌آیند تا از بارگاه ملکوتی حضرت رضا بهره‌مند گردند، تعدادی از این زائران در مشهد سکونت می‌کنند و اقامت در جوار حضرت رضا علیه السلام را بر موطن خود ترجیح می‌دهند.

در سی سال قبل اداره آموزش و پرورش مشهد مقدس در یک ساختمان چهار طبقه در خیابان ارک قرار داشت و تنها ساختمان چهار طبقه مشهد بود، در آن ساختمان تعدادی کارمند به رتق و فتق و امور مشغول بودند و آموزش و پرورش را اداره می‌کردند.

امروز اداره مرکزی آموزش و پرورش خراسان خود یک ساختمان بزرگ دارد و در چندین ناحیه مشهد ادارات فرعی با مسئولیت‌های مستقل عمل می‌کنند، هزاران معلم و دبیر در صدها مدرسه حضور دارند، و ده‌ها هزار دانش‌آموز را تعلیم می‌دهند. اگر در نود و پنج سال پیش مشهد مقدس تنها یک مدرسه پسرانه داشت اینک پس از گذشت یک قرن دارای دو هزار دبستان، راهنمایی، متوسطه مدارس فنی، حرفه‌ای، کشاورزی، مراکز تربیت معلم و دانشسرا می‌باشد. و اگر در آن روز مشهد صد نفر دانش‌آموز داشت امروز ده‌ها هزار کودک و نوجوان به دانش‌آموزی مشغول می‌باشند.

ما از سال ۱۳۷۵ که مشغول تنظیم این کتابت بودیم و به جمع‌آوری مطالب مربوط به این اثر کوشش می‌کردیم به اداره آموزش و پرورش خراسان مراجعه نمودیم و از مقامات مسئول خواستیم آماری از مؤسسات آموزشی زیر نظر آموزش و پرورش مشهد مقدس در اختیار ما قرار دهند.

مقامات آموزش و پرورش آمار ذیل را در اختیار نگارنده قرار دادند البته ناگفته پیداست که این آمار مربوط به سال ۱۳۷۵ می‌باشد، و معلوم است که از آن زمان تاکنون سال ۱۳۷۷ بر تعداد مدارس افزوده شده است و اینک آمار مزبور به نظر خوانندگان می‌رساند:

مدارس ابتدائی ۱۱۴۶

مدارس راهنمائی ۴۸۳

مدارس متوسطه ۱۸۷

مدارس فنی ۱۰

مدارس حرفہ ای ۱۲

مدارس کشاورزی ۲

مراکز تربیت معلم ۴

دانشسرا ۷.

دانشگاه مشهد

و

دانشگاه آزاد

دانشگاه مشهد

بر اساس اسناد و مدارک فکر تأسیس دانشگاه مشهد مقدس از سال ۱۳۱۳ هنگام تشکیل دانشگاه تهران پدید آمد و اقداماتی در این باره انجام گرفت ولی این اقدامات به جایی نرسید و مقامات مسئول آستان نتوانستند موافقت دولت را در این موضوع بدست آورند.

در سال ۱۳۲۶ مکاتبات و اقدامات آغاز گردید و فعالیت‌هایی در مورد تأسیس دانشگاه مشهد از طرف علاقمندان شروع شد، و سرانجام هیئت دولت با تأسیس دانشگاه مشهد موافقت کرد و اساسنامه دانشگاه مشهد تنظیم گردید.

بر اساس نوشته‌ای که در یکی از نشریات بنظر این جانب رسید این دانشگاه در بدو تأسیس سال ۱۳۲۶ بنام دانشگاه امام رضا نام‌گذاری شد ولی بعد از مدتی بنام

دانشگاه مشهد تغییر نام یافت، و پس از چند سال این نام را هم را برداشتند و آن را دانشگاه فردوسی نام نهادند.

تغییر این نام‌ها به خاطر جریان‌هایی بوده که در آن ایام در مراکز فرهنگی و دانشگاهی کشور نفوذ داشتند و با هر گونه فکر دینی و مذهبی در مراکز آموزشی مخالفت می‌کردند و نام‌های رهبران مذهبی را بر اماکن علمی و فرهنگی کشور رد می‌نمودند و تا سال ۱۳۵۱ بنام دانشگاه مشهد بوده است.

دانشگاه مشهد نخست در یک ساختمان کوچک و محدودی در خیابانی که اکنون بنام دانشگاه معروف می‌باشد فعالیت خود را شروع کرد، و رجال خراسانی که در تشکیلات دولتی نفوذ داشتند در توسعه دانشگاه مشهد بسیار کوشش نمودند.

نخستین رئیس دانشگاه مشهد مرحوم دکتر حسین سامی‌راد بود که خود از اهل خراسان و علاقمند به موطن خود بشمار می‌رفت در اثر فعالیت او و همکارانش که اکثر از پزشکان خراسانی و دانشمندان این سرزمین بودند دانشگاه گام‌هایی در راه توسعه برداشت.

دانشگاه مشهد که اکنون بنام دانشگاه فردوسی مشهد مشهور می‌باشد و در مکاتبات و سخنرانی‌ها به این عنوان یاد می‌شود در طول تاریخ تأسیس خود به فعالیت‌های زیادی پرداخت و آن را از یک ساختمان محدود در داخل مشهد مقدس به خارج شهر انتقال داد.

اگر چه دفتر مرکزی آن هنوز هم در داخل شهر می‌باشد ولی دانشکده‌ها اغلب به خارج منتقل شده‌اند، و هر کدام در یک جای مستقلی انجام وظیفه می‌کنند، زمین‌های زیادی در جاده وکیل‌آباد در اختیار دانشگاه قرار گرفت که اکنون بصورت یک شهر دانشگاهی در آمده است.

اکنون پس از گذشت پنجاه سال از تأسیس دانشگاه مشهد این مرکز علمی یکی از معتبرترین مراکز دانشگاهی در ایران می‌باشد، و جای خود را در میان رجال علمی و

پژوهشی کشور باز کرده است، سالیانه تعداد قابل توجهی فارغ‌التحصیل در رشته‌های گوناگون تحویل جامعه می‌دهد.

ما اینک در اینجا درباره دانشکده‌های دانشگاه مشهد که از سال ۱۳۲۵ تا این زمان تأسیس شده‌اند و اکنون مورد استفاده می‌باشند اطلاعاتی در اختیار خوانندگان این کتاب قرار می‌دهیم و مطالب مورد بحث را از مآخذ مورد اعتماد که از سوی دانشگاه مشهد منتشر شده‌اند نقل می‌کنیم.

۱- دانشکده پزشکی

اگر چه دانشکده پزشکی اکنون تابع دانشگاه مشهد نیست ولی به خاطر اینکه قدیمیترین دانشکده دولتی در مشهد بوده و قبل از تأسیس دانشگاه مشهد فعالیت داشته و در حقیقت نخستین دانشکده طب در خراسان بوده ما هم بحث خود را در این فصل از دانشکده پزشکی آغاز می‌کنیم.

در کتاب راهنمای دانشگاه مشهد که در سال ۱۳۵۱ چاپ شده آمده است: به واسطه نیاز فراوانی که در استان خراسان به وجود پزشک احساس می‌شد در سال ۱۳۱۸ نتیجه اقدامات منجر به تأسیس آموزشگاه عالی بهداری گشت و پروفیسور ابرلین رئیس سابق دانشکده پزشکی تهران به این مأموریت برگزیده شد.

این آموزشگاه بکوشش کارمندان آموزشی و اداری خود و پشتیبانی شادروان دکتر مصطفی حبیبی استاد دانشگاه تهران بتدریج نضج گرفت، از سال ۱۳۲۶ بار دیگر برای تکمیل آموزشگاه عالی بهداری و تبدیل آن به دانشکده پزشکی مکاتبات و اقداماتی آغاز شد.

سرانجام در همان سال موافقت هیئت دولت با تأسیس دانشگاه در مشهد جلب گردید و اساسنامه این دانشگاه مشتمل بر دانشکده‌های پزشکی و ادبیات و علوم معقول و منقول تصویب گردید.

نخستین آگهی قبول داوطلب برای سال اوّل دانشکده پزشکی در شهریور ماه ۱۳۲۸ منتشر شد و این دانشکده رسماً در سال ۱۳۲۸ فعالیت خود را شروع نمود و رسماً افتتاح گردید و آموزشگاه عالی بهداری نیز با فارغ التحصیل شدن دانشجویان سال آخر منحل شد.

دوره تحصیلی این دانشکده هفت سال می باشد که دانشجویان سال اول تحصیل خود را در مرکز تعلیمات دانشگاه و سال آخر تحصیلی را نیز به عنوان کارورز بیمارستانهای آموزشی دانشکده مذکور به تحصیل اشتغال دادند.

دانشکده پزشکی دارای آموزشگاههای متعددی هم می باشد، این آموزشگاهها رسماً در دی ماه ۱۳۴۷ تأسیس گردید و هدف تربیت کادرهای پرستاری، بهیاری، آزمایشگاهی و مامائی در درجه اول برای دانشگاه مشهد و سپس سایر واحدهای درمانی و آزمایشگاهی کشور می باشد و دوره های تحصیلی آموزشگاهها بشرح زیر می باشد:

۱- دوره آموزشگاه عالی پرستاری سه سال و ارزش آن معادل لیسانس می باشد.

۲- دوره آموزشگاههای تکنسین رادیولوژی و آزمایشگاهی دو سال و ارزش آن فوق دیپلم می باشد.

۳- دوره آموزشگاههای بهیاری دو سال و ارزش آن معادل دیپلم می باشد.

۴- دوره آموزشگاه عالی مامائی سه سال و ارزش تحصیلی آن لیسانس می باشد.

ما ان شاء الله در فصل بیمارستانها و درمانگاههای مشهد و هم چنین در باب شرح حال رجال و دانشمندان از مؤسسان و استادان عالی مقام این دانشکده باز هم در این باره مطالبی ذکر خواهیم کرد.

این دانشکده قبلاً بنام دانشکده علوم معقول و منقول معروف بود، و تأسیس آن در سال ۱۳۲۶ همزمان با تأسیس دانشکده پزشکی بوده است. از اسناد و مدارک موجود پیداست دانشکده معقول و منقول قدیم‌ترین مؤسسه علمی و آموزشی در مشهد مقدس می‌باشد.

در تاریخ استان قدس از منابع معتبر نقل شده: در زمان نیابت تولیت مرحوم محمدولی خان اسدی فلکه‌ای پیرامون اماکن متبرکه احداث گردید، هنگام احداث فلکه یکی از مدارس معروف مشهد مقدس بنام مدرسه فاضل خان تخریب شد. پس از اینکه مدرسه نامبرده از بین رفت از محل موقوفات آن مدرسه مؤسسه‌ای بنام دانشکده علوم معقول و منقول تأسیس گردید، برای این کار محلی در مدرسه میرزا جعفر که از مدارس معروف مشهد می‌باشد تعیین گردید و از سال ۱۳۱۱ شمسی زیر نظر آستان قدس فعالیت خود را آغاز کرد.

پس از مدتی کلاسها دائر گردید و تعداد کلاسها و محصلان فزونی یافت و گروهی از طلاب علوم دینی هم در آن به تحصیل مشغول گردیدند ریاست این مؤسسه را آقای اوکتائی رئیس کتابخانه آستانه در اختیار داشت دانشکده مزبور در سال ۱۳۱۵ منحل گردید.

در سال ۱۳۲۶ بار دیگر از طرف دولت این دانشکده با همان عنوان سابق تصویب شد ولی کار آن از سال ۱۳۳۷ شروع گردید در دانشکده معقول و منقول همانگونه که از نامش پیداست فقه، فلسفه و حکمت اسلامی تدریس می‌شد و در فرهنگ و معارف اسلامی بحث و تحقیق می‌گردید.

در سال تحصیلی سال ۱۳۴۹ نام دانشکده به الهیات و معارف اسلامی تغییر یافت و در سه رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، فلسفه و کلام اسلامی و فرهنگ اسلامی و رابطه آن با تمدن ایرانی دانشجو پذیرفت و از سال ۱۳۴۹ دو گروه فرعی مبانی تشیع و ادیان و مذاهب و قرآن و متون نیز بدون دارا بودن ارزش لیسانس فعالیت آموزشی

داشته است.

رشته‌های تحصیلی در دانشکده الهیات عبارتند از:

- ۱- فقه و مبانی حقوق اسلامی - کارشناسی، کارشناسی ارشد
- ۲- فلسفه و کلام اسلامی - کارشناسی، کارشناسی ارشد
- ۳- علوم قرآن و حدیث - کارشناسی
- ۴- تاریخ تمدن ملل اسلامی - کارشناسی
- ۵- ادیان و عرفان - کارشناسی
- ۶- دبیری الهیات و معارف اسلامی - کارشناسی

۳- دانشکده ادبیات

دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد نیز همزمان با دانشکده پزشکی از تصویب هیئت دولت گذشت و در سال ۱۳۲۶ مجوز تأسیس آن صادر شد، ولی از تاریخ تصویب آن تا شروع به کار چند سال طول کشید، در نشریه سال ۱۳۷۲ دانشگاه مشهد چنین آمده است:

دانشکده ادبیات در سال ۱۳۳۴ شمسی تأسیس گردید اولین رشته‌ای که در این دانشکده دایر شد زبان و ادبیات فارسی بود که از همان سال ۱۳۳۴ به فعالیت پرداخت در سال بعد رشته‌های زبان و ادبیات انگلیسی و زبان و ادبیات فرانسه ایجاد گردید. پس از گذشت یک سال دیگر رشته تاریخ و جغرافیای دانشکده آغاز بکار نمود، رشته زبان‌شناسی در سال ۱۳۴۲ فعالیت خود را آغاز نمود در سال ۱۳۵۱ رشته زبان و ادبیات عرب از دانشکده الهیات و معارف اسلامی به این دانشکده منتقل شد. رشته علوم اجتماعی که به عنوان رشته فرعی از سال ۱۳۵۰ شروع شده بود از سال ۱۳۶۴ به بعد به عنوان رشته‌ای مستقل به پذیرش دانشجو اقدام کرد رشته روان‌شناسی از سال تحصیلی ۵۰-۴۹ تا سال ۵۳-۵۲ در این دانشکده دایر بوده و از

سال ۵۴-۵۳ جدا شده است، اکنون در دانشکده ادبیات و علوم انسانی هشت گروه بشرح زیر وجود دارد:

- ۱- زبان و ادبیات فارسی - کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترا
- ۲- زبان و ادبیات عرب - کارشناسی، کارشناسی ارشد
- ۳- زبان و ادبیات انگلیسی - کارشناسی
- ۴- زبان و ادبیات فرانسه - کارشناسی، کارشناسی ارشد
- ۵- زبان شناسی - کارشناسی ارشد
- ۶- علوم اجتماعی - کارشناسی - کارشناسی ارشد
- ۷- تاریخ - کارشناسی، کارشناسی ارشد
- ۸- کارشناسی، کارشناسی ارشد.

۴- دانشکده علوم

دانشکده علوم دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۱ تأسیس گردیده است، در سال ۱۳۴۳ برای اولین دوره تعداد ۱۲ نفر دانشجو در گروه ریاضی و فیزیک فارغ التحصیل داشته است، دانشکده علوم دارای شش گروه آزمایشی می باشد، رشته های تحصیلی دایر در دانشکده علوم عبارتند از:

- ۱- دبیری زیست شناسی - کارشناسی، کارشناسی ارشد
- ۲- دبیری آمار - کارشناسی، کارشناسی ارشد
- ۳- دبیری زمین شناسی - کارشناسی، کارشناسی ارشد

۴- دبیری ریاضی - کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترا

۵- دبیری شیمی - کارشناسی، کارشناسی ارشد

۶- دبیری فیزیک - کارشناسی، کارشناسی ارشد

۵- دانشکده کشاورزی

دانشکده کشاورزی دانشگاه مشهد در سال ۱۳۵۲ تأسیس شد و فعالیتهای آموزشی خود را در مهر ماه ۱۳۵۳ با پذیرش ۴۲ دانشجو در دو رشته کارشناسی صنایع غذایی و زراعت آغاز نمود، رشته‌های تحصیلی موجود در دانشکده کشاورزی عبارتند از:

۱- زراعت و اصلاح نباتات - کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا

۲- دامپروری - کارشناسی، کارشناسی ارشد

۳- صنایع و فراورده‌های کشاورزی - کارشناسی، کارشناسی ارشد

۴- آبیاری - کارشناسی

۵- گیاهپزشکی - کارشناسی

۶- دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

دانشکده علوم تربیتی با یک رشته تحصیلی روانشناسی در سال ۱۳۵۲ در دانشگاه مشهد تأسیس گردید و در سالهای بعد رشته‌های دیگری هم به آن اضافه شد و اکنون رشته‌های تحصیلی موجود در دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی عبارتند از:

۱- روانشناسی - کارشناسی، کارشناسی ارشد

۲- علوم تربیتی - کارشناسی

۳- کتابداری - کاردانی، کارشناسی

۴- دبیری تربیت بدنی - کارشناسی

۷- دانشکده مهندسی

دانشکده مهندسی دانشگاه مشهد در سال ۱۳۵۴ با هدف ایجاد یک قطب مهندسی قوی و مناسب در شرق ایران و ایجاد امکانات و شرائط مناسب برای استعداد های فنی جوانان و تأمین نیروی انسانی متخصص و اجرای طرح های صنعتی و استقلال علمی و صنعتی کشور تأسیس شد.

دانشکده مهندسی در مهر ماه ۱۳۵۵ با پذیرش تعداد ۳۰ دانشجو در رشته برق و ۳۰ دانشجو در رشته مکانیک شروع به کار و به تدریج با گسترش امکانات خود سعی در ایجاد سایر رشته ها نمود، در سال ۱۳۵۹ با ادغام دانشگاه کار خراسان در دانشکده مهندسی بر تعداد رشته ها افزوده شد.

این دانشکده در حال حاضر از جمله دانشکده های معتبر و قوی در سطح کشور بوده و محل مناسبی جهت آموزشی همزمان علم و عمل دانشجویان می باشد و کارآئی و توان علمی و فنی آن در مراکز صنعتی کشور کیفیت بالای علمی دانشکده را اثبات می کند و رشته های تحصیلی آن عبارتند از:

- ۱- مهندسی برق و الکترونیک - کارشناسی
- ۲- مهندسی و قدرت - کارشناسی، کارشناسی ارشد
- ۳- مهندسی برق و سیستم های کنترل - کارشناسی و کارشناسی ارشد
- ۴- مهندسی برق و مخابرات - کارشناسی ارشد
- ۵- مهندسی کامپیوتر و نرم افزار - کارشناسی
- ۶- مهندسی عمران - کارشناسی و کارشناسی ارشد
- ۷- مهندسی عمران سازه آبی - کارشناسی ارشد
- ۸- مهندسی عمران، مکانیک خاک - کارشناسی ارشد
- ۹- مهندسی مکانیک، حرارت و سیالات - کارشناسی

۱۰- مهندسی مکانیک طراحی جامدات - کارشناسی ارشد

۱۱- مهندسی مکانیک، تبدیل انرژی - کارشناسی

۱۲- مهندسی شیمی، صنایع کار - کارشناسی

۸- دانشکده علوم اداری و اقتصادی

دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه مشهد با توجه به نیاز کشور بخصوص استان پهناور خراسان در سال ۱۳۶۶ تأسیس شد و در سال ۱۳۶۷ با پذیرش ۱۲۰ دانشجو و هفت عضو هیئت علمی تمام وقت کار خود را آغاز کرد و مجوز ایجاد رشته حقوق را هم بدست آورد و رشته‌های تحصیلی دانشکده علوم اداری و اقتصادی عبارتند از:

۱- حسابداری - کارشناسی

۲- مدیریت بازرگانی - کارشناسی

۳- اقتصاد بازرگانی - کارشناسی

۴- حقوق قضائی - کارشناسی

۹- دانشکده دامپزشکی

دانشکده دامپزشکی دانشگاه مشهد در سال ۱۳۷۰ تأسیس گردید و با پذیرش دانشجو در دوره‌های دکتری و کاردانی از سال ۱۳۷۱ فعالیت خود را آغاز نموده است، دانشکده دامپزشکی دارای پنج گروه آموزشی به شرح زیر می‌باشد:

۱- گروه علوم پایه

۲- گروه پاتوبیولوژی

۳- گروه تغذیه

۴- گروه بهداشت

۵- گروه علوم درمانگاهی

۱۰- دانشکده دندان پزشکی

این دانشکده نیز از دانشکده‌های فعال می‌باشد و در خراسان کارهای خدماتی زیادی انجام می‌دهد.

دانشگاه آزاد اسلامی

دانشگاه آزاد واحد مشهد در آذر ماه سال ۱۳۶۱ تأسیس و در اسفند ماه همان سال از طریق آزمون سراسری اقدام به پذیرش دانشجو در رشته‌های ریاضی، فیزیک و شیمی نمود و فعالیت‌های آموزشی را از مهر ماه سال ۱۳۶۲ شروع نمود، فعالیت‌های این دانشگاه در مشهد مقدس در شش دانشکده ادامه دارد:

۱- دانشکده مهندسی

این دانشکده در سه رشته تحصیلی دانشجو پذیرفته است:

۱- مهندسی عمران راه و ساختمان در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ناپیوسته.

۲- مهندسی مکانیک طراحی و جامدات در مقاطع کارشناسی و کارشناسی

ناپیوسته

۳- مهندسی کامپیوتر نرم‌افزار در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ناپیوسته.

۲- دانشکده علوم پزشکی

این دانشکده در رشته‌های تحصیلی زیر دانشجو قبول می‌کند

۱- پزشکی عمومی در مقطع دکترای حرفه‌ای

۲- مامائی در مقطع کارشناسی

۳- پرستاری در مقطع کارشناسی.

۳- دانشکده علوم

این دانشکده در رشته‌های زیر دانشجو می‌پذیرد

۱- فیزیک کاربردی

۲- ریاضی در مقطع کارشناسی ارشد.

۳- شیمی محض

۴- زیست‌شناسی عمومی.

۴- دانشکده الهیات

دانشکده مزبور در رشته‌های تحصیلی زیر دانشجو قبول می‌کند.

۱- الهیات و معارف اسلامی در دو گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی و تاریخ

تمدن ملل اسلامی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ناپیوسته

۲- الهیات و معارف اسلامی دبیری در مقطع کارشناسی.

۵- دانشکده حقوق

این دانشکده در رشته‌های تحصیلی زیر دانشجو قبول می‌کند.

۱- حقوق قضائی دوره‌ای و پاره وقت

۲- علوم سیاسی

۶- دانشکده کشاورزی

این گروه در رشته‌های تحصیلی زیر دانشجو می‌پذیرد.

۱- مهندسی کشاورزی زراعت و اصلاح نباتات در مقاطع کارشناسی ناپیوسته و

کارشناسی.

۲- کشاورزی امور زراعی در مقطع کاردانی

مدرسه عالی شهید مطهری

یکی از مؤسسات آموزشی و تعلیم و تربیت در مشهد مقدس مدرسه عالی شهید مطهری می باشد، این مدرسه بعد از انقلاب تأسیس گردیده است و هدف آن تربیت نیروهای متعهد و عالم است، و برنامه های این مدرسه در زمینه های علوم دینی و معارف اسلامی می باشد که عبارتند از:

۱- جذب محصلین با استعداد و تربیت آنها در زمینه علوم دینی و معارف اسلامی.

۲- ایجاد مقدمات و زمینه های علمی لازم در محصلین جهت شرکت در امتحانات ورودی رشته های علوم انسانی دانشگاهی.

۳- آموزش علوم دینی به منظور اینکه فارغ التحصیلان بتوانند در آموزش و پرورش دروس تعلیمات دینی و قرآن را تدریس نمایند.

۴- آموزش علوم دینی و معارف اسلامی جهت کسب توانائیهای لازم برای ادامه تحصیل در سطوح بالاتر حوزه های علمیه.

دوره مقدماتی مدرسه عالی شهید مطهری واحد برادران در مشهد مقدس از آغاز تأسیس به لحاظ موقعیت خاصی که داشته سعی نموده تا در کنار کسب معارف اسلامی تزکیه و خود سازی را هم مد نظر قرار داده و از سیره ائمه معصومین علیهم السلام غفلت نکند. محیط دبیرستان که نام مقدس سید الشهداء علیه السلام را بر پیشانی خود دارد و همچنین مجاورت با آستان ملائک پاسبان حضرت رضا علیه السلام و جوار حوزه علمیه مشهد سبب شده تا این واحد ویژگی خاصی پیدا کند.

مساله امور تربیتی در این واحد آموزشی از بدو تأسیس جایگاه خاصی داشته و مسئولان دلسوز در طول تاریخ تأسیس این مدرسه عالی از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند و در انتخاب اساتید و دبیران متعهد در زمینه‌های علمی و ایمانی دقت نظر داشته‌اند.

کتابخانه‌های مشهد مقدس

کتابخانه‌های مشهد

همانگونه که در بخش‌های گذشته این کتاب مکرر بیان گردید، مشهد مقدس رضوی پس از اینکه حالت شهری به خود گرفت و رفت و آمد زائران روبه فزونی نهاد و علماء و دانشمندان در آن سکونت اختیار کردند، مجالس علمی و بحث و تدریس در آنجا آغاز گردید.

ما در فصل مدارس این کتاب بیان کردیم که در قرن چهارم و پنجم هجری مؤسسات دینی و مدارس مذهبی برای تعلیم و تربیت عالمان در جوار روضه مبارکه رضویه وجود داشته است، و نام گروهی از بزرگان فقه، حدیث، کلام، حکمت و ادب که در آن زمان در مشهد اقامت داشته‌اند مبین این مطلب است.

از این رو پیداست که در کنار علماء و مدارس دینی و مساجد مشهد و روضه مبارکه رضویه کتابخانه‌هایی وجود داشته و طلاب علوم از آن استفاده می‌کرده‌اند، ولی در مصادر و مآخذ تاریخی و تذکره‌های علم و ادب از کتابخانه خاصی در آنجا نام برده نشده و مورخان و تذکره نویسان تنها از کتابخانه مبارکه رضویه نام می‌برند که اینک به نظر خوانندگان می‌رسد:

۱- کتابخانه مبارکه رضویه

کتابخانه مبارکه آستان قدس از قدیمیترین کتابخانه‌های ایران می‌باشد، و اکنون کهن‌ترین نسخ خطی موجود در ایران در آن کتابخانه محفوظ است، قرآن‌هانی‌های مخطوط در قرن چهارم و پنجم که در عصر سامانیان و غزنویان تحریر شده‌اند در آنجا نگهداری می‌شوند.

با توجهی که علماء و فقهاء شیعه و علماء مشهد مقدس رضوی به آن روضه شریفه داشته‌اند در جوار بقعه متبرکه آن جناب کتابخانه‌ای تأسیس شده تا طلاب علوم و معارف اسلامی در آنجا به تحقیق و مطالعه مشغول شوند و زائران بارگاه ملکوتی امام هم از آن استفاده کنند.

کتابخانه آستانه مقدسه در طول زمان نیازهای مؤلفان و محققان حوزه علمیه مشهد را تأمین می‌کرده است، در زمان ما هم طلاب و فضلاء از کتابخانه آستان قدس استفاده می‌کنند و در سابق نیز به همین روش بوده مدرسه و کتابخانه ملازم یکدیگر می‌باشند.

قدیمیترین نسخه خطی قرآن مجید در کتابخانه مقدسه رضویه قرآنی است که توسط ابوالقاسم شمیم‌جور در سال ۳۶۳ به آستان قدس وقف شده و دوم قرآنی است که توسط منصور بن محمد بن کثیر در ماه ربیع الاول سال ۳۹۳ وقف آستان مقدس شده است.

این دو قرآن که یکی در زمان سامانیان و دیگری در عصر محمود غزنوی وقف گردیده شرط شده است که قرآن‌ها نباید از مشهد امام ابوالحسن خارج گردند، از این عبارت‌ها معلوم می‌شود که در آن زمان جایی به نام قرائت‌خانه و یا کتابخانه در کنار روضه مبارکه رضویه بوده است.

وجود نسخه‌های خطی کهن در کتابخانه آستان قدس بهترین گواه است که این کتابخانه در طول قرون مورد استفاده بوده و علماء و رجال و شخصیت‌های بزرگ تاریخ و پادشاهان و امیران و رجال سیاست و سران قبائل به آن مکان مقدس علاقمند بوده‌اند.

در عصر سلجوقیان و خوارزمشاهیان مشهد رضوی از موقعیت ممتازی برخوردار بوده است، پادشاهان این سلسله تاریخ ایران و امیران و رجال آن دو حکومت به مشهد مقدس توجهی خاص داشتند و به زیارت روضه رضویه مبادرت می‌کردند.

سلاطین و امیران ایلخانی هم در عمران مشهد مقدس کوشش می‌کردند و شواهد زیادی در این مورد در کتب تاریخی هست که ان شاء الله در همین کتاب در موارد خود خواهد آمد و به آن مطالب اشاره خواهد شد، و حق مطلب اداء خواهد گردید.

در دوره سلاطین تیموری مشهد از نظر علمی و فرهنگی و هنر توسعه یافت و گروهی از اهل فضل و ادب در این شهر ساکن شدند، معلوم است که در این ایام کتابخانه و قرائتخانه رضویه توسعه پیدا کرده است، وجود مدارس علمیه در زمان تیموریان خود گواه بر این مدعا می‌باشد.

وقتی که شاهرخ تیموری تصمیم می‌گیرد سالی چند ماه در مشهد مقدس اقامت کند و زوجه او مسجد گوهرشاد را میسازد، کارگذاران او هم مدرسه می‌سازند و ندیمان او مدرسه پریزاد و مدرسه بالا سر مبارک را بنا می‌کنند پیداست که کتابخانه مبارکه رضویه هم توسعه پیدا می‌کند.

در عصر صفویه با ظهور شاه اسماعیل در ایران و ترویج مذهب تشیع، پیروان مذهب اهل بیت علیهم السلام از تنگناها و فشارهای مخالفان خارج شدند و شیعیان و علویان که سدانّت روضه مبارکه رضویه را داشتند از تقیه بیرون گردیده و عقائد خود را آشکارا اظهار نمودند.

از کارهایی که در عهد صفویان انجام گرفت توسعه کتابخانه مبارکه رضویه بود، پادشاهان و امیران صفوی مدارس زیادی در مشهد ساختند که ما در فصل مدارس از آنها یاد کردیم، در این زمان به تناسب تأسیس مدارس علمیه کتابخانه آستانه هم توسعه پیدا کرد.

در عصر صفویان برای کتابخانه مدیر و خازن انتخاب گردید، در این زمان کتابهای فراوانی از طرف رجال و اعیان و سلاطین به کتابخانه اهداء شد، از عبارات گلستان هنر تألیف قاضی احمد قمی معلوم می شود که در عصر صفویه کتابخانه به عنوان یک مرکز و سازمان فعالیت داشته است.

در کتاب عالم آراء ضمن حمله ازبکان به شهر مقدس مشهد و غارت حرم مطهر امام رضا علیه السلام گوید: کتابخانه سرکار فیض آثار که در تمامی ایام از اقصی بلاد اسلام جمع شده بود از مصاحف به خطوط شریفه حضرات ائمه معصومین و استادان ما تقدّم و کتابهای علمی و فارسی توسط ازبکان به غارت رفت و چون خزف ریزه بی بها به یکدیگر می فروختند.

در جای دیگری گوید: شاه عباس اول در کتابخانه شریفه آنچه مصاحف و کتب عربی و علمی بود از فقه، تفسیر و حدیث و امثال ذلک وقف سرکار حضرت امام ضامن ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه الصلوات و السلام فرمود و به آستانه مقدسه فرستادند.

خلاصه مطلب این است که در زمان صفویه و با قدرت گرفتن مذهب شیعه کتابخانه مبارکه رضویه رونق پیدا کرد، علماء و فضلاء و امیران کتابهای خود را وقف

آن روضه مبارکه نمودند و کتابخانه رسمیت پیدا کرد و گروهی به عنوان مدیر و کتابدار که در آن روز به آنها خازن می‌گفتند معین شدند.

در عصر افشاریان و قاجاریان کتابخانه همچنان دایر بوده و محلی در کنار حرم مطهر قرار داشته است، در مقاله‌ای که توسط مرحوم اوکثانی در نامه آستان قدس نوشته شده آمده است آنچه مسلم است در حدود سال ۱۱۵۰ محل کتابخانه و قرائتخانه در گوشه جنوب ایوان طلای صحن کهنه بوده است.

در سال ۱۲۹۰ به دستور مرحوم حاج سیف الدوله نیابت تولیت کتابخانه به طبقه فوقانی کشیک خانه منتقل می‌شود و به دستور آن مرحوم برای کتابخانه قفسه‌ای از چوب کاج که مصون از آسیب موریانه است ساخته می‌شود، و در زمان نیابت تولیت مرحوم مؤتمن الملک کتابخانه تکمیل می‌گردد و شصت و اندی سال کتابخانه در این محل بود.

در عصر حکومت پهلوی‌ها، و زمان نیابت تولیت محمد ولی خان اسدی فلکه جدیدی پیرامون ابنیه متبرکه بنا گردید، و چند بازار و مدرسه و منازل مسکونی در مجاورت مسجد گوهرشاد و صحن نو تخریب شد و صحن جدیدی که بعدها بنام صحن موزه معروف گردید بنا شد.

در قسمت شمالی این صحن ساختمانی مجلل و باشکوه در سه طبقه بنا گردید و کتابخانه مبارکه رضویه به این ساختمان منتقل شد، این ساختمان در سال ۱۳۱۶ توسط آستان قدس ساخته شد طبقه زیرین آن بصورت انبار و طبقه دوم سالن‌های قرائت و قسمت اداری بود و طبقه سوم هم به مخزن کتابهای چاپی و خطی اختصاص یافت و بخشی از آن هم بصورت موزه در آمد.

ساختمان کتابخانه در سال ۱۳۲۰ پایان یافت و پس از تکمیل لوازم کتابخانه و قفسه بندی و انتقال کتابها به محل جدید در سال ۱۳۲۳ طی تشریفات افتتاح گردید، درب ورودی آن از طرف فلکه جنوبی مقابل خیابان تهران بود و مجموع مساحت

صحن و کتابخانه و موزه ۷۵۰۰ متر مربع بود.

نگارنده گوید:

این ساختمان بزرگ و محکم که در آن ایام از مجلل‌ترین ساختمانهای اماکن متبرکه بود و به سبک جدید ساخته شده و مبالغ زیادی صرف آن گردیده بدست کارگزاران آستان قدس تخریب شد، علت تخریب آن بطوریکه از مطلعین آن عصر شنیدم این بود:

محمد رضا شاه پهلوی در یکی از سفرهای خود به مشهد مقدس به نیابت تولیت وقت و کارگزاران آستان قدس می‌گوید: این بنا در وسط صحن قرار گرفته و منظره صحن را بهم زده و باید تخریب شود و صحن بصورت چهار گوشه و مربع در آید و چهره این محل عوض شود.

کارگزاران آستان قدس در مجاورت صحن موزه کاراژی را خریدند و در آن محل ساختمان جدیدی برای کتابخانه بنا نمودند، بعد از اینکه ساختمان جدید تکمیل گردید، کتابها را به این محل انتقال دادند، طبقه زیرین این بنا به موزه آستان قدس اختصاص یافت و طبقات بالا به کتابخانه و قرائتخانه اختصاص پیدا کرد.

بعد از انتقال کتابها و اشیاء موزه به محل جدید ساختمان سابق خراب شد و جزء صحن موزه گردید، از شگفتیهای روزگار این است بنائی که به امر رضا شاه با آن مصالح محکم که از آهن و سنگ و سیمان بنا گردیده بود به دستور فرزندش محمد رضا شاه ویران گردید.

کتابخانه آستان قدس بعد از انقلاب

کتابخانه مبارکه رضویه بعد از انقلاب تحولات چشم‌گیری پیدا کرده این کتابخانه اکنون با روشهای جدیدی که در کتابخانه‌های بزرگ جهان بکار گرفته می‌شود فعالیت دارد، کتابخانه اینک بنام کتابخانه مرکزی آستان قدس نام گذاری شده، و علت

آن از این جهت است که آستان قدس در چند نقطه مشهد مقدس و شهرستانها کتابخانه دارد.

بعد از انقلاب بر تعداد کتابهای خطی و چاپی افزوده شده و کار فهرست‌نگاری ادامه دارد، نگهداری کتب خطی به روشهای علمی انجام می‌گیرد و اصول و قواعد کتاب و کتابخانه به نحو احسن تدوین شده و مورد عمل قرار می‌گیرد.

بعد از انقلاب برای کتابخانه رضویه ساختمان جدیدی بنا گردیده و در سه طبقه قرار دارد، یک طبقه زیر زمین و دو طبقه در بالا، قسمت بالا به خاطر رعایت ارتفاع گنبد و گلدسته‌ها امکان ساختن بیش از دو طبقه نبود، طبقه زیر زمین که یازده هزار متر مربع زیر بنا دارد با ارتفاع پنج متر ساخته شده است.

در این طبقه جایی بنام قلعه کتاب ساخته شده که بسیار محکم است در این قلعه که در حقیقت یک مخزن بزرگ کتاب می‌باشد در آن کتب خطی نفیس و نسخ گرانبها و ممتاز نگهداری می‌شوند و در هنگام جنگ و بمبارانهای احتمالی کتابها مصون می‌مانند. در طبقه هم کف که زیر بنای آن قریب به نه هزار متر مربع می‌باشد به ارتفاع چهار متر و نیم شامل سالن قرائت عمومی برای آقایان و قرائت عمومی برای بانوان و سالن کتب مرجع برای آقایان و بانوان سالن گردش کتاب و فیش‌دانا.

قسمتهای اداری، نماز خانه و قسمت‌هایی برای نشر کتاب و یک سالن بزرگ سخنرانی به عرض ۲۶ و طول ۴۲ متر همراه با سالن انتظار و یک فروشگاه کتاب در حاشیه بست بالا خیابان.

طبقه سوم با زیر بنای چهار هزار و پانصد متر مربع به ارتفاع سه متر شامل مخزن کتب خطی و چاپی بطور جداگانه، گنجینه قرآن سالن برای محققان و مطالعه کنندگان کتب خطی، امور هنری، خطاطی، تذهیب، فیلموتیک، صحافی و قرنطینه کتاب و مکانی برای محققان و نویسندگان.

این ساختمان جمعاً بیست و شش هزار متر مربع زیر بنا دارد و مجهز به سیستم

آتش‌نشانی، سیستم تلویزیونهای مدار بسته، آسانسورهای کتاب و سیستم ترجمه در آن واحد می‌باشد.

نگارنده گوید: ما درباره کتابخانه مبارکه رضویه در تاریخ استان قدس رضوی مفصل تحقیق و بررسی کرده‌ایم، و از جهات گوناگون از ویژه گیهای این مؤسسه دینی و فرهنگی بحث نموده‌ایم، جویندگان به کتاب تاریخ استان قدس رضوی از صفحه ۴۰۲ تا ۴۳۸ مراجعه کنند.

۲- کتابخانه مدرسه نواب

یکی از کتابخانه‌های مهم و معتبر در مشهد مقدس کتابخانه مدرسه نواب است از تأسیس این کتابخانه که در چه تاریخی پایه گذاری شده و بانی آن چه کسی بوده اطلاعی در دست نیست، ولی از کتابخانه‌های قدیمی مشهد مقدس بشمار می‌رود و همواره مورد استفاده طالبان علم بوده است.

در کتابخانه مدرسه نواب تعدادی کتب خطی نفیس و قدیمی هم وجود دارد، یکی از علماء مشهد مقدس در چند سال قبل فهرست مخطوطات آنرا نوشته و در یک کتاب چاپ شده است، یکی از متون کهن نهج البلاغه که در سال ۵۴۴ تحریر شده در این کتابخانه می‌باشد.

۳- کتابخانه فرهنگ

یکی از کتابخانه‌های قدیمی در مشهد مقدس کتابخانه فرهنگ می‌باشد، این کتابخانه از صدر مشروطیت در مشهد تأسیس شده و تاکنون چند بار نام آن تغییر کرده و از جایی به جایی منتقل گردیده و تحولاتی در آن پدید آمده است.

ما در فصل مدارس جدید مشهد نقل کردیم که انجمن خیریه سعادت برای نخستین بار در مشهد مقدس دبستانی تأسیس کرد، این انجمن در کنار دبستان نو بنیاد

قرائتخانه‌ای هم برای استفاده مردم تأسیس نمود و این نخستین کتابخانه‌ای بود که در خارج حوزه علمیه مشهد وجود پیدا کرد.

یکی از اعضا مؤثر انجمن خیریه سعادت شخصی بنام حاج عبدالرحیم صراف بود که در آن روز از ثروتمندان بزرگ مشهد بوده و بیشترین کمک را به انجمن این شخص انجام می‌داده، شغل وی صراف‌ی بوده و با همه منابع مالی در جهان آن روز در ارتباط بوده است.

نام این قرائتخانه را رحیمیه می‌گذارند و بعد از چندی به کتابخانه رحیمیه مشهور می‌شود، از آنجا که حاج عبدالرحیم بول زیادی به مدرسه و کتابخانه می‌دهد نام آن کتابخانه را رحیمیه می‌گذارند و سالها به همین نام در مشهد مقدس به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

در سال ۱۳۰۱ شمسی ملک‌زاده رئیس معارف وقت این کتابخانه را بنام کتابخانه انجمن ادبی تغییر نام پیدا می‌کند و به محل باغ نادری منتقل می‌گردد و توسعه می‌یابد، کتابخانه مزبور بعد از چندی به باغ ملی مشهد در خیابان ارک نقل مکان می‌کند و در آنجا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این کتابخانه پس از نقل مکان تحت نظر اداره فرهنگ خراسان قرار می‌گیرد و نام آن را هم کتابخانه فرهنگ می‌گذارند، بعد از مدتی در خیابان ارک نزدیک دبیرستان شاهرضا جنب اداره آموزش و پرورش ساختمانی برای این کتابخانه بنا می‌کنند و کتابخانه از باغ ملی به این محل نقل مکان می‌کند^(۱).

این کتابخانه تعدادی نسخ خطی هم دارد که فهرست شده و منتشر گردیده است، و همچنین شماری از روزنامه‌ها و مجلات قدیمی مشهد مقدس در این کتابخانه موجود می‌باشد.

۱- این کتابخانه بعد از انقلاب بنام دکتر علی شریعتی نام‌گذاری شده است.

۴- کتابخانه مسجد گوهرشاد

یکی از کتابخانه‌های معتبر مشهد مقدس کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد می‌باشد کتابخانه مسجد گوهرشاد سابقه طولانی ندارد و در حدود چهل سال از تأسیس آن می‌گذرد، کتابخانه نامبرده توانسته است در این زمان کوتاه جای خود را در میان اهل علم و ادب باز کند.

این کتابخانه در طول تاریخ تأسیس خود چند بار نقل مکان کرده و از جایی به جای دیگری رفته است ولی گردانندگان آن با صبر و حوصله کارهای خود را دنبال کردند و کتابخانه را حفظ نمودند، و اینک در یک ساختمان مجلل در نزدیک مسجد به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

در اسناد و مدارک مسجد گوهرشاد آمده بانی و مؤسس کتابخانه مسجد گوهرشاد مرحوم حاج سید سعید طباطبائی نائینی بوده است، آن مرحوم از رجال نیکوکار و علاقمند به فرهنگ و معارف اسلامی بود، او در سال ۱۳۳۲ شمسی اقدام به تأسیس این کتابخانه کرد و یادگاری بزرگ از خود به جای نهاد.

کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد در یک ساختمان زیبا و باشکوه در کنار صحن جمهوری اسلامی و بست شیخ بهاءالدین قرار دارد و از نظر موقعیت محلی امتیاز خاصی دارد، زائران حضرت رضا (علیه السلام) و دوستداران کتاب به راحتی می‌توانند از آن استفاده نمایند.

کتابخانه جدید مسجد گوهرشاد در یک هزار و دویست متر مربع بنا شده و مخزنی در حدود یکصد و هشتاد متر مربع دارد ساختمان کتابخانه از طرف آستان قدس رضوی بنا گردید و در سال ۱۳۶۸ با تشریفات خاصی بازگشائی شد و اکنون مورد استفاده می‌باشد.

در یک سند وقفی که اکنون در میان اسناد مسجد گوهرشاد می‌باشد آمده: شخصی بنام میرزا صدرالدین خان نجم السلطنه فرزند شیخ محمد حسن مجتهد

شیرازی مزرعه‌ای در جلگه رخ وقف مسجد گوهرشاد کرده و تاریخ وقف ۱۳۳۶ قمری است.

در آن وقف‌نامه نوشته: هرگاه مسجد گوهرشاد کتابخانه‌ای تأسیس کرد سی تومان از محل موقوفه او به کتابخانه بدهند و این مبلغ را کتب علمیه، حدیث، فقه، اصول، حکمت و غیره خریداری کنند و به اهل علم مجاناً بدهند.

نیت مرحوم نجم السلطنه و یا مرحوم حاج سید سعید طباطبائی نائینی که در این راه نخستین گام را برداشت و اساس کتابخانه را بنا نهاد موجبات ترقی و پیشرفت کتابخانه را فراهم کرده است نیت خیر و قصد قربت در کارها بسیار مؤثر می‌باشد، باید توجه داشت که مبلغ سی تومان در هشتاد و پنج سال قبل بسیار مبلغ قابل توجهی بوده است.

در کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد دستگاه فتوکپی، میکرو فیلم و دستگاه ظهور فیلم هم وجود دارد، اگر کسی عکسی از یک کتاب و یا فتوکپی از یک سند را بخواهد در اختیار متقاضی قرار می‌دهند، ضمناً یاد آوری می‌شود کتب خطی این کتابخانه فهرست شده و در دسترسی فضلاء قرار گرفته است.

ما درباره کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد و تحولات آن از بدو تأسیس تاکنون در تاریخ آستان قدس رضوی به تفصیل بحث کرده‌ایم، جویندگان می‌توانند به آن کتاب از صفحه ۷۵۸ تا ۷۶۱ مراجعه نمایند.

۵- کتابخانه مدرسه خوئی

یکی از کتابخانه‌های معتبر مشهد مقدس کتابخانه مدرسه خوئی می‌باشد، این کتابخانه همراه با تأسیس مدرسه مزبور به راه افتاده و اکنون مورد مراجعه طالبان علم می‌باشد، این کتابخانه در یک بنای مجلل و زیبا و باشکوه قرار دارد که بینندگان را بطرف خود جذب می‌کند.

در قسمت جنوبی مدرسه در حاشیه خیابان گنبدی بزرگ از دور جلب توجه می‌نماید، و افراد ناآشنا هرگز تصور نمی‌کنند این گنبد متعلق به مدرسه‌ای باشد و خیال می‌کنند آنجا یک مسجد می‌باشد، چون معمولاً در مدرسه‌ها گنبد و مناره نمی‌سازند. زیر این گنبد بزرگ یک مدرس برای تحصیل طلاب بنا گردیده که استادان در آنجا تدریس می‌کنند، زیر مدرس با همان مساحت کتابخانه مدرسه قرار دارد که در آن هزارها کتاب در موضوعات گوناگون موجود می‌باشد و زیر کتابخانه طبقه سوم یک پارکینگ بزرگ قرار دارد.

۶- کتابخانه مدرسه میرزا جعفر

در مدرسه میرزا جعفر سروقده مشهدی که از بناهای عصر صفوی می‌باشد، کتابخانه‌ای برای استفاده طلاب این مدرسه تأسیس شده و در آن تعدادی هم نسخه خطی می‌باشد که فهرست آن در مجله فرهنگ ایران زمین در سال ۱۳۵۱ چاپ شده است.

۷- کتابخانه مدرسه سلیمان خان

مدرسه سلیمان خان همانگونه که گذشت در زمان قاجاریه بنا گردیده است این مدرسه کتابخانه‌ای دارد و تعدادی نسخ خطی هم در آنجا محفوظ می‌باشد و نگارنده از آن نسخه‌ها استفاده کرده است، مخطوطات این کتابخانه هم فهرست شده و در یک مجموعه در سال ۱۳۵۱ به چاپ رسیده است.

۸- کتابخانه مدرسه خیرات خان

مدرسه خیرات یکی از مدارس قدیمه مشهد مقدس می‌باشد، در این مدرسه کتابخانه‌ای هم برای استفاده طالبان علوم تأسیس گردیده و در میان کتابها تعدادی هم

کتاب خطی می‌باشد، و در سالهای ۱۳۵۱ فهرستی برای مخطوطات این کتابخانه نوشته شده و چاپ گردید است.

کتابخانه‌های دانشگاه مشهد

دانشگاه مشهد مقدس دارای تعدادی دانشکده می‌باشد و ما در فصل سابق درباره دانشگاه و دانشکده‌ها مطالبی بنظر خوانندگان رسانیدیم، و اینک در اینجا درباره کتابخانه‌های دانشکده‌های دانشگاه مشهد اطلاعاتی در اختیار خوانندگان این کتاب قرار می‌دهیم.

۹- کتابخانه مرکزی دانشگاه مشهد

کتابخانه مرکزی هم زمان با تأسیس دانشگاه فعالیت خود را آغاز کرده است و از قدیم‌ترین کتابخانه‌های مشهد می‌باشد، این کتابخانه بیش از سی هزار جلد کتاب در موضوعات گوناگون به زبان‌های فارسی و خارجی دارد و به سایر کتابخانه‌ها هم خدمات فنی ارائه می‌کند.

یکی از کارهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهیه مجله‌ها و نشریات علمی به زبان‌های گوناگون برای استادان و دانشجویان می‌باشد، در حال حاضر بر اساس نوشته‌ای که در نشریه سال ۱۳۷۲ دانشگاه آمده بیش از هفتصد عنوان مجله علمی و نشریه ادواری تهیه می‌کند و در اختیار استادان و دانشجویان می‌گذارد.

۱۰- کتابخانه دانشکده الهیات

کتابخانه نامبرده از کتابخانه‌های مورد توجه فضلا و دانشمندان بوده و یکی از مراکز تحقیق در فرهنگ و معارف اسلامی می‌باشد، این کتابخانه از بدو تأسیس خود اقدام به تهیه کتاب از چاپی و خطی نمود و اینک دارای یک مجموعه از کتب مرجعی و

موضوعات گوناگون بشمار می‌رود.

کتابخانه دانشکده الهیات اقدام به خرید چند کتابخانه در مشهد مقدس نمود و افرادی از اهل علم و فضل هم کتابهای خود را به آنجا واگذار نمودند، کتابخانه دانشکده الهیات اکنون در حدود پنجاه هزار کتاب فارسی و عربی و بیش از دو هزار کتاب بزبان‌های اروپائی دارد.

در این کتابخانه تعدادی هم نسخ خطی موجود می‌باشد که فهرستی هم بر آنها نوشته شده است و مورد استفاده اهل فضل قرار می‌گیرند، در این کتابخانه تعدادی هم نشریات عربی و فارسی و مجله‌های علمی و ادبی بطور دوره‌ای نگهداری می‌شوند و مورد مراجعه قرار می‌گیرند.

۱۱- کتابخانه دانشکده ادبیات

کتابخانه دانشکده ادبیات از قدیم‌ترین کتابخانه‌های مشهد می‌باشد، از آنجا که دانشکده ادبیات از نخستین دانشکده‌های مشهد می‌باشد قطعاً کتابخانه آن هم از همه قدیم‌تر خواهد بود، کتابخانه نامبرده در طول تاریخ تأسیس خود به همت و کوشش رؤساء و اساتید آن گامهای بلندی برداشته و توسعه پیدا کرده است.

کتابخانه دانشکده ادبیات در سالهای گذشته تعدادی کتاب از فضلاء و ادبای مشهد خریداری کرد و چند نفر از علاقمندان هم کتابهای خود را به آنجا اهداء کردند و اینک یکی از کتابخانه‌های مورد توجه در مشهد مقدس می‌باشد.

کتابخانه دانشکده ادبیات برابر نوشته راهنمای دانشگاه مشهد چاپ ۱۳۷۲ دارای ۸۱ هزار جلد کتاب می‌باشد که از این تعداد ۴۱۷۰۰ جلد فارسی ۱۲۰۰۰ جلد کتاب عربی و ۲۷۱۰۰ جلد کتاب لاتین و بیش از ۴۹۰ نسخه خطی فارسی و عربی است.

بخش مجلات آن دارای بیش از ۲۰۰ عنوان نشریه و مجله داخلی و خارجی

شامل پنجاه عنوان دوره مجله فارسی و ۱۵۰ عنوان دوره مجله خارجی می باشد، ضمناً مخطوطات این کتابخانه فهرست شده و به چاپ رسیده است.

۱۲- کتابخانه دانشگاه علوم

کتابخانه این دانشکده از کتابخانه های مهم دانشگاه مشهد می باشد و در آن سی هزار جلد کتاب لاتین و شانزده هزار و نهصد و سی و چهار کتاب فارسی و دویست و پنجاه عنوان مجله است.

۱۳- کتابخانه دانشکده کشاورزی

این کتابخانه بیش از هفت هزار جلد کتاب فارسی و در حدود نه هزار کتاب بزبان های خارجی دارد و اغلب کتابها تخصصی بوده و مربوط به رشته های کشاورزی می باشد، در کنار این کتابخانه بخش نشریات داخلی و خارجی قرار دارد و مجموعاً ۶۱۳ عنوان می باشد.

۱۴- کتابخانه دانشکده تربیتی و روان شناسی

در کتابخانه این دانشکده بیش از ۲۴ هزار مجلد کتاب دارد که ۸۵۶ مجله آن بزبان لاتین و بقیه فارسی می باشند، و همچنین دارای بخش نشریات داخلی و خارجی هست که استادان و دانشجویان از آنها استفاده می کنند.

۱۵- کتابخانه دانشکده مهندسی

کتابخانه دانشکده مهندسی دارای بیش از ۲۳ هزار مجلد کتاب در زمینه های مختلف علمی و فنی است در حدود هفت هزار آن فارسی و بقیه بزبان های لاتین می باشد، این کتابخانه دارای بیش از ۳۴۰ عنوان نشریه خارجی و ۵۰ عنوان نشریه

داخلی است که در تحقیقات و گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی نقش عمده‌ای دارند.

۱۶- کتابخانه دانشکده علوم اداری و اقتصادی

این کتابخانه حدود نه هزار مجلد کتاب فارسی و بیش از دو هزار کتاب لاتین دارد، و همچنین در حدود شصت نشریه فارسی و بیست و پنج نشریه لاتین در این کتابخانه موجود می‌باشد.

۱۷- کتابخانه دانشکده دامپزشکی

این کتابخانه جدید الاحداث می‌باشد و در آن تعدادی کتاب بزبان‌های فارسی و لاتین موجود است و تعدادی مجله خارجی و داخلی هم فراهم آمده و آماده ارائه خدمات به دانشجویان و اعضاء هیئت علمی می‌باشد.

۱۸- کتابخانه باغ نادرشاه

پس از اینکه مقبره نادرشاه افشار تجدید بنا گردید و بصورت کنونی در آمده، انجمن آثار ملی ایران که اکنون انجمن مفاخر فرهنگی نام‌گذاری شده در کنار آن کتابخانه‌ای تأسیس کرد، بعد از انقلاب کتابخانه عمومی خیام که در دروازه قوچان مشهد قرار داشت به این مکان منتقل گردید.

کتابخانه خیام در سال ۱۳۵۰ توسط اداره فرهنگ و هنر، خراسان تأسیس شده بود و چون جای آن مناسب نبود به کتابخانه باغ نادری آورده شد و در آن ادغام گردید و بنام کتابخانه علامه طباطبائی نام‌گذاری شد این کتابخانه دارای شانزده هزار مجلد کتاب می‌باشد و مورد استفاده اهالی مشهد و زائران قرار دارد.

کتابخانه‌های محلات مشهد

آستان قدس رضوی و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان در بعضی از محلات مشهد کتابخانه و قرائت خانه تأسیس کرده‌اند، این کتابخانه‌ها مورد استفاده مردم می‌باشند مخصوصاً دانش آموزان مدارس از این کتابخانه‌ها بهره‌مند می‌گردند، و ما اینک نام این کتابخانه‌ها را در زیر بنظر خوانندگان می‌رسانیم.

۱۹- کتابخانه انصار المهدی در کوی طلاب

۲۰- کتابخانه مسجدالرضا در احمدآباد

۲۱- کتابخانه خواجه ربیع

این کتابخانه‌ها توسط آستان قدس رضوی اداره می‌شوند و اما کتابخانه‌های تحت نظر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی عبارتند از:

۲۲- کتابخانه شهید باهنر خیابان انقلاب اسلامی

۲۳- کتابخانه طبرسی بلوار جمهوری اسلامی

۲۴- کتابخانه فردوسی سه راه کاشانی

۲۵- کتابخانه نواب صفوی پنج راه

۲۶- کتابخانه مفتاح سی متری طلاب

۲۷- کتابخانه آرامگاه فردوسی

۲۸- کتابخانه طبقه میدان شهرداری

نگارنده گوید:

کتابخانه‌هایی که در اینجا مورد بحث قرار گرفت، کتابخانه‌های رسمی و مشهور مشهد می‌باشند تعدادی از آنها عمومی می‌باشند و همه طبقات می‌توانند از آنها استفاده کنند و شماری هم خصوصی هستند و آنها کتابخانه‌های مدارس علوم دینی و دانشکده‌ها می‌باشند که فقط طلاب و دانشجویان از آنها استفاده می‌کنند.

کتابخانه‌های مشهد مقدس منحصر به این چند کتابخانه نیست، در مساجد و

حسینیه‌ها و دبیرستان‌ها و سایر مراکز آموزشی و همچنین در منازل علماء و اساتید دانشگاه‌ها و رجال و شخصیت‌های مشهد کتابخانه‌هایی هستند و مورد استفاده می‌باشند.

روزنامه‌های مشهد مقدس از آغاز تا امروز

روزنامه‌های مشهد مقدس

وقایع نگاری و خاطره نویسی و ثبت حوادث از زمانهای بسیار دور در جوامع بشری معمول و رایج بوده است، گروهی از رجال علم و ادب و سیاست به ضبط حوادث و جمع‌آوری اطلاعات روزمره پرداخته‌اند، و اخبار و رویدادهای زمان خود را گرد آورده‌اند.

در این میان گروهی به ادبیات روی آورده‌اند و اشعار شاعران معاصر خود را گردآوری کرده‌اند، و تعدادی به نوشتن حوادث و وقایع سیاسی روز پرداخته‌اند، و افرادی هم اخبار و رویدادهای روزانه را جمع نموده‌اند و آنچه در اطراف آنها می‌گذشته در دفتری یادداشت می‌نمودند.

روزنامه یک کلمه فارسی است، و معنای آن هم معلوم است که آنچه در یک روز

اتفاق افتاده از طرف نویسنده در یک مکتوبی ثبت شده است در زمانهای گذشته معمول بوده که سلاطین و حاکمان افرادی را مأمور می‌کردند تا وقایع و حوادث ایام آنها را بنویسند.

از این رو وقایع نگاری در همه دربارها معمول بوده است مخصوصاً در هنگام جنگها وقایع نگاران، حاضر بودند و آنچه در جنگها می‌گذشت یادداشت می‌نمودند و بعد بصورت کتاب تدوین می‌گردید و از آن نسخه‌های زیادی نوشته می‌شد و برای سلاطین و امیران فرستاده می‌شد.

روزنامه از زبان فارسی بزبان عربی هم وارد شده و در کتابهای عربی از آن به الروزنامجه تعبیر شده است صاحب بن عباد وزیر معروف کتابی بنام «الروزنامجه» داشته است.

ابن عبد ربه اندلسی در مجلد ششم عقد الفرید از ابو عبدالله مروزی نقل می‌کند که وی گفت: حبان بن موسی و سدید که از همراهان و مصاحبان عبدالله بن مبارک بودند گفتند: ما همراه ابن مبارک برای جهاد بطرف روم حرکت کردیم، در یکی از کوجه‌های شهر مصیصه یک دیوانه‌ای این بیت را می‌خواند:

أَذْلَنِي الْهُوَى فَاَنَا الذَّلِيلُ وَ لَيْسَ إِلَيَّ الْهُوَى سَبِيلُ.

فاخرج رزنامجا من كمه فكتب البيت، فقلنا أكتب بيت شعر سمعته من سكران، قال: أما سمعتم المثل رب جوهرة في مزبلة.

همراهان عبدالله بن مبارک به او گفتند: تو شعر یک دیوانه را در دفتر روزنامه خود یادداشت می‌کنی؟ عبدالله گفت: مگر شما این ضرب‌المثل را نشنیده‌اید که بسا گوهرهایی که در مزبله‌ها قرار گرفته‌اند، مقصود ابن مبارک این بود که هر سخنی خوبی را که بگوشتان رسید آن را یادداشت کنید و از آن استفاده نمائید.

ثعالبی مؤلف یتیمه‌الدهر از صاحب بن عباد وزیر معروف و ادیب مشهور نقل می‌کند که او در کتاب «الروزنامجه» درباره شعر «لحظة» شاعره بنی طولون اظهار نظر

کرده و در کلمه دروز در آن کتاب تحقیق نموده است از آن دو نقل معلوم می‌شود که روزنامه و روزنامه سابقه‌ای کهن دارند.

عبدالله بن مبارک مروزی از تابعان و محدثان بزرگ عصر خود بود و همچنین صاحب بن عباد که از ادباء و شعراء معروف قرن چهارم هجری می‌باشد، کتابی بنام روزنامه داشته‌اند، و اخبار روز را در آن می‌نوشته‌اند و این را امروز خاطرات گویند. در کتابخانه دانشگاه لکهنؤ هندوستان کتابی فارسی دیدم بنام «روزنامه مهم قندهار» این کتاب در زمان شاه جهان پادشاه هندوستان نوشته شده است، اورنگ زیب در آن زمان با لشگری بطرف قندهار آمد و می‌خواست قلعه قندهار از سلاطین صفویه بگیرد.

او چند ماه قلعه را محاصره کرد تا حاکم قندهار قلعه را به او تسلیم کند، ایرانیان که نگهبانان قلعه بودند مقاومت کردند، لشگریان هندوستان به فرمان اورنگ زیب با توپ قلعه را مورد حمله قرار دادند، ولی با همه عده و عده‌ای که داشتند موفق به فتح قلعه نشدند.

اورنگ زیب پس از چند ماه قلعه را رها کرد و بطرف هندوستان رهسپار شد، یکی از همراهان اورنگ زیب حوادث و وقایع ایام محاصره قندهار را بطور روزانه نوشته و نام آن را «روزنامه مهم قندهار» نهاده است، بنابراین کلمه روزنامه از قدیم مورد استفاده علماء و دانشمندان بوده است.

روزنامه به معنی امروزی در زمان قاجاریه در ایران معمول گردید، و این نوع روزنامه‌نگاری به تقلید از اروپائیان در ایران پدید آمد، ایرانیان فرنگ رفته در آنجا روزنامه‌های زیادی مشاهده کردند که با عناوین گوناگون در شهرها و قصبات چاپ و منتشر می‌گردید و اخبار جهان به اطلاع مردم می‌رسید.

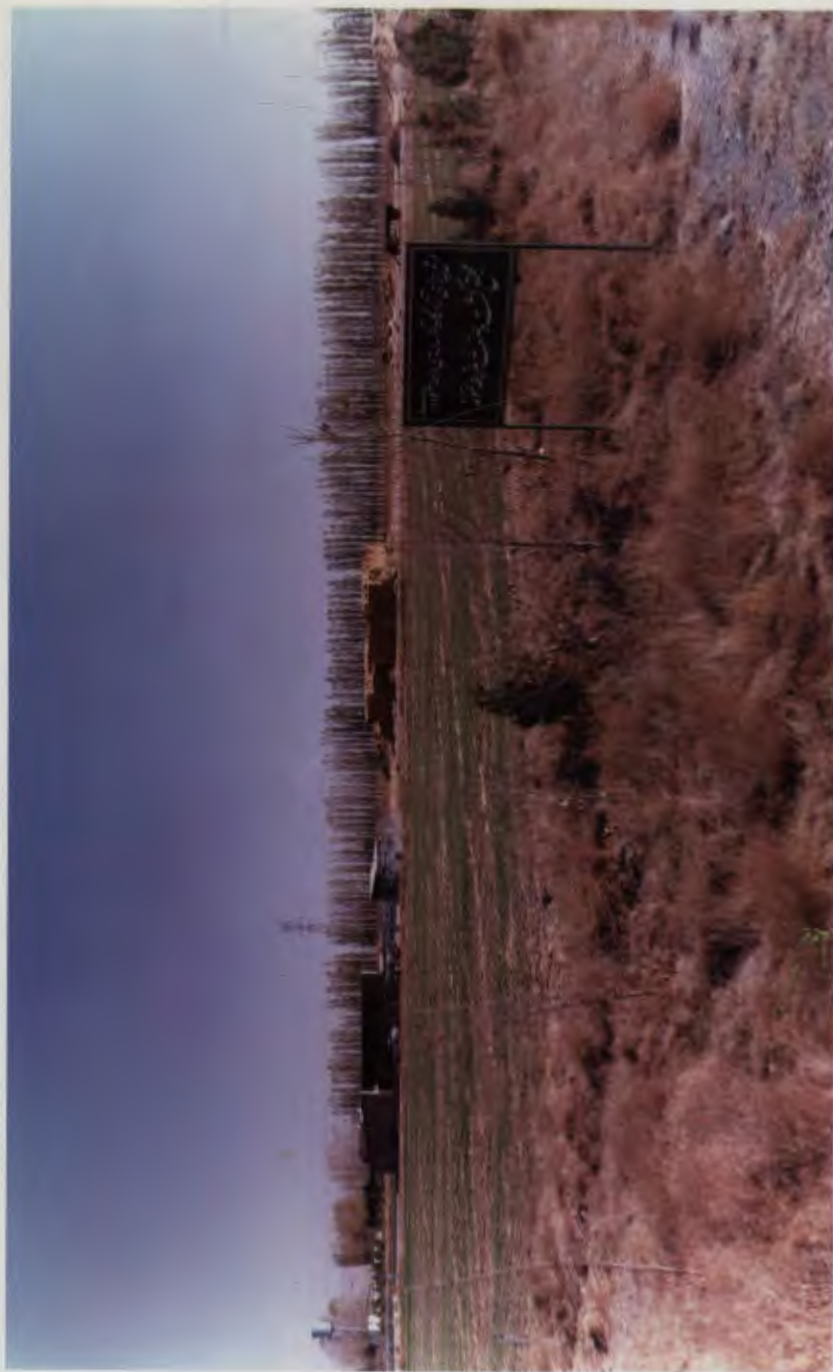
تعدادی از این ایرانیان که از فرنگ برگشتند اقدام به تأسیس روزنامه و نشر آن در میان مردم نمودند، نخست روزنامه‌ها دولتی بودند، نویسندگان و مدیران و کارمندان



شماره ۱۷ - باغ امام رضا علیه السلام در مشهد صفحه ۴۵۷



شماره ۱۸ - مزرعه آستان قدس در کنوینت صفحه ۳۵۰



شماره ۱۹ - مزرعه نمونه آستان قدس صفحه ۳۵۰



شماره ۲۰ - نمونه‌ای از باغات پسته‌آستان قدس صفحه ۳۵۱



شماره ۲۱ - یکی از مزارع نمونه صفحه ۳۵۰



شماره ۲۲ - کارخانه نازری صفحه ۳۶۱



شماره ۲۳ - شهرک رضوی



روزنامه‌ها را کارگزاران دولت و درباریان و مقامات رسمی بشمار می‌رفتند و اخبار و حوادث را طبق نظر حکومت می‌نوشتند.

پس از برقراری مشروطیت روزنامه‌های غیردولتی هم به میدان آمدند، و مطالبی بر ضد حکومت‌ها و دولت‌ها منتشر نمودند، و مجلس هم برای روزنامه نگاران حدود و مقرراتی تعیین کرد، و آنان بر حسب قانون مطبوعات به کار خود ادامه می‌دادند.

بر طبق مدارک و اسناد روزنامه نخست در تبریز توسط چند نفر از روشنفکران تأسیس گردید، و بعد از مدتی به تهران کشیده شد و بعد به مراکز استانها و شهرستانها رفت، گردانندگان این روزنامه‌ها ایرانیان اروپا دیده و آشنا با تمدن غرب بودند.

در مشهد مقدس قبل از مشروطه روزنامه‌ای بنام «خراسان» و «روزنامه شهر مشهد» از طرف دولت چاپ می‌شده و منحصر به اخبار حکومتی بوده است، روزنامه وقائع اتفاقیه از این دو روزنامه یعنی روزنامه خراسان و روزنامه شهر مشهد نام برده است.

بعد از مشروطیت روزنامه‌های متعددی در شهر مشهد چاپ می‌شده روزنامه‌ها اغلب سیاسی و اجتماعی بودند، روزنامه‌ها در آن ایام مردم را به فرهنگ اروپائی و تجدد دعوت می‌کردند و از مزایای فرهنگ اروپائی تعریف و توصیف می‌نمودند. اکثر روزنامه‌های مشهد وابسته به حکومت و یا جریانها و احزاب سیاسی بودند و با محافل روشنفکری ارتباط داشتند، گروهی از روزنامه‌نگاران اهداف سیاسی داشتند و جماعتی هم برای ورود به مراکز قدرت و گرفتن مقام روی به روزنامه‌نویسی آوردند، و عده‌ای هم بدنبال کسب مال و ثروت بودند.

درباره روزنامه‌ها و مجلات مشهد تحقیق درستی انجام نگرفته، اگر مقالاتی در این موضوع در بعضی مجلات نوشته شده جامع نیست، ما در این جا سعی می‌کنیم فهرستی از روزنامه‌ها و نشریات مشهد مقدس از آغاز تا امروز فراهم کنیم و در اختیار عامه مردم قرار دهیم و اینک نام روزنامه‌های مشهد مقدس.

- ۱- آتش شرق، اجتماعی و خبری مدیر حمید شعاعی تأسیس ۱۳۲۹
- ۲- آزاد، سیاسی و انتقادی، مدیر عبدالقدیر سبزواری تأسیس ۱۳۰۲
- ۳- آفتاب شرق سیاسی و خبری، مدیر علی آموزگار تأسیس ۱۳۰۳
- ۴- آفتاب شرق هفتگی، علمی، اجتماعی و ادبی مدیر نرگس آموزگار.
- ۵- آوای همایون سیاسی مذهبی مدیر عبدالعلی رضائی تأسیس ۱۳۵۹
- ۶- آهنگ خاور اجتماعی و انتقادی مدیر محمدباقر تعبدی تأسیس ۱۳۴۱
- ۷- اخبار اداره اطلاعات شوروی در مشهد
- ۸- اخبار پاکستان، سیاسی و اجتماعی، توسط سرکنسولگری پاکستان
- ۹- آزادی، سیاسی، اجتماعی، و خبری مدیر علی اکبر گلشن تأسیس ۱۳۰۴
- ۱۰- اخبار تازه روز سرکنسولگری روسیه در مشهد
- ۱۱- ادب، سیاسی و ادبی، مدیر محمدصادق حسینی تأسیس ۱۳۱۸
- ۱۲- اطلس، سیاسی، اجتماعی و خبری مدیر حمید شجاعی تأسیس ۱۳۱۹
- ۱۳- ایران مبارز، سیاسی و اجتماعی مدیر امین شهیدی تأسیس ۱۳۲۹
- ۱۴- بهار خبری مدیر احمد بهار تأسیس ۱۲۹۶
- ۱۵- پرچم شرق، سیاسی و اجتماعی مدیر شاهقمدی تأسیس ۱۳۳۰ هفتگی
- ۱۶- جنگ، سیاسی، اجتماعی، و فکاهی مدیر محمود حاجیان تأسیس ۱۳۵۷
- ۱۷- چمن، اجتماعی و خبری مدیر شمس‌المعالی تأسیس ۱۲۹۳ هفتگی
- ۱۸- خورشید
- ۱۹- خوشه، سیاسی مدیر عبدالله برقی تأسیس، ۱۳۳۰
- ۲۰- دادگستران، سیاسی، اجتماعی و ادبی مدیر سجادی تأسیس ۱۳۲۲
- ۲۱- دلی نیوز بولتن سرکنسولگری، انگلیس در مشهد ۱۳۲۵
- ۲۲- روزنامه مشهد دولتی در زمان ناصرالدین شاه
- ۲۳- روزنامه خراسان دولتی در زمان ناصرالدین شاه

- ۲۴- روزنامه وقایع خراسان دولتی در زمان ناصرالدین شاه
- ۲۵- راستی، اجتماعی و سیاسی از حزب توده مدیر پروین گنابادی ۱۳۲۲
- ۲۶- زرین، سیاسی اجتماعی مدیر قاسم زرین نگار تأسیس ۱۳۲۹
- ۲۷- سایه روشن، سیاسی و ادبی مدیر کاظم نیک تأسیس ۱۳۳۰ هفتگی
- ۲۸- ستاره ملت، سیاسی و دینی مدیر حسین عکاس تأسیس ۱۳۳۹ هفتگی
- ۲۹- سیاه و سفید اجتماعی مدیر اسماعیل آموزگار تأسیس ۱۳۲۰
- ۳۰- شادی، سیاسی و خبری مدیر علی تعاونی تأسیس ۱۳۲۹ هفتگی
- ۳۱- شهادت، سیاسی، اجتماعی و خبری مدیر محمدخان خراسانی ۱۳۰۶
- ۳۲- صدای خراسان، سیاسی و اجتماعی مدیر حبیب‌الله امامی تأسیس ۱۳۲۸

هفتگی

- ۳۳- طوس، سیاسی و اجتماعی مدیر حسن احمدی تأسیس ۱۳۱۲
- ۳۴- فرشید، سیاسی و اجتماعی مدیر علی اکبر فرشیدی تأسیس ۱۳۳۰ هفتگی
- ۳۵- فکر آزاد، سیاسی، انتقادی و خبری مدیر احمد دهقان تأسیس ۱۳۰۱

هفتگی

- ۳۶- مهر وطن، سیاسی و اجتماعی مدیر پرویز اسفندیاری تأسیس ۱۳۳۰

هفتگی

- ۳۷- ناطق خراسان، سیاسی و خبری مدیر ناطق تأسیس ۱۳۳۰ هفتگی
- ۳۸- نخجیر، سیاسی و خبری مدیر غلامرضا قهرمان تأسیس ۱۳۳۰ هفتگی
- ۳۹- ندای خراسان، اجتماعی، سیاسی و انتقادی مدیر نوح خراسانی ۱۳۲۵
- ۴۰- ندای خراسان، سیاسی و خبری مدیر حسین محمودی تأسیس ۱۳۳۰

هفتگی

- ۴۱- نور ایران سیاسی، اجتماعی و بهداشتی مدیر محمد نوری تأسیس ۱۳۳۰
- ۴۲- نور خراسان، سیاسی و اجتماعی مدیر پالیزبان تأسیس ۱۳۳۰

۴۳- هوشیار اجتماعی و سیاسی مدیر عباس هوشیار تأسیس ۱۳۵۹

۴۴- هیرمند اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مدیر عبدالمجید فیاض تأسیس

۱۳۲۷

۴۵- روزنامه ارض اقدس دولتی زمان ناصرالدین شاه

روزنامه‌ها و نشریاتی که نامبرده شدند، قبل از مشروطیت و بعد از مشروطیت تا انقلاب اسلامی ایران در مشهد چاپ و منتشر می‌شدند و اکنون وجود ندارند، ما این اسامی را از فهرس کتابخانه مبارکه رضویه و منابع گوناگون تهیه کردیم و ممکن است روزنامه‌های دیگری هم بوده‌اند که ما از آنها اطلاع نداریم.

در فهرست روزنامه‌ها و مجلات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان از تعدادی روزنامه که قبل از انقلاب در مشهد چاپ می‌شدند اضافه بر آنچه ما بنظر خوانندگان رسانیدیم نامبرده شده که اینک به اطلاع می‌رسانیم.

۱- ادب سال تأسیس ۱۲۷۹

۲- بشارت سال تأسیس ۱۲۸۴

۳- نوبهار سال تأسیس ۱۲۸۸

۴- عصر جدید سال تأسیس ۱۲۸۸

۵- تازه بهار سال تأسیس ۱۲۸۹

۶- ولد امین سال تأسیس ۱۲۸۹

۷- مینو سال تأسیس ۱۲۹۲

۸- آگاهی سال تأسیس ۱۲۹۳

۹- وطن سال تأسیس ۱۲۹۴

۱۰- سلامت سال تأسیس ۱۲۹۷

۱۱- شرق ایران سال تأسیس ۱۲۹۷

۱۲- اخلاق سال تأسیس ۱۲۹۹

- ۱۳- مهر منیر سال تأسیس ۱۲۹۹
- ۱۴- صدای شرق سال تأسیس ۱۳۰۳
- ۱۵- وقت سال تأسیس ۱۳۰۳
- ۱۶- بوستان سال تأسیس ۱۳۰۳
- ۱۷- بهار شرق سال تأسیس ۱۳۰۳
- ۱۸- آزادی سال تأسیس ۱۳۰۴
- ۱۹- امروز سال تأسیس ۱۳۰۴
- ۲۰- صاعقه شرق سال تأسیس ۱۳۰۴
- ۲۱- مشرق زمین سال تأسیس ۱۳۰۵
- ۲۲- روشن سال تأسیس ۱۳۰۶
- ۲۳- حافظ ایران سال تأسیس ۱۳۰۷
- ۲۴- آتشکده سال تأسیس ۱۳۰۸
- ۲۵- آشفته سال تأسیس ۱۳۰۸
- ۲۶- اردیبهشت سال تأسیس ۱۳۰۹
- ۲۷- اخبار تازه روز سال تأسیس ۱۳۲۰
- ۲۸- افکار خلق سال تأسیس ۱۳۲۰
- ۲۹- کارگران سال تأسیس ۱۳۲۰
- ۳۰- ندای دادگستران سال تأسیس ۱۳۲۳
- ۳۱- میر سال تأسیس ۱۳۲۷
- ۳۲- ایران ما سال تأسیس ۱۳۲۸
- ۳۳- داد خراسان سال تأسیس ۱۳۲۸
- ۳۴- سنگر خاور سال تأسیس ۱۳۲۸
- ۳۵- آتش شرق سال تأسیس ۱۳۲۹

- ۳۶- اطلس سال تأسیس ۱۳۲۹
- ۳۷- ایران مبارز سال تأسیس ۱۳۲۹
- ۳۸- رستاخیر عدل سال تأسیس ۱۳۳۰
- ۳۹- زرین سال تأسیس ۱۳۳۰
- ۴۰- طوفان اجتماع سال تأسیس ۱۳۳۰
- ۴۱- فرشید سال تأسیس ۱۳۳۰
- ۴۲- پارت سال تأسیس ۱۳۳۱
- ۴۳- رگبار شرق سال تأسیس ۱۳۳۱
- ۴۴- خراسان بانوان سال تأسیس ۱۳۳۹
- ۴۵- آهنگ خاور سال تأسیس ۱۳۴۰
- ۴۶- راه و روش بهداشت سال تأسیس ۱۳۴۱
- ۴۷- ستاره طوس سال تأسیس ۱۳۴۲
- ۴۸- مجله دبستان به مدیریت سید حسن مشکان

با این دو فهرست معلوم گردید که در مشهد مقدس رضوی از زمان ناصرالدین شاه که برای نخستین بار در مشهد روزنامه به معنی و اصطلاح امروز چاپ شد تا قبل از انقلاب اسلامی ایران در حدود ۹۳ روزنامه روزانه، هفتگی و یا فصلی چاپ و منتشر شده‌اند، تحقیق درباره این روزنامه‌ها و جریانهایی که در مشهد از این روزنامه‌ها بهره می‌بردند خود نیازمند تألیف یک کتاب مستقل می‌باشد.

روزنامه‌های بعد از انقلاب اسلامی

بعد از انقلاب اسلامی ایران روزنامه‌ها، مجلات و نشریه‌هایی از طرف مؤسسات و سازمانهای فرهنگی و استادان و نویسندگان چاپ و منتشر می‌گردد، مخصوصاً استان قدس رضوی که امروز یکی از ناشران بزرگ کشور می‌باشد و تعدادی روزنامه و مجله

انتشار می‌دهد، و ما اکنون در این اسامی نشریات مشهد مقدس را که پروانه نشر دریافت کرده‌اند بنظر خوانندگان می‌رسانیم

۱- اسفرائین صاحب امتیاز و مدیر مسئول علی‌اصغر جعفری، ماهانه آموزشی، پژوهشی و خبری مجوز ۱۳۷۵/۱۱/۳۰

۲- اقتصاد آسیا صاحب امتیاز و مدیر مسئول حمیدرضا شوشتریان هفتگی، اقتصادی و خبری مجوز ۱۳۷۱/۸/۲۵

۳- اندیشه صاحب امتیاز دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مدیر مسئول مصباح عاملی، سیاسی فرهنگی و اجتماعی، این مجله از طرف حوزه علمیه مشهد منتشر می‌شود. مجوز ۱۳۷۱/۵/۱۳

۴- بهورز، صاحب امتیاز مرکز بهداشت استان مدیر مسئول غلام‌حسین خدائی، علمی، فصلی، مجوز ۱۳۷۳/۸/۱۴

۵- تازه‌های روان درمانی صاحب امتیاز و مدیر مسئول محمد مهدی خدیوی زند، آموزشی و پژوهشی، ادواری مجوز ۱۳۷۰/۱۲/۲۱

۶- پیام ماهنامه صاحب امتیاز اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی خراسان مدیر مسئول موسی شربت‌دار، خبری آموزشی مجوز ۷۷/۲/۲۲

۷- پیک دانشگاه، صاحب امتیاز دانشگاه فردوسی مشهد مدیر مسئول سید محمود سیدی، خبری و آموزشی ماهنامه مجوز ۱۳۷۶/۹/۳

۸- پیک هفته، صاحب امتیاز وحید ابوهادی خبری تحلیلی، آموزشی هفتگی، مدیر مسئول ابوهادی مجوز ۱۳۷۶/۵/۸

۹- ثامن الحجج، مدیر مسئول ناصر امیری مقدم دلونی

۱۰- جاده ابریشم، صاحب امتیاز و مدیر مسئول علی‌خداشناس خبری آموزشی و اطلاع‌رسانی مجوز ۱۳۷۶/۹/۱۶

۱۱- حرم، صاحب امتیاز آستان قدس رضوی، مدیر سید احمد مؤذن خبری و

تحلیلی ماهانه، مجوز ۱۳۷۴/۴/۴

۱۲- خاوران صاحب امتیاز حسن میرنژاد، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی

هفتگی مجوز ۱۳۶۹/۴/۱۹

۱۳- خبرنامه صاحب امتیاز انجمن شرکتهای ساختمانی مدیر مسئول علی علی نژاد

خبار، خبری آموزشی، فصلی مجوز ۱۳۷۶/۸/۴

۱۴- خراسان، صاحب امتیاز بنیاد شهید انقلاب اسلامی، مدیر مسئول حسین غزالی،

سیاسی و اجتماعی روزانه مجوز ۱۳۶۸/۱۱/۱۱، لازم است تذکر داده شود روزنامه خراسان در حدود پنجاه سال پیش به مدیریت و صاحب امتیازی محمدصادق تهرانیان در مشهد تأسیس گردید.

این روزنامه نخستین نشریه روزانه در مشهد مقدس بود و هر روز هنگام صبح در سطح شهر پخش می شد و در خراسان معروفیتی بدست آورد، بعد از پیروزی انقلاب از مدیران و گردانندگان آن خلع ید گردید و به نفع دولت مصادره شد و اکنون در اختیار بنیاد شهید می باشد.

۱۵- راز بهزیستی صاحب امتیاز سازمان منطقه ای بهداشت و درمان خراسان،

مدیر مسئول دکتر غلامرضا خزائی، خبری و آموزشی فصلنامه مجوز ۱۳۷۳/۸/۱۴

۱۶- زائر، صاحب امتیاز مؤسسه فرهنگی قدس وابسته به آستان قدس رضوی،

مدیر مسئول محمود روحانی نژاد، فرهنگی، اعتقادی ماهانه مجوز ۱۳۷۲/۱۱/۲۰

۱۷- شهر آراء صاحب امتیاز شهرداری مشهد، مدیر مسئول عباس امیری پور،

فرهنگی و اجتماعی، هفتگی مجوز ۱۳۷۴/۶/۷

۱۸- طوس، صاحب امتیاز و مدیر مسئول محمدصادق جوادی حصار سیاسی،

فرهنگی و اقتصادی هفتگی مجوز ۱۳۷۰/۱۲/۲۸

۱۹- علوم و صنایع کشاورزی صاحب امتیاز دانشگاه فردوسی مدیر مسئول

محمدابراهیم بازاری، علمی و پژوهشی فصلی مجوز ۱۳۶۸/۵/۱۸

- ۲۰- فصلنامه جغرافیائی، صاحب امتیاز محمدحسین پاپلی یزدی، علمی پژوهشی فصلی مجوز ۱۳۶۵/۱۰/۱۴
- ۲۱- فصلنامه تاریخی صاحب امتیاز و مدیر مسئول ابوالفضل نبئی، خبری و آموزشی ماهانه مجوز ۱۳۷۷/۳/۲
- ۲۲- قدس، صاحب امتیاز آستان قدس رضوی، مدیر مسئول سیدجلال فیاضی، سیاسی و اجتماعی روزانه مجوز ۱۳۶۵/۱۲/۲۴، روزنامه قدس امروز بطور روزانه در مشهد و تهران به چاپ می‌رسد، و در سراسر کشور پخش می‌شود و از جرائد معتبر کشور به حساب می‌آید.
- ۲۳- مترجم، صاحب امتیاز علی خزاعی، مدیر مسئول علیرضانوری گرمودی، علمی و فرهنگی، فصلی، مجوز ۱۳۷۳/۸/۱۴
- ۲۴- مجله دانشکده ادبیات مدیر مسئول محمد مهدی رکنی، پژوهشی و علمی مجله دانشکده ادبیات مشهد از مجلات قدیم است که توسط دانشکده چاپ می‌شود.
- ۲۵- مجله دانشکده الهیات، مدیر مسئول محمود یزدی مطلق، این مجله نیز از مجلات قدیم مشهد مقدس می‌باشد، و شماره‌های زیادی از آن چاپ شده است و تاریخ تأسیس آن ۱۳۲۴/۳/۲ می‌باشد.
- ۲۶- مجله دانشکده مهندسی، صاحب امتیاز دانشگاه فردوسی مدیر مسئول علی حائریان اردکانی، آموزشی و پژوهشی فصلنامه مجوز ۱۳۷۵/۱۲/۱۱.
- ۲۸- مشکوة صاحب امتیاز بنیاد پژوهشهای اسلامی، مسئول محمد واعظ زاده خراسانی، دینی، علمی و فرهنگی، فصلی مجوز ۱۳۶۶/۶/۵
- ۲۹- نامه گناباد صاحب امتیاز و مدیر مسئول ابوالقاسم شفیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ماهانه مجوز ۱۳۷۲/۱۲/۱۱
- ۳۰- نسیم بجنورد صاحب امتیاز و مدیر مسئول محمدابراهیم محمدی خبری، آموزشی و پژوهشی ماهانه مجوز ۱۳۶۸/۴/۴

- ۳۱- نگاره صاحب امتیاز اتحادیه انجمن دانش آموزان خراسان مدیر مسئول حسین شادکام، خبری و آموزشی ماهانه مجوز ۱۳۷۶/۲/۲۴
- ۳۲- نیوار صاحب امتیاز هواشناسی کشور مدیر مسئول علی محمد نوریان، علمی و فنی، فصلی مجوز ۱۳۷۰/۲/۷
- ۳۳- هوشیار صاحب امتیاز و مدیر مسئول سید عباس هوشیار امامی اجتماعی، اقتصادی و انتقادی، هفتگی مجوز ۱۳۵۹/۲/۸

چاپخانه‌های مشهد مقدس از آغاز تا امروز

چاپخانه‌های مشهد مقدس

از اینکه در چه سالی چاپخانه به مشهد مقدس آمده و چه کسی آن را وارد کرده است، مستند درستی در دست نمی‌باشد ولی آن چه مسلم است در سال ۱۳۰۷ قمری آستان قدس رضوی اقدام به تأسیس چاپخانه کرده و نخستین چاپخانه متعلق به روضه مبارکه رضویه بوده است.

روزنامه ایران در شماره ۷۱۸ روز دوشنبه ۱۳ شوال المکرم سال ۱۳۰۷ قمری جلد چهارم صفحه ۲۸۹۱ نوشته: از قرار مسطورات خراسان این اوقات در اداره آستانه مقدسه حضرت رضویه علیه آلاف الثناء و التحية مطبوعه دائر شده و کتاب ینابیع المودة در اثبات امامت که تاکنون بهتر از این کتاب کسی تألیف و تصنیف نکرده است. شیخ سلیمان صدوری بخارانی که از فحول علماء اخبار است که جمیع ادله و

اخبار را از کتب معتبره علماء عامه رضی الله عنهم نقل کرده است و نسخه آن قلیل الوجود و عسیر الحصول بود، اعتماد التولیه وزیر آستانه مقدسه سرکار فیض آثار رضوی بدست آورده.

در کمال صحت عبارت و خوش خطی در مطبعه آستانه مشغول انطباع می باشند و انشاء الله عن قریب سمت اتمام یافته چون مقصود عمده معزی الیه ثواب اخروی است بعد از اتمام بقیمتی مختصر و مناسب بفروش خواهند رسانید.

چاپخانه آستان قدس رضوی چاپ سنگی بوده است که در آن ایام در تهران و سایر مراکز استانها هم چاپخانه ها سنگی بوده اند، در فهرستی که نام چاپخانه های مشهد مقدس در آن نوشته شده و از طرف اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان در اختیار این جانب گذاشته اند آمده:

اولین چاپخانه مشهد بنام خراسان در سال ۱۲۹۱ شمسی با مدیریت شیخ احمد بهار با یک ماشین مسطح شروع بکار کرد، این چاپخانه سربی و برای نخستین بار در مشهد بکار گرفته شده است، و قبلا همه چاپخانه ها در مشهد سنگی بوده اند.

بعد از این مردم با فوائد و مزایای چاپخانه آشنا شدند، و اقدام به تأسیس آن کردند، سازمانهای دولتی و شخصیت های علاقه مند به فرهنگ و ادب چاپخانه های متعددی تأسیس نمودند و اکنون نام چاپخانه ها را در اینجا بنظر خوانندگان این کتاب می رسانیم.

۱- آزادی	۷- ایران	۱۳- تدین
۲- آستان قدس رضوی	۸- ایران ما	۱۴- توکلی
۳- آفتاب شرق	۹- بهارلو	۱۵- جهان
۴- احسان	۱۰- پارت	۱۶- حیدری
۵- استقلال	۱۱- پیام	۱۷- خراسان
۶- اقبال	۱۲- تابان	۱۸- خیام

۱۹- دانش	۳۰- سعید	۴۱- گوتنبرگ
۲۰- دانشگاه مشهد	۳۱- سیادت	۴۲- ممتاز
۲۱- دقت	۳۲- شاهین	۴۳- مهدی
۲۲- رضوی	۳۳- شعاع	۴۴- مهشید
۲۳- رنگین	۳۴- صحف خراسان	۴۵- مینو
۲۴- روزنامه خراسان	۳۵- صفوی	۴۶- نبرد ما
۲۵- روزنامه قدس	۳۶- طلاکوب	۴۷- نور
۲۶- زوار	۳۷- طوس	۴۸- نوید
۲۷- سازمان چاپ مشهد	۳۸- فردوسی	۴۹- هتل هما
۲۸- سرعت شرق	۳۹- فیروزبان	۵۰- یوسفی
۲۹- سعدی	۴۰- کوشش	

صدا و سیمای مشهد مقدس

صدا و سیمای مشهد مقدس

مرکز صدا و سیمای خراسان در غرب مشهد مقدس در کنار بلواری که بنام بلوار تلویزیون معروف می‌باشد قرار دارد، و به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد، از قرار اظهارات مسئولان صدا و سیمای خراسان مرکز مشهد مقدس رادیو مشهد در حدود پنجاه سال پیش راه‌اندازی شده است و در این مدت تحولاتی در آن پیدا شده و روز بروز بر توسعه آن افزوده گردیده است.

مرکز صدا و سیمای خراسان در حال حاضر بسیار فعال و با برنامه‌های متنوع خود شنوندگان و بینندگان زیادی را در منطقه خراسان و کشورهای مجاور بطرف خود جلب کرده است، و فعالیت برون مرزی آنهم گسترش پیدا نموده و مردمان صغد و خوارزم و سرزمین‌های ماوراء جیحون و سیحون را تحت پوشش قرار داده است.

اکنون مردمان فارسی زبان در کشورهای ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، افغانستان و فارسی زبانان فلات پامیر و کاشغر و ختن، از برنامه‌های صدا و سیمای خراسان استفاده می‌کنند و با فرهنگ و معارف اسلامی ارتباط برقرار می‌کنند، و از تاریخ و فرهنگ ایران آگاه می‌شوند.

مرکز صدا و سیمای خراسان، بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تأسیس جمهوری‌های مستقل در شرق و شمال خراسان مسئولیت بسیار سنگینی پیدا کرده است، اکنون مردمان صغد و خوارزم، بدخشان، قبادیان و ساکنان شهرهای سمرقند، بخارا، دوشنبه، ترمذ، نخشب و خجند و ده‌ها شهر و ولایات بفارسی سخن می‌گویند. مردمان این نواحی با فرهنگ و زبان فارسی و آداب و رسوم ایرانی کاملاً آشنا هستند، و به آن عشق و علاقه دارند، روسیه تزاری آن سرزمین‌ها را تصرف کرد و فرهنگ و زبان خود را بر آنها تحمیل نمود، و ارتباط آنان را با گذشته قطع کرد و بعد هم کمونیست‌ها بر جامعه مسلط شدند و مردم را بطرف کفر و الحاد سوق دادند.

اکنون که مردمان خوارزم و ماوراءالنهر آزاد شده‌اند و بطرف فرهنگ اسلامی روی آورده‌اند و به آداب و سنن خود باز گشته‌اند، صدا و سیمای مرکز خراسان، با برنامه‌ریزی‌های دقیق علمی و فرهنگی در جلب افکار و اندیشه‌های مردمان آن نواحی باید بکوشد تا شنوندگان و بینندگان زیادی را بطرف خود جذب نماید.

نگارنده این سطور از آن مناطق دیدن کرده و با مردمان گوناگون در شهرهای مختلف به گفتگو نشسته است، علاقه مردمان خوارزم و ماوراءالنهر را به فرهنگ و زبان فارسی از نزدیک مشاهده کرده، و زبان شیرین فارسی را با لهجه‌ها و تلفظ‌های کهن از مردمان بخارا، سمرقند، و دوشنبه و ختلان شنیده است.

تاریخچه صدا و سیمای خراسان

بنا به اظهار مقامات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مرکز مشهد، تا سال

۱۳۲۷ در مشهد مقدس رادیو محلی نبوده است، و مردم از رادیو تهران استفاده می‌کرده‌اند، در سال ۱۳۲۷ لشگر خراسان با استفاده از فرستنده‌ای که در اختیار داشته شبهای یکشنبه هر هفته به مدت یک ساعت برنامه رادیویی داشته است.

این رادیو بنام رادیو لشگر بوده و اجرای همه قسمت‌ها بصورت زنده بخش می‌شده است، برنامه‌های آن فقط در محدوده شهر مشهد مقدس قابل استفاده بوده و شهرهای دیگر خراسان از آن بهره‌ای نداشته‌اند، و از قرار گفته مطلعین در خود مشهد هم بخوبی قابل استفاده نبوده و صدای روشنی نداشته است.

در سال ۱۳۲۸ هنگام استانداری سیدمحسن صدر الاشراف اداره‌ای بنام انتشارات و تبلیغات در مشهد مقدس تأسیس می‌گردد و رادیو مشهد از لشگر خراسان به آن اداره منتقل می‌گردد و مسئولیت آن در اختیار عبدالحسین آموزگار سردبیر روزنامه آفتاب شرق قرار می‌گیرد و در تاریخ ۱۲ دی ماه ۱۳۲۸ رسماً کار خود را آغاز می‌کند.

فرستنده در باشگاه افسران مشهد قرار داشت و برنامه‌ها از آنجا پخش می‌شد هر روز ساعت ۴ بعد از ظهر فرستنده ۷۵ واتی لشگر که پر قدرت‌ترین فرستنده موجود در خراسان بود به کار انتشار امواج حامل صدا بر روی موج کوتاه ردیف ۳۶/۵ مقرر در فضای شهر پراکنده شد، این رادیو بعدها تعطیل شد و در سال ۱۳۳۲ مجدداً آغاز بکار کرد.

رادیو مشهد در ابتداء روزانه ۲ ساعت برنامه داشته که شامل گفتار مذهبی، گفتار اجتماعی و موسیقی از ساعت ۱۶ تا ۱۸ بوده است، امکانات فنی این رادیو شامل یک تقویت کننده ۷۵ واتی یک میکروفون و ۲ دستگاه گرامافون بود، در سال ۱۳۳۴ روزانه نیم ساعت برنامه کردی به برنامه‌ها اضافه گردید.

پس از آن فرستنده قوی برای رادیو مشهد در محل باغ بی سیم در ابتداء یک کیلو واتی و سپس ده کیلو واتی نصب و راه‌اندازی شد، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

فرستنده صد کیلو واتی صدای جمهوری اسلامی ایران مرکز مشهد موسوم به فرستنده شهید هاشمی نژاد در سال ۱۳۶۰ در شهر طوس با دو کانال آغاز بکار کرد و تمام استان زیر پوشش رادیویی قرار گرفت.

صدای جمهوری اسلامی ایران مرکز خراسان با سه گروه برنامه‌ساز اقتصادی اجتماعی و معارف کار تولید و پخش برنامه‌های متنوع به زبان فارسی و گویش کردی را بر عهده دارد و یکی از مراکز فعال رادیویی کشور محسوب می‌شود و در سال بیش از سه هزار برنامه تولید می‌کند.

فرستنده شهید هاشمی نژاد از ابتدای سال ۱۳۶۷ بصورت ۲۴ ساعته برنامه پخش می‌کند و از سال ۱۳۷۱ هریک از دو فرستنده یکصد کیلو واتی شهید هاشمی نژاد مأموریت یافتند پخش برنامه‌های شبکه استانی و شبکه سراسری را بطور جداگانه انجام دهند، همین فرستنده برنامه‌های رادیو قرآن و صدای مجلس شورای اسلامی را نیز برعهده دارد.

صدای مرکز خراسان بطور منظم با پخش روزانه، هفتگی، فصلی و گاه بمناسبت روزها و هفته‌های خاص بزرگترین رسانه در سطح استان است این برنامه شامل صبح بخیر خراسان، بچه‌های انقلاب، ورزش، ما و شما، کارگران، دهکده، کردی، مشاهیر خراسان، کتاب و کتابداری، برگهائی از دفتر شعر خراسان، طلوع فجر.

صلوة ظهر، غروب آفتاب، مردم و مسئولین، مردم و نمایندگان و صدای زائر، گروه موسیقی صدای مرکز خراسان هم کار خود را توسط کارشناسان موسیقی محلی سنتی و کلاسیک انجام می‌دهد و برنامه‌هائی اجراء می‌کنند، صدای مرکز خراسان برنامه‌هائی هم برای کشورهای همسایه پخش می‌کند.

برنامه‌های برون مرزی بزبان‌های فارسی دری، ازبکی، و تاجیکی بمدت دو ساعت در روز برای شنوندگانی در افغانستان، پاکستان، هند و کشورهای آسیای مرکزی اجراء می‌کند، این برنامه‌ها از فرستنده هاشمی نژاد و موج کوتاه خراسان پخش

می‌شوند و شنوندگان فراوانی در کشورهای نامبرده دارند.

سیمای مشهد

سیمای مشهد در مهر ماه سال ۱۳۵۰ با روزی پنج ساعت پخش برنامه آغاز بکار کرد، این مرکز از طریق خطوط ماکروویو از برنامه‌های شبکه سراسری استفاده می‌کرد و در تولید محلی هم از مراکز فعال تلویزیونی بشمار بوده تلویزیون مشهد علاوه بر برنامه‌های سراسری برنامه محلی هم تهیه و پخش می‌کنند و برنامه‌هایی هم بصورت نوار برای مرکز می‌فرستند.

سیمای جمهوری اسلامی ایران مرکز خراسان علاوه بر مجموعه صبح جمعه‌ها با عنوان سیمای آدینه که تولید محلی و مهمترین عامل ارتباطی، سیمای مرکز خراسان با مردم استان در هر صبح و جمعه می‌باشد در فواصل پخش برنامه‌های سراسری اقدام به پخش برنامه و یا پیام‌های کوتاه می‌نماید و برنامه‌هایی برای مرکز تهیه و به تهران ارسال می‌کند.

تحقیقات و مطالعات

واحد خبر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مرکز خراسان با کسب و پخش اخبار مربوط به سراسر استان به منظور آگاهی مخاطبان از رویدادهای جاری استان بسیار کوشش می‌کند، مرکز خراسان دارای واحدی است با عنوان تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌ای که برای انجام طرحهای پژوهشی فعالیت می‌کند.

طرحهای تحقیقاتی که در موضوعات اجتماعی و اقتصادی فرهنگی نیازمند غور و بررسی می‌باشند مورد توجه قرار دارند و با پژوهش کافی در این زمینه‌ها اطلاعات کافی و جامع را تهیه می‌کنند و بعد از آن در ساخت برنامه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند و سیمای مرکز خراسان از سال ۱۳۷۱ به یک مرکز رنگی تبدیل شده

است.

در حال حاضر بیش از پانصد نفر پرسنل اعم از رسمی، قراردادی و حق الزحمه در مجموعه صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران مرکز خراسان در شهر مشهد و سایر مراکز تابعه، امور مدیریت، برنامه سازی، امور فنی خدمات مالی و اداری را بر عهده دارند و تلاش می کنند.

گردانندگان صدا و سیماي مرکز خراسان علاوه بر پخش برنامه های مختلف رادیویی و تلویزیونی از شبکه استانی و شبکه های سراسری و نگهداری و تعمیرات این شبکه بزرگ فنی، کوشش می نمایند تا این مرکز را هر چه بیشتر توسعه دهند و پوشش برون مرزی را نیز هر چه بیشتر فعال نمایند.

نگارنده از مدیران و دست اندرکاران صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران مرکز مشهد مقدس که اطلاعات لازم را در مورد این مؤسسه بزرگ علمی، فرهنگی، سیاسی و هنری به اینجانب ارائه دادند سپاسگزارم و موفقیت همگان را در انجام خدمات اسلامی و فرهنگی از خداوند مهربان خواستارم.

هنر و صنایع دستی در مشهد مقدس

هنر و صنایع دستی در مشهد مقدس

مشهد مقدس رضوی در طول تاریخ مرکز اهل علم، ادب و هنر بوده است، در کتابهای تاریخی و تذکره‌ها از نام خطاطان، نقاشان، مصوران، مذهبیان، منصب‌کاران، کاشی‌سازان، درودگران، و فرش‌بافان و نساجان نام برده شده و ما انشاء الله در این کتاب درباره آنان به تحقیق خواهیم پرداخت.

روضه مبارکه رضویه در سناباد طوس موجب شد که این آبادی بصورت یک قصبه و شهرستان در آید، و روز به روز بر توسعه و عمران و آبادی آن افزوده گردد، با مهاجرت علماء و فضلاء به این شهر مقدس و سکونت رجال و امیران و بازرگانان و کسبه و اصناف و زائران بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام بازار هنر هم در این شهر مقدس رونق پیدا کرد.

آثار به جای مانده از قرن ششم هجری و کتیبه‌ها و کاشیها و محرابها در اماکن متبرکه نشان می‌دهد که مشهد رضوی از ده قرن پیش محل اقامت اهل هنر بوده است، و صاحبان حرفه و صنعت در اینجا اقامت داشته‌اند و این همه آثار زیبا را از خود بیادگار گذاشته‌اند.

ابنیه و اماکن متبرکه آستان قدس یک مجموعه هنری می‌باشند که اهل فن و هنر را بطرف خود می‌کشاند، شکل ایوان‌ها، رواقها، صحن‌ها و گلدسته‌ها توسط معماران چیره دست طراحی گردیده و بنا شده‌اند، این بناهای باشکوه که با اسلوب خاصی ساخته شده‌اند در نهایت ظرافت و زیبایی می‌باشند.

در قرن نهم هجری که تیموریان در ایران حکومت می‌کردند مشهد مقدس رضوی مورد توجه آنان قرار گرفت، درباریان و شاهزادگان تیموری به هنرهای دستی علاقمند بودند، و تعدادی از شاهزادگان هم اهل هنر بودند، در این زمان مشهد مقدس یکی از مراکز هنرهای دستی بشمار می‌رفت، و خطاطان، نقاشان، مصوران و مذهبان زیادی در آنجا سکونت داشتند.

مسجد گوهرشاد که یک بنای رفیع و مجلل و یک مجموعه‌ای از هنر و زیبایی می‌باشد در قرن نهم بنا گردیده است معماران عصر تیموری و خطاطان و کاشی سازان در آن به هنرنمایی پرداخته‌اند، مدرسه‌ها و مسجد هائیکه از آن عصر در مشهد مقدس به جای مانده‌اند از هنر در عصر تیموریان حکایت می‌کند، مانند مدرسه دو درب و مدرسه پریزاد و مسجد شاه در بازار مشهد.

در قرن دهم هجری که صفویان در ایران حکومت می‌کردند مشهد مقدس مورد توجه آنان قرار گرفت، در این زمان گروهی از معماران، خطاطان، نقاشان، و کاشی سازان در این شهر گرد آمدند، و به کارهای هنری مشغول شدند و مکتب هنر عصر تیموری را دنبال کردند و آن را با نوآوریها توسعه دادند.

آثار به جای مانده از زمان حاکمان صفویه که هم اکنون در مشهد مقدس و در

حوزه اماکن متبرکه وجود دارند حکایت از هنرهای گوناگون عصر صفوی در مشهد مقدس می‌نمایند، مانند صحن کهنه، رواق الله ورودی خان و رواق حاتم خانی و مدرسه خیرات خان و عباسقلی خان.

در قرن سیزدهم که مقارن با حکومت قاجاریه بوده آثار به جای مانده حکایت از هنر خط و کاشی سازی و معماری در مشهد می‌کنند، مانند صحن نو، و طلاکاری ایوان‌ها، رواق دارالسعاده و رواق دارالضیافه که یادگاری از عصر قاجاریان در مشهد می‌باشد.

یکی از هنرهائی که در عصر قاجاریان در مشهد مقدس معمول گردید، آئینه کاری است بر اساس گفته کارشناسان و معماران قبل از قاجاریه در مشهد ابنیه و اماکن متبرکه گچبری و نقاشی شده بودند، و در این زمان کلیه رواق‌ها و حرم حضرت رضا آئینه کاری شدند.

هنر آئینه کاری و خطاطی روی آئینه، سنگ، کاشی، فلز و چوب که در زمان‌های سابق در مشهد مقدس انجام می‌گرفت در قرن چهاردهم که مصادف با حکومت پهلویها بود، همچنان رونق داشت، و در این زمان صحن موزه و رواق‌هائی ایجاد گردید.

در این زمان حرم مطهر توسعه پیدا کرد و با کاشیهای الوان و خطوط و نقوش آراسته گردید، و قصائدی به خط نستعلیق روی سنگها حجاری شد و در ازاره‌های حرم و رواق‌ها نصب گردید و آیات و روایاتی از حضرت رضا علیه السلام روی کاشیهای نفیس در صحن و رواق‌ها نقش بست.

پس از انقلاب اسلامی هنرهای سنتی مورد توجه قرار گرفت، سازمان‌ها و مؤسساتی در احیاء و توسعه آن پدید آمدند، اکنون در مشهد مقدس به خطاطی، نقاشی و هنرهای دستی توجه می‌شود، جوانان و علاقمندان هنرهای کهن به خط و خوشنویسی روی آورده‌اند و کلاسهای تعلیم خط و هنرهای دستی دایر می‌باشد.

ابنیه و اماکن متبرکه‌ای که پیرامون حرم رضوی پس از انقلاب بنا گردیده‌اند نمایانگر این است که هنرهای سنتی در این شهر مقدس همچنان محفوظ است و گروهی علاقمند دنبال هنرهای بومی و قدیمی می‌روند، و عاشقانه هنرهای سنتی را فرا می‌گیرند.

رواق دارالولایه، دارالهدایه، دارالرحمة، صحن جمهوری اسلامی، صحن قدس، کتابخانه آستان قدس از بناهای بسیار مجلل و باشکوه هستند که پس از انقلاب اسلامی توسط مهندسان، معماران، و هنرمندان ساخته و تزئین یافته‌اند و با سایر بناهای متبرکه هماهنگی دارند.

تالار کتابخانه مبارکه رضویه یکی از نمونه‌های بارز این معماری است که در آن از انواع خطوط و نقوش، تذهیب و کاشیکاری استفاده شده و یکی از زیباترین مکانها می‌باشد، تالاری بزرگ و باشکوه و وسیع به عرض ۲۶ و طول ۴۲ متر که بدون ستون بنا گردید و یکی از آثار بدیع می‌باشد.

در مشهد مقدس رضوی انواع و اقسام هنر در ساختمانهای تاریخی و اماکن متبرکه بکار گرفته شده‌اند، و گروهی دست به هم داده و یک مجموعه زیبا را پدید آورده‌اند و هر کدام هنری در آن بکار برده‌اند، و اینک انواع هنرها را ذیلا بنظر خوانندگان محترم می‌رسانیم.

۱- معماری و مهندسی بناهای باستانی

قدیمیترین بناء در مشهد مقدس گنبد مطهر حضرت رضا علیه السلام می‌باشد که در سال ۵۱۵ هم زمان با سلطنت سلطان سنجر سلوکی بنا گردیده است و قدیمیترین رواق در حوزه اماکن متبرکه رواق دارالحفاظ و دارالسیاده می‌باشند که توسط گوهرشاد زوجه شاهرخ تیموری در نیمه اول قرن نهم ساخته شده‌اند.

مدرسه دو درب و مدرسه پریزاد هم در همین زمان بنا گردیده‌اند، و قدیمیترین

بنا در اطراف مشهد سد طرق و سد گلستان و سد اخلد هستند که آنها هم از بناهای عصر تیموری بشمار می‌روند، گنبد سنگ بست هم ظاهراً در زمان غزنویان بنا گردیده و میل رادگان متعلق به عصر سلجوقیان می‌باشد.

این بناهای تاریخی بسیار محکم و استوار و هنرمندانه بنا گردیده‌اند، و در ساختمان آنها ظرافت و هنر نهفته است، مصالح ساختمان این بناها کلاً آجر و ملاط آن هم گچ و آهک می‌باشد، اکنون چند قرن از بناء آنها می‌گذرد، و همچنان محکم و استوار مانده‌اند و در برابر برف و باران و طوفانها مقاومت کرده‌اند.

یکی از معماران آستان قدس می‌گفت: ما پایه‌های سیمانی را با وسائلی که در دست داریم از هم می‌شکافیم و بتون‌ها را تکه تکه می‌کنیم، ولی از شکافتن پایه‌های حرم و رواق‌ها و مسجد گوهرشاد عاجز هستیم و وسائل موجود در آجرها و پایه‌ها اثر نمی‌کنند، معلوم نیست معماران آن زمان چگونه این آجرها و ملاطها را تهیه می‌کردند و به عمل می‌آوردند و در ساختمانها بکار می‌بردند.

روزی در تهران با یکی از مهندسان عالی مقام گفتگونی داشتیم، ضمن صحبت سخن به اینجا رسید چرا ساختمانهای باستانی پس از گذشت هزار سال و یا بیشتر و کمتر همچنان باقی مانده‌اند و مورد استفاده می‌باشند و هیچ خللی هم در آنها پدید نیامده است.

برای او از گنبد حضرت رضا علیه السلام و گنبد حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری و مسجد جامع اصفهان و مسجد جامع قزوین و تعدادی از مساجد و مزارات در شهرهای دیگر و همچنین از چند سد در خراسان و چند پل در اصفهان و جاهای دیگر مثل زدم، و گفتم مجمعی علمی از مهندسان و کارشناسان تشکیل دهید و علل بقاء این بناها را بررسی کنید و در نوع مصالح آنها تحقیق نمائید.

۲- صنعت کاشی سازی در مشهد

یکی از هنرهای ظریف در ایران کاشی سازی بوده که از چندین قرن قبل در معماری سنتی و اسلامی بکار گرفته می‌شود، مساجد و مدارس و مزارات شهرهای مختلف ایران با انواع و اقسام کاشیهای گوناگون تزئین یافته‌اند، و این سنت همچنان جاری و مورد عمل می‌باشد.

در مشهد مقدس رضوی هم صنعت کاشی سازی از قدیم معمول بوده و قدیمیترین کاشیهای منصوب در حرم مطهر رضوی در قرن ششم و هفتم ساخته شده و نصب گردیده‌اند، و اکنون هم در مشهد رضوی ساختن کاشیهای گوناگون در آستان قدس و مسجد گوهرشاد ادامه دارد.

۳- خط و کتیبه نویسی در مشهد

خط و خطاطی و خوشنویسی از هنرهای زیبا محسوب می‌شوند، این هنر در طول تاریخ مورد توجه بوده و گروهی به این فن روی آورده‌اند و در خط شهرت جهانی پیدا کرده‌اند، علماء و دانشمندان و تعدادی از حاکمان و امیران و دبیران از این هنر بهره‌مند بودند و از خطاطان حمایت می‌کردند.

مشهد مقدس رضوی در طول تاریخ مرکز خطاطان و کتیبه‌نویسان بوده در عهد تیموریان و صفویان خطاطان بزرگی در مشهد زندگی می‌کردند و شاگردانی در این فن تربیت کردند که نام آنها در این کتاب خواهد آمد، و این صنعت و هنر همواره مورد توجه بوده است.

کتیبه‌های موجود در اماکن متبرکه و مسجد گوهرشاد و مدارس علمیه مشهد مقدس بهترین گواه بر این مدعا می‌باشند، و پیداست که این هنر مورد عنایت بوده است، و اکنون هم هنر خط در مشهد مقدس همچنان زنده و فعال است، و انجمن خوشنویسان این هنر زیبا را ادامه می‌دهد و در تعلیم انواع خطوط فعالیت می‌کند.

در ساختمانها و بناهای بزرگ مانند مساجد، مدارس، مزارات به تناسب در پیشانی ایوانها و اطراف آنها و محرابها آیاتی از قرآن مجید و یا اخبار و روایات رسول اکرم و اهل بیت علیهم السلام و یا اشعار و ابیات عربی و فارسی در آن اماکن مقدس نوشته می شوند.

معمولاً آیات قرآن و اخبار و احادیث و اشعار عربی را با خط ثلث و یا نسخ و اشعار و قصائد فارسی را با خط نستعلیق و یا شکسته می نویسند برای نوشتن این کتیبه ها از خطاطان مشهور و استادان فن استفاده می کنند و همه جهات فنی را مراعات می نمایند.

این خطوط زیبا روی کاشی، چوب، فلز، و سنگ نوشته می شوند و در مکانهای مناسب نصب می کردند، در مساجد و مدارس قدیم و بارگاه ملکوتی حضرت رضا علیه السلام انواع خطوط که در طول قرون نوشته شده اند موجود می باشند و قدیمترین کتیبه در آستان قدس مورخ ۶۱۲ می باشد.

۴- آئینه کاری در مشهد مقدس

آئینه کاری اماکن زیارتی یکی از هنرهای زیبا است که بوسیله معماران اجراء می گردد، آئینه کاری از گذشته در ایران معمول بوده و حتی منازل و کاخهای ملوک و امیران و توانگران هم آئینه کاری می شدند، کاخهای سلطنتی عصر قاجار و تعدادی از منازل اعیان و اشراف در تهران و بعضی از شهرستانها آئینه کاری شده اند.

معماران و کارشناسان عقیده دارند هنر آئینه کاری در ایران سابقه تاریخی ندارد، و در زمان قاجاریه این صنعت پدید آمده است ابتداء کاخهای پادشاهان و شاهزادگان آئینه کاری گردید و بعد به اماکن متبرکه و زیارتگاهها کشیده شده است.

در مشهد مقدس رضوی هم رواقهایی که در زمان قاجاریه ساخته شده همه آئینه کاری گردیده اند، معماران آستان قدس عقیده دارند حرم مطهر رضوی، رواق

دارالسیاده، دارالحفاظ و دارالسلام هم که در زمان تیموریان ساخته شده در زمان قاجاریه آئینه کاری شده‌اند، این رواقها قبلاً نقاشی شده بودند.

رواقهای عصر صفویه مانند گنبد حاتم خانی و رواق الله وردی خان که در عصر صفویه بنا گردیده‌اند همچنان با کاشی کاری باقی مانده‌اند، رواقهایی که در عصر پهلوی و بعد از انقلاب بنا شده‌اند با آئینه کاری تزئین یافته‌اند و آئینه کاری همچنان بر آستان قدس حاکم می‌باشد.

آئینه کاری یکی از هنرهای می‌باشد که اکنون در مشهد مقدس روی آن کار می‌شود و اساتید فن این هنر را به شاگردان خود تعلیم می‌دهند، آئینه کاری هنوز در شهرهای مختلف ایران ادامه دارد و مالداران و توانگران هم سالن‌های خود را با آئینه کاری تزئین می‌کنند.

صنعت آئینه کاری از ایران به هندوستان هم رفته است، نگارنده این سطور در سفرهای خود در شهرهای هندوستان تعدادی از اماکن زیارتی و منازل ایرانیان را که با آئینه کاری تزئین شده است مشاهده نموده، که از آن جمله بقعه کوه مولا علی در حیدرآباد دکن می‌باشد.

۵- نقاشی در مشهد

یکی از هنرهای زیبا در مشهد مقدس رضوی نقاشی بوده که از سابقه تاریخی برخوردار است، در کتب تاریخ و تذکره‌های رجال علم و ادب از وجود نقاشان در این شهر مقدس سخن گفته شده و نمونه‌هایی ذکر کرده‌اند که شرح حال آنها در این کتاب خواهد آمد.

معماران آستان قدس رضوی که عمری در تعمیر و باز سازی اماکن مستبرکه گذرانیده‌اند، اظهار می‌دارند، حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) و رواق‌ها تا قرن دوازدهم هجری و دوره افشاری‌ها قسمت‌های بالای ازاره‌ها نقاشی بوده و در دوره قاجار آئینه کاری

شده‌اند.

معماران آستان قدس می‌گویند: اگر هم اکنون آیین‌های حرم مطهر را از جایش بردارید نقاشی‌ها آشکار می‌شوند، مطلعین می‌گویند کتیبه‌ای که هم اکنون در بالای طاقهای حرم مطهر امام رضا علیه السلام وجود دارد و سوره مبارکه جمعه را با آیین نوشته‌اند زیر آن نقاشی و گچبری بوده است.

داخل بقعه خواجه ربیع بالای ازاره‌ها تا زیر سقف نقاشی شده است تعدادی از بقاع و قبور امام زادگان در اطراف مشهد مقدس با روش سنتی نقاشی گردیده‌اند، زیر گنبد ایوان مقصوره مسجد جامع گوهرشاد نمونه‌ای از هنر و آثار گذشتگان می‌باشد اگر چه نقاشی سقف مسجد در پنجاه سال قبل انجام گرفته است.

اکنون در مشهد مقدس تعدادی بازارچه و تیمچه بنا گرفته که بطرز زیبایی گچبری و نقاشی شده‌اند، پیداست هنر نقاشی که در مشهد سابقه‌ای کهن دارد باید مورد استفاده قرار گیرد، و استادان فن باید کوشش کنند این سنت‌ها را ادامه دهند و راه گذشتگان را بگیرند.

خوشبختانه هنر نقاشی امروز در مشهد مقدس مورد توجه علاقمندان می‌باشد، کلاس‌هایی در این مورد برگزار می‌گردد و سازمان‌هایی مسئولیت اینگونه هنرها را دارند، و هنرجویان در آن به کارهای نقاشی گوناگون اشتغال دارند و آثار زیبایی هم پدید آورده‌اند.

۶- تذهیب و تشعیر در مشهد

یکی از هنرهای بسیار ظریف طلاکاری روی کاغذ، فلز و پوست بوده است قرآن مجید، کتب ادعیه و دواوین شاعران مشهور طلاکاری و تذهیب می‌گردید این هنر در مشهد مقدس سابقه‌ای کهن دارد و استادان زیادی در عصر تیموریان در مشهد به این کار اشتغال داشته‌اند.

اکنون قرآن‌های زیادی که متن و یا حواشی آنها تذهیب گردیده در کتابخانه‌ها و موزه‌ها فراوان دیده می‌شوند، تصاویر و نقاشیهای طلائی و مذهب و سر لوحه تعدادی از کتابهای علمی و ادبی مخصوصاً دیوان حافظ و شاهنامه فردوسی از قرون گذشته بجای مانده اند.

هنر طلاکاری و تذهیب مصاحف و دواوین در طول تاریخ در مشهد مقدس ادامه داشته و هنوز هم این هنر در این شهر مقدس مورد عنایت و توجه هنرمندان می‌باشد، آستان قدس رضوی از چندین قرن پیش از این هنرمندان در اماکن متبرکه و کتابخانه استفاده می‌کرده و اکنون هم به اینگونه هنرها توجه دارد و سازمانی بنام آفرینش‌های هنری تأسیس نموده است.

یکی از هنرهای زیبا صنعت تشعیر می‌باشد، این هنر را از این جهت تشعیر می‌نامند و در هنر ظریف آنرا بکار می‌برند که نقاشی و صورتگری و تذهیب با قلم موی انجام می‌گیرد.

در تعلیقات گلستان هنر تألیف قاضی احمد منشی قمی در حالات صادق بک افشار که از هنرمندان عصر صفویه می‌باشد از کتابی بنام قانون الصور درباره فن نقاشی و رنگ سازی منظومه‌ای نقل می‌کند و درباره صفت نقاشی و بستن قلم موی گوید:

شود چون شوق نقاشیت غالب	قلم بستن بود اصل مطالب
مخوان حرف هوس از نامه کس	مکن عادت بطور خامه کس
ز کاتب این صفت نیکو نباشد	که کلکش را کسی دیگر تراشد
قلم را مودم سنجاب باید	ولی آن موکه با نرمی گراید
بمقدار قلم از وی جدا کن	ز یکدیگر بزور شانه واکن
بچین پهلوی هم زانگونه نیکو	که نبود زیر و بالا یکسر مو
درست آن دم شود آن خامه بسته	که نگذاری در او موئی شکسته
چو دادی از شکست مو امانش	سه جا باید که بر بندی میانش

مشو در عقد اول سخت تدبیر مبادا خامهات گردد گلوگیر
 مکن در عقد سیم سست کاری که از پرغاز آسانش براری
 چه بر کف خامه آید غنچه وارت دمد گلهای امیدی زخارت

هنر تذهیب، تشعیر، افشان و جدول کشی از قرن هشتم تا قرن دوازدهم در مشهد مقدس رضوی بسیار مورد عنایت دانشمندان و امیران و حاکمان بوده و استادان فن که اکثر آنها خراسانی و مشهدی بوده‌اند به این هنر اشتغال داشته‌اند، و شاگردان زیادی را تربیت کردند و این صنعت همچنان در مشهد مقدس ماندگار شد، و ما انشاء الله در همین کتاب از حالات آنها سخن خواهیم گفت.

۷- نجاران و دوردگران

از انواع هنرهای ظریف کار کردن روی چوب است، نجاران چیره دست از چوب ساخته‌های گوناگون پدید آورده‌اند مصنوعات چوبی هم اکنون به اشکال مختلف در موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی دیده می‌شوند و همچنین در مساجد و حسینیه‌های باستانی و مزارات زینت بخش این اماکن هستند.

هنرمندان و استادان فنون هنر چوب هر کدام اثری از خود باقی گذاشته‌اند، که هر یک از آنها نمونه‌ای از کار آنها می‌باشد، ما اکنون در این بخش از هنرهای زیبا بطور اختصار به چند مورد از اینگونه کارها اشاره می‌کنیم و تفصیل موضوع در شرح حال پدید آورندگان این آثار در این کتاب خواهیم آورد.

یکی از کارهایی که روی چوب انجام گرفته پنجره‌های مشبک می‌باشند که در پاره از مساجد و زیارتگاه‌ها مشاهده می‌شوند، این پنجره‌ها به صور گوناگون بزرگ و کوچک با طرز زیبا و ماهرانه‌ای به هم پیوند داده شده‌اند. چوبها در قطع‌های مختلف بریده شده و به هم متصل گردیده و بصورت واحد در آمده‌اند.

این مشبک‌های چوبی در پاره‌ای از مساجد و مزارات چند قرن عمر دارند و از

استحکام فوق العادی برخوردار می‌باشند، و طول زمان نتوانسته در آنها خللی ایجاد کند، این پنجره‌ها در سابق برای نورگیری و روشن شدن فضای داخلی اماکن عمومی ساخته می‌شدند، در معماری امروز مشبکهای آهنی و یا بتونی جای درها و پنجره‌های مشبک چوبی را گرفته‌اند.

یکی از مصنوعات چوبی که در گذشته و امروز هم معمول می‌باشد، ساختن منبرهای بزرگ و کوچک برای مساجد می‌باشد، منبرهای چوبی از قرن‌ها قبل در ایران معمول بوده و مساجد جامع در شهرستانها هر یک منبری بزرگ داشته‌اند که خطباء بالای آنها قرار گرفته و برای مردم خطبه می‌خواندند.

نمونه‌هایی از این منبرها که بدست هنرمندان این مرز و بوم ساخته شده‌اند هنوز هم در مساجد و موزه‌ها قرار دارند، تعدادی از منبرهای هنری و زیبا در گذشته توسط فرنگیان از ایران برده شده و هم اکنون در موزه‌های اروپا نگهداری می‌شوند، نگارنده این سطور یکی از این منبرهای بسیار زیبا را در موزه کشور روسیه دیده است.

یکی از منبرهای تاریخی نمونه منبر صاحب‌الزمان در مسجد جامع گوهرشاد می‌باشد این منبر بزرگ از چوب گلابی و گردو ساخته شده و بسیار زیبا منبت‌کاری گردیده است این منبر یکی از کارهای بزرگ هنری می‌باشد که در نوع خود بی‌نظیر است در این منبر میخ بکار نرفته و در حدود سیصد سال قبل ساخته شده است.

سازنده این منبر از ذکر نامش خودداری کرده و حتی تاریخ ساخت آن را هم بیان نکرده است، این منبر بسیار بزرگ و مرتفع اکنون جنبه تزئینی و نمایشی دارد و کسی بالای آن نمی‌رود، این منبر چهارده پله دارد و در میان مردم به منبر صاحب‌الزمان معروف می‌باشد.

یکی از صنایع ظریفه چوبی ساختن صندوق و ضریح برای امامان و امامزادگان بوده است، در سابق ضریح عتبات عالیات همه از چوب بود و آنها را با اسلوبی زیبا می‌ساختند و روی قبرها می‌گذاشتند، در قرن معاصر ضریح‌های چوبی به فلزی تغییر

داده شده‌اند ولی در پاره از امامزاده‌ها هنوز ضریح‌های چوبی قدیم وجود دارند. صندوق چوبی هم یکی از هنرهای زیبا بود، که بوسیله نجاران ماهر برای گذاشتن روی قبور امامان معصوم و امامزادگان و یا رجال علم و ادب و عرفان ساخته می‌شد، تعدادی از این صندوق‌ها بصورت سنتی هنوز در بعضی از مزارات مشاهده می‌شوند مانند صندوق امامزاده حسین قزوین که بی‌مانند می‌باشد و چند قرن از ساختن آن می‌گذرد.

صندوق قبر حضرت رضا علیه السلام نیز در سابق از چوب بوده و بسیار زیبا و ماهرانه ساخته شده و مزین به خطوط و نقوش بود، این صندوق اکنون در موزه قرار دارد و بجای آن صندوقی از سنگ گذاشته شده و این عمل در زمان تولیت محمد ولی‌خان اسدی انجام گرفته است.

یکی از صنایع ظریفه در صنعت چوب درب‌های کوچک و بزرگ برای بقاع متبرکه و مساجد و مزارات بوده است، این درب‌ها اغلب کنده‌کاری و روی آنها آیات قرآنی نوشته شده است، نمونه‌هایی از این درها در مشهد مقدس و حومه آن و در شهرهای دیگر خراسان اکنون وجود دارند که صدها سال از عمر آنها می‌گذرد و انشاءالله در همین کتاب از آنها گفتگو خواهد شد.

دیگر از هنرهای زیبا که روی چوب انجام گرفته قلمدان‌ها بوده‌اند، در زمانهای گذشته از چوب قلمدانهای زیبا می‌ساختند و آن را با نقش و نگار می‌آراستند، آیات و اخبار وارده درباره قلم و یا اشعار فارسی که در وصف قلم سروده شده بود بصورت زیبایی در آن می‌نوشتند، در موزه آستان قدس رضوی از اینگونه قلمدانهای چوبی نگهداری می‌شود.

یکی دیگر از صنایع چوب که مورد استفاده قرار گرفته ساختن رحل قرآن مجید می‌باشد، در این مورد نیز هنرمندان دست بکار شده‌اند و رحل‌های زیبایی برای قرآن ساخته‌اند، اکنون در مساجد قدیم و یا زیارتگاهها از اینگونه رحل‌ها دیده می‌شود که

نمایانگر عشق و علاقه گروهی از اهل هنر به این صنعت بوده است.

یکی از موارد استفاده از چوب در ساختمانها و بناهای مذهبی و کاخهای ملوک و امیران و توانگران در طول تاریخ بوده است، ستونهای چوبی را در ایوانها و یا شبستانها و یا سالنهای بزرگ نصب می کردند، و سقف آنها را هم با چوب می پوشانیدند، ستونها و سقفها را با روش خاصی می تراشیدند و با انواع خطوط و نقوش می آراستند.

نمونه هایی از اینگونه بناهای باستانی هنوز در شهرهای بزرگ ایران وجود دارند و مورد استفاده می باشند، نگارنده در سفرهای خود از اینگونه بناها دیدن کرده و آثار هنرمندان را در این مورد مشاهده کرده است، در شهر بخارا یک مسجد و یک کاخ باستانی را مشاهده کردم که همه ستونها و سقف آن با چوبهای ظریف بنا گردیده و بسیار جالب و دیدنی بودند و از زیباترین آثار هنری بشمار می رفتند.

در مسکو مرکز حکومت روسیه یکی از روزها بدیدن منزل مسکونی نویسنده معروف روسیه تولستوی رفتم، خانه او در مرکز شهر مسکو در یک باغ چند هزار متری می باشد، این منزل در دو طبقه تماماً از چوب بنا گردیده و آهن و آجر در آن مصرف نشده است.

کاخ راجه میسور در جنوب هندوستان از جاهای دیدنی است، در این کاخ مجلل که روزی هزاران جهانگرد از آن دیدن می کنند انواع و اقسام صنایع چوبی بکار گرفته شده و هنرمندان آثار بسیار با ارزشی در آنجا پدید آورده اند که انسان از دیدن آنها در شگفت می ماند.

در خراسان و مشهد مقدس هم از اینگونه بناها بود، و تعدادی از آنها را در تخریب های قرن معاصر از بین بردند و به بهانه توسعه معابر و خیابان کشی و یا تجدید بنا آن آثار را ویران کردند ساختمانهای دولتی خیابان ارک مشهد و مقبره نادرشاه و تعدادی از مهمانخانه های قدیم مشهد با ستون و سقف چوبی توسط هنرمندان ساخته

شده بودند.

در سال ۱۳۷۰ شمسی که مشغول تألیف کتاب آستان قدس بودم، روزی برای تحقیق به یکی از باغهای آستان قدس رضوی در مشهد رفته بودم، هنگام ورود به باغ مشاهده کردم یک منزل دو طبقه از چوب در آنجا درست کرده و در معرض دید واردین قرار داده‌اند، منزلی دو طبقه بسیار ظریف و دارای چند اطاق که کلا از چوب ساخته شده بود و بینندگان را بطرف خود جلب می‌کرد.

بطور کلی نجاران هنرمند در طول تاریخ از چوب خام انواع و اقسام مصنوعات را پدید آورده‌اند، از درب‌های تزئینی منازل گرفته تا ضریح و صندوق برای زیارتگاه‌ها و پوشش سقف خانه‌ها و شکل انسان، حیوان و پرنده‌ها و ظروف غذاخوری و صندلی و میز تحریر از چوب استفاده کرده‌اند.

۸- جدول‌کشی و زرافشان در مشهد

یکی از هنرهای ظریف جدول‌کشی بوده است، گروهی در این فن استاد بوده‌اند و به این حرفه اشتغال داشته‌اند، جدول‌کشی در عصر تیموریان و صفویان هنری رائج بوده و نقاشان، مصوران و مذهب‌ان در کارهای خود به آن احتیاج داشته‌اند جدول‌کش اطراف صفحات کاغذ را خط‌کشی می‌کرده و بعد از آن نقاش و صورت‌گر وسط خط‌ها را رنگ و روغن و یا طلاکاری و تذهیب می‌نموده است.

زرافشان نیز از هنرهای عصر تیموری می‌باشد، در گلستان هنر تألیف قاضی میر منشی آمده است، که واضع افشان مولانا غیاث‌الدین محمد مشهدی بوده که از مذهب‌ان و نقاشان چیره دست بشمار می‌رفته است، و ما انشاءالله شرح حال او را در همین کتاب خواهیم آورد.

زرافشان و یا افشانگری این بوده که نقره و یا طلا را حل می‌کردند و آن را در روی اوراق و حواشی کتابها می‌افشانده‌اند، و این صنعت را زرافشان و کسیکه این عمل

را انجام می‌داد به افشانگر معروف بود، افشان چند نوع بوده و برای آرایش کتابها و حواشی قرآنها و یا کتب ادعیه این عمل را انجام می‌دادند.

۹- سنگتراشی در مشهد مقدس

حجاری و کار کردن روی سنگ از زمانهای بسیار قدیم در مشهد مقدس رضوی و ناحیه طوس معمول و یکی از حرفه‌ها و صنایع ظریفه بوده است، سنگتراشان سنگهای خام را از کوه جدا کرده و از آن انواع و اقسام فرآورده سنگی پدید می‌آوردند و هنرنمایی می‌نمودند که هنوز نمونه‌هایی از آنها در مشهد مقدس موجود می‌باشد.

یکی از کارهای هنری روی سنگ ساختن آبگیرهایی از سنگ بوده است که نمونه آن حوض معروف اسماعیل طلائى در صحن کهنه بارگاه ملکوتی حضرت رضا علیه السلام می‌باشد که یکی از شاهکارهای این صنعت است که در قرن سیزدهم ساخته شده و دیگر سنگاب قرن ششم می‌باشد که در موزه آستان قدس نگهداری می‌شود و به سنگاب خوارزمشاهی معروف است.

سالمندان به خوبی اطلاع دارند که سابقا از اره‌های رواق‌های مطهر را سنگهای منبت‌کاری پوشانیده بودند، این سنگها را در ابعاد گوناگون بریده و با قلم‌های آهنی آنها را با طرز زیبایی کنده‌کاری کرده بودند، و با انواع و اقسام خطوط و نقوش آراسته گردیده و همگان را بطرف خود جلب می‌کردند.

کتیبه‌های زیبایی با خط نستعلیق و ثلث روی سنگ‌ها منبت‌کاری کرده و بالای ازاره‌ها نصب می‌نمودند، تمام رواق‌ها و اماکن متبرکه چنین بود، ولی از سال‌های ۱۳۴۰ شمسی که نوسازی در حرم مطهر شروع شد، این سنگ‌های زیبای هنری را جمع کردند و بجای آن از سنگهایی که به وسیله ماشین صاف و براق می‌شوند استفاده نمودند. هنوز در مشهد مقدس تعدادی سنگ قبرها هست که نمایانگر هنر سنگتراشی در مشهد از قرن ششم می‌باشد، سنگ قبر مطهر حضرت رضا علیه السلام که در سال ۵۱۶ ساخته

شده یکی از آثار هنری می‌باشد، سنگ قبر نقیب طوس در مزار گنبد خشتی و سنگ قبر مدرسه دو درب از نمونه‌های سنگبری در قرن نهم می‌باشد.

یکی از هنرهای سنگی در مشهد مقدس و ناحیه طوس ساختن دیگهای سنگی برای طبخ غذا بوده است، در کتاب مسندالرضا^(ع) در فصل ورود امام رضا^(ع) به طوس آمده است که آن حضرت هنگام رفتن به مرو خراسان از نوقان طوس عبور کردند و از کنار کوهی که از آن دیگ می‌تراشیدند گذشتند.

امام^(ع) در کنار این کوه توقف فرمودند و به کوهی که از آن سنگ می‌تراشیدند و دیگ می‌ساختند تکیه دادند، و دستور دادند برای آنجناب هم دیگی بتراشند و بعد هم دعا کردند و رهسپار نوقان و قریه سناباد شدند، از این روایت که شیخ صدوق هم در عیون اخبار الرضا آن را نقل کرده معلوم می‌گردد که دیگهای سنگی که در خراسان به آن هر کاره می‌گفتند سابقه کهن دارد.

اکنون هم هنر سنگتراشی و ساختن ظروف و انواع و اقسام فراورده‌های سنگی در مشهد مقدس ادامه دارد، و اساتید فن که این هنر را از پدران و استادان خود آموخته‌اند به آیندگان هم یاد می‌دهند، و یکی از سوقات مشهد مقدس خریدن همین اشیاء سنگی می‌باشد، قبل از تخریب ۱۳۵۴ بازاری بنام سنگ تراشان در مشهد بود که در آن فراورده‌های سنگی را می‌فروختند.

۱۰- صحافی و جلد سازی

یکی از کارهای ظریف هنر جلد سازی و صحافی بود، که گروهی از اساتید این فن آثار بسیار زیبایی از خود به یادگار گذاشته‌اند، در کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی نمونه‌هایی از این هنر دیده می‌شوند، این مکتب در خراسان و مشهد مقدس رضوی و هرات رایج بوده و مورد عنایت قرار داشته است.

شاهزادگان عصر تیموری و صفوی و امیران و حاکمان و توانگران هر کدام

کتابخانه‌های اختصاصی داشتند، و در جمع‌آوری آثار علمی و ادبی بر همدیگر سبقت می‌گرفتند، آنها برای ترمیم و نگهداری نسخه‌ها نیازمند به صحاف و جلدساز بودند، از این رو استادان فن را استخدام می‌کردند و این هنر را ارج می‌نهادند.

اکنون هم در مشهد مقدس رضوی هنر صحافی و جلدسازی مورد توجه می‌باشد و کتابخانه مبارکه رضویه در احیاء و زنده نگه‌داشتن صنعت صحافی و جلدسازی کوشش می‌کند، و با بکارگیری فنون جدید در امر نگهداری نسخ کهن و خطی و با حفظ ارزش‌های سنتی کتابها را صحافی و جلد می‌کند.

۱۱- منبت‌کاری و قلم‌زنی

از کارهای ظریف هنری منبت‌کاری و قلم‌زنی می‌باشد، این هنر که توسط استادان ماهر روی چوب، فلز و سنگ انجام می‌گیرد از زیباترین کارهای دستی است، که در طول تاریخ انجام می‌گرفته و هنوز هم طرفداران زیادی دارد و در مشهد مقدس و اصفهان روی این دو هنر فعالیت می‌شود.

از ابزار این هنر یک قلم فلزی و یا اسکنه‌های ریز و درشت و یک چکش که هنرمند بدست می‌گیرد و روی چوب و فلز و یا سنگ خطوط و نقوشی ایجاد می‌کند، نمونه‌هایی از این هنر هم اکنون در بارگاه ملکوتی حضرت رضا (علیه السلام) و تعدادی از مساجد و بقاع متبرکه در خراسان از زمانهای گذشته وجود دارد.

۱۲- خاتم‌کاری

این هنر هم از ظرافت خاصی برخوردار می‌باشد، خاتم‌کاری از صنایع ظریفه بوده و پادشاهان و امیران برای دستگاه تشریفاتی و تزئین کاخهای خود از این هنر استفاده کرده، میز و صندلی و وسائل پذیرائی از مهمانان را خاتم‌کاری می‌کردند و در تالارها روی میزها قرار می‌دادند.

صندوقهای روی قبور ائمه اطهار و تعدادی از امامزادگان توسط استادان بصورت بسیار زیبایی خاتم کاری می شد و روی قبرها داخل ضریح نصب می گردید، این هنر از زمانهای پیش در ایران معمول بوده و هنوز هم ادامه دارد، اکنون در اصفهان صنعت خاتم سازی رایج است و در مشهد مقدس هم معمول می باشد.

۱۳- قالی بافی در مشهد مقدس

یکی از صنایع دستی در مشهد مقدس رضوی و قراء و قصبات آن قالی بافی، و گلیم بافی، می باشد، فرش مشهد در ایران و جهان معروف و مشهور می باشد و طرفداران زیادی در داخل و خارج دارد، و یکی از صادرات مهم بشمار می رود، این هنر در سالهای اخیر در آستان قدس رضوی مورد توجه قرار گرفته است و سازمان های دولتی و خصوصی هم در این راه گامهای مؤثری برداشته اند.

در سال ۱۳۶۰ شمسی توسط آستان قدس رضوی مؤسسه ای بنام «شرکت تهیه و تولید فرش آستان قدس رضوی» به ثبت رسید، این شرکت از آن تاریخ در قریه کنویست در حومه مشهد مقدس که از موقوفات آستان قدس می باشد فعالیت می کند و گروهی فرش باف از مرد و زن به این حرفه سنتی مشغول می باشند و محصولات خود را در رواقهای آستان قدس در معرض دید زائران گذاشته است.

فرشهایی که اکنون در اماکن متبرکه پهن شده اند از فراورده های کارخانه فرش بافی آستان قدس هستند که با نقشه های گوناگون و در ابعاد مختلف بافته شده و زیر پای زائران بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) گسترده شده اند ساختمان کارخانه فرش بافی نیز همانند یک قالی آراسته شده که انسان بناء کارخانه را از دور مانند یک قالی مشاهده می کند.

کارخانه فرش آستانه مقدسه خود طراح و نقشه کش دارد، کارشناسان و طراحان نقشه ها را آماده می کنند و بدست بافندگان می دهند، مواد اولیه کارخانه

فرشبافی در خود محل تهیه می‌گردد، پشمهای مصرفی از گوسفندان آستان قدس به عمل می‌آید و در همانجا شستشو داده می‌شود و به نخ تبدیل می‌گردد و بعد از رنگ آمیزی بافته می‌گردد.

صنعت قالی بافی اکنون در مشهد مقدس و حومه آن یکی از کارهای سنتی بشمار می‌رود و هزاران انسان از زن و مرد و پیر و جوان به این کار اشتغال دارند در سالهای اخیر وزارت جهادسازندگی و گروهی از علاقمندان به این هنر سنتی کارگاههایی در مشهد و اطراف آن ایجاد کرده‌اند و وسائل و ابزار لازم را در اختیار بافندگان قرار داده‌اند.

۱۴- پوستین دوزی

یکی از مشاغل هنری در مشهد مقدس و شهرهای شمالی خراسان پوستین دوزی است، اگر چه در سالهای اخیر به علت عدم استقبال مردم رونق سابق را ندارد و لباسهای گرم در زمستانهای سرد جای پوستین را گرفته‌اند، ولی باز در تعدادی از قراء و قصبات اطراف مشهد این سنت معمول می‌باشد.

در کارگاههای پوستین دوزی انواع و اقسام پوستین‌ها دوخته می‌شوند از پوست بره‌ها و گوسفندهای جوان و پیر پوستین دوخته می‌شود و در سرمای زمستان از آنها استفاده می‌گردد، پوست‌ها را با روش مخصوصی نرم می‌کنند و بعد آنها را برش می‌دهند و به هم می‌دوزند.

پوستین‌ها بر حسب پوستی که مورد عمل قرار گرفته و دوخته شده‌اند دارای ارزش می‌باشند، پوستین‌هایی که از پوست گوسفندان سالخورده دوخته شوند معمولاً ساده هستند و ارزش هنری چندانی ندارند و پوستین دوز هم روی آنها زیاد کار نمی‌کند و معمولاً افراد متوسط ازان‌ها استفاده می‌کنند.

پوستین‌هایی که از پوست بره و یا گوسفندان جوان دوخته می‌شوند مشتریان

خاصی دارند، از این رو استاد پوستین دوز روی این نوع پوستین ها هنر به خرج می دهد، و اطراف آن را با نقش و نگار آرایش داده و مشتریان زیبا پسند را بطرف آن جلب می کند.

۱۵- فیروزه تراشی

یکی از هنرهای مشهور در مشهد مقدس فیروزه تراشی می باشد، این هنر از قرن ها قبل در مشهد وجود داشته و در طول تاریخ گروهی به این هنر روی آورده اند، و انگشت فیروزه مشهد در همه جا معروف است، و در واقع یکی از سوغاتیهای مشهد رضاء الله تعالی فیروزه می باشد.

فیروزه خام را از معدن فیروزه به مشهد مقدس می آورند، و بعد از آن استادان هنرمند آن را تراش می دهند و از آن انگشت می سازند، فیروزه ها همه یکسان نیستند و با یکدیگر تفاوت دارند، و فیروزه تراشان خالص آن را از ناخالص تشخیص می دهند. از فیروزه در سایر مصنوعات هنری هم استفاده می شود، در صندوق و ضریح قیور ائمه اطهار علیهم السلام از فیروزه برای تزئین استفاده شده و در ظروف فلزی، و دسته های شمشیر و خنجر از آن بهره برده اند، و امروز هم گروهی از هنرمندان و استادان در مشهد مقدس این هنر زنده نگهداشته اند.

۱۶- سبد بافی

هنر سبد بافی یکی از کارهای دستی و سنتی در مشهد مقدس و قراء و قصبات آن می باشد، وجود باغهای انگوری و انواع و اقسام میو جات در اطراف مشهد مقدس موجب گردیده تا این هنر دوام پیدا کند، روستائیان برای جمع آوری و حمل میوه های خود و نقل و انتقال آنها نیازمند سبد می باشند.

سبدها همه یکسان نیستند، گروهی از سبد بافان چندان اهمیتی به آن نمی دهند

آنها سبدهائی درست می‌کنند که تنها برای حمل میوه قابل استفاده می‌باشد و به ظرافت و استحکام آن توجهی ندارند و تنها در فکر بازار هستند، و از هر چوب و شاخه‌ای برای سبدهای استفاده می‌کنند و این نوع سبدها دوامی هم ندارند.

تعدادی از سبدها در عین اینکه سبدهای معمولی برای حمل و نقل انگورها و میوه‌ها را می‌بافتند، بکار خود جنبه هنری و ظرافت هم می‌دهند، آنها نخست از شاخه‌های مخصوصی استفاده می‌کنند تا کار آنها استحکام و دوام بیشتری داشته باشد و سال‌ها مورد استفاده کشاورزان قرار گیرد.

آنها سبدهای ظریف و زیبایی را در شکلهای گوناگون می‌سازند، سبدهای کوچک و دسته‌دار که میوه‌ها را در آن می‌چینند و روی میزها قرار می‌دهند، این سبدهای دستی و کوچک، زیبا و ظریف مورد علاقه گروهی قرار می‌گیرند و در تزئینات سفره غذاخوری از آنها استفاده می‌کنند.

۱۷- نمد و زیلوبافی

یکی از کارهای دستی در خراسان و مشهد مقدس و قراء و قصبات آن نمدبافی و زیلوبافی می‌باشد، این صنعت در سابق بسیار رواج داشت و گروهی از مردم شهر و روستا از این نمدها به عنوان فرش و زیرانداز استفاده می‌کردند و اغلب منازل روستاییان از نمد مفروش بود.

نمدبافان و زیلوبافان دو نوع محصول تولید می‌کردند، نوعی از آن ساده بود که طبقات کم در آمد از آن استفاده می‌نمودند، و نوع دیگر هم از نظر مواد اولیه مرغوب بود و هم از نظر نقش و نگار امتیاز داشت، بافنده هنرمائی می‌کرد و نمدهای ظریفی می‌بافت.

نمدها در ابعاد گوناگون و رنگ‌های مختلف بافته می‌شد، حواشی و کناره‌های آنها را با خطوط و نقوش آراسته می‌شدند و اهل ذوق و هنر، را بطرف خود جلب

می نمودند، نمد در زمستان ها بیشتر مورد استفاده قرار می گرفت و زیلو در فصل تابستان و گرما مطلوب بود.

۱۸- گیوه بافی

یکی از هنرهای سنتی در خراسان و مشهد مقدس گیوه بافی بود، این کار در گذشته مورد عنایت و توجه طبقات مختلف قرار داشت، گروهی گیوه می دوختند و جماعتی هم آن را می پوشیدند، گیوه کفشی سبک و در تابستان ها جماعتی از شهریان و روستائیان از آن استفاده می کردند.

گیوه نیز مانند سایر بافتنی ها دو نوع بود، نوعی از آن معمولی و ساده دوخته می شد که مردمان کم در آمد آن را تهیه می نمودند و مورد استفاده قرار می دادند، و نوع دیگری که هم از نظر کیفیت و هم از نظر نقش و نگار و ظرافت ممتاز بود، اغنیاء و توانگران از این نوع گیوه ها استفاده می کردند، در این زمان دیگر گیوه دوزی و گیوه پوشی رونقی ندارد، مردم به کفش های دیگر روی آورده اند، کفش های گوناگون که از کارخانجات کفش سازی بیرون می آیند مردم را از کفش های سنتی دور کرده اند، اندکی از مردمان سنت گرا در تابستان و هنگام گرمی هوا گیوه بپا می کنند و این سنت را زنده نگهداشته اند.

۱۹- سوزن دوزی

یکی از هنرهای دستی سوزن دوزی است، این کار ظریف و زیبا که از قرون و اعصار پیادگار مانده است، گروهی روی آن کار کرده و آثاری از خود بجای نهاده اند، در زمان ما هم این هنر ادامه دارد و در شهرها و اماکن مختلف ایران جماعتی به این کار اشتغال دارند.

سوزن دوزی معمولاً روی پارچه انجام می گیرد، و سوزن کاران پارچه های

گوناگون را انتخاب می‌کنند و با سوزن و نخ خطوط و نقوشی روی آن انجام می‌دهند، از پیراهن و شلوار گرفته تا پرده‌های دیواری، روتختی، بالش و متکا و روانداز سوزن‌کاری می‌شوند و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در مشهد مقدس رضوی هم این هنر زیبا از زمان‌های قدیم وجود داشته و در حال حاضر هم گروهی در منازل و یا کارگاه‌ها به این هنر مشغول هستند و فراورده‌های خود را به بازار روانه می‌کنند، در موزه آستان قدس رضوی از این نوع کارها تعدادی نگهداری می‌شوند و یادگاری از گذشته می‌باشند.

۲۰- سماور سازی

یکی از مصنوعات دستی در مشهد مقدس رضوی سماور سازی است، و سماورهای ساخت مشهد معروف می‌باشند، مسافران و زائران بارگاه ملکوتی امام هشتم علیه السلام طالب سماورهای ساخت مشهد می‌باشند و به عنوان سوغات سماورها خریداری می‌کنند.

ظاهراً سماور در مشهد سابقه تاریخی ندارد، و در دو قرن اخیر رایج شده است، با اینکه این هنر بومی نبوده ولی صنعت‌گران مشهدی به ساخت سماور روی آوردند و سماورهائی ساختند و با نقش و نگار به آن جلوه هنری دادند، اکنون سماور نفتی، برقی و گازی در مشهد ساخته می‌شوند و در همه جا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سنت‌ها گوناگون در مشهد

از ویژگیهای مشهد مقدس که این شهر را از شهرهای دیگر متمایز کرده این است که در این مکان مقدس مهاجران زیادی از شهرها و کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند، و هر کدام از آنها دارای سنت‌ها و آداب و رسوم ملی و محلی خود می‌باشند و یکی از سنت‌های آنان هنرهای دستی می‌باشد.

اکنون در شهر مقدس جماعتی از افغانستان، پاکستان، هندوستان و گروهی کرد،

بلوچ، ترک و عرب زندگی می‌کنند، اینان هر کدام در کشورها و شهرهای خود هنرهای دارند، و پس از اقامت و مهاجرت به مشهد این سنت‌ها را مورد عمل قرار می‌دهند.

بنابراین مشهد رضوی در طول تاریخ به عنوان یک مرکز مهم زیارتی مطرح بوده و مسلمانان از اقصی نقاط کشور پهناور اسلامی به این شهر مهاجرت کرده‌اند و در آنجا به کسب و کار اشتغال داشته و هنرهای محلی خود را در آنجا حفظ کردند، از این رو مشهد مرکز هنرهای گوناگون بوده و می‌باشد.

روضة منوره رضویه و مساجد باشکوه و مجلل در تعمیر و نگهداری بناهای تاریخی و یا بناء رواق‌ها و صحن‌های جدید و ساختن مدارس و مقابر نیازمند گروهی معمار، خطاط، نقاش، مذهب، نجار، حجار و منبت کار بوده‌اند، از این رو هنرمندان را از شهرهای مختلف بطرف خود جلب می‌کرده‌اند.

پادشاهان، امیران، حاکمان، رؤساء عشائر، و توانگران با هم رقابت داشتند، آنها برای ساختن کاخها و منازل مجلل بر یکدیگر سبقت می‌گرفتند هر کدام می‌خواستند قصری و منزلی بسازند که از سایر قصور و منازل ممتاز باشند از این جهت دنبال هنرمندان مشهور بودند.

در طول تاریخ این رقابت‌ها بوده و گاهی این چشم و هم چشمی‌ها موجب ربودن یک هنرمند می‌گردیده، و یا با دادن دستمزدهای بسیار یک معمار و هنرمند را بطرف خود جذب می‌کردند، در کتابهای تاریخی و تذکره‌ها از این گونه موارد دیده می‌شود و در این کتاب به آنها اشاره خواهد شد.

ثروت‌های انباشته شده توسط شاهان و امیران، و تجارتهای پر سود بازرگانان و مالداران، و غارت و چپاول عشائر و ضبط اموال و دارائی‌های مردم، آنان را وادار می‌کرد تا کاخ‌های باشکوه بسازند، و در آنجاها به عیش و عشرت و خوشگذرانی مشغول گردند.

زنان و دختران و خدمتکاران صاحبان نفوذ و مقام و ثروت و مکنت دوست

داشتند هر روز در لباسی زیبا در آیند، و در مجالس و محافل ظاهر گردند و با یکدیگر در پوشیدن لباس‌های گوناگون و الوان مسابقه بگذارند و رقبای خود را از میدان بیرون کنند.

از این رو هنرمندان دست به دست می‌شدند، و بازار آنها در دوران تیموری و صفوی بسیار رونق داشت، هر کدام کوشش می‌کردند بهترین استاد را جذب کنند، رقابت بین سلاطین ایران، هندوستان، و ترکان عثمانی برای ربودن معماران و اهل هنر در تاریخ مشهور می‌باشد.

آموزشگاههای حرفه‌ای و فنی مشهد مقدس

آموزشگاههای فنی و حرفه‌ای در مشهد

یکی از پدیده‌های جدید که سابقه تاریخی زیادی ندارد، ورود وسائل و لوازم زندگی به منازل می‌باشد، لوله کشی آب سرد و گرم، کولر، یخچال، آب گرم‌کنهای برقی و گازی، ماشین‌های لباسشویی، وسائل برقی و مکانیکی و تعمیر انواع و اقسام لوازم خانگی در خانه موجب شده تا مردم به تعمیر کار نیاز پیدا کنند.

زندگی امروز بستگی به لوازم خانگی دارد، در تابستان گرم هنگامیکه کولرها و یخچال‌ها نقص فنی پیدا می‌کنند مشکلاتی برای ساکنان خانه‌ها ایجاد می‌نمایند و در زمستانها اگر بخاری‌های گازی و نفتی از کار باز مانند زندگی بسیار سخت می‌گردد، و اگر لوله‌ای بترکد و یا آب از آن نشت کند زندگی مختل می‌گردد.

از این رو مقامات و مسئولان دولتی در مراکز استانها و شهرستانها کلاسهای بنام

آموزشگاههای فنی و حرفه تأسیس کرده‌اند، و گروهی از جوانان را در آن مکانها تعلیم می‌دهند تا از نظر فنی و علمی به امور تعمیرات و سائل خانگی آشنا شوند و در هنگام لزوم در منازل و یا کارگاههای تعمیراتی مجاز بیاری مردم بشتابند.

آموزشگاههای فنی جوانان را آموزش می‌دهند، و پس از طی دوره‌هایی که بستگی به نوع کارشان دارد به آنها مدرک می‌دهند، و به فارغ‌التحصیلان گواهی داده می‌شود تا کارگاه تعمیراتی تأسیس کنند و با اصول علمی و فنی لوازم خانگی را تعمیر نمایند.

در مشهد مقدس رضوی سازمانی بنام «سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای» تأسیس یافته و گروهی از جوانان دیپلم و یا زیر دیپلم در آن آموزشگاهها زیر نظر استادان و معلمان دانش فنی و حرفه‌ای را جهت تعمیرات لوازم خانگی فرا می‌گیرند و در خدمت جامعه بکار اشتغال پیدا می‌کنند.

در مرکز آموزشهای فنی و حرفه‌ای مشهد مقدس رشته‌های ذیل آموزش داده می‌شوند: برق صنعتی، برق ساختمان، لوازم سرد کننده، مکانیک، برق خودرو، لوله کشی گاز، لوله کشی آب، تراشکاری، نقشه کشی ساختمان، کامپیوتر، قالب سازی، تاسیسات حرارتی، آزمایشگاه برق.

فلز کاری، عکاسی، مصالح شناسی، بنائی، جوشکاری برق، ریخته‌گری، جوشکاری در و پنجره، تعمیر تراکتور، رادیو و تلویزیون، خیاطی مردانه و زنانه، درودگری و لوازم خانگی، در مشهد مقدس دو مرکز آموزشی در ابتدای رضا شهر و در بلوار قرنی به انجام وظیفه مشغول می‌باشند.

منابع آب مشهد مقدس

منابع آب مشهد مقدس

همانگونه که در فصول گذشته بیان گردید، حضرت رضا سلام الله علیه در باغ دهکده سناباد در حومه نوقان طوس به شهادت رسیدند و در همان باغ هم به خاک سپرده شدند، در آن زمان باغ و کاخ حمید بن قحطبه طائی طوسی بوسیله قناتی که ظاهراً مظهر آن در میان باغ بوده مشروب می شده است.

این قنات در میان مردم به نام قنات سناباد مشهور و معروف بوده است، بعد از اینکه امام رضا سلام الله علیه در آنجا مدفون شدند، قبر مقدس آن حضرت به عنوان یک مرکز بزرگ زیارتی در خراسان در آمد، شیعیان و دوستان آن جناب در آنجا گرد آمدند و مجاور قبر مبارک حضرت امام رضا علیه السلام شدند.

در آن ایام قنات سناباد تنها آب مورد استفاده ساکنان و زائران بود و همه را

کفایت می‌کرد، قنات سناباد به جهت اینکه در کنار روضه مبارکه رضویه قرار داشت مورد توجه و تقدیس مردم مشهد و زائران قرار داشت و زائران آب سناباد را به عنوان یک آب شفا بخش مورد استفاده قرار می‌دادند.

قنات سناباد تا صد سال پیش در مشهد مقدس جاری بود و پدران و اجداد ما از خصوصیات آن برای ما نقل می‌کردند، زائران بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام و ساکنان مشهد مقدس به آن آب تبرک می‌جستند و کفن‌های خود را در آب سناباد شستشو می‌دادند.

از قرن چهارم هجری که مشهد رضا علیه السلام رو به توسعه و آبادی گذاشت و حالت شهر و قصبه به خود گرفت، حاکمان و امیران خراسان و متولیان و کارگزاران بارگاه حضرت رضا سلام الله علیه در گوشه و کنار مشهد کاریزهای احداث کردند و آب چشمه‌ها را به مشهد آوردند.

ما اکنون در اینجا نخست از کشف رود که یک رودخانه تاریخی در جلگه طوس می‌باشد گفتگو می‌کنیم و بعد از جویبارهای ناحیه مشهد مقدس که از کوههای هزار مسجد و بینالود بطرف جلگه طوس سرازیر می‌کردند بحث خواهیم کرد و بعد هم از کاریزهای چشمه‌های اطراف مشهد اطلاعاتی در اختیار خوانندگان این کتاب قرار خواهیم داد.

کشف رود

یکی از رودهای مشهور در خراسان که از جلگه طوس از شمال غرب بطرف جنوب شرق جاری است کشف رود می‌باشد، این رودخانه از دهکده جعفرآباد نزدیک قوچان سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از جنوب رادکان و شمال چناران و مشهد مقدس در امتداد جاده مشهد به سرخس جریان دارد.

کشف رود در نزدیک پل خاتون به رودخانه هریرود که از هرات می‌آید با هم

برخورد می‌کنند و یک رود را تشکیل می‌دهند که به رود تجن معروف می‌باشد، در حقیقت تجن مجموعه‌ای از کشف رود و هریرود است که با عبور از مشرق سرخس وارد خوارزم قدیم و دشت خاوران و ترکمنستان کنونی می‌شود.

کشف رود یک نام بسیار قدیمی است که در شاهنامه فردوسی از آن یاد شده است، در داستان منوچهر و سام نریمان از آن سخن به میان آمده و در تاریخ ماندگار شده است، فردوسی روایت می‌کند که ازدهائی در ناحیه طوس مردم را اذیت و آزار می‌داد و همه از آن هراس داشتند.

سام نریمان به جنگ این ازدها رفت و او را از پای در آورد، و بعد داستان جنگ خود را با ازدها برای منوچهر تعریف و توصیف می‌کند و چگونگی کشتن آن ازدها را برای او وصف می‌نماید، داستان بسیار لطیف و جذاب می‌باشد، سام نریمان ضمن تعریف آن برای منوچهر گوید:

چو آن ازدها کوز رود کشف	برون آمد و کرد گیتی چوکف
زمین شهر تا شهر بالای اوی	همان کوه تا کوه پهنای اوی
جهانرا از او بود دل پرهراس	همی داشتندی شب و روز پاس
هوا پاک کرده ز پرندگان	همان روی گیتی ز درندگان

رودخانه کشف رود در گذشته بسیار پر آب بوده است، آبهای زیادی از قسمت‌های جنوبی کوه هزار مسجد و دامنه‌های شمالی کوه بینالود در آن وارد می‌شدند در اطراف رودخانه شهرها و قصبات آبادی مانند رادکان، طبران، نوقان، مشهد مقدس و ده‌ها آبادی وجود داشتند.

در اسناد و مدارک ثبتی و وقف‌نامه‌های موجود املاک و رقبات زیادی در جلگه طوس وقف گردیده که در آنها تصریح شده این اراضی از آب کشف رود آبیاری می‌کردند، در سابق بندهای زیادی بر آن بسته بودند و نهرهائی برای آبیاری زمین‌های ناحیه طوس از آن جدا می‌شد.

اکنون کشف رود کاملاً خشک می‌باشد و آبی از آن جاری نیست، آب‌هائی که سابق از کوه‌ها و دره‌ها جریان داشت به این رودخانه سرازیر می‌شدند ولی اکنون جمعیت زیاد شده و آب‌ها در نواحی کوهستانی و دامنه‌ها به مصرف کشاورزی می‌رسد، و آبی به کشف رود نمی‌ریزد.

در تعدادی از کتابها از رودخانه‌ای بنام «فرغانه» در طوس نام برده شده است، رشید الدین فضل الله در تاریخ مبارک غازانی گوید: رودخانه فرغانه کشف رود است. در خراسان به رودها دریا می‌گویند، در مشهد مقدس خیابانی به نام دریا معروف می‌باشد، چون این خیابان به کشف رود منتهی می‌گردد، در بدخشان و طخارستان و ماوراء النهر و خوارزم جیحون را دریا می‌گویند و به عنوان آمودریا از آن یاد می‌کنند و افغانها هم به رودخانه کابل دریای کابل می‌گویند.

جویبارهای مشهد مقدس

از کوه‌های شمالی و جنوبی مشهد مقدس به جلگه طوس جویبارهای متعددی جاری است، این جویبارها از چشمه‌های زیادی در کوه‌ها و دره‌ها تشکیل می‌شوند، و به هم می‌پیوندند، و بعد از جریان زیادی از مسیرهای مختلف عبور کرده و به دشتهای اطراف مشهد مقدس می‌رسند و مورد استفاده قرار می‌گیرند و ما اکنون در اینجا درباره آنها بطور اختصار گفتگو می‌کنیم.

جویبار طرق

یکی از رودخانه‌های معروف در مشهد مقدس رود معروف طرق می‌باشد، این رود از کوه بینالود در جنوب غرب مشهد مقدس سرچشمه گرفته و از کنار آبادی طرق که از دهات تاریخی ناحیه طوس می‌باشد عبور کرده و به کشف رود می‌ریزد، بر این رودخانه از قدیم و جدید سدهائی بسته شده که در فصل سدها از آن یاد خواهیم کرد.

جویبار گلستان

این رودخانه در غرب مشهد مقدس قرار دارد، رودخانه گلستان از جاغرق و ده بار سرچشمه گرفته و پس از عبور از طرّبه به رودخانه ازغذ و مایان می‌پیوندد و از گلستان عبور کرده و از کنار وکیل‌آباد به جلگه طوس سرازیر می‌شوند، رودخانه‌های طرّبه و ازغذ پس از عبور از گلستان از میان مناطق مسکونی می‌گذرند بر این رودخانه هم از قدیم سدی بسته شده که در فصل سدهای مشهد و طوس خواهد آمد.

جویبار شاندیز

رود شاندیز از زشک و کنگ در غرب مشهد مقدس سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از دره‌ها و قراء و قصبات کوهستانی وارد جلگه طوس می‌شود، و فاضلاب آن به کشف رود می‌ریزد، آب رودخانه شاندیز زمین‌های زیادی را در کوهستان و دشت مشروب می‌کند و کشاورزی این ناحیه را رونق بخشیده است.

جویبار اسکیل

جویبار اسکیل در غرب مشهد بین شاندیز و گل‌مکان قرار دارد، این رود آبریز زیادی ندارد، و در همان منطقه به مصرف کشاورزی می‌رسد، و تعدادی از دهات مجاور اسکیل از آن استفاده می‌کنند و باغهای خود را از آن آبیاری می‌نمایند و در فصل زمستان هم در دشت طوس رها می‌شود.

جویبار گل‌مکان

رود گل‌مکان از رودهای معروف ناحیه طوس می‌باشد، این جویبار از کوههای بینالود در شمال این دهکده بزرگ و تاریخی سرچشمه می‌گیرد، و از کنار گل‌مکان عبور

می‌کند، منبع اصلی رودخانه گلمکان «چشمه سبز» است که ما در فصل چشمه‌های ناحیه مشهد مقدس و طوس از آن یاد خواهیم کرد.

دهکده گلمکان یکی از آبادیهای مهم ناحیه مشهد مقدس می‌باشد از برکت آب چشمه سبز همواره شاداب و آباد می‌باشد، کشاورزی و باغداری در گلمکان بسیار رونق دارد، و محصولات آن علاوه بر بازارهای مشهد مقدس رضوی به بازارهای داخل و خارج کشور هم صادر می‌گردد.

جوبیار پایه

جوبیار پایه از ارتفاعات دهکده پایه در دامنه‌های بینالود سرچشمه می‌گیرد پایه در غرب گلمکان قرار دارد، و دهکده با صفا و دارای درختان انبوه و باغهای میوه می‌باشد و یکی از زیباترین مناطق کوهستانی مشهد مقدس است رودخانه پایه پس از عبور از دره‌ها با رودخانه فریزی یکی شده و از کنار چناران عبور می‌کند.

جوبیار فریزی

یکی از رودهای غربی مشهد مقدس رودخانه فریزی است، این رودخانه از ارتفاعات بینالود سرچشمه می‌گیرد و از کنار آبادی فریزی که یکی از دهات قدیمی ناحیه طوس می‌باشد عبور می‌کند و بعد از طی مسافتی در دره‌ها و پیچ و خمها وارد دشت می‌گردد.

رودخانه فریزی بعد از عبور از ناحیه کوهستانی با رودی که از دهکده پایه جاری می‌گردد به هم متصل می‌شوند و به طرف شهرستان چناران سرازیر می‌گردند، در نزدیک چنان این دو رودخانه را «منیژان» می‌گویند در واقع رود منیژان مجموع رود فریزی و پایه می‌باشد.

رودخانه فریزی باغها و مزارع زیادی را مشروب می‌کند و فاضل آب آن به

حدود چناران هم می‌رسد، همانگونه که تذکر داده شد آبادی فریزی سابقه‌ای کهن دارد و یک غار باستانی هم در کنار آن دهکده هست که ما در فصل غارهای ناحیه مشهد از آن یاد خواهیم کرد.

جوبیار اخلمد

اخلمد یکی از دهات مشهور ناحیه طوس می‌باشد، دهی خوش آب و هوا و آباد و پر از نعمت‌های خدا دادی و انواع و اقسام میوه‌ها و مردمانی فعال، رود اخلمد از ارتفاعات بینالود جاری است و از کنار دهکده عبور می‌کند و به جلگه طوس سرازیر می‌شود.

دهکده اخلمد جاذبه‌های گوناگون دارد یکی از جاذبه‌های آن وجود آبشار آن است، که بسیار زیبا و دیدنی می‌باشد و در فصل بهار و تابستان مردم را به طرف خود می‌کشاند، روی جوبیار اخلمد از زمان تیموریان سدی بسته شده که ما در فصل سدهای مشهد مقدس از آن یاد می‌کنیم.

جوبیار رادکان

قصبه رادکان یکی از آبادیهای باستانی ناحیه طوس بشمار رفته و ما در این کتاب در فصل شهرهای جلگه طوس از آن یاد کرده‌ایم و از خصوصیات آن بحث نموده‌ایم، رودخانه رادکان از ارتفاعات کوه هزار مسجد سرچشمه می‌گردد پس از عبور از رادگان به جلگه طوس سرازیر می‌گردد.

جوبیار رادکان همواره آب دارد، و در تابستان‌ها نیز آب آن قطع نمی‌گردد اگر چه نسبت به فصول سال کم و یا زیاد می‌شود، دشت وسیع و پهناور رادکان و باغها و کشت و زارهای آن و قراء مجاور اکثر از این رودخانه مشروب می‌شوند و فاضل آب آن هم به کشف رود می‌ریزد.

جوبیار ارداک

رودخانه ارداک در شمال مشهد مقدس از رودهای معروف ناحیه طوس است این جوبیار از کوههای هزار مسجد سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از دهکده گاش و بقمچ و چند آبادی دیگر از دهانه ارداک به جلگه و دشت طوس سرازیر می‌گردد و باغها و مزارع زیادی را آبیاری می‌کند.

این رود در قرون گذشته بنام «کاس رود» معروف بوده و در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی رحمة الله علیه در داستان جنگ طوس نوذر با فرود برادر کیخسرو که در کلات انجام گرفت از آن یاد شده است فردوسی در این باره گوید:

همه مرزها کرد بی‌تار و پود همی رفت از آن گونه تا کاس رود
فردوسی گوید: پس از اینکه فرود به دست طوس کشته شد و دژ کلات به دست لشگر ایران افتاد، طوس از آنجا به طرف کاس رود رفت، کاس ظاهراً همین دهکده «کاش» است که در نزدیک بقمچ قرار دارد، مردم ناحیه امروز کاس را با شین تلفظ می‌کنند.

جوبیار کارده

رود کارده هم در شمال مشهد مقدس قرار دارد، و بر این رود سدی بسته‌اند که ما در فصل سدهای مشهد از آن یاد می‌کنیم، رودخانه کارده نیز از کوههای هزار مسجد سرچشمه می‌گیرد، و پس از عبور از کوهها و دره‌های گوناگون از آبادی کریم‌آباد می‌گذرد و سرانجام به سد کارده می‌ریزد.

کارده یکی از آبادیهای مشهور و تاریخی طوس می‌باشد و به وفور نعمت‌های خدادادی معروف است، رود کارده در مسیر خود از هزار مسجد چندین آبادی را مشروب می‌کند و پس از عبور از سد دشت‌های زیادی را سیراب می‌نماید و به وسیله

لوله‌ای به تصفیه‌خانه مشهد هم متصل است.

جویبار سنگبست

سنگبست از آبادیها و قصبات نزدیک مشهد مقدس می‌باشد و یک دهکده مشهور و آباد در تاریخ بحساب می‌آید، سنگبست در سر راه نیشابور به سرخس و ماوراء النهر و صغد و خوارزم قرار دارد، و کاروانهای بازرگانی و سیاحان و جهانگردان از آنجا عبور می‌کردند.

رود سنگبست از کنار این آبادی در جنوب مشهد مقدس می‌گذرد، و پلی بر روی آن بسته شده که از آنجا به فریمان و جام و هرات می‌روند، این رود از کوههای جنوب مشهد سرچشمه می‌گیرد و از دشتهای پائین ولایت عبور می‌کند و به کشف رود می‌ریزد، ما درباره این آبادی و رباط آن در فصل مزارات طوس به تفصیل مطلب آورده‌ایم.

جویبارهایی که در بالا ذکر شدند از مشهورترین و مهمترین رودهای ناحیه مشهد مقدس می‌باشند، که همواره آب از آنها جاری می‌باشد، و رودهای کوچکی هم در کنار این جویبارها هستند که آب آنها اندک و حوزه آبرگیری آنها هم محدود است، و آب اینها هم پس از طی مسافتی به جویبارهای بزرگ متصل می‌گردد.

چشمه‌های ناحیه طوس

در اطراف مشهد مقدس و کوهها و دره‌های جنوبی و شمالی، شرقی و غربی آن چشمه‌های زیادی هم هست که از پیوستگی آنها جویبارهایی پدید آمده که ما از آنها نام بردیم، و از مجموع جویبارها نیز رودهای بزرگ پدید می‌آیند و از رودهای بزرگ دریاها و دریاچه‌ها وجود پیدا می‌کنند.

مقصود ما در این فصل تعدادی از چشمه‌هایی می‌باشند که آب آنها زیاد و خود

یک جویبار را تشکیل می‌دهند و یا چند آبادی را به تنهایی سیراب می‌کنند از این چشمه‌های جوشان آنها از زیر زمین فوران می‌کنند و مناظر بسیار زیبایی پدید می‌آورند و اطراف خود را آباد و سرسبز می‌نمایند.

چشمه سبز

این چشمه جوشان در شمال آبادی گل‌مکان در غرب مشهد مقدس بوده و در انتهای یک دره که اطراف آن بسته می‌باشد قرار دارد، و تنها از طرف شمال باز می‌باشد، و آب آن هم بسوی شمال جاری است و پس از عبور از یک دره باریک به دشت گل‌مکان روان است.

چشمه سبز مانند یک استخر بزرگ است و آب از وسط آن می‌جوشد، در کنار آن آب بندی ساخته‌اند و آب از زیر آن جاری می‌باشد، راه باریکی از طرف گل‌مکان بطرف چشمه سبز کشیده شده و تا سرچشمه ادامه دارد، ما با آهوی بیابان چند بار از این چشمه دیدن کرده و ساعت‌هایی در آنجا با دوستان و آشنایان گذرانیدیم.

منطقه چشمه سبز در ارتفاعات بینالود قرار دارد و جایی بسیار سرد و برفگیر می‌باشد، در تابستان‌ها خنک و هوایی بسیار لطیف و مطبوع دارد، گروهی از مردم را بطرف خود می‌کشاند، آب چشمه سبز بسیار سرد و خوشگوار است و در فصل گرما دلها را خنک می‌کند و تشنگی را می‌برد.

قصبه گل‌مکان که یکی از آبادیهای مشهور و تاریخی ناحیه طوس است و یک آبادی بسیار حاصل خیز می‌باشد، از این چشمه آبیاری می‌شود، و شادابی و سرسبزی خود را از این چشمه جوشان به دست می‌آورد، و بطور کلی زندگی در این ناحیه به چشمه سبز بستگی دارد.

این چشمه که اکنون بنام چشمه سبز مشهور می‌باشد در زمان‌های گذشته بنام «چشمه سو» معروف بوده است، در شاهنامه فردوسی ضمن داستانی از اینجا به نام

«چشمه سو» نام برده شده و ما اکنون خلاصه‌ای از آن داستان را در اینجا نقل می‌کنیم. فردوسی سخنسرای نامی خراسان گوید: یزدگرد ساسانی پدر بهرام‌گور سفری به ناحیه طوس نمود، او با گروهی از درباریان و کارگزاران خود به کنار چشمه سو رفت و در آنجا فرود آمد، یکی از روزها اسبی از میان آب چشمه بیرون شد، یزدگرد دستور داد آن اسب را بگیرند و نزد او ببرند.

کارگزاران او نتوانستند اسب را رام کنند، یزدگرد خود به میان آمد و نزدیک اسب رفت، در این هنگام اسب با دیدن یزدگرد رام شد، او اسب را زین کرد و بعد از اینکه خواست دم اسب را ببندد و بر آن سوار شود، ناگهان اسب برآشت و پاهای خود را بلند کرد و بر فرق یزدگرد فرود آورد.

یزدگرد در دم هلاک شد، اسب هم بلافاصله بطرف چشمه رفت و خود را به آب افکند و ناپدید شد و همراهان یزدگرد ساسانی شیون کردند و خروش بر آوردند. فردوسی گوید:

چه نزدیکی چشمه سو رسید	برون آمد از مهد و دریا بدید
قضا چون ز گردون فرو هشت پر	همه زیرکان کور گردند و کر
از آن آب لختی بسر نهاد	ز یزدان نیکی دهش کرد یاد
ز دریا بر آمد یکی اسب خنک	سَرین گرد چون کور و کوتاه لنگ
دمان و چه شیر ژیان پر ز خشم	بلند و سیه خایه و زاغ چشم
کشان دم و در پای با یال و فش	سیه سم و کف افکن شیر کش
شهنشاه برداشت زین و لگام	به نزدیک آن اسب شد شاد کام
چنان خنک شد رام بر جای خویش	که نهاد دست از پس و پای پیش
جهاندار بستد ز چوپان لگام	بزین بر نهادن همان کشت رام
چو زین بر نهادش براهیخت تنگ	نجنید بر جای تازان نهنگ
پس پای او شد که بنددش دم	خروشان شد آن باره سنگ سم

بغرید و یک جفته زد بر سرش	بخاک اندر آمد سر و افسرش
ز خاک آمد و خاک شد یزدگرد	چو جوئی تو زین بر شده هفت گرد
چو از گردش او نیابی رها	پرستیدن او نیارد بها
بیزدان گرای و بدو کن پناه	خداوند گردون و خورشید و ماه
چه او کشته شد اسب آبی چو گرد	بیامد بر آن چشمه لاجورد
بآب اندرون شد تنش ناپدید	کس اندر جهان این شگفتی ندید
ز لشکر خروشی بر آمد چو کوس	که شاها زمان آوریدت بطوس.

چشمه کلاس

این چشمه پر آب در شمال مشهد مقدس نزدیک طابران می باشد، و در کتابها و اسناد و مدارک تاریخی بنام چشمه کلسب معروف است، چشمه در کنار یک تپه ای قرار دارد و اطراف آن را هم تعدادی درخت احاطه کرده اند و آب چشمه هم گرم است.

مرحوم عبدالحمید مولوی در کتاب موقوفات آورده است که آب چشمه کلاس در سابق به شهر طابران سرازیر می شده و این ناحیه را مشروب می کرده است، و در عهد صدارت امیر علی شیرنوائی وزیر تیموریان به مشهد مقدس آورده شد و مورد استفاده زائران و ساکنان قرار گرفت.

در عالم آراء عباسی آمده: چون ساکنان مشهد مقدس معلی و زوار روضه متبرکه از قلت آب در عذاب بودند آب از انهار چشمه کلسب و قنوات مجدد احداث کرده آن حضرت به شهر آورد، نهری در میان خیابان و حوضی بزرگ در وسط صحن احداث فرمودند.

نگارنده گوید: هنگامیکه صحن کهنه حضرت امام رضا علیه السلام توسط شاه عباس توسعه پیدا کرد، آب چشمه کلاس را هم از خارج وارد شهر کردند و از وسط صحن عبور دادند، مسیر این رودخانه از بالا خیابان بود و پس از عبور از صحن بطرف پائین

خیابان می‌رفت.

پس از اینکه از شهر مشهد خارج می‌شد در مزارع آستان قدس رضوی مصرف می‌کردید، در سالهای ۱۳۳۰ شمسی روی نهر خیابان پوشیده شد و اکنون آب چشمه کلاس به مشهد مقدس نمی‌رسد و در بیرون شهر مصرف می‌شود. در موقوفات آستان قدس آمده که شاه عباس در سال ۱۰۲۳ چشمه کلاس را وقف غذای زوار مشهد قرار داد، و مقرر شد آب چشمه در اراضی دهکده خیابان زراعت شود و درآمد آن به هزینه غذای زوار برسد و تولیت وقف با میرزا الغ رضوی بوده است.

چشمه باقرقره

چشمه مزبور از مشهد دور است، و در شمال رادکان در میان دره‌ای که از آنجا به هزار مسجد می‌روند قرار دارد، آب این چشمه خنک و خوشگوار می‌باشد، اطراف چشمه را درختهای زیادی احاطه کرده و منظره‌ای زیبا و دل‌انگیز دارد. در فصل تابستان و بهار گروهی به آنجا می‌روند از هوای پاک و فضای خرم آن استفاده می‌کنند، آب آنهم در محل به مصارف کشاورزی می‌رسد، و جاده شوسه که رادکان را به هزار مسجد ارتباط می‌دهد از کنار چشمه می‌گذرد.

چشمه میامی

در دهکده میامی در شرق مشهد مقدس نزدیک مزار یحیی بن حسین از نوادگان زید شهید چشمه‌ای جریان دارد، آب این چشمه گرم و معدنی است، این چشمه در یک منطقه‌ای قرار دارد که هیچگونه آبی در آنجا وجود ندارد و از کوهستان هم دور می‌باشد.

آب این چشمه در همان دهکده به مصرف کشاورزی و آبیاری باغها می‌رسد،

دهکده میامی یکی از آبادیهای ناحیه مشهد مقدس بوده و در شاهنامه فردوسی از آن بنام «میم» یاد شده است، وجود مزار یحیی بن حسین بر شهرت این دهکده افزوده است، و ما در فصل مزارات این کتاب از آن یاد کرده ایم.

چشمه شیرخان

در تاریخ مسعودی تألیف ابوالفضل بیهقی از این چشمه یاد شده است، بیهقی گوید: امیر مسعود سوی طابران طوس رفت و آنجا دو روز بیود به سعدآباد تا همه لشگر در رسید، پس به چشمه شیرخان رفت و داروی مهمل خورد و از دارو بیرون آمد. اکنون در اطراف طابران چشمه‌ای بنام شیرخان وجود ندارد، و محتملاً تغییر نام یافته است، در زمان ما در این ناحیه چشمه‌ای بنام چشمه شیرین هست، که ممکن است در آن زمان بنام چشمه شیرخان معروف بوده و یا بنام دیگری تغییر یافته است.

کاریزهای مشهد مقدس

در مشهد مقدس رضوی و حومه آن در طول تاریخ کاریزهای زیادی هم برای ساکنان و زائران بارگاه ملکوتی حضرت رضا (علیه السلام) و هم برای کشاورزی و آبیاری باغها و تاکستانها و مزارع احداث گردید، و این قنوات موجب عمران و آبادی شهر مقدس مشهد شدند.

همانگونه که تذکر داده شد قنات سناباد قدیمترین کاریز در منطقه حرم مطهر و اماکن متبرکه بود، و زائران و ساکنان نخست از آن استفاده می‌کردند، بعد از اینکه مشهد توسعه پیدا کرد و زائران رو بفزونی نهادند و جمعیت زیادی در آنجا ساکن شدند به حفر قنوات دیگر اقدام گردید، و ما اکنون در اینجا فهرستی از کاریزهای مشهد را بنظر خوانندگان می‌رسانیم.

۱- کاریز آصف الدوله

الله یارخان آصف الدوله دانی محمد شاه قاجار در سال ۱۲۶۲ والی خراسان گردید او در مشهد مقدس در باغیکه بعداً بنام او معروف گردید اقامت نمود، او در محله چهارباغ مشهد کاریزی حفر کرد که بنام آصف الدوله مشهور گردید این کاریز بعد از مدتی خشک شد و اکنون اثری از آن نیست.

۲- کاریز اسدی

محمد ولی خان اسدی نائب التولیه آستان قدس رضوی در هنگام تصدی آستان مقدس رضوی کاریزهای متعددی در مشهد مقدس حفر کرد و بعد از آن همه کاریزها را در یک نهری بنام نهر گناباد بطرف مشهد آورد، این نهر را به کوه سنگی کشیدند و آب آن را در یک استخری که هم اکنون وجود دارد جاری نمودند.

این کاریزها که همه در یک نهر جاری بودند در استخری جمع شدند، و بعد از آن در اراضی موقوفه آستان قدس رضوی مورد استفاده قرار گرفتند، این قناتها در آن زمان موجب عمران و آبادی قسمتی از مشهد مقدس شدند، ولی این قناتها در اثر حفر چاههای عمیق حالت اولیه خود را از دست داده‌اند.

۳- کاریز الندشت

الندشت یکی از موقوفات پرارزش آستان قدس رضوی بود، این مزرعه در جنوب غرب مشهد مقدس بوده است، تقریباً تمام اراضی پشت با روی شاه طهماسبی را در بر می‌گرفته، حدود آن از فلکه تقی آباد تا کوه سنگی و از خیابان بهار تا نخریسی بوده است.

الندشت تا سال ۱۳۰۴ خورشیدی کاریزی داشته و اراضی آن را مشروب می‌کرده است، از الندشت اکنون فقط یک چهارراه در خیابان کوه سنگی باقیمانده و همه

زمین‌ها را تبدیل به خانه‌های مسکونی کرده و یا در اختیار سازمانها و مؤسسات دولتی گذاشته‌اند، و قنات آن هم خشک گردیده است.

۴- کاریز چهنو

چهنو یکی از آبادیهای مشهد مقدس بود، و در بیرون با روی شاه‌طهماسبی قرار داشت این آبادی در قرن دهم هجری از طرف عتیق علی طوسی وقف آستان قدس رضوی شده است، این آبادی کاریزی هم داشت که اراضی آن را مشروب می‌کرد، چهنو اکنون یکی از محلات مشهد مقدس می‌باشد و قنات آنهم وجود ندارد.

۵- کاریز رکن آباد

محل این کاریز که در کجای مشهد مقدس بوده معلوم نیست، ولی از موقوفات آستان قدس در مشهد بوده و زمینهای را آبیاری می‌کرده است.

۶- قنات دارالشفاء

از نام این قنات پیدا است که در محلی بنام دارالشفاء در مشهد مقدس جاری بوده است، ولی از اینکه این دارالشفاء در کجا قرار داشته اطلاعی در دست نیست.

۷- کاریز درویش بک

این کاریز در محله نوقان و نزدیک کوچه دریا دل جریان داشته و در اراضی محراب‌خان کوی طلاب فعلی و محل راه آهن مصرف می‌شده، این قنات کلاً متعلق به آستان قدس رضوی بود، آستان قدس این کاریز را به شهرداری مشهد اجاره داده بود، ولی بعداً در اثر عدم توجه آب آن خشک گردید.

۸- کاریز دستجرد

دستگرد نام یک آبادی در جنوب غرب مشهد پشت باروی شاه طهماسبی قرار داشت، و گنبد سبز مشهد در همین آبادی بوده است که اکنون یکی از محلات شهر مشهد می‌باشد، اراضی دستگرد را سبزی‌کاری می‌کردند و در اختیار مشهدی‌ها و زائران می‌گذاشتند، کاریز دستجرد خشک شد و اکنون اثری از آن نیست.

۹- کاریز سمرقند

سمرقند یکی از دهات مشهد مقدس بود، و اکنون جزء شهر می‌باشد، این آبادی در شمال مشهد سابقاً جزء منطقه تبادکان بوده است، در این آبادی یک قنات بوده که اکنون اثری از آن نیست و زمین‌های آن هم منطقه مسکونی گردیده است.

۱۰- کاریز سناباد

ما در این کتاب مکرر از کاریز سناباد و دهکده سناباد یاد کرده‌ایم، و گفتیم که امام رضا علیه السلام در باغ حمید بن قحطبه در دهکده سناباد طوس به شهادت رسید و در همان جا به خاک سپرده شد، در این دهکده قناتی بنام کاریز سناباد بوده که مردم از آن استفاده می‌کردند.

قنات سناباد در کتابهای تاریخی و تذکره‌ها آمده است، و ظاهراً این کاریز از کنار بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام عبور می‌کرده و ساکنان و زائران بارگاه رضوی از آن استفاده می‌کرده‌اند و به آن تبرک می‌جسته‌اند، و لباسهای خود را در آن فرو می‌بردند. نوروز علی بسطامی در فردوس التواریخ گوید: حاج میرزا موسی خان متولی روضه مبارکه رضویه در زمان محمد شاه قاجار دستور دادند آب سناباد را از مطبخ سرکار فیض آثار جاری سازند، قنات سناباد قبل از ورود امام رضا علیه السلام به ناحیه طوس وجود داشت در قرن معاصر خشک شده و کاملاً از بین رفته و فقط نامی از آن مانده



شماره ۲۵ - نمای داخلی مدرسه نواب صفحه ۱۴۴



شماره ۲۶ - نمایی از کارخانه فرش در مشهد مقدس صفحه ۲۹۵



شماره ۲۷ - نمونه‌ای از فرشهای مشهد مقدس صفحه ۲۹۴



شماره ۲۸ - دانشگاه علوم رضوی صفحه ۱۸۹



شماره ۲۹ - کتابخانه ملی ملک در تهران



شماره ۳۰ - دام پروری در مشهد مقدس صفحه ۳۵۰



شماره ۳۱ - دام پروری در مشهد مقدس صفحه ۳۵۰



شماره ۳۲ - نیروگاه طوس صفحه ۳۲۹



شماره ۳۳- اتاق فرمان صدا و سیمای خراسان صفحه ۲۷۰



شماره ۳۴- یکی از بخشهای فنی صدا و سیمای خراسان صفحه ۲۷۰

است.

۱۱- کاریز سعدآباد

سعدآباد یکی از محلات مشهد مقدس می‌باشد، این منطقه در سابق کاریزی داشته که مردم از آن استفاده می‌کردند، و در موقوفات آستان قدس رضوی از این کاریز نام برده شده است.

۱۲- کاریز شهاباد

قلعه شهاباد در مشهد مقدس کاریزی داشته است که این محل را آبیاری می‌کرده است، از این کاریز و قلعه اکنون اثری نیست.

۱۳- کاریز شیخ

شیخ مؤمن یکی از علمای مشهد مقدس بود، او در این شهر کاریزی بنا کرد و وقف نمود، این شیخ مؤمن غیر از شیخ مؤمن مدفون در گنبد سبز می‌باشد و ما انشاءالله در همین کتاب درباره این شیخ مؤمن مطالبی خواهیم آورد.

۱۴- کاریز عشرت‌آباد

عشرت‌آباد که اکنون در شمال مشهد مقدس قرار دارد، و به عنوان خیابان عشرت‌آباد معروف می‌باشد، از موقوفات شاه سلطان حسین صفوی است که بر آستان قدس رضوی وقف شده بود، عشرت‌آباد در آن تاریخ یک مزرعه بوده و قناتی هم داشته است.

عشرت‌آباد اکنون جزء شهر شده و زمین‌های آن تبدیل به خانه‌های مسکونی گردیده، قنات آن هم که تا چند سال قبل باقی و قابل استفاده بود، در اثر حفر چاه‌های

عمیق آب آن خشک گردید و مانند ده قنات از بین رفت.

۱۵- کاریز علی آباد

علی آباد از آبادیهای نزدیک مشهد مقدس وقف آستان قدس بود، در اینجا کاریزی حفر شد و این آبادی را آبیاری می کرد، اکنون نه از این دهکده خبری هست و نه از کاریز آن، علی آباد تبدیل به باغ و مناطق مسکونی شد و زمین های آن هم دست به دست گشت.

۱۶- کاریز کود سلوک

کود سلوک روستائی در شرق مشهد مقدس بود، این روستا و اراضی آن که متصل به مشهد بود، توسط میرزا سعدالدین محمد وزیر خراسان در زمان صفویه وقف آستان مقدس رضوی شد و مقرر گردید در آمد آن صرف تعمیر ساعت آستان قدس شود.

اکنون کود سلوک جزء شهر شده و اراضی آن تبدیل به خانه های مسکونی گردیده و قنات آن هم در اثر حفر چاههای عمیق خشک شده است واقف این دهکده مدرسه ای هم بنام سعدالدین در جوار حرم حضرت رضا علیه السلام بنا کرده بود که اکنون جزء اماکن متبرکه شده است.

۱۷- کاریز مسجد گوهرشاد

مهدی قلی بک میر آخورباشی شاه عباس در اوائل قرن یازدهم کاریزی برای مسجد گوهرشاد حفر کرد و وقف نمود، این قنات هم به مرور زمان خشک گردید و از بین رفت.

۱۸- کاریز مشهد

ابوالفضل بیهقی در تاریخ مسعودی گوید: بوالحسن عراقی دبیر وصیت بکرد تا تابوتش به مشهد علی بن موسی الرضا علیه السلام بردند به طوس و آنجا دفن کردند که مال این کار را در حیاة خود بداده بود و کاریز مشهد را که خشک شده بود باز روان کرد.

۱۹- کاریز منبع

این کاریز توسط نیر الدوله والی خراسان در باغ منبع که متعلق به مسجد گوهرشاد بود احداث گردید، و آب آن بطرف مسجد گوهرشاد سرازیر شد تا ساکنان و زائران حضرت رضا علیه السلام از آن استفاده کنند و مسجد هم آب جاری داشته باشد. باغ منبع که هنوز هم در مشهد مقدس باقی است از موقوفات مسجد جامع گوهرشاد می باشد، این باغ اکنون در اختیار اداره کل اوقاف خراسان است و اداره مرکزی اوقاف خراسان در آنجا قرار دارد، کاریز منبع سالها مورد استفاده قرار گرفت ولی پس از مدتی خشک شد و آب آن به مسجد قطع گردید، ما درباره این کاریز بعد از این هم گفتگو خواهیم کرد.

۲۱- کاریز میرزا

این کاریز در شهر مقدس مشهد قرار داشت، و هنوز هم در بالا خیابان کوچه ای بنام کوچه آب میرزا معروف می باشد، نیر الدوله والی خراسان آب این قنات را از طریق مجرائی که در زیر زمین حفر کرده صحن کهنه آستان قدس رضوی رسانید و در اختیار زائران قرار داد، این قنات اکنون خشک شده و اثری از آن نیست.^(۱)

۱- فردوس التواریخ، منتخب التواریخ و موقوفات آستان قدس رضوی.

سدهای مشهد مقدس

بند گلستان

یکی از سدهای تاریخی مشهد مقدس سد و یا بند گلستان است، این سد را ابوسعید گورکانی فرزند محمد بن میرانشاه بن امیر تیمور بنا کرده است، سد گلستان در کنار یک آبادی بنام گلستان در غرب مشهد مقدس بنا گردیده و هنوز هم موجود می باشد و یادگاری از قرون و اعصار است.

بند گلستان روی رودخانه ای بسته شده که از ارتفاعات بینالود سرچشمه گرفته و پس از عبور از آبادیهای جاغرق، دهبار، و طرّبه به بند گلستان می رسد، و شاخه ای دیگری هم از آبادی ازغدومایان عبور می کند و در گلستان به رودخانه طرّبه ملحق می شود.

آبهای رودخانه طرّبه و ازغد پس از جمع شدن پشت سد در اراضی آبکوه و دشت طوس به مصرف کشاورزی می رسیده و موجب عمران و آبادی این منطقه بوده است، سد گلستان در سالهای اخیر تقریباً در اکثر ایام سال خشک می باشد و آبی از ارتفاعات به آن نمی رسد.

در کتاب موقوفات آستان قدس آمده که این سد وقف آستان قدس و مسجد جامع گوهرشاد بوده و آبهای آن در اراضی موقوفه استفاده می شده است، در آن زمان مقرر بوده که اهالی بالای سد و ساکنان قراء طرّبه، دهبار، جاغرق، ازغد، و مایان ده روز آب را بگیرند و ده روز هم رها کنند تا به سد برسد.

این عمل چند قرن به همین روش ادامه پیدا می کند، و طرفین هم به این مورد عمل می کردند، در زمان قاجاریه هنگام سلطنت ناصرالدین شاه این قرار بهم می خورد، و آب رودخانه ها مرتباً به سد نمی رسد، و از آن روز این سد کارآئی خود را از دست می دهد.

ناصرالدین شاه در سفری که به مشهد مقدس داشته است، چند روزی برای گردش و سیاحت بطرف طرّقه و ارتفاعات مشهد می‌رود اهالی طرّقه و ازغد شکایت می‌کنند که باغات ما خشک شده، و ما نمی‌توانیم همه آبها را بطرف گلستان روانه نمائیم.

ناصرالدین شاه دستور می‌دهد، آن قرار قبلی که ده روز آب متعلق به آبادیهای بالای سد بوده و ده روز هم باید بطرف سد گلستان سرازیر شود لغو گردد، روستائیان بالای سد آبها را در مزارع و باغات خود مصرف کنند و مازاد آنرا بطرف گلستان روانه نمایند.

از آن تاریخ بند گلستان از رونق افتاد، و آب مرتب به آنجا نرسید، سد اندک اندک رو به خرابی نهاد و در فکر تعمیر و باز سازی آن هم نشدند، این سد آجری در زمان خود یک اثر بزرگ معماری و آبیاری بود و چند قرن آب رودخانه‌ها را ذخیره کرد و جلگه طوس را زیر کشت برد موجب آبادانی گردید^(۱).

سد طرق

سد طرق یکی از سدهای باستانی ناحیه طوس می‌باشد، این بند هم در زمان تیموریان ساخته شده و ظاهراً از بناهای امیرعلی شیرنوائی است، امیرعلی شیر وزیر سلطان حسین میرزا بایقرا که یکی از ادیبان و دانشمندان عصر خود بود در مشهد مقدس آثار زیادی از خود باقی گذاشته است.

و مدتها در مشهد مقدس ساکن بود، و در این شهر در کنار بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) منزل داشت، منزل او در جای رواق دارالولایه بوده است، او سد طرق را بنا نهاد و زمین‌های زیادی را در جنوب و شرق مشهد مقدس زیر کشت برد.

۱- موقوفات آستان قدس رضوی.

سد طرق در اثر مرور زمان کارائی خود را از دست داد، گروهی از علاقمندان بارها تصمیم به احیاء آن گرفتند ولی کاری از پیش نرفت و از فعالیت‌ها نتیجه‌ای گرفته نشد، تا آنگاه که مقامات دولتی تصمیم گرفتند در کنار سد قدیم سدی جدید بسازند و از آنها استفاده نمایند^(۱).

سد جدید طرق

بند تازه طرق در کنار بند قدیم ساخته شده است، و تا مشهد مقدس رضوی ۲۵ کیلو متر فاصله دارد، نگارنده این سطور همراه یکی از مهندسان اداره آب مشهد از این سد دیدن کردم و از خصوصیات آن توسط کارشناس اطلاع پیدا نمودم، مهندس راهنما اظهار داشت:

هنگامیکه مهندسان و کارشناسان سد سازی به این محل آمدند و در محل ساختن سد به تحقیق و نمونه برداری پرداختند به این نتیجه رسیدند که بهترین مکان برای ساختن سد جدید جایی است که سد سابق را در پانصد سال قبل بنا کرده‌اند. او می‌گفت: از جاهای متعددی در این دره نمونه برداری شد و آزمایش گردید، در هر جا از نظر زمین شناسی اشکالاتی پیش آمد ولی زمین مجاور سد سابق از نظر کارشناسان و مهندسان مناسب تشخیص داده شد و مقرر گردید در کنار سد قدیم سد جدید ساخته شود.

کارشناس سازمان آب مشهد می‌گفت: مهندسان زمین شناس در شگفت بودند سازندگان این سد در پانصد سال پیش چگونه این محل را برای ساختن سد انتخاب کردند و از کجا این زمین را برای ساختن سد مناسب تشخیص دادند که از نظر زمین شناسی کاملاً صحیح می‌باشد و کار آنها امروز هم مورد تایید کارشناسان قرار

دارد.

هدف از ساختن سد طرق رسانیدن آب به شهر مقدس مشهد برای مصرف اهالی و تأمین آب کشاورزی در دشت طرق و زمینهای مجاور می باشد، مساحت حوزه آبریز سد طرق ۱۴۰ کیلو متر مربع و ارتفاع رودخانه ۵/۱۶ میلیون متر مکعب در سال می باشد.

آب سد طرق در حال حاضر از طریق لوله های فلزی به مخزن و تصفیه خانه مشهد در کوی آب و برق منتقل می گردد و توسط لوله ها در منازل مورد استفاده قرار می گیرد، و آرزوی چندین ساله مشهدیها که در انتظار رسیدن این آب به مشهد بودند برآورده شد.

مشخصات اصلی سد و بدنه آن

- ۱- حجم کل مخزن در تراز ۱۲۱۷، ۴۰ میلیون متر مکعب
- ۲- سطح مخزن در تراز ۱۲۱۷، ۱۴۰ هکتار
- ۳- مقدار آب تنظیم شده ۱۳ میلیون متر مکعب در سال
- ۴- سد بتنی دو قوسی متقارن متشکل از ۲۲ بلوک بعرض ۱۴ متر
- ۵- حداکثر ارتفاع سد از پی ۸۱ متر
- ۶- ضخامت تاج ۴/۸۰ متر
- ۷- حداکثر ضخامت در پی ۱۲/۸۴ متر
- ۸- تراز تاج ۱۲۲۰ متر از سطح دریا
- ۹- طول تاج ۳۲۲ متر
- ۱۰- حجم بتونی بدنه سد ۱۶۵۰۰۰ متر مکعب.

تنظیم آب سد طرق

آب رودخانه سد طرق بصورت زیر تنظیم شده است:

- ۱- مقدار متوسط آب رودخانه $۱۶/۶ \times ۱۰۶$ متر مکعب در سال
 - ۲- تبخیر از سطح آب مخزن $۲/۳۶ \times ۱۰۶$ متر مکعب در سال
 - ۳- عبور از طریق سرریز $۱/۰۹ \times ۱۰۶$ متر مکعب در سال
 - ۴- سهم آب شهر مشهد ۷×۱۰۶ متر مکعب در سال
- مقدار آب تخصیص یافته برای شهر مشهد توسط خط لوله‌ای به قطر ۷۰۰ میلیمتر و به طول ۲۵ کیلو متر از محل سد آبگیر به تصفیه‌خانه مشهد منتقل می‌شود.
- آب سد طرق از رودخانه‌های مغان و خان رود و ارتفاعات بینالود جریان پیدا می‌کند و پس از عبور از درهای پرپیچ و خم در پشت سد قرار می‌گیرد و بعد توسط لوله‌ها به شهر مشهد انتقال پیدا می‌کند و ساکنان و زائران در مشهد از آن استفاده می‌کنند.

سد کارده

کارده یکی از آبادیهای معروف و تاریخی ناحیه مشهد مقدس و در شمال این شهر قرار دارد، رودخانه این آبادی که پر آب می‌باشد از کوههای هزار مسجد سرچشمه می‌گیرد، و پس از طی ده‌ها کیلو متر در جنوب کارده به جلگه طوس سرازیر می‌گردد و دشت‌های وسیعی را آبیاری می‌کند.

آب رود کارده در فصول سال کم و زیاد می‌گردد ولی هرگز قطع نمی‌شود، در سالهای اخیر که جمعیت مشهد مقدس رو به فزونی نهاده و تعداد زائران بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا علیه السلام زیاد گردیده، مسئولان استان خراسان را بر آن داشت تا در فکر تهیه آب آشامیدنی گوارا برای مشهد باشند.

از این رو تصمیم گرفته شد تا بر رودخانه کارده سدی بنا گردد و از آب آن در

شهر مقدس مشهد استفاده شود، پس از مطالعات لازم توسط مهندسان و کارشناسان محل سد بررسی گردید و نقشه‌ها آماده شد و پس از سالها فعالیت و کوشش مورد بهره برداری قرار گرفت.

سد کارده در میان یک دره تنک در جنوب کارده قرار دارد، و از جاده مشهد به کارده حدود یک کیلو متر فاصله دارد، جایی زیبا و دیدنی که در ایام تعطیل گروهی در کنار دریاچه آن به سیر و سیاحت می‌پردازند، و از آب صاف و پاکیزه آن لذت می‌برند. آب سد کارده پس از طی مسافتی در منبعی جمع می‌گردد و از آنجا بوسیله لوله به مشهد مقدس منتقل می‌گردد و در منبع بزرگ آب مشهد در کوی آب و برق می‌ریزد و پس از تصفیه وارد لوله‌های اصلی شده و در خانه‌ها و منازل مورد استفاده قرار می‌گیرد. بطور کلی هدف از ساختن سد کارده و احداث این طرح عظیم تأمین نیازهای شهر مقدس مشهد از نظر آب بوده، و همچنین تأمین آب برای کشاورزی در قسمت‌های پائین سد می‌باشد، اکنون مناطق و سیعی از اراضی جنوبی کارده زیر کشت رفته و محصولات زیادی به بازار مصرف می‌رساند.

مشخصات سد کارده

محل احداث سد کارده در ۴۰ کیلو متری شمال شهر مشهد روی رودخانه کارده و در پائین دست روستائی به همین نام در محل سد قدیمی کارده در نظر گرفته شده است و خصوصیات آن از قرار ذیل است:

- ۱- مساحت حوزه آبریز ۵۹۰ کیلو متر مربع
- ۲- ارتفاع متوسط حوزه آبریز ۱۵۶۰ متر از سطح دریا
- ۳- مقدار متوسط آب رودخانه ۴۰ میلیون متر مکعب در سال
- ۴- مواد جامد همراه با جریان آب ۴۰ تن در سال در کیلو متر مربع
- ۵- دبی حداکثر هزار ساله ۸۳۰ متر مکعب در ثانیه.

تنظیم آب

سد کارده آب رودخانه را بصورت زیر تنظیم می‌کند:

- ۱- مقدار متوسط آب رودخانه 40×106 متر مکعب در سال
 - ۲- تبخیر از سطح آب مخزن $2/48 \times 106$ متر مکعب در سال
 - ۳- عبور از طریق سرریز $6/28 \times 106$ متر مکعب در سال
 - ۴- سهم آب شهر مشهد 14×106 متر مکعب در سال
- از محل سد کارده آب ذخیره شده در مخزن با دبی منظم وارد رودخانه شده و در محل خروجی از دره توسط بند آبگیر پائین دست آب کشاورزی و شهری از یکدیگر تفکیک شده و سهم آب شهر مشهد از طریق لوله آبرسانی شهر بطول چهل کیلو متر و به قطر ۸۰۰ میلیمتر به تصفیه خانه شهر مشهد منتقل می‌گردد.

مشخصات اصلی سد و مخزن آن

- ۱- حجم کل مخزن در تراز ۱۲۹۶-۳۸ میلیون متر مکعب
- ۲- سطح مخزن در تراز ۱۲۹۶-۲۰۰ هکتار
- ۳- مقدار آب تنظیم شده ۳۱ میلیون متر مکعب در سال
- ۴- نوع سد بتونی دو قوسی متقارن از ۱۵ بلوک به عرض ۱۰ متر
- ۵- حداکثر ارتفاع سد از پی ۷۶ متر ۶- ضخامت تاج ۳/۲۰ متر
- ۷- حداکثر ضخامت در پی ۸/۵۰ متر
- ۸- تراز تاج ۱۳۰۰ متر از سطح دریا ۹- طول تاج ۱۴۴ متر
- ۱۰- حجم بتن بدنه سد ۳۲۰۰۰ متر مکعب

سد اخلمد

دهکده اخلمد در غرب مشهد مقدس قرار دارد، از کنار این آبادی رودی جریان دارد که بطرف شمال سرازیر می‌گردد و دشت‌های وسیعی را آبیاری می‌کند بر روی این رودخانه سدی کهن بسته شده که چند قرن از آن می‌گذرد، این سد اکنون ویران شده و نشانه‌هایی از آن باقی است، و بطور قطع معلوم نیست در چه زمانی ساخته شده است. نگارنده گوید: سدهای باستانی مشهد اغلب در زمان تیموریان بنا گردیده‌اند، ما در این کتاب مکرر گفته‌ایم پس از اینکه شاه‌رخ در هرات خراسان به سلطنت رسید رفت و آمد او و درباریان‌ش به مشهد مقدس زیاد شد شاه‌رخ چهار باغی در مشهد تأسیس کرد و کاخی در آنجا بنا نمود.

اقامت او در مشهد موجب عمران و آبادی این شهر گردید، آنها در مشهد چند رواق در حرم امام رضا علیه السلام ساختند، و تعدادی مسجد بنا کردند که یکی از آنها مسجد باشکوه گوهرشاد و مسجد شاه می‌باشد، در زمان تیموریان تعداد مدارس علمیه ساخته شد که هنوز چند مدرسه از آنها موجود است.

از جمله کارهای آنها ساختن سد بر تعدادی از رودخانه‌های ناحیه مشهد مقدس بوده که یکی از آنها سد طرق و دیگری سد گلستان و سومی سد اخلمد بوده است، این سدها موجب عمران و آبادی ناحیه مشهد مقدس شد و جمعیت زیادی را بطرف خود جلب کرد.

در پایان این فصل به اطلاع خوانندگان می‌رساند: غیر از این سدهای بزرگ بندها و آبگیرهای کوچکی هم در سالهای اخیر در گوشه و کنار رودخانه‌های ناحیه مشهد بسته شده است، کشاورزان و دامداران از آنها استفاده می‌کنند، این سدها با اصطلاح خاکی هستند و حوزه فعالیت آنها محدود می‌باشد.

نخستین لوله گذاری در مشهد مقدس

نیرالدوله سلطان حسین میرزا چند بار در خراسان به حکومت رسید، او در این فکر افتاد که آب پاک و تمیزی به مسجد جامع گوهرشاد و اماکن متبرکه برساند، تا زائران بارگاه ملکوتی حضرت رضا (ع) از آن بنوشند و وضوء بگیرند و به عبادت و زیارت مشغول شوند.

او با گروهی از مطلعین مشورت کرد و تصمیم گرفت لوله های فلزی از دولت تزاری روسیه خریداری کند و از طریق لوله آب تمیزی به اماکن متبرکه برساند، او برای نخستین بار لوله های فلزی را از خارج وارد مشهد مقدس نمود و از ابزار و وسائل جدید فرنگی استفاده کرد.

نیرالدوله در کنار کاریز باغ منبع که متعلق به مسجد جامع گوهرشاد بود، منبعی ساخت و آب قنات را با تلمبه از کاریز بالا آورد و از طریق لوله های فلزی به مسجد جامع رسانید، منبع آب ساخته شد و آب از قنات بوسیله تلمبه وارد لوله ها شد. لوله کشی از خارج دروازه سراب مشهد آغاز گردید و از مسیر راسته سراب و چهار باغ و کوچه حمام شاه و بازار بزرگ مشهد عبور کرده و وارد مسجد گوهرشاد شد، فاصله باغ منبع تا مسجد در حدود دو کیلو متر بود، این لوله کشی نخستین لوله کشی فلزی در مشهد بوده است.

او در داخل مسجد گوهرشاد چهار حوض بنا کرد و فواره هایی در آن قرار داد، آب از لوله ها بطرف مسجد جاری شد و از فواره ها بالا رفت، نیرالدوله جشن بزرگی در ایوان مقصوره تشکیل داد، علماء، سادات، بازرگانان و اشراف شهر مشهد در آن شرکت کردند و مراسم افتتاح انجام گرفت.

نیرالدوله اجازه داده بود برای مخارج تلمبه خانه چند انشعاب به منازل مسیر لوله بدهند و حق الشرب از آنها بگیرند، ولی بعد از اینکه نیرالدوله از حکومت خراسان معزول شد و به تهران رفت، اختلالاتی در این کار پدید آمد و موجب گردید تا آب به

مسجد نرسد.

در اثر دخالت گروهی از متنفذان و کشیدن انشعاب به خانه های اعیان آب قنات منبع به مسجد نرسید، و زائران و ساکنان از آن محروم شدند، تنها متنفذان و مالداران از آن سود بردند، در اینجا اختلافات کارگذاران مسجد و مقامات آستان قدس سبب قطع آب گردید.

دومین لوله کشی در مشهد مقدس

این لوله کشی هم محدود بود و اختصاص به مسجد گوهرشاد داشت، بعد از اینکه لوله کشی نیرالدوله حاکم خراسان در اثر دخالت متنفذین و لوله کشی به منازل طبقات اعیان و اشراف از مسجد قطع شد، بار دیگر مسجد از آب جاری محروم گردید، برای وضوء زائران و نمازگذاران از چاهی در داخل مسجد آب می کشیدند و در حوض بزرگی می ریختند تا مورد استفاده قرار گیرد.

در سالهای ۱۳۲۷ شمسی مرحوم حاج محمد باقر کلکته چی تبریزی بار دیگر آب کاریز باغ منبع را با لوله های فلزی به مسجد آورد، و در اختیار زائران و ساکنان قرار داد، او چند شیر آب را در فلکه حضرتی قرار داد تا مردم از آن آب گوارا بیاشامند. مردم مشهد مقدس و زائران بارگاه ملکوتی حضرت رضا (ع) در طول تاریخ از قناتها و آب انبارها استفاده می کردند، درست به خاطر دارم قبل از اینکه مسجد گوهرشاد و یا اماکن متبرکه لوله کشی شوند، در اطراف حرم چند آب انبار بزرگ ساخته شده بود.

شب ها که آب خیابان صاف می شد و گرد و خاکی نداشت، از آن به آب انبارها ریخته می شد و ساکنان و زائران از آن آب انبارها آب مصرفی خود را تهیه می کردند، تعدادی افراد که مشک بدوش داشتند از آب انبارها مشکها را پر از آب می کردند و در صحن ها و اماکن زیارتی به زائران می رسانیدند.

افرادی هم بانی می‌شدند تا آبکشها آب مورد نیاز زائران را در سقاخانه‌ها بریزند، و در مسافرخانه‌ها و کاروانسراها هم مخازن آب وجود داشت و سقاها مشکها را از آب‌انبارها پر می‌کردند و در آن مخازن می‌ریختند تا قبل از لوله‌کشی عمومی فقط مسجد گوهرشاد و اماکن متبرکه و تعدادی از مراکز و ادارات دولتی از آب لوله استفاده می‌کردند.

لوله‌کشی عمومی در مشهد مقدس

روزنامه خراسان در شماره اول تیر ماه ۱۳۲۸ گوید: به قراری که در اخبار چند روز پیش شنیده شد جناب آقای دکتر اقبال وزیر کشور لایحه لوله‌کشی آب شهر مشهد را تقدیم مجلس شورای ملی نموده‌اند، بنا بر این لوله‌کشی اساسی شهر مشهد مقدس در سال ۱۳۲۸ آغاز گردیده است.

از سال ۱۳۲۸ مقامات و مسئولان شهر مشهد در مورد لوله‌کشی آب مشهد طرحها و برنامه‌هایی در این مورد تهیه و به مورد عمل قرار دادند، و آب مورد نیاز مردم و زائران بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) را تهیه کرده و به منازل و مسافرخانه‌ها رسانیدند. شهر مقدس مشهد در آن زمان وسعت زیادی نداشت و جمعیت آن هم به تناسب شهر زیاد نبود، و زائران و مسافران هم مانند امروز نبودند، و در آن ایام تعدادی چاه‌های عمیق و نیمه عمیق در مشهد و حومه حفر شد و در منبعی جمع‌آوری گردید و بوسیله لوله‌ها در اختیار مردم قرار گرفت.

پس از اینکه راه آهن سراسری به مشهد مقدس متصل گردید و روزانه ده‌ها قطار خیل زائران و مسافران را به این شهر می‌رسانید، و راه‌های ارتباطی توسعه یافت و جاده‌ها آسفالت گردید، مردم در گوشه و کنار کشور با وسائل عمومی و شخصی روانه این شهر شدند و هر سال بر تعداد زائران افزوده گشت.

از طرف دیگر فرودگاه مشهد مقدس وسعت پیدا کرد، و هواپیماهایی از تهران و

شهرستانها زائران و مسافران را به این شهر می‌رسانیدند و روزانه چند پرواز انجام می‌گرفت، از طرف دیگر مشهد مقدس هم توسعه پیدا کرد و مردم به این شهر آمدند و در آنجا ساکن شدند.

کثرت مسافران و زائران از داخل و خارج و ازدیاد جمعیت مشهد و توسعه شهر موجب شد تا کارگذاران و مسئولان در فکر تهیه آب برایند و مردم مشهد را از مشکل آب آشامیدنی رهایی دهند، و آب سالم و تمیزی را در اختیار ساکنان و زائران قرار دهند.

سازمان آب مشهد

در سال ۱۳۴۲ مؤسسه‌ای بنام «سازمان آب مشهد» تشکیل شد، و مقرر گردید این سازمان مسئولیت تهیه و توزیع آب مورد نیاز اهالی مشهد و زائران را در اختیار بگیرد، پس از اینکه این مؤسسه تشکیل شد و مقدمات کار تهیه گردید اقدام به حفر چاه نمودند.

در گزارش اداره سازمان آب مشهد که بصورت جزوه‌ای منتشر گردیده آمده است: غرب و شمال غرب مشهد یکی از مناطق مهم تأمین آب مشهد در گذشته و حال می‌باشد، این منطقه بعلت اینکه دارای شیب طبیعی به سمت مشهد می‌باشد جهت انتقال آب بسیار مناسب می‌باشد.

از طرفی شیب سفره آب زیرزمینی نیز از غرب به شرق بوده و این موضوع سبب شده است که آبهای زیرزمینی در غرب از کیفیت مطلوبتری برخوردار باشد، ازاین رو ۴۸ حلقه چاه در چهار منطقه از غرب مشهد حفاری گردید و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

این چاهها در مناطق قاسم آباد، امامیه، منزل آباد و ناظریه حفر شدند و در اختیار شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان قرار گرفتند این چاهها مقداری از آب مصرفی شهر

را تأمین می‌کنند، کمبود شدید آب موجب گردید تا مسئولان بار دیگر در فکر آب باشند.

از این رو شرکت آب منطقه‌ای خراسان اقدام به حفر چاههای جدید نمود، و در مناطق سه گانه سوران، کورده و خبیج تعداد چهار حلقه چاه حفر شد و توسط لوله‌ها به مخازن آب در کوه سنگی و ملک آباد و قاسم آباد و امامیه منتقل شد و در لوله‌های داخل شهر جاری گردید.

بعد از انقلاب اسلامی جمعیت مشهد رو به فزونی نهاد و بر تعداد زائران افزوده گردید، قطارهای زیادی از تهران و شهرهای مختلف بطرف مشهد مقدس حرکت کردند و تعداد وسائل نقلیه عمومی و خصوصی زیاد گردیده، پروازهای هواپیما از شهرهای ایران و کشورهای خارج چند برابر سابق شد و سالی در حدود دوازده میلیون زائر به مشهد وارد می‌شوند.

از این رو مسئولان استان خراسان و مقامات عالی‌کلاس کشور در این باره تلاش کردند تا آب مورد نیاز مردمان مشهد و زائران را فراهم آورند، برای تهیه آب اقدام به تأسیس دو سد در جنوب و شمال مشهد مقدس نمودند، و سد کارده در شمال و سد طرق در جنوب بنا گردید.

اکنون این سدها بنا گردیده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند، آب این دو سد توسط لوله‌ها بطرف تصفیه‌خانه مشهد به ارتفاعات کوی آب و برق می‌رسد، و پس از تصفیه وارد لوله‌ها می‌گردد و مورد استفاده قرار می‌گیرد ما درباره این دو سد قبلاً اطلاع لازم را در اختیار خوانندگان قرار داده‌ایم.

در پایان این فصل مختصری از گزارش سازمان آب مشهد را که در یک جزوه چاپ گردیده بنظر خوانندگان می‌رساند: جاذبه‌های زیارتی و شهرنشینی مشهد سبب رشد سریع جمعیت این شهر گردیده و با توجه به موقعیت جغرافیائی و اقلیمی منطقه و منابع آبی محدود تأمین آب مشهد با مشکلات عدیده رو برو خواهد شد.

لذا از هم اکنون برنامه ریزی دراز مدت در این مورد باید در دستور کار قرار گیرد، در این راستا مطالعات طرح جامع تأمین آب شرب مشهد توسط شرکت خدمات مهندسی مشاور طوس آب برای مقاطع زمانی مختلف تا سال ۱۳۹۵ به منظور بهره گیری از تمامی منابع مد نظر می باشد استفاده از منابع آبهای سطحی و زیرزمینی و استفاده از پس آب تصفیه شده فاضلاب شهر به عمل آمده است و خلاصه آن به شرح زیر ارائه می گردد.

جمعیت فعلی شهر مشهد با احتساب شهرکهای وابسته نزدیک دو میلیون نفر برآورد می گردد و با توجه به روند رشد پیش بینی شده، جمعیت مشهد در سال ۱۳۹۵ به ۵/۵ میلیون نفر بالغ خواهد شد و ۵۶۰ میلیون متر مکعب در سال مصرف آب خواهد داشت.

نگارنده گوید: ما در این کتاب درباره آب مشهد مقدس از جهات مختلف مطالبی به نظر خوانندگان رسانیدیم، و متذکر شدیم که حاکمان، امیران، و متولیان آستان قدس رضوی در طول تاریخ همواره برای رسانیدن آب به مشهد مقدس اهتمام داشته اند و هر چه در توان داشته اند انجام داده اند.

حفر قنات، آوردن آب چشمه ها بطرف مشهد که در فصول گذشته به آنها اشاره کردیم نمونه ای از این گونه کارها می باشد، در زمان ما دیگر حفر قنات و یا آوردن آب چشمه ها به مشهد امکان ندارد، تنها راه برای رساندن آب مورد نیاز به مشهد احداث سد بر رودخانه های بینالود و هزار مسجد می باشد.

اکنون آبهای فراوانی از سلسله جبال هزار مسجد و بینالود بطرف جلگه طوس سرازیر می باشد، و کشاورزان قراء و قصبات از آن استفاده می کنند، اگر متصدیان امور و مسئولان و کارشناسان بر این رودخانه ها سدهائی بزنند و آبها را در پشت سدها ذخیره کنند همه از آن بهره مند می گردند.

اگر در گل مکان، ارداک، اخلمد، رادکان، فریزی، گلستان و شاندیز سدهائی

احداث گردد و آبهای چشمه‌ها و سیلابها، در آن سدها ذخیره شوند، هم کشاورزان و باغداران از آنها سود می‌بردند، و هم جمعیت‌های شهر مقدس مشهد، چناران، و رادکان از کم آبی نجات پیدا می‌کنند.

برق مشهد مقدس از آغاز تا عصر حاضر

برق مشهد مقدس

بر اساس اسناد و مدارک نخستین کارخانه برق در مشهد مقدس رضوی در زمان مظفرالدین شاه قاجار نصب گردید و اختصاص به حرم مطهر داشت، مرحوم مؤتمن در کتاب راهنمای آستان قدس آورده‌اند: چراغ برق برای اولین بار در خراسان و مشهد مقدس برای حرم مطهر آورده شد.

در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار مقارن سال ۱۲۷۴ کارخانه مولد برق با تمام لوازم خریداری و تقدیم آستان قدس گردید و در بالا خیابان نزدیک بست علیا نصب شد، از این تاریخ عمارات مبارکات دارای کارخانه برق شدند.

کارخانه برق در آن زمان با ذغال سنگ کار می‌کرد و در کوچه‌ای بنام چراغ برق قرار داشت، در آن زمان قاب چهار جوبه‌ای در ایوان طلای صحن کهنه نصب کرده بودند

که در آن این بیت با خط درشت نستعلیق نوشته شده بود و با نور برق روشن و در شبها جلوه خاصی داشت.

شهی که شمع حریمش فروغ مشعل و ماه چراغچی سزد او را مظفرالدین شاه چند سال بعد از دائر شدن برق آستان قدس اهالی مشهد هم در صدد بر آمدند برای روشنائی شهر به تدریج دستگاه مولد برق کوچک و بزرگ وارد کنند و آستان قدس هم در بعضی از آنها سهم بود ولی بعد از اینکه شرکت منطقه‌ای برق خراسان دایر گردید کارخانه‌های خصوصی برچیده شد و آستان قدس هم از برق منطقه استفاده کرد. در جزوه‌ای که از طرف شرکت منطقه‌ای برق خراسان در سال ۱۳۶۶ منتشر گردیده آمده است: در سال ۱۲۷۹ برای اولین بار موتور برق ۱۲ اسبی ۱۱۰ ولت از خارج خریداری و به آستان قدس تقدیم گردید، و در بالا خیابان کوچه چراغ برق نصب و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

در سال ۱۲۸۱ دو موتور برق توسط حاج امیر رضوی معروف به چراغ برقی به قدرت ۲۵، اسب خریداری و در کنار مولد اولیه نصب گردید، پس از نصب مولدین فوق وضع برق مشهد حدود ۳۰ سال راکد ماند، و در سال ۱۳۱۵ جدیدترین مولد برق در مشهد نصب گردید.

این مولد برق ۱۱۵ اسب، وسیله مادر آقاخان محلاتی بنام بی‌بی شمس الدوله جهت آستان مقدس خریداری و در خیابان طبرسی نصب شد، بعد از این مردم احتیاج به نیروی برق را احساس کردند و طالب آن شدند، در این وقت عده‌ای سرمایه گذاری نموده و شروع به تولید و فروش برق نمودند.

اولین مولد در خیابان چهار باغ نصب و خیابان نادری و بازار را برق می‌داد، برق مزبور شعله‌ای بود و هر شب مأمور از مصرف‌کنندگان یک ریال وصول می‌کرد و بدون کلید قطع و وصل مستقیماً از کارخانه روشن و خاموش می‌شد.

صاحب کارخانه برای بهره‌برداری بیشتر از سرمایه گذاری خود اقدام به احداث

کارخانه آردی کرد که از برق روز استفاده کند، در خلال سالهای ۱۳۱۷ - ۱۳۱۶ نائب التولیه وقت دارندگان کارخانه‌ها را برای تشکیل شرکتی واحد بنام شرکت عمومی برق دعوت نمود.

در سال ۱۳۱۴ شرکتی بنام نخریسی و برق خسروی تأسیس گردید سرمایه اولیه این شرکت بیست و چهار میلیون ریال مرکب از چهل و هشت هزار سهم پانصد ریالی بود، و در زمینی به مساحت ۵۴۰۰ متر مربع بنا گردید، این شرکت با اجازه نیابت تولیت و استاندار وقت یک دستگاه مولد برق برای کارخانه تهیه کرد.

این شرکت با مشارکت آستان قدس تأمین برق را به عهده گرفت و شرکت عمومی برق مشهد در سال ۱۳۱۸ به شرکت خسروی منتقل گردید و شرکت مزبور در سال ۱۳۱۹ یک دستگاه مولد دیگر را به قدرت ۶۰۰ کیلو وات که با سوخت ذغال سنگ توام با ملاس چغندر کار می‌کرد خریداری و نصب نمود.

کارخانه برق خسروی که برق مشهد مقدس را تأمین می‌کرد، سه دستگاه مولد برق را که با سوخت گازوئیل کار می‌کرد و هر یک قدرت ۶۰۰ کیلو وات از آلمان خریداری کرد و در کارخانه نصب نمود، ولی به علت ازدیاد تقاضا پاسخگوی مردم نبود.

در سال ۱۳۳۱ شرکت خسروی یک دستگاه مولد برق به قدرت ۷۵۰ کیلو وات خریداری و نصب کرد و خاموشی نوبتی را بر طرف نمود، البته تقاضاها رو به فزونی و وسعت شهر و بالا رفتن سطح فکر مردم از طرف دیگر نقش مهمی در این افزایش ایفا می‌نمود.

در سال ۱۳۳۶ بین شرکت خسروی و شهرداری مشهد حسن تفاهمی بوجود آمد و سازمان برنامه هم که موظف به تأمین برق شهرستانها شده بود مساعدت خود را با شهرداری مشروط به مشارکت با شرکت خسروی نمود و در مرداد ۱۳۳۶ شرکت جدیدی بنام شرکت سهامی برق مشهد بوجود آمد.

این شرکت توانست با خرید مولدهای مختلف قدرت تولیدی شهر مشهد را از ۲۳۰۰ کیلو وات به بیش از ۱۰۰۰۰ کیلو وات افزایش دهد، در سال ۱۳۴۲ سازمانی بنام سازمان برق ایران بوجود آمد و اداره امور توسعه و تقویت برق کلیه نقاط کشور را بر عهده گرفت.

شهر مقدس مشهد اولین شهری بود که داوطلب این کار شد و قرارداد مدیریت و توسعه برق مشهد را با سازمان مزبور در آبان ماه ۱۳۴۲، امضاء نمود، سپس وزارت آب و برق برای تأسیس شرکت منطقه‌ای اقدام نمود و این شرکت اجرای طرح مربوطه را مستقلاً به عهده گرفت.

شرکت برق منطقه‌ای خراسان تا سال ۱۳۶۵ بجز تولید توسط چند واحد دیزلی نصب شده در شهرها تحت مدیریت قسمت عمده انرژی مورد نیاز خود را از شرکت توانیر خریداری و توزیع می‌نمود در این سال براساس مصوبه مجمع عمومی کلیه تاسیسات تولید منطقه شمال شرق به شرکت برق منطقه‌ای خراسان واگذار گردید.

این شرکت اکنون عهده دار تولید، انتقال و توزیع نیروی برق در سطح استان گردید و به فعالیت خود ادامه می‌دهد، برق منطقه‌ای خراسان علاوه بر تأمین برق خیابان‌ها، میدان‌ها، بزرگراه‌ها، منازل، مراکز عمومی، برق کارخانجات و صنایع و کشاورزی را هم تأمین می‌کند.

شرکت برق منطقه‌ای خراسان به منظور رسیدن کشور به مرز خود کفائی از نظر تولیدات کشاورزی و ایجاد تسهیلات رفاهی در روستاها اقدام وسیعی در جهت تأمین برق روستاها با همکاری جهاد سازندگی خراسان انجام داده و هزاران روستا را برق‌کشی کرده است.

عمده برق مشهد مقدس از نیروگاه طوس تأمین می‌گردد، این نیروگاه که از نیروگاه‌های مهم کشور بشمار می‌رود با سوخت گاز کار می‌کند، برق مشهد تا چند سال قبل به برق سراسری اتصال نداشت، و این خود امتیازی برای این شهر مقدس بود و خاموشی در آن اتفاقی و به ندرت واقع می‌شد، و غیر از نیروگاه طوس نیروگاه‌های دیگری هم در مشهد بکار گرفته شده‌اند.

تجارت در مشهد مقدس

تجارت در مشهد مقدس

ما در فصول گذشته متذکر شدیم که شهر مقدس مشهد از کنار قبر مطهر امام رضا علیه السلام گسترش پیدا کرد، و این شهر همه برکات و آبادی خود را از وجود روضه مبارکه رضویه بدست می آورد، و در طول تاریخ ترقی و تعالی آن از نظر معنوی و مادی به زائر و زیارت ارتباط داشته است.

یکی از موضوعات مورد بحث درباره مشهد مقدس رضوی تجارت، کسب و کار و حرفه و پیشه می باشد، گروهی از مردم شهرها و ولایات به این منطقه مهاجرت کردند تا ضمن مجاورت در کنار بقعه مبارکه رضویه به کسب و کار و تجارت هم به پردازند. مشهد مقدس رضوی به خاطر وجود قبر مبارک امام رضا علیه السلام دارای جاذبه نیرومندی بوده و افراد گوناگونی را از شهرها و ولایات و کشورهای مجاور بطرف خود

می‌کشاند، و این خود موجب جلب سرمایه‌ها و اندوخته‌ها و مبادله کالاهای مختلف به این شهر می‌باشد.

مشهد مقدس در کنار جاده ابریشم قرار داشت، راه تجارتی از آبادی سنگبست در جنوب مشهد می‌گذشت، و کاروانها پس از عبور از ری و نیشابور از این آبادی عبور کرده و از طریق سرخس به مرو و از آنجا به سوی بخارا، سمرقند، ترکستان و چین می‌رفتند.

سنگبست رباط و کاروانسرائی بزرگ داشت و یک بارانداز و بارگیر مهمی در منطقه بشمار می‌رفت، کالاهای چین و ترکستان و صغد و خوارزم و قندهار و هرات از آنجا بطرف ری، آذربایجان، و شهرهای جنوبی و غربی ایران و از آنجا به عراق، شام و روم صادر می‌شدند و اجناس کشورهای روم، مصر، شام و عراق هم از همین طریق به چین و ترکستان ارسال می‌شدند.

مشهد مقدس امام رضا علیه السلام از قرن پنجم هجری یک مرکز بازرگانی مهم بشمار می‌رفت، و در زمان تیموریان و صفویان بر توسعه تجارت آن افزوده گردید، و راه ارتباطی مشهد با صغد و خوارزم و ترکستان و چین، و هرات و قندهار و از آنجا به هندوستان برقرار بود.

در کتب تاریخ و تذکره‌ها و همچنین کتب جغرافیائی از ارتباط تجارتی این شهر مقدس با تجار و بازرگانان مقیم مرو، بخارا، سمرقند، هرات و قندهار و سایر شهرهای مهم ماوراءالنهر و ترکستان، و هندوستان سخن به میان آمده که در مطاوی این کتاب از آنها گفتگو خواهد شد.

وجود ده‌ها سرای بازرگانی و بازارها و تیمچه‌ها در شهر مقدس مشهد که با روش سنتی در خدمت بازرگانان و کسبه بود، حکایت از رونق کسب و کار و تجارت در این شهر داشت و در این شهر اجناس و کالاهای گوناگون شهرها و کشورها خرید و فروش می‌گردید.

در زمان قاجاریه روسهای تزاری از طریق خوارزم به خراسان حمله آوردند، و شهرها و ولایات خراسان شمالی را از ایران جدا کردند، و با تحمیل قرارداد آخال حاکمیت سرزمینهای بین دریای مازندران تا ناحیه بلخ، ترمذ، بخارا و سمرقند را بدست آوردند و بر صغد و خوارزم مسلط شدند و تا قبادیان و بدخشان و فلات پامیر پیش رفتند.

از طرف دیگر حکومت انگلیس پس از تسلط بر هندوستان از طریق سند و بلوچستان به قندهار و کابل حمله آوردند، و پس از استقرار در افغانستان تا مرزهای ایران پیش آمدند و نفوذ خود را در هرات گسترش دادند و ایران را مورد تهدید قرار دادند.

روسها و انگلیسها پس از استقرار در مناطق مفتوحه، در مشهد مبادرت به تأسیس تجارتخانه کردند، و کالاهای خود را روانه این شهر نمودند و در مقابل از خراسان و مشهد هم اجناس ایرانی را خریداری کرده و در خارج بفروش می‌رساندند. از آنجا که ایرانیان و اهالی مشهد مقدس از روسها و انگلیسها به خاطر تجاوز و تصرف اراضی مسلمانان تنفر داشتند، دولت روس و انگلیس از اتباع مسلمان خود گروهی را در مشهد مقدس اسکان دادند، و آنها را واسطه تجارتی بین خود و ایران قرار دادند.

گروهی از مسلمانان و شیعیان قفقاز و سمرقند و بخارا، در مشهد به عنوان بازرگان در این شهر مقیم شدند، اینها واسطه بین تجار مشهد و بازرگانان روسیه تزاری بودند، از اینجا که این بازرگانان با دولت روسیه در ارتباط بودند از نظر سیاسی هم فعال بودند.

از طرف دیگر دولت انگلیس هم که بر هند حکومت می‌کرد و تا بلوچستان و سیستان پیش آمده بود، جماعتی از شیعیان هندوستان را به عنوان بازرگان به مشهد مقدس روانه کرده بود، و اینها نیز واسطه تجارت بین بازرگانان ایرانی و شرکتهای

انگلیس بودند.

دولت انگلیس در مشهد بانکی هم تأسیس کرد و این بانک انگلیس در مشهد بسیار فعال بود، مدیران و کارکنان این بانک اغلب هندی‌های مسلمان و شیعه بودند، و در لباس تجارت کارهای سیاسی هم می‌کردند و با مردم مشهد هم آزادانه رفت و آمد داشتند.

در این زمان تجارت و کسب و کار در مشهد رونق یافت، و هرگونه کالائی از کشورهای گوناگون، مخصوصاً از کشورهای اروپائی و ممالک زیر نفوذ روس و انگلیس به مشهد آورده می‌شد و از این طرف اجناس و فراورده‌های ایران هم صادر می‌گردید.

این وضع ادامه داشت تا هنگامیکه افغانستان مستقل گردید و یک کشور جدید در کنار ایران پدید آمد، از طرف دولت ایران افغانستان به رسمیت شناخته شد و مرزهای سیاسی مشخص گردید، و رابطه ایران و افغان به حال عادی در آمد.

افغانستان یک کشوری است که به دریا‌های آزاد راه ندارد، از این رو در صادرات و واردات خود به ایران، هندوستان، و روسیه تزاری وابسته بود، و یک راه باریکی هم از طریق دره واخان به کشور چین دارد که بسیار صعب‌العبور و رفت و آمد از آنجا به سختی انجام می‌گیرد.

راه ارتباطی افغانستان با هندوستان از طریق ترخم در نزدیک پيشاور که مرز افغانستان و پاکستان در حال حاضر می‌باشد انجام می‌گرفت، دولت انگلیس از بندر کراچی خط آهنی کشیده بود، این خط آهن، پس از عبور از حیدرآباد سند، لاهور و پيشاور به ترخم می‌رسید.

افغانها کالاهای بازرگانی خود را از بندر کراچی با خط آهن به مرز ترخم حمل می‌کردند، و از آنجا به داخل افغانستان انتقال می‌دادند، و بیشتر واردات افغانستان و صادرات آن کشور از این طریق انجام می‌گرفت.

پس از آزادی هند و جدا شدن پاکستان از هند به عنوان یک کشور مسلمان و مستقل ارتباط افغانستان با هندوستان قطع گردید و با پاکستان در شرق و جنوب همسایه شد و کالاهای وارداتی و صادراتی همچنان از بندر کراچی به شهر مرزی ترخم در نزدیک پیشاور حمل می گردید.

پس از استقلال پاکستان دولت افغانستان با این کشور اختلاف ارضی پیدا کرد، افغانستان مدعی بود که قسمتی از شمال پاکستان به پتان‌ها تعلق دارد و باید جزء افغانستان و یا مستقل گردد، این موضوع باعث برخوردهای شدید بین این دو کشور می شد.

دولت پاکستان هم افغانها را تهدید کرد که اگر از تجزیه طلبان پتانی حمایت کند راه ارتباطی او را با بندر کراچی قطع خواهد کرد، دولت افغانستان هم در برابر پاکستان با هند و شوروی ارتباط برقرار کرد این موضوع یک داستان طولانی دارد که شرح آن در اینجا مناسب نیست.

سرانجام در اثر حوادثی که بین افغانستان و پاکستان پدید آمد، دولت پاکستان راه ترخم به کراچی را بست و اجازه نداد کالاهای افغانستان از طریق راه آهن پاکستان حمل گردد، و دولت افغانستان ناگزیر بطرف ایران روی آورد تا از طریق مشهد احتیاجات خود را رفع کند.

قبلاً ارتباط تجارتهی مختصری از طریق مشهد و هرات بین ایران و افغانستان برقرار بود، ولی تجارت عمده از طریق راه آهن پاکستان به بندر کراچی انجام می گرفت، دولت افغانستان در تنگنا قرار گرفت و با مقامات ایرانی وارد گفتگو شد.

دولت ایران در آن زمان با پاکستان از طریق سنتو متحد بود، و دوست داشت بین پاکستان و افغانستان آشتی برقرار کند و دولت افغانستان را از هندوستان و شوروی جدا کند و وارد پیمان سنتو نماید. از این رو دولت ایران با پیشنهاد افغانستان موافقت کرد.

بعد از این کالاهای وارداتی افغانستان به جای تخلیه در کراچی در بنادر خرمشهر و شاهپور تخلیه شدند، و از طریق راه آهن به مشهد حمل و از آنجا با کامیون‌های ایرانی و افغانی به افغانستان منتقل می‌گردید و تا زمان کودتای افغانستان این ارتباط ادامه داشت، و صادرات افغانستان هم به خارج به همین نحو انجام می‌گرفت.

علاوه بر حمل کالاهای مختلف از طریق مشهد به افغانستان. نفت و بنزین مورد نیاز کشور افغانستان نیز از مخازن مشهد مقدس بوسیله تانکرهای ایرانی به کابل و قندهار و هرات حمل می‌شد و مخصوصاً بنزین هواپیماهای فرودگاه کابل و قندهار از ایران حمل می‌گردید.

اکنون نیز چنین است، نواحی غربی افغانستان از هر جهت بستگی به خراسان و مشهد دارند، مواد غذایی و لوازم زندگی بطور کلی از این طرف تهیه می‌شوند، چه بصورت رسمی که از طریق گمرک مشهد به آن طرف ارسال می‌گردد، و چه بصورت غیر مجاز توسط مسافران و عابران از مرزها برده می‌شود.

در مورد ارتباط تجارتی مشهد مقدس با شهرها و ولایات خوارزم و صغد و بدخشان و قبادیان و سرزمین‌های بین سیحون و جیحون که اکنون آنجاها را آسیای میانه می‌گویند، تا زمان تسلط بلشویکها رفت و آمد آزاد بود و کالاهای بازرگانی بطور رسمی و غیر رسمی به آن طرف ارسال می‌گردید.

ولی پس از انقلاب کمونیستی ارتباطات قطع شد و مرزها بسته گردید و مبادلات بازرگانی آزاد از بین رفت و مسافرت نیز به آن سوی مرزها ممنوع گردید، و اگر گاهی مسافرتی انجام می‌گرفت و یا کالائی رد و بدل می‌شد آن هم از طریق معاملات دولتی بود.

حدود هفتاد سال این وضع ادامه داشت و بین مشهد مقدس رضوی و شهرهای صغد و خوارزم و ماوراءالنهر رفت و آمدی نبود، و مرزها کاملاً کنترل می‌شد و به کسی

حق عبور از مرز را نمی‌دادند، مگر کسی که از طرف دولت معرفی شده بود که با تشریفات خاصی از مرزها می‌گذشت.

نگارنده این سطور در سال ۱۳۶۶ شمسی به دعوت مؤسسه خاورشناسی شوروی برای مطالعات و تحقیقات فرهنگی و استفاده از کتابخانه‌های آن کشور دعوت شدم ولی با همه اینها مقامات دولت شوروی از مسافرت این جانب از طریق مرزهای زمینی و دریائی موافقت نکردند و اظهار داشتند که باید از طریق هوائی مسافرت انجام گیرد.

اما پس از هفتاد سال آن حکومت از هم پاشید و بدون اینکه کشوری و یا گروهی با وسائل نظامی و مسلحانه بآن حمله کنند از هم متلاشی گردید اکنون مردم ترکمنستان، ازبکستان، و تاجیکستان و سایر مردمان جمهوری‌های آسیای میانه آزاد شده‌اند و مرزها به روی مردم گشوده شده‌اند.

مشهد مقدس رضوی بار دیگر رونق سابق خود را پیدا کرده و از بن بست هفتاد ساله خارج شده است، اکنون مردم آن مناطق با اتوبوس قطار و هواپیما به مشهد مسافرت می‌کنند و نیازهای خود را به دست می‌آورند و به کشورهای خود باز می‌گردند.

اکنون مشهد مقدس به عنوان یک مرکز بزرگ تجارتي و مبادله کالا در آمده است قطار راه آهن از کنار آن به آسیای میانه می‌رود، و بنادر ایران را به شهرهای بزرگ مرو، بخارا، سمرقند، تاشکند، آستانه و بیشکک وصل می‌کند و از آنجا به ترکستان و چین می‌رود.

کشاورزی و دامداری در مشهد مقدس

کشاورزی و دامداری در مشهد مقدس

دشت هموار مشهد مقدس که حدود آن از سنگبست در جنوب و میامی در شرق و رادکان در شمال و اخلمد در غرب می باشد، یکی از آبادترین و پر بارترین دشت های خراسان بشمار می رود، در این محدوده صدها آبادی و ده ها هزار جمعیت به فعالیت های کشاورزی و دامداری اشتغال دارند.

آبها و رودهایی که از کوه های هزار مسجد در شمال و بینالود در غرب مشهد مقدس به این دشت سرازیر می کردند موجب رشد کشاورزی و توسعه و عمران منطقه مشهد مقدس می باشند و ده ها نوع فراورده های کشاورزی و دامی از محصولات این جلگه پر برکت می باشد.

رودخانه کشف رود در طول تاریخ به این دشت وسیع کمک شایانی کرده و این

منطقه را سرسبز و خرم نموده بود، این رود پر برکت در مسیر خود از قوچان تا انتهای دشت مشهد در جنوب شرق زمین‌ها را آبیاری می‌کرد و هر ناحیه‌ای از آن بهره‌مند بود و فاضلاب آن هم به دشت خاوران در شمال سرخس سرازیر می‌گردید.

در قرن اخیر به علت کثرت جمعیت قراء و قصبات در ارتفاعات این دشت بزرگ، جویبارها و آب چشمه‌ها توسط کشاورزان به مصرف کشاورزی می‌رسد و در نتیجه آبی از کوهستان به کشف رود نمی‌ریزد، و این رود اکنون خشک و آبی در آن جریان ندارد.

در طول تاریخ قنوات زیادی در این دشت حفر گردید و در کشاورزی و آبیاری مزارع و باغها و مساکن و منازل مصرف شد، این قنات‌ها تا حدود پنجاه سال قبل، فعالیت داشتند و موجب رونق و توسعه کشاورزی و باغداری در این منطقه بودند. ولی با ورود فرهنگ آبیاری جدید و رو آوردن مهندسان آبیاری به کشاورزی جدید، در این منطقه اقدام به حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق شد، و چاههای زیادی در این دشت حفر شد و در نتیجه کاریزهای زیادی خشک گردید و از سود دهی باز ماند.

اکنون در منطقه مشهد مقدس کشاورزی جدید با ابزار و وسائل ماشینی در کنار کشاورزی سنتی در ارتفاعات ادامه دارد، و انواع و اقسام محصولات کشاورزی و دامی را به بازار مصرف روانه می‌کند، و یکی از دشتهای پر خیر و برکت بشمار می‌رود.

فراوردهای کشاورزی دشت و دره‌های اطراف مشهد مقدس بسیار فراوان می‌باشد، علاوه بر تأمین اهالی مشهد، چناران، رادکان و ده‌ها آبادی و خیل زائران و مسافران مشهد مقدس که سالی بیش از ده میلیون نفر برآورد شده است به دیگر شهرهای ایران و خارج هم صادر می‌گردد.

در منطقه مشهد مقدس چغندرکاری یکی از محصولات مهم کشاورزان می‌باشد، هزاران کشاورز به این شغل مشغول هستند، و زمین‌های زیادی زیر این کشت رفته

است، چغندرکاری از سالها قبل در منطقه مشهد رواج پیدا کرده و بصورت یک سنت در آمده است.

در جلگه مشهد مقدس اکنون سه کارخانه قند وجود دارد که از چغندر محلی استفاده می کنند، و یکی از محصولات عمده مشهد مقدس قند و شکر می باشد که علاوه بر مصرف اهالی مشهد و شهرهای خراسان به جاهای دیگر هم صادر می گردد و کام گروهی از ایرانیان را شیرین می کند.

در جلگه مشهد مقدس رضوی که وسعت آن بر طبق نوشته های اداره کشاورزی خراسان ۳۸۴۶۰۰ هکتار می باشد تنها ۲۱۲۰۰۰ هکتار آن قابل آبیاری است، از محصولات کشاورزی آن ۳ کارخانه قند، ۳ کارخانه پنبه پاک کنی ۵ کارخانه روغن کشی و بالغ بر ۱۸ سردخانه و ۱۷ کارخانه کمپوت و کنسرو و ۴ کارخانه خشکبار و کشمش پاک کنی فعالیت دارند.

در این منطقه گندم، جو، چغندر، پنبه، نخود، لوبیا، عدس، ماش باقالا خشک، هندوانه، خربزه، طالبی، گرمک، انواع کدو، خیار، گوجه فرنگی، سیب زمینی پیاز، سیر، بادمجان، سبزیجات، باقالا تازه، یونجه، ذرت دانه ای، آفتاب گردان، کنجد و سویا.

در نامه ای که اداره کشاورزی خراسان برای نگارنده نوشته است آمده: آب مورد نیاز کشاورزی شهرستان مشهد از دو طریق آبهای سطحی و آبهای زیرزمینی تأمین می گردد، آب های سطحی از رودخانه ها و انشقاق نهرها سالیانه بالغ ۳۲۷ میلیون متر مکعب و آب زیرزمینی حدود ۱۳۷۵ میلیون متر مکعب در سال به شرح زیر.

چاه عمیق تعداد ۲۰۸۶ حلقه که میزان برداشت آن معادل ۶۵/۴۳ میلیون متر مکعب.

چاه نیمه عمیق ۱۸۸ حلقه ۷/۳۹۵ میلیون متر مکعب

چشمه ۳۲۷ دهانه ۱۲۰ میلیون متر مکعب

قنات ۷۶۶ رشته ۲۰۴ میلیون متر مکعب

رودخانه‌های مهم این شهرستان و میزان برداشت آب زراعی از آنها به شرح زیر می‌باشد:

کشف رود	۱۲۱ میلیون متر مکعب در سال
ارداک	۳۴ میلیون متر مکعب در سال
رادکان	۱۶ میلیون متر مکعب در سال
کارده	۳۱ میلیون متر مکعب در سال
میامی	۱۱ میلیون متر مکعب در سال
گلمکان	۱۲ میلیون متر مکعب در سال
شاندیز	۲۰ میلیون متر مکعب در سال
طرقبه	۱۳ میلیون متر مکعب در سال
طرق	۲۲ میلیون متر مکعب در سال
قلندرآباد	۲۰ میلیون متر مکعب در سال

البته پیداست که این مقدار آب ثابت نیست و کم و زیادی آب این رودخانه‌ها بستگی به نزول برف و باران دارد، هر سال که بارندگی زیاد شود طبعاً آب چشمه‌ها و قنوات و رودها زیاد می‌گردد و هرگاه بارندگی نقصان پیدا نماید آبها نقصان پیدا می‌کنند.

میوه جات مشهد

در کوهپایه‌ها و دشت مشهد و مناطق ییلاقی و دره‌های پر پیچ و خم کوههای هزار مسجد و بینالود در شمال و غرب مشهد مقدس باغهای زیادی به کشت درختان میوه اختصاص یافته است و گروهی به تولید میوه‌های گوناگون می‌پردازند. قراء و قصبات طرقبه، جاغرق، دهبار، ازغد، مایان، گلستان، شاندیز، ابرده، زشک، کنگ، تقندر، گلمکان، پایه، فریزی، و اخلمد در غرب مشهد و همچنین، خور،

بقمچ، و رادکان و کارده در شمال مشهد اختصاص به درختان میوه دارند. این آبادی‌ها در میان دره‌ها قرار دارند، و گاهی در امتداد رودخانه‌ها تا چند کیلو متر باغهای میوه از هم قطع نمی‌کردند، در فصل تابستان و هنگام رسیدن میوه‌های گوناگون خیل مشتاقان را بطرف خود جلب می‌کنند و با میوه‌های شیرین و گوارا کام همه را شیرین می‌نمایند.

در این آبادیهائی که نام برده شد همچنین در دشت طوس و مشهد محصولات زیادی از انواع و اقسام میوه پدید می‌آید و محصولات آن علاوه بر مصرف جمعیت دو میلیونی مشهد و قراء و قصبات حومه و ملیونها زائر و مسافر به خارج مشهد هم صادر می‌گردد.

میوه‌های خوش طعم و شیرین مشهد مقدس در همه جا طرفداران فراوانی دارد، مخصوصاً در شمال ایران و تهران و سیستان و بلوچستان مصرف زیادی دارد، و به خارج ایران هم صادر می‌گردد، و در کشورهای عربی و اروپا هم طرفدارانی دارد. در باغهای قراء مشهد مقدس انواع و اقسام میوه‌ها مانند، گیلان، آلبالو، شفتالو، هلو، شلیر، زردآلو، به، آلو، بخارا، گلابی، شاه‌توت، توت سفید، گوجه، گردو، سیب، سماق، و زرشک به عمل می‌آید مخصوصاً گیلان و سیب مشهد که شهرت بسیار دارد و در همه جا مطلوب می‌باشد و در ایران و خارج طالبان بسیاری دارد.

دامداری در مشهد مقدس

دشت وسیع طوس و دامنه‌های کوه بینالود و هزار مسجد از قدیم جای پرورش دام بوده است، گله‌دارها و چوپانان در طول تاریخ در این منطقه گوسفندداری می‌کرده‌اند، و عشایر خراسان که کار آنها تربیت دام بود در بهار و تابستان در کوه‌ها و دشت‌های این ناحیه زندگی می‌کردند.

فراورده‌های لبنی در مشهد مقدس و اطراف آن یکی از کارهای پرسود بوده و

جماعت زیادی به گاوداری و تربیت مواشی مشغول می‌باشند، در حال حاضر مراکز تولید لبنیات در اطراف مشهد فعالیت دارند و محصولات آنها در بازار مشهد به مصرف می‌رسد.

اکنون در قراء و قصبات ناحیه مشهد مقدس هم گاوداری سنتی معمول است و هم به اصطلاح گاوداری صنعتی، در این مراکز گاوهای بومی و گاوهای وارداتی از نژادهای مختلف نگهداری می‌شوند و با روشهای علمی از آنها بهره‌برداری می‌گردد.

کشاورزی در آستان قدس

آستان قدس رضوی در مشهد در کشاورزی، دامداری و باغداری بسیار فعال می‌باشد، و همواره از نظر تولیدات کشاورزی در خراسان مقام اول را دارد، آستان قدس در قریه کنویست واقع در حومه مشهد مقدس و همچنین در مزرعه طرق چند واحد دامپروری دارد.

در آنجا صدها گاو شیرده از نژادهای ایرانی و خارجی نگهداری می‌شوند و با روش علمی و مجهز به همه وسایل فنی از آنها بهره‌برداری می‌گردد، روزانه چندین تن شیر به بازار مصرف عرضه می‌کنند و کمبودها را جبران می‌نمایند.

آستان قدس در کنار گاوداری به گوسفندداری هم اقدام کرده است، در مزرعه نمونه طرق که منطقه‌ای بسیار وسیع می‌باشد، در یک زمین مسطح بین جاده‌های سرخس و فریمان هزاران گوسفند را پرورش می‌دهند و سالی صدها تن گوشت به بازار مصرف عرضه می‌کنند.

آستان قدس رضوی در کنار گاوداری و گوسفندداری خوراک دام هم تهیه می‌نماید و زمین‌های زیادی را زیر کشت علوفه برده است، در مزرعه نمونه تعدادی هم شتر که از طرف عشایر و شترداران هدیه شده‌اند نگهداری می‌شوند مضافاً بر اینکه آستانه مقدسه از قدیم شترخانه داشته است.

آستان قدس رضوی از جهت تولید انواع و اقسام میوه و خربزه و هندوانه در خراسان بسیار فعال و در صدر قرار دارد، ده‌ها باغ و مزرعه در حومه شهر مقدس مشهد به درختان میوه‌دار اختصاص دارند و در بازار مشهد و شهرستانها مصرف می‌شوند. میوه‌های باغات آستان قدس را با کامیونها در کنار فلکه حرم مطهر در معرض فروش قرار می‌دهند، و زائران و مسافران هم با دیدن میوه‌های متعلق به آستان قدس رضوی آنها را خریداری کرده و برای تبرک به شهر و دیار خود می‌برند.

صنایع و کارخانجات مشهد

صنایع و کارخانجات مشهد

ما در فصول گذشته این کتاب تذکر دادیم مشهد مقدس رضوی به خاطر موقعیت ویژه که داشته و دارد، ارباب علم و دانش و اصحاب حرف و صنایع همواره برای پیشرفت کارهای خود و استفاده از ویژگیهای این شهر مقدس به این مکان مهاجرت می‌کنند تا ضمن زیارت و قرب جوار از استعداد خود هم بهره‌مند گردند.

یکی از کارهای رایج در این شهر صنعت و هنر بوده، افراد گوناگونی از ملیتها و کشورهای مختلف که به این شهر مقدس مهاجرت می‌کردند و به اصطلاح مجاور می‌شدند، هنر و صنعت خود را هم با خود می‌آوردند، از این رو مشهد در طول تاریخ مجمع هنرمندان و صنعت‌گران بوده است.

آثار تاریخی به جای مانده در مشهد مقدس و حومه نمایانگر هنر و صنعت

گذشتگان می‌باشد، این آثار باشکوه و مجلل که ظرافت و زیبایی و هنر و صنعت در آنها تجلی می‌کند، نمونه‌ای از استعداد و دانش و فضل هنرمندان و صنعت‌گران این مرز و بوم می‌باشد.

صنعت‌گران در گذشته با دست خود کار می‌کردند، دست و پنجه و انگشتان آنها با کمک فکر و اندیشه و دانش فنی آثار خود را پدید می‌آوردند و در بازار عرضه می‌داشتند، آنها با دست گرفتن ابزارهای رایج در آن زمان آثار خود را پدید می‌آوردند و هنر نمائی می‌نمودند.

از کتب تاریخی و اسناد و مدارک معلوم می‌شود که در مشهد مقدس کارخانجات و کوره‌هایی بوده که در آنها آهن، مس، چدن و سرب تولید می‌کرده‌اند، در مشهد کارخانه تفنگ سازی و آلات و ادوات جنگی بوده که خرید و فروش می‌شده و مورد توجه جنگجویان قرار می‌گرفته است.

در روزنامه وقایع اتفاقیه که در شماره هشتم ماه ذی قعدة سال ۱۲۷۰ منتشر شده آمده است: یک نفر مشهدی در کارخانه خود در مشهد مقدس سنگ مس آب می‌کرده است، ناگهان چند نفر به کارخانه او می‌ریزند و او را با خنجر مجروح می‌کنند و او پس از مدتی در اثر زخم خنجر وفات می‌کند.

در کتاب اشراق السیاحه گوید: در مشهد مقدس کارخانه ابریشم بافی، الیجه قنایز و مخمل‌های رنگارنگ و کارخانجات پنبه بافی، الیجه ترکمانی و جولائی و کارخانجات قالی بافی و کارخانجات شال ترمه و کارخانجات پوستین دوزی و پوست بخارائی دوزی مقدار دو هزار کارخانه دائر می‌باشد.

از صنایع این شهر یکی تفنگ سازی است، که بوزن نقره خالص خرید و فروش می‌شود و دیگر از آلات حرب مانند کارد و شمشیر فولاد جوهردار، که استادان در این مملکت می‌سازند که در جمیع بلاد ایران مانند آنها دید نمی‌شود.

از عجائب شهر مشهد مقدس کارخانجات سنگ تراشی است، و بهترین سنگ از

سنگ چرخ می‌باشد که از آن هر نوع اسباب و ظروف مثل قوری، سماور، دیگ، شمعدان و پیاله، نعلبکی، سینی، فنجان، قهوه خوری، کاسه، بشقاب، چق و سرقلیان، گلدان و ته غلیان و میز می‌سازند و با قلم فولاد سرکچی میانه آن را خالی می‌نمایند. از کارخانجات معروف مشهد، کارخانه کاشی پزی است، و ظرف آن لاجوردی می‌باشد که از سنگ سرب در زیر لعاب رنگ داده، و در هفت رنگ به عمل می‌آورند و سنگ کاشی آن را از یک فرسخی مشهد آرند و با همین سنگ و گوالین چینی اصل هم ساخته می‌شود.

در زمان حکومت صفویه، افشاریه و قاجاریه در مشهد مقدس کارخانه توپ سازی هم دایر بوده است، و در جنگها از آن توپها استفاده می‌شده است، در آن زمان از توپها برای تخریب دروازه‌های شهرها و یا دژها استفاده می‌شده است.

کارخانجات ماشینی که با نیروی بخار کار می‌کردند از زمان قاجاریه در مشهد راه اندازی گردید، و ظاهراً نخستین کارخانه ماشین مولد برق بوده است، که در زمان مظفرالدین شاه قاجار برای آستان قدس تهیه و ارسال گردید، و بعد از آن ماشینهای دیگری وارد شد و مورد استفاده قرار گرفت.

بطور قطع و مسلم معلوم نیست در چه زمانی کارخانه به روش فرنگیان در مشهد مقدس بکار گرفته شده و ما در این مورد نتوانستیم اطلاع درستی بدست بیاوریم، و اینک در اینجا از چند کارخانه قدیمی در مشهد نام می‌بریم و بعد از آن از وضع صنایع مشهد در زمان حاضر گفتگو می‌کنیم.

کارخانه نخریسی

یکی از کارخانه‌های قدیمی مشهد مقدس کارخانه نخریسی و نساجی است این کارخانه در سال ۱۳۱۳ با سرمایه شش میلیون ریال که قسمت اعظم سهام آن متعلق به آستان قدس بود در شهر مشهد تأسیس گردید و به صورت شرکت سهامی اداره می‌شد.

کارخانه نخریسی علاوه بر اینکه به امور نساجی و پارچه باقی می‌پرداخت برق شهر مشهد را هم تأمین می‌کرد، کارخانه مزبور در ابتداء کار با ظرفیت ۱۰۱۲۰ دوک کار خود را شروع کرد و در سال ۱۳۴۷ با خرید پنج هزار و ششصد دوک کارخانه را توسعه داد.

کارخانه نخریسی در حال حاضر در اختیار آستان قدس می‌باشد و سرمایه آن افزایش یافته، و در این کارخانه پارچه‌های خام، متقال و چلوار تولید می‌گردد و در اختیار بازار قرار می‌گیرد، کارگران در دو شیفت مشغول بکار هستند و در آن از الیاف طبیعی و مصنوعی و پنبه استفاده می‌شود.

کارخانه قند آبکوه

این کارخانه هم یکی از کارخانه‌های قدیمی مشهد مقدس می‌باشد و بعد از کارخانه قند کرج و کهریزک سومین کارخانه قند در ایران است، کارخانه نامبرده در زمینی به مساحت دو میلیون و هفتصد و نود هزار متر در زمینهای موقوفه آستان قدس در دهکده آبکوه که اکنون جزء شهر شده بنا گردیده است.

کارخانه قند آبکوه در سال ۱۳۱۵ با ظرفیت روزانه چهار صد و پنجاه تن چغندر شروع بکار کرد و در سال ۱۳۱۸ به حدود ششصد تن رسید در سال ۱۳۴۶ با خرید کارخانه جدید و نصب آن به یک هزار و ششصد تن رسید و به موازات آن اقدام به تأسیس و نصب ماشین آلات قندگیری از ملاس و تفاله خشک نمود.

در سال ۱۳۵۱ ظرفیت کارخانه از مقدار یک هزار و ششصد تن به دو هزار و پانصد تن چغندر در بیست و چهار ساعت افزایش یافت، و در سال ۱۳۴۸ کارخانه قند آبکوه از طرف دولت به آستان قدس فروخته شد و اکنون با ظرفیت اسمی ۲۵۰۰ تن چغندر در روز فعالیت دارد.

در حدود چهار صد نفر در کارخانه بطور دائم انجام وظیفه می‌کنند و در فصل

تولید نیروی بیشتری مورد نیاز می‌باشد که قرار دادی با کارخانه کار می‌کنند، تولیدات کارخانه عبارتست از شکر، قند، تفاله و ملاس روزانه ۷۵۰ تن قند و ۱۵۰ تن شکر و در حدود ده هزار تن تفاله خشک و بیست و پنج هزار تن تفاله دونه تولید می‌کند و در حدود ۷۵۰۰ هکتار زمین برای چغندر کشت می‌شود.

این دو کارخانه سابقه دار و قدیمی هستند، و سالها است که مردم مشهد و سایر شهرهای خراسان و مردم ایران از فراورده‌های آنها استفاده می‌کنند مخصوصاً قند کارخانه آبکوه که در تمام ایران معروف و مرغوب می‌باشد و از شهرت زیادی بر خوردار است.

اکنون در مشهد مقدس کارخانه‌های زیادی تأسیس گردیده، در کنار جاده مشهد به قوچان و مشهد به کلات و مشهد به فریمان و جاهای دیگر در حومه شهر مقدس مشهد کارخانه‌های فراوانی ساخته شده‌اند و سرمایه‌های زیادی از طرف مردم و دولت در آنها مصرف شده است.

تعدادی از آنها سالها است مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند، و فراورده‌های آنها در بازار مصرف در اختیار مردم قرار می‌گیرد، و تعدادی هم در شرف بهره‌برداری هستند، و شماری هم موافقت اصولی را از اداره کل صنایع مشهد اخذ کرده‌اند و در حال اقدام می‌باشند.

ما در اینجا فقط به ذکر نام و محصول آن کارخانه‌ها بسنده می‌کنیم، و از تفصیل خودداری می‌نمائیم، زیرا بحث درباره خصوصیات هر یک از آنها نیازمند یک کتاب مستقل می‌باشد و ما نخست از کارخانه‌های آستان قدس رضوی شروع می‌کنیم و بعد به کارخانجات دیگر می‌پردازیم.

۱- کارخانه نان قدس رضوی متعلق به آستان قدس

۲- کنسرو و سردخانه رضوی متعلق به آستان قدس

۳- کارخانه فرش آستان قدس رضوی

۴- کارخانه کاشی سازی آستان قدس رضوی

۵- کارخانه کاشی سازی مسجد جامع گوهرشاد

۶- کارخانه سرمسازی ثامن متعلق به آستان قدس

۷- کارخانه گرافیت قدس متعلق به آستان قدس

در یکی از نشریات که از طرف اداره کل صنایع خراسان بدست نگارنده رسید آمده: استان خراسان علی‌رغم جذابیت‌های طبیعی به لحاظ دوری از مبادی ورودی و خروجی کالا از یکسو و فقدان فرهنگ صنعتی و مطلوبیت بخش خدمات از طرف دیگر در زمینه صنعت از رشد قابل قبولی برخوردار نبوده است.

تلاش‌های مطلوب مسئولان و برنامه‌ریزان پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جهت جذب صنعت اگر چه از نظر کمی قابل ستایش بوده است لکن عدم استراتژی مشخص در بخش صنعت و مشکلات و تنگنای اقتصادی نتایج مطلوب را عاید نساخته است.

امید می‌رود در جهت ترمیم فرصت‌های از دست رفته امکان استقرار صنایع عمده و رفع مشکلات از طرح‌های موجود فراهم گردیده، این بخش عمده اقتصادی که به لحاظ محدودیت منابع کشاورزی سخت نیازمند توسعه و رشد آن می‌باشیم از جایگاه مناسبی برخوردار گردد.

نگارنده گوید: صنایع و کارخانجات مشهد مقدس که اکنون نصب گردیده و مورد بهره‌برداری می‌باشد در هفت بخش است، و ما اکنون آنها را از نظر خوانندگان می‌رسانیم.

۱- صنایع غذایی و دارویی

فرآورده‌های این کارخانه‌ها عبارتند از: مربا، کمپوت، لواشک، کنسرو، آبلیمو، رب گوجه‌فرنگی، پودر میوه، ادویه‌جات، زیره، جو پوست‌کنده، سرکه، سبزیجات

خشک کرده، پودر سیب زمینی، آلو بخارا، برگه زرد آلو، برگه هلو، گندم پوستکنده، بسته بندی آجیل.

بسته بندی کشمش، لپه، باقلا، نخودچی، آرد نخودچی، روغن پنبه دانه خام، روغن کشی صنعتی، آرد، رشته قند، پفک، نمک کوبی، نمک یددار، نمک آشپزخانه، پودر استخوان، خوراک دام و طیور، شکر، ملاس تفاله چغندر، کشتارگاه طیور. پرورش و نگهداری طیور، پودر ضایعات کشتارگاه، عرقیات، گلاب، سردخانه، یخ سازی، آب میوه، روغن پنبه دانه، خمیر لازینا، پنیر، نان فانتزی، کالباس، همبرگر، سوسیس، کره، ماست، شیر پاستوریزه، خیار شور، شربت، چای کیسه ای، کشمش پاک کنی، بسته بندی میوه جات، روغن کشی صنعتی، ماکارونی، کیک، شکلات سازی، بیسکویت، کلوچه، تافی، آب نبات میوه ای، کیک اسفنجی، یونجه خشک کنی، پودر یونجه، گلاب، آبغوره ترشیجات، نوشابه گازدار.

عصاره سیب، عصاره انگور، بذر گندم اصلاح شده، بذر جو اصلاح شده، ذرت، پنبه محلول، روغن نباتی، صابون، بسته بندی ادویه جات، پفک نمکی، و حلوا سازی.

۲- صنایع نساجی و چرم

فراورده های این کارخانجات عبارتند از: پارچه پنبه ای و الیاف مصنوعی، پارچه ترمه جانمایی، تریکو کشباف، پارچه تریکو، موکت، نختابی، ریسندگی، نخ پشمی، نخ پنبه ای، پر بهداشتی، پنبه تصفیه شده، پشم شسته، پنبه محلول، کاپشن، پوشاک، لباس نظامی، دستکش، جوراب، چرم سبک از پوست بز و گوسفند، تیماج، پوست دباغی شده، سالامبور، شبرو، کفش چرمی، کفش پلاستیکی، فرش ماشینی، میشن، پتو، طناب، لحاف، تشک و بالش، روتختی، پشتی، نوار و قیطان کشار و بدون کش، گردباف، نخ استرج، پارچه پلوش، نخ ابریشم، نخ آکرولیک، نخ هایبالک، پنبه هدر وفیل، حوله روبان، کرک بز، لباس زیر و خواب.

۳- صنایع چوب و سلولزی

محصولات این کارخانجات عبارتند از: چوب، نتوپان، روکش چوب، درب و پنجره چوبی، دکور، جعبه چوبی، زهوار، دسته بیل و کلنگ، کمد چوبی، مبل، پارکت، میز و صندلی، مقوا، کارتن و دفتر.

پاکت دارو، واشر انواع خودرو، قالب پاشنه کفش، سرویس خواب، پوشال، کبریت، تخته بستکبال، تخته وزنه برداری، مانع دو میدانی، میز پینگ پنگ، دستمال کاغذی، نوار بهداشتی، پوشاک بچه، پاکت خواربار.

۴- صنایع شیمیائی

فراورده‌های این کارخانه‌ها عبارتند از: اسانس نعناع و پونه، اسانس زیره، اسانس گل محمدی، آب اسید، آب مقطر، نیترات نقره، اکسید مس بی سولفیت سدیم، اکسید منیوزیم، پودر و خمیر المونیوم، هیلپو سولفیت سدیم، سوز مایع، آرد سریش.

تینر، تینر روغنی، ضد زنگ، رنگ کوره‌ای، رنگ روغنی، رنگ پلاستیکی، روغن جلاء و الیف، صابون، مواد پاک کننده، روغن موتور، گریس، لوله پلی اتلین، قطعات و اتصالات پلاستیکی، نایلون نایلکس، کیسه پلاستیکی، ظروف پلاستیکی.

شورت دو لایه و یک لایه، لوله خرطومی، ظروف ملامین، جعبه پلاستیکی، لوله پی وی سی، اسفنج، فیلم پلی اتلین، کفش پلاستیکی، کاسه نمد، چسب چوب، واکس، سولفور سدیم، اکسیژن، پودر سوزآور جامد، کلر مایع، تعلیق کننده رنگ، چسب کاغذ، آمینو پلاست‌ها.

افنو پلاست، چسب موکت، رنگ ساختمان، رنگ اتومبیل، آستر کیلروسیلر، مایع ظرفشویی، شامپو، آب ژاول، ژله پاک کننده، کف شوی، مایع لباسشویی، صابون مایع، ضد یخ انواع خودرو، روغن موتور، دستکش لاستیکی، اورینک، دسته موتور.

ضربه گیر دفرنسیال، پدال کلاچ و ترمز، شیلنگ پلاستیکی، سرویس نوزاد، تولید شورت، شورت دو لایه، رول سلفون، مشمع، سرنگ یک بار مصرف، پودر تالک، یخدان، کلن، ورق عائق، عایق ایزولاسیون، خمیر ایزولاسیون، پودر و خمیر المینیوم و بی کرومات سدیم.

۵- صنایع کانی غیرفلزی

محصولات این کارخانه‌ها عبارتند از: عائق ایزولاسیون، خمیر ایزولاسیون، انواع پانل بتونی، کچ تحریر، پودر سلیس دانه بندی شده، پودر تالک، بنتونیت، کائولین، ظروف شیشه‌ای، لامپ گردسوز، اشیاء شیشه‌ای برای آشپزخانه، آجر فشاری، آجر ماشینی، موزائیک.

کاشی سرامیکی، چینی بهداشتی، کاشی دیواری، سرامیک، کچ ماشینی، کچ خاکی، شن و ماسه، شن شسته، سنگ شکسته و دانه بندی شده، سنگ ساختمانی، سنگ کوبی، پودر سنگ، سنگ سمباده، لوله بتونی بلوک، تیرچه، بلوک دیواری، بتون آماده.

لوله بتونی، آجر سفال، ظروف چینی، شیشه سکوریت، بسته بندی قیر، اسفالت، قطعات بتنی، لعاب فلزات، لعاب بیرنگ، لعاب الوان، بشکه‌های بزرگ و کوچک قیر صنعتی.

آیینه دیواری، شیشه طلق دار، شیشه سکوریت، کچ ماشینی، سنگ آسیاب، سنگ لقمه‌ای، سنگ بشقابی، سقف توخالی، آیینه‌های تخت، تیر برقی بتونی.

۶- صنایع برق و الکترونیک

محصولات این کارخانه‌ها عبارتند از: یخچال و فریزر، سیم شارلاکدار، دستگاه‌های فیزیوتراپی، بلندگوی داخل شیپور، حشره کش برقی، ترانس جرقه مشعل،

خازن برقی، ترانس، فیوز و پایه فیوز، انواع بوق وسائط نقلیه، کلید و پریز. تابلو توزیع برق فشار ضعیف و قوی، سمیت لامپ، رادیو، تلویزیون رنگی، یخچال ویترونی، فریزر صندوقی، آب سردکن، شیر سردکن، کولر آبی، قاب مهتابی، چراغ پلاستیک و لوستر، سیم و کابل فشار ضعیف، ترانس فلورسنت، کنترل کننده های الکتریکی.

قطعات صنعتی پلاستیکی، ترانسفورماتور، آمپلی فایر، دستگاه های صوتی، جارو برقی، ماشین لباسشویی، جعبه تقسیم، انواع بوبین وسائط نقلیه، کلید سه فاز و تک فاز، قاب فیوز مینیاتوری سریپیچ، دو ساخته و سه شاخه، درب بازکن برقی.

۷- صنایع فلزی

فرآورده های این کارخانه ها عبارتند از: لوازم بخاری، بیل، ابزار آلات، انواع قفل و کلید، و اشرا انواع خودرو، درب و پنجره فلزی، درب و پنجره آلومینیم، آبکاری آلومینوم، لوازم کمک آموزشی، میز و نیمکت فلزی، بشکه فلزی، کابینت فلزی، ظروف المینیوم.

قوطی فلزی، قوطی کمپوت، اجاق گاز، یونیت، پکیج گازی و گازوئیلی بخاری گازی، آبگرم کن گازی، مشعل گازی، کولر آبی، آنتن تلویزیون، ترازو، باسکول و قبان، رگولاتور گاز مایع، پشم فلزی سیم ظرفشویی، فرقون، ظروف برنجی کتری، قوری. ظروف استیل، پلوپز گازسوز، کابینت فلزی، آشپزخانه گازی، ماشین لباسشویی، رادیاتور فولادی، مشعل گازوئیل سوز، کپسول پیک نیک، سینی زیر بخاری، هیتر، قفس مرغ، وزنه ترازو.

این آمار مربوط به چند سال قبل می باشد که از طرف اداره کل صنایع خراسان در اختیار نگارنده طی نامه ای قرار گرفت، و از آن وقت تاکنون که سال ۱۳۷۷ می باشد، کارخانجات دیگری هم تأسیس گردیده و فرآورده های جدیدی تولید و به بازار مصرف فرستاده می شوند.

مخابرات و پست در مشهد مقدس

مخابرات مشهد مقدس

بطور قطع معلوم نیست در چه زمانی تلفن در مشهد مقدس راه اندازی شده است، و در این مورد سندی به نظر اینجانب نرسیده است، ولی از روزنامه اتفاقیه که در زمان ناصرالدین شاه قاجار چاپ می شده معلوم می گردد، که در آن عصر در مشهد مقدس اداره پست بوده و نامه ها را رد و بدل می کرده است.

بر اساس گزارش اداره مخابرات مشهد تا قبل از سال ۱۳۳۹ چند مرکز تلقن مغناطیسی در مشهد وجود داشته و مکالمات بوسیله آنها انجام می گرفته است، و در فروردین سال ۱۳۳۹ با بهره برداری از سه هزار شماره تلفن خودکار در مرکز تلقن خیابان آزادی کوچه چهار باغ کار خود را آغاز کرد.

در سال ۱۳۵۰ شماره های تلفن خودکار به ده هزار افزایش یافت و در آن زمان

مشهد مقدس پانصد و سی هزار نفر جمعیت داشته است در سال ۱۳۵۱ مرکز دیگری برای تلفن تأسیس گردید که اکنون بنام مرکز تلفن انقلاب معروف می‌باشد این مرکز هم چهار هزار شماره داشت.

در سال ۱۳۵۲ تعداد چهار هزار شماره دیگر به این مرکز اضافه گردید و در همین سال از تلفن بین شهری هم استفاده شد و مردم از منازل و محل کار خود بطور مستقیم با تهران و شهرهایی که تلفن بین شهری داشتند مکالمه کردند و واسطه‌ها حذف شدند.

در سال ۱۳۵۳ مرکز تلفن خیام راه‌اندازی شد و با شش هزار شماره کار خود را شروع کرد، و در همین سال دو هزار شماره دیگر به مرکز انقلاب اضافه گردید، و در آن سال جمعیت ششصد هزار نفری مشهد مقدس دارای بیست و شش هزار شماره تلفن بود. در سال ۱۳۵۵ مرکز تلفن کوی آب و برق با یک هزار شماره تلفن کار خود را شروع کرد و در سال ۱۳۵۶ تعداد چهار هزار شماره در مرکز تلفن قدس خیام و پنج هزار شماره در مرکز تلفن آزادی نصب گردید، و در سال ۱۳۵۷ تعداد پنج هزار شماره دیگر به مرکز تلفن انقلاب افزوده شد.

مشهد مقدس قبل از انقلاب تعداد چهل و یک هزار شماره تلفن داشت و جمعیت مشهد در آن ایام هفتصد و هشتاد هزار بوده است، بعد از انقلاب اسلامی مخابرات مشهد در مورد توسعه مخابرات فعالیت‌های زیادی داشته و بر مراکز تلفن و تعداد شماره‌ها افزوده است.

در سال ۱۳۷۱ با بهره‌برداری از بیست هزار شماره دیجیتال در مرکز تلفن طلاب کل تلفنهای منصوبه در مشهد به یکصد و بیست هزار شماره رسید، و با بهره‌گیری از مرکز شهید فرشچی - آزادشهر و فدائیان اسلام - نخریسی و قاسم‌آباد مجموع تلفنهای مشهد به یکصد و شصت هزار رسید.

با بهره‌گیری از تلفن مرکز آب و برق و مرکز عامل و مرکز عدالت کل تلفنهای منصوبه مشهد مقدس به دویست هزار شماره خواهد رسید، علاوه بر اینها در حومه

مشهد هم مخابرات فعالیت‌هایی داشته، در شاندیز، طرqbه و شهرک صنعتی مشهد مراکزی تأسیس کرده است.

در آبادیهای کنگ، زشک، رباط سفید، بازه حوز، شهرک رضوی، جاغرق، کوردن و جاهای دیگر تلفن نصب گردیده است، اکنون مخابرات مشهد مقدس با تأسیس مرکز تلفن همراه و بهره‌برداری از آن در امر مخابرات گامهای مؤثری برداشته و ارتباط مشهد را با شهرهای ایران و جهان برقرار کرده است.

جهاد سازندگی در مشهد مقدس

جهاد سازندگی در مشهد مقدس

جهاد سازندگی از آثار امام خمینی رضوان الله علیه می باشد، جهاد در طول فعالیت خود منشأ آثار بسیاری شده است در عمران و آبادی قراء و قصبات سهم بسیار بزرگی دارد، در جبهه های جنگ ایران و عراق جهادگران که به سنگرسازان بی سنگر مشهور شدند بسیار ایثار و فداکاری کردند. جهادگران مشهد در جبهه های جنگ حضوری پیوسته داشتند و تعدادی شهید هم فدای اسلام نمودند که نام آنها در این کتاب خواهد آمد، جهاد سازندگی مشهد مقدس در قراء و قصبات ناحیه مشهد بسیار فعال بود، و در کشیدن آب به روستاها، واحداث راه ها و ساختمان حمام ها و لوله کشی منشأ آثار و خدمات بسیاری شد. کارهای جهاد سازندگی و فعالیت های آنها در روستاها عبارتند از: تأسیس حمام، آبرسانی، لایروبی قنوات، نیروگاه آبی، ساختمان دبستان،

راه سازی، تثبیت شنهای روان، غسالخانه، ساختمان موتورخانه، کتابخانه، احداث مرکز قالی بافی، آبخور دامی، بهسازی قنوات و چشمه و پوشش انهار. آبرسانی با حفر چاه، منبع آب شرب، استخر کشاورزی، بند انحرافی تسطیح اراضی، سیل برگردان، کانال انتقال آب کشاورزی، دستشویی‌های بهداشتی، کانال تقسیم آب، لایروبی و مرمت قنوات، پوشش انهار، دفع فاضلاب، شن ریزی معابر، ساختن پل برای عابران و رسیدگی به امور عمران و آبادی روستائیان و کوشش در آسایش آنها.

بنیاد مسکن مشهد مقدس

بنیاد مسکن مشهد مقدس

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی برای تهیه مسکن جهت طبقات کم در آمد در اوائل انقلاب تأسیس شد و بنیاد مسکن خراسان هم در فروردین ماه ۱۳۵۸ شروع بکار کرد، و از آن تاریخ به برکت حساب صد امام خمینی رضوان الله علیه فعالیت های خود را آغاز نمود.

بنیاد مسکن خراسان کارهای ساختمانی را از همان بدو تأسیس مد نظر قرار داده است، این بنیاد خانه هایی را برای اقشار محروم و بی سرپناه و یا باز سازی خانه های آسیب دیده از جنگ و زلزله در مناطق مختلف ساخته است.

بنیاد مسکن شهرستان مقدس مشهد که اکنون مورد نظر ما می باشد در این شهر مجموعه هایی از خانه ها را بنا کرده و در اختیار افراد واجد شرایط گذاشته است، و ما

اکنون در اینجا به مواردی از آن اشاره می‌کنیم و از مقامات محترم بنیاد مسکن که این اطلاعات را در اختیار ما گذاشتند بسیار سپاسگزاریم.

- ۱- ۲۳ واحد نخریسی زیر بنا ۲۰۱۶ متر مربع
 - ۲- ۵۹ واحد شهرک بهشتی زیر بنا ۴۴۸۷ متر مربع
 - ۳- ۱۰ واحد شاندیز زیر بنا ۸۴۰ متر مربع
 - ۴- ۴۸ واحد گود سلوک زیر بنا ۳۶۸۶ متر مربع
 - ۵- ۴۸ واحد خواجه جراح زیر بنا ۲۶۴۰ متر مربع
 - ۶- ۳۰ واحد برج آباد زیر بنا ۱۸۹۰ متر مربع
 - ۷- ۱۲ واحد طالقانی زیر بنا ۱۰۰۸ متر مربع
 - ۸- ۸۸ واحد بلوار وکیل آباد زیر بنا ۹۵۴۵ متر مربع
 - ۹- ۷۳ واحد بلوار وکیل آباد زیر بنا ۸۰۹۰ متر مربع
 - ۱۰- ۱۰۹ واحد بلوار وکیل آباد زیر بنا ۱۳۹۲۳ متر مربع
 - ۱۱- ۱۵ واحد بلوار وکیل آباد زیر بنا ۳۴۸۲ متر مربع
 - ۱۲- ۳۸ واحد قند آبکوه زیر بنا ۴۴۴۰ متر مربع
 - ۱۳- ۵۰ واحد امام هادی زیر بنا ۱۰۵۳۱/۷ متر مربع
 - ۱۴- ۶۵ واحد محرومین زیر بنا ۳۲۵۰ متر مربع
 - ۱۵- ۲۱۰ واحد قاسم آباد زیر بنا ۲۹۴۰۰ متر مربع
- نگارنده گوید:

این آمار مربوط به چند سال قبل می‌باشد، بنیاد مسکن خراسان اکنون که سال ۱۳۷۷ می‌باشد ساختمانهای دیگری هم بنا کرده است.

تربیت بدنی مشهد مقدس انواع ورزشها و باشگاهها

تربیت بدنی مشهد مقدس

مشهد مقدس رضوی در طول تاریخ جایگاه پهلوانان و جوانمردان بوده است وجود زورخانه‌ها و کشتی‌گیران و ورزشکاران سنتی که با ابزار و وسائل باستانی در زورخانه‌های این شهر مقدس با یکدیگر مسابقه می‌دادند، در کتابها و تذکرها آمده و ما نام گروهی از قهرمانان مشهدی را در این کتاب ذکر می‌کنیم.

پس از ورود فرهنگ اروپائی به کشور ایران و مسافرت ایرانیان به کشورهای اروپائی، ورزشهای فرنگی اندک اندک به ایران آمد و جای ورزشهای ایرانی را گرفت، مشهد مقدس هم مانند سایر شهرها تحت تاثیر این پدیده قرار گرفت و ورزش باستانی رونق خود را از دست داد.

با همه تبلیغاتی که طرفداران ورزش غربی انجام دادند، و ورزشهای سنتی را از

میدان بیرون کردند، ولی گروهی از علاقمندان و پیش کسوتان ورزشهای قدیمی نگذاشتند روشهای سنتی و بومی کاملاً از بین برود و تعدادی از زورخانه‌های باستانی همچنان فعال می‌باشند.

ورزش نوین که مقتبس از فرنگیها می‌باشد، از اواخر عهد قاجار به ایران آمد، و گروهی از ایرانیان تربیت شده در اروپا، ورزشهای آنها را به ایران آوردند، و از آن ترویج نمودند، تا آنگاه که آن جماعت حکومت را در دست گرفتند و ورزشهای فرنگی را رسمیت دادند.

از میان انواع ورزشها فوتبال مورد توجه قرار گرفت، و جوانان و نوجوانان در مدارس و دبیرستانها به آن روی آوردند، و پس از آن باشگاهها و ورزشگاههای متعددی برای فوتبال تأسیس گردید و این ورزش وارداتی جای خود را در میان جامعه باز کرد و اکنون بیشترین طرفدار را دارد.

ایرانیان از عهد باستان خود انواع و اقسام ورزش و مسابقات را داشتند و در میان ملت‌ها و کشورها مشهور بودند، در ایران سوارکاری و شمشیر بازی و تیر اندازی، و چوگان بازی و کشتی گیری در میان جوانان معمول بود، و این نوع ورزشها و مسابقات را از کودکی می‌آموختند.

ورزش در آن ایام یک هنر بود، چوگان بازی و تیراندازی و اسب سواری، کار قهرمانان و جنگ‌آوران بود، در قدیم حاکمان، امیران و توانگران و حتی مردمان عادی فرزندان خود را به این گونه هنرها آشنا می‌کردند، تا در میدانهای جنگ و نبرد از خود دفاع کنند و با مخالفان و معاندان به مقابله بپردازند.

مشهد مقدس به عنوان مرکز استان خراسان همواره جای پهلوانان و قهرمانان بود، والیان و حاکمان این شهر مقدس همواره گروهی از قهرمانان زبده را در نزد خود داشتند و در مسابقات کشتی گیری، و چوگان بازی و تیر اندازی از هنر آنها لذت می‌بردند.

متأسفانه در اثر نفوذ فرهنگ غربی و رواج ورزشهای فرنگی، ورزشهای بومی و سنتی از بین رفت و یا کم رنگ شد، و اینک فوتبال که یک ورزش جنجالی می باشد، جای آنها را گرفته است، و بیشترین اوقات مسئولان صرف آن می شود و در مطبوعات و صدا و سیما از آن تبلیغ می گردد.

اداره تربیت بدنی مشهد مقدس از بدو تأسیس خود درباره امور ورزشی فعالیت دارد، و باشگاهها و ورزشگاههای متعددی در مناطق مختلف شهر تأسیس کرده و جوانان را در آنجا گرد می آورد، هرکس به دلخواه خود رشته ای از ورزش را دنبال می کند و به آن سرگرم می شود.

در یکی از جزوه های منتشره از طرف تربیت بدنی خراسان آمده: بدون تردید تربیت بدنی و ورزش یک پدیده مهم و با ارزش اجتماعی است و بقول بسیاری از آگاهان امر ورزش گستره اجتماع را به هر تقدیر ضعیف یا قوی از آثار و ثمرات خویش بهره مند می سازد و به توسعه روابط و مناسبات دوستانه و انسانی در بین اقشار مختلف دامن می زند.

این نکته مهم نیز بسی مبرهن و آشکار است که تربیت بدنی و ورزش دارای ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، نظامی و سالمسازی است که بطور مستقیم و بلا واسطه می تواند فرهنگ و عدالت و قدرت هر جامعه ای را تحت الشعاع قرار دهد و در این میان یکی از کاربردهای مهم ورزش پر کردن اوقات فراغت می باشد.

منظور از اوقات فراغت نه این است که بیکاریم و کاری نداریم، بلکه به معنای این می باشد که از کاری آسوده شده ایم، و نیاز به تفریح، استراحت و برنامه های متنوع فرهنگی ورزشی داریم، تا برای کارهای بعدی روحیه ای شاد و با نشاط و جسمی با طراوت داشته باشیم.

ورزش همگانی یکی از ضروری ترین مسائل زندگی انسان در عصر حاضر معرفی می گردد، چرا که انسان طبیعتاً متحرک آفریده شده و نیاز انسان به حرکت هم

چون نیاز آدمی به آب، غذا و هوا می‌باشد، اینجا است که ورزش به عنوان یکی از مسائل مهم اجتماعی مطرح می‌شود.

تشکیل انجمن‌های ورزشی بزرگسالان، توسعه و گسترش ورزش صبحگاهی و افزایش روزافزون ایستگاههای تندرستی از جمله قدمهای مثبتی است که در این راه برداشته شده است، و استان خراسان نیز در این راه به موفقیت‌های چشمگیری نائل آمده است.

برادران زحمتکش اداره ورزشهای همگانی بومی و محلی، اداره کل تربیت بدنی خراسان با امکانات خویش در راه همگانی کردن ورزش تلاش و زحمات زیادی را متحمل شده‌اند و امید است نقش ورزش بیش از پیش در بین تمامی طبقات اجتماع به منصفه ظهور برسد.

رشته‌های ورزشی در مشهد

شنا، کشتی، بوکس، شطرنج، موتور سواری، بسکتبال، دو میدانی، ورزشهای همگانی، ناشنویان، کاراته، والیبال، ورزشهای چینی، تکواندو، تنیس، جانبازان و نابینایان، سوارکاری، دوچرخه سواری، ژیمناستیک، باستانی، طب ورزشی، نجات غریق، جودو، چوگو، وزنه برداری، بدمینتون، معلولین، هندبال، فوتبال، تنیس روی میز و ورزش بانوان.

مراکز ورزشی در مشهد

۱- جهان گاز طوس - خیابان گاز

۲- جوان - چهار راه چشمه

۳- پولاد ۱ - بلوار طبرسی

۴- پولاد ۲ - سی متری طلاب

- ۵- خادم - خیابان شهید چمران
- ۶- تختی - کوی المهدی
- ۷- توحید - میدان توحید
- ۸- تختی ۱ - قلعه ساختمان
- ۹- پوریا - بلوار شیروودی
- ۱۰- ایران زمین ۱ - بلوار خیام
- ۱۱- آرش ۱ - میدان ده دی
- ۱۲- ایران جوان - شهرک شهید رجائی
- ۱۳- امیر - آزاد شهر
- ۱۴- کشوری - ابتدای بلوار قرنی
- ۱۵- مبشری - چهار راه ابوطالب
- ۱۶- نیرو و نشاط - بلوار وکیل آباد
- ۱۷- کورش - بلوار خواجه ربیع
- ۱۸- نشاط - رضا شهر
- ۱۹- محوری - خیابان نخریسی
- ۲۰- مدرسه کاراته - بلوار امام خمینی
- ۲۱- محسن زاده - رضا شهر
- ۲۲- مدرسه ورزش - شهرک شهید رجائی
- ۲۳- یاران - خیابان دانشگاه
- ۲۴- سلطانی - بلوار ابوطالب
- ۲۵- میثاق - رضا شهر
- ۲۶- منوچهر - آزاد شهر
- ۲۷- شاهین - کوی رضائیه

- ۲۸- شهید جلیلیان - جاده کلات
- ۲۹- طاهر - بلوار ابوطالب
- ۳۰- شطرنج - بلوار امت
- ۳۱- فرهنگ - آزادشهر
- ۳۲- رزم آوران - بلوار فرودگاه
- ۳۳- فردوسی - بلوار شیرازی
- ۳۴- شهید بهشتی - گلشهر
- ۳۵- رزم آوران ۲ - چهار راه برق
- ۳۶- رضا - انتهای خیابان خاکی
- ۳۷- ایران جوان - بلوار وکیل آباد
- ۳۸- المپیک - بلوار سجاد
- ۳۹- طوس - چهار راه عشرت آباد
- ۴۰- کاوه - بلوار فردوسی
- ۴۱- جوانان - سی متری دوم احمد آباد
- ۴۲- شهید محبوب - انتهای خواجه ربیع
- ۴۳- حسینی - بلوار وکیل آباد
- ۴۴- شهاب - سی متری طلاب
- ۴۵- آذرخش - چهار راه نخریسی
- ۴۶- دانشجو - راه آهن بلوار شهید کامیاب
- ۴۷- زیدان - فلکه عبدالمطلب
- ۴۸- امید - شهرک راه آهن
- ۴۹- کوشش - کوی طلاب
- ۵۰- سانی - کوی سیدی

- ۵۱- مقدم - چهار راه زرینه
 - ۵۲- گلبرگ - چهار راه خیام
 - ۵۳- مرکزی - بلوار مصلی
 - ۵۴- شهید عبدی - جاده قدیم قوچان
 - ۵۵- امام رضا (ع) - شهرک شهید رجائی
 - ۵۶- خیام - بلوار خیام
 - ۵۷- آسیا - پنج راه سناباد
 - ۵۸- راحت - فلکه بلوار امام خمینی
 - ۵۹- توحید - شهرک طرق
 - ۶۰- شباهنگ - آزادشهر
 - ۶۱- شهید مبشر - بلوار فرودگاه
 - ۶۲- ارشاد - بلوار وکیل آباد
 - ۶۳- فتحی - خیابان ابن سینا
 - ۶۴- جهانی - بلوار ملک آباد
- در پایان به نظر خوانندگان می‌رسد این آمار مربوط به چند سال قبل می‌باشد و در سالهای اخیر بر تعداد باشگاهها افزوده گردیده است، ما موفقیت دست‌اندرکاران امور ورزشی مشهد مقدس را از خداوند مهربان خواستاریم.

ورزش در استان قدس رضوی

تب فوتبال که سراسر جهان و ایران را فرا گرفته، و در هر کوی و برزنی این ورزش سیاسی و تجارتي شور و غوغائی در میان نوجوانان و جوانان و حتی کودکان بر پا کرده است، این ورزش به استان مقدس رضوی هم سرایت نموده و مسئولان این استان را متوجه خود ساخته است.

مجله حرم در شماره تیر ماه ۱۳۷۶ در این مورد نوشته است: در ادامه مسابقه‌های فوتبال بسیج ادارات مشهد بزرگداشت فتح خرمشهر که با شرکت ۲۰ تیم در زمین هندبال مهران مشهد جریان یافت، تیم‌های حریم حرم رضوی و روزنامه قدس جشنواره گل به راه انداختند.

در این مسابقه‌ها تیم توسعه حریم حرم رضوی در دیداری کاملاً برتر حریف خود مجتمع اعصاب و روان را با نتیجه ۸ بر صفر مغلوب کرد، تیم روزنامه قدس نیز که در گروه نسبتاً سختی قرار دارد در این روز به دومین پیروزی پر گل خود دست یافت؟! و تیم فوتبال آستان قدس رضوی در رقابت‌های قهرمانی باشگاه‌های مشهد حضور فعال خواهد داشت.

مدیر تربیت بدنی آستان قدس با اعلام این مطلب اظهار داشت، خوشبختانه پس از سه سال تلاش و با امکاناتی که از سوی مسئولین آستان قدس در اختیار مدیریت این تربیت بدنی قرار گرفت و با توجه به اینکه ورزش در آستان قدس جایگاه ویژه‌ای را داراست قصد آن داریم تا در زمینه فوتبال، فعالیت‌هایمان را توسعه دهیم.

در همین راستا با در اختیار گرفتن امتیاز باشگاه شاهین انشاءالله در فصل جاری و در پیکارهای دسته دوم قهرمانی باشگاه‌های مشهد حضور خواهیم یافت، وی گفت: برای اینکه در سطح فوتبال باشگاه‌های مشهد و در نهایت استان فعال باشیم قرار است از یکی از مربیان خوب فوتبال خراسان سود ببریم.

اقدامات اولیه صورت گرفته است، این تیم را اکثر بازیکنان بنام باشگاه‌های مشهد که در استخدام آستان قدس هستند تشکیل خواهند داد و در صورت نیاز و تشخیص مربی و مسئولین بازیکنانی را که شرایط استخدامی داشته باشند به این تیم اضافه خواهیم کرد؟!

شهرداری مشهد مقدس

شهرداری مشهد مقدس

یکی از سازمانهای فعال در تشکیلات دولتی شهرداری‌ها هستند، شهرداری مسئول خدمات رفاهی، توسعه معابر، تهیه وسایل رفت و آمد برای ساکنان شهرها، نظافت محیط، توسعه فضای سبز، نظارت بر خرید و فروش مردم از مغازه‌ها و فروشگاه‌ها، برداشتن زباله‌ها از منازل و سطح شهر و آسفالت خیابانها و کوچه‌ها و معابر.

مشهد مقدس در سالهای اخیر بسیار توسعه پیدا کرده و بر جمعیت آن افزوده شده است، از این رو شهرداری مشهد در سالهای بعد از انقلاب فعالیت‌های زیادی در عمران و آبادی شهر مشهد انجام می‌دهد، و با کشیدن خیابانها و بزرگراهها و میدانهای وسیع و پهناور مشهد را توسعه داده است.

در جزوه‌ای که از طرف شهرداری مشهد منتشر گردیده آمده است: مشهد با رشد پرشتابتر از همیشه از نظر وسعت و جمعیت به مرزهای جدیدی رسیده است، امروز وسعت شهر به سه برابر سال ۱۳۵۷ رسیده و نفوس آن در حال عبور از مرز دو میلیون نفر است.

شهرداری به منظور جلوگیری از گسترش بی‌رویه شهر و مهاجرت امکانات خود را بسیج نموده بگونه‌ایکه با همکاری صمیمانه دادستانی خراسان، سازمان نیروهای انتظامی، کمیسیون ماده صد، با جدیت پرسنل ستاد جلوگیری از تخلفات ساختمانی، از ساخت و ساز جلوگیری می‌کند.

وظائف شهرداری به عنوان یک سازمان در خدمت مردم به دو بخش عمرانی و خدماتی تقسیم می‌شود، نظافت کلیه معابر سطح شهر، جمع‌آوری و انتقال زباله‌ها، زیباسازی شهر، گسترش فضای سبز، تأسیس ایستگاههای آتش‌نشانی و کارهای دیگر به عهده کارمندان و مسئولان شهرداری می‌باشد.

شهرداری مشهد مقدس در بازسازی مسیله‌ها، و جمع‌آوری آبهای سطح شهر و ایمن ساختن شهر از خطرات احتمالی فعالیت‌هایی انجام داده، و در ساختن پلها و تعریض خیابانها به منظور حل مشکل رفت و آمدهای وسائط نقلیه اقدامات مفیدی انجام داده است.

پل بزرگ زیرگذر زیباشهر به منظور اتصال بلوار فردوسی به منطقه غرب شهر، و عملیات اجرایی پل عظیم زیرگذر در تقاطع بلوار آزادی، و پل زیرگذر عابر پیاده مقابل بوستان ملت، و بازگشائی صد متری کمربندی، و پل بزرگ بلوار فرودگاه از کارهای شهرداری مشهد می‌باشد.

هلال احمر مشهد مقدس

هلال احمر مشهد مقدس

یکی از سازمانهای خدماتی، درمانی و بهداشتی هلال احمر است که در سطح مملکت، روستاها، شهرها و بخشها فعالیت دارد، هلال احمر در ایران سابقه تاریخی دارد، و بیش از هفتاد سال از تأسیس آن می‌گذرد و در این مدت منشأ خدمات بسیاری شده است.

هلال احمر یک مؤسسه عام المنفعه و کمک‌رسانی و مساعدت و همراهی به طبقات محروم و مصیبت دیده در اثر سیل، طوفان، زلزله و بلاهای طبیعی می‌باشد، و در همه مراکز استانها و شهرستانها دفتر دارد و گروهی در آنجا به خدمت اشتغال دارند. بنای این مؤسسه بر مبنای آیه کریمه «تعاونوا علی البر و التقوی» نهاده شده و این شعار از گذشته شعار مؤسسان و بنیان‌گذاران آن بوده است، و عملاً یکی از



شماره ۳۵ - سد طرق صفحه ۳۲۵



شماره ۳۶ - نمایی از سد طرق صفحه ۳۲۶



شماره ۳۷ - سرریز سد کارده صفحه ۳۲۸



شماره ۳۸ - نمای از سد کارده صفحه ۳۲۸



شماره ۳۹ - بقعهبرزش آباد



شماره ۴۰ - نمایی از یک اثر تاریخی در بزرگ آباد



شماره ۴۱ - برجهای باستانی در دامنه اژدرکوه

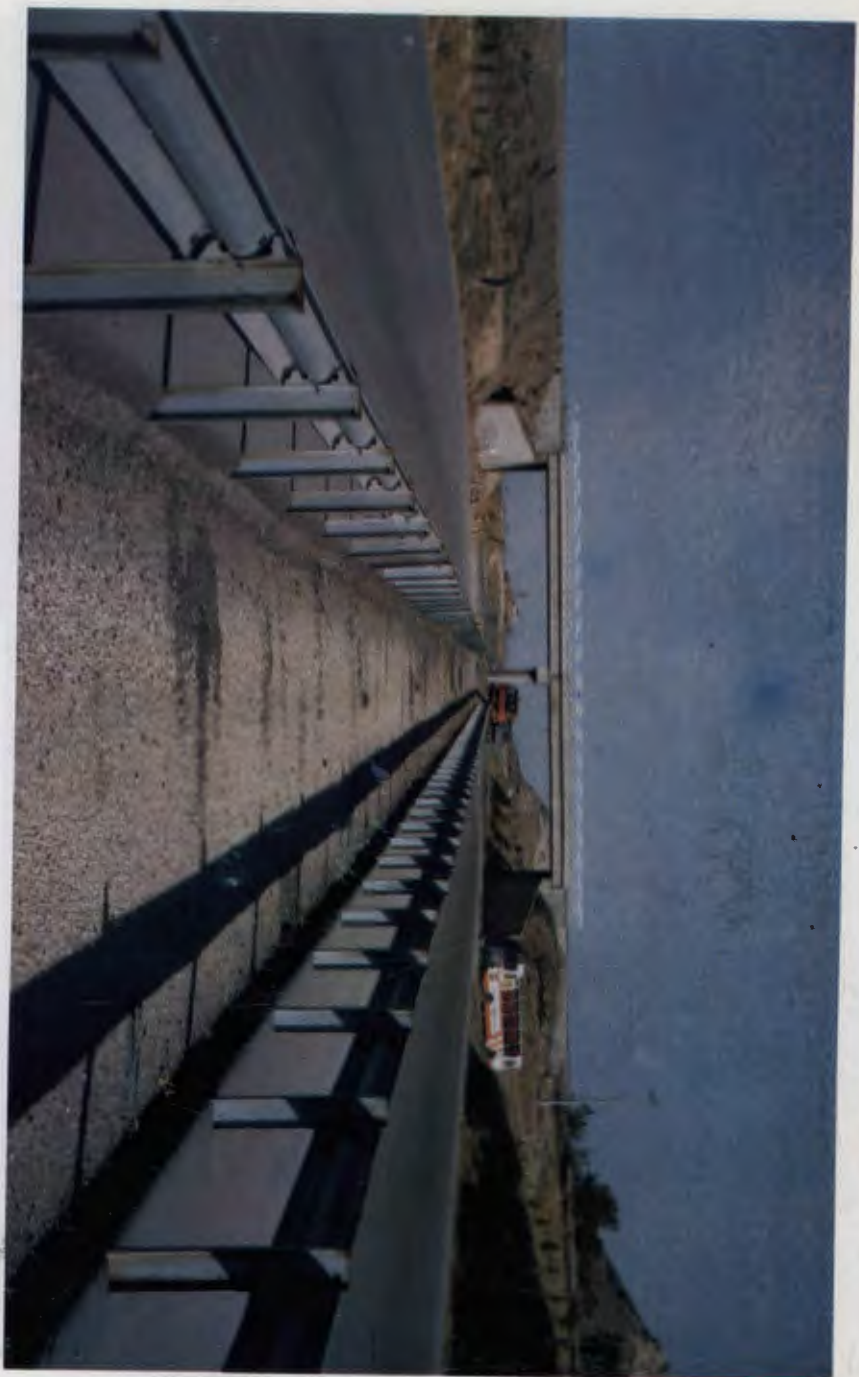


شماره ۴۲ - هنرهای دستی از فیروزه صفحه ۲۷۵



شماره ۴۳ - جلیقه پوستی از کاره ای دستی مشهد





شماره ۴۵ - نمایی از بزرگراه مشهد باغچه

پیشگام‌ترین نهادها در رسیدگی به امور محرومان و مصیبت دیدگان می‌باشد.

هلال احمر ایران در بدو تأسیس به نام جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران نام‌گذاری شد و این عنوان را دولت ایران در مقابل «صلیب سرخ» انتخاب نمود، ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان هلال احمر تغییر نام پیدا کرد.

اهداف جمعیت بر طبق اساسنامه به قرار ذیل می‌باشد: تلاش برای تسکین آلام بشری، تأمین احترام انسانها و کوشش در جهت برقراری دوستی و تفاهم متقابل، و صلح پایدار میان ملت‌ها و همچنین حمایت از زندگی و سلامت انسانها بدون در نظر گرفتن هیچگونه تبعیض در میان آنها.

هلال احمر در مشهد مراکزی برای پرورش جوانان و نوجوانان تأسیس کرده و در آن کلاس‌های دایر نموده و به امر آموزش می‌پردازد، کلاس‌های مراکز آموزشی عبارتند از:

- ۱- آموزش‌های مذهبی، احکام، اصول عقائد و قرآن.
 - ۲- آموزش امداد و کمک‌های اولیه.
 - ۳- آموزش فنی و حرفه‌ای، کامپیوتر، خیاطی، گلدوزی، گلسازی، کاموایی، ماشین نویسی، و حسابداری.
 - ۴- آموزش‌های هنری، سرود، عکاسی، فیلمبرداری، نقاشی، طراحی، تئاتر و خوشنویسی.
 - ۵- آموزش‌های ورزشی، کشتی، شنا، هندبال، فوتبال، والیبال، بسکتبال، بینگ‌پنگ، تکواندو و جودو.
- هلال احمر در امر کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان و مصیبت دیدگان طبیعی وسائل و لوازم ذیل را به آسیب دیدگان می‌رساند:
- پتو، چای، چراغ گرمائی و روشنائی، برنج، تایید، کفش، البسه، موکت، موتور پمپ، نفت، پلاستیک، خرما، کتری و از همه لازم‌تر چادر برای اسکان مصیبت دیدگان.

یکی از ارکان عمده در تشکیلات هلال احمر سازمان داوطلبان می‌باشد، و از اهداف مهم آن ترغیب و تشویق و آماده سازی نیروهای داوطلب جهت مسئولیت‌پذیری در انجام وظائف جمعیت هلال احمر در هنگام بروز حوادث و سوانح می‌باشد.

بیمارستانها، درمانگاه‌ها و مراکز درمانی و بهداشتی مشهد مقدس

بیمارستانها و مراکز درمانی مشهد

ما در کتاب تاریخ آستان قدس رضوی در بخش مؤسسات درمانی و بهداشتی آستان قدس رضوی تحقیقات جامعی در این مورد انجام دادیم، و اینک به خاطر اهمیت این موضوع همان مطالب را در اینجا نقل می‌کنیم.

قرائن و شواهد تاریخی نشان می‌دهد: در جوار بارگاه ملکوتی حضرت رضا علیه السلام از زمان‌های قدیم شفاخانه و یا دارالشفاء وجود داشته و مردمان تهیدست و مستضعف از آن استفاده می‌کرده‌اند، در کنار قبر مطهر آن بزرگوار حکیمان و طبیبانی بوده‌اند که در شفاخانه مبارکه بیماران را معالجه می‌نمودند.

روایات مستند در این مورد از نظر تاریخی از زمان صفویه در دست می‌باشد و در کتب قبل از صفویه چیزی به نظر نگارنده نرسیده است و مؤلفان در این باره چیزی

نگفته‌اند، اما از زمان صفویه در کتابهای تاریخی و تذکره‌ها نام طبیب و حکیمی که در آستانه مبارکه بیماران را معالجه می‌کرده ذکر شده است.

اسکندر بیک ترکمان در عالم آراء می‌نویسد: حکیم عمادالدین محمود که در علم و حکمت و دانشوری و حذاقت مشهور آفاق بود، و رسالات مرغوب و نسخه‌های غریب از او در علم طب و ترتیب معاجین و معالجه امراض مزمنه و مواد حاره خصوصاً جرب صغیر و کبیر که بین الجمهور بآتشک مشهور است معتمد علیه اطباء است، تا آنجا که گوید:

چون شاه جنت مکان در رواج و رونق آستانه مقدسه حضرت امام الجن و الانس باقصی الغایه توجه مرعی داشته، از هر طبقه آن چه بهتر بود به خدمات آن سرکار تعیین می‌فرمود، او نیز به طبابت سرکار فیض آثار مأمور گشته، مدت‌ها در مشهد مقدس معلى به معالجه مرضی مشغولی داشت و الحق جامع صفات و کمال و زبده اصحاب گزیده و ارباب افضال بود.

اعتماد السلطنه در مطلع الشمس گوید: میرزا جعفر خان مشیرالدوله در ماه ذی‌حجه سال هزار و دویست و هفتاد و هفت به عنوان والی و نیابت تولیت وارد مشهد مقدس شد، از در نظم امور خاصه در ضیافت زوار و علماء و شام خدام مساعی جمیله نمود و دارالشفاء سابق را که در جنب مسجد جامع بود، جائی تنگ و غیر مناسب متروک داشته و در خیابان علیا متصل به باغ وقفی سرکار فیض آثار مریضخانه‌ای بنا نمود.

جای مردان مریض از زنان جدا و همچنین حجرات صاحبان امراض مسریه مفروز بود، و چون این بنا در حیات مشیرالدوله تمام نشد به موجب وصیت او فرزندش از مال خاصه آن مرحوم آن بنا را باتمام رسانید.

نوروز علی بسطامی در فردوس التواریخ همین مطلب را نقل کرده است و گوید: مرحوم محمد صادق خان فرزند مشیرالدوله بنا به وصیت پدر ساختمان مریض‌خانه را

به اتمام رسانید، و در حالات میرزا موسی خان نائب التولیه در همان کتاب گوید:

از آن جمله قرار دارالشفاء مبارکه است که همیشه اوقات جمعی بساختن دوا و غذا در آن مکان مبارک مشغولند، که رنجوران و علیلان از غربا و زائرین و مجاورین ارض اقدس به دستیاری کارکنان آن محفل شفا قرین از طبیب و ناظر و کحال و جراح و بیمار دار و پرستار و حافظ و معین در مقام طاهر نیز علاج امراض و اسقام خود نموده بعد از صرف دوا و غذا از شفاخانه «یا من اسمہ دواء و ذکره شفاء» شفا یافته‌اند.

مرحوم مؤتمن در نامه آستان قدس گوید: بطوریکه آثار و قرائن نشان می‌دهد تقریباً از چهار صد سال پیش موضوع توجه به بهداشت عمومی و رعایت حال مرضای فقیر و زوار در دستگاه آستان قدس رضوی عنوانی داشته و دارد، اشخاصی از نیکوکاران پاک سیرت با توجه به این معنی که خواسته‌اند همچنانکه مردم در عالم حقیقت و معنی از ساحت قدس رضوی به درک فیوضات روحانی نائل می‌شوند.

در صورت ظاهر هم متوسلین به تربت شریف حضرتش که شفا بخش آلام جسمی و روحی دردمندان و بیچارگان است از این دستگاه با عظمت بهره‌مند گردند، با این نیت خیر در این راه بذل اهتمام و ابراز خدمت کرده و در حدود امکان وسائلی برای رفاه احوال مرضی و زوار فراهم ساخته‌اند.

به موجب وقفنامه‌ای که در سال ۹۳۱ هجری نوشته شده است، عتیق علی بن احمد بن ملک اسماعیل طوسی الاصل اردوبادی المنشأ املاکی را وقف بر آستانه نموده که اکنون معروف به موقوفات عتیقی است و شرط کرده از در آمد آن سهمی به مصرف مرضای فقیر برسد.

در طومار وقفنامه علی شاه که به سال ۱۱۶۰ قمری نگاشته شده می‌نویسد: در سنوات سابق سالی نود و چهار تومان برای مخارج دارالشفاء مقرر بوده و اکنون از نظر مراعات عجزه و ساکنین مقرر فرمودیم مبلغ مزبور را ضمیمه باقی مداخل موقوفات به مصارف سرکار فیض آثار رسانیده و اخراجات دارالشفاء را از بابت در آمد یکصد زوج

املاک خودمان که در این وقفنامه وقف فرموده‌ایم همه ساله بقرار ذیل:
 حقوق طبیب یک ساله بیست تومان نقد و بیست خروار غله
 حقوق دو نفر یک ساله دوازده تومان و نیم نقد و بیست و هفت خروار غله
 حقوق جراح با قیمت مرهم یک ساله هشت تومان نقد و دو خروار غله
 حقوق بیماردار و دربان و غیره یک ساله هشت تومان و بیست خروار غله
 حقوق اغذیه و دارو و غیره یک ساله دویست تومان به مصرف بیماران و
 غربائیکه خانه و مسکن نداشته باشند یا بالقوه از سرانجام غذا و دوا عاری باشند
 برسانند.

مرحوم عبدالحمید مولوی در موقوفات آستان قدس نوشته‌اند: علی شاه یکصد
 زوج زراعت را که شامل چند روستا است از مال شخصی خود برای توسعه دارالشفای
 آستان قدس وقف قرار داده است، و اکنون برای استحضر خواننده عزیز می‌نویسم که
 دارالشفای آستان قدس که صد زوج زراعت را علی شاه برای توسعه آن وقف قرار داده
 در کجای مشهد واقع بوده است.

سرای ناصری آستان قدس در سابق دارالشفای آستان قدس بوده است،
 ناصرالدین شاه در سفر اول خود به مشهد دارالشفای آستان قدس را که در عهد صفویه
 و نادرشاه در اینجا بوده می‌بیند و ایراد می‌گیرد که دارالشفاء به مسجد گوهرشاد و بازار
 و مدارس پریزاد و دو درب و بالا سر بسیار نزدیک است و مناسب نیست.

او دستور می‌دهد دارالشفاء را به محل دورتری ببرند، در آن زمان عضدالملک
 متولی باشی بوده و در ضلع جنوبی بالا خیابان در حدود پانصد متر بالا تراز بست
 می‌برند و دارالشفای جدید را می‌سازند، و اکنون دارالشفای دوم آستان قدس بنگاه
 رازی می‌باشد و مرضای بی‌بضاعت را معالجه می‌کنند.

مرحوم مولوی می‌نویسد: مبلغ شصت و شش تومان به عمله دارالشفاء بشرح
 زیر می‌داده‌اند:

- ۱- عالی جناب حاج ملا حسن ناظر دارالشفاء پانزده تومان
- ۲- عالی جناب حاج ملا حسین ناظر ادویه و اغذیه پنج تومان
- ۳- عالی جناب میرزا محمد طبیب هفده تومان پنج قران، دارالشفاء در سال ۱۲۸۱ تنها یک طبیب داشته است.

۴- میرزا باقر مشرف دارالشفاء هفت تومان

۵- آقا محمد اسماعیل ده تومان

۶- آقا علی ده تومان

۷- میرزا ابوالقاسم پنج تومان

۸- ملا عبدالرحمان پنج تومان

- ۹- بیمارداران چهار ده تومان، ذکور شش نفر هشت تومان و پنج قران اناث دو نفر پنج تومان و پنج قران، یعنی پرستاران مرد و زن، پس دارالشفاء در یکصد و پنجاه سال قبل پرستاران زن نیز داشته است و این کیفیت برای تاریخچه پرستاران بسیار مفید است.

۱۰- آقای محمد تقی سلمانی پانزده قران

۱۱- ملا کریم عطار مبلغ نه تومان

۱۲- ضعیفه زوجه میرزا حسن بیماردار دو تومان بتاریخ ۱۲۸۰.

نگارنده گوید:

طبییان و حکیمان دارالشفاء بیماران خود را به روش سنتی معالجه می‌کردند، داروی آنها گیاهی بود، و مرکب بود از طب یونانی، هندی و ایرانی، ایرانیان و هندیان طبیب را حکیم می‌گفتند، هنوز هم در هند اطباء قدیم را حکیم می‌گویند، و من خود در هندوستان تعدادی از این حکماء را که طبابت می‌کردند مشاهده کردم.

طب جدید وارداتی

در زمان قاجاریه طب اروپائی به ایران آمد، گروهی از پزشکان اروپائی در تهران و تعدادی هم در شهرهای ایران مقیم شدند، آنها بیماران خود را به روش طب کشورشان معالجه می‌کردند و از داروهای اروپائی که همراه خود داشتند به بیماران می‌دادند، از آن رو طب سنتی و بومی ایران را از صحنه بیرون کردند.

در زمان قاجاریه نخستین محصلان ایرانی به اروپا رفتند، تعدادی از آنها طب اروپائی فرا گرفتند، و بعد از مراجعت به ایران از طب اروپائی ترویج کردند، و چون از طب ایرانی اطلاع نداشتند و با آن بیگانه بودند به مبارزه با آن برخاستند.

در مشهد مقدس هم تعدادی پزشک اروپائی که روسی و انگلیسی بودند به طبابت پرداختند، ابتداء طبقات اشراف و اعیان به آنها روی آوردند و بعد از مدتی بازار آنها رونق گرفت، و با تبلیغات وسیعی که درباره طب جدید انجام می‌گرفت همه طبقات به آنها رجوع کردند.

پس از چندی که ایرانیان تحصیل کرده اروپا به مشهد باز گشتند آنها نیز از طب اروپائی ترویج کردند، و در نتیجه طب ایرانی و داروهای گیاهی فراموش گردید و بیمارستانها و درمانگاههای بروش اروپا در ایران تأسیس گردید و همه داروها هم از خارج وارد شد و ایران بصورت بازار مصرف داروهای فرنگی در آمد و هر کارخانه‌ای در ایران نمایندگی باز کرد.

مرحوم مؤتمن در نامه آستان قدس آورده است: در سال ۱۲۹۷ شمسی مرحوم دکتر امیراعلم به مشهد مقدس آمد، او اوضاع دارالشفاء آستان قدس رضوی را مناسب با وضع روز ندید، و بنای محل هم در اثر گذشت روزگار رو بخرابی نهاده بود، او به اصلاح دارالشفاء همت گمارد و با جمع‌آوری اعانه و کمک از اهالی مشهد اصل بنا را بکلی تغییر داد.

او ساختمانهای جدیدی بر آن افزود، لوازم و اثاثیه نیز تهیه و وضع مریضخانه را

از هر جهت اصلاح اساسی کرد، در سال ۱۳۰۹ شمسی مرحوم محمد ولی خان اسدی نیابت تولیت مقرر داشت مریضخانه فعلی را موقتاً به محل وسیعتری انتقال دهند تا بنای جدیدی که در دست اقدام می باشد به اتمام برسد.

از طرف آستانه محلی بطور موقت در باغ معروف عشرت آباد نزدیک دروازه بالا خیابان تهیه و دارالشفاء در آنجا برقرار گردید، و محل قبلی تا مدتی باجاره داده شد و بعداً قسمتی از آن به درمانگاه رازی واگذار گردید که اکنون هم مورد استفاده می باشد.

بیمارستان منتصریه

ظاهراً این بیمارستان نخستین بیمارستان مشهد مقدس می باشد که به روش جدید و اروپائی تأسیس گردیده است، مرحوم مؤتمن در نامه آستان قدس ذکر می کند: مرحوم حاج محمد حسن میرزا منتصرالملک در حال حیات چند پارچه املاک خود را در کاشمر و محولات بزوجه خود بانو رابعه خانم احترام السلطنه صبیبه حاج محمد میرزا واگذار می کند.

او دستور می دهد بانوی نامبرده از این محل مریضخانه ای در مشهد مقدس تأسیس نماید، او در سال ۱۲۹۷ شمسی از فروش قسمتی از املاک واگذاری مرحوم منتصرالملک بیمارستانی در یک قطعه زمین به مساحت تقریباً ۳۵۰۰ متر مربع در حاشیه خیابان جنت بنام مریضخانه منتصریه می سازد.

زوجه منتصرالملک پس از اینکه بیمارستان را ساخت ساختمان آن را با کلیه املاک آن وقف کرد، و تولیت آن را مادام الحیاة برای خود و بعد از او به متولی آستان قدس رضوی واگذار نمود و نظارت را هم به اسدالله میرزا قهرمان برادر خود داد، و بیمارستان تحت نظر واقفه کار خود را آغاز کرد.

اواخر دی ماه ۱۳۲۷ شمسی بانوی مذکور در گذشت و کسانش بیمارستان را با

املاک همت آباد و جعفرآباد به آستان قدس واگذار کردند و از آن تاریخ زیر نظر آستان قدس اداره می‌شود، بعد از گذشت چند سال بنای سابق تخریب گردید و بجای آن بنای تازه‌ای ایجاد شد و در خرداد ماه سال ۱۳۴۶ رسماً افتتاح گردید.

بیمارستان شاه رضا

این بیمارستان مجهز و مهم که از مهمترین مریضخانه‌های خراسان می‌باشد، دومین بیمارستان جدید در مشهد مقدس می‌باشد که از همان آغاز تأسیس و بهره‌برداری توسط پزشکان خارجی و یا پزشکان ایرانی که در اروپا تحصیل کرده بودند اداره می‌شد و معالجه در آنجا به روش اروپائی شروع گردید.

این بیمارستان بعد از انقلاب تغییر نام یافت و بنام بیمارستان امام رضا علیه السلام نام‌گذاری گردید، تغییر دهندگان نام بیمارستان خیال کردند مقصود از شاه‌رضا رضاشاه پهلوی است و چون بیمارستان در زمان او بنا گردیده به نام او نام‌گذاری شده است.

سابقه اطلاق نام «شاه‌رضا» برای امام رضا علیه السلام در کتیبه‌های قدیمی آستانه مقدسه هم اکنون وجود دارد، و معلوم می‌شود از قرن‌ها پیش امام هشتم علیه السلام را به این عنوان هم یاد می‌کرده‌اند، کتیبه‌ای که هم اکنون از زمان صفویه بیادگار مانده دلیل این سخن می‌باشد.

بالای در ورودی ایوان ساعت بست بالا خیابان کتیبه‌ای به زبان فارسی هم اکنون وجود دارد که در آن روی یک سنگی اشعاری به زبان فارسی نوشته شده و در آن آمده است:

چون ز دولت سرای شاه رضا یافت این باب زینت دیگر
هاتفی گفت سال تاریخش بهر فردوس ره بجو زین در
مصراع آخر با حساب حروف ابجد سال ۱۰۴۴ می‌باشد و مصادف است با

سلطنت شاه صفی، این سنگ که حدود چهار صد سال قبل در آنجا نصب شده از امام رضا علیه السلام بنام «شاهرضا» یاد کرده است و به احتمال قوی کارگذاران آستان قدس رضوی در آن زمان با این عنوان امام رضا را در نظر داشته‌اند.

بنا به گفته مرحوم مؤتمن این بیمارستان در زمین‌های الندشت موقوفه آستان قدس که نسبت به شهر مشهد ارتفاع بیشتری دارد بنا گردید، این محل در آن وقت خارج شهر محسوب می‌گردید و هوای آن هم مطلوب بود، ولی اکنون داخل شهر شده و پیرامون آن همه درخت کاری گردیده است.

بنای مزبور کلاً از مال آستان قدس تحت مراقبت نیابت تولیت مرحوم اسدی و با مهندسی طاهرزاده بهزاد و با سعی و خدمتگذاری مؤتمن انجام گرفت و در ظرف مدت شش سال ساخته شد و بعد از مرحوم اسدی نیز بناهای دیگری به آن اضافه گردید و توسعه یافت.

مساحت کل زمین بیمارستان ۲۱۷۹۰۰ متر مربع می‌باشد و محصور به نرده‌های آهنی و کلاً محاط است به چهار خیابان اطراف مریضخانه وضع بیمارستان در مهر ماه ۱۳۴۶ بر اثر گزارش رسمی چنین بوده است.

۱- ساختمان بزرگ برای جراحی و امراض داخلی

۲- ساختمان دو طبقه برای زایشگاه و زنان بیمار

۳- ساختمانهای آزمایشگاه، رادیولوژی، چشم پزشکی، قلب، بیماری کودکان، گوش، حلق، بینی، پوست و آمیزی.

۴- ساختمانهای درمانگاه، کشیک، درمانگاه داخلی، داروخانه، دفتر امور بیمارستان.

در گزارش آستان قدس آمده است: بیمارستان شاهرضا در سال ۱۳۰۷ شروع به ساختمان و در سال ۱۳۱۳ مورد بهره‌برداری قرار گرفت ابتداء با یکصد تخت شروع و تاکنون به ۳۵۲ تخت ارتقاء یافته و تعداد بخشهای آن در حال حاضر ۱۳۴۶ بشرح زیر

است.

- | | |
|-----------------------|------------------------|
| ۱- بخش جراحی | ۷- بخش اطفال |
| ۲- بخش سوانح | ۸- بخش داخلی و قلب. |
| ۳- بخش مسمومین | ۹- بخش رادیولوژی. |
| ۴- بخش پوست | ۱۰- بخش آزمایشگاه. |
| ۵- بخش حلق، گوش، بینی | ۱۱- بخش داروخانه. |
| ۶- بخش چشم پزشکی | ۱۲- بخش زنان و مامائی. |

نگارنده گوید: بیمارستان امام رضا علیه السلام در حال حاضر یکی از مراکز مهم درمانی و بیمارستان‌های کشور می‌باشد، این بیمارستان در سالهای اخیر توسعه پیدا کرده و دانشجویان دانشکده پزشکی مشهد در آنجا دوره کارآموزی خود را فرا می‌گیرند، و اساتید بزرگ و پزشکان عالی مقام در آنجا کار می‌کنند.

درمانگاه آستان قدس

در سال ۱۳۴۱ شمسی محل مهمان‌خانه طوس در فلکه شمالی کنار بست بالا خیابان درمانگاهی تأسیس گردید، از آنجا که این محل نزدیک اماکن متبرکه بود مورد استقبال زائران امام رضا علیه السلام قرار گرفت و ساکنان مشهد هم از آن استفاده می‌کردند. این درمانگاه برای زائران و مردمان کم در آمد جایگاه ویژه‌ای داشت، و در بخشهای گوناگون پزشکی فعالیت می‌کرد، و سالها به خدمات خود ادامه داد تا آنگاه که در تخریب و توسعه فلکه آستان قدس در سال ۱۳۵۴ ویران گردید و اکنون زمین آن جزء صحن جمهوری اسلامی می‌باشد.

پرورشگاه آستان قدس

یکی از سازمانهای آستان قدس در سابق پرورشگاه کودکان بود، در این

پرورشگاه اطفال و نوزادان بی سرپرست جمع و نگهداری می شدند، این مؤسسه یکی از سازمانهای قدیمی آستانه مقدسه بوده که درباره اطفال بی سرپرست انجام وظیفه می کرده است.

مأمورین آستان قدس کودکان بی سرپرست و رها شده در مساجد و معابر را به دارالشفاء می بردند، تعدادی از آنها را در دارالشفاء نگهداری می کردند و تعدادی را هم به زنان شیرده می دادند تا آنها را شیر دهند و تربیت نمایند و مخارج زنان شیرده را هم دارالشفاء پرداخت می کرد.

در زمان تولیت محمد ولی خان اسدی جای مخصوصی برای این کودکان در نظر گرفته شد و تمام وسائل متناسب با روز از جهت تختخوابهای کوچک و اثاثیه و سایر لوازم و پرستار و زنهای شیرده و کارمند از طرف آستان قدس فراهم شد و از تاریخ ۱۳۰۷ بنام پرورشگاه نامیده شد.

موقعی که بیمارستان شاهرضا ساخته شد، عمارت پرورشگاه در محوطه بیمارستان قرار گرفت، و امور آن هم به عهده بیمارستان محول گردید، بعد از چند سال از محوطه بیمارستان به عمارت کوه سنگی انتقال پیدا کرد و بعد از آن در سال ۱۳۴۰ به شیر و خورشید واگذار شد و آستان قدس سالی پنجاه هزار تومان به آنجا کمک می کرد.

جذامیخانه آستان قدس

یکی از سازمانهای بهداشتی و خدماتی آستان قدس رضوی جذامیخانه بود، این محل در زمینهای موقوفه محراب خان که اکنون به کوی طلاب معروف گردیده قرار داشت، بعد از اینکه اراضی محراب خان به منازل مسکونی تبدیل گردید جذامیخانه تبدیل به بیمارستان شده و بنام بیمارستان شهید هاشمی نژاد معروف می باشد، این جذامیخانه بر اساس اسناد و مدارک در حدود یک قرن دایر بوده و بیماران جذامی از سراسر کشور به آنجا مراجعه می کردند و کلیه هزینه های آن را آستان قدس پرداخت

می‌کرد.

مؤسسات درمانی آستان قدس پس انقلاب

بعد از انقلاب اسلامی آستان قدس رضوی بار دیگر نام دارالشفاء را برای مؤسسه درمانی خود برگزید، و این نام قدیمی و سنتی را که در حدود پنجاه سال به دست فراموشی سپرده شده بود زنده کرد و دارالشفای مبارکه را به قرون و اعصار گذشته پیوند داد، اگر چه طرز معالجه در جهان امروز با روزگاہای گذشته فرق دارد. کار بسیار خوبی که آستان مقدس انجام داده و در خور تقدیر می‌باشد، انتخاب محل دارالشفاء می‌باشد که اکنون در مجاورت اماکن متبرکه قرار دارد، دارالشفاء و یا به اصطلاح گذشتگان شفاخانه امام رضا علیه السلام همواره در طول تاریخ در جوار حرم مطهر بوده است.

دارالشفاء اکنون در یک ساختمان سه طبقه متصل به صحن نو و در بست پائین خیابان قرار دارد و به همه وسائل و تجهیزات پزشکی مجهز می‌باشد روزانه صدها بیمار و دردمند به دارالشفاء مراجعه می‌کنند و مورد معاینه قرار می‌گیرند، در این میان هم زائران و هم ساکنان مشهد مقدس از این مرکز درمانی استفاده می‌کنند.

دارالشفاء در حال حاضر حداکثر توان خود را بکار می‌گیرد، و تعدادی پزشک با تخصص‌های گوناگون در ظرف ۲۴ ساعت در اینجا انجام وظیفه می‌کنند و در اختیار زائران و ساکنان این شهر مقدس می‌باشند، در این مؤسسه بخشهای اطفال، گوش، حلق، اعصاب، داخلی، پوست و بیماری زنان وجود دارند.

بودجه دارالشفاء از محل نذورات تأمین می‌گردد، و حد نصابی هم ندارد و تمام نیازهای مؤسسه را می‌دهند، قرار شده در فلکه جدید آستان قدس رضوی ساختمانی بزرگ بنام دارالشفاء بنا گردد و کار خود را توسعه دهد.

داروخانه امام

یکی از تشکیلات درمانی که بعد از انقلاب به وجود آمد، داروخانه امام می‌باشد، این داروخانه در کنار بیمارستان امام رضا علیه السلام است و یکی از مراکز فعال در امر داروئی و نسخه‌پیچی در مشهد مقدس می‌باشد، روزی صدها نفر به آنجا مراجعه می‌کنند و نیازهای خود را برطرف می‌نمایند.

داروخانه امام با تعدادی دکتر داروساز و دانشجویان رشته داروسازی به خدمات خود ادامه می‌دهد، و در مشهد مقدس موقعیتی بدست آورده است، این داروخانه بعد از انقلاب توسط انجمن اسلامی دانشجویان و گروهی از استادان داروسازی تأسیس گردید.

داروخانه امام چون در مرکز شهر مشهد واقع گردیده و در کنار بیمارستان امام رضا قرار دارد، همواره مورد توجه طبقات مختلف می‌باشد و مردم به این مرکز داروئی مراجعه می‌کنند و داروهای مورد نیاز خود را بدست می‌آورند.

بیمارستانهای دولتی در مشهد مقدس

ما در چند صفحه قبل تذکر دادیم که طب جدید و فرنگی از طریق پزشکان اروپائی که اغلب انگلیسی و روسی بودند در مشهد رواج پیدا کرد، و مردم با مراجعه به این اطباء تازه وارد بازار طبیبان سنتی و بومی را در هم شکست و در اندک زمانی همه منزوی شدند، و جامعه بطرف پزشکان خارجی رو آوردند.

پس از این گروهی از فرزندان اعیان و اشراف برای تحصیل طب عازم اروپا شدند، و در دانشگاههای کشورهای اروپائی به تحصیل مشغول شدند، و بعد از اینکه فارغ التحصیل شدند به شهر خود باز گشتند و به طبابت اشتغال پیدا کردند و با روش اروپائی مردم را مداوا نمودند و از داروهای آنها به بیماران خود دادند آنها داروهای ایرانی و سنتی را هم به مسخره گرفتند.

بعد از مدتی در نظر گرفته شد در مشهد مقدس مؤسسه‌ای بنا گردد و پزشک تربیت کند، و در امور بهداشت و درمان فعالیت نماید، از این رو مسئولان اقدامات لازم را انجام دادند و مقدمات کار را فراهم ساختند، و مؤسسه‌ای را بنیاد نهادند تا امور پزشکی و بهداشتی را زیر نظر داشته باشد.

در کتاب راهنمای دانشگاه مشهد که در سال ۱۳۵۱ شمسی انتشار یافته چنین آمده است، به واسطه نیاز فراوانی که در استان خراسان به وجود پزشک احساس می‌شد در سال ۱۳۱۸ نتیجه اقدامات منجر به تأسیس آموزشگاه عالی بهداشتی گشت. آموزشگاه تأسیس شد و یک پزشک اروپائی را از تهران به مشهد فرستادند تا ریاست آن را در اختیار بگیرد، نام این پزشک پروفسور ابرلین بود و مدتها ریاست دانشکده پزشکی را در تهران به عهده داشت و یک پزشک ایرانی هم بنام دکتر مصطفی حبیبی با او همکاری می‌کرد.

در سال ۱۳۲۶ مقامات آستان در نظر گرفتند این آموزشگاه را تبدیل به دانشکده کنند، و مکاتبات با تهران آغاز گردید، سرانجام در همان سال هیئت دولت با تأسیس دانشکده پزشکی در مشهد موافقت کرد و اساسنامه آن نوشته شد و در سال ۱۳۲۸ کار خود را رسماً شروع کرد و دانشجو پذیرفت.

در آن ایام بیمارستانهای مشهد محدود بودند، و مهمترین آنها همان بیمارستان شاهرضا و منتصریه بودند و پزشکان در آنجا قبل از ظهرها مردم را سرپائی معالجه می‌کردند و گروهی را هم بستری می‌نمودند، و بیماران زیادی از شهرها و قصبات خراسان به این دو بیمارستان مراجعه داشتند.

از آن تاریخ تاکنون بهداشت و درمان در مشهد مقدس بسیار توسعه پیدا کرده، بیمارستان و درمانگاههای زیادی ساخته شده و بیماران و دردمندان را معالجه می‌کنند، تعدادی از این بیمارستانها و درمانگاهها دولتی و پاره خیریه و چند بیمارستان هم خصوصی می‌باشند و ما ذیلاً نام آنها را در اینجا ذکر می‌کنیم.

بیمارستانهای دولتی

- | | |
|--------------------------|---|
| ۱- بیمارستان قائم | ۸- بیمارستان تأمین اجتماعی |
| ۲- بیمارستان هاشمی نژاد | ۹- بیمارستان امام حسین <small>علیه السلام</small> |
| ۳- بیمارستان ۱۷ شهریور | ۱۰- بیمارستان ارتش |
| ۴- بیمارستان دکتر شریعتی | ۱۱- بیمارستان رازی |
| ۵- بیمارستان طالقانی | ۱۲- بیمارستان حضرت زینب |
| ۶- بیمارستان ابن سینا | ۱۳- بیمارستان سینا |
| ۷- بیمارستان بنت الهدی | |

بیمارستانهای خیریه

در مشهد مقدس رضوی از روزگاران قدیم ساختن مؤسسات و سازمانهای عام المنفعه از قبیل مسجد، مدرسه، حسینیه، رباط و مریضخانه معمول بوده است گروهی از علاقمندان و دوستان اهل بیت علیهم السلام سرمایه های خود را در این راه ها خرج می کردند و یادگارهایی از خود می گذاشتند.

در سالهای اخیر که شهر مشهد توسعه پیدا کرد و جمعیت آن رو به فزونی نهاد نیاز به درمان و بهداشت جامعه در اولویت قرار گرفت، طب و طبابت جنبه کسب و کار و تجارت پیدا کرد، و هزینه های درمان و معالجات رو به فزونی نهاد.

اکثریت مردم توان پرداخت هزینه های درمان خود را ندارند و بیمارستانهای دولتی هم پاسخگوی همه بیماران نبود، و مشکلاتی برای مردمان مستضعف و طبقات کم در آمد پیش آمده بود، از این رو گروهی از افراد نیکوکار دامن همت به کمر زدند و بیمارستانهایی در مشهد ایجاد نمودند.

این بیمارستانها جنبه انتفاعی ندارند، و جز کارمندان و مستخدمان کسی از آن

مؤسسات درمانی سود نمی‌برد و حقوقی دریافت نمی‌کند، و پزشکانی هم که با اینگونه بیمارستانها قرارداد دارند دستمزد عادلانه‌ای می‌گیرند و اغلب به قصد قربت و پاداش معنوی در اینجاها انجام وظیفه می‌کنند.

بیمارستانهای خیریه اکنون بسیار مجهز و همه گونه وسائل پزشکی و درمانی را در اختیار دارند، استقبال مردم از اینگونه مؤسسات بسیار چشم‌گیر و با پرداختن وجه مناسبی به آنجا مراجعه می‌کنند و معالجه می‌شوند و از پرداختن هزینه‌های سنگین بیمارستانهای شخصی آسوده می‌باشند.

اینک نام بیمارستانهای خیریه را که در مشهد مقدس و حومه ساخته شده و مورد استفاده هستند به نظر خوانندگان می‌رساند، و ضمناً توضیح داده می‌شود که این آمار مربوط به چند سال قبل است و در دو سه سال اخیر هم ممکن است بیمارستانی ساخته شده که در این فهرست نیامده باشد.

- ۱- بیمارستان ابوالفضل، خیابان امام خمینی
- ۲- بیمارستان ابوالفضل، قلعه ساختمان
- ۳- بیمارستان ابوالفضل العباس، بلوار امت
- ۴- بیمارستان امام جواد علیه السلام، پیچ تلگرد
- ۵- بیمارستان جواد الائمه، خیابان طبرسی
- ۶- بیمارستان امام حسن مجتبی علیه السلام، بازار سرشور
- ۷- بیمارستان امام حسن مجتبی علیه السلام، ۲۰ متری طلاب
- ۸- بیمارستان امام حسن عسکری علیه السلام، مهرآباد
- ۹- بیمارستان امام حسن عسکری علیه السلام، طرqbه
- ۱۰- بیمارستان امام حسین علیه السلام، بلوار فرودگاه
- ۱۱- بیمارستان امام زمان علیه السلام، جاده سرخس
- ۱۲- بیمارستان امام سجاد علیه السلام، گلشهر

- ۱۳- بیمارستان امام صادق علیه السلام، راسته نوقان
- ۱۴- بیمارستان امام علی علیه السلام، سیدی
- ۱۵- بیمارستان امام محمد باقر علیه السلام، خیابان ابوطالب
- ۱۶- بیمارستان امام هادی علیه السلام، پائین خیابان
- ۱۷- بیمارستان بروجردی، پائین خیابان
- ۱۸- بیمارستان بهشتی، آرامگاه فردوسی
- ۱۹- بیمارستان چهارده معصوم، محمدآباد
- ۲۰- بیمارستان حجتی، خیابان خواجه ربیع
- ۲۱- بیمارستان حسین بن علی علیه السلام، فلکه برق
- ۲۲- بیمارستان خاتم الانبیاء، فلکه دروازه قوچان
- ۲۳- بیمارستان رقیه، خیابان شهید هاشمی نژاد
- ۲۴- بیمارستان سیدالشهداء علیه السلام، انتهای دروی
- ۲۵- بیمارستان شیرازی، خیابان آزادی
- ۲۶- بیمارستان علوی، خیابان ضد
- ۲۷- بیمارستان علی اصغر، شاندیز
- ۲۸- بیمارستان علی بن ابی طالب علیه السلام، خیابان ضد
- ۲۹- بیمارستان علی بن موسی الرضا علیه السلام، عیدگاه
- ۳۰- بیمارستان قمر بنی هاشم، جاده سیمان دهرود
- ۳۱- بیمارستان قائم آل محمد علیه السلام، ۱۷ شهریور
- ۳۲- بیمارستان محمد رسول الله صلی الله علیه و آله، تپه سلام
- ۳۳- بیمارستان المنتظر، بلوار سازمان آب
- ۳۴- بیمارستان موسی بن جعفر علیه السلام، خیابان امام رضا علیه السلام
- ۳۵- بیمارستان مهدی علیه السلام، خیابان خیام

نگارنده گوید: در مشهد مقدس تعدادی هم بیمارستان شخصی و خصوصی هست که توسط پزشکان و یا سرمایه‌داران تأسیس شده‌اند، و اینگونه بیمارستانها هزینه‌های سنگینی دارند و معمولاً مراجعه کنندگان به این اماکن از طبقات مرفه و متمکن می‌باشند.

بنیاد شهید انقلاب اسلامی

مشهد مقدس

بنیاد شهید انقلاب اسلامی مشهد مقدس

یکی از سازمانهای فعال در مشهد بنیاد شهید است، این سازمان همانگونه که از نامش پیداست، بعد از انقلاب اسلامی و هنگام جنگ تشکیل گردید، وظائف این مؤسسه رسیدگی به امور بازماندگان شهداء و زنان و فرزندان آنها می باشد.

بنیاد شهید برای تربیت فرزندان شهداء در مشهد مقدس رضوی، دبستان، مدرسه راهنمایی و دبیرستان برای آموزش آنها تأسیس کرده و هزاران نفر از فرزندان شهداء در آن مدارس تحصیل می کنند، علاوه بر تحصیل در مدارس شاهد از جهات گوناگون هم از طرف بنیاد شهید مورد رسیدگی قرار می گیرند و مزایائی به آنها تعلق می گیرد.

از خدماتی که بنیاد شهید نسبت به خانواده شهداء انجام می دهد عبارتند از کلاسهای هنری، آموزش عقیدتی، معرفی جهت کار، معرفی جهت دریافت زمین و

مصالح ساختمانی، پرداخت وام، سفرهای زیارتی، پرداخت حقوق به خانواده‌های تحت پوشش.

صدور بلیط راه آهن، هواپیما، درمان، صدور دفترچه بیمه، پرداخت اجاره مسکن به همسران شاهد، کمک جهیزیه به فرزندان شاهد، پرداخت دیون شهید، هزینه مراسم تدفین و مرمت قبور شهداء و کمکهای مختلف دیگر.

مؤسسات و سازمانهای خیریه مشهد مقدس.

مؤسسات و سازمانهای خیریه مشهد

وجود قبر مطهر حضرت رضا علیه السلام در شهرستان مشهد مقدس موجب گردیده تا در جوار قبر مبارک آن حضرت سازمانها و مؤسساتی عام المنفعه تأسیس گردد، این سازمانهای خدماتی خودجوش که از بطن جامعه حرکت خود را شروع می‌کنند منشأ خیرات و برکاتی می‌باشند.

گروهی علاقمند در این کارها پیشقدم می‌شوند، و گام نخستین را بر می‌دارند، و سازمانی را تشکیل می‌دهند، و با پیوستن افرادی دیگر به اینگونه سازمانها سرمایه‌هائی جمع‌آوری می‌گردد و در راه خیر و کمک به افراد مستمند و بی‌بضاعت صرف می‌شود.

در یکی از نشریات مؤسسات خیریه آمده: پر واضح است که نظام جمهوری

اسلامی پشتیبان حرکات اصیل مردمی در جهت ارائه خدمات اجتماعی و درمانی به مردم محروم جامعه است، توانائی روحی جامعه برای ایجاد این مؤسسات با توجه به اعتقادات دینی و انسانی انسان را امیدوار می‌سازد.

فرهنگ پویا و متحرک اسلامی برای حل معضلات و مشکلات جامعه راه حل‌های اطمینان‌بخش را پیش‌بینی کرده است و اجر اخروی بر مردان و زنان نیکوکاری باد که از سرمایه‌های مادی و معنوی خود در جهت فرهنگ اسلامی و خدمت به طبقات محروم استفاده کنند.

مؤسسات خیریه در مشهد مقدس سابقه‌ای کهن دارد، ساختن مساجد، مدارس، حمام، آب انبار، کاروانسرا از قدیم در مشهد مقدس معمول بوده است، و اینک در این فهرست تعدادی از اسامی سازمانهای خیریه را که از طرف مسئولان در اختیار این جانب گذاشته شده به نظر خوانندگان می‌رساند:

- ۱- مؤسسه خیریه انصار حجت
- ۲- مؤسسه خیریه محبان حجت
- ۳- مؤسسه خیریه انصار قائم علیه السلام
- ۴- مؤسسه خیریه محبان ائمه علیهم السلام
- ۵- مؤسسه خیریه محبان حسین علیه السلام
- ۶- مؤسسه خیریه مکتب جعفری
- ۷- مؤسسه خیریه مکتب الرضا علیه السلام
- ۸- مؤسسه خیریه محبان رضا علیه السلام
- ۹- پرورشگاه پسرانه مرتضوی
- ۱۰- پرورشگاه دخترانه راه حق رضوی
- ۱۱- پرورشگاه دخترانه عمید صفوی
- ۱۲- مؤسسه خیریه علوی

۱۳- مؤسسه خیریه پویندگان را علی علیه السلام

۱۴- مؤسسه خیریه محبان علی علیه السلام

۱۵- انجمن خیریه امام حسن علیه السلام

۱۶- مؤسسه خیریه محبان مجتبی علیه السلام

۱۷- مؤسسه خیریه چهارده معصوم علیهم السلام

۱۸- مؤسسه خیریه اصغریه

۱۹- مؤسسه خیریه انصار هادی

۲۰- مؤسسه خیریه ثارالله، خانواده شهداء

۲۱- امداد مسجد النبی صلی الله علیه و آله

۲۲- مؤسسه خیریه شهید هاشمی نژاد

۲۳- مؤسسه خیریه قماشفروشها

۲۴- مؤسسه خیریه امام حسن مجتبی علیه السلام

۲۵- مؤسسه خیریه انصار الرضا علیه السلام

۲۶- مؤسسه خیریه کوثر

در پایان متذکر می گردد ممکن است مؤسسات و سازمانهای خیریه دیگری هم در مشهد باشد که در این لیست نیامده و نگارنده از آنها اطلاعی ندارد، زیرا شهر مقدس مشهد بسیار توسعه یافته و اطلاع از همه مؤسسات و امور خیریه امکان ندارد.

صندوقهای قرض الحسنه در مشهد

صندوقهای قرض الحسنه در مشهد

یکی از کارهای مفید و ارزنده در سطح کشور وجود صندوقهای قرض الحسنه می باشد، از تأسیس این صندوقها چند دهه بیشتر نمی گذرد، این صندوقها از هنگام تأسیس موجب آرامش و آسایش تعدادی از افراد مستضعف و کم درآمد شده اند و در موارد اضطراری کارائی زیادی داشته اند.

در یک نشریه ای که در مشهد مقدس به چاپ رسیده و نسخه ای از آن در دست نگارنده این سطور می باشد چنین آمده است: اولین صندوق قرض الحسنه در سال ۱۳۴۸ تحت نام صندوق جاوید و با سرمایه اولیه ۴۰/۰۰۰ ریال در تهران تأسیس شد و شروع بکار نمود و در مدت بسیار کوتاهی مورد توجه قرار گرفت.

اکنون در سراسر کشور بیش از یک هزار و چهارصد صندوق قرض الحسنه مشغول

فعالیت هستند، و همواره مشتریان اصلی خود را از میان فقیرترین و کم درآمدترین اقشار مردم جستجو می‌کنند، در دوران پس از انقلاب اسلامی صندوقهای قرض الحسنه جایگاه واقعی خود را باز یافته و دائما رو به افزایش است.

در استان خراسان بالغ بر یکصد و پنجاه صندوق قرض الحسنه وجود دارد که از این تعداد بیش از یکصد صندوق در سطح شهر مشهد فعالیت داشته، از تعداد یکصد صندوق در مشهد تعداد چهل و پنج صندوق متعلق به ادارات و بقیه در کنار و گوشه شهر فعالیت دارند.

صندوقهای قرض الحسنه عام بدون استثناء موجودیت خود را در محافل مذهبی در منازل، تکایا و حسینیه‌ها باز یافته‌اند و بهترین دلیل بر این مدعا نام انتخابی صندوقها می‌باشد که از عناوین مراسم مذهبی و جلسات دینی مشتق گردیده‌اند، و هیئت امناء صندوقها افرادی متمکن می‌باشند و مقداری از سرمایه‌های خود را در این صندوقها نهاده‌اند.

مهمترین مساله‌ای که فعالیت صندوقها را مشروعیت می‌بخشد، مراجعین در خواست وام می‌باشد که همگی از محرومان و مستضعفان جامعه هستند و رسیدگی به مشکلات مالی این قبیل افراد هر چند با پرداخت مبلغی محدود از اهداف اولیه صندوقها می‌باشد و اینک فهرست صندوقهای قرض الحسنه را در مشهد مقدس به نظر خوانندگان می‌رساند:

۱- صندوق قرض الحسنه کوثر وابسته به بنیاد کوثر

۲- صندوق قرض الحسنه حسین بن علی علیه السلام

۳- صندوق قرض الحسنه سادات

۴- صندوق قرض الحسنه حضرت ابوالفضل علیه السلام

۵- صندوق قرض الحسنه شهداء

۶- صندوق قرض الحسنه رضوی

- ۷- صندوق قرض الحسنه حضرت رضا علیه السلام
- ۸- صندوق قرض الحسنه جاوید
- ۹- صندوق قرض الحسنه ثامن الائمه علیهم السلام
- ۱۰- صندوق قرض الحسنه امام حسن مجتبی علیه السلام
- ۱۱- صندوق قرض الحسنه شهید مدرس
- ۱۲- صندوق قرض الحسنه صاحب الزمان عجل الله فرجه
- ۱۳- صندوق قرض الحسنه توحید
- ۱۴- صندوق قرض الحسنه امام جواد علیه السلام
- ۱۵- صندوق قرض الحسنه ابو صالح
- ۱۶- صندوق قرض الحسنه شهید کامیاب
- ۱۷- صندوق قرض الحسنه حضرت زهرا علیها السلام
- ۱۸- صندوق قرض الحسنه شهید نواب صفوی
- ۱۹- صندوق قرض الحسنه محبان مهدی علیه السلام
- ۲۰- صندوق قرض الحسنه امام هادی علیه السلام
- ۲۱- صندوق قرض الحسنه رحمت الهی
- ۲۲- صندوق قرض الحسنه امام محمد تقی علیه السلام
- ۲۳- صندوق قرض الحسنه شهید رجائی
- ۲۴- صندوق قرض الحسنه قرآن و عترت
- ۲۵- صندوق قرض الحسنه سید الساجدین علیهم السلام
- ۲۶- صندوق قرض الحسنه رضویه
- ۲۷- صندوق قرض الحسنه مالک اشتر
- ۲۸- صندوق قرض الحسنه سازمان اتوبوسرانی
- ۲۹- صندوق قرض الحسنه بانک استان

- ۳۰- صندوق قرض الحسنه اداره بازرگانی
- ۳۱- صندوق قرض الحسنه بیمارستان امام رضا (ع)
- ۳۲- صندوق قرض الحسنه بانک تجارت
- ۳۳- صندوق قرض الحسنه سازمان سازندگی و آموزشی وزارت نیرو
- ۳۴- صندوق قرض الحسنه جهاد سازندگی مشهد
- ۳۵- صندوق قرض الحسنه اوقاف و امور خیریه
- ۳۶- صندوق قرض الحسنه امور اتباع خارجی استانداری خراسان
- ۳۷- صندوق قرض الحسنه دادگستری خراسان
- ۳۸- صندوق قرض الحسنه دخانیات مشهد
- ۳۹- صندوق قرض الحسنه اداره راه و ترابری مشهد
- ۴۰- صندوق قرض الحسنه راه آهن مشهد
- ۴۱- صندوق قرض الحسنه اداره زندانهای مشهد
- ۴۲- صندوق قرض الحسنه بانک سپه مشهد
- ۴۳- صندوق قرض الحسنه صدا و سیما مشهد
- ۴۴- صندوق قرض الحسنه فرمانداری مشهد
- ۴۵- صندوق قرض الحسنه اداره کشاورزی مشهد
- ۴۶- صندوق قرض الحسنه کتابخانه مرکزی دانشگاه
- ۴۷- صندوق قرض الحسنه اداره میراث فرهنگی مشهد
- ۴۸- صندوق قرض الحسنه مرکز کامپیوتری دانشگاه
- ۴۹- صندوق قرض الحسنه شرکت ملی نفت
- ۵۰- صندوق قرض الحسنه تعاونی کارگران شهید هاشمی نژاد

انجمن‌های مشهد مقدس از آغاز تا عصر حاضر

انجمن‌های مشهد مقدس

مقصود از انجمن در اینجا، انجمن‌های علمی، ادبی، سیاسی و مذهبی می‌باشند که تحت این عنوان فعالیت می‌کنند، در مشهد مقدس رضوی، عنوان انجمن سابقه تاریخی زیادی ندارد، و از زمان قاجاریه این عنوان در اسناد و مدارک و روزنامه‌ها و مجلات بر سر زبانها افتاده است.

تا آنجائی که نگارنده در این موضوع تحقیق کرده است، نخستین انجمن در مشهد توسط گروهی از روشنفکران و وابستگان روسیه تزاری و دولت انگلیس تأسیس گردید، و این در هنگامی بود که تعدادی از مسلمانان و شیعیان هند، و قفقاز که تابع دولت انگلیس و روس بودند در مشهد اقامت داشتند.

ما در فصل مدارس جدید در مشهد مقدس تذکر دادیم که تأسیس مدارس

جدید به سبک فرنگیها در مشهد توسط گروهی از مهاجران مسلمان هند و قفقاز انجام گرفت و فرزندان اعیان و اشراف مشهد هم در آن مدارس شرکت کردند و به فرا گرفتن زبانهای انگلیسی و روسی مشغول شدند.

بعد از مدتی شاگردان مدارس زیاد شدند، رجال مشهور و اعیان و بازرگانان این شهر در نظر گرفتند مدرسه‌ای جدید به سبک فرنگیها در مشهد تأسیس نمایند، و فرزندان خود را در آنجا با علوم و قنون جدید آشنا نمایند و لذا نخست مبادرت به تشکیل انجمنی نمودند.

انجمن خیریه سعادت

این نخستین انجمن در مشهد مقدس بود، اگر چه در ظاهر یک گروه فرهنگی بودند و تحت عنوان کار خیر فعالیت‌های خود را شروع کردند، ولی در نهان یک جمعیت سیاسی بودند، و دارای افکار و اندیشه‌های نو بشمار می‌رفتند و با دولت‌های روس و انگلیس در ارتباط بودند.

نخستین کار این انجمن تأسیس یک مدرسه جدید، و یک کتابخانه در مشهد مقدس بود که ما در فصل مدارس جدید و کتابخانه‌ها از آنها یاد کردیم، و همچنین نام اعضاء این انجمن و وجوهی که از طرف آنها به این انجمن پرداخت گردید در آن فصل نقل کردیم جویندگان می‌توانند به فصل مدارس جدید مراجعه کنند.

این انجمن که بانیان آن از نخستین روشنفکران مشهد بودند، و با بازرگانان و سیاستمداران روس و انگلیس ارتباط داشتند، موجب باز شدن پای معلمان و استادان فرنگی به مشهد مقدس شدند، در این زمان کتابهای زیادی به زبان روسی و انگلیسی به مشهد وارد شد و در اختیار شاگردان مدارس جدید قرار گرفت و مردم را با فرهنگ اروپائی آشنا کرد.

انجمن ایالتی خراسان

دومین انجمن در مشهد مقدس، انجمن ایالتی خراسان می‌باشد که در هنگام مشروطه تأسیس گردید، پس از استقرار مشروطیت در ایالات و ولایات ایران انجمن‌هائی برای پیشرفت کارهای مشروطه و نحوه انتخابات و رسیدگی به شکایات و خواسته‌های مردم تأسیس گردید.

در مشهد مقدس رضوی هم انجمنی تحت عنوان «انجمن ایالتی خراسان» تشکیل شد، و ریاست آن را مرحوم شیخ ذبیح‌الله قوچانی مجتهد که از شاگردان برجسته آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بود به عهده داشت و گروهی از شخصیت‌های مشهدی هم عضو آن بودند.

در یک سند خطی که عکس آن در اختیار نگارنده می‌باشد و در آن صورت جلسه انجمن نظارت جهت انتخابات اعضاء انجمن ایالتی خراسان در تاریخ ماه صفر سال ۱۳۲۸ هجری قمری آمده و از رئیس این انجمن و اعضاء و منشیان آن چنین یاد کرده است:

۱- آقای حاج شیخ ذبیح‌الله مجتهد مدظله

۲- شیخ محمد کاظم بلور فروش

۳- میرزا محمدباقر مدرس

۴- حاج میرزا عبدالشکور تبریزی

۵- رکن التجار یزدی

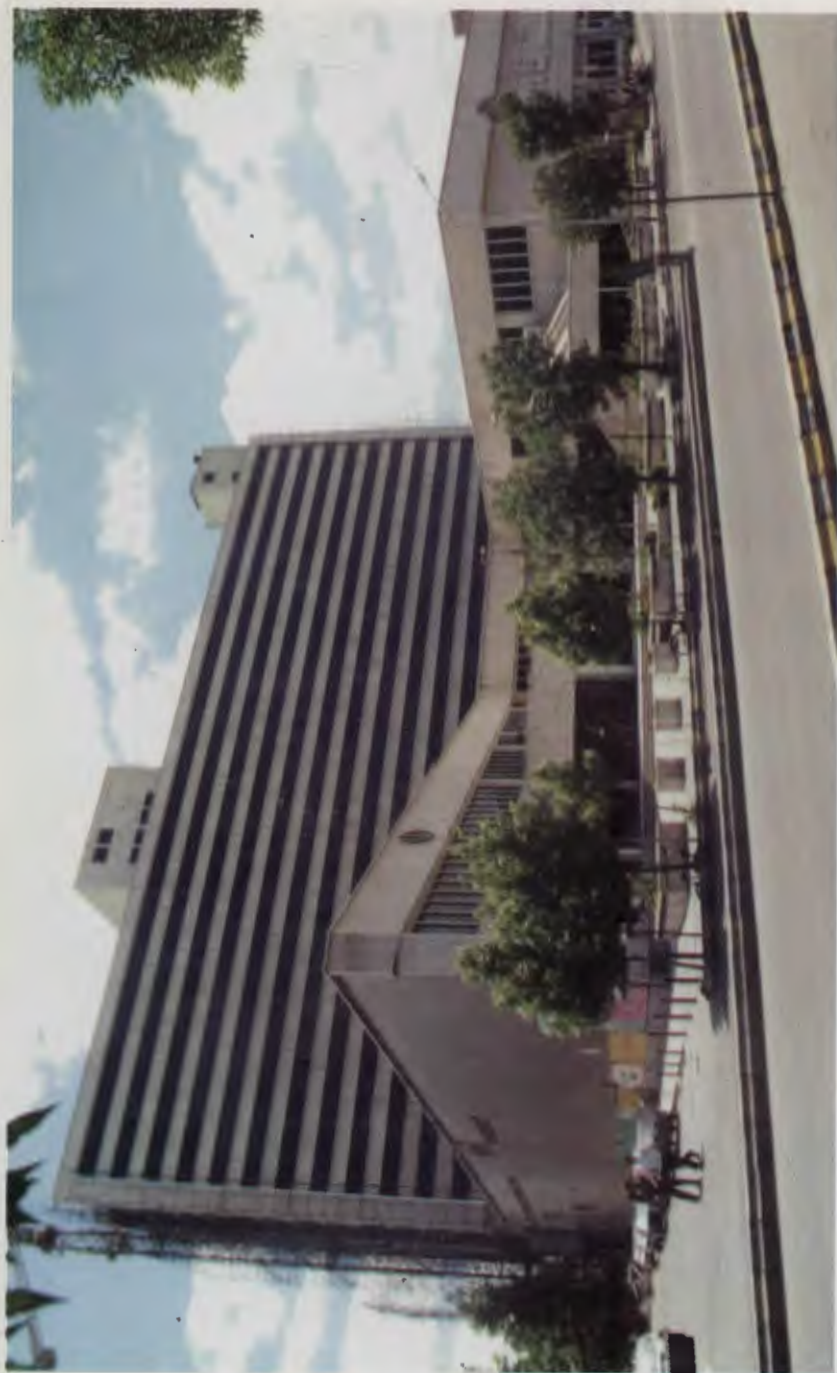
۶- حاج غلامعلی یزدی

۷- آقای حاج شیخ حسن کاشی

۸- حاج سید حسین خرازی

۹- آقای شیخ عبدالرحیم مدرس

۱۰- شاهزاده ارفع السلطان



شماره ۴۶ - ساختمان زیست خاور



شماره ۴۷ - نیروگاه مشهد مقدس صفحه ۳۲۹



شماره ۴۸ - قالی بافی در مشهد مقدس صفحه ۲۹۲



شماره ۴۹ - قطار شهری مشهد مقدس صفحه ۶۲۶



شماره ۵۰- نمایشی از نمايشگاه بين المللى مشهد مقدس صفحه ۶۲۷



شماره ۵۱- نمای از کشتارگاه صنعتی مشهد مقدس صفحه ۶۲۴



شماره ۵۲- بسته‌بندی گوشت در کشتارگاه مشهد مقدس صفحه ۶۲۵



شماره ۵۳ - مجتمع صنعتی کشاورزگاه مشهد مقدس صفحه ۶۲۴



شماره ۵۴ - میدان ورودی طریقه صفحه ۵۵۱

۱۱- ناظم التجار

۱۲- فاضل بسطامی

این دوازده نفر اعضای اصلی انجمن ایالتی را تشکیل می‌دادند، و در این سند آمده روز پنجشنبه پنجم شهر ربیع المولود سال ۱۳۲۸ صورت مجلس اولین انجمن ایالتی خراسان تشکیل شد و در آن انتخاب هیئت رئیسه به عمل آمد و آقایان ذیل به عنوان هیئت رئیسه انتخاب شدند.

آقای حاج شیخ ذبیح‌الله رئیس، آقای ارفع السلطان نائب رئیس، شیخ محمد کاظم منشی و حاج غلام علی یزدی تحویلدار، و روزنامه طوس هم برای اطلاعات و اعلان، مقرر گردید انجمن ایالتی روزهای سه‌شنبه و پنجشنبه جلسات رسمی داشته باشد.

بعد از انعقاد این انجمن گروهی در مشهد با آنها به مخالفت بر می‌خیزند، و در روزنامه بنام استقلال که در آن زمان چاپ می‌شده به اعضای انجمن حمله می‌کنند و از آنها انتقاد می‌نمایند، اعضای انجمن به این روزنامه اعتراض کرده و اعلام نموده‌اند اگر آن روزنامه دست از ناسزاگویی بردارد آنها استعفاء خواهند کرد.

این نامه که صورتی از آن موجود است به مهر مرحوم شیخ ذبیح‌الله و امضاء اعضای انجمن می‌باشد، در نامه‌ای که مرحوم آخوند ملا محمدکاظم خراسانی رضوان الله علیه برای مرحوم شیخ ذبیح‌الله قوچانی رئیس انجمن نوشته از این انجمن بنام «انجمن مقدس ملی مشهد» یاد می‌کند، عکسی از این نامه هم به خط مرحوم آخوند در اختیار نگارنده می‌باشد.

در نامه دیگری که مدیر دیوان افشار قوچانی به مرحوم شیخ ذبیح‌الله مجتهد نوشته و در مورد مدرسه سعادت قوچان و تشکیل مدرسه اکابری در این شهر مطالبی به اطلاع ایشان می‌رساند در آخر نامه گوید: اللهم وفقنا و أید علمائنا، علی‌الخصوص حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای رئیس انجمن مقدس ایالتی شیدالله آرکانه و دامت

برکاته، پاینده باد انجمن زنده باد آقای رئیس؟! به محمد و آله الامجاد - خادم ملت مدیر دیوان.

انجمن ادبی مشهد مقدس

از نخستین انجمنهای مشهد انجمن ادبی می‌باشد، در این انجمن گروهی از ادیبان و شاعران مشهد و خراسان عضویت داشتند، هدف آنها گردهمائی گروهی از شعراء و سخنسرایان و مبادله اشعار و قصائد و غزلیات و آگاهی از افکار و عقائد و اندیشه‌های همدیگر بود.

این انجمن هم اگر چه ادبی بود و اکثریت آن را شاعران تشکیل می‌دادند، ولی مطالب دیگری هم غیر از شعر و ادب در آن مطرح می‌گردید، و افرادی که شاعر هم نبودند و از ادبیات هم بهره‌ای نداشتند در آن شرکت می‌کردند، و گاهی هم رنگ سیاسی به خود می‌گرفت و جریانهای از آن استفاده می‌کردند.

تعدادی از شاعران مشهدی در این انجمن عضویت داشتند و ما شرح حال آنها را در همین کتاب خواهیم آورد، این انجمن اکنون هم ادامه دارد، و شاعران پیر و جوان در آن شرکت می‌کنند و در موضوعات شعر و ادب با هم تبادل افکار می‌نمایند و از روش یکدیگر استفاده نموده و اشعار خود را می‌خوانند.

کانون نشر حقائق اسلامی

این مؤسسه فرهنگی و مذهبی بعد از شهریور سال ۱۳۲۰ در مشهد مقدس بوجود آمد، و هدف آن ترویج فرهنگ و معارف اسلامی به سبکی نو و روشی جدید بود، بانیان و مؤسسين آن گروهی از بازاریان متدین و تعدادی از دبیران و معلمان مدارس مشهد مقدس بودند.

هدف بانیان این مؤسسه علمی و دینی، جذب جوانان و روشنفکران مشهدی به

فرهنگ و معارف اسلامی بود، استاد و مربی و معلم کانون نشر حقائق اسلامی مرحوم محمد تقی شریعتی مزینانی بودند، که از فضلاء و دانشمندان و محققان و نویسندگان در آن زمان بشمار می رفتند.

مرحوم استاد محمد تقی شریعتی رحمه الله علیه که در حوزه علمیه مشهد مقدس تحصیل کرده بود، پس از اتمام تحصیل به اداره معارف پیوست و در دبیرستانهای مشهد به تدریس پرداخت، و منشا آثار فراوانی در مشهد گردید، و مذهب را که در آن روز در فرهنگ به فراموشی سپرده شده بود بار دیگر احیاء کرد.

در ایام حکومت رضاشاه روشنفکران و معاندان و بدخواهان به فرهنگ و معارف ایران مسلط شده بودند، و دین و مذهب را از مدارس و مراکز علمی دولتی بیرون کردند، و متدینین را منزوی ساختند، و دین و مذهب را به صورت ارتجاع و واپسگرایی متهم ساختند.

مدارس و دبیرستانهای آن روز جولانگاه گروهی از استادان و معلمان تربیت شده در دانشگاههای اروپا بود، و یا افرادی که در دامن اینگونه معلمان و استادان تربیت شده و معتقدات دینی نداشتند، از این رو این جماعت میدان را خالی دیدند و با مساعدت حکومت تبلیغاتی براه انداختند.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ که رضاشاه از ایران اخراج گردید و بیگانگان وارد کشور شدند و نظم عمومی بهم ریخت، احزاب و جمعیت های گوناگونی در ایران و بالتبع در مشهد مقدس پدید آمد که از همه نیرومندتر حزب توده بود این حزب به سبب وابستگی به اتحاد جماهیر شوروی از قدرت تبلیغی بیشتری برخوردار بود در مدارس و ادارات و کارخانه ها و میان توده مردم فعالیت داشت.

معلمان و استادان کمونیست در آن ایام در مدارس بسیار فعال بودند، و جوانان را بطرف حزب توده دعوت می کردند، و یکی از مراکز مهم فعالیت حزب توده دبیرستانها و مراکز آموزشی بود، آنها بطور آزاد بدون اینکه قدرتی از آنها جلوگیری کند

تبلیغات خود را انجام می‌دادند.

غیر از حزب توده که با عقائد مذهبی مبارزه می‌کرد و جوانان و کارگران را بطرف خود می‌کشانید، گروه‌های دیگری هم بودند که با افکار و اندیشه‌های دینی در ستیز بودند و کتابها و جزوه‌هایی بر ضد اسلام و تشیع منتشر می‌کردند، و جریان‌هایی هم از آنها حمایت می‌نمودند و قدرتی هم نبود که از آنها جلوگیری کند.

در این زمان کانون نشر حقائق اسلامی تأسیس گردید، و مرحوم استاد محمد تقی شریعتی مزینانی سخنرانی و تدریس فرهنگ و معارف اسلامی را در آنجا آغاز کردند و موضوعات دینی را با سبک نوینی مطرح ساختند، و مورد استقبال همه طبقات قرار گرفتند.

مرحوم شریعتی در شبهای جمعه در آنجا سخنرانی داشتند در شبهای شنبه هم درس تفسیر برای گروهی از جوانان و علاقمندان می‌گفتند، در اعیاد مذهبی و وفیات و ایام محرم و ماه رمضان هم برنامه داشتند، و مردم مشهد هم از آن برنامه‌ها بسیار استقبال می‌کردند.

نگارنده این سطور که در آن ایام سالهای ۱۳۲۶ تا سال ۱۳۳۲ که در مشهد مقدس در سلک طلاب علوم بود یکی از شرکت کنندگان در درس مرحوم شریعتی رحمه الله علیه بودم و از درس تفسیر و سخنرانیهای آن استاد عالی مقام بسیار استفاده کرده و تجربیات زیادی بدست آوردم و با کتابها و مصادر زیادی آشنا شدم.

کانون نشر حقائق اسلامی همچنان فعال بود و همه گروهها در مشهد مقدس به آن توجه داشتند، علماء، مجتهدان و مدرسان حوزه علمیه، و طلاب مدارس قدیمه، و دانش‌آموزان و بازاریان و مسئولین بالای سازمانها و ادارات دولتی در جلسات کانون شرکت می‌کردند و به سخنان استاد شریعتی گوش می‌دادند و از بیانات متین و تفسیر و تحلیل مسائل مذهبی استفاده می‌کردند.

کانون از بدو تأسیس هدف خود را ترویج فرهنگ و معارف اسلامی و جذب

طبقه جوان و افراد تحصیل کرده جدید قرار داد، و در این راه گامهای زیادی برداشت و جای خود را در میان طبقات گوناگون باز کرد و مورد توجه و عنایات جامعه قرار گرفت و در محافل علمی و فرهنگی و سیاسی خراسان مشهور گردید.

کانون ابتداء در دیبرستان شاهرضا که یکی از دیبرستانهای مشهور مشهد بود، و اغلب دیبران سرشناس در آنجا تدریس می کردند تأسیس گردید و هدف آنها جلوگیری از تبلیغات مسموم معاندان و فرصت طلبان و مبلغان و مروجان مکاتب الحادی و نفاق افکنان بود.

پس از مدتی که کانون جان گرفت و علاقمندانی پیدا کرد، و گروهی از معلمان جوان آن روز و شاگردان مرحوم استاد شریعتی پیرامون او را گرفتند، کانون به ساختمانی در کوچه چهارباغ انتقال پیدا کرد، و فعالیت خود را در محل جدید آغاز نمود و تابلویی هم تحت عنوان «کانون نشر حقائق اسلامی» در آنجا نصب شد.

مرحوم استاد شریعتی در شبهایی که سخنرانی و تدریس قرآن داشتند ساعاتی قبل از سخنرانی در مجلس حضور پیدا می کردند و اگر کسی سئوالی داشت پاسخ می دادند حقیر که در آن روزها طلبه ای جوان بودم و دوست داشتم مطالب تازه ای بشنوم، در کنار استاد زانو می زدم و از بیانات آن مرحوم استفاده می کردم.

کانون بدون توجه به جریان خاصی به خدمات خود ادامه می داد، همه گروهها بجز احزاب سیاسی غیرمذهبی و حزب توده از آن حمایت می کردند و مسئله خاصی هم پدید نیامد و کانون همچنان به برنامه های خود ادامه می داد و مردم هم از آنها استفاده می نمودند.

در هنگام ملی شدن صنعت نفت که سراسر کشور را جنب و جوش فرا گرفت و طبقات گوناگون ملت از آن حمایت و پشتیبانی کردند، مردم خراسان و مشهد مقدس هم از ملی شدن صنعت نفت حمایت نموده و اجتماعاتی تشکیل دادند و سخنرانان و مبلغان موضوع را برای مردم روشن ساختند.

یکی از مراکز فعال در این باره کانون نشر حقائق اسلامی بود که با تمام توان خود وارد میدان شد، و مجالسی در فوائد و مزایای ملی شدن صنعت نفت تشکیل داد و اذهان مردم را روشن ساخت، از این تاریخ کانون وارد مسائل سیاسی هم شد و بر فعالیت خود افزود.

مرحوم محمد تقی شریعتی رحمه الله علیه، در کانون و مراکز دیگری که برای اجتماع مردم تشکیل می شد در موضوع ملی شدن نفت سخنرانی می کرد، و از سوابق تاریخی استعمارگران پرده برمی داشت، و طبقات مختلف هم در مجالس ایشان شرکت می کردند.

اخبار اینگونه مجالس به روزنامه ها و مجلات کشیده شد، و کانون نشر حقائق اسلامی بعنوان یک مرکز سیاسی و فرهنگی و مذهبی در مشهد معرفی گردید، و انظار سیاستمداران را بطرف خود جلب کرد، و بر شهرت آن افزود و نام معلم و مدرس آنهم بر سرزبانها افتاد.

چند سال این جریان ادامه داشت و وحدتی بین مردم و سران قوم بود، و مرحوم شریعتی از این به بعد علاوه بر اینکه یک معلم و استاد و اسلام شناس بود بصورت یک چهره محبوب سیاسی هم در آمد و مورد توجه گروه های سیاسی قرار گرفت و طرفداران دیگری هم در کشور بدست آورد.

تجزیه و تحلیلی که او از مسائل روز می کرد و با احاطه ای که آن مرحوم به تاریخ اسلام داشت، شنوندگان زیادی پیدا نمود و نامش بروزنامه ها و جرائد کشیده شد و چون به عنوان رهبر کانون نشر حقائق اسلامی ظاهر می گردید کانون هم در سطح کشور مطرح گردید و بر شهرت آن افزوده شد.

کانون همچنان به فعالیت علمی، مذهبی، و سیاسی خود ادامه داد تا آنگاه که جریان کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ پیش آمد و دولت دکتر محمد مصدق سقوط کرد، و محمد رضاشاه با کمک دولتهای غربی و امریکا براریکه قدرت مستقر شد و زمام کارها

را بدست گرفت.

در این هنگام فعالیت‌های سیاسی ممنوع گردید، احزاب و جمعیت‌ها منحل اعلام شدند، سران گروه‌ها یا دستگیر شدند و یا تبعید گردیدند، و یا از کشور خارج شدند و یا در منازل خود گوشه‌نشینی اختیار کردند و دم فرو بستند، مجالس و محافل تعطیل و کسی حق تشکیل مجلس سیاسی را نداشت.

گروه‌های سیاسی مشهد مقدس پس از ۲۸ مرداد، هر کدام به سوئی رفتند، تعدادی از آنها از کارهای سیاسی دست کشیدند و به امور فرهنگی و ارشادی پرداختند، جمعی هم با عناوین دیگری وارد جامعه شدند و تغییر مشی دادند گروهی هم جذب هیئت حاکمه شدند و به دنیا روی آوردند.

کانون پس از ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ به روشنفکران مذهبی که از جبهه ملی حمایت می‌کردند پیوست و در صف مخالفان حکومت درآمد، از آنجا که کانون نشر حقائق اسلامی یک سازمان دینی بود، تحت عنوان مجالس دینی و نشر فرهنگ اسلامی همچنان باز و مورد استفاده قرار داشت و برنامه‌ها را ادامه می‌داد.

بعد از مدتی دولت وقت و مقامات حکومتی مشهد مقدس وجود کانون را تحمل نکردند و برنامه‌های آنجا را برای خود مضر تشخیص دادند، از این‌رو استاد محمد تقی شریعتی بازداشت و کانون هم تعطیل گردید، ولی پس از مدتی مرحوم شریعتی از زندان آزاد ولی کانون همچنان بسته ماند.

ما انشاء الله در شرح حال محقق و استاد بزرگوار مرحوم محمد تقی شریعتی مزینانی در کتاب فرهنگ خراسان بخش بی‌هق و سبزواری در حالات و خصوصیات و خدمات و آثار ایشان بطور تفصیل بحث کرده و اطلاعات لازم را در اختیار خوانندگان قرار خواهیم داد.

جمعیت مؤتلفه مشهد

این جمعیت هنگام ملی شدن صنعت نفت در مشهد تشکیل شد و رهبری مردم را در تظاهرات و سخنرانیها و راهپیمائیا بعهده گرفت، موضوع ملی شدن نفت ایران یک حرکت سیاسی عظیمی را در ایران پدید آورد و ملت ایران را در مراکز استانها و شهرها و قراء و قصبات به قیام و تظاهرات واداشت.

در رأس رهبری نهضت ملی شدن صنعت نفت روحانی عالی مقام و مجتهد عظیم الشان حاج سید ابوالقاسم کاشانی رضوان الله علیه و مرحوم دکتر محمد مصدق نخست وزیر وقت قرار داشتند، از این رو گروههای مذهبی و سیاسی با هم در یک صف قرار گرفتند و کنار یکدیگر با استعمار به مبارزه و جهاد پرداختند.

در مشهد مقدس رضوی هم طبقات مختلف مردم از علماء، طلاب علوم دینی، هیئت های مذهبی، کسبه، اصناف، بازرگانان، پیشه‌وران، فرهنگیان، کارمندان ادارات، کارگران همه دست بدست هم دادند و پرچم جهاد بر ضد شرکت نفت را بلند نمودند.

از آنجا که این قیام یک خیزش همگانی بود و از میان مردم بطور خودجوش آغاز گردید، و همه طبقات در آن شرکت کردند، لازم بود یک رهبری در میان قیام کنندگان در مشهد باشد، تا از هرج و مرج و سلیقه‌های گوناگون در میان جامعه جلوگیری کند و مبارزه را در راه صحیح هدایت نماید.

از این رو تصمیم گرفته شد جمعیتی بنام جمعیت مؤتلفه تشکیل شود و چند نفر به عنوان رهبران نهضت در مشهد معین شوند، و کارها زیر نظر آن شورا اداره گردد و با برنامه‌های منظم باجرا در آید، و از کارهای شخصی و سلیقه‌ای خودداری گردد و مبارزه بطور گروهی انجام شود.

تا آنجائی که نگارنده اطلاع دارد مقرر گردید علماء، خطباء، وعاظ و مبلغین و طلاب علوم دینی، اجتماعات خود را زیر نظر مرحوم حاج شیخ محمود حلبی که از واعظان و مبلغان مشهور و سرشناس در مشهد بودند برگزار کنند و محل برگزاری

اجتماعات طلاب اکثر مدرسه نواب بود.

فرهنگیان، کارمندان ادارات و دانش‌آموزان و معلمان هم زیر نظر استاد محمد تقی شریعتی در کانون نشر حقائق اسلامی مجالس خود را برگزار نمایند، و اغلب سخنرانان در اینجا از فرهنگیان و معلمان مدارس جدید بودند.

کسبه، اصناف، بازاریان و طبقات متوسط جامعه و هیئت‌های مذهبی هم با مرحوم حاج عابدزاده مؤسس انجمن پیروان قرآن فعالیت داشتند و محل اجتماع آنها هم در ساختمان مهدیه بود، در این اجتماع مرحوم عابدزاده و تعدادی از بازاریان سخنرانی داشتند.

در حقیقت رهبری نهضت را مرحوم حاج شیخ محمود حلبی، مرحوم محمد تقی شریعتی و مرحوم عابدزاده در دست داشتند، و اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها از طرف آنها منتشر می‌گردید، و برنامه سخنرانیه‌ها در مشهد توسط آن سه نفر انجام می‌شد.

سخنرانیه‌ها و اجتماعات عمومی و تظاهرات و راهپیمائی‌ها بطور دسته‌جمعی انجام می‌گرفت و سپس در صحن نو، و یا مسجد گوهرشاد و یا در میدان مجسمه که امروز به میدان شهداء نامگذاری گردیده اجتماع می‌کردند و به سخنرانان گوش می‌دادند.

غیر از این سه گروه که نام برده شدند، افراد دیگری هم از مشهد و یا از جاهای دیگر که برای زیارت به مشهد مقدس می‌آمدند، در مسائل سیاسی روز صحبت می‌کردند این سخنرانان اغلب در مسجد گوهرشاد به ایراد سخن می‌پرداختند، و مسجد گوهرشاد در آن ایام یکی از مراکز مهم تبلیغی و سیاسی بود.

این اتحاد و ائتلاف همچنان در ظاهر ادامه داشت، اگر چه از نظر فکری و سلیقه‌ای بین آنها هماهنگی نبود، ولی در اصل موضوع که مبارزه با دولت استعماری انگلستان بود با هم توافق داشتند، و اختلاف اساسی بین آنها بروز نکرد و اتحاد آنها را بر هم نریخت.

این همکاری مدتها بین این سه گروه با نفوذ در مشهد مقدس ادامه داشت تا آنگاه که حادثه کودتای ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۳۲ به وقوع پیوست و بار دیگر طرفداران سیاسی استعماری در صحنه سیاسی ایران ظاهر شدند و زمام امور را در دست گرفتند و محیط خفقان و وحشت را در جامعه پدید آوردند.

در این هنگام گروههای متشکل سیاسی و جمعیت مؤتلف هم از هم پراکنده شدند و هر کدام راه خود را گرفتند و سیاستی خاص را اتخاذ نمودند، و تعدادی هم به مبارزات مخفی خود ادامه دادند، و جلسات سری خود را تشکیل می دادند و اعلامیه ها و نشریاتی هم به چاپ می رسانیدند.

انجمن پیروان قرآن

انجمن نامبرده پس از شهریور سال ۱۳۲۰ در مشهد مقدس رضوی تأسیس گردید و هدف از پیدایش آن ترویج و تبلیغ احکام و سنت های دینی و آشنا کردن مردم با آداب و سنن اسلامی بود، بانی و مؤسس آن مرحوم حاج علی اصغر چراغچی باشی معروف به عابدزاده بودند.

همانگونه که در فصول گذشته بمناسبت هائی تذکر دادیم، سختگیری ها و فشارهائی که در زمان رضاشاه درباره متدینین و محافل مذهبی بعمل آمد، و مجالس و محافل دینی تعطیل گردیده، و واعظان و اهل منبر از سخن گفتن ممنوع بودند، پس از رفتن رضاشاه و تبعید او از کشور مردم متدین بجان آمدند.

در مشهد مقدس رضوی هم هیئت های مذهبی سنتی بار دیگر به حرکت در آمدند و سازمانها و مؤسساتی پدید آوردند، مدارس علوم دینی که در زمان رضاشاه تعطیل شده بودند بازگشائی شدند، محافل و جلسات قرائت قرآن و روضه خانی برای حضرت سیدالشهداء از طرف مردم برقرار گردید.

مرحوم حاج عابدزاده از میان توده مردم برخاسته و از افراد معمولی و بازاری

بود، او در سلک علمای دین قرار نداشت و لباس معمولی و بازاری در بر می‌کرد، او عمامه‌ای مانند بسیاری از کسبه مشهد بر سر می‌گذاشت و عبائی هم بر دوش خود می‌انداخت و منبر می‌رفت.

زبانی گیرا و بیانی جذاب داشت، مردم را امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد و چون از میان توده مردم برخواسته بود زود هم در میان کسبه و اصناف مشهور شد و مورد اعتماد قرار گرفت، و در مشهد مقدس منشأ آثار فراوانی قرار گرفت و بناهایی از خود به یادگار گذاشت.

انجمن پیروان قرآن نخست در مساجد و منازل جلسات خود را تشکیل می‌داد، پس از مدتی در بالا خیابان پشت باغ نادری ساختمانی بنام مهدیه بنا کرد و این محل پایگاه آن انجمن گردید، جلسات سخنرانی در ایام محرم و صفر و ماه مبارک رمضان و در ایام اعیاد و وفیات در اینجا برگزار می‌شد.

انجمن پیروان قرآن به سرپرستی مرحوم حاج عابدزاده در هنگام ملی شدن صنعت نفت به خاطر اینکه مرحوم حاج سید ابوالقاسم مجتهد کاشانی رضوان الله علیه یکی از سران نهضت بود وارد میدان سیاست شد، و یکی از ارکان سه گانه جمعیت مؤتلفه بشمار می‌رفت.

این انجمن در میان بازاریان و کسبه و اصناف و توده مردم موقعیت ممتازی داشت و بانی آن مرحوم عابدزاده در سخنرانی‌های خود مردم را به حمایت از ملی شدن صنعت نفت تحریک و تهییج می‌نمود، و مرکز فعالیت‌های او هم مهدیه بود و جلسات سخنرانی انجمن در آنجا برگزار می‌گردید.

بیاد دارم روزی که بدستور دولت مرحوم دکتر محمد مصدق کنسولگری انگلیس در مشهد تعطیل گردید، و مردم به تظاهرات و راهپیمائی پرداختند، انجمن پیروان قرآن یکی از برگزار کنندگان این تظاهرات بود، تظاهرات و سخنرانیها در مقابل کنسولگری انگلیس در خیابان ارک برگزار گردید.

پس از سخنرانی افرادی از گروه مؤتلف جمعیت در خیابان براه افتادند و بعد از عبور از چند خیابان وارد فلکه حرم شدند، و بعد از عبور از فلکه وارد بالا خیابان شدند و به مهدیه رفتند و در آنجا بعد از نماز مغرب و عشاء اجتماع بزرگی تشکیل شد و جشن و سرور عظیمی بر پا گردید.

در آن جلسه تاریخی که حقیر به خوبی جریان آن را بیاد دارم، سخنرانان سخن می‌گفتند و شاعران به مناسبت تعطیل شدن نمایندگی دولت انگلیس اشعار خود را می‌خواندند، جلسه‌ای بسیار پر جوش و خروش بود، یکی از شاعران جوان منظومه‌ای سروده بود بسیار شیوا و جذاب و آن را می‌خواند، چند بیت آن اشعار از آن تاریخ در حافظه‌ام مانده است که اینک به نظر خوانندگان می‌رسانم:

باز مصدق دل دشمن شکست لانه جاسوسی او را به بست
قافله چون رفت سگش می‌رود سگ ز پی صاحب خود می‌دود
خوانندگان توجه فرمایند که ملت ما در طول تاریخ کنسولگری‌ها و سفارتخانه‌های اروپائی و امریکائی را لانه جاسوسی می‌داند، این شاعر جوان مشهدی در سال ۱۳۳۰ که کنسولگری انگلیس بسته شد از آن به لانه جاسوسی تعبیر می‌کند و از بستن آن اظهار شادمانی می‌نماید.

سی سال بعد هم که گروهی از دانشجویان وارد سفارتخانه امریکا شدند و آن را اشغال کردند و به تصرف خود در آوردند، از سفارت امریکا به عنوان لانه جاسوسی یاد کردند، و پس از حدود بیست سال هنوز هم به جای سفارت امریکا لانه جاسوسی امریکا بکار می‌برند.

انجمن پیروان قرآن هم مانند سایر گروههای مذهبی و سیاسی تا ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۳۲ در صحنه بود و در فعالیت‌های سیاسی هم شرکت داشت ولی بعد از کودتای ۲۸ مرداد، از کارهای سیاسی ممنوع شد، و تنها به تعلیم و تدریس معارف اسلامی پرداخت.

انجمن پیروان قرآن پس از بناء مهدیه تعدادی بناهای دیگر را هم بنام ائمه اطهار (علیهم السلام) ساخت و در آنها کلاسهای قرائت قرآن و تعلیم احکام برای نوجوانان و جوانان تشکیل داد، و بعد از مدتی این بناها تبدیل به مدرسه شدند و در اختیار دانش آموزان قرار گرفتند.

مردم متدین مشهد از این مدارس استقبال کردند، و کودکان خود را در آنجا گذاشتند تا تحت نظر معلمان متدین درس بخوانند، ولی حکومت پهلوی از این جریانها آگاه گردید، و به عمال خود در مشهد دستور داد، این مدرسه ها را تعطیل کنند و آنان را از ادامه کار باز دارند.

مقامات فرهنگی هم در مشهد مدرسه ها را بستند و هزاران کودک را از تحصیل در اینگونه مدارس محروم نمودند، به دستور مقامات انتظامی انجمن پیروان قرآن هم از فعالیت ممنوع شد، و حاج عابدزاده مؤسس آن هم روانه زندان گردید، ما انشاء الله در همین کتاب در حالات مرحوم عابدزاده باز در این باره از زاویه دیگری بحث می کنیم.

انجمن تبلیغات اسلامی

یکی از انجمن هائی که مدتی در مشهد فعالیت داشت، انجمن فوق بود که بعد از شهریور سال ۱۳۲۰ کارهای خود را آغاز کرده بود، بانی این انجمن شخصی بنام دکتر شهاب پور بود که در تهران اقامت داشت مرکز انجمن هم در تهران بود و در مشهد مقدس شعبه ای داشت.

محل انجمن در خیابان ارک در یک ساختمانی در ضلع شرقی آن بین کوچه سراب و خسروی بود و جلسات آن هم در یک سالن بزرگ در همان ساختمان تشکیل می شد، در سالن سخنرانی صندلی هائی گذاشته بودند و مردم روی صندلی ها می نشستند و به سخنرانی ها گوش می دادند.

این انجمن مجله ای هم بنام نور دانش داشت و مقالاتی در موضوعات فرهنگ و

معارف اسلامی چاپ می‌کرد و در آن ایام علاقمندانی هم پیدا کرده بود، و خوانندگانی هم داشت، نگارنده این سطور هم چند بار در جلسات آن شرکت کردم ولی سخنرانیها سطحی و دارای محتوی نبود.

گردانندگان آن هم در مشهد دارای موقعیت اجتماعی نبودند، و شهرت چندانی در میان مردم نداشتند، بنابراین استقبال چندانی از آن نشد و بعد از چندی هم به فراموشی سپرده شد، از آنجا که نام این انجمن در پاره‌ای از روزنامه‌ها و جرائد مشهد در آن ایام آمده است ما از آن انجمن در اینجا ذکری به میان آوردیم.

کانون بحث و انتقاد

این مؤسسه علمی و دینی بعد از حوادث سالهای ۱۳۳۲ در مشهد تأسیس گردید، بانیان این کانون شهید حاج سید عبدالکریم هاشمی نژاد و آقای حاج سید حسن ابیطحی از علماء و وعاظ و گویندگان مشهور مشهد مقدس بودند، و کانون بحث و انتقاد از موقعیت ممتازی در مشهد برخوردار بود.

محل این کانون در مسجد صاحب الزمان واقع در فلکه‌ای به همین نام در محله سعدآباد مشهد قرار داشت، آقای ابیطحی امام جماعت مسجد بود و بر کانون هم اشراف داشت و به اتفاق شهید هاشمی نژاد جلسات آن را اداره می‌کردند، و پاسخ سئوالات مردم را هم می‌دادند.

بانیان این کانون هر دو از اهل علم و فضل بودند، و به موضوعات دینی و مذهبی آگاهی داشتند، و اهل سخن و استدلال بشمار می‌آمدند و هر دو هم از اهل قلم بودند از این رو کانون بسیار فعال بود، و جلسات آن مرتب تشکیل می‌گردید و گروهی از علاقمندان به معارف اسلامی در آن شرکت می‌کردند.

کانون بحث و انتقاد سالها مرکز فعالیت‌های شهید هاشمی نژاد بود و او با سخنرانیهای آتشین خود گروهی از جوانان را به آنجا جلب کرده بود، مرحوم

هاشمی نژاد هم اهل بیان بود و هم اهل قلم و از چهره‌های مبارز و فعال در خراسان و مشهد مقدس بشمار می‌رفت و ما انشاءالله در همین کتاب در حالات مرحوم هاشمی نژاد از زاویه دیگری درباره کانون بحث و انتقاد مطالبی خواهیم آورد.

نگارنده گوید:

در مشهد مقدس رضوی در یکصد سال اخیر انجمن‌های زیادی برای امور فرهنگی، اجتماعی و خدماتی تشکیل گردید، و ما نام آنها را که از مصادر بدست آورده و یا در زمان معاصر تشکیل شده بودند نام بردیم، از اینها اکنون اثری نیست و بانیان آنها به رحمت خداوند واصل شدند، و تعدادی انجمن هم اکنون در مشهد مقدس تشکیل شده‌اند و فعال هستند و ما اینک نام آنها را در اینجا به نظر خوانندگان می‌رسانیم.

۱- انجمن شعر و شعراء

۲- انجمن خوشنویسان

۳- انجمن سینمای جوان

۴- انجمن کتابخانه‌های عمومی مشهد

۵- انجمن نمایش

احزاب و گروه‌های سیاسی مشهد مقدس.

احزاب و گروه‌های سیاسی در مشهد

بعد از مشروطیت در مشهد مقدس حزب‌هایی به وجود آمدند، این حزب‌ها به سبک اروپائی پدید آمدند، و توسط فرنگ رفته‌ها و یا کسانی که تحت تاثیر فرهنگ غرب بودند تأسیس یافته‌اند، و اغلب بنیانگذاران حزب‌ها از وابستگان اعیان و اشراف و خاندانهای ممتاز کشور بودند.

حزب‌هایی که در مشهد روی کار آمدند و اظهار وجود نمودند، شعبه‌هایی از احزاب تهران بودند، و دفتر نمایندگی داشتند، دستورات برای کارگذاران حزب در خراسان از تهران صادر می‌شد، و دستور العمل‌ها را از بنیانگذاران حزب در تهران دریافت می‌کردند.

احزاب ایران به علت وابستگی خاصی که بنیانگذاران آنها با خارج داشتند و یا

از دربارها و هیئت حاکمه دستور می‌گرفتند، در میان توده مردم موقعیتی به دست نیاوردند، و به علل گوناگونی دوام هم نداشتند و پس از مدتی در آن احزاب یا انشعاب حاصل می‌شد و با بطور کلی تعطیل می‌شدند.

در روزنامه‌های قدیم مشهد از تعدادی حزب در خراسان نامی به میان آمده، ولی به خاطر اینکه آن احزاب وسیله ترقی و تعالی برای بانیان آنها بوده و خدمات قابل ذکری از آنها به ظهور نرسیده ما از ذکر آنها در اینجا خودداری می‌کنیم.

بطور مثال در هنگام ملی شدن صنعت نفت در مشهد احزاب و باشگاههایی به وجود آمد، ولی به جهت آنکه مدیران آنها موقعیت اجتماعی و مقبولیت مردمی نداشتند، در مدت اندکی همه از بین رفتند و اکنون از آن احزاب و جمعیت‌ها خبری نیست و ذکر و نام آنها از صحنه سیاسی مشهد محو گردیده است.

تالارها و باشگاههای مشهد مقدس

تالارها و باشگاههای مشهد مقدس

مقصود از تالار و باشگاه در اینجا اماکنی هستند که برای اجتماعات و تشکیل مجالس علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در نظر گرفته شده‌اند، در اینجاها اجتماعات و گردهمایی انجام می‌گیرد و برای حل پاره‌ای از مشکلات و یا طرح مسائل جدید و مشورت با صاحب نظران سخنرانی‌هایی به عمل می‌آید.

بعضی از باشگاهها و تالارها خصوصی هستند و سازمانهای خاصی در آنجا تشکیل جلسه می‌دهند، تعدادی از آنها در دانشگاه و یا در ارتش و سپاه و ادارات مختلف دیگری می‌باشند که فقط اعضاء آن سازمان از آنها استفاده می‌کنند و افرادی دیگری حق استفاده از آنها را ندارند.

تعدادی هم عمومی می‌باشند، و هر سازمانی می‌تواند برای انجام کارهایی که در نظر دارد از آنها استفاده نماید در این تالارها مجالس گوناگونی برپا می‌گردد مهمانیهای

خصوصی، عروسیها، مجالس ختم، دید و بازدیدها در این اماکن برگزار می‌کردند، و اینک نام تعدادی از این تالارها به نظر خوانندگان می‌رسد.

- | | |
|--------------------------|-----------------------------------|
| ۱- تالار و باشگاه افسران | ۸- تالار فرهنگ و ارشاد |
| ۲- تالار سینمای فردوسی | ۹- تالار دانشکده ادبیات |
| ۳- تالار دبیرستان فردوسی | ۱۰- تالار سید جمال الدین اسدآبادی |
| ۴- تالار هلال احمر | ۱۱- تالار هنر و فرهنگ |
| ۵- تالار مهمانخانه باختر | ۱۲- تالار باغبان |
| ۶- تالار رازی | ۱۳- تالار اعتبار السلطنه |
| ۷- تالار ابن سینا | |

تالارهای آستان قدس رضوی

آستان مقدس رضوی هم برای اجتماعات و تشکیل مجالس فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تالارهای مجللی ساخته که در آنها فضلاء و دانشمندان و محققان و استادان اجتماع و پیرامون موضوعات گوناگون بحث می‌نمایند، و این تالارها عبارتند از:

- ۱- تالار اماکن متبرکه در صحن موزه
- ۲- تالار دانشکده علوم اسلامی رضوی
- ۳- تالار کتابخانه مرکزی آستان قدس

سینماها و تماشاخانه‌های مشهد

سینماها و تماشاخانه‌های مشهد

بطور قطع معلوم نیست در چه سالی و زمانی سینما به مشهد مقدس آمده است. سینما و تئاتر از فرنگستان به ایران آمد، و از این رو نخستین کسانی که این هنر را به ایران آورده‌اند مهاجران غیر مسلمان بوده‌اند، ما در این مورد به یک مکتوب مستند دست نیافتیم و مشهور چنان است که بنیانگذار سینما در مشهد یک نفر ارمنی بوده است. سینما در اواخر حکومت قاجاریه به مشهد آمده است و برای نخستین بار در خیابان ارک که در آن زمان مرکز والیان و حاکمان و اعیان‌نشین بود تأسیس گردید، و تا آخر هم در سال ۱۲۹۰ در تالار اعتبار السلطنه غفاری در کوچه ارک کار خود را آغاز نمود، سینما و تئاتر را در آن ایام تماشاخانه می‌گفتند و اینک نام سینماها و تماشاخانه‌های مشهد را به نظر خوانندگان می‌رسانیم:

- ۱- سینما فردوسی
- ۲- سینما و تأثر دیده بان
- ۳- تماشاخانه گلشن
- ۴- تماشاخانه نادر
- ۵- سینما شهر فرنگ
- ۶- سینما هویزه
- ۷- سینما قدس
- ۸- سینما شهر تماشا
- ۹- سینما شهرزاد
- ۱۰- سینما فلسطین
- ۱۱- سینما استقلال
- ۱۲- سینما متروپل
- ۱۳- سینما مولن روژ
- ۱۴- سینما انقلاب
- ۱۵- سینما سعدی
- ۱۶- سینما ایران

وسائل نقلیه موتوری در مشهد

وسائل نقلیه موتوری در مشهد

زائران بارگاه ملکوتی حضرت رضا علیه السلام در زمانهای گذشته با مرکبهای معمولی آن عصر، اسب، استر، شتر و الاغ به مشهد مقدس مشرف می شدند و گروهی هم برای ثواب و یا نذری که داشتند پیاده حرکت می کردند، تا آنگاه که به مشهد رضا علیه السلام می رسیدند.

مسافران و زائران از بیابانها و کویرهای سوزان عبور کرده و از کوهها و دره های صعب العبور می گذشتند، رودخانه های بزرگ و کوچک را پشت سر می نهادند و از خطرات و موانع گوناگون از طوفانها و برف و بارانها می گذشتند تا به زیارت امام رضا سلام الله علیه نائل گردند.

راه زنان و حرامیان همواره در طرق و شوارع کمین می کردند تا کاروان زائران را

مورد حمله قرار دهند و اموال آنها را غارت کنند، زائری با امید و شوق از شهر و دیار خود بیرون می‌شد و صدها فرسنگ راه را می‌پیمود و آرزویش این بود که خود را به بارگاه امام رضا علیه السلام برساند.

در این هنگام تبهکاران و مفسدان بر او می‌تاختند و هر چه داشت از وی می‌گرفتند، در طول تاریخ زائران حضرت رضا سلام الله علیه از طرف گروهی معاند و مخالف در راهها مورد آزار و اذیت و رنج و مصیبت قرار می‌گرفتند، در این مورد شواهد زیادی هست که در این کتاب به آنها اشاره خواهد شد.

مخصوصاً در زمان حکومت قاجاریه که منطقه خوارزم بهم ریخت و امیران و خوانین این ناحیه بر ضد ایران شوریدند، ترکمانان و ازبکان راه را بر زائران می‌بستند و اموال آنان را غارت می‌کردند و زنان و فرزندان آنها را اسیر کرده و مانند بردگان در بازارهای بخارا، سمرقند و خیوه می‌فروختند.

اما از زمانیکه وسائل نقلیه موتوری از قبیل هواپیما، راه آهن، اتوبوس و اتومبیل به راه افتاده، زائران و مسافران از اینگونه حوادث مصون هستند، هم زودتر به مقصد می‌رسند و هم از گزند راهزنان و تبهکاران در امان می‌باشند و مورد تعرض قرار نمی‌گیرند.

هواپیما در مشهد مقدس

هواپیما در مشهد مقدس

بطوریکه از روزنامه‌های قدیم معلوم می‌شود هواپیما در اواخر حکومت قاجار به مشهد مقدس وارد شده است و از سالهای ۱۳۰۲ به بعد رفت و آمد هواپیماهای باری که در خدمت ارتش بوده‌اند آغاز گردیده، و ابتداء فقط سران کشور و فرماندهان نیروهای نظامی از آن استفاده می‌کرده‌اند.

بعد از چند سال پروازهای مسافری هم شروع بکار کردند، درست به خاطر دارم بعد از شهریور ۱۳۲۰ که به مشهد مقدس آمده بودم، هواپیماهای دو موتور مسافری را در فرودگاه مشاهده نمودم، در آن هنگام مسافران هواپیما بسیار کم بودند، و گروهی از طبقات ممتاز و ثروتمند از آن استفاده می‌کردند.

بعد از اینکه شرکت هواپیمائی هما تأسیس گردید، و هواپیماهای بزرگ بکار

گرفته شد، اوضاع و احوال تغییر کرد، و هواپیما از انحصار طبقه مخصوص در آمد، و همگانی شد، پروازها زیاد گردید و فرودگاه مجهز شد و مردم به هواپیما روی آوردند و سفرهای آرامی را آغاز نمودند و به سرعت به مقصد رسیدند.

فرودگاه سابق مشهد گنجایش جابجائی مسافران را نداشت، ساختمان آن مناسب جمعیت نبود، در کنار فرودگاه قدیم فرودگاه دیگری ساخته شد، سالنهای بزرگ انتظار و تحویل بار و توشه و سالنهای خروجی و ورودی بنا گردید، و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

بعد از انقلاب اسلامی مشهد مقدس وسعت پیدا کرد و بر جمعیت آن افزوده گردید، رفت و آمدها از داخل و خارج زیاد شد، از این رو تعداد پروازها زیاد گردیده و در تمام ساعات شب و روز هواپیما در فرودگاه مشهد می‌نشیند و یا پرواز می‌نماید و مسافران و زائران را به مقصد می‌رساند.

تا چند سال قبل پرواز تنها بین تهران و مشهد انجام می‌گرفت، مسافران باید از مشهد به تهران می‌رفتند و از آنجا به شهرها و ولایات و یا کشورهای خارج رهسپار می‌شدند، از این رو زائران باید وقت زیادی برای ایاب و ذهاب خود در نظر می‌گرفتند و معطلی زیادی برای تهیه بلیط داشتند.

اما اکنون ارتباط هوائی مشهد مقدس با اکثر مراکز استانها برقرار است و مردمان آذربایجان، گیلان، مازندران، خوزستان، سیستان و بلوچستان و سواحل خلیج فارس و یزد و کرمان می‌توانند با هواپیما به مشهد مشرف شوند و پس از زیارت هم با هواپیما مراجعت نمایند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوریهای آسیای میانه و باز شدن مرزهای زمینی و هوائی این کشورها، مشهد مقدس رضوی و فرودگاه آن اهمیت زیادی پیدا کرده است، اکنون پروازهای زیادی بین مشهد، عشق‌آباد، تاشکند، آلمه آتا، دوشنبه و بیشکک برقرار می‌باشد.

از طرف دیگر ارتباط بین مشهد و دمشق همواره برقرار است و با پاکستان و شیخ نشینهای خلیج فارس هم ارتباط هوایی برقرار می‌باشد، و زائران امام رضا علیه السلام از این شهرها و کشورها با هواپیما به مشهد می‌آیند و بر می‌گردند، و فرودگاه مشهد اکنون بصورت یک فرودگاه مجهز بین‌المللی در آمده است.

راه آهن مشهد مقدس

راه آهن مشهد مقدس

راه آهن در ایران برای نخستین بار در زمان قاجاریه تأسیس گردید و مردم با این پدیده آشنا شدند، در آن وقت بین تهران و بقعه حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری که مورد توجه مردم تهران بود راه آهن کشیدند و مردم سالها از آن بهره‌مند بودند و تا اواخر دهه ۱۳۳۰ هم کار می‌کرد.

اما راه آهن سراسری از خلیج فارس تا دریای مازندران و ارتباط تهران با مراکز استانها در زمان رضاشاه آغاز گردید، و دریای جنوب را به دریای شمال با یک خط آهن بهم پیوست و صدها شهر و آبادی را بهم نزدیک کرد و موجب سهولت در رفت و آمدهای بین شهری گردید.

در همان زمان خطی از گرمسار بطرف خراسان کشیده شد، و ساختمان آن آغاز

گردید، این خط به شاهرود رسید و مورد بهره‌برداری هم قرار گرفت، ولی حوادث شهریور سال ۱۳۲۰ و اشغال ایران توسط متفقین، برنامه‌ها را بهم زد و ادامه راه شاهرود به مشهد تعطیل گردید.

در سال ۱۳۳۴ بار دیگر دولت تصمیم گرفت راه آهن مشهد مقدس را ادامه دهد، کارگزاران دولت در آن زمان کار را از شاهرود آغاز کردند، و پس از زیرسازی و ساختن پلها ریلها را نصب کردند و تهران از طریق گرمسار، سمنان، دامغان، شاهرود، جاجرم جوین و نیشابور به مشهد وصل شد.

بر اساس نوشته‌های موجود اولین قطار در یازدهم اردیبهشت سال ۱۳۳۶ وارد ایستگاه راه آهن مشهد مقدس شد، و موج شادی و شغف در مشهد ایجاد کرد، و قطارها یکی پس از دیگری وارد مشهد شدند و خیل زائران امام رضا (ع) را به این شهر انتقال دادند.

راه آهن مشهد مقدس سال بسال توسعه پیدا کرد و بر تعداد قطارها و واگنها افزوده گردید، ایستگاه بزرگی برای راه آهن مشهد مقدس بنا گردید و در سال ۱۳۴۵ مورد بهره‌برداری قرار گرفت، مساحت کل بناء راه آهن مشهد نه هزار و یکصد و هشتاد مترمربع می‌باشد.

راه آهن مشهد اکنون از ایستگاه سنگ بست به سرخس اتصال دارد و از آنجا به خط راه آهن ترکمنستان، و جمهوری‌های آسیای میانه، چین، روسیه، و از آنجا به اروپا متصل می‌باشد، و از طریق تهران، تبریز، به ترکیه و از آنجا نیز به اروپا و راه آهن‌های عراق، سوریه و اردن متصل است.

اینک در صورت بازگشائی راهها و شرائط مساعد سیاسی مسافران و زائران می‌توانند از لندن، پاریس، رم، و شهرهای بزرگ و کوچک اروپا، و از امان، دمشق، بغداد، و اسلامبول و از مرو، بخارا و سمرقند و ترکمنستان، چین و روسیه خود را با قطار به مشهد مقدس برسانند و بار دیگر برگردند.

در سالهای اخیر راهها باز گردیده و وسعت پیدا کرده و سائط نقلیه زیادی بطرف مشهد سرازیر می شوند و هزاران مسافر را با خود می آورند، راه آهن مشهد مقدس هم بسیار فعال گردیده و روزی ده ها قطار پراز مسافر وارد این شهر می گردند و در ایام زیارتی بر تعداد قطارها افزوده می گردد.

راه آهن مشهد برای کارمندان فنی خود آموزشگاهی در محوطه بزرگ راه آهن تأسیس کرده، و معلمان و استادان فنی و مجرب در آن تدریس می کنند و هنرجویان را برای راه اندازی قطارها تربیت می نمایند، و در حدود بیست و سه موضوع که مربوط به امور فنی راه آهن می باشد به شاگردان تعلیم می دهند.

پایانه مشهد مقدس

پایانه مشهد مقدس

مقصود از پایانه در اینجا محلی است که اتوبوسهای مسافری از آنجا حرکت می‌کنند و زائران و مسافران را از مشهد مقدس بیرون می‌برند، و یا اتوبوسهایی که زائران و مسافران را از شهرها و ولایات مختلف سوار می‌کنند و در اینجا آنها را پیاده می‌نمایند و در واقع محل خروج و ورود زائران و مسافران می‌باشد.

قبل از بناء پایانه و یا توقفگاه اتوبوسها و مسافران، ماشینهای مسافربری در گاراجها و خیابانهای شهر توقف می‌کردند و زائران و مسافران را سوار می‌نمودند و به مقصدهایشان می‌رساندند، و یا اینکه مسافران و زائران که از خارج مشهد می‌آوردند در گاراجها و بنگاههای مسافربری داخل شهر پیاده می‌کردند.

در سالهای اخیر که جمعیت شهر مشهد رو به فزونی نهاد و وسائط نقلیه زیاد

گردید، عبور و مرور در شهر برای ساکنان و عابران مشکل شد، و همواره در خیابانها و میدانهای شهر و در اطراف حرم مطهر که محل تجمع زائران بوده راه بندان ایجاد می‌شد و رفت و آمد مختل می‌گردید.

از این رو مسئولان شهر و اداره راهنمایی و رانندگی مشهد تصمیم گرفتند محلی برای توقف اتوبوسها در خارج شهر در نظر بگیرند تا ماشینها مسافران و زائران را از آنجا سوار کنند و در همانجا هم پیاده نمایند، تا خیابانها و معابر شهر برای رفت و آمدهای مردم خلوت گردد.

بعد از مدتی مشورت درباره محل پایانه و توقفگاه تصمیم بر این گرفته شد تا در جنوب غربی مشهد مقدس، و انتهای خیابان امام رضا در دامنه‌های بلند شهر مشهد در یک زمین وسیعی پایانه مشهد را بنا نمایند، و در اختیار شرکتهای تعاونی مسافری قرار دهند.

بناء پایانه شروع گردید و پس از مدتی آماده بهره‌برداری شد، و ساختمانهای متعددی جهت دفاتر شرکتهای تعاونی، و محلی برای توقف وسائط نقلیه و امور اداری پایانه ساخته شد و دفاتر شرکتهای از شهر به این مکان منتقل گردید و شروع بکار کرد، مساحت پایانه مشهد در حدود شانزده هزار مترمربع می‌باشد.

پایانه مشهد مقدس دارای خدمات جنبی نیز هست و آنها عبارتند از: سالن مطالعه، دفتر راهنمای زائران، دفتر اشیاء گمشده، دکه مطبوعات، فوریتهای پزشکی و اعزام مسافران در راه مانده، و ضمناً انبارهایی هم برای شرکتهای تعاونی بنا گردیده است.

پایانه مشهد مقدس همواره پر جنب و جوش می‌باشد، در ظرف شبانه روز مسافرها رفت و آمد دارند، بیشترین زائر و مسافر در ایام سال ماه شهریور و کمترین آنها در ماه اردیبهشت می‌باشد، البته ایام نوروز و دهه آخر ماه صفر از این آمار مستثنی هستند، در این ایام میلیون‌ها نفر به مشهد مشرف می‌شوند.

سازمان اتوبوسرانی مشهد و حومه

سازمان اتوبوسرانی مشهد و حومه

یکی از مؤسسات مهم در خدمات شهری سازمان اتوبوسرانی مشهد مقدس می باشد، این سازمان در نقل و انتقالات ساکنان شهر نقش حساسی ایفا می کند، مردم را هنگام صبح به سرکارشان می رساند، و هنگام تعطیلی کارها بار دیگر به منازل و محل سکونت باز می گرداند.

در زمان های گذشته که شهر مقدس مشهد کوچک بود و مردم پیرامون حرم مطهر زندگی می کردند و محل کسب و کار و پیشه آنها نزدیک حرم بود، نیازی به مرکب نبود، ساکنان مشهد نزدیک هم زندگی می کردند و رفت و آمد به آسانی صورت می گرفت و دید و بازدیدها به راحتی انجام می شد.

در یکصد سال اخیر که مشهد مقدس رو به توسعه نهاد و شهر گسترش یافت و مردم در محلات جدید سکونت کردند، رفت و برگشت و دید و بازدیدها به خاطر

فاصله‌های زیاد مشکلاتی برای مردم ایجاد کرد و مخصوصاً برای افراد سالمند و بیماران پیاده‌روی مشکل بود.

از این رو از زمان قاجاریه در مشهد درشکه به میدان آمد، و اعیان و اشراف هم برای خود کالسکه تهیه کردند، درشکه‌ها در مشهد در آن ایام کار اتوبوسها و تاکسیها را انجام می‌دادند، و برای رفتن از یک نقطه به نقطه دیگر از درشکه استفاده می‌کردند.

سالیان درازی درشکه‌ها بر کوچه‌ها و خیابانها حاکم بودند، و ما خود در مشهد در سالهای بین ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۳۲، از درشکه استفاده می‌کردیم هرگاه می‌خواستیم از بست حرم به خیابان ارک و یا یکی از محلات دور دست برویم از درشکه کمک می‌گرفتیم.

بعد از مدتی اتوبوسهای شخصی به میدان آمدند، و مسافران و ساکنان مشهد را از محلی به محلی منتقل کردند، این اتوبوسها در مسیرهای معینی که برای آنها در نظر گرفته شده بود طبق ضوابطی حرکت می‌کردند، و مبلغی هم در اتوبوس از مردم گرفته می‌شد. سالها اتوبوس و درشکه با هم کار می‌کردند و مسافران را در سطح شهر جابجا می‌نمودند، بین اتوبوسرانان و صاحبان درشکه‌ها اختلافی نبود، گروهی دوست داشتند سوار درشکه شوند، و جماعتی ترجیح می‌دادند برای رفتن به مقصد خود از اتوبوس استفاده کنند.

از دهه ۱۳۳۵ به بعد رقیب جدیدی برای درشکه‌ها پیدا شد، و آن ظهور تاکسی در مشهد مقدس بود، تاکسی‌ها که به میدان آمدند مردم به آن روی آوردند و درشکه‌ها را رها کردند، درشکه‌چیه‌ها از این موضوع ناراحت شدند و زبان به اعتراض گشودند و بعد هم اعتصاب کردند و دست از کار کشیدند.

صاحبان درشکه‌ها به مقامات دولتی اعتراض کردند که تاکسی‌ها ما را بیکار کرده‌اند، و مردم سوار درشکه نمی‌شوند و ما درآمدی نداریم تا زندگی کنیم، البته اعتراض درشکه‌داران کاری از پیش نبرد و تاکسی‌ها بر شهر مسلط شدند.

در شبکه‌ها اندک اندک میدان را خالی کردند و به اطراف شهر رفتند و بین محلات خارج شهر به فعالیت پرداختند، تاکسی‌ها بعد از مدتی کوی و برزن‌های حومه شهر را هم از آنها گرفتند، در شبکه اکنون در مشهد فعالیت ندارد، و تعدادی از آنها در کوه سنگی و خواجه ربیع برای تفریح و سرگرمی کودکان کار می‌کنند.

بعد از سالهای ۱۳۴۰ که مشهد مقدس بزرگ شد و رو به توسعه نهاد و محل زندگی مردم با محل کار فاصله‌های زیادی پیدا کرد، نیازمندی مردم به اتوبوس و وسیله نقلیه زیاد گردید، از این جهت مسئولان دولتی در مشهد در فکر توسعه اتوبوسرانی برآمدند.

همانگونه که در بالا تذکر دادیم، اتوبوسهای شهری در مشهد خصوصی بودند، و با گرفتن مقداری پول از مردم در داخل ماشین در مسیرهای معینی حرکت می‌کردند مبدأ و منتهای خطوط هم فلکه حرم مطهر بود، ولی از سال ۱۳۴۴ دولت اتوبوسرانی مشهد را در اختیار گرفت.

بر اساس نوشته‌ای که اداره راهنمایی و رانندگی مشهد مقدس در اختیار این جانب گذاشته، در تیر ماه ۱۳۴۴ شهرداری مشهد شرکت واحد اتوبوسرانی مشهد را تأسیس کرد و با دوازده دستگاه اتوبوس کار خود را آغاز نمود و اقدام به نقل و انتقال مسافران و ساکنان مشهد کرد.

در سال ۱۳۵۴ شرکت واحد اتوبوسرانی به سازمان اتوبوسرانی شهر مشهد و حومه تغییر یافت و به مالکیت دولت در آمد و یک سازمان غیر انتفاعی بود که برای انجام خدمات حمل و نقل شهری تأسیس شده است، و بر طبق ماده ۸۴ قانون شهرداریها وابسته به شهرداری و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی می‌باشد.

اکنون سازمان اتوبوسرانی مشهد در تمام محلات و شهرکهای پر جمعیت مشهد خط اتوبوسرانی تأسیس کرده و به نقل و انتقال ساکنان مشهد بزرگ می‌پردازد، و خطوط متعددی هم برای نقاط بیلاقی و قراء و قصبات حومه مشهد دایر کرده که

مسافران و زائران و ساکنان آن مناطق از آنها استفاده می‌کنند و آن خطوط عبارتند از:

- ۱- خط مشهد تا دهکده میامی
- ۲- خط مشهد تا جیم‌آباد
- ۳- خط مشهد تا دهکده کارده
- ۴- خط مشهد تا دهکده زشک
- ۵- خط مشهد تا قصبه طرqbه و نقندر
- ۶- خط مشهد تا طوس آرامگاه فردوسی
- ۷- خط مشهد تا برزش آباد
- ۸- خط مشهد تا کارخانه سیمان
- ۹- خط مشهد تا نوخد
- ۱۰- خط مشهد تا ارداک

مهمانخانه‌ها و مسافرخانه‌های مشهد

مهمانخانه‌ها و مسافرخانه‌های مشهد

مشهد مقدس رضوی از روزیکه تبدیل به یک مرکز زیارتی شد و زائران از اطراف و اکناف بطرف آن قبر مطهر روی آوردند، نیازمند محلی برای سکونت و استراحت شدند، زائران و مسافران پس از انجام مراسم زیارت و عبادت به جایی احتیاج دارند که در آن اندکی آرام گیرند و غذا و طعامی بخورند.

استراحت در یک مکان و صرف غذا از نیازهای اولیه هر مسافر و زائر می‌باشد بنابراین نخستین بنا در جوار بارگاه ملکوتی امام هشتم علیه السلام زوارخانه و مسافرخانه بود که زائران پس از زیارت در آنجا سکونت نمایند و غذائی بخورند و آبی بنوشند.

البته پیداست هر چه زائر زیادتر می‌شده نیاز به جا و مکان هم بیشتر می‌گردیده، پس از گذشت زمانی، مسافرخانه‌ها و رباطهایی در مشهد مقدس ساخته شد و در اختیار زائران قرار گرفت، امیران و حاکمان خراسان و رجال و شخصیت‌های شیعه

ده‌ها رباط و کاروانسرا در مشهد برای زائران بنا کردند.

در قرون مختلف حسینی‌ها، تکیه‌ها و اماکن زیارتی متعددی بنا گردید و وقف بر زائران گردید و نوعاً زائران کم درآمد و مستضعف در اینگونه اماکن ساکن می‌شدند، ولی طبقات مرفه و مالدار قطعا در مسافرخانه‌ها و مهمانخانه‌های مجلل و باشکوه اقامت می‌نمودند.

اکنون هم در مشهد مقدس ده‌ها حسینی و تکیه و اماکن دیگری به نامهای فاطمیه و زینبیه از طرف علاقمندان و اهل خیر از شهرستانها در مشهد ساخته شده و در اختیار زائران قرار می‌دهند تا در ایام زیارت در آن اماکن سکونت نمایند. از طرف دیگر مهمانخانه‌های بزرگ پنج ستاره و چهار ستاره با همه وسائل و امکانات ساخته شده و در اختیار زائران متمکن و ثروتمند قرار دارد و هر کس در هر سطحی که باشد می‌تواند برای خود جای مناسبی برای اقامت پیدا کند.

در مشهد مقدس صدها مسافرخانه و مهمان‌پذیر و منازل شخصی برای اقامت زائران وجود دارد، و هر کس به اندازه وسع و امکان خود می‌تواند در آن اماکن منزل نماید، بطور کلی در مشهد جای اقامت برای هر کس و در هر مقام و مرتبه‌ای که باشد وجود دارد.

در سالهای اخیر که بر تعداد زائران در ایام تابستان افزوده شده از طرف مسئولان آستان قدس و مقامات استان و شهرداری مشهد چادرهایی در فضاهای باز شهر نصب گردیده که زائران در آن چادرها استراحت می‌کنند و از آب لوله‌کشی و دستشویی‌های بهداشتی و سایر خدمات بهره‌مند می‌گردند.

همانگونه که تذکر داده شد در سالهای اخیر مهمانسراهای بزرگ و مجللی با اطاقهای زیاد در مشهد بنا گردیده که از هر جهت مجهز می‌باشند و ما اکنون در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم، غیر از مهمانسراهاییکه اینک مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند تعدادی هم در حال ساختمان می‌باشند.

- | | |
|--|---------------------------------|
| ۱- مهمانسرای هما متعلق به شرکت هواپیمائی ممتاز | ۲۱- مهمانسرای رضا ۲ ستاره |
| ۲- مهمانسرای اترک ۴ ستاره | ۲۲- مهمانسرای مدائن ۲ ستاره |
| ۳- مهمانسرای آسیا ۳ ستاره | ۲۳- مهمانسرای آذربایجان ۱ ستاره |
| ۴- مهمانسرای ایران ۳ ستاره | ۲۴- مهمانسرای استقلال ۱ ستاره |
| ۵- مهمانسرای طوس ۳ ستاره | ۲۵- مهمانسرای پارس ۱ ستاره |
| ۶- مهمانسرای تهران ۳ ستاره | ۲۶- مهمانسرای پامچال ۱ ستاره |
| ۷- مهمانسرای جم ۳ ستاره | ۲۷- مهمانسرای جواد ۱ ستاره |
| ۸- مهمانسرای صدر ۳ ستاره | ۲۸- مهمانسرای حکمت ۱ ستاره |
| ۹- مهمانسرای رز ۳ ستاره | ۲۹- مهمانسرای خاور ۱ ستاره |
| ۱۰- مهمانسرای آزادی ۲ ستاره | ۳۰- مهمانسرای خراسان ۱ ستاره |
| ۱۱- مهمانسرای ارم ۲ ستاره | ۳۱- مهمانسرای خورشید ۱ ستاره |
| ۱۲- مهمانسرای اطلس ۲ ستاره | ۳۲- مهمانسرای سپید ۱ ستاره |
| ۱۳- مهمانسرای امیر ۲ ستاره | ۳۳- مهمانسرای سعدی ۱ ستاره |
| ۱۴- مهمانسرای بستان ۲ ستاره | ۳۴- مهمانسرای سینا ۱ ستاره |
| ۱۵- مهمانسرای جواهری ۲ ستاره | ۳۵- مهمانسرای صدف ۱ ستاره |
| ۱۶- مهمانسرای حافظ ۲ ستاره | ۳۶- مهمانسرای طوس ۱ ستاره |
| ۱۷- مهمانسرای خیام ۲ ستاره | ۳۷- مهمانسرای عراقی ۱ ستاره |
| ۱۸- مهمانسرای پارک ۲ ستاره | ۳۸- مهمانسرای قصر ۱ ستاره |
| ۱۹- مهمانسرای جهان ۲ ستاره | ۳۹- مهمانسرای ناهید ۱ ستاره |
| ۲۰- مهمانسرای رازی ۲ ستاره | ۴۰- مهمانسرای نیکو ۱ ستاره |

باغها و بوستانهای مشهد

باغها و بوستانهای مشهد

در مشهد مقدس و اطراف آن از زمانهای گذشته باغها، گردشگاهها و اماکن تفریحی و سیر و سیاحت برای ساکنان و زائران بارگاه امام رضا علیه السلام تأسیس شده و مردم اوقات فراغت خود را در آنجاها می‌گذرانند و زائران هم در آن باغها گردش نموده و استراحت می‌کردند.

تعدادی از این باغها اختصاصی بود و به امیران و حاکمان و طبقات و نقباء تعلق داشت، و چند باغ هم در اختیار ساکنان مشهد و زائران بود که برای گردش به آنجا می‌رفتند، باغهای تاریخی اکنون وجود ندارند و تبدیل به منازل مسکونی و یا مراکز تجارتي شده‌اند.

بعضی از باغها تبدیل به بیمارستان و مدرسه شده‌اند، و یا ادارات و سازمانهای

دولتی در آنها استقرار پیدا کرده‌اند و اکنون حالت باغ ندارند ما اکنون در این فصل نخست از باغهای تاریخی مشهد که اکنون وجود ندارند یاد می‌کنیم و بعد درباره بوستانهای این شهر مطالبی به نظر خوانندگان می‌رسانیم.

۱- باغ آصف‌الدوله

اللهیارخان آصف‌الدوله صدر اعظم محمدشاه قاجار و دایی او بود، آصف‌الدوله به عنوان حاکم خراسان وارد مشهد شد و در عمارتی در چهارباغ مشهد سکونت کرد، چهارباغ در آن زمان محل سکونت والیان و حاکمان مشهد مقدس بود و از محلات معتبر شهر بشمار می‌رفت.

او در این محل کاریزی جاری ساخت و باغ را توسعه داد و رونق بخشید، این باغ که یکی از باغهای تاریخی مشهد بود و از عهد تیموریان و صفویان به یادگار مانده بود به خاطر اقامت آصف‌الدوله در آنجا بنام او معروف گردید، و با همین نام در تاریخ ماند.

این باغ در قسمت جنوبی خیابان قرار داشت و تا نزدیک بست بالا ادامه پیدا می‌کرد، در اوایل قرن حاضر در این باغ ساختمانی بنا گردید و دفتر آستان قدس که در جوار حرم مطهر بود به این باغ منتقل گردید و مقر نائب‌التولیه‌ها شد و از این جهت این بنا را دارالتولیه می‌گفتند، و اکنون دفتر قائم مقام آستان قدس در آنجا می‌باشد.

در زمان رضا شاه از بالا خیابان، خیابانی بنام شاهرضا بطرف جنوب کشیده شد، این خیابان از وسط باغ آصف‌الدوله گذشت و آن را بدو نیم کرد، نیمه غربی که ساختمان دارالتولیه در آن قرار داشت بصورت اداره مرکزی آستان قدس در آمد و نیمه شرقی آن بصورت یک باغ باقی ماند.

بعد از انقلاب اسلامی آستان قدس رضوی آن قسمت از باغ باقی مانده آصف‌الدوله را تبدیل به یک مرکز تجاری نمود، و اکنون در آنجا یک بناء بزرگ بنام

بازار مرکزی بنا گردیده و شامل سه طبقه می‌باشد، این بنا اینک از مراکز فعال تجارته در مشهد به حساب می‌آید.

مرحوم مؤتمن در نامه آستان قدس آورده‌اند باغ معروف به باغ آصف‌الدوله واقع در بالا خیابان از مستقالات آستانه مقدسه در اراضی موقوفه نظام الملکی بوده و سابقاً وسعت بیشتری داشته است، و مرحوم مولوی در موقوفات آستان قدس گوید: باغ آصف‌الدوله موقوفه اولادی نظام الملک تونی بوده است.

۲- باغ آقامیر

این باغ در غرب مشهد مقدس نزدیک دروازه سراب بوده و محل واقعی آن اکنون روشن نیست، در یک وقف‌نامه‌ای که در سال ۱۱۱۸ تنظیم گردیده از این باغ نام برده شده است وقف‌نامه هم مربوط به یک قطعه زمین بوده که توسط رجبعلی بک و عباسقلی بک شاطر نادرشاه وقف آستانه رضویه شده بود.

۳- باغ اسلامیة

این باغ در طابران طوس بوده و اکنون جای آن که در کجای این شهر تاریخی بوده معلوم نیست.

۴- باغ امام رضا علیه السلام

این باغ در شمال مشهد مقدس قرار دارد، و در حدود سی و چند سال از ایجاد آن می‌گذرد، باغ امام رضا علیه السلام مجموعاً دویست هکتار است، در این باغ درختان میوه غرس شده و درختان دیگری هم مانند چنار که جنبه تزئینی دارند کاشته شده‌اند، و یکی از باغهای زیبا و خرم می‌باشد.

۵- باغ امیر ارغون

در تاریخ جهانگشای جوینی در باب حرکت هلاکو بطرف بلاد غربی از باغی بنام باغ امیر ارغون نام می‌برد و گوید: از آنجا کامیاب و کامران با بندگی شاه جهان آمدند و عزم طوس کردند در ربیع‌الآخر در مجمع‌الفقراء طوس بر در باغی که امیر ارغون بنا نهاده است خیمه نسج زدند و مجمع‌الفقراء مجمع‌الامراء گشت. این باغ معلوم نیست در کجای طوس بوده است و مصحح تاریخ جهانگشا نیز در پاورقی به آن اشاره نکرده است، و مجمع‌الفقراء هم بصورت محرف در نسخه آمده و مصحح نیز همانگونه که در نسخه‌ها آمده آورده است، و ظاهراً باید همان مجمع درست باشد بقرینه مجمع‌الامراء.

۶- باغ بابا اسماعیل

مرحوم عبدالحمید مولوی در موقوفات آستان قدس آورده که باغ بابا اسماعیل از موقوفات قدیمی آستان قدس بود، و در آخر محله سرشور مشهد نزدیک دروازه فردوس قرار داشت و این دروازه در سی چهل سال پیش حدود سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵، ساخته شده بود.

مرحوم محمدولی خان اسدی نیابت تولیت آستان قدس رضوی باغ مذکور را به قطعات کوچک قسمت کرد و برای ساختن منزل با سند رسمی اجاره داد و حق الارض آن را آستان قدس رضوی از مستاجران زمین دریافت می‌کند.

۷- باغ بلدر

این باغ در پانزده کیلو متری جنوب غربی مشهد مقدس قرار دارد و یکی از باغهای معروف آستان قدس می‌باشد، این باغ در حدود پنجاه سال قبل ایجاد شده و بعد از آن توسعه پیدا کرده است، در این باغ آثاری هست که قدمت آن را به دویست

سال پیش می‌رساند و از موقوفات قدیم آستانه می‌باشد.

مساحت این باغ در حدود چهل و هشت هکتار بوده و درختان میوه تابستانی و زمستانی در آن وجود دارد، و درختان تزئینی از قبیل تبریزی و چنار در آنجا کاشته شده‌اند، و یک رشته قنات هم این باغ را آبیاری می‌کند و جایی بسیار با صفا و دل‌انگیز می‌باشد.

۸- باغ حسین در طوس

رشیدالدین فضل‌الله وزیر معروف در تاریخ غازانی از جایی بنام باغ حسین در طوس نام می‌برد، و گوید: هنگامیکه آباقا خان در مرغزار رادکان بود ارغون به اتفاق غازان خان در آنجا به حضور آباقا خان رسیدند، آقا با خان از رادکان بطرف جام و هرات حرکت کرد و ارغون را بسوی غور و غرجه روانه ساخت.

غازان عرضه داشت که اگر فرمان شود بروم و پدر را کاسه دارم، آباقا خان پسندیده داشت و او را یک خیک شراب خاص فرمود تا بر عقب ارغون برفت و در باغ حسین زیر طوس او را کاسه گرفت و وداع کرده باز گردید و آباقا خان سالبوق خاتون را با جانب دماوند می‌گردانید و غازان را نیز با وی باز گردانید.

۹- باغ خانلغ

این باغ هم در شهر طوس - طابران - بوده است، فضل بن روزبهان خنجی در کتاب مهمان‌نامه بخارا گوید: پس از اینکه در سال ۹۱۰ به زیارت مشهد رضوی علی ساکنه السلام فائز گشتم و به عزم زیارت مزارات طوس از مشهد بیرون آمدم به قبه امام غزالی در آمدم، بواسطه صورت ویرانی که آن قبه داشت....

فضل بن روزبهان بعد از اینکه مقبره غزالی را تمیز می‌کند و کثافتهای پرندگان را از آنجا به دور می‌اندازد و محیط را پاک می‌نماید، گوید: بعد از اینکه مقبره را رفت و

روب کردم محمد خان شیبانی آنجا آمد و در درگاه روی صفه‌ای نشست، فضل بن روزبهان در اینجا اشعاری دارد و به اوضاع و احوال طوس که از آن به یادگار خانی تعبیر کرده گوید:

عزم خان یادگار خانی ساخت	وین عمارت پی نشانی ساخت
تا ز رفیع اساس عالی قصر	یارگاری بماند اندر عصر
ای که داری هوای مصری نو	جانب یادگار خانی رو
ساعتی در اساس سورش بین	محفل عشرت و سرورش بین
گنکرش را گشاده بین دندان	بر حصار فلک شده خندان
چار بازار دلپذیرش بین	وضع اسواق بی نظیرش بین
بگذر سوی باب فیروزه	بسنگر آب و تاب فیروزه
باغ خانلغ گرت شود معبر	صورت باغ خلد را بنگر

فضل بن روزبهان که به خاطر عداوت با شیعیان و دشمنی با دولت صفویه به نزد شیبانی‌ها رفته بود و آنها را وادار کرد تا به خراسان و مشهد مقدس حمله کنند، محمد خان شیبانی به مشهد حمله کرد و این شهر را تصرف نمود، و بعد برای احیاء شهر ویران شده طابران به آنجا رفت.

او دستور داد در آنجا بازارها و ساختمانهای بنا کنند، و باغها و خانه‌ها بسازند تا مخالفان شیعه بار دیگر در آنجا اجتماع کنند، و مقبره‌های متروکه را از نو احیاء نمایند و مردم را برای زیارت قبور عرفاء و صوفیه به آنجا بکشانند و در مقابل مشهد رضا علیه السلام به مقابله برخیزند.

فضل بن روزبهان شهر طوس - طابران - را یادگار خانی نام گذاشت و در اشعار خود از این عنوان یاد کرد و بسیار کوشش نمود تا حکومت شیعیان را در آنجا تثبیت کند و دولت شیعیان را براندازد و مردمان مشهد را در سختی و ناراحتی در آورد ولی در کار خود موفق نشد و شیعیان از مشهد و طوس اخراج شدند و طابران همچنان مغرویه

ماند و مشهد روز به روز وسعت پیدا کرد.

۱۰- باغ رضوان

در مشهد مقدس رضوی مقبره‌ای بود که آن را باغ رضوان می‌گفتند، و در پاره‌ای از کتابها و اسناد وقفی زمان صفویه اینجا را قبرستان غسلگاه و در بعضی از کتب هم قلتگاه آمده است، باغ رضوان یکی از مقابر قدیم مشهد بوده است و مرحوم طبرسی صاحب مجمع البیان در قرن ششم هجری در آنجا به خاک سپرده شده و مزار او هم اکنون در آنجا می‌باشد.

در اینجا قبر دیگری هم بنام فخرالدین هست که اخیراً نوسازی شده است، این قبر هم نشانی از این مقبره کهن می‌باشد، باغ رضوان تاکنون دو بار تخریب گردیده یکبار در هنگام کشیدن فلکه اول در زمان رضاشاه ویران گردید و یکبار هم در تخریب سال ۱۳۵۴ بکلی ویران شد و اکنون جزء فلکه آستان قدس می‌باشد.

۱۱- باغ سالار

این باغ همان باغ آصف‌الدوله است که قبلاً گذشت، و سالار پسر آصف‌الدوله بود که در مشهد بر ضد ناصرالدین شاه قیام کرد، و اموال آستان قدس را تصرف نمود، و بعد سلطان مراد میرزا حسام السلطنه به مشهد آمد و او را گرفت و فتنه‌اش را خاموش نمود ما در این کتاب از قیام او در مشهد بحث می‌کنیم.

مرحوم نوروز علی بسطامی در فردوس التواریخ گوید: باغ سالار و الله یار خان آصف‌الدوله را عضدالملک اعلی الله مقامه از مال آصف‌الدوله که در فترت اغتشاش مشهد مقدس محمد حسن خان که نمک به حرامی نمود و مبالغهای خطیر از طلا و جواهر و انبارهای آستانه متبرکه که به یغما و غارت برده بود.

به عنوان تقاص در تولیت خود تصرف کرد و بعد به مرور امضاء این تصرف را

نیز از وراث مرحوم آصف الدوله که مرحوم حاج محمدقلی خان ایشک آقاسی دولت علیه بود گرفت، مرحوم مبرور میرزا سعید خان از مال آستانه مقدسه بنای عمارت عالیه و حوضخانه و خلوت و اندرونی و بیرونی در آن نهاد.

اکنون آن باغ و عمارات تماشاگاه مردم زائر و مجاوران شده سالی قریب چهار صد تومان مداخل آنها عاید می‌شود، مرحوم مولوی هم در کتاب موقوفات گوید: مقداری از این باغ به صورت کاروانسرائی در بالا خیابان بنا گردید و به سرای سالار معروف شد.

۱۲- باغ عنبر

باغ مزبور یکی از باغهای بزرگ مشهد مقدس بود و تا اوائل قرن حاضر هم وجود داشت این باغ از طرف شمال به بالا خیابان و میدان شهداء امروز و از طرف جنوب تا ارک مشهد امتداد داشته است، در زمان رضاشاه میدانی در بالا خیابان تأسیس گردید، میدانی که اکنون آن را میدان شهداء می‌گویند.

از این میدان خیابانی بطرف ارک کشیده شد که اکنون بنام خیابان امام خمینی معروف می‌باشد، این خیابان از وسط باغ عنبر گذشت و این باغ را دو قسمت کرد، در قسمت شرقی آن در زمان تولیت محمدولی خان اسدی دبیرستان شاه رضا ساخته شد. بعد از مدتی در همین محل کنار دبیرستان ساختمان آموزش و پرورش خراسان و کتابخانه فرهنگ خراسان بنیاد نهاده شد، این سه بناء مهم یعنی دبیرستان شاه رضا و کتابخانه فرهنگ خراسان که اکنون بنام دبیرستان دکتر شریعتی معروف می‌باشند در زمین باغ عنبر ساخته شده‌اند.

قسمت غربی باغ عنبر هم از طرف آستان قدس رضوی به مردم اجاره داده شد تا در آنجا منزل مسکونی بسازند، بنابراین خیابانی که از طرف میدان شهداء به خیابان ارک متصل می‌باشد تا حدود دروازه سراب باغ عنبر بوده است.

باغ عنبر باغی بزرگ و مشجر بوده و در داخل شهر مشهد مقدس یعنی داخل باروی شهر قرار داشته است، و کاریز سناباد آن را آبیاری می کرده است، مرحوم عبدالحمید مولوی در کتاب موقوفات آستان قدس گوید: حاج محمد علی فاضل را که یکی از علماء و فضلاء مشهد بود در این باغ با آب سناد غسل دادند و من هم در آنجا حاضر بودم.

دبیرستان شاهرضا متعلق به آستان قدس بود و از در آمد آستانه اداره می شد، ولی بعد از اعدام اسدی اختیار آستان قدس در دست پاکروان قرار گرفت، و او دبیرستان را به دولت فروخت، از باغ عنبر که یکی از باغهای تاریخی بود اکنون تنها کوچه ای بنام باغ عنبر در بالا خیابان نزدیک میدان شهداء موجود می باشد.

۱۳- باغ مصلی

باغ مزبور هم یکی از باغهای مشهد مقدس بوده و جای این باغ ظاهراً در محلی بوده که اکنون بنام مصلی در شرق مشهد بیرون دروازه پائین خیابان قرار دارد، براساس نوشته ادیب هروی در کتاب حدیقه الرضویه محمد تقی میرزا والی خراسان در این باغ خلعت پوشی کردند.

ادیب هروی گوید: در سال ۱۳۱۵ قمری آصف الدوله معزول شد و شاهزاده محمد تقی میرزا برادر ناصرالدین شاه به ایالت خراسان منصوب می شود، روز خلعت پوشی والی در باغ مصلی یوسفخان هراتی با لباس افغانی برای عرض تبریک به چادر ایالت وارد می گردد.

۱۴- باغ ملک آباد

این باغ بزرگ در شهر مقدس مشهد قرار دارد، و یکی از باغهای مشهور آستان قدس رضوی می باشد، باغ نامبرده همانگونه که در عنوان آن آمده به باغ ملک معروف

است و معلوم نیست که مقصود از ملک سلطان و یا شاهی بوده و یا اینکه ملک نام شخصی بوده است.

باغ ملک آباد در حدود سیصد هکتار مساحت دارد و دارای درختان میوه و غیر میوه می باشد، در این باغ بزرگ ده دستگاه گلخانه جهت تولید گل و گیاه وجود دارد و منابع آب آن از سه رشته قنات و سه حلقه چاه عمیق تأمین می گردد و در باغ ملک آباد سالی صدها تن میوه تولید می شود.

باغ ملک آباد در طول سالیان دراز مقر نائب التولیه ها بود، و باغی محصور برای اقامت کارگذاران درجه اول آستان قدس، محمد رضاشاه در اواخر حکومت خود در آنجا کاخی ساخت و هنگام سفر به مشهد در آنجا اقامت می کرد، و به گفته مرحوم سید جلال الدین تهرانی نائب التولیه آستان قدس رضوی بزرگترین باغ در خاورمیانه می باشد.

۱۵- باغ منبع

این باغ از موقوفات مسجد جامع گوهرشاد بوده و اکنون هم وجود دارد، و اداره اوقاف خراسان در آنجا قرار دارد، و در محله سعدآباد مشهد می باشد، این باغ را از این جهت باغ منبع می گفتند که نخستین منبع برای لوله کشی آب به مسجد جامع گوهرشاد از آنجا کشیده شده بود.

ما در فصل منابع آب مشهد تذکر دادیم که در زمان حکومت نیرالدوله برای اولین بار مسجد جامع گوهرشاد داری آب لوله کشی شد، و آب آن از منبعی که در باغ سعدآباد موقوفه مسجد بنا گردیده بود تأمین می شد و ماجریان این لوله کشی را در آنجا بیان کرده ایم.

بوستانهای مشهد

۱۶- باغ منصوریه

این باغ یکی از باغهای طوس بوده، در تاریخ جهانگشای جوینی از این محل در جایی بنام باغ منصوریه نام برده شده و در جایی دیگر بنام عمارت منصوریه، از کتاب جهانگشا معلوم می‌گردد که در طوس باغی بوده و در میان آن عمارتی که ملوک و سلاطین و امیران و حاکمان در آنجا منزل می‌کرده‌اند.

محل این باغ و عمارت معلوم نیست در کجای طوس بوده و ظاهر چنین است که در طابران بوده است، و باغ و عمارت قبل از آمدن مغولان به خراسان و طوس معمور بوده است، امیر ارغون که یکی از امیران مغول بوده هنگام ورود به ناحیه طوس در اینجا منزل کرده است.

هنگام رسیدن امیر ارغون به طوس این باغ نیمه خراب بوده، بر حسب امرا و باغ و عمارت را از نو تعمیر کرده و آماده برای سکونت امیر می‌نمایند، خواجه عطاملک گوید: و از آنجا به طوس روان شد و به عمارت منصوریه و قصور آن که اندراس کلی پذیرفته بود و اثر عمارت از مدتهای مدید باز از صحن آن رفته شده اشارت راند.

در جای دیگری در جهانگشا درباره هلاکو و ورود او به طوس گوید: روزی چند در آن-مقام جشن و سرور بود و وفور مسرات و شادمانی در صحن سینها محصور عزم رحلت فرمود و بر سبیل استحمام به باغ منصوریه که بعد از اندراس و انطماس امیر ارغون عمارت فرموده بود و چنان شده که از غایت نزهت غیرت جان دنیا آمده و انوری راست در حق آن بقعه.

خه خدای صورت منصوریه باغی و سرای یا بهشتی که بدنیات فرستاد خدای
آن روز خوانین امیر ارغون و صاحب عزالدین طاهر ترغو داشتند و جشن کردند، روز دیگر را کوچ کردند و در مرغزار رادگان نیز یک چندی اقامت نمود و از تمام ولایات دور نزدیک از مرو، بازر، و دهستان شراب چون آب می‌کشیدند و

علوفات بی حساب نقل می کردند و از آنجا کوچ بود تا به خوبوشان رسیدند. از شعر انوری معلوم می گردد که در زمان او باغ و عمارت منصوریه بسیار آباد و سرسبز و خرم بوده است و به صورت کاخی مجلل و باشکوه و بهشت مانند که در بیت انوری به آن اشاره شده است، علت نام گذاری آن به منصوریه هم معلوم نگردید و جای آن هم بدرستی روشن نیست.

نگارنده گوید:

باغهایی که بنظر خوانندگان رسید از باغهای تاریخی ناحیه طوس و مشهد مقدس بودند، اکثر آنها اکنون از بین رفته اند، در سالهای اخیر شهرداری مشهد بوستان و گردشگاههایی در مشهد مقدس تأسیس کرده که اکنون مورد استفاده زائران و ساکنان مشهد می باشند و در اصطلاح آنها را پارک گویند:

۱- باغ ملی، این بوستان در وسط شهر مقدس مشهد و در حاشیه غربی خیابان ارگ قرار دارد، و این نخستین باغی بود که در مشهد توسط شهرداری بنا گردید زمین آن متعلق به مرحوم حاج حسین ملک بود که به شهرداری و مردم مشهد واگذار گردید و بصورت یک گردشگاه در اختیار مردم قرار گرفت.

۲- بوستان ملت در غرب مشهد مقدس و در کنار بلوار وکیل آباد قرار دارد، بوستانی بزرگ و مشجر، دارای خیابانهای بزرگ و کوچک و میدانها در وسط باغ و محلهایی برای استراحت زائران و مسافران و ساکنان مشهد، این باغ وسیع و سرسبز و خرم اکنون یکی از جاهای دیدنی مشهد می باشد، و در فصل تابستان و گرما مورد استفاده می باشد.

۳- باغ و بوستان گلستان، این باغ در نزدیک وکیل آباد و در دامنه کوه در غرب مشهد قرار دارد، در این بوستان وسائل تفریح و بازی برای کودکان تهیه شده و یکی از مراکز دیدنی مشهد و محل بازی کودکان می باشد، و در ایام تعطیل و تابستانها در آنجا ازدحام می شود و کودکان برای بازی در نوبت قرار می گیرند.

۴- باغ مقبره فردوسی، این باغ بسیار وسیع و مجلل ساخته شده و آرامگاه فردوسی علیه‌الرحمه در وسط باغ قرار دارد، زائران و مسافرانی که برای دیدن آرامگاه می‌روند از این فضای بزرگ و زیبا استفاده می‌کنند، در این باغ کتابخانه و موزه‌ای هم تأسیس شده که مردم با ذوق از آن دین می‌نمایند.

۵- باغ نادرشاه، این باغ در وسط شهر مشهد مقدس قرار دارد، و تا حرم مطهر فاصله زیادی ندارد، مقبره نادرشاه افشار در وسط باغ قرار دارد، و عمارتی سنگی با سبکی خاص بر روی قبر بنا گردیده و مجسمه‌ای هم از نادر در حالیکه سوار بر اسب می‌باشد در آنجا نصب گردیده و کتابخانه‌ای هم در کنار مقبره تأسیس شده است.

۶- بوستان وحدت، این بوستان در شرق مشهد قرار دارد، محل این بوستان در گذشته نه چندان دور قبرستان بود، این گورستان تبدیل به یک باغ و بوستان گردید و اکنون یکی از گردشگاههای مشهد مقدس می‌باشد، و زائران و ساکنان مشهد از آن استفاده می‌کنند.

۷- بوستان کوی طلاب، این باغ بزرگ چند سال قبل بنا گردیده و در انتهای خیابان سی متری طلاب در میان کوره‌های قدیم بنا گردیده و مردم آن را پارک کوره هم می‌گویند، مردم منطقه از این بوستان استفاده می‌کنند و وسائل بازی کودکان هم در آنجا نصب شده است.

۸- باغ کوه سنگی، کوه سنگی یکی از گردشگاههای قدیم اهالی مشهد و زائران بارگاه ملکوتی امام رضا علیه‌السلام بوده است و مردم در طول تاریخ از آنجا استفاده می‌کرده‌اند، در کوه سنگی یک استخر بزرگ ساخته شده و آب آنهم از قناتهای متعددی تأمین می‌گردد.

در استخر کوه سنگی قایق‌هایی هم به آب افکنده‌اند و مسافران و ساکنان مشهد از آنها استفاده می‌کنند و در استخر بگردش و سیاحت می‌پردازند، بطور کلی باغ کوه سنگی و متعلقات آن مورد توجه و عنایت مردم بوده و یکی از مراکز پررفت و آمد در

مشهد مقدس می باشد.

غیر از این باغها و بوستانها که ذکر شدند، تعدادی پارکهای دیگر هم در مشهد در محلات و کوی و برزنها و شهرک ها ساخته شده که ذکر همه آنها در اینجا لزومی ندارد، در نشریه ای که از طرف شهرداری مشهد چاپ شده به فضای سبز و تعدادی بوستان های محلی اشاره شده و در آن آمده است.

در شهر مشهد توسعه و حفظ فضای سبز به عنوان یک واقعیت اجتناب ناپذیر در برنامه کار شهرداری قرار داشته و همه ساله اعتبارات قابل توجهی در این زمینه جذب می شود، نگرشی بر روند افزایش تعداد پارکها، غرس نهال و بازسازی میادین محورهای عمده این حرکت مثبت را نشان می دهد.

در حال حاضر با بیش از هفتصد هکتار فضای سبز از نظر استانداردهای موجود در سطح مناسبی قرار دارد، اما افزایش روز افزون جمعیت و معضلی به نام کمبود آب در این شهر دو میلیون نفری نگران کننده است برای مقابله با بحران شهرداری گرایش به سمت شناسائی اراضی و استفاده از چاهها را در دستور کار خود قرار داده است.

با تلاش سرپرست و کارکنان سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری محوطه پارکهای ملت، وحدت، کوهسنگی، آب و برق، نهم دی و پارکهای کودک، نیلوفر، امت و رضوان جمعا به مساحت ۶۴ هزار و ۷۵۰ مترمربع توسعه یافته است و تعداد ۷۰ هزار و ۹۸۵، اصله درخت کاشته شده است.

مدیریت پارکها و فضای سبز شهرداری، احداث بوستان صدا و سیما، شهرک فرهنگیان، شهید کلاهدوز، بهزاد، یاسمن، مطهر، طالقانی و رستگار مقدم را آغاز کرده و کار کاشت چمن و درختچه آن را به اتمام رسانیده، در پایان این فصل متذکر می گردد که این آمار چند سال قبل تهیه شده و تعداد پارکها بعد از این افزایش یافته است.

آب انبارها و یخچالهای مشهد مقدس

آب انبارها و یخچالهای مشهد

در زمانهای گذشته آب لوله کشی وجود نداشت تا مردم در خانه ها از آب لوله کشی استفاده کنند، و از آوردن آب به خانه از خارج بی نیاز باشند، در آن زمان در گوشه و کنار شهر و یا بر سر گذرها قنات هایی جاری بود و مردم از این قنات ها آب بر می داشتند و یا ظرف های خود را در آنجا شست و شو می دادند.

در پاره ای از محله ها و یا مراکز پرجمعیت مانند بازارها، و مراکز رفت و آمد زائران و مسافران آب انبارهایی درست می کردند و آب رودخانه و یا قنات ها را در آن جاری می نمودند، و مردم از آن آب های انباره شده استفاده می کردند و نیازهای خود را رفع می نمودند.

درست به خاطر دارم قبل از اینکه مشهد مقدس لوله کشی شود، در اطراف حرم

مطهر چند آب انبار بود، شبها آب خیابان را به آن آب انبارها جاری می‌کردند و زائران و مسافران و ساکنان نزدیک حرم هم از آنها استفاده می‌نمودند، و افرادی مسئول بودند که شب هنگام موقعی که آب خیابان تمیز می‌باشد آب انبارها را پر کنند و این کار در همه شبها انجام می‌گرفت.

آب انبارهای نزدیک حرم تخریب شده و اکنون اثری از آنها نیست، درست به خاطر دارم هنگامیکه در مشهد مقدس تحصیل می‌کردم محل اقامت مدرسه بالا سر حضرت رضا علیه السلام بود، و از سال ۱۳۲۶ تا سال ۱۳۳۱ در سلک طلاب این مدرسه بودم، در مدرسه آبی جز آب چاه وجود نداشت که آن هم قابل شرب نبود.

در آن هنگام درب صحن کهنه آب انبار بزرگی در ضلع شمالی قرار داشت و ما آب خوردن خود را از آن آب انبار تهیه می‌کردیم، آب چاه فقط برای وضوء و لباسشویی مورد استفاده قرار می‌گرفت و در بست پائین خیابان هم یک آب انبار وجود داشت که اغلب زائران و کاسبان محل از آن استفاده می‌کردند.

این آب انبارها اغلب وقفی بودند، مردمان نیکوکار و خیراندیش، آب انبارها را درست می‌کردند و فی سبیل الله در اختیار مردم می‌گذاشتند، از آب انبارهای قدیم هنوز تعدادی وجود دارند ولی دیگر نه آبی دارند و نه رونقی تنها یادگاری از قرون گذشته می‌باشند و جزء آثار باستانی هستند.

از سوی دیگر در اطراف شهر مشهد مقدس یخچالهایی هم برای انبار کردن یخ ساخته بودند، یخچال‌ها حکم سردخانه‌های امروز را داشتند، در آن زمان‌ها برقی نبود و یخچال برقی هم وجود نداشت، در شهرها و قصبات یخچالهایی درست می‌کردند و در تابستانهای گرم از یخ آنها استفاده می‌نمودند.

آنها زمین را حفر می‌کردند و چند متر آن را گود می‌نمودند، و بعد از آن نقب‌هایی در اطراف آن ایجاد می‌کردند، بعد از کندن چاه بالای آن یک گنبد مخروطی شکل می‌ساختند و برای گذاشتن یخ آماده می‌نمودند، یخچال‌داران در زمستان حوض‌هایی

برای گرفتن یخ درست می‌کردند و آب را بر آن حوض‌ها روان می‌ساختند.

در شبهای سرد زمستان آبها در حوضهای بزرگ و کوچک یخ می‌بستند، بعد از اینکه یخها محکم و استوار می‌شدند، آنها را در محلی که قبلا برای آنها درست کرده بودند انبار می‌نمودند، و در فصل تابستان و گرمی هوا از آن یخها مصرف می‌کردند و دل‌های خود را خنک می‌ساختند یخچالهای مشهد عبارت بودند از:

۱- یخچال ال‌ندشت که سالی چهارده تومان اجاره آن بود.

۲- یخچال چاه نود و عدد، چاه نو که اکنون آن را چهنو گویند و یکی از محلات جنوبی مشهد مقدس می‌باشد.

۳- یخچال سمرقند در شمال مشهد مقدس

۴- یخچال کود سلوک در جنوب مشهد

۵- یخچال محراب‌خان واقع در اراضی محراب‌خان که اکنون بنام کوی طلاب معروف می‌باشد.

این یخچالها در کنار شهر مشهد بودند، و در قراء نزدیک مشهد هم یخچالهای زیادی بوده که یخ آنها را در تابستان به شهر می‌آوردند و می‌فروختند، محل فروش در آن وقت مغازه‌های سبزی فروشی بود، یخ سازان یخهای خود را به آنجا حمل می‌کردند و می‌فروختند.

آسیابهای مشهد مقدس

آسیابهای مشهد مقدس

قبل از اینکه آسیابهای ماشینی وارد بازار شود و مردم از آردهای ماشینی برای طبخ نان استفاده کنند، در شهر مقدس مشهد تعدادی طاحونه‌های آبی و سنتی وجود داشت، مردم و نانوائی‌ها آردهای خود را از آن آسیابها تهیه می‌کردند و گندم‌ها را در آنها آرد می‌نمودند.

رودهائی که از طرف کوهستانهای جنوبی و شمالی و غربی مشهد بطرف این شهر سرازیر بود موجب گردید تا مردم از آن رودها استفاده کنند و طاحونه‌هایی بنا نمایند و نیازهای خود را بر طرف سازند، مخصوصاً شهر مشهد که یک محل زیارتی بود و هر لحظه به آرد و نان نیاز داشت.

از قراری که بزرگان و نیاکان ما نقل می‌کردند در مدخل شهر مشهد مقدس

آسیابهای متعددی بود که از آب چشمه کلاس استفاده می‌کردند، و این آب دو آسیاب را بکار می‌انداخت، و به خاطر اینکه آب آن قطع نمی‌شد آسیابها بطور شبانه‌روزی کار می‌کردند، و اینک نام طاحونه‌ها:

- ۱- آسیاب امیر علی شیر که در طرق بوده و از آب بند آن استفاده می‌کرده است
- ۲- آسیاب میر شیخم که از امرای معروف بوده و آسیابی در طرق نزدیک آسیاب امیر علی شیر ساخته بود، این آسیاب هم از نهر طرق کار می‌کرده است.
- ۳- طاحونه خیابان علیا، این آسیاب در بالا خیابان در داخل شهر بود و با آب چشمه کلاس دایر و دوران داشت، آسیاب مزبور باد و دستگاه سنگ در گردش بود، و این آسیا را جعفر قلی میر شکارباشی در سال ۱۱۴۵ عهد صفویه وقف بر مصارف آستان قدس قرار داد و تا سال ۱۳۰۷ خورشیدی کار می‌کرد.
- ۴- طاحونه شاه تقی‌الدین رضوی مشتمل بر دو حجره بزرگ و کوچک در نهر طرق زیر رباط شاهی مصرف حقوق حفاظ دوره مبارکه که صبح و شام یک جزو کلام الله مجید تلاوت نمایند و بروح پرفتوح امام هدیه کنند.
- ۵- طاحونه کبود حمام، این طاحونه در کنار کشف رود بوده است و از خصوصیات آن در مصادر ذکر نشده و یکی از آسیابهای فعال بوده و در یکصد و پنجاه سال قبل مورد استفاده اهالی مشهد قرار داشته است.
- ۶- طاحونه کلوخ، این آسیاب هم یکی از آسیابهای مهم مشهد مقدس بوده و با آب رودخانه طرق کار می‌کرده است.

منابع:

فردوس التواریخ، موقوفات آستان قدس.

گرمابه‌های مشهد

گرمابه‌های مشهد

قبل از اینکه شهر مقدس لوله‌کشی شود و آب بوسیله لوله‌های فلزی به منازل جاری گردد، حمام‌های عمومی در کوی و برزن و بازار و خیابانهای شهر وجود داشتند، و ساکنان مشهد و زائران و مسافران از آنها استفاده می‌کردند و تن خود را در آن گرمابه‌ها شست و شو می‌دادند.

بعد از اینکه لوله‌کشی آب و گاز به منازل رسید، و آبگرم‌کن‌های برقی و گازی پدید آمد مردم در خانه‌ها و منازل دارای حمام شدند و گرمابه‌های شهری هم رونق خود را از دست دادند، و بسیاری از آنها هم تعطیل شدند و صاحبان آنها دنبال مشاغل دیگر رفتند و حمام‌ها هم تبدیل به مغازه و پاساژ شدند.

ما اینک در این فصل از گرمابه‌های تاریخی مشهد که اکنون وجود خارجی

ندارند، و در تخریب های متعددی که در قرن حاضر در مشهد مقدس انجام گرفت ویران گردیدند، برای خوانندگان محترم مطالبی ذکر می کنیم و نام تعدادی از گرما به ها را که در اسناد وقفی آمده است یادداشت می نمائیم.

۱- گرما به بازار آغچه، این حمام زنانه بوده و در جنب صحن قرار داشته و جزء موقوفات آستان قدس بشمار می رفته است، در کتاب موقوفات آستان قدس آمده است که آغچه یکی از همسران سلطان حسین میرزا بایقرا بوده است، او بازارچه و حمامی در مشهد ساخت و وقف آستان قدس کرد، این بازار و گرما به در تخریب سال ۱۳۵۴ ویران گردید.

۲- گرما به جدید، یکی از حمام های مشهد بنام گرما به جدید معروف بوده و در شمال صحن کهنه در یک بازارچه قرار داشت، و در سال ۱۳۵۴ ویران گردید.

۳- گرما به حضرت، این گرما به در شمال صحن کهنه بود، و به علت قرب جوار و منسوب به حضرت رضا علیه السلام و زائران زیادی به این گرما به مراجعه می کردند، و نگارنده هنگام اقامت بیشتر از این گرما به استفاده می کردم، حمام حضرت در سال ۱۳۵۴ در تخریب بزرگ ویران شد و اکنون در جای آن کتابخانه آستان قدس بنا گردیده است.

۴- گرما به سالار، حمام سالار از حمام های زمان قاجاریه بود و در بالا خیابان قرار داشت، حمام سالار وقف روشنائی پائین پای مبارک بود، و در سال ۱۳۵۴ ویران گردید و جزء فضای سبز شد.

۵- گرما به سرسوق، این حمام از این جهت که در اول بازار قرار داشت آن را حمام سرسوق می گفتند و در زبان مردم مشهور به حمام سوسو بود، این حمام قدیمی در زمان صفویه ساخته شده و از حمام های معروف بشمار می رفت. این گرما به در سال ۱۳۵۴ ویران گردید و به فضای سبز تبدیل شد.

۶- گرما به شاهوردی یک، این گرما به هم در زمان شاه سلیمان صفوی توسط شاهوردی خان ساخته شده بود، و درآمد آن را به روشنائی دارالسیادة وقف کرده

بودند، گرمابه و دکاکین شاهوردی بک در هنگام توسعه فلکه آستان قدس ویران گردید.

۷- گرمابه گود حسام‌الدین، این گرمابه در هنگام احداث خیابان تهران در زمان رضاشاه ویران شد و بصورت خیابان درآمد.

۸- گرمابه متولی، این گرمابه در شمال صحن کهنه قرار داشت و از حمام‌های معروف مشهد بشمار می‌رفت و زائران از آن استفاده می‌کردند، این حمام هم در تخریب سال ۱۳۵۴ ویران گردید و کتابخانه آستان قدس در جای آن ساخته شده است.

۹- گرمابه مهدی قلی‌خان معروف به حمام شاه، این گرمابه توسط مهدی قلی‌خان در زمان شاه عباس ساخته شده و در بازار بزرگ مشهد مقدس قرار دارد و اکنون موجود و مورد استفاده می‌باشد.

۱۰- حمام میرزا ابوالحسن، این حمام در محله سراب بود، هنگام احداث خیابان ارک ویران گردید و جزء خیابان شد، مقداری از گرمابه باقی‌ماند که آن را در حاشیه خیابان مغازه کردند و حجره‌هایی هم بالای مغازه‌ها ساختند محل این حمام بین کوچه سراب و خیابان خسروی بود.

۱۱- گرمابه عباسقلی‌خان، این حمام هم از بناهای عهد صفویه و توسط عباسقلی‌خان بانی مدرسه عباسقلی‌خان بنا گردید و در کنار آن مدرسه قرار داشت، این حمام هم در تخریب‌های شهر مشهد از بین رفت.

منابع:

فردوس التواریخ و موقوفات آستان قدس

نفت و گاز در مشهد

نفت و گاز در مشهد

از این که در چه سالی مردم مشهد دسترسی به نفت پیدا کردند اطلاعی در دست نیست ولی از قرائن معلوم است که نفت برای نخستین بار از طریق روسیه به مشهد مقدس آمده باشد، زیرا بعد از قرارداد آخال که در زمان ناصرالدین شاه بسته شد، روسها تا سرخس، کلات، درگز و بجنورد رسیده بودند.

در این زمان محصولات و فراورده‌های روسی آزاد و توسط ساکنان نواحی مرزی وارد شهرهای خراسان و مشهد می‌گردید، علاوه روسها در مشهد کنسولگری و نمایندگی بازرگانی داشتند و برای مصارف خود نیازمند نفت بودند، مردم مشهد از طریق کارمندان و مهاجران مسلمان روسی با نفت و بنزین آشنا شدند.

فراورده‌های نفتی ایران تا سال ۱۳۳۶ شمسی از شاه‌رود توسط نفت‌کش‌ها به

مشهد حمل می‌گردید و در انباری در انتهای خیابان طبرسی که اکنون هم موجود می‌باشد تخلیه می‌شد، و بعد از اینکه در سال مزبور راه آهن مشهد افتتاح شد با قطار به مشهد می‌شدند.

اکنون نفت بوسیله لوله از جنوب به مشهد جریان دارد و انبارهای متعددی در کنار راه مشهد به نیشابور در مجاورت فرودگاه مشهد تأسیس گردیده و فراورده‌های نفتی در آنجا جمع و توزیع می‌گردد و به سراسر خراسان می‌رسد، و وسائل نقلیه موتوری را به حرکت در می‌آورد.

اما گاز مشهد از سرخس تأمین می‌گردد، و مشهد نزدیک‌ترین استان ایران به منبع عظیم گاز سرخس می‌باشد، و از این جهت دارای امتیاز است شرکت ملی گاز ایران منطقه خراسان در سال ۱۳۵۳ جهت انتقال گاز شیرین از منطقه خانگیان سرخس به مشهد مقدس تأسیس شد.

تا پیروزی انقلاب اسلامی مجموعاً ۵۰ کیلومتر شبکه گذاری شد و ده هزار و هشتصد واحد مسکونی از گاز طبیعی برخوردار گردیدند، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت چشمگیری در منطقه آغاز گردید و شهرهای خراسان و تعدادی از روستاها که در کنار خط لوله گاز قرار داشتند گازکشی شدند.

اکنون شهر مقدس مشهد با اینکه بسیار توسعه پیدا کرده و کوی و برزن‌ها و شهرک‌های جدیدی ساخته شده از نعمت گاز بهره‌مند می‌باشد، و مردم مشهد از این نعمت بی‌پایان خدادادی استفاده می‌کنند، و با سهولت به وسائل سوخت دسترسی دارند.

نفت و گاز در مشهد مقدس وسیله‌ای شد که صنعت‌گران و هنرمندان مشهدی ابتکاراتی در صنعت وسائل گازسوز از خود نشان دهند و برای همین جهت سماورهای نفتی و گازی، آبگرمکن‌های برقی و گازی، بخاری‌های نفتی و گازی و ماشین‌های گازی برای نانوائی در مشهد ساخته شد و به بازار آمد.

راههای ارتباطی مشهد

راههای ارتباطی مشهد

مشهد مقدس رضوی از چند طریق کوهستانی و بیابانی به نقاط مختلف کشور و خارج ارتباط دارد، در حال حاضر از طریق هوایی به کشورهای آسیای میانه و شیخ نشین های خلیج فارس و پاکستان و سوریه ارتباط دارد و از طریق راه آهن به ترکمنستان در ارتباط می باشد.

زائران و مسافران می توانند از این کشورها به مشهد مقدس مشرف شوند و بار دیگر به کشورشان برگردند، و از طریق راه آهن هم مشهد مقدس به خط ترکمنستان و از آنجا به جمهوریهای آسیای میانه و ترکستان و چین متصل است و از خط آهن ماورای خزر به روسیه و اروپای شرقی و غربی هم اتصال دارد.

مشهد از طریق تهران هم به کشورهای آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، ترکیه،

عراق، سوریه و اردن متصل می‌باشد و مسافران از این کشورها می‌توانند با راه‌آهن به مشهد بیایند، و از طریق اسلامبول خط راه‌آهن مشهد به کشورهای اروپائی ارتباط دارد.

مسافران می‌توانند از مشهد مقدس سوار قطار شوند و پس از عبور از تهران و مرز ترکیه وارد ایستگاه حیدرپاشا در شرق اسلامبول شوند، و از قطار پیاده شده و پس از عبور از تنگه بسفور وارد غرب اسلامبول گردند و از آنجا با قطارهایی که عازم اروپا هستند به سفر خود ادامه دهند.

مشهد مقدس از طریق سنگبست به تایباد با افغانستان در ارتباط می‌باشد و از آنجا به پاکستان و هند، و شرق آسیا و جنوب آن ارتباط برقرار است، و یک جاده اسفالتی مشهد را به هرات، قندهار، کابل، پیشاور، لاهور، دهلی، کلکته، بنگلادش، برما، تایلند و نپال ارتباط می‌دهد.

مشهد از طریق زمینی به تربت و از آنجا به زاهدان، کویت، پاکستان، کراچی ارتباط دارد، از طریق سرخس به مرو، بخارا، سمرقند، و تاشکند و از آنجا به چین و ترکستان در ارتباط است و از طریق قوچان به باجگیران و از آنجا به عشق‌آباد و خیوه مربوط می‌باشد.

بطور کلی طرق ارتباطی مشهد مقدس اکنون از هر طرف آماده رفت و آمد می‌باشند، راهها همه اسفالت شده و مسافران براحتی می‌توانند از همه شهرها و ولایات ایران و کشورها خود را براحتی به مشهد مقدس برسانند، و از برکات امام هشتم سلام‌الله علیه بهره‌مند گردند.

یلاقات مشهد مقدس

یلاقات مشهد مقدس

مشهد مقدس رضوی به علت موقعیت خاص جغرافیائی در یک منطقه کوهستانی قرار گرفته است، این شهر مقدس از طرف غرب و شمال به سلسله جبال هزار مسجد و بینالود ارتباط دارد، از این رو در دره‌های این دور رشته کوه دهات متعددی قرار گرفته‌اند که از نظر آب و هوا بسیار ممتاز می‌باشند.

کوهپایه‌های مشهد از طرف غرب عبارتند از مایان، ازغد، طرqbه، دهبار، جاغرق، کنگ، زشک، شاندیز، ابرده، گل‌مکان، چشمه سبزپایه، فریزی و اخملد در این آبادیها ده‌ها چشمه و قنات جریان دارند و منظره‌هایی بسیار دل‌انگیز و فرحبخش می‌باشند.

در بخش شمالی مشهد مقدس هم دهات کارده، ارداک، بقمچ، و رادگان و

تعدادی آبادیهای دیگر در درها و کوههای هزار مسجد از مناظر زیبا و خرم هستند و در ایام تابستان و گرمی هوا گروهی برای تفریح و تغییر آب و هوا به این مناطق سفر می‌کنند و از فضاهای آنجا استفاده می‌نمایند.

مشکلی که برای مسافران در این نواحی هست نبودن فضای مناسب برای استراحت و خاکی بودن جاده‌ها می‌باشد، مثلاً جاده گل‌مکان به دهکده پایه و یا جاده چشمه سبز اسفالت نشده است و اگر این راه‌ها مرمت گردند و اسفالت شوند، در فصل تابستان مسافران زیادی از آنجاها دیدن می‌کنند.

چشمه سبز که در جنوب کلمکان در ارتفاعات قرار دارد، یکی از مراکز بسیار دیدنی در مغرب مشهد می‌باشد، اگر مقامات مسئول راه آنجا را تسطیح نمایند و اسفالت کنند و دور چشمه را سنگ‌چین نمایند و آنجا را بصورت مناسبی در آورند مردمان زیادی در فصل گرما به آن مکان جذب خواهند شد.

آبشار اخلمد یکی از جاهای دیدنی در غرب مشهد می‌باشد، از دهکده اخلمد تا آبشار چند کیلومتر راه می‌باشد، جاده کوهستانی و سنگلاخ است و عبور و مرور به کندی و سختی انجام می‌گیرد و ماشینها به آنجا نمی‌روند، از این رو فقط تعدادی از کوهنوردان و علاقمندان به آثار طبیعی از آن دیدن می‌کنند.

دهکده پایه در دامنه‌های بلند بینالود و در غرب گل‌مکان یکی از آبادیهای خوش آب و هواست، جاده‌ایکه به این آبادی منتهی می‌شود از میان درختان و رودخانه عبور می‌کند، و به مسافران و تازه‌واردان حال و هوایی دست می‌دهد اگر راه آن اسفالت گردد یکی از مراکز مهم جذب مسافر خواهد شد.

دره‌ایکه از کارده بطرف هزار مسجد می‌رود چند فرسخ باغ و بوستان و درختان انبوه و مناظر زیبا را در خود جمع کرده است، و تا کریم‌آباد که آخرین آبادی در این ناحیه می‌باشد امتداد دارد، در صورتیکه این دره راه درستی داشته باشد، در هنگام تابستان مورد علاقه مردم قرار خواهد گرفت.

خواربار و مواد غذایی در مشهد

خواربار و مواد غذایی در مشهد

منطقه مشهد مقدس از نظر تولید مواد غذایی در کشور در سطح بالائی قرار دارد، آبهای فراوانی که از دره‌ها و کوهها جاری می‌باشد به کشاورزی این ناحیه رونق بخشیده است مراتع فراوان در کوههای هزار مسجد و بینالود محل پرورش گوسفند و تولید دام است و فراورده‌های لبنی در آنجا فراوان می‌باشد.

جلگه مسطح طوس و زمینهای هموار آماده کشت انواع و اقسام محصولات کشاورزی بوده و هزاران کشاورز و زارع در آن سرزمینها به کارهای کشاورزی و دامداری مشغول می‌باشند، در این جلگه چند کارخانه قند ساخته شده که محصول آن علاوه بر مشهد به شهرهای دیگر هم صادر می‌گردد.

از نظر میوه‌جات مشهد مقدس و حومه آن در ایران در مرتبه نخستین است و از

این جهت کوی سبقت را ربوده است، میوه جات آن علاوه بر اینکه بازارهای مصرف مشهد را اشباع می کند، به سائر شهرها و ولایات و حتی خارج ایران هم صادر می شود. مشهد مقدس سرزمین برکت و خیر بوده و همواره از نظر خواروبار و مواد غذایی مشکلی نداشته است، شهر مشهد اکنون بیش از دو میلیون نفر جمعیت دارد، و سالی در حدود دوازده میلیون نفر زائر و مسافر دارد، ولی هیچگاه کمبودی در آن مشاهده نمی شود و در مغازه ها همه چیز موجود است.

ملیت‌های مختلف در مشهد

ملیت‌های مختلف در مشهد

مشهد مقدس رضوی از نظر اینکه یک شهر زیارتی می‌باشد، از این جهت افرادی از ملیت‌های گوناگون که فقط عقیده‌های دینی و ارتباطات فکری و مذهبی آنها را به هم پیوند می‌دهد در این شهر کنار همدیگر زندگی می‌کنند و هیچ برخوردی هم بین آنها واقع نمی‌شود.

در مشهد مقدس همواره، ترک، کرد، افغان، بلوچ و هزاره که از نژادها و ملیت‌های مختلف می‌باشند با هم آمیزش دارند و در روابط اجتماعی و خانوادگی و انفرادی باهم در ارتباط می‌باشند، در مشهد مقدس تعدادی هم عرب و هندی مجاور شده‌اند و با مردم حشر و نشر دارند.

مشهد مقدس و انقلاب اسلامی

مشهد مقدس و انقلاب اسلامی

شهر مقدس مشهد در طول تاریخ در همه نهضت‌های دینی، مذهبی و ملی پیشگام بوده است، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که مردمان این شهر همواره در راه دفاع از عقیده و ایمان و حفظ اصول و مبانی دینی پیوسته در صف اول مبارزه بوده‌اند. مردم مشهد در برابر حملات خارجی و دشمنان دین و ملت که مکرر این شهر مقدس را مورد حمله و تجاوز قرار می‌دادند مقاومت نمودند، ما بیاری خداوند متعال در مطاوی و فصول این کتاب به آن موارد اشاره می‌کنیم و حقائق و واقعیات تاریخی را بنظر خوانندگان می‌رسانیم.

در تاریخ معاصر هم با دشمنان و مخالفان داخلی که اصول و مبانی مذهبی و استقلال و آزادی کشور را نادیده گرفته و با فرهنگ و آداب و سنن دینی به مبارزه بر

خواسته بودند مقابله کردند، و با قیام و تظاهرات خود از اسلام راستین دفاع نمودند و شهدائی تقدیم اسلام کردند.

داستان مقاومت مردم مشهد، علماء و خطباء و مؤمنان و متدینان در برابر کشف حجاب که توسط رضاشاه به مردم تحمیل شده بود در تاریخ مشهور می‌باشد، و هنوز کسانی که بیش از هفتاد سال دارند آن واقعه را بیاد دارند و از آن کشتار فجیع یاد می‌کنند.

در سال ۱۳۱۴ شمسی کارگزاران و عمال دولتی در مشهد مقدس در کنار روضه مبارکه رضویه به خاطر تجدد و نوگرایی مردم مسلمان مشهد را که با کشف حجاب مخالف بودند به رگبار بستند و گروهی را به خاک و خون کشیدند، و تعدادی از علماء بزرگ و مجتهدان و وعاظ مشهد را دستگیر و تبعید کردند و نام‌ننگی از خود در تاریخ گذاشتند.

بعد از شهریور سال ۱۳۲۰ که مملکت ایران از طرف بیگانگان اشغال گردید و حکومت مرکزی قدرت خود را از دست داد و یا آلت دست اشغالگران قرار گرفت، دولت سوسیالیستی شوروی منطقه خراسان را اشغال کرد و عوامل خود را به قراء و قصبات برای تبلیغ مبانی کمونیستی گسیل داشت.

مدارس جدید و ادارات دولتی و کارخانجات و مراکز کارگری و فرهنگی جولانگاه مبلغان کمونیست شد، طرفداران حزب کمونیست در لباسهای گوناگون و عناوین فریبنده در مدارس و ادارات و کارخانه‌ها رخنه کردند و جوانان را منحرف می‌نمودند.

روشنفکران بی‌مایه که تحت تاثیر تبلیغات دروغین مبلغان و رهبران کمونیست قرار گرفته بودند، در نشریه‌ها، روزنامه‌ها و جزوه‌های گوناگون مقالاتی منتشر می‌کردند و اذهان جوانان و توده‌های مردم را منحرف می‌نمودند و در آن ایام مدارس جدید و کارخانجات مرکز فعالیت کمونیستها بود.

در این هنگام علماء مشهد مقدس و گروهی از معلمان و اساتید مدارس و فرهنگیان و نویسندگان متدین با کمک و مساعدت مردم مسلمان مشهد و کسبه و بازاریان اقدام به تأسیس هیئت‌های مذهبی و تشکیل مجالس علمی و بحث و انتقاد نمودند و با سخنرانیها و چاپ نشریات و نوشتن مقاله‌ها در جرائد و مجلات به مقابله با ملحدان پرداختند.

طلاب علوم دینی و محصلین مدارس جدید در اینگونه مجالس حضور پیدا می‌کردند، اهل منبر و خطابه و معلمان و روشنفکران مذهبی با ایراد سخنرانیها و نشر حقائق دینی مبارزه با معاندان و کج اندیشان را آغاز نمودند، ما انشاء الله در این کتاب از این جریانها مطالبی خواهیم آورد و اطلاعات مفیدی را در اختیار نسل امروز قرار خواهیم داد.

یکی از وقایع مهم تاریخی در قرن معاصر جریان مبارزات ملت مسلمان ایران بر ضد دولت انگلیس در هنگام ملی شده صنعت نفت بود، که به رهبری عالم جلیل القدر و فقیه عالی مقام مرحوم حاج سید ابوالقاسم کاشانی و مرحوم دکتر محمد مصدق نخست وزیر در سالهای، ۱۳۳۰ شمسی انجام گرفت، و از شرکت نفت خلع گردید.

مردم مشهد مقدس هم مانند سایر برادران ایرانی خود در این قیام همگانی سهم بسیاری داشتند، و با تشکیل اجتماعات در مساجد و تکایا و اماکن متبرکه و شرکت همه طبقات در این نهضت بزرگ شرکت نمودند، و ما بیاری خداوند در مطاوی این کتاب به مناسبت‌هایی از آن یاد خواهیم کرد و مشاهدات خود را بنظر خوانندگان قرار خواهیم داد.

آغاز انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران از هنگام طرح لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در مجلس شورای ملی سابق آغاز گردید، در سال ۱۳۴۱ در زمان نخست وزیری امیراسدالله علم

طرحی به مجلس برده شد که با قانون اساسی مشروطه مخالف بود و برای نخستین بار در ایران این طرح به مجلس داده شد، و آن دو لایحه عبارت بودند از:

اول - لایحه سوگند به کتاب آسمانی به جای قرآن مجید، در قانون اساسی ایران ذکر شده بود که نمایندگان مجلس باید به قرآن مجید سوگند یاد کنند، ولی در این لایحه که از طرف دولت امیراسدالله پیشنهاد شده بود به جای قرآن مجید، کتاب آسمانی نوشته بودند که حاکی از سوء نیت آنان بود.

دوم - لایحه مشارکت زنان در امر انتخابات که آن هم از طرف دولت علم به مجلس داده شده بود، دولت وقت با دادن لایحه مشارکت زنان قصد داشت زنهارارسماء وارد کارهای سیاسی و مبارزات انتخاباتی قرار دهد، و این هم برخلاف قانون اساسی مشروطه بود که در آن زنان حق شرکت در انتخابات را نداشتند.

علماء و اساتید حوزه‌های علمیه و مجتهدان و فقهاء بزرگ شیعه با این لایحه‌ها مخالفت کردند، و آن را نقض قانون اساسی دانستند، و در این مورد تلگرافاتی به محمد رضا شاه و امیراسدالله علم نمودند و از آنها خواستند این دو لایحه را از مجلس باز پس گیرند، و با قانون اساسی مخالفت نکنند.

علماء و رهبران مذهبی و حوزه‌های علمیه نجف اشرف، قم، مشهد مقدس، اصفهان، شیراز و تبریز و سایر شهرها و ولایات با اقدامات دولت در این مورد به مبارزه برخاستند، و اصناف مختلف مردم هم در این باره با علماء و مجتهدین همگام شدند و اعلامیه‌های زیادی از طرف جوامع مختلف منتشر گردید.

رهبران مذهبی با صدور اعلامیه‌هایی مردم را از خطراتی که جامعه دینی را تهدید می‌کرد آگاه ساختند، تغییر سوگند به قرآن مجید و گذاشتن کتاب آسمانی به جای او سوء نیت نویسندگان این لایحه را نشان می‌داد و انحصار قرآن مجید را در این باب از بین می‌برد.

درباره مشارکت زنان در انتخابات هم که از طرف دولت پیشنهاد شده بود سوء

نیت وجود داشت، آنها می‌خواستند با این بهانه زنهای مورد نظر خود را به مجلس رسمی بکشند و آنها را به فساد آلوده کنند، و بنام آزادی زن هر چه می‌خواهند انجام دهند، از این رو با این لایحه هم مخالفت شد و اعلامیه‌های زیادی در این مورد صادر گردید.

پس از صدور اعلامیه‌های علماء و رهبران مذهبی و حوزه علمیه قم علماء و مدرسان شهرستانها هم از حوزه علمیه قم پشتیبانی کردند، و اعلامیه‌هایی منتشر نمودند، خطباء و اهل منبر در مجالس و محافل با این کارهای دولت به مخالفت برخواستند، و یک مخالفت همگانی سراسر ایران را فرا گرفت.

تجمع علماء مشهد مقدس

علماء، فقهاء، و مدرسان حوزه علمیه مشهد مقدس به رهبری حضرات آقایان: حاج سید محمد هادی میلانی و حاج آقا حسن قمی مبارزه با این لایحه را آغاز نمودند، اعلامیه‌ها و تلگرافاتی در این مورد از طرف علماء بزرگ مشهد صادر گردید و جریان به اطلاع مردم رسید، در مجالس و محافل و مساجد و مدارس اجتماعی تشکیل می‌شد و مردم از اوضاع و احوال روز آگاه می‌گردیدند.

خطباء و واعظان مشهد مقدس در منابر از اقدامات دولت در پیشنهاد این لایحه انتقاد کردند و به مخالفت با آن برخاستند، و از حکومت وقت در خواست نمودند که آن لایحه را از مجلس پس بگیرد و از دستور خارج کند، دولت ابتداء به این اعلامیه‌ها و تلگرافات توجهی نکرد، ولی بعد از مدتی تسلیم نظریات علماء شد و لایحه را مسکوت گذاشت.

علماء و فقهاء بزرگ مشهد در آن زمان عبارت بودند از حضرات آقایان: حاج سید محمد هادی میلانی، حاج آقا حسن طباطبائی قمی، حاج میرزا احمد کفائی خراسانی، حاج میرزا حسین فقیه سبزواری، حاج شیخ مجتبی قزوینی و حاج شیخ

محمدکاظم دامغانی که همگان اقدام دولت را محکوم کردند و آن لایحه را مردود اعلام نمودند.

فضلاء و خطباء و سخنرانان هم در آن ایام عبارت بودند از حضرات آقایان حاج سید علی خامنه‌ای - رهبر معظم انقلاب - حاج سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، حاج شیخ عباس واعظ طبسی، حاج سید محمود مجتهدی، حاج شیخ رضا محامی و حاج شیخ علی تهرانی و گروهی از طلاب جوان که قدم در میدان مبارزه گذاشتند و با خطابه‌ها و تبلیغات خود مردم را روشن ساختند و از علماء و مراجع دینی حمایت نمودند.

اجتماع فرهنگیان و دانشگاهیان مشهد

هنگامیکه علماء و رهبران دینی مخالفت خود را با دولت اعلام کردند و مبارزه آغاز گردید، فرهنگیان، دانشجویان و دانش‌آموزان مشهد هم در کانون نشر حقائق اسلامی اجتماع کردند، و با برنامه‌های دولت به مخالفت برخاستند، و از علماء پشتیبانی نمودند و با ایراد سخنرانیها و نشر اعلامیه‌ها مواضع خود را اعلام کردند.

مرحوم استاد محمدتقی شریعتی که در میان طبقات فرهنگیان و دبیران و آموزگاران و طبقات مختلف مشهد مقدس مقام ویژه‌ای داشت و همگان به او علاقه‌مند بوده و رهبری کانون را به عهده داشتند با سخنرانیهای سودمند خود مردم را به مخالفت با برنامه‌های دولت فرامی‌خواند و کانون یک مرکز بسیار با جنب و جوش بود.

ما انشاءالله در همین کتاب در شرح حال رجال معاصر مشهد که حقی عظیم به گردن مردم دارند در این باره به تفصیل سخن خواهیم گفت و خوانندگان این کتاب را در جریان حوادث قرار خواهیم داد و از حوادث و وقایع آن زمان که شاهد و ناظر آنها بوده‌ایم اطلاعات لازم را در اختیار نسل جدید خواهیم گذاشت.

قیام پانزدهم خرداد

پس از عقب نشینی دولت امیراسدالله اعلم در برابر خواست علماء و رجال دینی و مسکوت گذاشتن لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، برنامه‌های دولت بهم خورد و نقشه‌های آنها عملی نگردید، از این رو هیئت حاکمه ایران در آن ایام در صدد برآمد تا راه دیگری برگزیند، و نقشه‌های از پیش طرح شده را مورد عمل قرار دهد.

این بار محمد رضا شاه شخصاً وارد عمل شد و به قول خودش «انقلاب شاه و ملت» را پیش کشید، و با ظاهری فریبنده در میان مردم ظاهر شد و در یک سخنرانی عمومی که در دوشان تپه تهران برگزار گردید طرح خود را اعلام کرد و آن را در معرض آراء عمومی قرار داد و از مردم خواست تا در مورد طرح او نظر خود را اعلام کنند.

طرح او که در شش ماده تنظیم شده بود، و همه از آن اطلاع دارند در رادیو و جرائد به اطلاع عموم رسید، و تبلیغات فراوانی روی آن انجام گرفت، روزنامه‌ها و مجلات و رادیو از آن حمایت کردند و از مزایای آن سخن گفتند، به هیچ کس هم اجازه ندادند تا از آن طرح انتقاد کند و یا به مخالفت با آن مطلبی بنویسد.

با تبلیغات وسیعی که عمال دولت و کارگزاران حکومت در تهران و شهرستانها انجام دادند، و مردم را با مکر و فریب و زور و تهدید به پای صندوقها کشیدند و آراء مورد نظر خود را از مردم گرفتند و طرح خود را به تصویب مردم رسانیدند، و به هیچ کس و مقامی هم اجازه ندادند تا در مخالفت با آن طرح اظهار نظر نماید.

در اینجا نیز علماء و مدرسان و طلاب حوزه علمیه با طرح محمد رضا شاه به مخالفت برخاستند، و طبقات مختلف مردم از کسبه و بازاریان حمایت خود را از علماء اعلام نمودند، احزاب و گروههای سیاسی در آن ایام به علت اینکه برنامه‌های شاه با اهداف آنها سازگار بود سکوت کردند، و با مقامات مذهبی همکاری ننمودند.

حوزه علیمه مشهد مقدس درباره لوایح شاه به مخالفت برخاست، و بار دیگر در منزل آقایان حاج سید محمد هادی میلانی رضوان الله علیه و حاج آقا حسن

طباطبائی قمی گرد آمدند، و پیشنهادهای محمد رضا شاه را مردود و مخالف اسلام اعلام نمودند، و مبارزه سخنی را شروع کردند، و کارهای شاه را محکوم نمودند. سخنرانهای امام خمینی رضوان الله علیه و اعلامیه‌های او در مشهد مقدس و شهرستانها پخش می‌شد، علماء و اساتید مشهد هم در این مورد اعلامیه می‌دادند و مردم را به مبارزه و مخالفت با لوايح شاه فرا می‌خواندند، از این رو در مشهد اجتماعات زیادی در مساجد و مدارس تشکیل می‌گردید و خطباء و اهل منبر مردم را در جریان مسائل روز می‌گذاشتند.

توقیف علماء در شهرستانها

سخنرانهای امام خمینی رضوان الله علیه در مدرسه فیضیه قم، و اعلامیه‌های ایشان در موضوع مسائل روز به مراکز استانها و شهرستانها و حوزه‌های علمیه می‌رسید و در دسترس همگان قرار می‌گرفت، اعلامیه‌ها و سخنان امام خمینی توسط خطباء و اهل منبر در مجالس و محافل و توسط دانشجویان و دانش‌آموزان در دانشگاهها و مراکز فرهنگی و دبیرستانها توزیع می‌گردید.

در مشهد مقدس رضوی هم منزل مرحوم میلانی و حاج آقا حسن طباطبائی قمی مرکز مبارزات مردمی بر ضد حکومت خودکامه بود، بعد از جریان طرح لوايح ششگانه که از طرف محمد رضا شاه پدید آمده بود، همه مخالفت‌ها متوجه محمدرضا بود و او مستقیماً مورد اعتراض مردم قرار داشت.

امام خمینی رضوان الله علیه در سخنرانی مدرسه فیضیه شاه را مورد خطاب قرار داد و او را مسئول همه حوادث و نابسامانیها اعلام کرد و نخست او را نصیحت کرد که دست از کارهای خلاف شرع بردارد و با احکام و قوانین مذهبی آشکارا مخالفت نداشته باشد و طبق ضوابط و مقررات عمل نماید و دست از عناد بردارد.

محمد رضا شاه از سخنرانهای امام خمینی رضوان الله علیه که در مدرسه فیضیه

ایراد شده بود سخت بر آشفت و دستور توقیف و بازداشت امام خمینی را صادر کرد، روز پانزدهم خرداد ماه ۱۳۴۱ که مصادف با روز یازدهم محرم بود، امام خمینی بازداشت گردید و به تهران منتقل شد، خبر بازداشت امام به زودی در سراسر کشور پخش شد.

در این هنگام حاج آقا حسن طباطبائی قمی و حاج شیخ بهاء الدین محلاتی هم در شیراز بازداشت شدند و به تهران منتقل گردیدند، و متعاقب آن گروهی از علماء، اساتید حوزه علمیه، و وعاظ و اهل منبر هم در رشت، تبریز، مشهد، تهران و سایر شهرستانها بازداشت گردیدند، اکثر وعاظ و خطباء و علماء تا پایان ماه صفر آن سال در زندانها باقی ماندند.

مهاجرت علماء به تهران

بعد از اینکه امام خمینی و آقای حاج آقا حسن قمی و حاج شیخ بهاء الدین محلاتی بازداشت گردیدند و در تهران تحت نظر قرار گرفتند، علماء و رجال دینی از شهرستانها به تهران مسافرت کردند، تا در مورد بازداشت علمای طراز اول مذاکره کنند و اعتراض خود را به گوش محمد رضا شاه و حامیان او برسانند.

از جمله افرادی که از مشهد مقدس به تهران رهسپار شدند، مرحوم حاج سید محمد هادی میلانی بود، او به عنوان اعتراض به بازداشت علماء و رهبران دینی عازم تهران شد ولی از طرف مأموران دولتی از فرودگاه به شهر باز گردانیده شدند، اما بعد از ساعاتی بار دیگر به فرودگاه آمدند و عازم تهران شدند، و در منزل یکی از بازاریان تهران فرود آمدند.

علماء طراز اول و مشهور ایران همگان در تهران گرد آمدند، و مذاکراتی با رجال سیاسی آن روز انجام دادند، آنها روش محمد رضا شاه را در بازداشت علماء بزرگ و رجال دین نکوهش کردند و پیام‌هایی برای او فرستادند، ولی محمد رضا شاه که مغرور

بود و از نظر سیاست خارجی مورد حمایت قرار داشت به علماء و مراجع دینی اعتناء نکرد.

علماء شهرستانها به مراکز خود برگشتند، و امام خمینی و طباطبائی قمی و محلاتی هم چنان در بازداشت ماندند، در این هنگام حوزه‌های علمیه مخصوصاً حوزه علمیه مشهد مقدس صحنه تظاهرات و فعالیت بود، طرفداران امام خمینی رضوان‌الله علیه مبارزات خود را ادامه می‌دادند، و در آشکارا و نهان اعلامیه‌ها و سخنان او را در میان مردم پخش می‌کردند.

بازداشت امام خمینی و حاج آقا حسن قمی و شیخ بهاء‌الدین محلاتی مخصوصاً امام خمینی که در جامعه تشیع از شهرت زیادی برخوردار بودند، و از مراجع و مجتهدان عالی مقام بشمار می‌رفتند جامعه را هم چنان در نگرانی و اضطراب قرار داده بود و سراسر ایران و جهان تشیع این عمل شاه را محکوم می‌کردند.

آزادی علماء و رهبران دینی

پس از قیام پانزده خرداد ماه دولت وقت تعدادی از علماء و خطباء و ائمه جماعات را بازداشت کرد، در میان بازداشت شدگان گروهی از علماء بودند که در کارهای سیاسی دخالت نمی‌کردند ولی حکومت از ترس اینکه ممکن است آنها هم با جریانهای سیاسی هماهنگی نمایند اقدام به بازداشت آنها هم نمود.

اینان تا پایان ماه صفر ختم مراسم عزاداری در زندان شهربانی در بازداشت بودند، و بعد آزاد شدند، ولی امام خمینی و حاج آقا حسن طباطبائی و حاج شیخ بهاء‌الدین محلاتی هم چنان در یک پادگان ارتش در زندان بسر می‌بردند، و حوزه‌های علمیه و محافل و مجالس مذهبی نگران حال آنها بودند.

علماء و رجال مذهبی دست از فعالیت خود برنداشتند و همواره کوشش داشتند تا موجبات آزادی امام خمینی و همراهان او را فراهم کنند، و مذاکرات همواره جریان

داشت، تا آنگاه که دولت ناگزیر شد، امام خمینی، حاج آقا حسن و شیخ بهاءالدین محلاتی را هم آزاد کند، آنها از زندان بیرون شدند و در یک منزلی در شمیران تحت نظر قرار گرفتند.

پس از مدتی دولت ناگزیر شد که آقایان به شهرهای محل اقامت خود بروند، از این رو امام خمینی به شهرستان قم و حاج آقا حسن طباطبائی به مشهد مقدس و حاج شیخ بهاءالدین هم به شیراز مراجعت نمودند، و ورود آنها به شهرهای قم و مشهد و شیراز با استقبال مردم روبرو گردید، و طبقات مختلف از آنها حمایت کردند. مردم مشهد مقدس در فرودگاه اجتماع کردند، و از حاج آقا حسن طباطبائی قمی استقبال شایانی نمودند، و او را از فرودگاه تا منزل مشایعت کردند و خطباء و سخنرانان خطابه‌هایی ایراد نموده و از مبارزات مردم در غیبت ایشان مطالبی اظهار داشتند و از جنایات و مظالم دولت سخن گفتند.

عزیمت علماء مشهد به قم

پس از آزادی امام خمینی رضوان‌الله علیه و مراجعت معظم‌له به شهرستان مقدس قم تعدادی از فضلاء و اساتید حوزه علمیه مشهد در معیت آقایان علماء اعلام حاج شیخ مجتبی قزوینی و حاج آقا احمد مدرس و حاج میرزا جواد آقا تهرانی رضوان‌الله علیهم عازم قم شدند، و با امام خمینی رحمه‌الله علیه دیدار نمودند و پشتیبانی حوزه علمیه مشهد مقدس را از اهداف ایشان اعلام کردند.

هیئت علمای مشهد غیر از امام خمینی با علماء و مراجع قم هم دیداری داشتند و مصاحبه‌های خصوصی و عمومی با آقایان برقرار کردند، که انشاء‌الله در همین کتاب در شرح حال آنها خواهد آمد، این هیئت پس از بازگشت از قم در مبارزه با برنامه‌های دولت و مخالفت با حکومت پهلوی فعالیت‌های خود را توسعه داد و از اقدامات امام خمینی قاطعانه دفاع کرد.

تبعید امام خمینی به ترکیه و عراق

در زمان نخست وزیری حسنعلی منصور لایحه‌ای به مجلس برده شد که در آن مصونیت کارمندان آمریکائی در ایران پیشنهاد شده بود، مفاد لایحه این بود که اگر یک آمریکائی در ایران مرتکب جرم و جنایتی گردید، دادگاههای ایران حق توقیف و محاکمه آن را ندادند و باید مجرم در آمریکا زیر نظر قضاة آن کشور محاکمه گردد.

این لایحه با مخالفت طبقات گوناگون مواجه شد و همه علاقمندان به عزت اسلام و کشور به آن اعتراض کردند، و بیانیه‌ها و اعلامیه‌هایی در این مورد از طرف علماء و تعدادی از رجال سیاست منتشر گردید و این اقدام دولت و مجلس را محکوم کردند، و آن را توهین به ملت ایران تلقی نمودند و خواستار لغو آن شدند.

امام خمینی رضوان الله علیه در شهرستان قم علیه این لایحه سخنرانی کردند و کار دولت را محکوم نمودند، سخنرانی امام در این مورد بسیار مشهور و معروف است و در جرائد و کتابهای متعددی چاپ شده است و تکرار آن در اینجا موجب تطویل کتاب می‌باشد و همه از آن آگاه می‌باشند.

دولت و دربار ایران از سخنرانی امام خمینی سخت براشتند، وجود امام را در ایران تحمل نکردند، از این رو معظم له را دستگیر و به ترکیه تبعید نمودند، و بعد از مدتی اقامت در ترکیه، از آنجا به عراق تبعید شدند، این جریانها در زندگی امام خمینی قدس سره به تفصیل آمده است و علل و عوامل آن مورد بحث قرار گرفته است.

هنگامیکه خبر بازداشت و تبعید امام خمینی در میان مردم پخش شد همه دست از کار کشیدند، حوزه‌های علمیه تعطیل گردید، علماء و اساتید درس‌های خود را تعطیل کردند و به دولت وقت اعتراض نمودند، و در این مورد اعلامیه‌هایی از طرف علماء و مراجع منتشر شد و اهل منبر و خطابه در منابر به این عمل زشت حکومت پهلوی حمله کردند.

در مشهد مقدس هم حوزه علمیه تعطیل گردید و طلاب در منزل مرحوم حاج سید محمد هادی میلانی و علماء دیگر اجتماع کردند و اعتراضات خود را به گوش مردم رسانیدند، مدارس مذهبی مشهد و مساجد معروف مرکز فعالیت های ضد دولتی گردید، اعلامیه های زیادی پخش شد و واعظان در این باره سخنرانی کردند، مأموران دولتی وارد میدان شدند، و گروهی از فضلاء و اهل منبر را بازداشت و بعد به شهرهای دور دست تبعید نمودند، طلاب جوان را دستگیر و روانه سربازخانه ها کردند، شهربانی و سازمان اطلاعات و امنیت بر مردم بسیار سخت گرفتند و جماعت زیادی از مردم و کسبه و اصناف را هم بازداشت کرده و محیط رعب و وحشت را در مشهد ایجاد نمودند.

مقاومت مردم مشهد

طبقات گوناگون مردم مشهد در برابر تهدیدات حکومت مقاومت نمودند و با عناوین مختلف محیط را برای دولتها تنگ می کردند، طلاب علوم و گروهی از فرهنگیان و دانشجویان و بازاریان در حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام و مسجد گوهرشاد جمع می شدند و دعاء توسل می خواندند و امام خمینی را دعا می کردند و به دشمنان او نفرین می نمودند.

در هنگام مراسم تاجگذاری محمد رضا شاه که دولت برنامه های وسیعی برای آن تدارک دیده بود، حوزه علمیه مشهد بر علیه آن مراسم فعالیت هایی را آغاز کرد، امام خمینی در این مورد اعلامیه ای دادند و تاجگذاری را تقبیح نمودند، اعلامیه امام در مشهد در سطح وسیعی پخش شد و گروهی از طلاب و دانشجویان دستگیر و روانه زندان شدند.

امام خمینی رضوان الله علیه پس از ورود به نجف اشرف موضوع ولایت فقیه و حکومت اسلامی را به عنوان یک درس در حوزه علمیه نجف اشرف آغاز کردند درس امام در نوارها ضبط می گردید و به صورت کتاب و جزوه در اختیار طلاب و فضلاء قرار

می‌گرفت.

از نوارها و سخنرانیهای امام خمینی قدس سره به حوزه علمیه مشهد مقدس هم رسید و در میان فضلاء و اساتید پخش گردید، و بصورت گسترده در دست فرهنگیان و دانشجویان و نویسندگان هم قرار گرفت و مورد توجه و عنایت واقع گردید، و ولایت فقیه بصورت تدریس و تحقیق و یک موضوع فقهی مطرح شد.

حکومت از این جریان‌ها سخت برآشفته و از طرح ولایت فقیه که با حکومت سلطنتی در تضاد بود مضطرب گردید، عوامل دولتی بناءً مقابله با این نظریه را نهادند و پخش‌کنندگان این سخنرانیها و نوارها را بازداشت نمودند، در این هنگام تعدادی از اساتید و وعاظ و خطبا را از مشهد مقدس تبعید کردند و یا به زندان انداختند.

در ایام تاجگذاری آریامهر و برپائی جشنهای دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی، نیز علماء و حوزه‌های علمیه با این مراسم به مخالفت برخاستند و حوزه علمیه مشهد هم در این مورد اعتراض کرد و طبقات مختلف مشهد هم از علماء و مدرسان و وعاظ و اهل منبر حمایت کردند و این مراسم را محکوم نمودند.

در این زمان نیز عمال دولت وقت گروهی را دستگیر و روانه زندان نمودند و جماعتی را هم تبعید کردند، و مورد آزار و اذیت قرار دادند، در این هنگام مبارزه با رژیم سلطنت آشکارا و با صراحت آغاز شده بود، و همه حملات متوجه درباریان و شاه گردید، دربار هم دستور سرکوبی همه مخالفان را صادر کرد.

مأموران و کارگزاران حکومت نخست آقای حاج آقا حسن طباطبائی را به تهران و بعد به کرج تبعید کردند و ارتباط او را با مردم قطع نمودند، سپس گروهی از فضلاء و اساتید و اهل منبر و نویسندگان را زندانی نموده و یا از مشهد تبعید کردند و افراد صاحب نفوذ را در بازار بازداشت کرده و روانه زندان نمودند.

در هنگام تأسیس حزب رستاخیز که از طرف محمد رضا شاه پایه‌ریزی شد و مردم را مجبور می‌کردند تا عضو آن حزب شوند، درگیریهائی در سطح کشور پدید آمد،

در این هنگام اعلامیه‌ای از طرف امام خمینی رضوان‌الله علیه در ایران منتشر گردید، امام در آن اعلامیه عضویت و شرکت در حزب رستاخیز را تحریم کرده بودند.

یکی از این اعلامیه‌ها به مشهد مقدس رسید و بعد از آن تکثیر شد و در مدارس الصاق گردید تا مردم از مندرجات آن آگاه گردند، مأموران دولت و نیروهای انتظامی آن اعلامیه‌ها را از دیوارها برداشتند و در هنگام کندن اعلامیه‌ها از دیوار در یکی از مدرسه‌ها بین مأموران و طلاب مدرسه زد و خورد شد.

یکی از این درگیریها در مدرسه میرزا جعفر که در کنار صحن کهنه قرار دارد اتفاق افتاد، در اینجا طلاب علوم دینی با مأموران شهربانی درگیری پیدا کردند، این زد و خورد در داخل مدرسه به صحن کهنه کشیده شد و از آنجا تا بست پائین خیابان هم ادامه پیدا کرد.

مأموران دولتی صحنه را ترک کردند، ولی بعد از ساعتی با نیروهای مجهزی بار دیگر به مدرسه میرزا جعفر باز گشتند و گروهی از طلاب جوان را دستگیر و با خود بردند و بازداشت نمودند، و پس از آزار و شکنجه آنان را به زندان محکوم کردند، و درس و منبر عده از فضلاء و اهل منبر را هم تعطیل نمودند.

در سال ۱۳۵۶ هنگام تشکیل مراسم یاد بود مرحوم حاج سید مصطفی خمینی رضوان‌الله علیه در مساجد مشهد مقدس بین مردم مسلمان مشهد و نیروهای دولتی زد و خورد شد، مردم مجالس متعددی در مساجد و حسینیه‌های مشهد به یاد بود عالم جلیل‌القدر حاج سید مصطفی خمینی بر پا کردند، مقامات و نیروهای امنیتی از این کارها جلوگیری می‌نمودند.

یکی از روزها که مأموران اقدام به ممانعت از تشکیل مجلس عزا نمودند، مردم هم مقاومت کردند، و با مأموران به مقابله پرداختند، در این هنگام در دانشکده علوم مشهد تظاهراتی انجام گرفت و رئیس دانشکده که فردی بنام «دکتر ویکتور اسرائیل» بود مضروب گردید و محیط متشنج شد.

اجتماع زنان در مشهد

در روز ۱۷ دی ماه سال ۱۳۵۶ گروهی از بانوان مشهد که توسط علماء مشهد سازماندهی شده بودند به مناسبت روز کشف حجاب که از طرف رضا شاه به بانوان ایرانی تحمیل شده بود راهپیمائی کردند، آنها با تظاهرات بزرگی که در شهر مقدس مشهد به راه انداختند مخالفت خود را با کشف حجاب اعلام کردند.

مأموران امنیتی دولت به صفوف آنها حمله نمودند و آنان را مضروب و مصدوم ساختند و گروهی را هم دستگیر کردند و روانه زندان نمودند، این اولین راهپیمائی بانوان بود که در آن ایام انجام گرفت و امام خمینی رضوان الله علیه اقدام آنها را تایید کردند و از آن حمایت نمودند، و این راهپیمائی سر مشقی شد برای راهپیمائی بانوان در شهرهای دیگر ایران.

مساجد پایگاه مقاومت

سال ۱۳۵۷ تظاهرات مردم ایران به رهبری حضرت امام خمینی رضوان الله علیه فراگیر شد و همه شهرهای ایران را فراگرفت، در این میان مساجد نقش مهم و حساسی داشتند، امامان جماعت و واعظان و خطیبان اکثر به میدان آمدند و به مبارزه با حکومت مشغول شدند و از برنامه و اهداف امام خمینی رحمه الله علیه حمایت نمودند.

در مشهد مقدس رضوی هم مساجد سازماندهی گردیدند، و پایگاه مقاومت و ایثار شدند، نیروهای مردمی از گوشه و کنار شهر در مساجد بزرگ و کوچک جمع می شدند و به سخنرانیهای رهبران دینی گوش فرا می دادند، مردم نخست در مسجدها گرد هم می آمدند و بعد بطور گروهی و دسته جمعی راهی خیابان ها و میدان ها می شدند و در تظاهرات شرکت می کردند.

تظاهرات پر شکوه مردم مشهد اغلب در مساجد بزرگ و مشهور برگزار می شد و

یا در منزل علماء و رهبران دینی انجام می گرفت، واعظان و گویندگان و اساتید و فضلاء برای آنها سخنرانی می کردند و برنامه ها را به نظر مردم می رساندند، در محلات شهر و کوی و برزنهاى مشهد مقدس همه جا جنب و جوش و فریاد و مبارزه بود.

گروهی از طلاب جوان در مدارس مشهد و یا مساجد زیر نظر گروهی از فضلاء و اساتید حوزه فعالیت داشتند، آنها پیام امام خمینی را از نجف اشرف و بعد از آن از پاریس که به ایران و مشهد می رسید می گرفتند و در میان مردم مسلمان بخش می کردند، و جامعه مسلمان مشهد را از آخرین خبرها و پیام های امام خمینی مطلع می ساختند.

آزادی زندانیان

در آبان ماه سال ۱۳۵۷ زندانیان آزاد شدند، مردم مشهد، طلاب علوم دینی، دانشجویان دانشگاه مشهد، و گروهی از طبقات مختلف مردم از زندانیان استقبال کردند و با آنها همراهی نمودند، گروهی از جوانان هنگام همراهی با زندانیان شعار می دادند، و رهائی آنان را از زندان تبریک می گفتند و آیاتی از قرآن را تلاوت می کردند.

در این وقت آقای حاج آقا حسن طباطبائی قمی که از علماء مشهور مشهد و از رهبران بزرگ مذهبی در مشهد بودند، بعد از دوازده سال تبعید به مشهد مقدس باز گشتند، مردم در فرودگاه از او استقبال شایانی نمودند، ازدحام جمعیت به اندازه ای بود که فرماندار نظامی مشهد دستور تیراندازی دادند.

مردم پس از دوازده سال انتظار از حاج آقا حسن طباطبائی تجلیل نمودند و بر علیه شاه و حامیان او شعار می دادند، مأموران دولتی و قوای نظامی که در مسیر مستقر بودند به دستور فرمانده خود مردم را به رگبار بستند، بر اساس اطلاعات مستند دو نفر در این جریان شهید شدند و تعدادی هم مجروح گردیدند.

تیراندازی در اماکن متبرکه

یکی از حوادث تاثیر انگیز در این ایام تیراندازی در حوزه اماکن متبرکه رضویه بود، مأموران امنیتی و شهربانی مشهد با مردم درگیری پیدا کردند، قطعا در اینگونه موارد مردم برای مصون ماندن و حفظ جان خود به اماکن متبرکه پناه می بردند، و خود را به حرم امن رضوی می رساندند تا از هر گزند و آسیبی محفوظ باشند و کسی متعرض آنان نگردد.

ولی بر خلاف انتظار مأموران با اسلحه وارد صحن و رواقها شدند و مخالفان حکومت را گلوله باران کردند و تعدادی از مردم مشهد و زائران را مجروح نمودند، این حادثه بسیار برای حکومت گران تمام شد و مردم را به مبارزه و مقاومت بیشتر فرا خواند، و جامعه متدین را سخت آزرده نمود و حرمت حرم را نقض کرد.

روحانیت مبارز مشهد و طبقات مختلف و زائران حضرت رضا (ع) این اعمال وحشیانه را محکوم کردند و عزای عمومی اعلان نمودند و در خیابانها و معابر راهپیمائی کرده و تظاهراتی به راه انداختند و همگان این شعار را بطور دسته جمعی با فریاد بلند می خواندند:

روز همه شیعیان شام غریبان شد قبر امام هشتم گلوله باران شد.

عاشورای سال ۱۳۵۷

تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ یکی از روزهای تاریخی انقلاب در مشهد مقدس بود، حوادث آن ایام برای کسانی که در آن روز در صحنه حاضر بودند از جالب ترین خاطره ها می باشد، طبقات مختلف مردم از علماء و طلاب دانشگاهیان و فرهنگیان، کسبه و بازاریان، اصناف و کارگران، همه بطور دسته جمعی در خیابانها حرکت می کردند و شعار می دادند.

شعارها دیگر تغییر کرده بود، مردم از حکومت واهمه نداشتند، آنها طالب سقوط

شاهنشاهی و برقراری جمهوری اسلامی بودند، نیروهای انتظامی و مأموران امنیتی خیابانها را ترک کرده بودند و شهر مشهد در دست نیروهای مردمی و پیروان امام خمینی رضوان الله علیه قرار گرفته بود، و در این هنگام مجسمه‌های رضا شاه و محمد رضا شاه پائین آورده شدند.

پائین کشیدن مجسمه‌ها از میادین شهر ناتوانی حکومت را به اثبات رسانید، و ضعف دولت را نشان داد، این امر موجب گردید طرفداران حکومت پهلوی مرعوب شوند و در خانه‌ها بنشینند، توده مردم هم از این جریان و ضعف دولت استفاده کرده به تظاهرات و خواسته‌های خود با فشاری می‌کردند و خواستار حکومت اسلامی در ایران می‌شدند.

حمله به بیمارستانهای مشهد

نیروهای انتظامی دولت دریافتند نمی‌توانند مقاومت مردم را بشکنند از این رو در صدد برآمدند گروهی از مردم را برای مبارزه با انقلابیون مسلمان وارد میدان نمایند، آنها توانستند تعدادی از مردمان قراء و قصبات و شهرستانهای خراسان را گرد آورند، و آنها را با چوب و چماق مسلح کرده به جان مخالفان حکومت بیاندازند.

این جماعت که اکثر فریب خورده و از عوامل مقامات امنیتی بودند از اطراف وارد مشهد شدند و با همکاری و راهنمایی مسئولان امنیتی و انتظامی به طرفداری از شاه برخاستند و با چوب و چماق به مردم حمله کردند ولی کاری از پیش نبردند و صحنه را ترک گفتند.

تعدادی از این چوب بدستان به بیمارستان ۱۷ شهریور در خیابان کوه سنگی حمله کردند، و خساراتی به آنجا وارد نمودند، پزشکان بیمارستان از این اقدام که به تحریک نیروهای انتظامی انجام گرفته بود ناراحت شدند و از پذیرفتن دفترچه‌های بیمه نیروهای نظامی و انتظامی خودداری کردند و از این جهت شکستی به مأموران

دولتی وارد گردید.

روز ۱۳۵۷/۹/۲۳ که مصادف با ایام محرم بود عده‌ای از عوامل حکومت و مأموران امنیتی با حمایت نظامیان نرده‌های آهنین بیمارستان شاهرضا را شکستند و وارد بیمارستان شدند، آنها شیشه‌های ماشین‌ها را شکستند و بطرف مردم تیراندازی کردند، در این میان گروهی مجروح شدند و جماعتی هم مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و دو کودک هم بر اثر شدت جراحت جان دادند.

حمله به بیمارستانها و تیراندازی بطرف پزشکان و بیماران موجی از اضطراب و ناراحتی در میان مردم مشهد پدید آورد، و همین کار موجب گردید تا گروهی از علماء و طلاب حوزه علمیه و تعدادی از دانشگاهیان و فرهنگیان به عنوان اعتراض در بیمارستان متحصن شدند، و به این حمله که از طرف مقامات نظامی و انتظامی انجام گرفته بود اعتراض نمودند.

قیام دهم دی ماه ۱۳۵۷

در دی ماه سال ۱۳۵۷ فرماندار نظامی مشهد تغییر کرد، فرماندار حکومت نظامی جدید، سختگیری نمود و به مردم فشار وارد آورد، مردم مسلمان مشهد نیز بر مقاومت خود افزودند، هر چه مأموران نظامی به خشونت خود افزودند مردم هم صبر کردند و مبارزه را از دست ندادند و در مقابل نیروهای دولتی ایستادند.

مردم انقلابی مشهد سه نفر از عوامل دولتی و حکومتی را دستگیر کرده و در میدان شهداء مشهد به دار آویختند، و حمله به نظامیان در سطح شهر افزایش پیدا کرد و استانداری خراسان با مردم اعلام همبستگی کرد و از ترس جان خود مشهد را رها کرد، و ادارات دولتی به مردم پیوستند.

روز دهم دی ماه ۱۳۵۷ راهپیمایی بزرگی از کنار قبر مطهر حضرت رضا (ع) آغاز گردید، در پیشا پیش نظارکنندگان علماء، اساتید حوزه و دانشگاهیان حرکت

می‌کردند، این جماعت در خیابانها حرکت می‌نمودند و شعار می‌دادند، تظاهرکنندگان از خیابان‌های مرکزی گذشتند و به چهار راه لشکر رسیدند، و در نظر داشتند در مقابل استانداری اجتماع کنند و برنامه‌های خود را اعلام نمایند.

نیروهای نظامی با تانکها و زره‌پوشها در چهار راه لشکر مستقر شده بودند، هنگامیکه مردم کنار سربازان که سوار بر ماشینها و تانکها بودند رسیدند، ناگهان مردم شعار دادند:

ارتش بما پیوسته پشت شاه شکسته

مردم انقلابی بر فراز تانکها سوار شدند، در این هنگام گروهی از سربازان سلاحهای خود را به مردم سپردند، سلاحها را به منزل حاج سید عبدالله شیرزای که از علماء و مجتهدان مقیم مشهد بودند تحویل دادند، ولی هنگام شب مأموران دولتی آمدند و سلاحها را گرفتند و به پادگانها بردند؟! و

مردم سربازانی را که سلاح خود را تحویل داده بودند به خانه‌های خود بردند و از آنان پذیرائی کردند، خیابان بهار از جمعیت تظاهرکننده موج می‌زد و همه در انتظار برنامه‌ها و سخنرانیهای رهبران بودند، کارمندان استانداری هم با مردم هماهنگ شدند. در این هنگام ناگهان صدای مسلسل و رگبار بلند شد، تانکها و زره‌پوشها به مردم حمله کردند، زنان و مردان و کودکان زیر تانکها به شهادت رسیدند، و مردمانی که سوار تانکها بودند به پادگان برده شدند، مردم هم از این جریان به خشم آمدند و با چوب از خود دفاع کردند و به نظامیان حمله نمودند و یکی از فرماندهان را با لگد و مشت از پا در آوردند.

کشتار دسته جمعی توسط تانکها در مشهد بی‌نظیر بود، خیابان بهار پر از اجساد شهداء و مجروحین بود، سربازان و نظامیان سینه‌های مردم را نشانه گرفتند، اجساد شهداء توسط نظامیان از خیابانها جمع‌آوری شد، مردم خشمگین مشهد در این روز فروشگاه ارتش و چند سینما را آتش زدند.

حمله مردم به مراکز انتظامی

مردم مشهد پس از کشتار روز دهم محرم بر مقاومت خود افزودند، و به کلانتریها و مراکز نظامی و انتظامی حمله کردند، یک روز برای تسخیر نیروی پایداری در چهار راه شهداء به آنجا حمله نمودند، و تعدادی از مردم به دست محافظان آنجا به شهادت رسیدند، ولی مردم همچنان در برابر نظامیان که با توپ و تانک مجهز بودند مقاومت می نمودند.

در مشهد مقدس سه روز عزای عمومی اعلان شد و مجالسی به یاد بود شهداء در مساجد تشکیل گردید و سخنرانان مردم را به مقاومت دعوت می کردند، کلانتریها یکی پس از دیگری به دست مردم سقوط کردند و در اختیار نیروهای مردمی قرار گرفتند، نیروهای انتظامی به پادگان ها رفتند و از انظار مردم پنهان شدند.

تحصن علماء در اماکن متبرکه

هنگامیکه دولت بختیار برای ورود امام خمینی رضوان الله علیه مانع تراشی می کرد و اجازه ورود هواپیمای امام را نمی داد، علماء و استادان و شخصیت های فرهنگی و دانشگاهی و سران بازار در دارالزهد آستانه مقدسه تحصن اختیار کردند و از دولت بختیار خواستند مانع ورود هواپیمای امام خمینی به تهران نگردد.

این تحصن تا ورود امام رضوان الله علیه ادامه داشت، در این تحصن سخنرانها ادامه داشت تا آنگاه که امام خمینی روز دوازده بهمن ماه ۱۳۵۷ وارد تهران شدند و با ورود امام مشهد غرق شادی و سرور گردید و کاروانهای شادی در سطح شهر به حرکت در آمدند و شهر مشهد کاملاً در اختیار نیروهای مردمی قرار گرفت.

روز ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ نیروهای مذهبی به رهبری امام روح الله موسوی خمینی قدس سره پیروز شدند، و به دستور حضرت کمیته انقلاب اسلامی تشکیل شد، و در

مشهد کمیته‌ای از علماء و اهل فضل تأسیس گردید و زمام امور شهر را به دست گرفت تا آنگاه که نظام استقرار پیدا کرد و مخالفان و معاندان خاموش گردیدند. در پایان از فاضل ارجمند جناب حاج شیخ غلامرضا اسدی خراسانی که در تنظیم این فصل ما را یاری نمودند، سپاسگزارم و توفیق ایشان را از خداوند مهربان خواستارم.

مشهد مقدس در دفاع مقدس واسامی شهداء و ایثارگران.

مشهد و دفاع مقدس

جنگ تحمیلی عراق بر ضد جمهوری اسلامی ایران یکی از پدیده‌های نادر در تاریخ سیاسی ایران می‌باشد، علل و عوامل بروز این جنگ از طرف کارشناسان و تحلیل‌گران و سیاستمداران از جنبه‌های گوناگون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، صدها مقاله، جزوه و کتاب در این باره به زبانهای گوناگون تألیف و چاپ شده است. ما در این فصل مختصری از کوششها و مجاهدت‌های مردم مشهد مقدس در دفاع از کشور اسلامی ایران در برابر مخالفان و معاندان و جنگ افروزان ذکر می‌کنیم تا خوانندگان این کتاب از جریان حوادث این شهر مقدس در تاریخ معاصر آگاهی پیدا کنند و ایثار و فداکاری مردم خراسان مخصوصاً مشهد رضاء علیه السلام را دریابند.

حماسه هشت سال دفاع مقدس در تاریخ امت مسلمان ایران برگ زرینی است که همواره می‌درخشد، رشادتها، از خود گذشتگیها، ایثار، فداکاری، مقاومت و نبرد

بی‌امان با سپاه متجاوز از ویژگیهای مردم مسلمان ایران می‌باشد، مردم ایران با سلاح ایمان و اعتقاد به اصول و مبانی اسلام با دشمن جنگیدند و او را از وطن خود بیرون کردند.

مردم مشهد مقدس در طول جنگ و دفاع مقدس با تمام توان خود در این جنگ نابرابر شرکت کردند و همراه با ملت ایران در جبهه‌ها حضور یافتند و با دشمن پیکار نمودند، نیروهای نظامی شهر مقدس مشهد از سپاه، ارتش، و بسیج مردمی با استعانت از حضرت رضا (ع) در تمام جبهه‌ها مشارکت داشتند.

مردم مسلمان و مؤمن مشهد پرچم سبز گنبد امام رضا (ع) را در دست گرفتند و از کنار بارگاه ملکوتی آن حضرت رهسپار جبهه‌های جنوب و غرب کشور شدند، و در برابر دشمن بی‌رحم و مسلح به انواع سلاحها قرار گرفتند و از کشور اسلامی خود دفاع نمودند و در مقابل تجاوزات دشمن ایستادند و از مرزها حراست کردند.

علماء و رجال دینی مشهد فضلاء حوزه علمیه، واعظان و مبلغان مذهبی در جبهه‌ها حاضر شدند و در خط مقدم با رزمندگان قرار گرفتند، آنها در پادگانها و مراکز آموزشی جبهه و پشت جبهه سربازان و پاسداران و بسیجیان را با مسائل عقیدتی و سیاسی آشنا می‌نمودند و از مبارزات اهل بیت با کفر و الحاد سخن می‌گفتند.

در میان آنان از طلاب جوان گرفته تا امامان جماعت و اهل منبر و خطابه و مدرسان وجود داشتند، جالب اینجا است که دو تن از علماء مشهد که سن آنها از هشتاد سال هم متجاوز می‌کرد مکرر در جبهه‌های جنگ شرکت می‌کردند، مانند مرحوم حاج میرزا جواد آقا تهرانی عالم بزرگ مشهد و حاج شیخ حسن شیرازی امام جمعه مشهد.

یکی از مؤسسات فعال در جنگ هلال احمر مشهد بود که در رسانیدن دارو به درمانگاههای مرزی و بیمارستانهای صحرایی بسیار فعال بود و همچنین در جمع‌آوری کمکهای مردمی و رسانیدن آنها به جبهه‌ها کمکهای شایانی انجام داد و در آموزش نیروهای مردمی که به جبهه رفته بودند خدمات بزرگی انجام داد.

از دیگر سازمانها دانشکده پزشکی مشهد بود که با اعزام گروهی از پزشکان مشهد به جبهه‌های جنگ و مداوی مجروحان خدمات ارزنده‌ای انجام داد خدمت در بیمارستانهای صحرائی و درمانگاه‌های نقاط مرزی در زیر بارانی از گلوله توپ و خمپاره‌ها و حملات هوایی و توپخانه‌ای حاکی از مقاومت و ایثار پزشکان و کمک پزشکان و پرستاران می‌باشد.

آموزش و پرورش مشهد نیز در تأسیس مجتمع‌های آموزشی رزمندگان در مناطق جنگی سهم فراوانی دارد، گروهی از معلمان و دبیران از مشهد راهی خوزستان شدند و در این مجتمع‌های آموزشی کلاس درس تشکیل دادند، و دانش‌آموزان را زیر پوشش برنامه‌های آموزشی قرار دادند و منشأ آثار و خدمات شدند.

جهاد سازندگی مشهد هم در مناطق جنگی فعالیت داشت، آنها هم در جاده سازی، سنگرکشی، و ایجاد پل‌های ارتباطی برای عبور و مرور رزمندگان کارهای ارزنده‌ای انجام دادند و همراه با جهادگران سایر شهرستانها انجام وظیفه کردند و موجبات پیروزی را فراهم کردند و افتخار آفریدند.

در تمام ادارات دولتی شهر مشهد ستادهای پشتیبانی جنگ دائر گردید، و کارمندان و کارگزاران هر یک به نحوی در جنگ شرکت داشتند و به فراخور استعداد و تخصص‌های خود رزمندگان را همراهی می‌کردند و در دفاع مقدس شرکت داشتند.

در کارخانجات مشهد هم ستادی تشکیل شده بود، و کارگران و کارمندان با تأسیس بسیج کارگری در جبهه‌ها شرکت می‌کردند، اینجا نیز هر کدام بر حسب استعداد و دانشی که داشتند در جبهه‌ها بیاری رزمندگان می‌شتافتند و خدمات مورد نیاز جبهه را انجام می‌دادند.

کسبه و بازاریان مشهد هم در مجمع صنفی خود ستادی برای کمک به جبهه‌ها و رزمندگان تشکیل داده بودند، و با کمک و یاری رسانیدن به سربازان و پاسداران در جبهه‌ها خدمات فراوانی نمودند، انصافاً باید گفت: که اصناف و کسبه بیشترین خدمات

را انجام دادند.

راه آهن، هواپیمائی، و ترمینال مشهد هم در نقل و انتقال نیروهای مردمی و رزمندگان سهم بسیار زیادی دارند، بطور کلی تمامی اقشار مختلف مشهد و آستان قدس رضوی و ادارات و سازمانهای دولتی و کارخانجات و مؤسسات و سازمانهای خصوصی هر کدام در این جهاد مقدس سهمی داشتند و خدمات بزرگی انجام دادند. حضور گسترده مردم در تمام صحنه‌ها در میدان جنگ و یا خدمات پشت جبهه بی‌نظیر بود، رزمندگان پس از اینکه یک دوره در پادگانها و مراکز نظامی آموزش می‌دیدند، آماده رفتن به جبهه‌ها و نبرد با دشمن می‌شدند، هنگام حرکت بطرف مناطق جنگی به حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام مشرف می‌شدند و پس از زیارت عازم جبهه‌ها می‌گردیدند.

اینک هزاران شهید و جانباز و مفقود الاثر تقدیم مکتب حیات بخش اسلام گردید، مزار شهداء مشهد در بهشت رضا، اماکن متبرکه، و خواجه ربیع و قراء و قصبات اطراف مشهد نمونه‌هایی از این فداکاریها و ایثارگریها می‌باشند، آنها با اهداء خون پاک خود شجره مقدسه اسلام را آبیاری کردند و از مکتب تشیع حمایت نمودند. ما برای تهیه آماری مستند از اسامی شهداء مشهد که در جبهه‌های جنگ بفیض شهادت رسیدند، با مقامات سپاه و ارتش تماس گرفتیم، و از آنان درخواست کردیم اسامی شهداء مشهد را اعم از سپاهی، ارتشی و بسیجی در اختیار ما قرار دهند، و آنها وعده کردند اسامی را به ما بدهند تا در این کتاب تاریخی و فرهنگی چاپ شود.

هر چه انتظار کشیدیم پاسخی از طرف مقامات نرسید، تا آنگاه که توسط یکی از کارمندان مطلع سپاه مشهد لیستی در اختیار ما قرار گرفت و ما هم با دریافت اسامی شهداء آنها را بصورت الفبائی تنظیم کردیم و در این کتاب ثبت نمودیم، در اینجا ممکن است این فهرست جامع نباشد و افرادی از قلم افتاده باشند و یا در ثبت اسامی اشتباهی رخ داده باشد.

ما در این کتاب تنها شهدای مشهد و حومه آن را ذکر می‌کنیم و چون برای همه شهرستانهای استان خراسان کتابی در دست تألیف داریم، از این رو شهدای هر شهر را در کتاب آن شهرستان ذکر می‌کنیم، و در این میان ممکن است شهدائی از دیگر شهرهای خراسان در اینجا آمده باشند، و یا شهدای مشهد در فهرست شهرهای دیگر رفته باشند و اینک نام شهداء بر حسب حروف و ماه سال شهادت و سمت آنها:

اسامی شهداء مشهد

- ۱- ابراهیم امیرعباسی معاون تیپ ویژه سال شهادت ۱۳۶۲/۴/۱.
- ۲- سید ابراهیم شجیعی فرمانده گردان نصرالله سال شهادت ۱۳۶۴/۱۱/۲۳.
- ۳- ابراهیم محبوب فرمانده گردان تیپ ویژه
- ۴- ابوالفضل رفیعی قائم مقام لشکر نصر سال شهادت ۱۳۶۲/۱۲/۱۲.
- ۵- ابوالقاسم مصدق اکرمی مسئول مهندسی سال شهادت ۱۳۶۲/۱/۲۵.
- ۶- احمد رمضانی معاون مهندسی سال شهادت ۱۳۶۵/۱۰/۱۹.
- ۷- احمد عوض کننده مسئول اطلاعات سال شهادت ۱۳۶۵/۴/۱۲.
- ۸- احمد ملک‌نژاد مسئول حفاظت لشکر نصر.
- ۹- اسماعیل بیت‌اللهی معاون تیپ ۲۱ امام رضا علیه السلام سال شهادت ۱۳۶۲.
- ۱۰- بابا رستمی مسئول نیروهای خراسان سال شهادت ۱۳۵۹/۱۰/۱۸.
- ۱۱- تقی ایمان پرست فرمانده گردان حزب الله.
- ۱۲- جعفر حسینی فیاض، بسیج سال شهادت ۱۳۶۱/۲/۲.
- ۱۳- جلیل محدثی فرمانده گردان حزب الله سال شهادت ۱۳۶۶/۸/۲۸.
- ۱۴- جواد اسلامی استوار نیروی دریائی ناو سهند که در رویارویی با ناو آمریکائی در خلیج فارس در ۱۳۶۷/۱/۲۹ به شهادت رسید.
- ۱۵- جواد جامی خراسانی فرمانده گردان ولی الله سال شهادت ۱۳۶۳/۱۲/۲۳.

- ۱۶- جواد نامی فرمانده گردان.
- ۱۷- حسن آزادی معاون تیپ ۲۱ سال شهادت ۱۳۶۲/۱۲/۱۲.
- ۱۸- حسن آقاسی زاده معاون مهندسی قرارگاه خاتم الانبیاء سال شهادت ۱۳۶۶/۷/۲۸.
- ۱۹- حسن انفرادی فرمانده گردان یدالله سال شهادت ۱۳۶۵/۱۰/۲۲.
- ۲۰- حسن خانی فرمانده گردان سال شهادت ۱۳۶۲/۱/۲۲.
- ۲۱- حسن ستوده فرمانده گردان ثارالله سال شهادت ۱۳۶۵/۱۰/۴.
- ۲۲- حسن عاملی فرمانده گردان زرهی.
- ۲۳- حسنعلی مردانی مسئول خط و فرمانده گردان سال شهادت ۱۳۶۵/۱۱/۱۸.
- ۲۴- حسن موسوی مسئول واحد تخریب.
- ۲۵- حسن هاشمی فرمانده گردان امام رضا علیه السلام سال شهادت ۱۳۶۴/۱۱/۲۲.
- ۲۶- حسین حسین زاده فرمانده گردان نصرالله سال شهادت ۱۳۶۴/۱۱/۲۸.
- ۲۷- حسین علی پور مسئول مهندسی، لشکر امام رضا علیه السلام سال شهادت ۱۳۶۵/۱۰/۱۹.
- ۲۸- حسین فاضل حسینی فرمانده گردان نصر سال شهادت ۱۳۶۴/۱۱/۲۴.
- ۲۹- حسین کارگر مسئول خط گردان فلق سال شهادت ۱۳۶۲/۱۲/۱۲.
- ۳۰- حسین مجیدی اردکانی فرمانده یگان دریائی سال شهادت ۱۳۶۵/۱۰/۲۳.
- ۳۱- حسین محمدیانی مسئول تیپ محوری سال شهادت ۱۳۷۱/۹/۱۱.
- ۳۲- حسین نوری مسئول حفاظت لشکر ویژه.
- ۳۳- رضا خضرائی مسئول و معاون ستاد لشکر سال شهادت ۱۳۶۵/۱۱/۷.
- ۳۴- رضا سلطانی ناوبانیار ناو سهند که در رویارویی با ناو امریکائی در خلیج

فارس در ۶۷/۱/۲۹ به شهادت رسید.

۳۵- رسول محمدی ناو باینار ناو سهند که در رویارویی با ناو آمریکائی در خلیج فارس در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۹ به شهادت رسید.

۳۶- رمضان علی عاملی فرمانده تیپ امام صادق علیه السلام سال شهادت ۱۳۶۲/۱۲/۵.

۳۷- سعید نظافت بسیجی سال شهادت ۱۳۶۲/۵/۱۷.

۳۸- شکرالله خانی معاونت ستاد سال شهادت ۱۳۶۳/۱۲/۱۱.

۳۹- طاهری مسئول عقیدتی سیاسی سال شهادت ۱۳۶۶.

۴۰- عباس خوش بین مسئول مهندسی سال شهادت ۱۳۶۵/۱۰/۱۶.

۴۱- عباس رحمت جو بسیج سال شهادت ۱۳۶۲/۱۲/۵.

۴۲- عباس ولی نژاد معاون تیپ سال شهادت ۱۳۶۱/۸/۱۰.

۴۳- عبدالحسین بروسی فرمانده تیپ ۱۸ جواد الائمه علیه السلام سال شهادت ۱۳۶۳.

۴۴- عبدالحسین معافیان فرمانده گردان حزب الله سال شهادت ۱۳۶۴/۱۱/۳۰.

۴۵- عبدالهادی صاحبی بسیج سال شهادت ۱۳۶۲/۱۲/۴.

۴۶- عزیزالله ابراهیمی بسیج سال شهادت ۱۳۶۷/۱/۱۵.

۴۷- سید علی ابراهیمی مسئول تیپ امام رضا علیه السلام سال شهادت ۱۳۶۵/۱۰/۲۲.

۴۸- علی ترابی

۴۹- علی توکلی فرمانده گروهان حضرت رسول صلی الله علیه و آله سال شهادت ۱۳۶۳/۴/۱.

۵۰- علی حسینی فرمانده لشکر حر سال شهادت ۱۳۶۶/۱۱/۲۶.

۵۱- علی نجفی مسئول بهداشتی سال شهادت ۱۳۶۵/۱۰/۲۰.

۵۲- علی اصغر ابراهیمی بسیج سال شهادت ۱۳۶۶/۱۱/۱۵.

- ۵۳- علی اصغر ایرانی بسیج سال شهادت ۱۳۶۲/۸/۲۷.
- ۵۴- علی اصغر حسینی محراب فرمانده تیپ قائم سال شهادت ۱۳۶۵/۱۱/۳.
- ۵۵- علی اصغر منفرد مسئول واحد بسیج سال شهادت ۱۳۶۳/۱۲/۲۸.
- ۵۶- علی اصغر نائب درودی مسئول حفاظت سال شهادت ۱۳۶۵/۴/۱۳.
- ۵۷- علی اصغر نظری مهناءو یکم ناو سهند که در رویارویی با ناو آمریکائی در آبهای خلیج فارس در ۱۳۶۷/۱/۲۹ به شهادت رسید.
- ۵۸- علی اکبر حمامی مسئول محور ۲۱ سال شهادت ۱۳۶۳/۱۲/۲۳.
- ۵۹- علی اکبر عین القضاة مسئول تبلیغات سال شهادت ۱۳۶۶/۱۰/۲۲.
- ۶۰- علیرضا آزمایش فرمانده گردان حزب الله سال شهادت ۱۳۶۵/۲/۵.
- ۶۱- علیرضا بابازاده بسیج سال شهادت ۱۳۶۱/۷/۱۱.
- ۶۲- علیرضا رحمت جو بسیج سال شهادت ۱۳۶۱/۱/۲.
- ۶۳- غلام حسین اسداللهی مسئول خط سال شهادت ۱۳۶۲/۱۲/۸.
- ۶۴- غلام رضا تدین
- ۶۵- غلامغلی ترابی فرمانده گردان امام محمد تقی (ع) سال شهادت ۱۳۶۶/۱۲/۲۵.
- ۶۶- غلام محمد نیک عیش مسئول طرح و عملیات سال شهادت ۱۳۶۵/۹/۲۳.
- ۶۷- فتح الله ابراهیمی بسیج سال شهادت ۱۳۶۶/۶/۱۷.
- ۶۸- فرنوش رحمانی بسیج سال شهادت ۱۳۶۵/۱۰/۳۰.
- ۶۹- قاسم موحدی فرمانده گردان تخریب سال شهادت ۱۳۶۵.
- ۷۰- کاظم حسینی فیاض بسیج سال شهادت ۱۳۶۴/۴/۱۹.
- ۷۱- گل محمد عزنوی فرمانده گردان.
- ۷۲- مجید گرایلی فرمانده گردان ولی الله سال شهادت ۱۳۶۳/۱۲/۲۳.

- ۷۳- مجید مهانی مسئول حفاظت تیپ امام صادق علیه السلام سال شهادت ۱۳۶۱.
- ۷۴- محسن حسینی فرمانده گردان امام محمد تقی علیه السلام سال شهادت ۱۳۶۵/۴/۱۱.
- ۷۵- محمد بهاری فرمانده گردان تخریب سال شهادت ۱۳۶۵/۶/۲۳.
- ۷۶- محمد سبزی کار فرمانده گردان ادوات سال شهادت ۱۳۶۲/۱۲/۲۱.
- ۷۷- محمد ابراهیم دادمند بسیج سال شهادت ۱۳۶۰/۱۱/۱۸.
- ۷۸- محمد ابراهیم شریفی مسئول محور سال شهادت ۱۳۶۵/۱۱/۲۳.
- ۷۹- محمد باقر استوار نیروی دریائی ناو سهند که در رویارویی با ناو آمریکائی در خلیج فارس در ۱۳۶۷/۱/۲۹ به شهادت رسید.
- ۸۰- محمد باقر جوادى مسئول محور سال شهادت ۱۳۶۵/۱۲/۲۵.
- ۸۱- محمد بهرامی گردان تعاون سال شهادت ۱۳۶۱/۶/۱۸.
- ۸۲- محمد تقی بافندگان مسئول تدارکات سال شهادت ۱۳۶۶/۴/۸.
- ۸۳- محمد حسین ارفعی معاون تیپ ۱۸ جواد الائمه علیه السلام سال شهادت ۱۳۶۴/۱/۲.
- ۸۴- محمد حسین بصیر فرمانده گردان کوثر سال شهادت ۱۳۶۳/۱۱/۲۳.
- ۸۵- محمدرضا حمامی مسئول اطلاعات عملیات سال شهادت ۱۳۶۱/۱۱/۲۳.
- ۸۶- محمدرضا رضوانی ثوقانی استوار نیروی دریائی ناو سهند که در رویارویی با ناو آمریکائی در آبهای خلیج فارس در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۹ به شهادت رسید.
- ۸۷- محمدرضا شریف حسینی فرمانده مهندسی قرارگاه سال شهادت ۱۳۶۵/۱۱/۲۹.
- ۸۸- محمدرضا قندهاری فرمانده گردان ادوات سال شهادت ۱۳۶۳/۱۲/۲۱.
- ۸۹- محمد صادق دادمند بسیج سال شهادت ۱۳۶۴/۶/۱۹.

- ۹۰- محمدعلی پلیسان مسئول محور سال شهادت ۱۳۶۵/۸/۲۱.
- ۹۱- محمدعلی حافظی عسکری فرمانده گردان ولی الله سال شهادت ۱۳۶۳/۱۲/۲۳.
- ۹۲- محمدعلی عباسی معاون تیپ امام صادق (ع) سال شهادت ۱۳۶۳/۷/۲۷.
- ۹۳- محمدعلی قدمیاری معاون طرح و برنامه ریزی سال شهادت ۱۳۶۵/۴/۱۲.
- ۹۴- محمد مهدی خادم الشریعه فرمانده تیپ امام رضا (ع) سال شهادت ۱۳۶۱.
- ۹۵- محمود امیرخانی معاون تیپ جواد الائمه (ع) سال شهادت ۱۳۶۱/۷/۵.
- ۹۶- محمود رادمرد دفتر قضائی سال شهادت ۱۳۶۳/۱۰/۱۹.
- ۹۷- محمود ساعدی فرمانده گردان توپخانه سال شهادت ۱۳۶۴/۱۲/۲۵.
- ۹۸- محمود کاوه فرمانده لشکر ویژه شهداء سال شهادت ۱۳۶۵/۶/۱۱.
- ۹۹- مصطفی رحمانی پاسدار سال شهادت ۱۳۶۵/۱۰/۱۹.
- ۱۰۰- مصطفی قوی معاون تیپ ۲۱ سال شهادت ۱۳۶۵/۴/۶۲۱.
- ۱۰۱- موسی ابراهیمی بسیج سال شهادت ۱۳۶۴/۴/۱۳.
- ۱۰۲- موسوی مسئول لشکر عقیدتی ۲۱.
- ۱۰۳- مهدی بابازاده بسیج سال شهادت ۱۳۶۲/۱/۵.
- ۱۰۴- مهدی شوشتری معاون اطلاعات عملیات سال شهادت ۱۳۶۵/۲/۲۶.
- ۱۰۵- مهدی صاحبی بسیج سال شهادت ۱۳۶۱/۸/۳.
- ۱۰۶- مهدی فرودی مسئول محور سال شهادت ۱۳۶۵/۱۰/۴.
- ۱۰۷- مهدی فرومندی قائم مقام لشکر نصر سال شهادت ۱۳۶۵/۱۰/۲۰.
- ۱۰۸- مهدی فضل خدا فرمانده گردان حزب الله سال شهادت ۱۳۶۵/۲/۲۹.
- ۱۰۹- مهدی میرزائی فرمانده تیپ امام موسی سال شهادت ۱۳۶۳/۷/۲۹.
- ۱۱۰- ناصر سازگار مسئول محور سال شهادت ۶۵/۱۰/۲۳.

- ۱۱۱- نورالله کاظمیان مسئول محور سال شهادت ۱۳۶۵/۱۰/۲۳.
- ۱۱۲- وحید نظافت بسیج سال شهادت ۱۳۶۵/۴/۱۱.
- ۱۱۳- ولی الله چراغچی قائم مقام لشکر ۵ نصر سال شهادت ۱۳۶۴/۱/۱۸.
- ۱۱۴- هادی ایرانی بسیج سال شهادت ۱۳۶۵/۶/۱۲.
- ۱۱۵- هاشم بیدار مسئول مخابرات سال شهادت ۱۳۶۶/۷/۱.

مشهد و جهانگردان خارجی

مشهد و جهانگردان خارجی

ما در فصل مدارس جدید در مشهد مقدس رضوی از فعالیت‌های فرنگیان و عوامل آنها بویژه انگلیس و روس مطالبی به نظر خوانندگان رساندیم، در اینجا نیز درباره مسافران و جهانگردان اروپائی که از اوائل قاجاریه در این منطقه به جستجو و تهیه گزارش از اوضاع و احوال مشهد و دیگر شهرهای خراسان پرداختند اطلاعاتی به نظر خوانندگان می‌رسانیم.

مسافران و جهانگردان اروپائی در مسافرت‌های خود به خراسان و سایر مناطق شرقی ایران نظرهای متفاوتی داشته‌اند، و هر کدام با برنامه‌های خاصی کشور خود را ترک می‌کردند و به طرف مشرق روی می‌آوردند، اغلب این جهانگردان وابسته به دولت‌ها و یا جریان‌های سیاسی، بازرگانی، فرهنگی و مذهبی بوده‌اند.

تعدادی از این جهانگردان مأموران سیاسی و نظامی بوده‌اند، گروهی هم بازرگان و بازاریاب بشمار می‌رفتند که برای پیدا کردن بازار مصرف کالای کشور خود به شهرها و ولایات سفر می‌کردند و با تجار و بازرگانان ایرانی ارتباط برقرار می‌نمودند و احياناً دفتری هم تأسیس می‌کردند و یک ایرانی را هم به عنوان رابط تعیین می‌نمودند.

بعضی از جهانگردان مأموران مذهبی و مبلغ کلیساها بودند، آنها برای تبلیغ و ترویج مذهب مسیح به شهرها و ولایات خراسان اعزام می‌شدند و غرض آنان ارتباط با مسیحیان مقیم در این مناطق و تقویت آنها در برابر مسلمانان بود، آنان در این مسافرتها راههای نفوذ در بین مسلمانان و تضعیف عقائد آنها را بررسی می‌کردند و در فکر تبلیغ اندیشه‌های خود بودند.

جماعتی هم برای تهیه اخبار و گزارش جهت روزنامه‌ها و مجلات اروپائی به اینگونه مسافرتها اقدام می‌نمودند، این گروه بعد از مراجعت به کشورهای خود اطلاعات جمع‌آوری شده را در اختیار روزنامه‌ها و مجلات می‌گذاشتند و از این طریق پولهای زیادی به دست می‌آوردند، و در ضمن به شهرتی هم می‌رسیدند و به محافل حاکمه راه پیدا می‌کردند.

افرادی از این جهانگردان نیز جاسوس کشورهای اروپائی بودند، آنها از طرف سازمانهای اطلاعاتی و جاسوسی به شهرهای خراسان مخصوصاً مشهد مقدس مسافرت می‌کردند تا راههای نفوذ را بررسی نمایند، آنها در میان مردم و اجتماعات حاضر می‌شدند و با طبقات گوناگون ارتباط برقرار می‌کردند تا به مقاصد خود برسند و افراد ضعیف را شکار نمایند.

مشهد مقدس رضوی پس از سقوط خوارزم و سرزمینهای شرق دریای مازندران به دست روسهای تزاری و پیشروی آنها بطرف مشهد و هرات، اهمیت زیادی پیدا کرد و روسها به این شهر عنایت بیشتری پیدا کردند، بر اساس روایات مستندی که

از رؤسای عشائر قوچان شنیدم روسها پس از گرفتن منطقه آخال و دشت خاوران متوجه مشهد مقدس شدند.

آنها در نظر داشتند بجنورد، قوچان و مشهد را تصرف کنند و خود را به هرات و سیستان برسانند و بعد متوجه هندوستان شوند، ولی عشائر خراسان مخصوصاً عشیره بزرگ زعفرانلو که در قوچان حکومت می‌کردند جلو عوامل آنها را گرفتند و با کمک دولت مرکزی شورشیان این منطقه را که از طرف روسها پشتیبانی می‌شدند سرکوب نمودند.

از طرف دیگر رقیب روسها یعنی دولت انگلستان هم از نیت روسها واقف بود، آنها هم پس از تسخیر بلوچستان به افغانستان حمله آوردند و تا قندهار پیش رفتند، و نفوذ خود را تا هرات و زاهدان گسترش دادند و متوجه سرحدات ایران شدند، و عوامل و جاسوسان خود را به منطقه خراسان فرستادند.

در این هنگام مشهد مقدس برای آن دو کشور اهمیت پیدا کرد آنها با تأسیس کنسولگری و دفاتر تجارتي در این شهر به فعالیت پرداختند دولتین روس و انگلیس گروهی از اتباع مسلمان خود را که از شیعیان هند و قفقاز و صغد و خوارزم بودند در مشهد مقدس به عنوان کارمند و نماینده بازرگانی به استخدام خود در آوردند.

اتباع روس و انگلستان که شیعه هندی و قفقازی بودند و در میان آنها افراد عادی و صاحب مقام هم پیدا می‌شدند، با طبقات مختلف مردم مشهد رفت و آمد داشتند و با علماء و رهبران مذهبی هم در ارتباط بودند، و هر کدام از این مهاجرین سعی می‌کردند خود را به صاحبان نفوذ در مشهد نزدیک کنند و اطلاعات لازم را در اختیار دولت متبوع خود بگذارند.

با نزدیک شدن روس و انگلیس به مشهد این شهر بصورت یک مرکز فعال سیاسی برای آن دو کشور در آمد، خط تلگراف بین لندن و مشهد و هندوستان برای ارتباط مأموران انگلیس فراهم گردید، و از طرف روسها هم خط تلگراف و ارتباط بین

مشهد و شهرهای بزرگ روسیه بر قرار شد، و مشهد برای آن دو کشور بصورت یک پایگاه درآمد.

در این هنگام راه جهانگردان گوناگون اروپائی به خراسان و مشهد باز گردید این جهانگردان اکثر از روسیه و انگلستان بطرف منطقه سرازیر شدند، و هر کدام به منظوری در این استان پهناور به گردش پرداختند و اطلاعات لازم را برای دولت‌های خود فراهم آوردند و راههای مواصلاتی خراسان را با کشورهای همجوار پیدا کردند و با مردمان گوناگون ارتباط بر قرار نمودند.

ما در این فصل فقط به نمونه‌هایی از این جهانگردان اشاره می‌کنیم و تحقیق در این باره نیازمند تألیف یک کتاب مستقل می‌باشد، تعدادی از این سفرنامه‌ها در سالهای اخیر ترجمه شده‌اند، و بسیاری هنوز به زبانهای اصلی در کتابخانه‌های مختلف و مجموعه‌های شخصی بصورت خطی و چاپی باقی است و هنوز چاپ و یا ترجمه نشده‌اند.

محمد حسن خان اعتمادالسلطنه که از رجال عصر ناصری و از فضلاء زمان خود بود و زبانهای خارجی هم می‌دانست در مطلع الشمس تعدادی از جهانگردان فرنگی را که از مشهد مقدس دیدن کرده‌اند ذکر می‌کند و گفته‌های آنان را در این کتاب نقل می‌نماید، و ما اکنون در اینجا نخست از جهانگردانی که در مطلع الشمس از آنها یاد می‌کند نام می‌بریم:

اعتمادالسلطنه گوید: تا سال ۱۸۵۸ مردم اروپا از مشهد مقدس اطلاع درست و مستندی نداشتند، اگر مسافری از شرق به اروپا می‌رفت و یا یک اروپائی از شرق برمی‌گشت و مطالبی از مشهد و خصوصیات آن بیان می‌کرد چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت و دانشمندان و نویسندگان به آن گفته‌ها و یا نوشته‌ها اعتماد نمی‌کردند.

۱- سفرنامه خانیکوف

اعتمادالسلطنه گوید: خانیکوف یک سیاح روسی بود که از قفقاز، ایران، افغانستان و ترکمنستان دیدن کرد، او در سال ۱۲۵۸ وارد مشهد مقدس گردید و مدتی در این شهر اقامت نمود، او در سفرنامه خود یکصد و بیست سطر در باره مشهد مقدس نوشته است، و در ضمن مطالبی که در سفرنامه خود آورده گوید:

ایرانیان باید تعصب را کنار گذارند و اجازه دهند یک معمار فرنگی وارد صحن‌ها و رواقهای امام رضا علیه السلام شود و از بناهای آن نقشه‌هائی تهیه کند، و از جهات فنی و تاریخی درباره این رواقها و صحنها تحقیق نماید و اطلاعات لازم را گرد آورد و در اختیار اهل فن قرار دهد.

خانیکوف گوید: مشهد در نهصد و پنجاه کیلو متری تهران، و هزار و صد و پنجاه کیلو متری بخارا و پانصد و چهل کیلو متری خیوه و هشتصد و پنجاه کیلو متری قندهار و چهار و صد و سی کیلو متری هرات قرار دارد تابستان مشهد بسیار گرم است و هوای آن مانند شهرهای استوائی می‌باشد، زمستان اراضی اطراف مشهد مستور از برف می‌باشد.

بهار و پائیز هوا در نهایت اعتدال است، شهر مشهد شکلا طولانی و امتدادش از مغرب به مشرق می‌باشد، نهر بزرگی از وسط شهر جاری است و در اطراف آن اشجار غرس گردیده و بهترین خیابان و معابر عمومی مشهد به شمار می‌آید، در مشهد کاروانسراهای خوب و حمام‌های مشهور دایر است.

مشهد در حدود شصت هزار نفر سکنه دارد و زوار که در ظرف یک سال به این شهر می‌آیند پنجاه هزار نفر می‌باشند، کتابخانه حضرتی دو هزار و نهصد و هفت نسخه در سه هزار و ششصد و پنجاه و چهار جلد است، آنها اذعان می‌نمایند که باید چند ماه در مشهد ماند و حق دخول به صحن و حرم را بدست آورد تا اطلاعات کامل حاصل شود.

ارک مشهد طرف جنوب غربی شهر واقع شده، میدان وسیعی در آنجا قرار گرفته که کسی حق ندارد در آنجا عمارتی بسازد، خانه‌های شهر چندان وسعتی ندارد و بعضی را دو حیاط می‌باشد و سطح آنها از سطح کوچه گود است، دهلیزخانه‌ها عمیق و تنگ و تاریک می‌باشد، شهر در جلگه ساخته شده و طرف شمال شرقی نسبتاً بلند است. اعتمادالسلطنه گوید: در انجمن جغرافیائی پاریس این سفرنامه مورد بحث قرار گرفت، اروپائیان که تا آن روز از مشهد اطلاع درستی نداشتند، از این سفرنامه تقدیر کردند، یکی از اعضاء انجمن گفت: باید این انجمن امتیازی برای خانیکوف در نظر بگیرد و از او در نوشتن این سفرنامه تقدیر کند.

۲- سفرنامه فورشایر

او در سال ۱۷۸۳ وارد مشهد مقدس شده و در سفرنامه خود درباره مشهد گوید: مشهد پایتخت خراسان ایران است، سکنه مشهد پنجاه هزار نفر و دارای میوه‌های گوناگون و خوردنیها که از باغها و مزارع مشهد تهیه می‌گردد و دیواری دور شهر کشیده شده که دایره آن سه فرسخ می‌باشد.

فورشایر گوید: بازار بزرگ در تمام طول شهر از شرق به غرب کشیده شده و طول آن در حدود سه میل می‌باشد، مشهد دوازده محله دارد که پنج محله آن بایر و باقی دایر است حاکم شهر محمدولی میرزا پسر پادشاه می‌باشد، مالیات خراسان بعد از وضع مخارج نود هزار تومان است که به تهران فرستاده می‌شود.

مشهد از نظر تجارتی با بخارا، بلخ، قندهار، و هرات در ارتباط است و بازار تجارتی معتبری دارد، در کارخانه‌های مشهد مخمل‌های خوب بافته می‌شود و پوستهای آن که به مصرف پوشش می‌رسد ممتاز می‌باشد مشهد در دو فرسخی شهر قدیم طوس قرار دارد، و بناهای حکومتی و ساختمانهای دولتی از اهمیت خاصی برخوردار نیستند.

۳- فرزر سیاح انگلیسی

یکی از سیاحان اروپائی که به خراسان و مشهد مقدس مسافرت کرده فرزر سیاح انگلیسی می‌باشد او در سال ۱۲۳۱ هنگام حکومت حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه والی خراسان به این شهر رسید، او مدتی در مشهد زندگی کرد و با طبقات مختلفی در مشهد به گفتگو پرداخت و اطلاعاتی پیرامون مشهد مقدس گرد آورد و بعد بصورت کتابی تألیف نمود:

فرزر گوید: وقتی که من به مشهد آمدم حسنعلی میرزا حاکم خراسان و میرزا موسی وزیر او بود، ابتداء من در منزل میرزا موسی ساکن شدم و بعد به جای دیگری نقل مکان کردم، یک روز میرزا موسی ما را به حضور شاهزاده برد، او شینده بود من دوربینی دارم به این جهت مرا احضار نمود، پس از ورود شاهزاده مرا در مقابل میرزا عبدالوهاب منجم باشی نشانید و از مباحث نجومی بحث شد.

یک روز به دیدن میرزا عبدالجواد مجتهد رفتم و مرا بخوبی پذیرفت، او پسر میرزا مهدی مجتهد مشهد می‌باشد، فرش اطاق میرزا عبدالجواد حصیر بود و جمعی در آنجا بودند و خیلی به او احترام می‌کردند، او بعضی مطالب نجومی و جغرافیائی پرسید و از دوربین گفتگوهائی انجام گرفت، او جرائقال خوب می‌دانست، و ادوات و آلاتی از فرنگ در اختیار داشت.

یک روز میرزا عبدالجواد به منزل من آمد و خصوصیت ما زیاد شد، بعد شهادتین به من آموخت من آن را بر زبان جاری کردم، معلوم است که من بعد از این مسلمان محسوب می‌شدم، و گفتن شهادتین سبب شد که با میرزا عبدالجواد بار دیگر داخل صحن و حرم مطهر شوم و با آسودگی این اماکن را مشاهده کنم، در این وقت اطراف مشهد نظم درستی نداشت.

او درباره اماکن متبرکه رضویه و مدارس مشهد تحقیق کرده و از آثار تاریخی و

ساختمانهای دولتی و برج و باروی مشهد مطالبی آورده است، در این تحقیقات قطعا افرادی از اهل علم و ادب مشهد با او همکاری و همراهی داشته‌اند، او با نیرنگ و فریب گروهی را بطرف خود جلب کرده و اطلاعات لازم را از آنها می‌گرفته است.

او گوید: تعداد نفوس این شهر را نتوانستم بدرستی معلوم کنم، هر کس چیزی می‌گفت و به نظر من باید چهل هزار نفر باشند، یکی از صاحب منصبان ایرانی به من گفت: تعداد نفوس شهر مشهد سی و دو هزار نفر می‌شود، بیشترین طبقه در این شهر طلاب و اهل علم هستند، که با اهل علم فرنگ تفاوت و مابینت کلی دارند.

در مشهد تجار و ارباب مکاسب باندازه کفایت سکنی دارند، یک محله مشهد مخصوص یهودیها می‌باشد و حرفه آنها کهنه فروشی است، ارمنی در این شهر نیست، مسافر به جهت زیارت و تجارت همیشه در محلات دیده می‌شود اعراب، اترک، افغانه و تراکمه و ازبک در کاروانسراها و بازارها بسیار می‌باشند و البسه آنها تماشا نیست.

تجارت مشهد عمده است و این شهر مانند بندرگاهی است که هر روز کاروانهای تجارتی از خیه، هرات، کرمان، یزد، کاشان، اصفهان و جاهای دیگر به مشهد وارد می‌شوند و اجناس فراوانی مبادله می‌گردد، حق گمرکی مشهد بیست و پنج هزار تومان است که به دولت پرداخت می‌شود ولی به همین اندازه هم مباشران از بین می‌برند.

اجناس و فراورده‌های این شهر بخوبی مشهور است، مخمل مشهد بهترین مخمل ایران می‌باشد، تیغه‌های شمشیر خوب می‌سازند که از پانزده الی دویست ریال می‌فروشند، تیغه‌هایی که از استادان قدیم مانده به قیمت‌های گزاف به فروش می‌رسند، یعنی گاهی دو هزار ریال و یا بیشتر بهای آنها می‌باشد، و پارچه‌های ابریشمی و پنبه هم در اینجا بافته می‌شوند.

نزدیک بودن معادن فیروزه برای عده کثیری از سنگتراشهای این شهر شغل و کسبی ترتیب داده و انگشترهای فیروزه در هر طرف شهر دیده می‌شود، چندین کاروانسرا مخصوص تجار فیروزه است، که فیروزه‌ها را به فیروزه تراشها می‌دهند،

آلات فیروزه تراشی خیلی ساده است و فیروزه‌های تراشیده را به تجار می‌دهند و آنها هم به خارج صادر می‌کنند.

فیروزه‌ها از مشهد به بخارا و از آنجا به روسیه و فرنگستان حمل می‌شود و از راه قندهار و هرات هم به هندوستان صادر می‌گردد، مقداری هم زائران می‌خرند و به عنوان تبرک با خود می‌برند، عربها نیز به فیروزه بسیار علاقمند می‌باشند، آنها هم طرفدار فیروزه‌های درشت هستند و از فیروزه بازوبند می‌سازند.

در مشهد جماعتی هم سنگتراشی دارند و مانند فیروزه تراشها روی سنگ کار می‌کنند، آنها از سنگ بعضی آلات و ادوات مانند فنجان، بشقات، قهوه جوش، قوری و آفتابه و اشیاء دیگر می‌سازند، و مردمان ایران به اینگونه ظروف سنگی بسیار علاقه دارند، و آنها را از مشهد خریداری می‌کنند و با خود می‌برند.

قیمت اجناس در این وقت (سال ۱۲۳۱) از قرار ذیل است نان چهار من و نیم یک ریال، برنج خوب یک من پانزده شاهی، جو دوازده من یک ریال، کاه بیست و چهار من یک ریال، گوشت گوسفند و گاو یک من یکقران روغن یک من سه هزار، پیه برای شمع یک من یک ریال، هیزم از بیست الی سی من یک ریال.

روزی صبح به حمام رفتم در اینجا با بعضی‌ها آشنا شدم، در مشرق زمین حمام به منزله قهوه‌خانه است، مخصوصاً صبحهای سرد به آنجا می‌روند و در گرمی حمام صحبت می‌کنند، در حمام اطلاعاتی درباره آینده خود به دست آوردم، پس از خروج از حمام با یک نفر از اهالی روسیه آشنا شدم، او را اسیر کرده و در بخارا فروخته بودند.

او از بخارا به مشهد آمده بود و در اینجا وارد خدمات دولتی شده و در توپخانه کار می‌کرد و زن و فرزند داشت و از زندگی خود راضی بود، ولی همواره در یاد وطن خود بوده و از دوری وطن افسوس می‌خورد، در مشهد با شخصی به نام یوسف خان آشنا شدم که زبان انگلیسی می‌دانست و خیال نمی‌کردم کسی در اینجا انگلیسی بداند. بعد از گفتگو با یوسف خان معلوم شد او در بمبئی در خدمت دولت انگلیس بوده

و در آنجا هندی و انگلیسی یاد گرفته است، از دیدن او امیدوار شدم که او به من کمک کند، هنگامیکه با وی گرم صحبت بودم که سید حسین یکی از خادمان حضرت رضا رسید و بعد از چند کلمه حرف متفرقه گفت: حالا برای دیدن حرم حضرت بهترین وقت است.

اکنون حرم خلوت است و خطری ندارد، من فوراً بالا پوش خود را برداشته از عقب او روانه شدم و وارد زیر گنبد طلا شدم و به اطاق مرکزی رسیدم، جایی به این قشنگی و عظمت کمتر دیده‌ام، نمی‌دانم بزرگی و عظمت این بنا بیشتر اسباب تعجب است یا ثروت و مکنت و گرانبهائی تزئینات آن که در روشنائی کم اجسام درخشنده چنانکه باید دیده نمی‌شود.

بعد از تماشا نزدیک شدیم به حرم مطهر در آستانه راهنمای من تعظیمی شبیه به سجده نمود و اذن دخول مفصلی خواند و آنچه گفت و کرد من هم تقلید او نمودم اگر چه یک کلمه از آنچه گفت نفهمیدم، بعد داخل حرم شدیم و در هر چهار طرف مرقد مطهر زیارتها و دعاها خواندیم و تعظیمها نمودیم بعد از آن این بنای عالی را تماشا نمودم. اما واهمه اینکه عیسوی نباید در این مکان داخل شود و اگر بفهمند خطر خواهد داشت و خیال می‌کردم که مردم به نظر ریب و تردید به من نگاه می‌کنند، کمی روشنائی برای مستور ماندن من نافع بود، در وقت زیارت و ادای اعمال چون من خیلی نابلد بودم اگر کسی درست ملتفت من بود می‌فهمید که من مسلمان نیستم.

خادم راهنمای من نیز به همین جهت عجله داشت که زود از حرم مطهر و صحن خارج شویم، خلاصه پس از تماشا از حرم خارج و از میان صحن عبور کرده و از چشم انداز مدرسه میرزا جعفر دور شدیم، اگر در وقت جمعیت و ازدحام به اینجا رفته بودم بهتر و به احتیاط نزدیکتر بود، چیزی نگذشت که ورود من به مشهد مشهور و معلوم همه شد.

۴- سفرنامه کنولی

یکی از سیاحان اروپائی که در سال ۱۸۲۳ وارد مشهد مقدس شده موسیو کنولی بوده است، او در مسافرت به هندوستان به مشهد رسید، وی درباره این شهر می‌نویسد دیوار شهر مشهد از دیوار هرات بزرگتر است، ولی جمعیت آن از هرات کمتر می‌باشد، خیابانی از مشرق شهر به مغرب کشیده شده و در دو طرف آن دکانین ساخته شده است. این خیابان دروازه معتبری دارد که از اینیه عالییه بشمار می‌رود و باکاشی زینت یافته است، شهر مشهد شانزده مدرسه و تقریباً صد نفر ملای عالم دارد، جمعیت مشهد به قولی چهل و پنج هزار و به گفته‌ای چهل هزار نفر می‌باشد، این شهر سالی شصت هزار زائر دارد و آنها به خاطر زیارت هر نوع سختیها را تحمل می‌کنند.

تجارت در مشهد بی‌روتق نیست، چای از بخارا، روسیه و هندوستان به این شهر حمل می‌شود، قند، ادویه، بارهای شال و ماهوت با شتر و قاطر به اینجا می‌آورند، قرار رسم گمرک مشهد در صدد و نیم است و در سال تقریباً یک کروور تومان داد و ستد تجارتی مشهد می‌شود، از مشهد فیروزه، بره، گوسفند، مخمل و پارچه‌های پشمی به جاهای دیگر می‌برند.

از کاشان یراق، جوراب پشمی، چراغهای فلزی و ظروف مسی، و از شیراز خرما، تنباکو، لیمو، اسباب جانمازی، و حصیر، از کرمان شال، تریاک، حنا، و نیل از هند قند، ادویه، مشک، عنبر، مرجان، جواهر، چرم، پارچه نازک و نیل، از بخارا و کشمیر شال، زعفران، کاغذ چینی و روسی، از روسیه، سالی صد و بیست هزار پوست بره پارچه‌های پشم شتر، چای، ماهوت و ظروف.

از هرات فرش، سرب، زعفران، پسته، مصطکی، ترنجبین، شیر خشت و صمغ به مشهد فرستاده می‌شود، قیمت مال التجاره زیاد نیست و ماکولات فراوان است، اما گندم را از نیشابور به اینجا می‌آورند، زیرا در اراضی مشهد بقدر کفایت زراعت نمی‌کنند، در مشهد اسب کم و قاطر خیلی گران است.

۵- سفرنامه فریه فرانسوی

یکی از جهانگردان اروپائی مسیو فریه فرانسوی بود که در سال ۱۸۴۵ وارد مشهد مقدس گردید او در سفرنامه خود می‌نویسد: جلگه‌ای که شهر مشهد در آن واقع شده خالی از آبادی است و علت آن تاخت و تاز ترکمان، و افغانها و اوزبکها می‌باشد و در تمام بیابانها برجهای کوچک دیده می‌شود.

دامنه کوهستان بر خلاف دشت دهات بسیار دارد که غالب آذوقه اهل مشهد از آن آبادیها به شهر حمل می‌گردد، وقتی که شخصی از طرف درود نیشابور به مشهد می‌آید طرف راست دو تپه دیده می‌شود که اهالی شهر آنها را کوه طلا و نقره می‌گویند، زیرا که از این دو فلز در این دو تپه زیاد یافت می‌شود.

عقیده اهالی ایران این است که در زمان‌های گذشته از رگه‌های طلائی معادن فائده زیادی حاصل می‌شده است و حالا هم که سنگهای طلائی از این معدن به دست می‌آید خیلی منفعت از آن عاید می‌گردد، این جهانگرد فرانسوی پس از اینکه مطالبی درباره تاریخ شهر طوس آورده و از حوادث آن سخن گفته است گوید:

این شهر در نهایت آبادی می‌باشد، تجارت آن با رونق و زوار زیادی در اینجا رفت و آمد دارند، این شهر مرکز و محل عبور و مرور است و مال التجاره وارده به ایران اینجا آمده و بعد از این شهر به ممالک دیگر می‌روند، سالی پنجاه هزار نفر زوار وارد مشهد می‌شوند و ذخائر خود را در اینجا مصرف می‌نمایند.

سکنه این شهر بواسطه مهاجرین مرو، سرخس، هرات و قندهار شصت هزار نفر و همیشه سی هزار نفر زوار در اینجا هستند، شهر مشهد را دیواری از گل احاطه کرده و دور دیوار هم خندق حفر کرده‌اند، امتداد دیوار تقریباً هفت هزار متر، این قلعه و خندق برای دفاع چندان شایستگی ندارد.

بنائی که در مشهد قابل ذکر است روضه حضرت رضا و مسجد این روضه است و

آن در وسط شهر واقع شده است، در وسط خیابان نهري بزرگ جاری است و در دو طرف آن درخت چنار کاشته‌اند، و در داخل شهر مشهد چندین قبرستان هست که مردم مردکان خود را در آن به خاک می‌سپارند.

تجارت در مشهد مخصوصاً داد و ستد قند که از یزد به اینجا حمل می‌شود و از مشهد به آسیای مرکزی می‌برند با رونق است، پارچه‌های پنبه، ماهوت، ظروف چینی و بلور از تهران به مشهد حمل می‌گردد، در این شهر قالیه‌های خوب و شالهای شبیه به شال کشمیری بافته می‌شود، شمشیر خراسانی، اقسام ظروف سنگی هم در مشهد ساخته می‌گردد.

۶- سفرنامه عبدالکریم هندی

او همراه نادر شاه افشار از هندوستان به مشهد مقدس آمد، و هنگام اقامت در ایران سفرنامه‌ای نوشت، وی در سفرنامه خود درباره مشهد گوید: روز نوزدهم ذی قعدة سال ۱۱۵۳ وارد مشهد شدیم، در این شهر بعضی چیزهای دیدنی است، از آن جمله حصار شهر می‌باشد، در خارج دیوار سنگرهای آن مثلث شکل ساخته شده و برای مدافعه بهترین اشکال است.

زیرا هنگام محاصره وقتی که در این سنگرها قشون گذاشته شود از هر طرف به حمله آوران می‌توان تیراندازی کرد، در مرکز روضه حضرت رضا علیه السلام بنائی بسیار عالی است با گنبدی وسیع و ابنیه رفیع در اطراف آن گنبد بازار بزرگ سابق در جلو این گنبد بود، اما حالا دور است و در طرف مغرب شهر نهري بزرگی از وسط صحن جریان دارد.

قصر سلطنتی در محلی معروف به کوچه بالا واقع شده است، سه ضریح دور مقبره حضرت رضا علیه السلام می‌باشد، اولی از طرف بیرون فولاد جوهری است و گویند قیمت آن از نقره زیادتر است، ضریح دوم از طلای خالص، سوم که وصل به مرقد می‌باشد از چوب صندل است، عقیده بعضی این است که در طاق این سقف شمشهای طلا بکار رفته

است.

خارج گنبد در خشتهای مسی مطلا مستور و مثل مقبره صفرخان در شاه جهان آباد است، حصار شهر خراب شده بود و نادر شاه آن را تعمیر نمود، بلکه در بعضی مواضع از نو بساخت، آبی که از وسط شهر می‌گذرد قبل از داخل شدن به شهر زیاده از حد صاف و پاکست بعد بسیار کثیف می‌شود.

۷- سفرنامه مک گرگر

مک گرگر یکی از افسران ارتش انگلستان بود و در سال ۱۸۷۵، از طریق بمبئی وارد ایران شد و بعد از طریق شیراز، یزد، طبس، بیرجند وارد مشهد مقدس گردید، او گوید: روز اول ژوئیه به طرق در منطقه مشهد رسیدم، روستائی با پانصد باب خانه و زمینهای زراعتی وسیع که بوسیله یک حصار و برجهای ترکمنی بی‌شماری حفاظت می‌شود.

در طرق طاق ویرانی است که هنر قابل ملاحظه‌ای در آن به کار رفته و بنظر می‌رسد که ورودی آرامگاه و یا مسجدی بوده است، هیچ کس از اهالی نام آن را نمی‌دانست، ولی من کسی را با خود داشتم که پس از خواندن کتیبه گفت بنا را بر مزار دو برادر سید بر پا کرده‌اند که چهار صد سال پیش از دنیا رفته‌اند.

ابتدای مشهد از طرف جنوب به هیچوجه چشمگیر نیست، زیرا چیزی به جز دیوار گلی که اطراف آن سپیدارهای همیشگی بطور پراکنده قد بر افراشته‌اند دیده نمی‌شود، گنبد امام به روشنی می‌درخشد و از فاصله دور دیده می‌شود، اما چندان کوچک است که مشخص نیست، من پس از ورود وارد منزل عباس شدم و در آنجا اقامت کردم.

سیاح انگلیسی گوید: این عباس میزبانی اروپائی‌ها را بر عهده داشت و من با او درباره سیاحان و مسافران اروپائی که در خانه او فرود آمده بودند به گفتگو مشغول

شدم، او گوید نقشه من این بود که از مشهد به مرو و بعد از طریق جیحون به کولاب و از آنجا به بامیان و بعد از آن به هرات و منطقه هریرود بروم و در آخر با دوستم مستوفی ملاقات کنم.

با راهنمایی عباس خان از دروازه وارد شدیم، نگهبان با خیال راحت در دکان مجاور مشغول صرف غذا بود، از ورود ما ترسید، البته او آنقدر هم بی‌انضباط نبود، زیرا بعد از اینکه دهانش را پاک کرد بطرف تفنگ فتیله‌ای‌اش پرید آن را برداشت و به نحو مسخره‌ای به سوی ما قراول رفت، ما وارد شهر شدیم و در منزل عباس فرود آمدیم.

مشهد چیزی ندارد که انسان به خاطر دیدن به این شهر سفر کند، تنها یک بنای آن بدیدنش می‌ارزد و آن حرم امام رضا است که البته اروپائیان هرگز اجازه ورود به آن را ندارند، مگر با به خطر انداختن خود که به عواقبش نمی‌ارزد، آنچه را که از بیرون دیده می‌شود از همه طرف دیدم ولی بدون نقشه، و با تماشای قسمتهای بالای آن نمی‌توان درباره آن نظر داد.

یکبار که اجازه رفتن به حرم را خواستم با چنان مخالفت و نگاه ترس‌آوری رو به رو شدم که موضوع را بکلی فراموش کردم ولی دلائل کافی دارم که مخالفت این شخص مربوط به خود او بود و شاید عامه مردم در این مورد چندان اعتراضی نداشتند، یک بار بدون اینکه بخواهم خدمتکاران ایرانی مرا تا نزدیک صحن بردند.

پیرامون شهر را دیوار گلی فرا گرفته که در وضع خوبی نگهداری می‌شود، ضخامت بالای دیوار چهار و پائین آن نه پا است، بر بالای این دیوار یک دیواره دفاعی است به ضخامت یک پا، اما آنقدر با بی‌توجهی ساخته شده که اغلب روزنه‌های آن به ارتفاع شش پا در بالای دیوار قرار گرفته است، و در خارج چیزی است که به آن «شیرازی» می‌گویند.

آن چاله‌ای است به عرض هشت پا که در پای دیوار تعبیه شده و در جلو آن دیواره دفاعی کوتاهی وجود دارد، بعد از آن نیز چاله به عرض سی و عمق ده پا، تمامی

سطح بیرونی دیوار بطور کامل خراب شده و تنها چند جای آن برای پیاده نظام قابل عبور نیست حتی بدون نردبان.

شهر نقشه نامنظم دارد و چون دیوار در آن سوی خانه‌ها کشیده شده است در بسیاری نقاط دنبال کردن دیوار کار دشواری است، پیرامون شهر ۱۰۵۳۹ یارد یا شش مایل و طول آن در بلندترین جا یعنی خیابان ۲۷۸۰ یارد است در حالیکه بلندترین قسمت عرض آن یعنی طول خط قائمی که از محل شمالی و غربی صحن بر خیابان رسم شود در حدود ۲۰۰۰ یارد می‌شود.

مشهد شش دروازه دارد، دروازه بالا خیابان در شمال، پائین خیابان، عیدگاه، نوقان، سراب و یک ورودی به ارک، شکل همه این دروازه‌ها یکسان است، دو طرف در راکه چویی است آهنکشی کرده‌اند، هر دروازه دو برج دارد با سی پا ارتفاع که بر بالای آن روزنه‌هایی برای تیراندازی تعبیه کرده‌اند و این برجهای توسط دیواره‌های دفاعی روزنه داری به دروازه وصل شده‌اند.

در مقابل هر دروازه خاکریزی بوده است، اما اکنون همه آثار آن ناپدید شده و در جای آن ساختمانهایی ساخته‌اند، اطراف دروازه‌ها به فاصله هر صد متر یک برج قرار دارد با بامهای مخروطی به ارتفاع دوازده اینچ بالاتر از دیوار، جمعی سی پا از سطح زمین.

وجه مشخص مشهد خیابان است که کاملاً مستقیم می‌باشد و در ازای آن به حدود یک کیلومتر می‌رسد، عرض آن در اصل هشتاد پا بوده ولی اکنون کاهش یافته است، این خیابان به جز آنجا که به حرم می‌رسد از میان شهر عبور می‌کند، از میان آن نهر آب کثیفی می‌گذرد که در چند نقطه بر روی آن سکوهایی ساخته‌اند و مردم روی آن سکوها می‌نشینند و تفریح می‌کنند.

در مشهد به دیدار بسیاری از بزرگان شهر رفتیم، در واقع این مورد را کاملاً در اختیار عباس خان گذاشتم ابتداء به دیدن والی خراسان ظهیرالدوله رفتیم وی مردی

بسیار مؤدب بود ولی کودن می نمود، من در مشهد به دیدار بیست نفر رفتم ولی نام آنها را فراموش کرده ام، هر صبح و شب به دیدار یکی می رفتم.

یکی از آنها برادر زن مشیر بود به نام محمد تکه، که در پاریس تحصیل کرده بود و در دو دوره اقامتش ظاهراً تمامی فساد و ناپاکیهای این پایتخت شاد را آموخته است، بدون اینکه کمترین بهره ای از اخلاق خوب مردمی که میان آنها بوده برده باشد، آن طور که فهمیدم مشیر یک مرد ضد انگلیسی و بسیار آداب دان بود.

او گوید: یکی از صنایع دستی منحصر به فرد خراسان فرش است و در مشهد می توان با کمی جستجو انواع خوب آن را یافت، فرشهای خراسان اغلب طرحهای گلدار و شوخ و شاد دارد، ولی ویژگی فرش بیرجند بافت ظریف و رنگهای خیره کننده آن است، این فرشها را با سلیقه بسیار تهیه می کنند.

در میان صنایع دستی مشهد نباید از فنجانها، کاسه ها و گلدانهای که از سنگ سیاه ساخته می شود فراموش کرد، این سنگ همان سنگ خاکستری است، قطعه های کوچکی از قله بزرگ آن را جدا می کنند و سپس آن را به شکل زیبایی می تراشند، چند تکه از این اشیاء سنگی را خریدم و توانستم آنها را سالم به انگلیس برسانم.

در مشهد فرصتی دست داد تا از چند هنگ نظامی دیدن کنم، نام اینها عبارت بود از عرب، عجم، دامغان، سمنان، قرایی، ترشیز و قزوین اینها بیشتر در بیرون شهر و در هر جا که پیش آمده بود بطور پراکنده اردو زده بودند، بازدیدها را اغلب در هنگام شب انجام می دادم و افراد از دیدن من خوشحال می شدند و به پرسشهای من جواب می دادند.

این افراد بطور کلی مردانی قوی بنیه و عضلانی به شمار می آیند و می توان از آنها سربازان شایسته ای ساخت، اما در نهایت تعجب بدست فراموشی سپرده شده اند، خداوند هیأتی از بهترین افراد ممکن را به شاه اعطا کرده ولی او هیچ اقدامی در جهت بهبود حال ایشان انجام نمی دهد، قرار است سالی هفت تومان به آنها پرداخت شود.

هنگام توقف در مشهد دوستان زیادی مرا به شام دعوت کردند که از میان این دوستان باید از محمد تکش خان و بهبود خان کلات نادری یاد کنم مهمانیها اغلب در اتاق بالا خانه انجام می‌گرفت سفره‌ای که به ندرت تمیز بود و هرگز سفید نبود روی زمین پهن می‌شد و همه به گرد آن می‌نشستیم همیشه از من می‌خواستند که کارد و قاشق خود را بیاورم.

۸- سفرنامه کلنل چارلز

او یکی از صاحب منصبان دولت انگلیس در هندوستان بود، سفرنامه او که بنام «سفرنامه خراسان و سیستان» تألیف و تنظیم گردیده است یکی از مشروحترین سفرنامه‌ها می‌باشد، چارلز در این سفرنامه از فعالیت خود در خراسان و سیستان و اوضاع سیاسی و اجتماعی این دو ناحیه اطلاعاتی به دست می‌دهد، و ما اکنون در اینجا مختصری از یادداشتهای او را که درباره مشهد آمده بیان می‌کنیم.

این مأمور دولت انگلیس گوید: در پنجم آوریل سال ۱۸۹۳ شهر چمن را در بلوچستان جهت رفع اختلافات با دولت روسیه بر سر مسئله رود کشک در شمال هرات واقع در مرز آن کشور را ترک گفتم و ملزم شدم تا بعد از انجام این مهم به عنوان نماینده حکمران هندوستان و سرکنسول بریتانیا در ایالت خراسان و سیستان به مشهد بروم.

چارلز چمن را به قصد هرات ترک می‌کند و پس از کارهایی که به او محول شده از طریق جّام و فریمان عازم مشهد مقدس می‌شود، او گوید: پس از عبور از سنگ بست و گذشتن از چند تپه و پی‌م‌ودن مسافتی اولین منظره از مشهد به چشم ما خورد، البته این صحنه‌ای است که هر زائری که از این سمت یعنی هرات برای زیارت به مشهد می‌آید ابتداء با آن برخورد می‌کند، به طرق رسیدیم در کنار یک بنای بزرگ که در جنوب این دهکده واقع بود اردو زدیم.

او گوید: در طرق برنامه پذیرائی مقامات ایرانی در صبح روز بعد به دستم رسید مراسم استقبال و خوش آمد گوئی توسط نمایندگان والی خراسان انجام گرفت و روز پنجشنبه بیست و یکم سپتامبر سال ۱۸۹۳ با تشریفات خاصی وارد مشهد شدم و در سر کنسولگری انگلستان مستقر شدم و با کارمندان هندی که در سر کنسولگری کار می کردند آشنا شدم.

روزهای اول اقامتم در مشهد به دید و بازدید گذشت، نمایندگان دولت مرکزی و فرستادگان والی و رجال شهر از من دیدن کردند، روزی حکیم باشی یا پزشک مخصوص والی که زبان فرانسه می دانست به دیدن من آمد، بعد از حکیم باشی نصرت الملک سر کرده تیمورها و حاکم مناطق مرزی جام، خاف و باخرز به دیدارم آمد.

از افرادی که به دیدن من آمدند ملک التجار بود، او پیر مردی اصفهانی بود که برادر وی ضرابخانه تهران را در اختیار داشت، او دو سالی در قسطنطنیه زندگی کرده بود، وی گفت: یکی از برادرانش که تاجر ابریشم بوده تمام عمر خود را در فرانسه سپری کرده است، او شریکی در ماری و شریکی هم در مسکو داشت.

رئیس تلگرافخانه خراسان که یک شاهزاده بود و رئیس پست این ایالت به دیدارم آمدند، پدر رئیس اداره پست یک نفر قزلباش اهل کابل بود و نزد امیر دوست محمد خان خدمت می کرده است، او بعد از مدتی به مشهد عزیمت می کند و در آنجا هر دو پسر و نوه اش به خدمت دولت انگلیس در می آیند.

آنها به عنوان مأمور مخفی در این کشور تحت فرمان نماینده های بریتانیا در تهران انجام وظیفه می کنند، نوه او وارد خدمات دولتی شده و به سال ۱۸۷۵ نخستین پستخانه را در مشهد تأسیس می کند و در سال ۱۸۹۴ شاه برای تقدیر از خدمات ارزنده وی او را به درجه سرتیپی و همچنین عنوان مشیرالوزراء مفتخر نمود.

چارلز گوید: فصل بهار در مشهد بسیار دل انگیز است، بنظر می رسد که تمامی منطقه شکفته می شود و مرغان و پرندگان از هر نوع شروع به تولید مثل می کنند،

پرنده‌هایی که ایرانیان آنها را کلاغ سبز می‌نامند در دسته‌های چند صدتایی تمامی کناره‌های نهرها را در بر می‌گیرند و به دنبال آنها پرنده شاد و پر جنب و جوش سبز قبا از راه می‌رسند و شروع به تخمگذاری می‌کنند.

آسمان را گنجشکها و پرستوها در بر می‌گیرند و بلبل‌ها نغمه‌سرائی در باغها آغاز می‌کنند در نیمه‌های ماه آوریل سر و کله بلدرچین‌ها نیز پیدا می‌شود اینان را با تورهایی که در کشتزارهای گندم می‌گسترانند صید می‌کنند و سپس در بازار به بهای هر شش عدد یک قران می‌فروشند، بلدرچین‌ها در میان کشتزارها زندگی می‌نمایند و بسیار لذیذ و خوش خوراکند.

شهر مشهد نزدیک به یک میل و نیم طول دارد و یک میل عرض دارد، و دیواری گلی و خندقی خشک آن را احاطه کرده است، این دیوار بطور مرتب و مداوم تعمیر و مرمت شده است تا از هجوم احتمالی به شهر ممانعت به عمل آید، ارتفاع آن به شش تا هفت و نیم متر می‌رسد و از خارج نمای زیبا و باشکوهی دارد خندق دور شهر در حال پر شدن و از بین رفتن است.

تا آنجا که توانستم دریابم محله چهار باغ واقع در غرب آستان قدس محل استقرار حاکم شهر بوده است ولیکن بنای اقامتگاه حاکم در ارک شهر به دستور عباس میرزا پسر فتحعلیشاه که در سال ۱۸۳۳ در مشهد فوت کرد آغاز گردید و در سال ۱۸۷۶ به دست محمدناصر خان قاجار به پایان رسید، تمام بخش جنوبی ارک هنوز بلا استفاده و ویران است.

یکی از دیدنیهای شهر خیابان یا راه اصلی است که مستقیم از شمال غرب به طرف جنوب شرق در تمام شهر کشیده شده است، تمام این خیابان برای حرکت وسایل نقلیه در نظر گرفته شده است و آن قسمت که در محدوده آستانه قرار می‌گیرد به روی حیوانات و وسایل نقلیه بسته شده و به شدت محافظت می‌کرد دو از این قسمت فقط مسلمانان می‌توانند عبور کنند.

تقریباً تمام فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی شهر در همین خیابان اصلی متمرکز است، راهی که به سمت بانک و تلگرافخانه کشیده شده است دارای چند کاروانسراست، ارباهائی که از عشق آباد به مشهد می‌آیند در آنجا توقف می‌کنند، و خانه‌های مشهد در سطحی پائین تر از خیابان واقع شده‌اند.

شهر بطور کلی شش محله بزرگ و ده محله کوچک دارد، که اداره هر یک را کدخدائی به عهده دارد، به غیر از آستانه که گنبد طلائی و مناره‌های آن از دور قابل رؤیت است، در شهر بنای قابل ملاحظه دیگری به چشم نمی‌خورد، از فرازخانه‌های خشتی فقط دو گنبد دیده می‌شود یکی از آنها گنبد سبز است.

مقبره‌ای نیمه ویرانه در نزدیکی ارک که در آن تعدادی درویش زندگی می‌کنند، و گنبدی دیگر در آن سوی شهر قرار گرفته و مربوط به بقعه پیر پالان دوز است، این بنا به فرمان شاه سلطان محمد خدابنده ساخته شده است، مصلی که در شرق و خارج از شهر قرار دارد غیر از یک ایوان ویران چیز دیگری ندارد.

بر قراری نظم در شهر به عهده بگلریکی است او شصت نفر را در اختیار دارد، حفظ امنیت بر عهده سربازان ایرانی است یک هنگ کامل از این افراد در تمام شهر بصورت دسته‌های دوازده نفری پراکنده می‌باشند دستمزد این سربازان هر روز یک چهارم قران، علاوه بر آن جیره نان آنها نیز پرداخت می‌شود.

هوای مشهد فوق العاده خوب است، این شهر در ارتفاع ۹۶۰ متری از سطح دریا و در دره بازی به عرض دوازده تا پانزده میل قرار دارد، از شمال شرق و جنوب غرب رشته کوههایی موازی با قله‌هائی به ارتفاع ۲۷۰۰ تا ۳۰۰۰ متر آن را احاطه کرده‌اند.

۹- سفرنامه گابریل

دکتر آلفوس گابریل یک پزشک از اهل اتریش بود، او سفرهای متعددی به ایران داشته است سفر نخستین او در سال ۱۹۲۸ و سفر دوم در سال ۱۹۳۳ بوده است، او

یادداشت‌های خود را تحت عنوان عبور از بیابان‌های ایران تنظیم کرد و در موارد جغرافیائی، زمین شناسی، گیاهشناسی و جانورشناسی تحقیق نمود.

او در سفرنامه خود گوید: ما از نیشابور محل اتراق ۹۲ با وسیله تقلیه عازم مشهد شدیم، با وجود اینکه مسافت بین نیشابور و مشهد حتی صد کیلومتر هم نمی‌شود با زحمت و تلاش زیاد سرانجام در همان روز به مقصد رسیدیم، در کویر بی‌جان منظره شهر بزرگ زیارتی شیعیان ایران با باغهای متعدد و احاطه شده در میان کوههای کبود شگفت انگیز بود.

گنبد طلائی مرقد امام رضا درخشانتر از گنبد طلائی خواهرش معصومه در قم بود، امام هشتم شیعیان که در سال ۸۸۸ میلادی در سناباد کمی دورتر از محل امروزی مشهد بطور ناگهانی در گذشت، مدفنش امروز یکی از کانونهای مذهبی در این سرزمین است.

بناهای باشکوه و گنبدهای کاشیکاری شده با جلای حیرت انگیز و دیوارهای کاشیکاری و مناره‌های پوشیده از طلا در میان شهر که برای غیر مسلمانان غیر قابل ورود و دور از دسترس قرار داشتند، به همان زیبایی افسانه‌های کهن مشرق زمین بودند، آنها تشکیل مجموعه‌ای از بناهای مذهبی و صحنهای مجلل را می‌دادند. از نظر تزئینات پرشکوه و خزائن بی‌قیاس تمام اماکن متبرکه اسلامی را تحت الشعاع قرار داده بودند.

این شهر با جلای زیبای کاشیهای لعابدار خود تاثیر عجیبی روی فرزندان خشن صحرا و کشاورزان می‌گذاشت، آنها غالبا دیار خود را که دهکده گلی خاک گرفته‌ای بود ترک می‌کردند تا با پشت سر گذاردن بیش از هزاران کیلومتر به زیارت مرقد مطهر حضرت امام رضا نائل شوند، متفکرانه ضریح او را می‌بوسند و بر هارون الرشید نفرین می‌کنند.

ما در یکی از خانه‌های خالی میرزای ناظر که از سرشناسان شهر و از مقامات

اداره موقوفات امام رضا بود اقامت داشتیم و در سایه درختان باغ وسیع و پر از گلهای آহারی، کوکب که از گرمای خفه کننده می کاست ساعات آرامی را سپری کردیم و ماهش هفته در مشهد ماندیم و تابستان فوق العاده گرم بود.

۱۰- سفرنامه الیس

چارلز هوارد الیس یک افسر انگلیسی بود که در هیئت نظامیان انگلیس در شمال شرقی ایران کار می کرد، در انقلاب سال ۱۹۱۷ حکومت تزاری روسیه در هم شکست و بلشویکها در سراسر امپراطوری تزار بر علیه آنها قیام کردند و این کشور پهناور را به آشوب کشانیدند، قیام مردمی سرتاسر این مملکت را گرفت و فراگیر گردید.

دولت انگلستان برای حفظ منافع خود در مشهد مقدس یک پایگاه نظامی بر قرار کرد و مأموران و جاسوسان خود را به نواحی صغد و خوارزم یعنی سرزمینهای ترکمنستان و ازبکستان گسیل داشت، اروپائیان در آن ایام به این نواحی «سرزمینهای ماوراء خزر» می گفتند در صورتیکه آن مناطق جزء خراسان بودند.

چارلز الیس در این هیئت کار می کرد و دفتر فعالیت های آنها هم در مشهد مقدس بود، او گوید: در تابستان سال ۱۹۱۸، اخباری حاکی از اعزام قریب الوقوع یک هیئت نظامی انگلیسی به مشهد انتشار یافت من داوطلب شدم به واسطه آشنائی با زبانهای فارسی و روسی به مأموریت در این هیئت بروم.

تقاضای من مورد پذیرش قرار گرفت و در ژوئیه ۱۹۱۸ به مشهد اعزام شدم، در این زمان برخی از واحدهای ارتش هندوستان وظیفه حفاظت از مناطق مرزی ایران و افغانستان را به عهده گرفتند، وظائفی که تا آن زمان از جمله وظائف واحدهای قزاق روسی بشمار می رفت و پیش از آن در برجند، تربت حیدریه و مشهد مستقر بودند.

در مشهد هیئتی تحت فرماندهی ژنرال مالسون مرکب از سه تا چهار صاحب

منصب، یک واحد بی سیم صحرانی و گارد کوچکی از سواره نظام هند در ساختمان قدیمی سرکنسولگری مستقر شده بودند و با شورشیان ضد بلشویکی که علیه حکومت شوروی تاشکند بپا خواسته بودند تماسهایی برقرار نمودند و رابطه‌ای با آنها شکل می‌یافت که بعد به عملیات نظامی منجر شد.

هیئت نظامی انگلیس در مشهد انواع و اقسام وسائل جنگی، تفنگ و مهمات لازمه مسلسل، مواد منفجره برای انهدام پلها و افرادی برای آموزش نحوه استفاده از این تسلیحات و تدارکات در اختیار داشت آنها افراد کار آزموده را به روسیه می‌فرستادند تا با انقلابیون وارد جنگ شوند و خط ارتباطی بین این هیئت و هندوستان برقرار بود. براساس ترتیباتی که ژنرال مالسون داده، حدود پنجاه نفر از افراد منتخب که اکثر روسی بودند برای آموزش کاربرد مسلسلها از عشق‌آباد به مشهد منتقل شدند، هیئت نظامی مشهد مخارج نگهداری و تأمین مایحتاج آنها را در ایامی که در ایران بودند تقبل کرده بود، و تجهیزات این واحد را نیز فراهم ساخت.

در اعزام واحدهائی از هنگ بیست و هشتم سواره نظام که چند هفته‌ای بود به عنوان قوای تقویتی در مشهد به سر می‌بردند تسریع شد، تفنگ مهمات و مواد منفجره از هندوستان شروع به رسیدن کرده بود، حمل و نقل بعدی آنها به مقصد عشق‌آباد بدون فوت وقت صورت گرفت.

صبح روز ۱۸ سپتامبر «دوخوف» افسر رابط کمیته عشق‌آباد در مشهد هیجان زده به هیأت آمد وی اعلام داشت که در مورد یک مساله بسیار مهم و فوری تلگرافی از عشق‌آباد دریافت داشته و دستور دارد مفاد آن را به اطلاع ژنرال مالسون برساند، دوخوف بی آنکه تلگراف را ارائه دهد به مالسون گفت: یک گروه از بلشویک‌ها با کشتی وارد قزل سو شده‌اند.

جنگجویانی که در شرق دریای خزر با بلشویکها در حال نبرد بودند، امیدشان به هیئت نظامی مستقر در مشهد بود، فرمانده واحدهای نیروی مالسون در ماوراء خزر بر

این اعتقاد بودند که امکان دارد اگر از مشهد و قزل سو تقویت لازم عمل آید بلشویکها به دانسوی واحه مرو و حتی جیحون رانده شوند البته قبل از اینکه حکومت شوروی تاشکند از روسیه کمک دریافت کند.

جونکوفسکی در مشهد

چارلز الیس می‌نویسد: جونکوفسکی یکی از مقامات سابق حکومت تزاری برای برپا داشتن شورشی علیه حکومت شوروی توسط یک سازمان سفید موسوم به سازمان نظامی ترکستان وارد توطئه گردید، او در اوائل ژوئیه ۱۹۱۸ به مشهد آمد و با وابسته نظامی بریتانیا آشنائی حاصل کرد و درباره فعالیت‌های ضد بلشویکی با وی به گفتگو پرداخت.

او در مورد ترکستان طرح بسیار مفصل و پیچیده‌ای را برای وابسته مزبور شرح داد، از آنجائی که وابسته نظامی بیشتر به گردآوری اطلاعات در مورد پیشروی دشمن در قفقاز و اوضاع قزل سو و کرانه‌های خط آهن آسیای میانه علاقمند بود تا برنامه‌های ضد انقلابی روسها جونکوفسکی را مورد تشویق قرار نداد.

پس از ورود هیئت مالسون وی را به یکی از افسران هیأت واگذار کرد، جونکوفسکی در مورد اوضاع ترکستان اطلاعات گرانبھائی ارائه داد ولی طرح‌ها و برنامه‌های او توجه افسر مزبور را جلب نکرد، او در مورد توانائی جونکوفسکی تردید داشت، ولی او را به مقامات عشق‌آباد معرفی کرد تا خدمات خود را در اختیار آنان قرار دهد، او هم مشهد را ترک گفت.

الیس گوید: مشهد در سال ۱۹۱۸ شهری بود که حدود صد هزار نفر جمعیت داشت از این میان تقریباً یک چهارم اهالی آن را ترکمنها، افغانها و دیگر عشایر تشکیل می‌دادند، مشهد به عنوان مرکز ایالت خراسان یک والی از شاهزادگان خاندان سلطنت و پادگانی مرکب از چند هزار سرباز ایرانی داشت برخی از این سربازها را افراد به

اصطلاح تیپ قزاق تشکیل می دادند.

مشهد بر خلاف دیگر شهرهای شرق ایران یک جامعه اروپائی را نیز در خود جای داده بود، اکثر آنها روسی بودند، والی در شکوه و جلال ولایتی زندگی می کرد و گارد محافظی داشت که یونیفورم و تزئینات آنها بیشتر نمایشی بود تا قابل استفاده، قشون ایران گذشته از افسران که به لباسهای نمایشی سبک نظام اتریش ملبس بودند، فاقد لوازم ضروری بودند.

محلله اداری و رسمی مشهد فضائی نسبتاً اروپائی داشت، یکی دو ساختمان مستحکم، میدانی وسیع، یک بوستان و چندین ساختمان کنسولی تشکیل باکوچه های باریک و منازل محصور با دیگر محلات شهر تعارض داشت، نفوذ روسیه آشکار بود بویژه در بازار که هنوز کالاهای روسی در آن بفروش می رسید و بسیاری از حجره ها و مغازه ها تابلوهائی به خط روسی و فارسی داشتند.

منبع اصلی در آمد از زائران مرقد امام رضا حاصل می شود، گفته می شد که سالیانه حدود صد هزار نفر از نقاط دور دستی چون هندوستان، بین النهرین، افغانستان و ترکستان به آنجا می آیند، اهالی مشهد در مقایسه با دیگر شهرهای ایران از تعصب بیشتری برخوردار می باشند، شاید این امر از حضور انبوه زوار و مراسم پر شور و حاصل شده است.

۱۱- سفرنامه سرهنگ بیلی

سرهنگ ف. م. بیلی یکی از افسران و مأموران اطلاعاتی دولت انگلیس بود او در خوزستان ایران مأموریت داشت و در شوشتر کار می کرد، او گوید: در مارس سال ۱۹۱۸ هنگامیکه در خوزستان بودم تلگراف شگفت انگیزی به شرح زیر دریافت کردم.

آیا از نظر جسمانی برای یک سفر پر دردسر و طولانی آمادگی دارم؟ جوابی که

به آن دادم مثبت بود، چند روز بعد تلگرام دیگری به دستم رسید به این مضمون آیا مایلم به کاشغر در ترکستان چین سفر کنم و به هنگام عبور از خاک هندوستان دستورات لازم را مبنی بر اینکه باید دست به چه کارهایی بزنم دریافت نمایم من هم قبول کردم و از این که شوشتر را ترک می‌گویم خوشحال شدم.

سرهنگ بیلی از خوزستان به بصره می‌رود و از آنجا عازم هندوستان می‌شود و بعد از ملاقات با رؤساء و مقامات انگلستان در هند و گرفتن دستورالعمل و برنامه کارهای خود از طریق کشمیر، و تبت به کاشغر می‌رود و سپس به تاشکند مسافرت می‌کند و در شهرهای ماوراء النهر و ترکستان به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد و مشغول جمع‌آوری اطلاعات می‌شود.

او گاهی مخفیانه و زمانی آشکارا به کارهای خود ادامه می‌دهد و با افراد گوناگونی ملاقات و گفتگو می‌کند، تا آنگاه که مورد سوءظن مقامات شوروی قرار می‌گیرد و دستگیر و زندانی می‌گردد، او بعد از مدتی از زندان آزاد می‌شود و بار دیگر به فعالیت خود ادامه می‌دهد، و از محلی به محلی می‌رود و مشغول جمع‌آوری اطلاعات برای دولت انگلستان می‌شود.

مأموران شوروی بار دیگر او را مورد تعقیب قرار می‌دهند و در صدد دستگیری او بر می‌آیند، سرهنگ بیلی لباس عوض می‌کند و به زندگی مخفیانه روی می‌آورد، او مدتی در تاشکند و بخارا بطور پنهانی فعالیت می‌کند و بعد در نظر می‌گیرد از طریق بخارا، و مرغاب به سرخس و از آنجا به مشهد مقدس برود و خود را از خطر نجات دهد. او روز هشتم ژانویه سال ۱۹۲۰ وارد سرخس می‌شود و گوید: سرخس را شهری کوچک یافتم که دیوارهای مخروبه آن را احاطه کرده و توسط پلی که بر روی رودخانه زده شده بود به یک شهر روسی به همین نام مرتبط می‌شد، مرا بدون فوت وقت نزد والی بردند و در خانه او اقامتی برایم آماده کردند و بعد بقیه افراد گروه را به من ملحق نمودند.

دلم می‌خواست روز بعد بطرف مشهد حرکت کنم، ولی چون والی دستوری از مشهد در پاسخ گزارش خود در مورد اعلام ورود من دریافت نکرده بود نتوانستیم برویم، بعد از ظهر آن روز تلگرامی از ژنرال مالسون دریافت کردم که می‌گفت ورود ما را به لندن، هندوستان، و تهران گزارش کرده است، ما هم پس از تشکر از والی سرخس بطرف مشهد حرکت کردیم.

روز چهاردهم به مشهد رسیدیم، ساعت یازده که نخستین منظره از گنبد طلائی مزار امام رضا را رؤیت کردم و درست در لحظه‌ای که داشتند توپ ظهر را به صدا در می‌آوردند ما در بیرون شهر بودیم، نخست بطرف ستاد ارتش رفتم و برای ناهار به محفل غذای دسته جمعی ستاد دعوت شدم.

عده از روسهای مخالف بلشویکها از بخارا با من به مشهد آمده بودند ژنرال مستقر در مشهد این را حس می‌کرد و مایل نبود خود را برای این فراریان به زحمت اندازد، سرانجام نیز برای پیوستن به بقایای نیروهای ضد بلشویک که هنوز در ماوراء خزر مقاومت می‌کردند اعزام شدند و سعی کردم کمکشان کنم تا حیوانات بارکش خود را بفروشند.

در مشهد زندانیان اتریشی زیادی را دیدم که برخی از آنان از تاشکند گریخته بودند، آن هم پس از آنکه خود من این کار را کرده بودم، در مشهد با سرکنسولگری کشورمان بسر می‌بردم که از دوستان قدیم بود، یک هتل اخیراً در مشهد آغاز به کار کرده که در آن مندیج و همسرش را جا را دیدم، در این هتل یک نفر صربستانی با همسرش که از روسیه گریخته بودند زندگی می‌کردند.

روز ۲۷ ژانویه به اتفاق مندیج و همسرش مشهد را با اتومبیل ترک گفتم، با سفر از راه تربت حیدریه و برجند عازم سیستان شدم و چند ساعتی با کنسول ما در آنجا گذراندم و دوباره به جاده اصلی برگشتم و روز سوم فوریه به دزداب رسیدم که مرز هندوستان و خط پایانی راه آهن بود و از آنجا به کویته رفتم و به قطار سوار شدم و روز

نهم فوریه ۱۹۲۰ وارد دهلی شدم.

نگارنده گوید: جهانگردانی که از کشورهای اروپائی به خراسان و مشهد مقدس آمده‌اند و در مورد این شهر مقدس و ویژگیهای آن در سفرنامه‌های خود مطالبی گرد آورده‌اند بنظر خوانندگان رسید، تعداد سیاحان بیش از این افراد است که ما در این فصل از آنها یاد کردیم، اگر بخواهیم در اینجا گفته‌های همه جهانگردان را بیاوریم خود یک کتاب مستقل می‌گردد.

همانگونه که در آغاز این فصل بنظر خوانندگان رسید، اغلب این جهانگردان مأموران اطلاعاتی کشورهای اروپائی مخصوصاً انگلستان و روسیه بودند که در خراسان و مشهد دنبال منافع خود حرکت می‌کردند، اغلب آنان از افسران ورزیده و تعلیم یافته بودند که از طرف سازمانهای سیاسی و نظامی در این منطقه گردش می‌کردند و اطلاعات لازم را جمع‌آوری می‌نمودند.

بطوریکه از این سفرنامه‌ها استفاده می‌شود دولت انگلستان از پیشروی روسیه تزاری بطرف خراسان و ماوراءالنهر احساس خطر می‌کرد، روسیه تزاری که رقیب بزرگ انگلستان در این مناطق بود و در نظر داشت هر طوری که شده خود را به آبهای گرم خلیج فارس و دریای عمان و بعد به هندوستان برساند و در این مورد بسیار کوشش می‌کرد.

روسها خود را به فلات پامیر در شمال هند رسانیدند، و از طرف سرخس تا نزدیک هرات پیش رفتند، آنها به این هم بسنده نکردند در فکر تسلط بر مشهد مقدس برآمدند، و راهی از باجگیران تا برجند هم ساختند ضعف دولت ایران هم در آن زمان نمی‌توانست جلو فعالیت روسها را بگیرد، و آنها را از دخالت در امور ایران باز دارد.

از قرائن و نشانه‌ها و نوشته‌های به جای مانده از آن زمان معلوم می‌گردد روسها در مشهد بسیار نفوذ داشته‌اند، تجارت مشهد مقدس اغلب در دست آنها بوده است خط روسی در مشهد رواج داشته، و تابلوهای مغازه‌ها و فروشگاهها به خط روسی و فارسی

بوده است.

در آن زمان مناطق بین جیحون و دریای مازندران از ایران گرفته شد و افغانستان هم از ایران منتزع گردید، قبائل گوناگون و خاندان‌هایی که نمی‌خواستند در آن مناطق زیر نفوذ روسیه تزاری و یا قبائل پشتو زبان افغانستان زندگی کنند به مشهد و اطراف آن مهاجرت کردند، و شیعیان زیادی هم از مناطق زیر نفوذ روسیه و افغان به مشهد آمدند.

مشهد مقدس در این هنگام پذیرای قبائل گوناگون و خاندان‌های زیادی از ترک، ازبک، تاجیک و هزاره گردید، و تعدادی از قبائل ناراضی افغان و بلوچ هم به خراسان و مشهد مهاجرت کردند، روی هم رفته این شهر مقدس مرکز تجمع افراد مختلف از ملیت‌های گوناگون گردید، و هر کدام با آداب و سنن خود زندگی می‌کردند و با زبان خود سخن می‌گفتند.

از طرف دیگر مشهد مقدس یک شهر زیارتی بود، مسلمانان و شیعیان از شهرهای ایران و کشورهای خارج و همجوار برای زیارت به این شهر می‌آمدند، و تعداد آنها در این ایام سالیانه تا صد هزار نفر هم نوشته‌اند، از این رو مشهد مقدس رضوی مورد توجه دولت انگلستان و روسیه قرار گرفت و هر کدام برای سلطه و نفوذ خود بر این شهر و استان بزرگ خراسان کوشش می‌کردند.

پس از ظهور کمونیسم و حکومت کارگری در روسیه و از هم پاشیدن امپراطوری تزار و تشکیل دولت اتحاد جماهیر شوروی کشور پهناور روسیه گرفتار آشوب گردید، بین طرفداران تزار و لنین جنگ در گرفت، در این هنگام دولت انگلستان به حمایت از تزارها برخاست و با انقلابیون و بلشویکها به مخالفت برخاست.

دولت انگلیس از فرصت استفاده کرد و نفوذ خود را در سیستان، افغانستان و خراسان گسترش داد، آنها از جنگ داخلی روسیه سود بردند و به عنوان کمک به ضد انقلابیها و طرفداران تزارها در خراسان و مشهد پایگاههای نظامی تأسیس کردند، و

تعدادی از نیروهای خود را از هندوستان به استان خراسان آوردند. دولت انگلیس در مشهد مقدس پایگاهی تأسیس کرد و تعدادی از افسران و مأموران عالی رتبه خود را در این پایگاه مستقر نمود، و گروهی از نظامیان خود را در تربت حیدریه، قوچان و باجگیران مستقر کرد، و برای حمایت از دولت تزار و جنگ با بلشویکها به عشق آباد و اطراف آن نیرو فرستاد و با انقلابیون به جنگ پرداخت. ستاد فرماندهی نیروهای انگلیس در جنگ ماوراء خزر یا سرزمینهای آخال و دشت خاوران در مشهد بود، این ستاد زیر نظر فرماندهان ارتش انگلیس در هند کار می کرد، و ارتباط این نیروها از طریق زاهدان، کویته و بمبئی انجام می گرفت و خط آهن زاهدان به هندوستان در این ایام بسیار فعال بود. طرفداران تزار و ضد انقلابیون روسیه نتوانستند در برابر کمونیستها مقاومت کنند و بعد از مدتی شکست خوردند و هر کدام به سوئی رفتند، بعد از فرو نشستن حوادث انقلاب و تسلط انقلابیون بر کل منطقه ماوراء خزر و صغد و خوارزم، نیروهای انگلیس هم از خراسان عقب نشستند و به طرف هندوستان بازگشتند.

منابع:

- ۱- مطلع الشمس تألیف اعتماد السلطنه چاپ سنگی تهران.
- ۲- مأموریت به تاشکند نوشته سرهنگ ف. م. بیلی ترجمه پرویز محبت انتشارات اطلاعات تهران ۱۳۶۹.
- ۳- عبور از صحاری ایران نوشته دکتر الفونس کابریل ترجمه فرامرز نجد سمیعی مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس ۱۳۷۱.
- ۴- دخالت نظامی بریتانیا در شمال خراسان نوشته سی. اچ. الیس ترجمه کاوه بیات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۷۲.
- ۵- سفرنامه خراسان و سیستان نوشته کلنل بیت ترجمه قدرت الله روشنی و مهرداد رهبری انتشارات یزدان ۱۳۶۵.
- ۶- سفری به ایالت خراسان نوشته سی. ام. مک گرگر ترجمه مجید مهدی زاده انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس ۱۳۶۶.

بخش طرّقه

بخش طرّقه

قصبه طرّقه که اکنون یکی از بخشهای مشهد مقدس است از آبادیهای باستانی ناحیه طوس می باشد و در مغرب مشهد در دامنه های کوه بینالود قرار دارد، این قصبه بسیار خوش آب و هوا و در تابستان های گرم مشهد نقطه ای مطلوب برای ساکنان مشهد و زائران بارگاه ملکوتی حضرت رضا علیه السلام می باشد و جماعتی را بطرف خود می کشاند.

طرّقه و قراء مجاور آن از قدیم مورد عنایت و توجه مردم مشهد بوده هوای لطیف و خنک آن در تابستان و میوه های گوناگون و باغها و گردشگاهها و چشمه سارها و مناظر زیبای طبیعی کوهستان موجب جلب گروهی از اعیان و اشراف و مردمان عادی مشهد می گردید، و ما اکنون در اینجا گفته های تعدادی از علماء قدیم و جدید را

در اینجا ذکر می‌کنیم.

یاقوت حموی در معجم البلدان ذیل عنوان «تروغبذ» گوید: تروغبذ یک آبادی در ناحیه طوس می‌باشد و چهار فرسخ با آن فاصله دارد، ابوالحسن نعمان بن محمد طوسی از اهل تروغبذ طوس بود که از محمد بن اسحاق بن خزیمه روایت می‌کرد، حاکم ابو عبدالله نیشابوری هم از وی روایت می‌کند، ابوالحسن تروغبذی طوسی در حدود سالهای ۳۵۰ در گذشت.

ابوسعید سمعانی در انساب خود ذیل کلمه «تروغبذی» گوید: تروغبذی بضم تاء وراء و سکون واو و فتح باء منسوب است به تروغبذ که یکی از قراء طوس می‌باشد، و چهار فرسخ با آن فاصله دارد، گروهی از اهل حدیث و زاهدان از آن بر آمده‌اند، یکی از آنها ابوالحسن نعمان بن محمد تروغبذی طوسی می‌باشد او در خراسان و عراق حدیث زیادی فرا گرفت و گروهی از وی روایت می‌کنند.

سمعانی در مسافرت‌های علمی و تحقیقی خود مکرر به ناحیه طوس آمده و در مشهد، نوقان، طابران، سنگبست، و جغرق با گروهی از علماء و محدثان مصاحبه کرده و در کتاب التخبیر خود از مسافرت به این آبادی‌ها سخن می‌گوید و از فضلاء و بزرگان این مناطق به بزرگی یاد می‌کند و ما در این کتاب از آنها یاد می‌کنیم و حالات آنان را شرح می‌دهیم.

اعتماد السلطنه در مرآت البلدان ذیل عنوان «ترقبه» گوید: ترقبه قریه قشنگی است که هشتصد خانه دارد که بسیار باشکوه و منظر آن به شهر بیشتر شبیه است، در تابستان گروهی از طایفه فیوج به آنجا می‌آیند، از این طایفه که ایشان قرشمال و کولی و غربالبند و فال زن نیز گویند در ممالک محروسه مانند سایر ممالک دیگر فراوان است. حکیم الممالک در سفرنامه همایونی خراسان ترقبه را هم به طای مؤلف و هم با تای منقوط نوشته ولیکن اصح با تای منقوط است، او گوید: ناصرالدین شاه روز چهارشنبه بیست و سیم ماه صفر سال ۱۲۸۳ که در اردوی بیلاق گلستان بود بطرف

طرّقه و جاغرق رفت و در آن نواحی گردش نمود و به شکار پرداخت.
اعتمادالسلطنه گوید: طرّقه و عنبران از قرای معمور و آبادند و متعلق به
محمدرضا خان برادر ظهیرالدوله می‌باشند قریه جاغرق از این دو آباد تراست، و در آن
عمارات عالیّه و اماکن مسکونه ممتاز است خاک این دهات تماماً سیاه و آبهای
ایشان ناگوارا و غلیظ است و جز ماهیان سیاه ناماکول تربیت نمی‌کند.

ولی به حسب فواکه، این بلوک نیز مانند سایر بلوک خراسان معروف است و در
هر قریه و دره جنگلها و باغات از اشجار میوه‌جات نیکو چون گیلان، آلبالو و غیره به
حدی است که به وصف نمی‌آید، از جمله حاصل این دهات موسیر است که بسیار
خوب می‌شود، و آبدار باشی بر حسب امر سنیه مقداری کثیری از آن میوه اخذ نمود که
در سرکه پیروراند و در هنگام شام و نهار حاضر کند.

نگارنده گوید:

طرّقه و یا طرّقه و به نوشته سمعانی و یاقوت تروغبد امروز مرکز بخش است و
از شهرت خاصی برخوردار می‌باشد، یک بزرگراه بنام «بزرگراه وکیل آباد» مشهد
مقدس را به این بخش وصل می‌کند، در طرّقه همه گونه وسائل و امکانات شهری، از
قبیل درمانگاه، آب لوله‌کشی، برق، مخابرات و گاز وجود دارند و مغازه‌ها و
فروشگاه‌های زیادی هم دایر می‌باشند.

خط اتوبوس، مینوبوس، و ماشینهای کرایه‌ای در اینجا فعالیت دارند و زائران،
مسافران، و اهالی مشهد مقدس و طرّقه در رفت و آمدهای خود از آنها استفاده می‌کنند،
مخصوصاً در فصل تابستان که هوای مشهد گرم می‌شود وسائل ارتباطی برای مسافران
و زائران مهیا می‌باشد و هر کس مایل باشد که خود را به هوای خنک و مطبوع کوهستان
برساند آماده می‌باشد.

واژه طرّقه و یا طرّقه که اکنون مورد تلفظ می‌باشند و یا تروغبد که در کتاب
انساب ابوسعید سمعانی و معجم یاقوت حموی عنوان شده است به درستی روشن

نیست، طرق و یا ترق نام یک آبادی دیگر در جنوب مشهد مقدس می باشد و با طبقه چندان فاصله ای ندارد، آیا بین این دو رابطه ای هست، مثلاً آن آبادی طرق و این آبادی طرق بهتر بوده است.

مشهد مقدس رضوی از زمانهای بسیار قدیم دو راه به نیشابور داشته است راهی از طرق که اکنون هم دائر است و جاده رسمی و آسفالت مشهد از آنجا بطرف نیشابور کشیده شده و اتوبوسها و وسائل نقلیه از آنجا عبور می کنند و به نیشابور می روند، و راهی دیگر هم از طبقه بوده که از آنجا از طریق کوهستان به درود و بعد به نیشابور رهسپار می شدند.

راه طرق از جنوب مشهد و از راه ده سرخ به سمت نیشابور ادامه پیدا می کرد و بعد از آن از طریق دزباد به قدمگاه و بعد به نیشابور می رسید، این راه به جز فاصله بین طرق و دزباد بقیه از دشت می گذشت و تا نیشابور گردنه و کوهی نداشت، راه رسمی و کاروانها در زمانهای گذشته از نیشابور به مشهد مقدس از اینجا بوده است.

وجود رباطها و کاروانسراها در این مسیر که اکنون هم آن رباطهای باستانی در طرق و ده سرخ وجود دارند تاییدی بر این گفته است، و رباط دزباد هم تا چهل سال پیش وجود داشت و بعد در هنگام تقسیم اراضی به روستائیان آن رباط قدیمی تخریب گردید و آجرها و مصالح آن توسط روستائیان به مصرف ساختمانهای آنان رسید.

بر اساس روایات مستند که اکنون در دست می باشد، امام رضا علیه السلام هنگام سفر به خراسان پس از ورود به نیشابور از همین طریق وارد منطقه طوس و نوقان گردید، و در دهکده سناباد اقامت گزید، بطوریکه از منابع معلوم می گردد بین تیشابور و طوس چهار رباط بوده، رباط سعد در نزدیک قدمگاه، رباط دزباد، رباط ده سرخ و رباط طرق.

اما طریق دوم مشهد به نیشابور از طبقه شروع می شده از طریق کوهستان به درود و از آنجا به نیشابور ادامه داشته است، این طریق بسیار نزدیک و تنها یک رشته کوه به نام بینالود و تعدادی دره و گردنه در این مسیر هست که البته صعب العبور و فراز و

نشیب‌هائی دارد، گروهی از مسافران و زائران این راه را ترجیح می‌دادند و می‌خواستند زودتر به مشهد برسند.

یکی از مردان سالخورده طرّقه به نگارنده این کتاب می‌گفت: من بیاد دارم هنگامیکه کاروان‌ها و زائران حضرت رضا علیه السلام از طریق نیشابور و درود وارد طرّقه می‌شدند و از اینجا به مشهد مقدس رهسپار می‌گردیدند او می‌گفت: این خیابانی که اکنون در وسط طرّقه می‌باشد، در آن وقت راه کاروانها و مسافران و زوار بود و روزی ده‌ها قافله از اینجا عبور می‌کردند.

مردمان طرّقه گویند: وجه تسمیه این آبادی بنام طرّقه از این جهت است که در سابق راه نیشابور از مشهد از این محل می‌گذشته است، این راه اگر چه کوهستانی بوده ولی بر راه دشت برتری داشته، یکی از جهت امنیت و دیگری نزدیکی راه و مسافت آن، که هشت فرسخ از راه دشت به مشهد نزدیک تر می‌باشد.

مشهور است که زائران و حاجیان از این راه استفاده می‌کرده‌اند، زیرا علاوه بر نزدیکی راه، مسیر کوهستانی و دارای جنگلهای سرسبز و خرم و پوشیده از درختان و باغها، و چشمه سارها و جویبارهای پر آب و منطقه خوش آب و هوا بوده و گروهی را بطرف خود می‌کشیده، از این جهت اینجا را طرّقه یعنی راه بهتر گفته‌اند.

این نظریه‌ای است که گروهی به آن اعتقاد دارند ولی مطلب قابل توجه این است که طرّقه را مرکب از دو کلمه می‌دانند «طرق» به زبان عربی یعنی راهها، و «به» به زبان فارسی یعنی خوب، پس با این بیان طرّقه یعنی راه خوب و در برابر راه طرق و ده سرخ که دارای این صفت نیست و تنها امتیازی که دارد از دشت عبور می‌کند.

اما در انساب سمعانی و معجم یاقوت این آبادی «تروغبد» را با تاء منقوط و غین ضبط کرده‌اند، ریشه آن عربی نیست که ما آن را به راه خوب و یا خوبتر تفسیر کنیم و دلائلی هم برای آن بیاوریم، این کلمه قطعا عربی نیست و یک لفظ محلی و منطقه‌ای باید باشد که معنای واقعی آن روشن نیست و کسی بدرستی آن را تفسیر نکرده است.

محتمل است که «تروغ» و «تروغبد» نشانی از زبانهای باستانی در این منطقه باشند، اکنون در نزدیک طرّبه یک آبادی بنام «کنگ» وجود دارد که در مشهد معروف و مشهور است، و یک منطقه بسیار آباد و ییلاقی بشمار می‌رود، در فرهنگهای قدیم آورده‌اند که «کنگ» در زبان پهلوی به معنای دژ و حصار می‌باشد و در شاهنامه فردوسی مکرر از جایی بنام «کنگ» یاد شده است.

طرّبه اکنون ییلاقی خوش آب و هوا، منطقه‌ای کوهستانی، گردشگاهی برای مردم مشهد مقدس و زائران می‌باشد، اهالی آن مردمانی فعال و اهل حرفه و کار، هنرمند در صنایع دستی و بومی، تولیدکننده انواع و اقسام میوه‌جات و مواد غذایی در خراسان بشمار می‌روند، این قصبه و بخش در ۲۵ کیلومتری غرب مشهد مقدس قرار دارد و وسعت آن از کوههای خلیج تا انتهای غرب مشهد می‌باشد.

باغهای میوه آن خصوصاً گیلان معروف طرّبه از شهرت خاصی برخوردار می‌باشد، بخش عمده‌ای از بازار کشور را تأمین می‌کند و مقداری هم صادر می‌شود. مهمترین محصولات طرّبه عبارتند از: گیلان، انواع آلو، انواع گلابی، انواع سیب، آلبالو، زردآلو، انگور، هلو، گوجه درختی، توت، گردو و انواع سبزیجات، تازه و خشک شده، خشکبار و کمپوت.

طرّبه دارای ۲۶۰ هکتار باغ می‌باشد که سالیانه در حدود پانزده هزار تن میوه تولید می‌کند، میوه چینی یکی از مشاغل عمده این منطقه است و اعضاء خانواده در این کارها مشارکت دارند، چشمه‌ها و جویبارهایی که از ارتفاعات کوه بینالود به این منطقه جاری می‌شوند به این آبادی و قرای مجاور آن زندگی بخشیده‌اند و موجب عمران و آبادی شده‌اند.

جویبارهای جاغرق، دهبار، ازغد و مایان از ارتفاعات کوه بینالود سرچشمه می‌گیرند و به بند گلستان می‌ریزند، علاوه بر درختان میوه درختانی مانند چنار، تبریزی، سپیدار، و انواع درختان دیگر که جهت استفاده در صنایع دستی و مبیل سازی

وجود دارند که مورد استفاده نجاران و صنعتگران منطقه می‌باشد.

اکثریت مردم منطقه در بخشهای تولیدی مانند باغداری و دامپروری و یا خدماتی مانند مغازه داری، سالنهای غذا خوری، و تهیه و توزیع نیازمندیهای ساکنان و مسافران و زائران مشغول هستند، انواع و اقسام میوجات لبنیات و گوشت گوسفند، گاو، و مرغ در این مغازه‌ها و فروشگاهها به مردم محل و زائران عرضه می‌گردد و محصولات محلی بفروش می‌رسد.

مهمترین صنایع دستی طرّقه و قراء مجاور آن عبارتند از قالی بافی، سبد بافی، بافندگی، گلدوزی، صنایع چوبی و وسائل تزئینی، اغلب این هنرها در منازل بطور سنتی ادامه دارند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند، در این میان زن و مرد پیر و جوان با عشق و علاقه کار می‌کنند و محصولات خود را به بازار مصرف روانه می‌نمایند. در طرّقه فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی هم در سطح گسترده‌ای ادامه دارد، نماز جمعه و جماعت در آنجا برقرار می‌باشد، خطباء و گویندگان و اهل فضل در آن اماکن به تبلیغات و ارشاد مردم ادامه می‌دهند، و کتابخانه و قرائت‌خانه‌ای هم برای کتاب دوستان و اهل مطالعه تأسیس گردیده و گروهی از مردم در ساعتهای معین در آنجا به مطالعه مشغول هستند.

آبادیهای اطراف طرّقه عبارتند از گلستان، حصار، ازغد، میان، دهبار، طرّدر، جاغرق، نغندر، کنگ، زشک، ابرده، عنبران، و شانندیز مناطق مزبور از دهات و قصبات ییلاقی و کوهستانی مشهد مقدس می‌باشند، مخصوصاً شانندیز که قصبه‌ای آباد و مشهور بشمار می‌رود و از نقاط دیدنی می‌باشد.

شهرستان چناران

شهرستان چناران

در تقسیمات کشوری چناران یکی از شهرستانهای استان خراسان می باشد، این شهرستان در شمال غرب مشهد مقدس در جلگه ای بین دو رشته کوههای معروف هزارمسجد در شمال و بینالود در جنوب قرار دارد، و در یک زمین مسطح و هموار بنا گردیده و از همه مزایای شهری بر خوردار و جاده مشهد به قوچان و شهرهای شمالی استان خراسان و گرگان و مازندران و گیلان از آنجا می گذرد.

سابقه تاریخی چناران

چناران سابقه تاریخی زیادی ندارد، و از زمان قاجاریه به خاطر اینکه در آنجا بین رضاقلی خان زعفرانلو حاکم قوچان و قوای فتحعلی شاه جنگی در گرفت به کتابها

و نوشته‌ها راه پیدا کرد و مشهور شد، جریان درگیری عشیره زعفرانلو به فرماندهی رضاقلی خان با لشکریان فتحعلی شاه در کتابها مشروحا آمده است و ما در کتاب فرهنگ خراسان از آن یاد خواهیم کرد.

بطور کلی چناران تا چند سال قبل مرکز عشایر کرد خراسان بود و هنوز هم گروهی از اکراد خراسان که آنها را «کرمانج» می‌گویند در این شهر و اطراف آن سکونت دارند مشهورترین عشیره‌ای که در چناران و حومه آن سکونت داشتند اکراد «ممش خانی» بودند که در چناران و اطراف آن ریاست داشتند و نام آنها در کتابهای عصر قاجاریه آمده است.

بعد از اینکه رضاقلی خان زعفرانلو چناران را مرکز فعالیت خود قرار داد در آنجا قلعه‌ای بنام امیرآباد بنا کرد و در آنجا ساکن شد، چناران به عنوان یک مرکز و پایگاه مشهور گردید، قلعه امیرآباد که اکنون خرابه‌های آن در جنوب چناران قرار دارد در زمان خود یک بنای مجلل و باشکوه و یک دژ بزرگ در خراسان به حساب می‌آمد که خصوصیات آن در جای خودش خواهد آمد.

چناران در حال حاضر

چناران در تاریخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۸ به عنوان شهرستان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و امروز در نقشه کشور یک شهرستان می‌باشد، سازمانها و ادارات گوناگون در آنجا فعالیت دارند، مراکز فرهنگی و آموزشی در آنجا تأسیس گردیده درمانگاه و بیمارستان در آنجا ساخته شده و کارخانجات مختلفی اکنون در چناران نصب گردیده و مورد استفاده می‌باشد، در چناران مساجدی بنا گردیده و نماز جمعه و جماعات در آنجا اقامه می‌گردد.

قصبه چناران تا قبل از اینکه در کنار جاده بزرگ آسیائی قرار نداشت از امتیازی برخوردار نبود، و آبادی بزرگ و باستانی رادکان که در شمال چناران واقع شده است

مورد توجه قرار داشت و به عنوان یک مرکز در آن ناحیه مشهور و راه قوچان و بجنورد به مشهد از آنجا می‌گذشت و چناران از جاده عمومی دور بود.

بعد از آن جاده قوچان به مشهد تغییر مسیر داد و از طریق دهکده دغائی در جنوب شرق قوچان به آبادی اخلمد و از آنجا به چناران پیوست و از چناران به مشهد متصل گردید، از این تاریخ رادکان منزوی گردید و چناران رونق پیدا کرد، و بر اعتبار و شهرت آن افزوده شد، در اینجا مغازه‌هایی تأسیس گردید و قهوه خانه‌هایی برای مسافران دائر شد.

در سالهای ۱۳۳۵ بزرگراه آسیائی از گرگان و مازندران و از طریق جنگل گلستان به بجنورد و قوچان و از آنجا به مشهد مقدس کشیده شد، این جاده بزرگ از چناران عبور کرد و این آبادی را رونق بخشید، و در میان مسافران، زائران بارگاه ملکوتی حضرت رضا علیه السلام و جهانگردان خارجی مشهور شد و چناران به جاده‌های بین‌المللی و شهرهای بزرگ جهان ارتباط پیدا کرد.

چناران که اکنون در خراسان به عنوان یک شهر مستقل مشهور و معروف می‌باشد در حقیقت مرکب از دو آبادی بنام «چناران» و قریه «حاج نصیر» است، چناران در قسمت غربی شهر قرار دارد، و مقداری از باروی قدیمی آن هنوز موجود می‌باشد و قریه حاج نصیر هم که موقوفه مرحوم حاج حسین ملک و اکنون به آستان قدس رضوی تعلق دارد در بخش شرقی شهر قرار دارد.

این دو آبادی که مجموع شهر چناران را تشکیل می‌دهند و در شمال جاده مشهد مقدس به قوچان قرار دارند هسته مرکزی شهر چناران بشمار می‌روند، در سالهای اخیر چناران توسعه پیدا کرد و مردمان زیادی از اطراف چناران و جاهای دیگری به اینجا مهاجرت کردند، محلات زیادی در جنوب و شمال شهر احداث گردید و خیابانها و معابر زیادی ساخته شد.

جاده سراسری که در هنگام احداث از جنوب چناران می‌گذشت اکنون با توسعه

شهر از طرف جنوب در وسط شهر قرار گرفته است، و با ایجاد پلهای هوایی مردم از طرف جنوب به شمال و یا بالعکس عبور و مرور می‌کنند در کنار جاده که اکنون بصورت خیابان در آمده ادارات و سازمانهای دولتی مسجد و مغازه بنا گردیده‌اند.

سازمانهای فرهنگی و خدماتی چناران

در شهرستان چناران دهها مراکز آموزشی از دبستان، راهنمایی و دبیرستان دائر است و هزاران دانش آموز در آن جاها تحصیل می‌کنند و همچنین دو باب دانشسرا هم در این شهرستان فعالیت دارند، و آموزشگاههای متعددی هم برای بزرگسالان تأسیس گردیده که گروهی از افراد علاقمند از طبقات مختلف در آنجا درس می‌خوانند.

شهرستان چناران دارای آب لوله کشی می‌باشد و اکثر روستاهای آن هم از آب لوله کشی استفاده می‌کنند، و از نعمت روشنائی و برق هم بر خوردار هستند، و در اکثر روستاها حمام‌های بهداشتی برای مردم ساخته شده است، شهر چناران و چند آبادی در اطراف شهر از گاز هم بهره‌مند می‌باشند. و راههای ارتباطی بین آبادیها و چناران هم کشیده شده مردم با مرکز شهر در رفت و آمد هستند.

مخابرات چناران هم فعال است، علاوه بر شهر چناران تعدادی از قراء و آبادیهای کوچک و بزرگ هم دارای شبکه‌های مخابراتی و ارتباطی هستند، تلفن و تلگراف در دسترس عموم قرار دارد، سیدآباد، رادکان، کلمکان، اخلمد، فریزی بقمچ و چند آبادی دیگر در شبکه‌های مخابراتی قرار دارند.

مراکز درمانی چناران

در شهرستان چناران چند مرکز درمانی و بهداشتی دائر می‌باشد که مردمان منطقه به آن مراکز مراجعه می‌کنند، بر اساس یکی از وقفنامه‌های مرحوم حاج حسین ملک که در کتابچه موقوفات او به چاپ رسیده و ما هم آن وقفنامه را در کتاب «تاریخ

آستان قدس رضوی» نقل کرده‌ایم، آن مرحوم در دهکده حاج نصیر که ملک او بوده یک درمانگاه دائر کرد بود.

این درمانگاه اکنون دائر و زیر نظر دفتر موقوفات ملک در آستان قدس رضوی اداره می‌شود، مرحوم ملک در ناحیه جام رقبات و املاکی برای این بیمارستان وقف کرده است، او مقرر داشته عوائد سالیانه کلیه املاک این وقفنامه خاص به مصرف غذا، دوا و لوازم طبی و جراحی و غیره و اطباء و پرستاران بیمارستان قریه حاج نصیر برسد. مرحوم حاج حسین ملک مسجدی هم در دهکده حاج نصیر که اکنون بخشی از چناران می‌باشد بنا کرده است، نگارنده این سطور که مکرر از چناران عبور کرده این مسجد را دیده است، و در بالای در ورودی آن روی کاشی نوشته شده «هو الملک الحق المبین» این مسجد هم اکنون مورد استفاده عموم مردم آن ناحیه می‌باشد و در زمان خود مهمترین مسجد آن ناحیه بود.

بر اساس اطلاع مسئولان اکنون در چناران و حومه آن غیر از یک بیمارستان بنام «بیمارستان ثامن الائمه» دو مرکز بهداشتی و درمانی در شهر چناران و پنج مرکز بهداشتی و درمانی در روستاها و تعدادی خانه بهداشت روستائی در روستاها مشغول انجام وظیفه هستند، و مردم شهر و روستا به این مراکز بهداشتی و درمانی مراجعه می‌کنند.

کارخانجات و صنایع چناران

در شهرستان چناران تعدادی کارخانه تأسیس گردیده و فراورده‌هائی تولید می‌کنند و به بازار مصرف روانه می‌شوند، یکی از کارخانه‌های مشهور در این ناحیه کارخانه قند چناران می‌باشد که در سال ۱۳۳۵ در زمینی به مساحت سی و دو هکتار شامل کارخانه و منازل مسکونی و بهداری و دبستان احداث گردیده و از آن تاریخ تاکنون بدون وقفه فعالیت می‌کند.

کارخانه قند چناران از کارخانجات دولتی بود که در سال ۱۳۴۷ به سازمان گسترش منتقل گردید، در سال ۱۳۴۹ طبق قانون فروش کارخانجات آستان قدس رضوی آن را خریداری کرده و در این سال دستگاه تفاله خشک کنی در آن نصب گردید، در سال ۱۳۵۳ دستگاه عیار سنج خریداری و نصب شد و برای تعیین مقدار قند مورد استفاده قرار گرفت.

یکی از مسئولان این کارخانه اظهار داشت: کارخانه در سال ۱۳۳۴ توسط سازمان برنامه و شرکت سهامی کارخانجات دولتی ایران تأسیس شده است راه اندازی در سال ۱۳۳۵ به ظرفیت ۳۵۰ تن در روز بوده است، از سال ۱۳۴۰ به علت افزایش چغندر برنامه ریزی می کنند و در سال ۱۳۴۴ به هزار تن می رسد و در سال ۱۳۴۹ کارخانه توسط آستان قدس خریداری می شود.

در سال ۱۳۵۱ شرکت قند رضوی تأسیس می شود و یک نفر خارجی مدیریت این شرکت را به عهده می گیرد ولی بعد از انقلاب اسلامی از آن خارجی خلع ید می شود و شرکت هم منحل می گردد، بعد از انقلاب یک سری بازسازی شروع شد و متوسط تولید قند کارخانه که قبل از انقلاب در حدود شش هزار تن بود به دوازده هزار تن رسید.

در این کارخانه حدود ۱۴۲ نفر عضو ثابت مشغول کار هستند و در فصل بهره برداری تا حدود ششصد نفر در اینجا کار می کنند، در این کارخانه سه باب مدرسه، حمام، مسجد و شرکت تعاونی وجود دارند و فصل بهره برداری در کارخانه قند چناران از اوائل مهر تا پایان اسفند می باشد، در این کارخانه انجمن اسلامی و شورای اسلامی کار و پایگاه بسیج هم فعالیت دارند.

غیر از کارخانه قند در چناران کارخانه های بزرگ و کوچک دیگری هم وجود دارند که در کارهای نساجی، اسانس گیری زیره، بوجاری زیره، آهک، گچ، موزائیک سازی، کمپوت سازی، جعبه سازی، پوست و چرم و ذوب فلزات در چناران و حومه آن

دائر می‌باشد و گروهی در آنجاها کار می‌کنند و در روستاها هم صنایع ماشینی و دستی سنتی و محلی وجود دارند.

کشاورزی و دامداری در چناران

منطقه چناران به علت دشت وسیع و هموار، و مجاورت با دو رشته کوه مرتفع هزارمسجد و بینالود، و مراتع زیاد و جاری شدن جویبارهای متعدد از جنوب و شمال به طرف چناران و قراء و قصبات آن موجب رونق کشاورزی و دامداری در این ناحیه گردیده است، و جلگه چناران از این جهت در خراسان دارای امتیازاتی می‌باشد. در سالهای دور و نزدیک چاههای زیادی از عمیق و نیمه عمیق در این منطقه حفر گردید، و با ورود ماشینهای کشاورزی به ناحیه فعالیت در آنجا شروع شد، و توسعه پیدا کرد، تأسیس راههای ارتباطی و بزرگراه مشهد به قوچان و جاده‌های روستائی و کوهستانی و ارتباط قراء و قصبات در شمال و جنوب به یکدیگر موجب عمران و آبادی دشت چناران شد.

بر اساس اظهارات مقامات مطلع و مسئولان چناران سطح دیم زیر کشت زراعت آبی حدود پنجاه هزار هکتار و سطح در حدود بیست هزار هکتار می‌باشد و سطح آیش آبی هم حدود ده هزار هکتار است، به علت شرائط محیط و اقلیم مناسب و زمینهای حاصلخیز کشت غالب منطقه گندم می‌باشد و سطح زیر کشت به شرح ذیل است:

- ۱- گندم آبی بیست و دو هزار هکتار
- ۲- گندم دیم بیست هزار هکتار
- ۳- جو آبی هشت هزار هکتار
- ۴- چغندر قند پنج هزار هکتار
- ۵- سیب زمینی یک هزار و پانصد هکتار

۶- پیاز سیصد هکتار

۷- یونجه دو هزار هکتار

۸- ذرت علوفه‌ای هشتصد هزار هکتار

۹- حبوبات چهارصد هکتار

۱۰- توت‌فرنگی یکصد و ده هکتار

۱۱- تنباکو یکصد هکتار

۱۲- خیار و گوجه‌فرنگی دویست هکتار

آب و هوای مناسب و وجود رودخانه‌های متعدد در این منطقه زمینه رشد و توسعه باغ‌داری را فراهم کرده است، روستاهای ناحیه چناران در دامنه‌های کوه هزارمسجد و بینالود قرار دارند، مردمان این روستاها اکثر به باغداری مشغول هستند، در حال حاضر این شهرستان با سطح زیر کشت حدود پانزده هکتار باغ میوه در سطح استان مقام نخست را دارد.

۱- سیب دوازده هزار هکتار

۲- گلابی یک هزار و پانصد هکتار

۳- گیلانسی پانصد هکتار

۴- انگور سیصد هکتار

۵- گردو صد هکتار

۶- سایر میوه‌ها ششصد هکتار

شهرستان چناران از مراکز مهم دامداری در خراسان می‌باشد و از نظر تربیت گوسفند و تولید گوسفند نژادکردی بصورت صنعتی و سنتی فعال است این شهرستان در مسیر قشلاق و ییلاق دامداران عشایر بوده که همواره بین منطقه سرخس و کوه‌های هزار مسجد، بینالود، محمدبگ و شاهجهان در رفت و آمد هستند، و در فصل بهار و تابستان در کوه‌های اطراف چناران چادر می‌زنند.

گاوداری بصورت صنعتی و سنتی در این ناحیه رواج دارد، گاوداریهای صنعتی اغلب در حاشیه جاده آسیائی و حومه شهرستان چناران قرار دارند گاوداریهای سنتی در روستاهای اطراف فعالیت می کنند، اداره دامپزشکی شهرستان چناران از نظر بهداشتی به این گاوداریها نظارت دارد و مراقب سلامتی دامها می باشد.

دشت چناران در وسط دو رشته کوه قرار دارد، رودها و جویبارها از طرف جنوب و شمال به این دشت جاری می شوند، و کشف رود هم از وسط جلگه چناران از سمت شمال آن می گذرد، رودخانه ها این دشت پهناور را سر سبز و خرم می کنند، سیلابهایی که در فصول سال از این کوهها سرازیر می گردند زمینهای کشاورزی را بارور می سازند.

منابع آب کشاورزی و آشامیدنی عبارتند از رودخانه رادکان، اخلمد، فریزی، پایه، گلمکان، ارداک، و بهمنکان که از کوههای هزارمسجد و بینالود به سوی دشت روان هستند و موجب رشد و توسعه کشاورزی می گردند، ما درباره این رودها و جویبارها در فصل منابع آب مشهد مقدس و جلگه طوس بحث کرده ایم.

شهرک گلبهار

شهرک گلبهار

این شهرک در جنوب شرق چناران در یک فضای وسیع و زیبا در مجاورت کوهستان بینالود و در جنوب جاده آسیائی بنا گردیده است، بنا به گفته مسئولان محلی و دست اندرکاران، این شهرک مرکب از دو کلمه «گل» و «بهار» گرفته شده است. گل از «گلمکان» گرفته شده که یک قصبه باستانی در شرق این شهرک می باشد و «نو» هم از «نوبهار» که یک آبادی مشهور در شمال آن واقع شده است و هر دو در آن منطقه مشهور و معروف می باشند، مخصوصاً در گلمکان مزارات و مقبره هائی از قرن پنجم هجری وجود دارند و قبرستان آن بر اساس سنگ نوشته ها یادگاری از عهد کهن می باشد.

در یک نشریه ای که در سال ۱۳۷۱ درباره شهرک گلبهار چاپ شده درباره

خصوصیات این شهرک آمده است: نظر به اهمیتی که اسکان بشر در جهان امروز پیدا کرده اولین دوشنبه ماه اکتبر هر سال توسط سازمان ملل متحد به عنوان روز جهانی اسکان بشر تعیین گردیده است، و با قبول اینکه مسکن هم چون غذا بهداشت، کار و آموزش از نیاز بشری است.

در سال ۱۹۷۸ مسئولان و اندیشمندان جهان را به راهیابی و چاره جوئی بحران جهانی مسکن فرا خواند و لزوم کنترل جمعیت و سرمایه گذاری حساب شده در بخش مسکن و همچنین اعمال یک سیاست هماهنگ و منطبق بر شرائط فرهنگ اسلامی کشور باعث گردید تا در ایران نیز پروژه های احداث شهرهای جدید آغاز شود. شهر جدید گلبهار در خراسان نیز یکی از اینگونه فعالیت های تأمین مسکن می باشد، گلبهار در شهریور ماه ۱۳۷۱ میزبان سمینار مدیران شهرهای جدید سراسر کشور بود و اولین واحد مسکونی آن همزمان با برپائی سمینار مورد بازدید مقامات عالی وزارت مسکن و شهرسازی قرار گرفت و به بهره برداری رسید و تعداد واحدها در حال افزایش است.

شهر جدید گلبهار مشهد در اجرای سیاست ایجاد مراکز اقماری اسکان جمعیت برای شهرهای بزرگ کشور از سال ۱۳۶۶ در دستور کار قرار گرفت، ایجاد شهرهای جدید در مدار شهرهای بزرگ به منظور کنترل توسعه پیوسته این شهرها هدایت اسکان جمعیت در محدوده اطراف آنها و جلوگیری از نابودی زمینهای کشاورزی اطراف شهرها از سیاست های وزارت مسکن است.

بر اساس مطالعات طرح توسعه و عمران شهر و حوزه نفوذ مشهد که الگوی توسعه آن در سال ۱۳۶۹ به تصویب رسید جمعیت این شهر در ۲۵ سال آینده به ۵/۸ میلیون نفر خواهد رسید که اسکان این جمعیت در محدوده بافت پیوسته این شهر مقدور نمی باشد، پیش بینی شده است ۱/۵ میلیون نفر از جمعیت در سه شهر اقماری در اطراف مشهد اسکان یابند.

بر پایه مطالعات مکان یابی جهت بناء شهرها سه ناحیه در فاصله ۴۰ تا ۶۰ کیلومتری شهر مشهد جهت استقرار شهرهای جدید تعیین گردید، ناحیه اول در محور قوچان در شمال غربی مشهد، ناحیه دوم در محور مشهد به نیشابور و سومین ناحیه در محور مشهد به سرخس، شهر جدید گلبهار به عنوان اولین شهر در محور مشهد به قوچان قرار گرفت.

شهر جدید گلبهار از سال ۱۳۶۷ همزمان با مطالعات منطقه شهری مشهد و برنامه ریزی راهبردی در بخشهای مختلف آغاز گردید، نخست مطالعات منطقه شهری به منظور تعیین اهداف کلان شهر جدید گلبهار صورت گرفت و محل احداث شهر از جهات گوناگون ارزیابی شد و موقعیت و روابط با آن حوضه کشف رود و مشهد بررسی گردید.

اهداف بناء شهر گلبهار

اهداف اصلی بناء شهر گلبهار عبارتند از ایجاد مرکزیتی به منظور جذب و اسکان بخشی از سرریز جمعیت مشهد و منطقه شهری، و ایجاد مرکزیتی به منظور خدمات عالی و تخصصی پشتیبانی کننده در منطقه، ایجاد فرصتهای شغلی مناسب در ارتباط با رفع نیازهای جمعیت های ساکن و جذب کارگاههای تخصصی شهری و مراکز عالی خدماتی و اجتماعی و ایجاد محیط شهری با کیفیت زیستی مطلوب.

با توجه به اهداف ذکر شده سیمای کلی شهر جدید گلبهار به صورت زیر ترسیم شده است: شهری با کیفیت مناسب محیطی و متکی بر خدمات عالی آموزشی و پژوهشی و در برگیرنده خدمات شهرداری و دارای نقش کمک کننده به شکوفائی قابلیت های منطقه ای که در مجموع به عنوان قمری برای مشهد عمل کرده و بر طرف کننده بخشی از مشکلات این شهر خواهد بود.

مطالعات کلان

در برنامه‌ریزی راهبردی ضمن ارزیابی اهداف کلان شهر به مطالعات دقیق‌تری در زمینه مباحث اقتصادی، اجتماعی، کالبدی پرداخته و در نهایت به پیشنهاد برنامه‌های کلان کالبدی در منطقه راهبردی شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- تضمین حوزه استحفاظی شهر به نحوی که بتوان فعالیت‌های داخل آن محدوده را تحت نظامی هماهنگ با اهداف شهر جدید به نظم آورده و از کلیه روابط متقابل میان شهر جدید و محدوده اطراف آن که ایجادکننده تأثیرات منفی می‌باشند جلوگیری نمود.

۲- ارائه برنامه‌ها و پیشنهادهای در محدوده راهبردی شهر جدید به نحوی که بتوان شهر جدید و محدوده آن را با توجه به اهداف زیست محیطی منطقه احداث شود، در این زمینه تثبیت خاک در اطراف شهر جدید، جلوگیری از ورود گرد و غبار به شهر جدید، امکان ایجاد جابجائی و تهویه هوا در جهت پاکیزه نگه داشتن هوای شهر.

عدم ورود هوای آلوده خارجی به داخل شهر، جلوگیری از جاری شدن سیلاب در مناطق بالادست شهر و هدایت آبهای سطحی با توجه به مسیرهای پیش‌بینی شده به منظور نگهداشتن شهرها و در نهایت ایجاد فضاهای سبز و پارکهای جنگلی از جمله اهداف زیست محیطی بوده است.

۳- مکان‌یابی فعالیت‌هایی از شهر جدید که در خارج از اراضی شهر قرار می‌گیرند با توجه به شناخت مناطق به منظور قرارگیری فعالیت‌ها در بهترین مناطق.

۴- استفاده از پتانسیل‌های موجود منطقه به منظور ایجاد مناطق تفریحی، ورزشی و آموزشی که در مقیاس شهر مشهد نیز می‌توانند از عمل‌کرد بالائی برخوردار بوده و از جمله عوامل جاذب جمعیت و فعالیت به شهر باشد.

۵- پیش‌بینی دسترسی‌های لازم در ارتباط با مراحل نهائی توسعه شهر جدید و تأسیسات زیربنائی مناسب به منظور آماده نمودن زمینه‌های احداث آن در مراحل

نهایی.

- ۶- ارائه ضوابط استاندارد ها و کلیات برنامه فضائی شهر که می باید در مراحل بعدی مورد استفاده قرار گیرند.
- ۷- ارائه تصویری از هزینه عملیات ساختمانی و تاسیساتی شهر با توجه به مراحل توسعه شهر جدید گلبهار.

مشخصات شهر گلبهار در مراحل مختلف

شهر گلبهار در سه فاز ساخته می شود، و جمعیت آن حداکثر صد و سی هزار خواهد بود، و مساحت کلی آن در هر سه فاز ۳۸۵۸ هکتار برآورد شده است خدمات مقیاس شهری در سه فاز ۶۸۸ هکتار و سایر خدمات شهری ۵۳۹ هکتار، اراضی ذخیره ۱۱۰ هکتار، کاربری مسکونی در سه فاز ۱۳۶۲ هکتار و معابر و دسترسها در سه فاز ۱۱۵۷ هکتار.

در شهر گلبهار تاسیسات زیربنائی، از قبیل آب آشامیدنی، جمع آوری فاضلاب، تأمین برق، تاسیسات حرارتی و برودتی، حمل و نقل، در نظر گرفته شده است، شهر گلبهار اکنون مورد استفاده می باشد و گروهی در آن سکونت دارند و از هوای پاک و فضای باز و زیبای آن بهره مند هستند و انشاء الله در آینده نزدیک یکی از شهرهای زیبای خراسان خواهد شد.

غارهای ناحیه مشهد مقدس

غارهای ناحیه مشهد مقدس

در اطراف مشهد مقدس رضوی و دره‌های کوه هزارمسجد و بینالود، غارهای زیادی هست که هر کدام برای خود اسراری دارند، نگارنده این سطور بعضی از این غارها را از نزدیک دیده و تعدادی را هم از دور مشاهده نموده است، به علت نبودن وسائل و افراد آشنا با این غارها نتوانستم اطلاعات درستی از درون این غارها تهیه کنم و در اختیار خوانندگان این کتاب قرار دهم.

این غارها هر کدام برای خود داستانی دارند، بومیان و ساکنان قراء مجاور این غارها داستانها و قصه‌هایی نقل می‌کنند، اگر چه پاره از آنها به افسانه می‌ماند ولی همان قصه‌ها و افسانه‌ها حکایت از واقعیت‌ها و حقائق تاریخی دارند که در گذشته‌های بسیار دور در این منطقه به وقوع پیوسته است و این سخنان سینه به سینه در میان مردم

مانده است.

کسانیکه شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی رحمه الله علیه را به دقت خوانده‌اند و داستانهای رزمی آن را مطالعه کرده‌اند، به این نکته توجه دارند که جنگهای ایران و توران در زمان کیانیان اغلب در خراسان و در دامنه‌های کوه هزارمسجد و بینالود و منطقه کناباد، طوس، کلات، خبوشان، باورو و دهستان بوده است، زیرا مکانهایی که در آنجا جنگ واقع شده هم اکنون به همان نام باقی مانده‌اند.

مخصوصاً جنگهایی که در زمان کیخسرو با افراسیاب پادشاهان ایران و توران در گرفته در جنوب ناحیه طوس و شمال آن بوده است، و منطقه طوس همواره یک منطقه جنگی بشمار می‌رفته است، ما انشاء الله در کتاب اعلام جغرافیائی شاهنامه به تفصیل در این باره گفتگو می‌کنیم و شواهد آن را از شاهنامه خواهیم آورد و اطلاعات جالبی را در اختیار خوانندگان قرار خواهیم داد.

خطوط و نقوشی که در این غارها بوده و وجود دخمه‌ها و مقبرها در این غارها و تصاویر پهلوانان که در صخره‌ها کشیده شده بود، همه حکایت از جنگها و دلاوریهای پهلوانان ایرانی در آن زمان می‌کنند، و نمونه‌هایی از آثار هنری گذشتگان می‌باشند، وجود کوههایی بنام پهلوانان و سرداران قدیم ایران در ناحیه طوس حکایت از حوادث تاریخی می‌نماید.

درباره این غارها سخن بسیار است و باید افرادی مستقلاً روی این غارها کار کنند، و با وسائل و امکانات به درون آنها بروند، و زوایای آنها را تحقیق نمایند، و اطلاعات لازم را بدست آورند، ما اکنون نام تعدادی از غارهای ناحیه طوس را از کتاب «اشراق السیاحه یا جغرافیای خراسان» تألیف جواد بن موسی خراسانی در اینجا ذکر می‌کنیم:

جواد بن موسی خراسانی متخلص به «وفا» از اهل فیروزگرد جام بوده است، او در زمان ناصرالدین شاه زندگی می‌کرده و کتاب خود را در سال ۱۲۸۹ تألیف کرده

است او در کتاب خود از همه غارهای ناحیه مشهد مقدس یاد می‌کند، و گوید: من به درون تعدادی از این غارها رفتم، او دیدنیهای خود را از این غارها در کتاب آورده است که بسیار جالب می‌باشد.

نسخه پاکنویس آن به خط خودش از ایران خارج گردیده و اکنون در شهر بمبئی در کتابخانه پارسیان می‌باشد، نگارنده این سطور هنگام سفر به هندوستان از این نسخه میکروفیلم تهیه کرده است، این نسخه منحصر به فرد می‌باشد، ما روی این نسخه کار کردیم و آماده چاپ نمودیم و انشاءالله به زودی چاپ خواهد شد و اینک نام غارها را به نظر خوانندگان می‌رسانیم.

۱- غار مغان

مغان یکی از آبادیهای معروف در جنوب غربی مشهد مقدس می‌باشد، و آب آن به رودخانه طرق می‌ریزد، دهی آباد و با صفا در دل کوهستان که در فصل تابستان بسیار خنک و مطبوع می‌باشد، در دامنه کوه جنوبی این دهکده غاری وجود دارد که بسیار اسرارآمیز می‌باشد و نگارنده آن را از نزدیک دیده است، جواد بن موسی خراسانی در اشراق السیاحه درباره این غار گوید:

غار مغان از جمله عجائبات روی زمین است، این غار در قریه مغان واقع در شش فرسنگی مشهد می‌باشد، او گوید: ما به اتفاق چهارده نفر از اهالی این قریه و یک بلد با جمیع تدارکات از چراغ و آذوقه سه روز برداشته به مشاهده این غار که کمتر از نیم فرسنگ از این دهکده فاصله دارد رفتیم.

این غار طبیعی و قدرتی است و کسی آن را نساخته است و ساختن و تراشیدن آن از عهده هیچ دولتی بر نمی‌آید، دهانه غار را سنگی سفید فرا گرفته که شیشه گران از آن با قلیاب شیشه سازند و بلورسازان هم از آن با قلیاب و قلع مکلس بلور می‌سازند، هنگامیکه از در اول وارد غار می‌شوند راهی سرایشیب به زیر کوه در مقابل دیده

می‌شود.

هنگامیکه به دهنه غار رسیدیم، همراهان که از قریه مغان بودند چراغها را روشن کردند و در روشنی چراغها بطرف غار رهسپار شدیم، و چند نفر را در کنار در ورودی غار گذاشتیم که هرگاه خطری متوجه ما شد از قریه کمک بگیرند، پس از اینکه میدانی از درون غار را طی کردیم مشاهده نمودیم آبی از سقف قطره قطره می‌چکد و تبدیل به سنگ می‌گردد.

از اینجا گذشتیم و به نهر آبی رسیدیم که جاری بود، این نهر از طرفی بطرف دیگر می‌رفت و بسیار عمیق بود و کسی جرأت نکرد از آن عبور کند، پیر مرد راهنما که کاروان را همراهی می‌کرد گفت: من فراموش کردم از قریه چوب بیاورم دو نفر از همراهان برگشتند و دو تیر سفیدار آوردند و مانند پل روی نهر قرار دادند و ما از آن عبور کردیم.

پس از عبور از نهر چراغها را روغن ریختند و نان و آذوقه که داشتند خوردند، مؤلف اشراق السیاحه گوید: من به دقت دیوارها و سنگهای آن غار را ملاحظه کردم، ما در سراسیمی و راهی پیچ در پیچ حرکت می‌کردیم تا به یک راه تنگ رسیدیم، این راه به اندازه‌ای تنگ بود که یک نفر می‌توانست از آن عبور کند.

هنگامیکه از این راه باریک گذشتیم به جایی وسیع رسیدیم که سقفی بلند داشت این محل در حدود دویست ذرع وسعت داشت، و سنگهای بزرگی در آنجا روی هم انباشته شده بودند، ما در اینجا راه را گم کردیم و معلوم نبود که از کدام طرف باید به مسیر خود ادامه دهیم، در این وقت وحشت و اضطراب بر ما مستولی شد.

ما در میان سنگها حرکت می‌کردیم و همدیگر را صدا می‌زدیم تا کسی گم نشود، در این میان که راه می‌رفتیم استخوانهای پوسیده‌ای را مشاهده کردیم، ما در حدود سه ساعت از میان سنگها راه رفتیم، و در این فکر بودیم چگونه از اینجا بیرون شویم، و شاید هم ما در اینجا بمیریم، پیر مرد راهنما ما را تسلی داد و گفت: خطری نیست شما

نگران نباشید.

او با سخنان خود که می‌گفت: من تنها به این غار می‌آیم و هیچ خطری متوجه ما نیست وحشت از میان ما رفت، به حرکت خود ادامه دادیم تا به جایی وسیع که مانند دره‌ای بود رسیدیم، با شعاع چراغها به سیر خود ادامه دادیم تا به جایی مانند بازار رسیدیم، در اینجا دو غار پهلوی یکدیگر یکی بطرف راست و دیگری به طرف چپ قرار داشت.

همراهان در اول این دو غار ایستادند و بخار نفس در این مکان مانند زمستان از صافی هوانمایان بود، از پیر راهنما سؤال شد که باید از کدام راه برویم، او گفت: آن چه شنیده‌ایم به غار راست نباید رفت، و هر کس به آن طرف برود بر نمی‌گردد، سنگهای این مکان همه طلق مانند تخته‌های آهن حلب در میان سنگهای بسیار محکم.

به دستور راهنما به راه خود ادامه دادیم به مقدار نیم فرسنگ که راه پیمودیم بار دیگر متوجه شدیم دو غار در مقابل ما قرار دارد، یکی به طرف راست و دومی به طرف چپ، همراهان توقف کردند، در اینجا استخوانهای پوسیده زیاد روی هم ریخته بود و صداهائی در گوش می‌پیچید مانند اینکه در مغز سر انسان آلات طرب می‌زنند.

در این هنگام اعضاء بدن سرد شد و بخار نفس در مقابل انسان پدیدار بود، از پیر راهنما سؤال شد از کدام طرف باید برویم، او گفت: از دست چپ حرکت کنید و دست چپ را هرگز از دست ندهید، در اینجا مقداری کاه ریخته شد تا راه مراجعت گم نشود، به دستور راهنما حدود یک فرسخ راه رفتیم، در بین غار ظروف سفال شکسته مشاهده نمودیم.

پس از اندکی راهپیمائی با غار دیگری روبه‌رو شدیم، از دو طرف سنگلاخ بود، همه را وحشت فرا گرفت، تصمیم گرفتیم مراجعت نمائیم، بار دیگر پیر راهنما آمد و ما را دل‌داری داد و ما هم به راه خود ادامه دادیم، سقف غار به اندازه یک تیر تفنگ ارتفاع داشت، هر چه کوشش کردم اثر تیشه‌ای در آنجا پیدا کنم چیزی نیافتم.

برای من مسلم شد این غار با دست انسان ساخته نشده و یک غار طبیعی و قدرتی می‌باشد، اندکی بعد دهانه غار دیگری نمودار گردید، و سنگهایی مانند گل سفید محکم، پاره‌ای با رنگ گل لاله و بعضی مانند ذغال بودند که با تیشه کنده نمی‌شد، در جاهائی از غار خاکی مانند صابون چرب از همه رنگ در آنجا بود و وسعت آن غار حدود یک میل بود.

ما در این مکان زیاد توقف نکردیم، پیر مرد راهنما مقداری کاه در آن پاشید و به سیر خود ادامه دادیم، بار دیگر دهانه دو غار پدیدار شد و ما از طرف چپ حرکت کردیم، تیشه‌ای به دهانه غار زدم سنگی از آن جدا شد، ملاحظه کردم سنگ آهن می‌باشد، پس از طی یک میل بوی گوگرد به مشام رسید و معلوم شد آن سنگها گوگرد هستند.

در آنجا سنگ سرب هم مشاهده شد، و ما در حالیکه مبهوت و پریشان بودیم و نمی‌دانستیم به کجا می‌رویم همچنان راه می‌رفتیم، محیط بسیار سرد و اعضاء متشنج و بخار نفس مانند دود غلیظ بود، سنگ این کوه سبز مانند زنگار مس دیده می‌شد، از اینجا گذشتیم و به سه غار دیگر که پهلوی هم بودند رسیدیم.

بار دیگر به غار طرف چپ رفتیم و بعد از اندکی راهیمائی به جای وسیعی رسیدیم، سقف آن مانند بازار بود، وسعت مانند میدانی تاریک، در این مکان به پیشنهاد پیر راهنما نان و آبی خورده شد، و چراغها را روغن کرده و اندکی استراحت نمودیم، من در این مدت به تحقیق روی سنگهای غار پرداختم و مقداری سنگ با خود برداشتم.

بعد از صرف غذا و استراحت درخواستیم و به راه خود ادامه دادیم، بعد از پانصد قدم به دهانه چاهی رسیدیم، در این چاه پله‌هایی مانند پله‌های مناره‌ها پیچ در پیچ بود و پائین می‌رفت، همه در این مکان توقف کردند، پیر مرد راهنما گفت: این چاه بخار زیاد دارد، از کثرت بخار از درون چاه اطلاعی بدست نیامد و از سنگ اطراف چاه مقداری برداشتم.

از آنجا گذشتیم چاهی دیگر نمودار شد، یک سنگی به درون آن انداخته شد ابتداء صدای سنگ بگوش می‌رسید ولی بعد از اندکی صدای آن شنیده نشد از اینجا گذشته به فاصله دویست قدم چاهی دیگر مشاهده شد، چاهی بسیار تاریک و مهیب، یکی از همراهان خواست با ریسمانی به درون چاه برود ولی همراهان با رفتن او به درون چاه مخالفت کردند.

از اینجا هم گذشتیم، به فاصله پانصد قدم به چاهی دیگر رسیدیم. خاکی نرم مانند شنجرف سرخ و سنگین، همه در اینجا توقف کردند، پیر مرد راهنما سنگی میان آن چاه انداخت و گوش فرا داد، و گفت: شما اینجا صبر کنید، یک نفر و یا دو نفر همراه من بیاید تا برویم میان چاه من و یک نفر دیگر همراه راهنما وارد چاه شدیم.

در چاه پلکان پیچ در پیچ مانند پله‌های مناره‌ها وجود داشت، هنگامی که مقداری به داخل چاه رفتیم حلق و گلو خشک شدند و دور چراغ هاله انداخت مانند لاجورد که همه اطراف چاه رنگ لاجوردی به خود گرفت، خاک چاه تشخیص داد نمی‌شد و هر یک مقداری از خاک چاه با خود برداشتند ولی این نگرانی وجود داشت که ما چگونه از این چاه بیرون شویم.

پیر مرد راهنما گفت: اینجا مکان امنی هست و ما همه از اینجا بیرون خواهیم شد، هر کس می‌خواهد همراه من بیاید، ما به اتفاق راهنما با چند چراغ و کارد به راه خود ادامه دادیم، بعد از پانصد قدم به دهانه غاری رسیدیم، در غار مانند در یک عمارت از سنگ تراشیده مشاهده شد، سنگ آن خاکستری رنگ بود، پس از پنجاه ذرع به جایی وسیع رسیدیم.

در اینجا عمارتی پیدا شد، سقف آن را مانند حمام تراشیده بودند، و این عمارت مربع و از هر طرفی بیست ذرع و در طول و عرض، همه دیوارهای آن از سنگ تراشیده، نقوش زیاد در در و یوار داشت، در آنجا خطی بود و کسی نمی‌داند از چه زمانی در اینجا نوشته شده است، من خطوط قدیمی را از یونانی و پیکانی در تخت جمشید دیده‌ام.

اما این خط هیچ شباهتی به آن خط‌ها ندارد، در آن خانه نقوش و صورتهائی هم بود ولی چون همراهان در اضطراب بودند فرصت مطالعه و تحقیق نبود، در این عمارت یک اتاق از سنگ سه دهنه ما بین دالان راهرو باز اطاقی سه دهنه طرف دیگر و طاق و رف و ترکیب از سایر ملزومات که در عمارات بنایان بکار است همه را در اینجا بکار برده‌اند.

پس از ملاحظه در و دیوار عمارت در وسط آن چاهی به مقدار یک ذرع دهنه پائین رفته بود قرار داشت، معلوم شد که این چاه را کنده‌اند، یکی از حاضران گفت: ریسمان را نگهدارید تا من بروم میان چاه، پیر راهنما مانع شد، رفتند سنگی پیدا کنند تا به چاه بیاندازند و عمق آن را بدست آورند.

در این عمارت گرد و غبار و سنگ وجود نداشت، دو نفر رفتند و از بیرون عمارت سنگی آوردند، و آن را به چاه انداختند، هنگامیکه سنگ به چاه افکنده شد دودی سفید مانند ابر از چاه به سرعت بالا آمد و همه عمارت را فرا گرفت و همه در زیر این دود گم شدند و احدی احدی را نمی‌دید ولی صدای یکدیگر را می‌شنیدند.

چراغها مانند آفتاب زیر ابر روشنی می‌دادند، سفید مانند برف نخست همه چشمها را بستند و پس از اینکه دیدگان خود را گشودند همه جا سفید بود و کسی کسی را نمی‌دید، و چشمها هم اذیت نمی‌شدند، در این هنگام لرزه و اضطراب در همه افتاد و وحشت و سراسیمه‌گی پیدا شد که شاید حادثه و خطری در پیش است.

همراهان خواستند فرار کنند ولی از ترس راه را کم کرده بودند، همه در آن زیر فریاد بر آوردند که طلسم شدیم، ای رفیقان بفریاد رسید کور کورانه به یکدیگر نزدیک شدند و همدیگر را گرفتند، بعد از مدتی دود سفید فرو نشست، از سر و گردن پائین آمد و به حوالی سینه رسید و چشمها روشن شد و همه یکدیگر را دیدند و شاد و خوشحال شدند.

آن دود مانند ابر سفید بود، مانند سیماب لرزش و اضطراب داشت و محسوس

دست نبود و از یکدیگر قطع نمی‌گردید، و چیزی از آن در دست نمی‌ماند، وزنی هم نداشت، دود سفید اندک اندک بطرف چاه روان شد و در چاه فرو رفت، تا آنگاه که اثری از آن دیده نشد، در زیر اطاق سردابه‌ای بود و از آن سردابه دری بطرف سردابه دیگر باز می‌شد.

در میان هر سردابه پلکانی بزییر عمارت می‌رفت، چند پله که پائین رفتیم صدائی مانند توپ بشدت تمام استماع می‌شد و کسی را جرأت پیش رفتن نبود، من با تیشه علامتی در آنجا گذاشتم و بعد هم مراجعت کردیم و به همراهان که در سر چاه ایستاده بودند ملحق شدیم، و جریان را برای آنها تعریف کردیم رفت و برگشت ما در حدود پنج ساعت طول کشید.

در اینجا نشستیم و نان و آب خوردیم، و بعد از همان راهپائی که رفته بودیم مراجعت کردیم تا آنگاه که به آب وسط غار رسیدیم، بار دیگر ستونهای چوبی را روی آب گذاشتیم و از آن عبور کردیم تا آنگاه که به دهانه غار رسیدیم و در آنجا به خواب رفتیم، رفتن و برگشتن ما ۳۶ ساعت بطول انجامید.

ما از این غار بسیار در شگفت ماندیم، این چنین غاری در جهان بی‌نظیر است، هنوز کسی به انتهای این غار نرسیده است، و کسی نمی‌داند این آثار و عمارت‌ها را چه کسی و در چه زمانی ساخته است، و چند هزار سال از آن می‌گذرد، خاکهایی که همراه آورده بودیم در میان آنها لاجورد و یاقوت‌های ریز دیده می‌شد.

۲- غار فریزی

این غار در کوه فریزی و به پرده رستم معروف می‌باشد، اهالی قصبه چناران و مردمان اکراد ساکن دهات آن ناحیه هر سال در عید نوروز به آنجا می‌روند جایی با صفا و دلگشا است، در آنجا ایوانی از سنگ تراشیده‌اند، بعد از ایوان خانه وسیعی که از سنگ تراشیده شده دیده می‌شود، در آن خانه صورت اسبی و دو آخر از سنگ تراشیده‌اند.

ارتفاع سقف آن به اندازه میدانی می باشد، و در اطاق دیگر صورت دو قبر از سنگ بطرز ماهرانه ای درست کرده اند، و صورت اسبی دیگر و شخصی بسیار قوی هیکل و چند نفر دیگر و تاجی در میان در آورده اند، در آنجا خطوط قدیم در کنار آن شخص قوی هیکل نوشته شده است، آن خط ها ماند سر پیکان می باشند.

در کنار آن غاری هست که تا حال کسی انتهای آن را پیدا نکرده است، این غار در آنجا به غار الماس مشهور می باشد، راهی مانند بازار مسطح در آنجا ساخته اند، این آثار را به سلاطین پیشوادیان نسبت می دهند، در این کوه پنج دخمه وجود دارد که از سنگ ساخته شده اند، دخمه ها در جاهای بلندی قرار گرفته اند که امکان رفتن آنجا وجود ندارد.

۳- غار ایستک

این غار نیز در کوه بینالود در دهنه چشمه کوثر قرار دارد، در این کوه تختی از سنگ تراشیده شده و صورت یک انسان که پنج ذرع طول و یک ذرع و نیم عرض دارد در آنجا مشاهده می شود، در بدن آن نوشته ئی با خطوط قدیمی نوشته شده که اکثر آنها ریخته شده است، در کوه دو دخمه هم ساخته شده و غاری بسیار بزرگ هم در آنجا هست که کسی تاکنون جرأت رفتن به درون آن را پیدا نکرده است، گویند صورتی که در اینجا روی سنگ نقش بسته است صورت شاپور اول است.

۴- غار اژدر کوه

در اشراق السیاحه گوید: در نیم فرسنگی بالای دهکده «گوگچی» در شمال مشهد که در کنار راه کلات قرار گرفته است غاری در میان دره ای قرار دارد، جایی سنگلاخ و صعب العبور، در اطراف غار درختان انجیر و گردو بسیار است، در میان غار بقدر دویست قدم استخوان بسیار روی هم ریخته است و از آهک و سنگ دیوارها را

ساخته‌اند.

مقداری که از غار را طی کردی به جای وسیعی می‌رسی که مانند کاروانسرا می‌باشد، از طرف دست راست غار راهی نمایان است که مانند دره کوهستان است ولی از آنجا که تاریک می‌باشد کسی جرأت نمی‌کند به آنجا برود، اما از طرفی که روشن است می‌توان بدرون غار رفت ولی بوی گوگرد مانع از رفتن آدمیان به آنجا می‌شود.

۵- غارهای طوس

در شهر طوس هم غارهای متعددی هستند، در میان آن غارها دخمه‌هایی هم وجود دارند، تخته سنگهای قدیم به وفور در آنجا دیده می‌شوند، خطوط و نقوش باستانی را بارانها شستشو می‌دهند و عبادتگاههای قدیم و ریاضتخانه‌ها بسیار است.

۶- غار قزل حصار

این غار در یک فرسخی مشرق شهر رادکان است، از دور دو غار معلوم می‌گردد، هنگامیکه نزدیک رفتم دو دخمه پیدا بود، از سنگ اطاقی تراشیده شده و در کوچکی بنظر رسید، و چهار طرف آن را مانند دیوار صاف نموده که به هیچ وجه راه ندارد، و از روی بناء آن تاکنون کسی سوای پرندگان که در آن منزل دارند کسی نرفته و نمی‌تواند برود مگر به منجنیق و تراشیدن راهی مخصوص از طرف کوه.

۷- غار رادکان

در دامنه کوه رادکان غاری و دخمه‌ای از سنگ وجود دارد و آن مکان به تقاره خانه معروف است، در رادکان آنجا رازندان گبرها می‌گویند، در میان آن غار دیواری از کچ و ساروج بنا کرده‌اند، از پشت دیوار راهی بزرگ کوه کشیده شده و در آن دخمه‌های زیادی هست و اشیائی هم در آنجا پیدا می‌شود.

۸- غار دلمی

دهکده دلمی در نزدیک رادکان است، در این آبادی غاری هست که در آن اطاقهای بسیار که از سنگ تراشیده‌اند وجود دارند، محل این غار در ارتفاعات قرار دارد و صعب‌العبور می‌باشد، دلمی نام دو آبادی است، دلمی کوچک و دلمی بزرگ، در هر دو دهکده غارها و دخمه‌هایی وجود دارد که رسیدن به آنها برای همه کس میسر نیست.

نگارنده گوید:

ما اسامی این غارها را از کتاب اشراق السیاحه یا جغرافیای خراسان تألیف جواد بن موسی خراسانی استخراج کردیم، او همه این غارها را دیده و در آنها تحقیق نموده است، ما مطالب آن کتاب را در اینجا نقل کردیم، تا افرادی که به اینگونه مطالب علاقه دارند کمر همت بر بندند و در این غارها به تحقیق پردازند.

فهرست اعلام

آباقا خان، ۴۵۹	ابراهیم محبوب، ۵۱۳
آصف الدوله، ۵۰، ۶۵، ۸۸، ۱۰۶، ۴۵۶	ابرلین، ۲۲۴، ۴۰۰
۴۵۷، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳	ابن بابویه، ۱۲۷، ۱۲۸
آصف الدوله، ۱۱۰، ۳۱۸، ۴۵۶	ابن سینا، ۳۸۰، ۴۳۵
آغچه، ۵۰، ۴۷۵	ابن عبدربه اندلسی، ۲۵۵
آقا جمال خونساری، ۱۷۲	ابوجعفر کلینی، ۵
آقا جمالی قزوینی، ۵۴	ابوالحسن، ۵۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۷۴، ۲۳۸
آقاخان محلاتی، ۳۴۰	۴۷۶، ۲۳۹
آقا محمد باقر، ۱۴۰	ابوالحسن تروغبذی، ۵۵۲
آقا محمد جواد اخوان، ۲۱۳	ابوالحسن عراقی، ۸۲
آقا محمدخان قاجار، ۱۰۱	ابوالحسن میرزا شیخ رئیس، ۱۷۴
آقا محمد طاهر، ۱۱۳	ابوالحسن نعمان بن محمد، ۵۵۲
آقا میرحسین، ۱۱۳	ابوالحسن نعمان بن محمد تروغبذی
آقا میرزا عبدالحمید خان، ۲۱۳	طوسی، ۵۵۲
آقای حاج شیخ حسن کاشی، ۴۱۶	ابوعبدالله نیشابوری، ۵۵۲
آلفوس گابریل، ۵۴۰	ابوالفضل، ۱۹۲، ۴۰۲، ۴۱۱
ابراهیم امیرعباسی، ۵۱۳	ابوالفضل بیهقی، ۸۲، ۱۱۸، ۳۱۷، ۳۲۳

- ابوالفضل رفیعی، ۵۱۳
 ابوالفضل نبئی، ۲۶۵
 ابوالقاسم سیمجور، ۲۳۷، ۱۹
 ابوالقاسم شفیعی، ۲۶۵
 ابوالقاسم مصدق اکرمی، ۵۱۳
 ابوالمحسن عنایت‌الله، ۱۷۴
 ابوجعفر صدوق، ۱۲۶
 ابوجعفر صدوق، ۱۲۷
 ابوجعفر طوسی، ۱۲۹، ۱۳۰
 ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، ۱۲۸
 ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، ۱۲۸
 ابوجعفر مشهدی، ۱۳۰
 ابو حامد غزالی، ۱۸۳
 ابوسعید گورکانی، ۳۲۴
 ابوصالح، ۱۴۵
 ابوصالح، ۱۴۵، ۴۱۲
 ابو عبدالله مروز، ۲۵۵
 احمد بهار، ۲۵۸، ۲۶۸
 احمد دهقان، ۲۵۹
 احمد رمضانی، ۵۱۳
 احمد عوض، ۵۱۳
 احمد غزالی، ۱۸۳
 احمد ملک‌نژاد، ۵۱۳
 احمدی، ۲۱۷
 ادیب هروی، ۱۷۷، ۴۶۳
 ارغون، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۵
 ارغون خان، ۸۶
 اسدالله میرزا قهرمان، ۳۹۳
 اسکندر بک ترکمان، ۳۴، ۱۱۹، ۳۸۸
 اسکندر بیک، ۱۱۹
 اسماعیل آموزگار، ۲۵۹
 اسماعیل بیت‌اللهی، ۵۱۳
 اسماعیل طلائی، ۱۰، ۲۹۱
 اعتبار السلطنه، ۲۱۴، ۴۳۵، ۴۳۶
 اعتماد التولیه، ۲۶۸
 اعتماد السلطنه، ۳۵، ۱۲۰، ۱۶۹، ۱۷۵
 ۳۸۸، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۳
 اعتماد السلطنة، ۱۷۲
 افراسیاب، ۵۷۳
 افشار قوچانی، ۴۱۷
 اقبال، ۲۱۱، ۲۱۴، ۳۳۴
 الله یار خان، ۴۶۱
 اللهیارخان آصف‌الدوله، ۵۰، ۶۵، ۱۰۶
 ۴۵۶، ۳۱۸
 ایس، ۵۴۴، ۵۵۰
 امام جمعه مشهد، ۹۹، ۵۱۰
 امام جواد، ۴۰۲، ۴۱۲
 امام حسن مجتبی، ۸۹، ۴۰۲، ۴۰۹
 ۴۱۲
 امام حسین، ۵، ۱۴، ۸۴، ۸۸، ۸۹، ۱۱۳
 ۱۱۷، ۱۴۲، ۱۹۲، ۴۰۲
 امام خمینی، ۱۱۵، ۲۰۲، ۳۷۰، ۳۷۲
 ۳۷۸، ۳۸۰، ۴۰۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵

اورنگ زیب، ۲۵۶	۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱
أمیر یوسف خواجه بهادر، ۱۳۶	۵۰۲، ۵۰۴، ۵۰۷
باباخان، ۵۲، ۹۳	امام روح الله موسوی خمینی، ۵۰۷
بابا رستمی، ۵۱۳	امام محمد تقی، ۴۱۲، ۵۱۶
باقر پیرنیا، ۱۲۳	امام وردی خان، ۵۱
بایسنغر، ۹۴	امام هادی، ۳۷۳، ۴۰۳، ۴۱۲
بدیع الزمان، ۱۹۴	امیر ارغون، ۴۵۸، ۴۶۵
بگلریبکی، ۵۴۰	امیر اسدالله، ۴۸۹
بنی طولون، ۲۵۵	امیر اسدالله علم، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۲
بوالحسن عراقی، ۳۲۳	امیراعلم، ۳۹۲
بوبکر شهرد، ۱۱۴	امیر برجندی، ۲۱۸
بهاء الدین ابردهی، ۵۱	امیر تیمور، ۹، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۷۸
بهاء الدین عاملی، ۶۶، ۱۷۰	۳۲۴
بهبود خان، ۵۳۷	امیر تیمور گورکانی، ۹۳
بهرام گور، ۳۱۴	امیر حسین خان شجاع الدوله، ۵۶
بی بی شمس الدوله، ۳۴۰	امیر دوست محمد خان، ۵۳۸
پادشاه دکن، ۷۳	امیر سبکتکین، ۱۲۸
پالیزبان، ۲۵۹	امیر سیدی، ۱۸۶
پتروسکی، ۲۱۵	امیر شیخ علی بهادر، ۱۳۶
پرویز اسفندیاری، ۲۵۹	امیر عزیزی، ۱۸۵
پروین گنابادی، ۲۵۹	امیر علی شیر، ۴۷۳
پیر پالان دوز، ۱۷۶، ۵۴۰	امیر علی شیر نوائی، ۸۵، ۳۱۵
تاجماه بیگم، ۱۰۹	امیر غیاث الدین ترخان، ۹۳
تقی ایمان پرست، ۵۱۳	امیر غیاث الدین خواجه یوسف، ۱۸۶
ثامن الائمه، ۱۹۲، ۴۱۲	امیر فضل الله شهرستانی، ۸۹
ثعالبی، ۲۵۵	امین شهیدی، ۲۵۸
جعفر حسینی فیاض، ۵۱۳	انیس الدوله، ۵۱

- جعفرقلی، ۵۳، ۵۴
 جعفرقلی میر شکارباشی، ۴۷۳
 جلال‌الدین تهرانی، ۱۱۵، ۱۸۲، ۴۶۴
 جلیل محدثی، ۵۱۳
 جواد اسلامی، ۵۱۳
 جواد بن موسی خراسانی، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۸۳
 جواد جامی خراسانی، ۵۱۳
 جواد نامی، ۵۱۴
 جونکوفسکی، ۵۴۴
 چارلز، ۵۳۷، ۵۳۸
 چارلز الیس، ۵۴۲، ۵۴۴
 چارلز هوارد الیس، ۵۴۲
 حاج آقا احمد مدرس، ۴۹۶
 حاج آقا جان، ۱۷۸
 حاج آقا جان معمار، ۱۸۳
 حاج آقا حسن، ۴۹۶
 حاج آقا حسین طباطبائی، ۴۹۰، ۴۹۲
 ۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۹، ۵۰۲
 حاج آقا حسین طباطبائی قمی، ۴۹۴
 حاج آقا حسین قمی، ۴۹۰، ۴۹۴، ۴۹۵
 حاج اسدالله خامنه‌ای، ۲۱۵
 حاج امیر رضوی، ۳۴۰
 حاج جلیل خامنه‌ای، ۲۱۳
 حاج حسن خان قاجار، ۵۴
 حاج حسین ملک، ۵۷، ۵۹، ۲۱۴، ۴۶۶، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲
 حاج حق نظر ترکمان، ۶۰
 حاج رضاقلی خان، ۶۴
 حاج سید ابوالقاسم خوئی، ۱۳۴، ۱۶۹، ۱۹۰
 حاج سید ابوالقاسم کاشانی، ۴۲۴، ۴۸۸
 حاج سید ابوالقاسم مجتهد کاشانی، ۴۲۷
 حاج سید حسن ابطحی، ۴۳۰
 حاج سید حسین خرازی، ۴۱۶
 حاج سید سعید طباطبائی نائینی، ۶۶، ۲۴۵، ۲۴۶
 حاج سید عبدالکریم هاشمی نژاد، ۴۳۰، ۴۹۱
 حاج سید علی خامنه‌ای، ۴۹۱
 حاج سید محمدهادی میلانی، ۱۸۶، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۸
 حاج سید محمود مجتهدی، ۴۹۱
 حاج سید مصطفی خمینی، ۵۰۰
 حاج سیف الدوله، ۲۴۰
 حاج شیخ ابوالقاسم تهرانی، ۲۱۴
 حاج شیخ حسن شیرازی، ۵۱۰
 حاج شیخ حسنعلی تهرانی، ۱۵۴
 حاج شیخ ذبیح‌الله قوچانی، ۴۱۶، ۴۱۷
 حاج شیخ رضا محامی، ۴۹۱
 حاج شیخ عباس واعظ طبسی، ۱۷۹، ۴۹۱
 حاج شیخ علی تهرانی، ۴۹۱

- حاج شیخ غلامرضا اسدی، ۵۰۸
 حاج شیخ مجتبی قزوینی، ۴۹۶، ۴۹۰
 حاج شیخ محمدکاظم دامغانی، ۴۹۰
 حاج شیخ محمود حلبی، ۴۲۵، ۴۲۴
 حاج عابدزاده، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۹
 حاج عبدالرحیم، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۴۴
 حاج علی اکبر، ۹۱
 حاج علی اکبر خان، ۸۴
 حاج علی اکبری، ۸۴
 حاج غلامعلی یزدی، ۴۱۶
 حاج قاسم، ۹۱
 حاج قاسم تهرانی، ۹۱
 حاج محمد ابراهیم میلانی، ۲۱۳
 حاج محمد باقر کلکته چی، ۳۳۳
 حاج محمد تقی رضایوف، ۲۱۳
 حاج محمد حسن، ۱۵۴، ۳۹۳
 حاج محمد حسن میرزا منتصرالملک، ۶۳
 حاج محمد حسین شیرازی، ۱۰۰
 حاج محمد حسین قره باغی، ۱۰۰
 حاج محمد رضا اردستانی، ۱۰۲
 حاج محمد علی رضا یوف، ۲۱۴
 حاج محمد علی فاضل، ۴۶۳
 حاج محمدقلی خان ایشک آقاسی، ۴۶۲
 حاج محمد کاظم، ۲۱۳
 حاج محمد معین التجار رشتی، ۱۰۶
 حاج محمد میرزا، ۱۰۷، ۲۱۴، ۳۹۳
 حاج معاون الصنائع، ۲۱۳
 حاج معدل الملک شیرازی، ۱۰۸
 حاج معین التجار، ۲۱۳، ۲۱۴
 حاج ملا حسن، ۳۹۱
 حاج ملا حسین، ۳۹۱
 حاج ملا حسین قالی باف، ۲۱۳
 حاج ملا حسین ناظر، ۳۶
 حاج ملا علی قوچانی، ۸۴
 حاج میر حسین قالی باف، ۲۱۳
 حاج میرزا احمد کفائی خراسانی، ۴۹۰
 حاج میرزا جواد آقا تهرانی، ۴۹۶، ۵۱۰
 حاج میرزا حبیب فقیه، ۱۵۵
 حاج میرزا حسین فقیه سبزواری، ۴۹۰
 حاج میرزا عبدالشکور، ۴۱۶
 حاج میرزا محمد علی، ۱۰۴
 حاج میرزا موسی خان، ۳۲۰
 حاج میرزا موسی خان فراهانی، ۱۰۹
 حاج میرزا هاشم مجتهد، ۲۱۴
 حاج نظر علی، ۱۷۵
 حاج نعمت الله یاور، ۱۱۲
 حبان بن موسی، ۲۵۵
 حبیب الله امامی، ۲۵۹
 حسام السلطنه، ۶۵، ۱۰۶
 حسن آزادی، ۵۱۴
 حسن آقاسی زاده، ۵۱۴
 حسن احمدی، ۲۵۹

- حسن انفرادی، ۵۱۴
 حسن خان، ۵۴، ۶۵، ۱۰۶، ۱۵۴
 حسن خانی، ۵۱۴
 حسن ستوده، ۵۱۴
 حسن عاملی، ۵۱۴
 حسنعلی مردانی، ۵۱۴
 حسنعلی منصور، ۴۹۷
 حسنعلی میرزا، ۵۲۶
 حسن موسوی، ۵۱۴
 حسن میرزاد، ۲۶۴
 حسن هاشمی، ۵۱۴
 حسین بن علی، ۴۰۳، ۴۱۱
 حسین حسین زاده، ۵۱۴
 حسین خان شاهسون، ۵۶
 حسین سامی راد، ۲۲۳
 حسین شادکام، ۲۶۶
 حسین عکاس، ۲۵۹
 حسین علی پور، ۵۱۴
 حسین غزالی، ۲۶۴
 حسین فاضل حسینی، ۵۱۴
 حسینقلی خان قاجار، ۷۵
 حسین کارگر، ۵۱۴
 حسین کی استوان، ۱۱۶
 حسین مجیدی اردکانی، ۵۱۴
 حسین محمدیانی، ۵۱۴
 حسین محمودی، ۲۵۹
 حسین نوری، ۵۱۴
 حضرت زهرا، ۴، ۵، ۴۱۲
 حضرت عبدالعظیم حسنی، ۲۸۰، ۴۴۳
 حکیم ابوالقاسم فردوسی، ۱۲۹، ۱۳۰، ۵۷۳، ۳۱۱
 حکیم الممالک، ۵۵۲
 حکیم عماد الدین محمود، ۳۴
 حمید بن قحطبه، ۳۲۰
 حمید بن قحطبه طائی، ۳۰۴
 حمیدرضا شوشتریان، ۲۶۳
 حمید شجاعی، ۲۵۸
 حمید شعاعی، ۲۵۸
 خان بابا خان شاملو، ۱۵۴
 خانیکوف، ۵۲۴، ۵۲۵
 خدیجه، ۸۹
 خسرو میرزا، ۶۱
 خلیفه سلطان، ۸۹
 خواجه ربیع، ۲۹، ۷۱، ۷۲، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۹۱، ۲۵۲، ۲۸۴
 ۳۷۸، ۳۷۹، ۴۰۳، ۴۵۰، ۵۱۲
 خواجه عظاملک، ۴۶۵
 خواجه محمد اکبر، ۹۹
 خواجه نصیرالدین طوسی، ۷۷
 خواجه نصیر طوسی، ۱۳۱
 خیام، ۴۷، ۲۵۱، ۲۶۸، ۳۶۸، ۳۷۸، ۳۸۰، ۴۵۴، ۴۰۳
 خیرات خان، ۲۰، ۶۱، ۶۲، ۱۳۳، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۸۹، ۲۴۷

داود بیگا، ۱۱۱	سالار، ۶۲، ۶۵، ۷۴، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۵۷،
دبیر السلطان، ۶۲	۴۶۱، ۴۶۲، ۴۷۵
دبیر سهرابی، ۶۲، ۶۳	سالجوق خاتون، ۴۵۹
دکتر شریعتی، ۴۶۲	سام نریمان، ۳۰۶
رابعه، ۳۸، ۶۳، ۳۹۳	ستی فاطمه، ۸۹
رازی، ۳۹۳، ۴۰۱، ۴۳۵، ۴۵۴	سجادی، ۲۵۸
رجبعلی بک، ۶۴، ۴۵۷	سرهنگ بیلی، ۵۴۵، ۵۴۶
رستم خان سپهسالار، ۷۶	سرهنگ ف. م. بیلی، ۵۴۵، ۵۵۰
رسول محمدی، ۵۱۵	سزاوارخان، ۹۳
رشید الدین فضل الله، ۳۰۷، ۴۵۹	سعدالدین، ۶۶، ۸۶، ۱۷۰، ۱۷۹، ۱۸۰،
رضا خضرائی، ۵۱۴	۱۸۱، ۳۲۲
رضا سلطانی، ۵۱۴	سعدالدین محمد وزیر، ۶۶، ۱۴۸، ۱۸۱،
رضا شاه، ۱۰، ۱۳، ۱۰۲، ۱۰۳، ۲۱۸،	۳۲۲
۲۴۱، ۴۵۶، ۵۰۱، ۵۰۴	سعید نظافت، ۵۱۵
رضا شاه پهلوی، ۳۷، ۱۰۲، ۱۰۳، ۲۴۱	سلطان اکبر ولد اورنگ، ۴۲
رضاقلی خان، ۵۵۹	سلطان حسین میرزا بایقرا، ۸۵، ۳۲۵،
رضاقلی خان زعفرانلو، ۵۵۸، ۵۵۹	۴۷۵
رفیع خان، ۱۶۶	سلطان سنجر، ۲۷۹
رفیع خان باذل، ۱۶۷	سلطان سنجر سلجوقی، ۶۴
رکن التجار یزدی، ۴۱۶	سلطانم، ۶۷
رکن الدوله محمد تقی میرزا، ۹۹	سلطان محمد خوارزمشاه، ۱۱۵
رمضان علی عاملی، ۵۱۵	سلطان مراد میرزا حسام السلطنه، ۶۵،
زرین ملک، ۶۰	۴۶۱
زمرد ملک، ۶۴	سلیمان خان، ۱۰، ۶۷، ۱۳۳، ۱۶۸،
زید شهید، ۳۱۶	۱۶۹، ۱۸۷، ۲۴۷
زینب بکم دختر شاه طهماسب، ۶۵	سلیمان خان اعتضاد السلطنه، ۶۷
ژنرال مالسون، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۷	سوری، ۱۱۴

- سید ابراهیم شجعی، ۵۱۳
 سید ابوالقاسم پریراد، ۱۴۳، ۱۴۴
 سید ابوالقاسم موسوی، ۱۴۳
 سید احمد مؤذن، ۲۶۳
 سید الساجدین، ۴۱۲
 سید جلال الدین، ۱۱۵، ۱۸۲، ۴۶۴
 سید جلال فیاضی، ۲۶۵
 سید جمال الدین اسدآبادی، ۴۳۵
 سید حبیب الله، ۱۳۵
 سید حسن مشکان طبسی، ۱۸۲
 سید حسین، ۵۵، ۲۱۵، ۴۱۶، ۵۲۹
 سید عبدالحسین مجید فیاض، ۱۲۳
 سید عبدالله متولی، ۶۰
 سید علی ابراهیمی، ۵۱۵
 سید قاسم، ۴۴
 سید محسن صدر الاشراف، ۲۷۲
 سید محمد جلال الدین، ۱۱۵
 سید محمد حسین عضدالملک، ۱۱۹
 سید محمد روضه خان، ۴۴
 سید محمد علی وزیری، ۱۰۴، ۱۰۵
 سید مرتضی حسین زاده، ۱۴۴
 سید مولتیور، ۲۱۳
 سید یحیی مرتضوی، ۱۱۳
 شاپور اول، ۵۸۱
 شاه جهان، ۲۵۶، ۴۵۸، ۵۳۳
 شاهرخ، ۹، ۶۸، ۸۷، ۹۳، ۹۴، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۷۷، ۱۸۶
 ۲۳۸، ۲۷۹، ۳۳۱
 شاهرخ بهادر، ۱۳۶
 شاهرضا، ۳۷، ۳۸، ۶۳، ۱۰۳، ۲۴۴
 ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۰، ۴۲۱، ۴۵۶، ۴۶۳
 ۵۰۵
 شاهزاده ارفع السلطان، ۴۱۶
 شاهزاده بانو، ۲۱۶
 شاهزاده جلال السلطان، ۲۱۳، ۲۱۴
 شاه سلطان حسین صفوی، ۶۶، ۱۱۰
 ۳۲۱
 شاه سلطان محمد خدا بنده، ۵۴۰
 شاه سلیمان، ۶۸، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۵
 ۱۷۲، ۱۷۵
 شاه سلیمان صفوی، ۶۶، ۶۸، ۷۴، ۷۵
 ۱۳۸، ۱۷۲، ۱۸۱، ۴۷۵
 شاه صفی، ۳۸، ۶۹، ۳۹۵
 شاه طهماسب صفوی، ۶۵، ۶۷، ۶۹
 ۱۰۶
 شاه عباس، ۵۱، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲
 ۷۳، ۱۱۰، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹
 ۲۳۹، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۲۲، ۴۷۶
 شاهقلمی، ۲۵۸
 شاه وردی، ۱۳۷
 شاهوردی خان، ۴۷۵
 شجاع السلطنه، ۵۲۶
 شریعتی، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۶۲
 شکرالله خانی، ۵۱۵

- شمس المعالی، ۲۵۸
 شمس النساء بیگم، ۱۱۰
 شهاب پور، ۴۲۹
 شهید کامیاب، ۴۱۲، ۳۷۹
 شهید مدرس، ۴۱۲، ۴۶
 شهید هاشمی نژاد، ۲۷۳، ۳۹۷، ۴۰۳
 ۴۳۰، ۴۱۳، ۴۰۹
 شبیانی، ۱۲۵، ۴۶۰
 شیخ آقا بزرگ تهرانی، ۱۸۵
 شیخ ابوالقاسم هرنندی، ۱۱۶
 شیخ ابو جعفر طوسی، ۱۲۹، ۱۳۰
 شیخ اسماعیل مجتهد، ۱۵۵
 شیخ بهاء الدین، ۱۸، ۹۷، ۱۳۸، ۲۴۵
 ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶
 شیخ ذبیح الله، ۴۱۶، ۴۱۷
 شیخ ذبیح الله قوچانی، ۱۵۵، ۴۱۶، ۴۱۷
 شیخ سلیمان صدوری بخارائی، ۲۶۷
 شیخ طوسی، ۱۲۹، ۱۳۰
 شیخ عبدالرحیم مدرس، ۴۱۶
 شیخ عبدالکریم درگزی، ۱۸۱
 شیخ محمد حسن، ۷۵، ۲۴۵
 شیخ محمد فاضل، ۱۳۸
 شیخ محمد کاظم، ۴۱۶، ۴۱۷
 شیخ مفید، ۱۲۹
 شیخ مؤمن، ۳۲۱
 صاحب الزمان، ۱۹۱، ۴۱۲، ۴۳۰
 صاحب بن عباد، ۲۵۵، ۲۵۶
- صادق بک، ۲۸۵
 صدرالتجار، ۷۵
 صدرالدین ابراهیم، ۸۶
 صدوق، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۲۹۲
 صدیق الدوله، ۱۲۱
 صدیقه طاهره، ۸۹
 صفا اصفهانی، ۱۷۷
 صفرخان، ۵۳۳
 صفی قلی خان بگلربیگی، ۷۶
 طاهرزاده بهزاد، ۳۹۵
 طاهری، ۵۱۵
 طبرسی، ۱۸، ۷۰، ۸۰، ۱۳۰، ۱۹۱
 ۲۵۲، ۳۴۰، ۳۷۷، ۴۰۲، ۴۶۱، ۴۷۸
 ظهیرالدوله، ۵۳۵، ۵۵۳
 عادلشاه، ۸۵، ۱۱۹
 عباس امیری پور، ۲۶۴
 عباس خوش بین، ۵۱۵
 عباس رحمت جو، ۵۱۵
 عباسقلی، ۱۷، ۷۷، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹
 ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۷۸، ۴۵۷، ۴۷۶
 عباسقلی بک، ۷۶
 عباسقلی خان شاملو، ۷۷، ۱۴۷، ۱۵۴
 عباس میرزا، ۵۳۹
 عباس ولی نژاد، ۵۱۵
 عباس هوشیار، ۲۶۰، ۲۶۶
 عبدالحسین آموزگار، ۲۷۲
 عبدالحسین بروس، ۵۱۵

- عبدالحسین معافیان، ۵۱۵
 عبدالحمید مولوی، ۱۶، ۳۵، ۴۴، ۸۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۲، ۳۱۵، ۳۹۰، ۴۵۸، ۴۶۳
 عبدالرحمان بن حجاج، ۵
 عبدالرحیم خان، ۸۱
 عبدالعزیز بن مسلم، ۱۲۷
 عبدالعظیم ولیان، ۸۹، ۱۸۲، ۲۸۰، ۴۴۳
 عبدالعلی رضائی، ۲۵۸
 عبدالقدیر سبزواری، ۲۵۸
 عبدالکریم هندی، ۵۳۲
 عبدالله برقی، ۲۵۸
 عبدالله بن حسن حمزه طبرسی، ۱۳۰
 عبدالله بن مبارک، ۲۵۵، ۲۵۶
 عبدالله رضوی، ۷۸، ۷۹، ۸۱
 عبدالله ملاأمیر، ۱۷۴
 عبدالمجید فیاض، ۲۶۰
 عبدالمؤمن خان، ۷۳
 عبدالهادی صاحبی، ۵۱۵
 عتیق علی، ۷۷، ۳۱۹، ۳۸۹
 عزت ملک خانم، ۶۰
 عزیزالله ابراهیمی، ۵۱۵
 عزیزالله عطاردی، ۲، ۱۲۴
 عضدالملک، ۳۶، ۶۷، ۱۰۱، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۳۹۰، ۴۶۱
 علاءالملک، ۸۷
 علی آقا درودی، ۲۱۳
 علی آموزگار، ۲۵۸
 علی اصغر ابراهیمی، ۵۱۵
 علی اصغر امینیان، ۱۲۳
 علی اصغر ایرانی، ۵۱۶
 علی اصغر جعفری، ۲۶۳
 علی اصغر حسینی، ۵۱۶
 علی اصغر منفرد، ۵۱۶
 علی اصغر نائب درودی، ۵۱۶
 علی اصغر نظری، ۵۱۶
 علی اکبر حمامی، ۵۱۶
 علی اکبر خان سرهنگ، ۸۴
 علی اکبر عین القضاة، ۵۱۶
 علی اکبر فرشیدی، ۲۵۹
 علی اکبر گلشن، ۲۵۸
 علی اکبر معمار کاشانی، ۱۶۰
 علی بلغرامی، ۱۶۶، ۱۶۸
 علی پناه، ۱۱۲
 علی ترابی، ۵۱۵
 علی تعاونی، ۲۵۹
 علی توکلی، ۵۱۵
 علی حائریان اردکانی، ۲۶۵
 علی حسینی، ۵۱۵
 علی خان سرهنگ، ۸۳
 علی خداشناس، ۲۶۳
 علی خزاعی، ۲۶۵
 علیرضا آزمایش، ۵۱۶
 علی رضا آموزگار، ۲۱۶

- علیرضا بابازاده، ۵۱۶
 علی رضا خان امیر پنجه، ۸۳
 علیرضا رحمت جو، ۵۱۶
 علیرضا عباسی، ۷۱، ۱۲
 علی رضا عباسی، ۷۱
 علیرضا نوری گرمودی، ۲۶۵
 علیرضای عباسی، ۷۱
 علی شاه، ۸۵، ۱۱۹، ۳۸۹، ۳۹۰
 علیشاه، ۱۲۱
 علی شاه افشار، ۶۷، ۸۵، ۱۱۹
 علی علی نژاد خباز، ۲۶۴
 علی محمد نوریان، ۲۶۶
 علی موتمن، ۱۲۴
 علی نجفی، ۵۱۵
 علی نقی میرزا، ۱۸۴، ۱۸۵
 علی نقی میرزا والی خراسان، ۱۸۴
 عمادالدین محمود، ۳۸۸
 عنصری، ۲۱۷
 غازان، ۴۵۹
 غازان خان، ۹، ۸۶، ۴۵۶
 غلام حسین اسداللهی، ۵۱۶
 غلام حسین خدائی، ۲۶۳
 غلام رضا تدین، ۵۱۶
 غلام رضا خزائی، ۲۶۴
 غلامرضا قهرمان، ۲۵۹
 غلامعلی ترابی، ۵۱۶
 غلام محمد نیک عیش، ۵۱۶
 غیاث الدین محمد مشهدی، ۲۹۰
 غیاث الدین یوسف، ۸۷
 غیاث الدین یوسف خواجه بهادر، ۱۳۶، ۱۳۸
 فاضل بسطامی، ۴۱۷
 فاطمه خانم، ۶۰
 فتح الله ابراهیمی، ۵۱۶
 فتح الله پاکروان، ۱۱، ۱۲
 فتح الله خان مستوفی، ۸۹
 فتحعلی بک کوتوال، ۱۰۱
 فتحعلی خان، ۸۸، ۲۱۴
 فتحعلی خان صاحب دیوان، ۸۸
 فتحعلی شاه، ۸۸، ۹۱، ۱۸۴، ۵۵۸، ۵۵۹
 فتحعلی شاه قاجار، ۵۰، ۸۸، ۸۹، ۹۱
 فخرالدین، ۱۶۷، ۴۶۱
 فخرالدین محمد خان، ۱۶۷
 فرزر، ۵۲۶
 فرنگیس بگم، ۸۹
 فرنوش رحمانی، ۵۱۶
 فرود، ۳۱۱
 فروغ السلطنة، ۲۱۶
 فضل الله موتمن، ۱۲۳
 فضل الله وزیر نظام، ۹۰
 فضل بن روزبهان، ۴۵۹، ۴۶۰
 فضل بن روزبهان خنجی، ۴۵۹
 فورشاریر، ۵۲۵
 قاسم زرین، ۲۵۹

- قاسم موحدی، ۵۱۶
 قاضی احمد قمی، ۲۸۵، ۲۳۹
 قدرت الله روشنی، ۵۵۰
 قطب الدین محمد بن حسین کیذری، ۱۳۰
 قطبشاهیان دکن، ۶۲
 قمر نساء، ۹۲
 قهرمان میرزا، ۱۰۷
 کاظم حسینی فیاض، ۵۱۶
 کاظم نیک، ۲۵۹
 کربلانی جعفر، ۴۴
 کربلانی حسن فراش، ۴۴
 کربلانی علی اکبر دربان، ۴۴
 کربلانی علی اکبر طباطبائی، ۴۴
 کفایت خان، ۱۶۷
 کلب علی خان قورچی باشی، ۱۳۸
 کیخسرو، ۳۱۱، ۵۷۳
 گل محمد غزنوی، ۵۱۶
 گنج علی خان، ۹۲، ۹۳
 گوهرشاد، ۹، ۱۳، ۱۸، ۳۵، ۶۰، ۶۱، ۶۶، ۶۸، ۷۵، ۸۲، ۸۵، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۸۴، ۲۱۸، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۷، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۶۲، ۳۹۰، ۴۲۵، ۴۶۴، ۴۹۸
- لحظة، ۲۵۵
 لنین، ۵۴۹
 مالک اشتر، ۴۱۲
 مجد الملک، ۹۸
 مجید گرایلی، ۵۱۶
 مجید مهائی، ۵۱۷
 محراب خان، ۳۹، ۹۸، ۱۰۷، ۲۱۷، ۳۱۹، ۳۹۷، ۴۷۱
 محسن حسینی، ۵۱۷
 محسن خان قزوینی، ۹۸
 محمد ابراهیم بازاری، ۲۶۴
 محمد ابراهیم دادمند، ۵۱۷
 محمد ابراهیم شریفی، ۵۱۷
 محمد ابراهیم محمدی، ۲۶۵
 محمد اسماعیل، ۳۶، ۳۹۱
 محمد اسماعیل کاشانی اسلامبولچی، ۲۱۳
 محمد باقر، ۶۸، ۱۴۰، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۹۱، ۲۱۴، ۴۰۳، ۵۱۷
 محمد باقر تعبدی، ۲۵۸
 محمد باقر صادق جوادی، ۵۱۷
 محمد بک دیوان بیگی، ۱۰۷
 محمد بگ، ۵۶۵
 محمد بن اسحاق بن خزیمه، ۵۵۲
 محمد بن میرانشاه بن امیر تیمور، ۳۲۴
 محمد بن یعقوب کلینی، ۴
 محمد بهاری، ۵۱۷

محمد بهرامی، ۵۱۷	محمدرضا شریف حسینی، ۵۱۷
محمد تقی، ۳۹۱	محمدرضا قندهاری، ۵۱۷
محمد تکش خان، ۵۳۷	محمد سبزی کار، ۵۱۷
محمد تقی بافندگان، ۵۱۷	محمد سعید خوافی، ۱۰۴
محمد تقی بجنوردی، ۹۹، ۱۰۰	محمد سمیع، ۱۷۲
محمد تقی شریعتی، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۲	محمد شاه قاجار، ۵۰، ۳۱۸، ۳۲۰، ۴۵۶
۴۹۱، ۴۲۵، ۴۲۳	محمد صادق، ۱۱۲، ۱۱۳
محمد تقی شریعتی مزینانی، ۴۱۹	محمد صادق تهرانیان، ۲۶۴
محمد تقی میرزا، ۹۹، ۴۶۳	محمد صادق جوادی حصار، ۲۶۴
محمد تکه، ۵۳۶	محمد صادق حسینی، ۲۵۸
محمد حسن خان، ۴۶۱، ۵۲۳	محمد صادق خان، ۳۸۸
محمد حسین ارفع، ۵۱۷	محمد صادق دادمند، ۵۱۷
محمد حسین بصیر، ۵۱۷	محمد علم خان، ۱۰۴
محمد حسین پاپلی یزدی، ۲۶۵	محمد علی ایاغچی، ۴۴
محمد حسین کاشی پز قزوینی، ۱۶۰	محمد علی پلیسان، ۵۱۸
محمد خان خراسانی، ۲۵۹	محمد علی محافظی عسکری، ۵۱۸
محمد خان شیبانی، ۴۶۰	محمد علی طباطبائی، ۴۴
محمد خان کلیدری، ۱۰۲	محمد علی عباسی، ۵۱۸
محمد دانش، ۷۵	محمد علی قدمیاری، ۵۱۸
محمد رحیم، ۱۴۸، ۱۷۲	محمد قلی خان، ۱۰۶، ۴۶۲
محمدرضا امامی، ۱۸۰	محمد کاظم رکن التجار، ۲۱۳، ۲۱۴
محمدرضا حمامی، ۵۱۷	محمد مصدق، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۸۸
محمدرضا خان، ۵۵۳	محمد مهدی خادم الشریعه، ۵۱۸
محمدرضا رضوانی نوقانی، ۵۱۷	محمد مهدی خدیوی زند، ۲۶۳
محمدرضا شاه، ۱۲، ۱۳، ۲۷، ۱۰۲	محمد مهدی رکنی، ۲۶۵
۱۰۳، ۱۱۵، ۴۸۹، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴	محمد ناصر خان، ۱۵۸
۵۰۴، ۴۹۹، ۴۹۸	محمد ناصر خان ظهیرالدوله، ۱۰۲

- محمدناصر خان قاجار، ۵۳۹
 محمد نوری، ۲۵۹
 محمد واعظ زاده خراسانی، ۲۶۵
 محمدولی خان ازبک، ۴۲
 محمد ولی خان اسدی، ۱۰، ۱۱، ۳۷
 ۶۶، ۱۷۴، ۱۸۳، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۴۰
 ۳۹۳، ۳۹۷، ۴۵۷، ۴۶۲
 محمدولی خان قاجار، ۱۰۱
 محمدولی میرزا، ۵۲۵
 محمود امیرخانی، ۵۱۸
 محمود بدر، ۱۰۳، ۱۷۱
 محمود بیکا، ۱۰۷
 محمود حاجیان، ۲۵۸
 محمود خان ناظر، ۲۱۷
 محمود رادمرد، ۵۱۸
 محمود روحانی نژاد، ۲۶۴
 محمود ساعدی، ۵۱۸
 محمود سیدی، ۲۶۳
 محمود غزنوی، ۸، ۱۹، ۱۱۸، ۲۳۸
 محمود کاوه، ۵۱۸
 محمود یزدی مطلق، ۲۶۵
 مختاریک، ۱۲۳
 مرتضی قلی خان، ۱۰۸
 مسیو فریه، ۵۳۱
 مشهدی علی اصغر ولدی اردبیلی، ۲۱۳
 مشهدی محمد عمواغلی، ۲۱۳
 مشیرالدوله، ۳۵، ۴۲، ۳۸۸
 مصدق، ۴۲۸
 مصطفی حبیبی، ۲۲۴، ۴۰۰
 مصطفی رحمانی، ۵۱۸
 مصطفی قوی، ۵۱۸
 مظفرالدین شاه، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۵۹
 مک گرگر، ۵۳۳، ۵۵۰
 ملا عبدالرحمان، ۳۹۱
 ملا عبدالرحیم، ۳۶
 ملا کریم، ۳۹۱
 ملا محمد باقر، ۱۷۲، ۱۷۳
 ملا محمد باقر سبزواری، ۱۷۲
 ملا محمد کاظم استرآبادی، ۹۲
 ملا محمد کاظم خراسانی، ۴۱۶، ۴۱۷
 ملا میرزا حسن امین الرعایا، ۵۵
 ملاهاشم، ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۴
 ملک احمد تونی، ۱۸۵
 ملک التجار، ۹۱، ۵۳۸
 ملک بهزاد، ۱۷۵
 ملکزاده، ۲۴۴
 ملک مودودی، ۱۱۴
 منتصرالملک، ۶۳، ۳۹۳
 مندیج، ۵۴۷
 منصور بن محمد بن کثیر، ۲۳۷
 منوچهر، ۲۱۴، ۳۰۶، ۳۷۸
 منوچهری، ۲۱۷
 موسوی، ۵۱۸
 موسی ابراهیمی، ۵۱۸

موسی شربت‌دار، ۲۶۳	میرزا الغ رضوی، ۷۲، ۳۱۶
موسیو کنولی، ۵۳۰	میرزا باقر، ۳۶، ۳۹۱
مولوی، ۳۶، ۱۲۳، ۱۷۸، ۳۹۰، ۴۵۷، ۴۶۲	میرزا بدیع فندرسکی، ۹۲
مهدی، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۶۹، ۴۰۳، ۴۱۲	میرزا جعفر، ۲۰، ۱۳۳، ۱۵۷، ۱۵۸
مهدی بابازاده، ۵۱۸	۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۸۲
مهدی شوشتری، ۵۱۸	۱۸۹، ۲۲۶، ۲۴۷، ۵۰۰، ۵۲۹
مهدی صاحبی، ۵۱۸	میرزا جعفر خان مشیر الدوله، ۳۸۸
مهدی فرودی، ۵۱۸	میرزا جعفر سروقده مشهدی، ۱۶۶
مهدی فرومندی، ۵۱۸	میرزا حبیب‌الله رشتی، ۵۴
مهدی فضل‌خدا، ۵۱۸	میرزا حسن، ۳۹۱
مهدی قلی‌بک، ۱۱۰، ۳۲۲	میرزا حسین جوینی، ۵۶
مهدی قلی‌خان، ۱۰۹، ۱۱۰، ۴۷۶	میرزا رحیم مستوفی، ۵۲
مهدی قلی‌خان قوللر آغاسی، ۱۱۰	میرزا سعدالدین، ۶۶، ۱۷۰
مهدی میرزائی، ۵۱۸	میرزا سعید خان، ۱۱۰، ۴۶۲
مهرجهان بیگم، ۱۱۰	میرزا سعید خان انصاری، ۱۱۰
مهرداد رهبری، ۵۵۰	میرزا شاه‌تقی‌الدین محمد رضوی، ۶۸
میرزا آقاخان سرهنگ، ۱۱۰	میرزا صالح رضوی، ۱۴۴، ۱۴۷
میرزا آقاخان نوری، ۹۰	میرزا صالح نقیب رضوی، ۱۴۵
میرزا ابوالقاسم، ۳۶، ۳۹۱	میرزا صدرا، ۱۴۵، ۲۴۵
میرزا ابوالقاسم قائم مقام، ۱۰۹	میرزا صدرالدین خان نجم‌السلطنه، ۷۵، ۲۴۵
میرزا ابوالمعالی، ۱۴۰	میرزا عبدالجواد، ۵۲۶
میرزا ابوتراب خان اقبال، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴	میرزا عبدالحسین خان، ۲۱۴
میرزا احمد رضوی، ۱۵۵	میرزا عبدالوهاب، ۵۲۶
میرزا احمد نیریزی، ۶۷، ۱۲۲	میرزا علی اصغر خان، ۲۱۸
میرزا اسماعیل خان، ۲۱۴	میرزا غلامرضا خان منشی باشی، ۲۱۳
	میرزا فرج‌الله خان اردبیلی، ۲۱۴

- میرزا فضل الله نوری، ۹۰
 میرزا محمدباقر رضوی، ۶۸
 میرزا محمدباقر مدرس، ۴۱۶
 میرزا محمد تقی مشرف، ۴۴
 میرزا محمد حسین، ۱۰۰
 میرزا محمد حسین عضدالملک قزوینی، ۱۰۱
 میرزا محمد خان کاشی، ۲۱۵
 میرزا محمد رضا صدیق الدوله، ۱۲۱
 میرزا محمد رضا مستشار الملک، ۱۷۷
 میرزا محمد طاهر، ۱۵۵
 میرزا محمد طیب، ۳۶، ۳۹۱
 میرزا محمد میرک الحسینی، ۱۴۰
 میرزا محمود، ۱۶۷
 میرزا موسی، ۵۲۶
 میرزا موسی خان، ۳۵، ۱۰۹، ۳۲۰، ۳۸۹
 میرزا مهدی مجتهد، ۵۲۶
 میرزای ناظر، ۷۸، ۷۹، ۵۴۱
 میر مرتضی قره باغی، ۲۱۳
 میلانی، ۱۸۶، ۴۹۳
 مؤتمن، ۳۵، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۷۷، ۲۴۰، ۳۳۹، ۳۸۹، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۵، ۴۵۷
 نادرشاه، ۱۰، ۳۵، ۷۶، ۸۵، ۱۱۱، ۱۱۹
 ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۳، ۲۵۱، ۲۸۹، ۳۹۰
 ۴۶۷، ۴۵۷
 ناصرالدین شاه، ۳۵، ۴۲، ۵۱، ۵۵، ۶۰
 ۶۵، ۹۰، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۸۰
 ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۳۲۴
 ۳۲۵، ۳۶۷، ۳۹۰، ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۷۷
 ۵۵۲، ۵۷۳
 ناصر امیری، ۲۶۳
 ناصر خان ظهیر الدوله، ۱۶۷
 ناصر سازگار، ۵۱۸
 ناطق، ۲۵۹
 ناظم التجار، ۴۱۷
 نجف قلی خان، ۱۴۰
 نجم السلطنه، ۲۴۵، ۲۴۶
 نرگس آموزگار، ۲۵۸
 نسا خانم، ۹۲، ۱۱۱
 نظام الملک تونی، ۴۵۷
 نقیب طوس، ۲۹۲
 نواب صفوی، ۲۵۲، ۴۱۲
 نوح خراسانی، ۲۵۹
 نورالدین محمد، ۱۶۷
 نورالدین محمد خان، ۱۶۷
 نورالله کاظمیان، ۵۱۹
 نوروز علی بسطامی، ۳۵، ۴۱، ۱۱۲
 ۱۲۰، ۱۷۲، ۳۲۰، ۳۸۸، ۴۶۱
 نیر الدوله، ۳۲۳، ۳۳۲، ۳۳۳، ۴۶۴
 نیر الدوله سلطان حسین میرزا، ۳۳۲
 وحید ابوهادی، ۲۶۳
 وحید نظافت، ۵۱۹
 ولی الله چراغچی، ۵۱۹

یزدگرد، ۳۱۴، ۳۱۵	وهاب خان، ۶۸
یزدگرد ساسانی، ۳۱۴	ویکتور اسرائیل، ۵۰۰
یلداش بک کوزه کنانی، ۱۱۴	هادی ایرانی، ۵۱۹
یوسف بک قره باغی، ۲۱۳	هاشم بیدار، ۵۱۹
یوسف خان، ۵۲۸	هلاکو، ۴۵۸، ۴۶۵
یوسفخان هراتی، ۴۶۳	یارمحمد میرزا، ۷۳
	یحیی بن حسین، ۳۱۶، ۳۱۷

فهرست اماکن

اتریش، ۵۴۰، ۵۴۵	آبشار اخلمد، ۴۸۲
احساء، ۸۴	آخال، ۲۰۸، ۳۴۵، ۴۷۷، ۵۲۲، ۵۵۰
احمدآباد، ۵۵، ۶۱، ۷۹، ۸۵، ۲۵۲	آذربایجان، ۵۰، ۷۷، ۲۱۵، ۳۴۴، ۴۴۱
احمدآباد، ۳۷۹	۴۷۹، ۴۵۴
طرق، ۳۱۰، ۳۳۱، ۳۳۷، ۳۵۰، ۳۵۳	آزادشهر، ۳۶۸، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰
۴۸۲، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۶	آستانه، ۳۴۹
اخملد، ۴۸۱	آسیاب امیر علی شیر، ۴۷۳
ادک، ۵۳، ۱۴۱	آسیاب میر شیخم، ۴۷۳
ادوان، ۱۴۹	آسیاب خسروخانی، ۹۸
اراضی گلخیمی، ۲۹	آسیای میانه، ۳۴۸، ۳۴۹، ۴۴۱، ۴۴۴
ارداک، ۳۱۱، ۳۳۷، ۳۵۳، ۴۵۱، ۴۸۱	۴۷۹، ۵۴۴
۵۶۶	آمریکا، ۲۱۸، ۴۹۷
اردن، ۴۴۴، ۴۸۰، ۵۴۱	آمودریا، ۳۰۷
اردویاد، ۷۷، ۳۸۹	آموزشگاه عالی بهداری، ۲۲۴، ۲۲۵
ارک مشهد، ۲۸۹، ۴۶۲، ۵۲۵	۴۰۰
اروپا، ۳۷، ۱۱۵، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۵۷	ابراهیم آباد، ۶۷
۲۸۷، ۳۵۴، ۳۷۵، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۹	ابرده، ۳۵۳، ۴۸۱، ۵۵۷
۴۱۹، ۴۴۴، ۴۸۰، ۵۲۳	ابضا، ۱۵۱

اورنگ آباد، ۱۶۷	اروپای شرقی، ۴۷۹
ایوان امیر علی شیر، ۱۷۸، ۷۰	ازبکستان، ۲۷۱، ۳۴۹، ۵۴۲
ایوان امیر علی شیر، ۸۶، ۷۰	ازغد، ۳۰۸، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۵۳، ۴۸۱
ایوان ساعت، ۳۹۴	۵۵۵، ۵۵۶
ایوان عباسی، ۱۰، ۷۰، ۱۷۶، ۱۷۷	اسفرائن، ۵۶، ۲۶۳
۱۷۸	اسلامبول، ۴۴۴، ۴۸۰
باجگیران، ۹۸، ۴۸۰، ۵۴۸، ۵۵۰	اسماعیل آباد، ۵۲، ۵۵، ۱۰۱
بادغیس، ۷۷، ۱۵۴	اشرف مازندران، ۷۷
بادکوبه، ۹۲	اشکیک، ۷۸
بازار بزرگ، ۶۵، ۷۴، ۸۰، ۱۰۰، ۱۰۹	اصفهان، ۴۲، ۶۹، ۷۳، ۱۷۳، ۱۸۳
۱۳۵، ۱۶۸، ۱۷۷، ۱۹۱، ۱۹۲، ۳۳۲	۲۸۰، ۲۹۳، ۲۹۴، ۴۸۹، ۵۲۷
۴۷۶، ۵۲۵، ۵۳۲	اصلان آباد، ۱۵۳
بازار بین الحرمین، ۵۷	افغانستان، ۷۷، ۱۵۵، ۲۰۸، ۲۷۱، ۲۷۳
بازارچه حاج آقاجان، ۱۸۳	۲۹۹، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۴۸۰
بازار خفافان، ۷۴	۵۲۲، ۵۲۴، ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۹
بازار زرگران، ۷۸	النجر، ۱۵۱
بازار زرگرها، ۵۱	الندشت، ۲۹، ۳۷، ۳۱۸، ۳۹۵، ۴۷۱
بازار سرشور، ۵۵، ۱۰۹، ۱۹۱، ۴۰۲	امام زاده حسن، ۴۹
بازار قیصریه، ۱۱۲	امام زاده حسین قزوین، ۲۸۸
بازار کفشدوزان، ۹۰	امامیه، ۳۳۵، ۳۳۶
بازار کلاه دوزان، ۸۴	امان، ۴۴۴
بازار محمودی، ۹۲	امیرآباد، ۵۵۹
بازار مرکزی، ۲	انابد کاشمر، ۸۸
بازار وزیر نظام، ۹۰	انجمن خیریه سعادت، ۲۱۱، ۲۱۲
بازر، ۴۶۵	۲۱۴، ۲۱۵، ۲۴۳، ۲۴۴، ۴۱۵
بازه حوز، ۳۶۹	انگلستان، ۲۰۸، ۴۲۵، ۵۲۲، ۵۲۳
باغ آبکوه، ۲۹	۵۳۳، ۵۳۸، ۵۴۲، ۵۴۶، ۵۴۸، ۵۴۹

- باغ آصف الدوله، ۸۸، ۱۰۶، ۱۱۰، ۴۵۶،
 ۴۵۷، ۴۶۱، ۵۵۶
 باغ آل هاشمی، ۲۹
 باغات گل خطمی، ۱۴۹
 باغات نکاح، ۷۹
 باغ اخلمد، ۷۸
 باغ اردو، ۲۹
 باغ الندشت، ۲۹
 باغ امام رضا، ۲۷، ۴۵۷
 باغ امیر ارغون، ۴۵۸
 باغ ایران خودرو، ۲۹
 باغ بابا اسماعیل، ۴۵۸
 باغ بلدر، ۴۵۸
 باغ بیرم آباد، ۵۶
 باغ بی سیم، ۲۷۲
 باغ توتونچیان، ۲۹
 باغ حسن خان، ۱۵۴
 باغ حسین، ۴۵۹
 باغ حسینی، ۲۹
 باغ خانلغ، ۴۵۹، ۴۶۰
 باغ خواجه ربیع، ۲۹، ۱۴۴
 باغ رضوان، ۱۷۶، ۴۶۱
 باغ سالار، ۶۵، ۴۶۱
 باغ سبزی، ۱۰۹
 باغ سناباد، ۶
 باغ طرق، ۲۸
 باغ عنبر، ۶۴، ۲۱۸، ۴۶۲، ۴۶۳
 باغ فیض، ۱۳
 باغ کنار آسایشگاه، ۲۹
 باغ کوه سنگی، ۴۶۷
 باغ گلستان، ۲۹
 باغ گناباد، ۲۹
 باغ مصطفی خانی، ۲۹
 باغ مصلی، ۴۶۳
 باغ مقبره فردوسی، ۴۶۷
 باغ ملک آباد، ۲۶، ۲۷، ۴۶۳، ۴۶۴
 باغ ملی، ۵۸، ۵۹، ۲۴۴، ۴۶۶
 باغ ملی تهران، ۵۹
 باغ ملی مشهد، ۲۴۴
 باغ منبع، ۳۲۳، ۳۳۲، ۳۳۳، ۴۶۴
 باغ منصوریه، ۴۶۵
 باغ میرکاریز، ۲۹
 باغ نادرشاه، ۲۵۱، ۴۶۷
 باغ نادری، ۲۴۴، ۲۵۱، ۴۲۷
 باغ ناصرآباد، ۹۳
 باغند، ۱۵۲
 باغ نظر، ۹۳
 باغ نود هکتاری، ۲۹
 باغو، ۵۲، ۱۰۸، ۱۴۱
 باغورا، ۵۲
 باقوشی، ۱۵۰
 بالا خیابان، ۲، ۳۶، ۳۸، ۴۲، ۶۵، ۷۲،
 ۷۴، ۸۸، ۱۰۶، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۷۲، ۱۷۵،
 ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۴۲، ۳۱۵، ۳۲۳، ۳۳۹

بشاریات قزوین، ۵۳	۳۴۰، ۳۹۰، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۶، ۴۲۷
بصره، ۵۴۶	۴۲۸، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۷۳
بغداد، ۱۲۹، ۱۳۰، ۴۴۴	۴۷۵، ۵۳۵
بقعه خواجه ربیع، ۷۱، ۷۲، ۲۸۴	۵۳۴، بامیان
بقعه کوه مولا علی، ۲۸۳	۵۷۳، باورد
بقمچ، ۳۱۱، ۳۵۴، ۴۸۱، ۵۶۱	بجنورد، ۳۹، ۹۹، ۱۰۰، ۲۰۷، ۲۶۵
بکتاشیه، ۶۰	۴۷۷، ۵۲۲، ۵۶۰
بلخ، ۱۶، ۳۴۵، ۵۲۵	بحرآباد، ۵۶، ۱۱۱
بلقباد، ۱۱۴	بخارا، ۲۶، ۲۷۱، ۲۸۹، ۳۴۴، ۳۴۵
بلوار آزاردی، ۳۸۳	۳۴۹، ۳۵۴، ۳۶۳، ۴۳۹، ۴۴۴، ۴۵۹
بلوار ابوطالب، ۳۷۸، ۳۷۹	۴۸۰، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۴۶
بلوار امام خمینی، ۳۷۸، ۳۸۰	۵۴۷
بلوار امت، ۳۷۹، ۴۰۲	بخوکوب، ۶۲
بلوار سجاد، ۴۷، ۳۷۹	بدخشان، ۱۰۴، ۲۷۱، ۳۰۷، ۳۴۵، ۳۴۸
بلوار شهید کامیاب، ۳۷۹	برج آباد، ۳۷۳
بلوار شیرازی، ۳۷۹	برجند، ۲۱۸، ۵۴۲، ۵۴۷، ۵۴۸
بلوار فردوسی، ۳۷۹، ۳۸۳	بردو، ۱۵۰
بلوار فرودگاه، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۳، ۴۰۲	برزش آباد، ۴۵۱
بلوار قرنی، ۳۰۳، ۳۷۸	برزل آباد، ۱۰۷
بلوار مصلی، ۴۷، ۳۸۰	برما، ۴۸۰
بلوار ملک آباد، ۳۸۰	برونیک، ۶۲
بلوار وکیل آباد، ۳۷۳، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰	بریتانیا، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۴۴، ۵۵۰
بلوچستان، ۲۰۸، ۳۴۵، ۳۵۴، ۴۴۱	بزرگراه وکیل آباد، ۵۵۳
۵۳۷، ۵۲۲	بست بالا خیابان، ۳۹۴
بلوک انجیل، ۱۴۹، ۱۵۰	بست شیخ بهاء الدین، ۱۸، ۹۷، ۱۳۸
بلوک تربت، ۱۵۰	۲۴۵
بلوک ترخستان، ۱۵۰، ۱۵۱	بست علیا، ۳۳۹

- بلوک خیابان، ۱۵۰
 بمبئی، ۵۲۸، ۵۳۳، ۵۵۰، ۵۷۴
 بندر انزلی، ۷۹
 بندر کراچی، ۳۴۶، ۳۴۷
 بند گلستان، ۳۲۴، ۳۲۵، ۵۵۶
 بنگلادش، ۴۸۰
 بوستان صدا و سیما، ۴۶۸
 بوستان کوی طلاب، ۴۶۷
 بوستان گلستان، ۴۶۶
 بوستان ملت، ۳۸۳، ۴۶۶
 بوستان وحدت، ۴۶۷
 بهداری رضوی چناران، ۵۹
 بهشت رضا، ۵۱۲
 بهشهر، ۷۷
 بهمن آباد، ۶۲
 بهمنکان، ۵۶۶
 بیرجند، ۵۳۳، ۵۳۶
 بیشکک، ۳۴۹، ۴۴۱
 پیلدر، ۷۴، ۷۵، ۱۱۰
 بیمارستان ابن سینا، ۴۰۱
 بیمارستان ابوالفضل، ۴۰۲
 بیمارستان ارتش، ۴۰۱
 بیمارستان المنتظر، ۴۰۳
 بیمارستان امام جواد، ۴۰۲
 بیمارستان امام حسن عسکری، ۴۰۲
 بیمارستان امام حسن مجتبی، ۴۰۲
 بیمارستان امام حسین، ۴۰۱، ۴۰۲
 بیمارستان امام رضا، ۳۷، ۳۸، ۴۰،
 ۳۹۴، ۳۹۶، ۳۹۹، ۴۱۳
 بیمارستان امام زمان، ۴۰۲
 بیمارستان امام سجاد، ۴۰۲
 بیمارستان امام صادق، ۴۰۳
 بیمارستان امام علی النقی، ۴۰۳
 بیمارستان امام محمد باقر، ۴۰۳
 بیمارستان امام هادی، ۴۰۳
 بیمارستان بروجردی، ۴۰۳
 بیمارستان بنت الهدی، ۴۰۱
 بیمارستان بهشتی، ۴۰۳
 بیمارستان تأمین اجتماعی، ۴۰۱
 بیمارستان ثامن الائمه، ۵۶۲
 بیمارستان جواد الائمه، ۴۰۲
 بیمارستان چهارده معصوم، ۴۰۳
 بیمارستان حجتی، ۴۰۳
 بیمارستان حسین بن علی، ۴۰۳
 بیمارستان حضرت زینب، ۴۰۱
 بیمارستان خاتم الانبیاء، ۴۰۳
 بیمارستان دکتر شریعتی، ۴۰۱
 بیمارستان رازی، ۴۰۱
 بیمارستان رقیه، ۴۰۳
 بیمارستان سیدالشهداء، ۴۰۳
 بیمارستان سینا، ۴۰۱
 بیمارستان شاهرضا، ۳۱، ۶۳، ۱۰۳،
 ۳۹۵، ۳۹۷، ۴۰۰، ۵۰۵
 بیمارستان ۱۷ شهریور، ۴۰۱، ۵۰۴

پایه، ۳۰۹، ۳۵۳	بیمارستان شهید هاشمی نژاد، ۳۹۷
پرده رستم، ۵۸۰	بیمارستان شیرازی، ۴۰۳
پس پشته، ۱۱۰	بیمارستان طالقانی، ۴۰۱
پشتک خوره، ۷۸	بیمارستان علوی، ۴۰۳
پشک گیلان، ۸۹	بیمارستان علی اصغر، ۴۰۳
پل خاتون، ۳۰۵	بیمارستان علی بن ابی طالب، ۴۰۳
پنج راه سناباد، ۳۸۰	بیمارستان علی بن موسی الرضا، ۴۰۳
پونک، ۱۳	بیمارستان قائم، ۴۰۳، ۴۰۱
پیشاور، ۲۰۸، ۳۴۶، ۳۴۷، ۴۸۰	بیمارستان قریه حاج نصیر، ۵۶۲
تاجیکستان، ۲۷۱، ۳۴۹	بیمارستان قمر بنی هاشم، ۴۰۳
تاشکند، ۳۴۹، ۴۴۱، ۴۸۰، ۵۴۳، ۵۴۴	بیمارستان محمد رسول الله، ۴۰۳
۵۵۰، ۵۴۷، ۵۵۰	بیمارستان منتصریه، ۳۸، ۶۳، ۳۹۳
تایباد، ۷۷، ۱۵۲، ۴۸۰	بیمارستان موسی بن جعفر، ۴۰۳
تایلند، ۴۸۰	بیمارستان مهدی، ۴۰۳
تبادکان، ۵۶، ۶۹، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۵	بیمارستان هاشمی نژاد، ۴۰۱
۱۰۸، ۱۴۱، ۱۴۲، ۳۲۰	بین النهرین، ۵۴۵
تبت، ۵۴۶	بینالود، ۱۵، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸
تبریز، ۲۸، ۱۰۹، ۱۱۴، ۲۱۵، ۲۵۷	۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۳، ۳۲۴، ۳۲۸، ۳۳۷
۳۳۳، ۴۱۶، ۴۴۴، ۴۵۹، ۴۸۹، ۴۹۴	۳۵۰، ۳۵۳، ۳۵۴، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳
۵۵۶	۵۵۱، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۶۴، ۵۶۵
تربت جام، ۵۹	۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۸۱
تربت حیدریه، ۱۰۷، ۵۴۲، ۵۴۷، ۵۵۰	پائین خیابان، ۳۹، ۴۳، ۶۱، ۷۰، ۷۲
ترخستان، ۱۵۰، ۱۵۱	۷۷، ۸۰، ۱۱۴، ۱۵۶، ۱۷۵، ۱۹۲، ۳۱۵
ترخم، ۳۴۶، ۳۴۷	۳۹۸، ۴۰۳، ۴۶۳، ۴۷۰، ۵۰۰، ۵۳۵
ترشاد، ۱۵۲	پاریس، ۱۱۵، ۴۴۴، ۵۰۲، ۵۲۵، ۵۳۶
ترقیه، ۵۵۲، ۵۵۳	پاکستان، ۹۴، ۲۵۸، ۲۷۳، ۲۹۹، ۳۴۶
ترکستان، ۱۶، ۳۴۴، ۳۴۹، ۴۷۹، ۴۸۰	۳۴۷، ۴۴۲، ۴۷۹، ۴۸۰

جاده قدیم قوچان، ۳۸۰	۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶
جاده کلات، ۳۷۹	ترکمنستان، ۲۷۱، ۳۰۶، ۳۴۹، ۴۴۴
جاغرق، ۱۴۱، ۳۰۸، ۳۲۴، ۳۵۳، ۳۶۹	۴۷۹، ۵۲۴، ۵۴۲
۴۸۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۵۷	ترکیه، ۴۴۴، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۹۷
جالنک، ۶۲	ترمذ، ۲۷۱، ۳۴۵
جام، ۷۷، ۱۵۰، ۱۷۹، ۳۱۲، ۴۵۹	تروغبذ، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۶
۵۳۷، ۵۳۸، ۵۶۲	تنگه بسفور، ۴۸۰
جامع گوهرشاد، ۶۱، ۶۶، ۶۸، ۷۵، ۸۲	توت آباد، ۸۱
۹۳، ۹۷، ۱۲۵، ۱۴۰، ۱۸۴، ۲۴۵، ۲۴۶	تودنک، ۱۵۳
۲۸۴، ۲۸۷، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۲، ۳۶۲	توران، ۵۷۳
۴۶۴	تونیان، ۱۵۰
جان مرغ، ۱۵۲	تهران، ۲، ۱۱، ۲۱، ۲۳، ۵۷، ۵۸، ۵۹
جبل عامل، ۸۴، ۱۳۲	۶۰، ۷۱، ۸۰، ۸۱، ۹۱، ۱۰۵، ۱۱۵
جرمق، ۱۴۱	۱۲۰، ۱۲۲، ۱۶۹، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۱۴
جزش، ۱۵۱	۲۱۵، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۵۷، ۲۶۵، ۲۶۸
جعفرآباد، ۶۳، ۳۰۵، ۳۹۴	۲۷۲، ۲۷۴، ۲۸۰، ۲۸۲، ۳۳۲، ۳۳۴
جلکه مالان، ۱۵۱	۳۳۶، ۳۵۴، ۳۶۸، ۳۹۲، ۴۰۰، ۴۱۰
جلگه رخ، ۷۵، ۲۴۶	۴۲۹، ۴۳۲، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۵۴
جلگه طوس، ۱۷، ۲۳، ۸۶، ۱۰۰، ۳۰۵	۴۷۶، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۹
۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۲۵، ۳۲۸	۵۰۷، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۳۲، ۵۳۸، ۵۴۷
۳۳۷، ۵۶۶	۵۵۰
جمال آباد، ۶۴	تیزان، ۱۴۹
جمع آباد، ۶۹، ۱۰۶	تیمچه بلور فروشان، ۹۹
جوروند، ۱۵۰	تیمچه چیت گران، ۶۸
جوقان چناران، ۵۶	تیمچه حکاکان، ۹۰
جویبار اسکیل، ۳۰۸	تیمچه قیصریه، ۷۸
جویبار پایه، ۳۰۹	جاجرم، ۴۴۴

جوبیار رادکان، ۳۱۰	چهار راه خیام، ۳۸۰
جوی سفید، ۱۵۳	چهار راه زرینه، ۳۸۰
جوین، ۴۴۴	چهار راه عشرت آباد، ۳۷۹
جیحون، ۲۰۷، ۲۷۰، ۳۰۷، ۳۴۸، ۵۳۴	جهنو، ۳۱۹، ۴۷۱
۵۴۹، ۵۴۴	چین، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۴۹، ۴۴۴، ۴۷۹
جیم آباد، ۴۵۱	۴۸۰، ۵۴۶
چاهکند، ۱۵۱	حاج میرزا علی شیرازی، ۸۳
چاهوک، ۷۶	حاج نصیر، ۵۶۰، ۵۶۲
چشمه اسلامی، ۱۴۱	حاجی آباد، ۵۵، ۹۱
چشمه سبز، ۳۰۹، ۳۱۳، ۴۸۲	حسن آباد، ۸۰، ۱۰۷، ۱۴۹
چشمه سبز پایه، ۴۸۱	حسن آباد سرجام، ۱۰۷
چشمه سو، ۳۱۳، ۳۱۴	حسین آباد، ۵۱، ۵۶، ۸۰، ۱۰۰، ۱۰۱
چشمه شیرخان، ۳۱۷	۱۴۱، ۱۴۴
چشمه شیرین، ۳۱۷	حسین آباد ابارش، ۵۶
چشمه صاد، ۱۰۱	حسین آباد جنگل، ۵۶
چشمه کلاس، ۹، ۵۳، ۷۱، ۷۲، ۳۱۵	حسین آباد کرمان، ۱۰۰
۴۷۳، ۳۱۶	حمام آقچه، ۷۷
چشمه کوثر، ۵۸۱	حمام باغ شهر، ۱۵۰
چلکی، ۶۲	حمام حضرت، ۴۷۵
چناران، ۳۱، ۵۹، ۸۱، ۸۵، ۱۰۴، ۳۰۵	حمام سالار، ۶۵، ۴۷۵
۳۰۹، ۳۱۰، ۳۳۸، ۳۵۱، ۵۵۸، ۵۵۹	حمام سالار بهادر، ۱۱۲
۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵	حمام سرسوق، ۴۷۵
۵۶۷، ۵۶۶	حمام سوسو، ۶۵، ۴۷۵
چهارباغ، ۵۰، ۷۶، ۸۸، ۳۱۸، ۴۲۱	حمام شاه، ۴۴، ۱۰۹، ۳۳۲، ۴۷۶
۴۵۶	حمام میرزا ابوالحسن، ۴۷۶
چهارباغ مشهد، ۳۱۸، ۴۵۶	حیدر آباد دکن، ۶۲، ۱۵۷، ۲۸۳
چهار راه برق، ۳۷۹	حیدر آباد فرخان، ۶۳

خیابان چهارباغ، ۳۴۰	حیدرپاشا، ۴۸۰
خیابان خاکی، ۳۷۹	حیدریه در اردبیل، ۸۹
خیابان خسروی، ۱۹۱، ۴۷۶	حیره، ۱۱۴
خیابان دانشگاه، ۸۱، ۱۹۱، ۳۷۸	خان حسینی، ۹۹
خیابان سفلی، ۷۸	خان رود، ۳۲۸
خیابان طبرسی، ۸۰، ۳۴۰، ۴۰۲، ۴۷۸	خانگیران، ۴۷۸
خیابان علیا، ۳۵، ۱۷۳، ۳۸۸، ۴۷۳	خان میرمعین، ۱۱۴
خیابان کوه سنگی، ۳۱۸	خبوشان، ۴۶۶، ۵۷۳
خیابان نخریسی، ۳۷۸	ختلان، ۲۷۱
خیج، ۳۳۶	ختن، ۲۷۱
خین چماقی، ۵۲	خجند، ۲۷۱
خیوه، ۴۳۹، ۴۸۰، ۵۲۴، ۵۲۷	خرق، ۹۹
دارالحفاظ، ۹، ۶۸، ۹۳، ۲۷۹، ۲۸۳	خرمشهر، ۳۴۸، ۳۸۱
دارالذکر، ۱۸۵	خلیج فارس، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۷۹
دارالزهد، ۵۰۷	۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۴۸
دارالسلام، ۹، ۶۸، ۹۳، ۱۸۴، ۲۸۳	خواجه جراح، ۳۷۳
دارالسیاده، ۹، ۴۲، ۶۸، ۷۴، ۹۳، ۱۳۸	خوارزم، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۳۰۶
۱۳۹، ۱۴۴، ۲۷۹، ۲۸۳	۳۰۷، ۳۱۲، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۸، ۴۳۹
دارالشفاء، ۱۸، ۳۴، ۳۶، ۳۵، ۳۷	۵۲۱، ۵۲۲، ۵۴۲، ۵۵۰
۳۹، ۸۵، ۳۱۹، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰	خور، ۲۵۳
۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۷، ۳۹۸	خوزستان، ۴۴۱، ۵۱۱، ۵۴۵، ۵۴۶
دارالشفاء رضوی، ۳۹	خوی، ۵۰
دارالضیافه، ۱۰، ۴۱، ۴۲، ۱۰۴، ۲۷۸	خیابان ابن سینا، ۳۸۰
داریان، ۱۰۸	خیابان ارک، ۲۲۰، ۲۴۴، ۲۸۹، ۴۲۷
دانشکده ادبیات، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۴۹	۴۲۹، ۴۳۶، ۴۴۹، ۴۶۲، ۴۷۶
۲۶۵، ۴۳۵	خیابان تهران، ۲۴۰
دانشکده الهیات، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۳۳	خیابان جنت، ۳۸، ۳۹۳

دبیرستان آزادگان، ۲۱۸	۲۴۸، ۲۴۹، ۲۶۵
دبیرستان شاهدخت، ۲۱۸	دانشکده پزشکی، ۲۰، ۲۲۴، ۲۲۵
دبیرستان شاه رضا، ۲۱۸، ۴۶۲	۲۲۶، ۲۲۷، ۳۹۶، ۴۰۰، ۵۵۱
دبیرستان شاهرضا، ۲۱۸، ۲۴۴، ۴۲۱	دانشکده دامپزشکی، ۲۳۱، ۲۵۱
۴۶۳	دانشکده طب، ۲۲۴
درزاب، ۵۰، ۷۸، ۸۵، ۹۹	دانشکده علوم، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۳
درگز، ۲۰۷، ۴۷۷	۲۵۱، ۴۳۵، ۵۰۰
دروازه پائین خیابان، ۸۰، ۴۶۳	دانشکده علوم اداری و اقتصادی، ۲۳۱
دروازه سراب، ۳۳۲، ۴۵۷، ۴۶۲	دانشکده علوم پزشکی، ۲۳۲
دروازه نوقان، ۵۲، ۹۸	دانشکده علوم معقول و منقول، ۲۲۶
درود نیشابور، ۵۳۱	دانشکده کشاورزی، ۲۲۹، ۲۳۳، ۲۵۰
دره واخان، ۳۴۶	دانشکده مهندسی، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۵۰
دریادل، ۳۱۹	۲۶۵
دریای عمان، ۵۴۸	دانشگاه آزاد، ۲۳۲
دریای کابل، ۳۰۷	دانشگاه امام رضا، ۲۰، ۲۲۲
دریای مازندران، ۳۴۵، ۴۴۳، ۵۲۱	دانشگاه تهران، ۲۱، ۱۲۲، ۲۲۲، ۲۲۴
۵۴۹	دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۲۰
دزیاد، ۵۵۴	۱۳۴، ۱۶۸، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۹، ۲۶۳
دزداب، ۵۴۷	دانشگاه فردوسی، ۲۲۳، ۲۶۳، ۲۶۴
دستجرد قزوین، ۱۰۹	۲۶۵
دستگرد، ۳۲۰	دانشگاه لکهنو، ۲۵۶
دشت چناران، ۵۶۴، ۵۶۶	دانشگاه مشهد، ۸۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴
دشت خاوران، ۳۰۶، ۳۵۱، ۵۲۲، ۵۵۰	۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱
دکن، ۱۵۷	۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۶۹، ۴۰۰، ۵۰۲
دلمی، ۵۸۳	دبستان دخترانه ناموس، ۲۱۸
دلمی بزرگ، ۵۸۳	دبستان عسجدی، ۲۱۷
دلمی کوچک، ۵۸۳	دبستان فروغ، ۲۱۶

رباط سفید، ۳۶۹	دماوند، ۴۵۹
رباط شاهی، ۸۳، ۴۷۳	دندانقان، ۸۲
رباط طرق، ۵۵۴	دوخوف، ۵۴۳
رجب آباد، ۱۰۸	دوشان تپه، ۴۹۲
رشت، ۷۸، ۴۹۴	دوشنبه، ۸۲، ۹۷، ۲۶۷، ۲۷۱، ۴۴۱
رضا شهر، ۳۰۳، ۳۷۸	۵۶۸
رضاشهر، ۳۷۸	دولت آباد، ۶۲
رطب آباد، ۸۱	دوله، ۵۱
رفسنجان، ۸۱، ۹۳، ۱۱۳	دهبار، ۳۲۴، ۳۵۳، ۴۸۱، ۵۵۶، ۵۵۷
رم، ۴۴۴	ده ریز، ۱۰۰
رواق الله ورودی خان، ۲۷۸	دهستان، ۵۷۳
رواق حاتم خانی، ۲۷۸	ده سرخ، ۵۵۴، ۵۵۵
رواق دارالسلام، ۱۸۴	دهشتک، ۸۴
رواق دارالولایه، ۶۸، ۸۶	دهکده پایه، ۳۰۹، ۴۸۲
رود اخلمد، ۳۱۰	دهلی، ۴۸۰، ۵۴۸
رودبار، ۵۶، ۱۰۹، ۱۵۱	ده مظفر، ۷۴
رود تجن، ۳۰۶	رادکان، ۷۷، ۸۶، ۸۹، ۲۸۰، ۳۰۵، ۳۰۶
رودخانه ارداک، ۳۱۱	۳۱۰، ۳۱۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۵۰، ۳۵۱
رودخانه پایه، ۳۰۹	۳۵۳، ۳۵۴، ۴۵۹، ۴۶۵، ۴۸۱، ۵۵۹
رودخانه تلوار، ۸۳	۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۶، ۵۸۲، ۵۸۳
رودخانه چهجه، ۱۵۳	رادگان، ۳۱۰
رودخانه فرغانه، ۳۰۷	راسته سراب، ۳۳۲
رودخانه فریزی، ۳۰۹	رباط، ۶۱، ۱۵۱، ۱۵۳، ۳۱۲، ۳۴۴
رودخانه کارده، ۳۱۱، ۳۲۸، ۳۲۹	۴۰۱، ۴۵۳، ۵۵۴
رودخانه گلستان، ۳۰۸	رباط دزباد، ۵۵۴
رود سنگبست، ۳۱۲	رباط ده سرخ، ۵۵۴
رود شاندیز، ۳۰۸	رباط سعد، ۵۵۴

سد گلستان، ۲۸۰، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۳۱	رود کارده، ۳۱۱، ۳۲۸
سرآسیاب، ۱۴۱	رود کشف، ۳۰۶
سرای ازبگها، ۱۱۴	رود گلمکان، ۳۰۸
سرای سالار، ۶۵، ۷۴، ۴۶۲	رود منیژان، ۳۰۹
سرای سلطانی، ۶۷	روستای محراب خان، ۱۰۷
سرای ناصری، ۳۵، ۳۹۰	روسیه، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۵۸
سرای ناصریه، ۹۸	۲۸۷، ۲۸۹، ۳۳۲، ۳۴۵، ۴۴۴، ۴۷۷
سرپازه، ۶۲	۴۷۹، ۵۲۳، ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۳۷، ۵۴۲
سرخس، ۱۳، ۴۶، ۱۹۲، ۲۰۷، ۳۰۵	۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹
۳۰۶، ۳۱۲، ۳۴۴، ۳۵۱، ۳۵۵، ۴۰۲	۵۵۰
۴۴۴، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۸۰، ۵۳۱، ۵۴۶	روم، ۷۳، ۲۵۵، ۳۴۴
۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۵، ۵۶۹	روینج، ۱۵۰
سرده، ۵۳	ری، ۸۹، ۳۴۴
سر ولایت، ۱۰۲	زاهدان، ۲۰۸، ۴۸۰، ۵۲۲، ۵۵۰، ۵۵۲
سعدآباد، ۱۵۰، ۱۵۲، ۳۱۷، ۳۲۱، ۴۳۰	زره، ۱۵۲
۴۶۴	زشک، ۳۰۸، ۳۵۳، ۳۶۹، ۴۵۱، ۴۸۱
سلطان آباد، ۹۳	۵۵۷
سلطان آباد خرقان، ۶۴	زنجان، ۶۰
سلیمان آباد، ۵۳	زیر پل، ۱۵۱، ۱۵۲
سمرقند، ۲۷۱، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۹، ۴۳۹	زیرکن، ۱۰۱
۴۴۴، ۴۸۰	ساری، ۵۴
سمزقند، ۱۰۱، ۱۴۱، ۳۲۰، ۴۷۱	سبزوار، ۵۶، ۶۵، ۸۴، ۱۰۶، ۴۲۳
سمنان، ۶۷، ۱۲۲، ۴۴۴، ۵۳۶	سد اخلد، ۲۸۰
سناباد، ۶، ۷، ۱۸۷، ۲۷۶، ۲۹۲، ۳۰۴	سد طرق، ۲۸۰، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷
۳۰۵، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۸۰، ۴۶۳، ۵۴۱	۳۲۸، ۳۳۱، ۳۳۶
۵۵۴	سد کارده، ۳۱۱، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰
سنجلیه، ۵۱	۳۳۶

شهری، ۲۸۰، ۴۴۳	سند، ۲۰۸، ۳۴۵
شهرک بهشتی، ۳۷۳	سنگ آوین خرقان، ۱۱۲
شهرک راه آهن، ۳۷۹	سنگان، ۱۰۴، ۱۰۹
شهرک رضوی، ۴۶، ۳۶۹	سنگبست، ۳۱۲، ۳۴۴، ۳۵۰، ۴۸۰
شهرک شهید رجائی، ۳۷۸، ۳۸۰	۵۵۲
شهرک طرق، ۳۸۰	سوران، ۷۹، ۳۳۶
شهرک معلولین، ۴۶	سورمن، ۹۲
شیراز، ۸۳، ۸۸، ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۸۶	سوریه، ۴۴۴، ۴۷۹، ۴۸۰
۴۸۹، ۴۹۴، ۴۹۶، ۵۳۰	سیحون، ۲۰۷، ۲۷۰، ۳۴۸
شیروآباد، ۱۱۴	سیدآباد، ۵۶۱
شیرین درزاب، ۵۰	سیستان، ۲۰۸، ۳۴۵، ۳۵۴، ۴۴۱، ۵۲۲
صحن جمهوری، ۱۸، ۲۲، ۸۶، ۹۰	۵۳۷، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۰
۱۳۴، ۲۴۵، ۲۷۹، ۳۹۶	سی متری طلاب، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۵۲
صحن کهنه، ۹، ۶۹، ۷۲، ۸۶، ۱۱۱	۳۷۷، ۳۷۹، ۴۶۷
۱۳۳، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۹، ۱۷۶، ۱۷۸	شادکن، ۱۰۲
۱۷۹، ۲۴۰، ۲۷۸، ۲۹۱، ۳۱۵، ۳۲۳	شام، ۳۴۴
۳۳۹، ۴۷۰، ۴۷۵، ۴۷۶، ۵۰۰	شاندیز، ۳۰۸، ۳۳۷، ۳۵۳، ۳۶۹، ۳۷۳
صحن موزه، ۱۸، ۲۲، ۶۶، ۱۸۲، ۱۸۵	۴۰۳، ۴۸۱، ۵۵۷
۲۴۰، ۲۴۱، ۲۷۸، ۴۳۵	شاه بهرام، ۸۴
صحن نو، ۱۰، ۹۰، ۱۰۱، ۲۴۰، ۲۷۸	شاهپور، ۳۴۸
۳۹۸، ۴۲۵	شاهرود، ۹۲، ۴۴۴، ۴۷۷
صدرآباد، ۱۵۲	شاه قیل، ۵۶
صغد، ۲۷۰، ۲۷۱، ۳۱۲، ۳۴۴، ۳۴۵	شمس آباد، ۹۱
۳۴۸، ۵۲۲، ۵۴۲، ۵۵۰	شمس آباد میان ولایت، ۹۱، ۱۰۴
صوفیان، ۱۰۹	شوروی، ۲۵۸، ۲۷۱، ۳۴۷، ۳۴۹، ۴۱۹
طبران، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۸	۴۴۱، ۴۸۷، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۶، ۵۴۹
۳۰۶، ۳۱۵، ۳۱۷، ۴۵۷، ۴۵۹، ۴۶۰	شوستر، ۵۴۵، ۵۴۶

۵۵۲، ۴۶۵	۵۸۲، ۵۷۳، ۵۶۶
طاحونه خیابان علیا، ۴۷۳	عباس آباد، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۳
طاحونه سنگان، ۱۰۹	عباس آباد کوه سرخ، ۱۰۸
طاحونه شاه تقی الدین رضوی، ۴۷۳	عبدل آباد، ۶۲
طاحونه کبود حمام، ۴۷۳	عراق، ۸۹، ۱۸۶، ۳۴۴، ۳۷۰، ۴۴۴
طاحونه کلوخ، ۴۷۳، ۷۸	۵۵۲، ۵۰۹، ۴۹۷، ۴۸۰
طایفه فیوج، ۵۵۲	عشرت آباد، ۶۲، ۶۷، ۹۳، ۳۲۱، ۳۷۹
طبس، ۵۳۳، ۴۹	۳۹۳
طخارستان، ۳۰۷	عشق آباد، ۵۶، ۴۴۱، ۴۸۰، ۵۴۰، ۵۴۳
طربغه، ۵۵۳	۵۵۰، ۵۴۴
طرق، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۴۲، ۷۸، ۳۰۷	علی آباد، ۶۷، ۹۲، ۳۲۲
۳۲۶، ۳۲۷، ۳۳۶، ۳۵۳، ۳۵۵، ۴۷۳	عمارت منصوریه، ۴۶۵، ۴۶۶
۵۳۳، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۷۴	عنبران، ۵۵۳، ۵۵۷
طرقبه، ۲۵۲، ۳۰۸، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۵۳	عیدگاه، ۶۸، ۱۶۹، ۴۰۳، ۵۳۵
۳۶۹، ۴۰۲، ۴۵۱، ۴۸۱، ۵۵۱، ۵۵۳	غار الماس، ۵۸۱
۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷	غار مغان، ۵۷۴
طمغاباد، ۱۵۰	غزنین، ۱۱۴
طوس، ۱، ۲، ۶، ۱۵، ۱۷، ۲۳، ۲۴، ۷۷	غیران، ۱۵۰
۸۲، ۸۶، ۱۰۰، ۱۱۱، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰	فارد، ۱۵۲
۱۴۱، ۱۸۳، ۱۸۷، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۶۴	فدیشه، ۵۶
۲۶۹، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۰۴	فرانسه، ۵۸، ۱۱۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۵۳۸
۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰	فراه، ۷۷، ۱۵۳
۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۷، ۳۲۰	فرودگاه مشهد، ۳۳۴، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۷۸
۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۳۷، ۳۴۲	فروغن سبزوار، ۸۴
۳۵۴، ۳۷۷، ۳۷۹، ۴۱۷، ۴۵۱، ۴۵۴	فرهادگرد فریمان، ۸۶
۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۵، ۴۶۶	فریزی، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۳۷، ۳۵۳، ۴۸۱
۴۸۳، ۵۲۵، ۵۳۱، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۴	۵۶۱، ۵۶۶

فریمان، ۵۹، ۸۶، ۳۱۲، ۳۵۵، ۳۶۱، ۵۳۷	۴۱۴، ۴۱۵، ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۴۴
قلعه امیرآباد، ۵۵۹	
قلعه خیابان، ۷۲	
قلعه شهاباد، ۳۲۱	
قلعه کولکنده، ۶۲، ۱۵۷	
قلم، ۲۰۱، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۳، ۴۹۶	
قندر سک، ۹۲	۴۹۷، ۵۴۱
فیروز آباد، ۱۵۰	قنات چاه نو، ۱۴۹
فیروزگرد جام، ۵۷۳	قنات درویش بک، ۵۵، ۲۱۷
قاسم آباد، ۶۲، ۸۴، ۱۵۲، ۳۳۵، ۳۳۶	قنات سالار، ۱۰۶
۳۶۸، ۳۷۳	قنات سناباد، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۷، ۳۲۰
قبادیان، ۲۷۱، ۳۴۵، ۳۴۸	قنات شهرآباد، ۹۲
قبر خیرات خان، ۶۲	قند آبکوه، ۳۰، ۳۶۰، ۳۷۳
قبرستان غسلگاه، ۴۶۱	قندهار، ۱۴۰، ۲۰۸، ۲۵۶، ۳۴۴، ۳۴۵
قدمگاه، ۱۷۶، ۵۵۴	۳۴۸، ۴۸۰، ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۸
قرایی، ۵۳۶	۵۳۱
قرقیزستان، ۲۷۱	قوچان، ۵۱، ۵۶، ۶۲، ۶۳، ۱۰۷، ۱۱۴
قره تپه، ۶۲	۲۰۷، ۲۵۱، ۳۰۵، ۳۵۱، ۳۶۱، ۳۸۰
قره جوی فرخان، ۶۳	۴۰۳، ۴۱۷، ۴۸۰، ۵۲۲، ۵۵۰، ۵۵۸
قریه بیلدر، ۷۴	۵۶۰، ۵۶۴، ۵۶۹
قزل سو، ۵۴۳، ۵۴۴	قهرمان آباد، ۵۶
قزوين، ۵۳، ۵۴، ۶۷، ۱۰۹، ۲۸۰، ۲۸۸	قیصریه، ۷۸، ۱۱۲، ۱۴۹
۵۳۶	قیطاقی، ۶۲
قسطنطنیه، ۵۳۸	کابل، ۳۰۷، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۶۶، ۴۸۰
قصبه چناران، ۵۵۹، ۵۸۰	۵۳۸
قطب آباد، ۹۳	کاج کلامازندران، ۶۱
قفقاز، ۱۷۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۵، ۳۴۵	کاخ راجه میسور، ۲۸۹

- کارخانه فرش آستان قدس، ۳۲، ۳۶۱
 کارخانه فرش آستانه، ۲۹۴
 کارخانه قند آبکوه، ۳۰، ۳۶۰
 کارخانه قند چناران، ۳۰، ۳۱، ۵۶۲
 ۵۶۳
 کارخانه قند کرج، ۳۰، ۳۶۰
 کارخانه کنسرو، ۳۳
 کارخانه نان رضوی، ۳۱، ۳۲
 کارخانه نخریسی، ۲۹، ۳۰، ۳۵۹، ۳۶۰
 کارده، ۳۱۱، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۵۳، ۳۵۴
 ۴۵۱، ۴۸۱، ۴۸۲
 کاروانسرای ازبگها، ۱۱۴
 کاروانسرای چهار سوق، ۱۵۰
 کاروانسرای میرمعین، ۱۱۴
 کاریز، ۱۴، ۲۳، ۲۹، ۴۹، ۵۰، ۶۳، ۸۲، ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۳۰۵
 ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲
 ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۳۳، ۳۵۱، ۴۶۳
 کاریز باغ منبع، ۳۳۲، ۳۳۳
 کاریز درویش بک، ۶۳، ۳۱۹
 کاریز دستجرد، ۳۲۰
 کاریزک سفلی، ۱۵۱
 کاریزک علیا، ۱۵۱
 کاریز مشهد، ۸۲، ۳۲۳
 کاریز مهدی قلی خانی، ۱۰۹
 کازرگاه، ۱۱۰
 کاس رود، ۳۱۱
 کاش، ۳۱۱
 کاشغر، ۱۹۳، ۲۷۱، ۵۴۶
 کاشمر، ۱۴، ۴۸، ۵۵، ۶۳، ۶۷، ۸۸، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۶۹، ۳۹۳
 کال اروند، ۱۴۱
 کتابخانه آرامگاه فردوسی، ۲۵۲
 کتابخانه آستان قدس، ۱۲۲، ۱۲۴
 ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۷۹، ۴۷۵، ۴۷۶
 کتابخانه انصار المهدی، ۲۵۲
 کتابخانه باغ نادرشاه، ۲۵۱
 کتابخانه خواجه ربیع، ۲۵۲
 کتابخانه خیام، ۲۵۱
 کتابخانه دانشکده ادبیات، ۲۴۹
 کتابخانه دانشکده الهیات، ۲۴۸، ۲۴۹
 کتابخانه دانشکده تربیتی و روان شناسی، ۲۵۰
 کتابخانه دانشکده دامپزشکی، ۲۵۱
 کتابخانه دانشکده علوم اداری و اقتصادی، ۲۵۱
 کتابخانه دانشکده کشاورزی، ۲۵۰
 کتابخانه دانشکده مهندسی، ۲۵۰
 کتابخانه دانشگاه علوم، ۲۵۰
 کتابخانه رحیمیه، ۲۴۴
 کتابخانه شهید باهنر، ۲۵۲
 کتابخانه طبرسی، ۲۵۲
 کتابخانه طرهبه، ۲۵۲
 کتابخانه علامه طباطبائی، ۲۵۱

کتابخانه فردوسی، ۲۵۲	کلات، ۳۱۱، ۳۶۱، ۳۷۹، ۴۷۷، ۵۷۳
کتابخانه فرهنگ، ۲۴۳، ۲۴۴، ۴۶۲	۵۸۱
کتابخانه مبارکه آستان قدس، ۲۳۷	کلات نادری، ۷۶، ۵۳۷
کتابخانه مبارکه رضویه، ۱۹، ۲۳۷	کلاته بوغا، ۱۰۱
۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۶۰	کلاته میان ولایت، ۵۶
۲۷۹، ۲۹۳	کلاته میرزا عبدالله، ۸۰
کتابخانه مدرسه نواب، ۲۴۳	کلاته مؤذنان، ۱۰۸
کتابخانه مرکزی آستان قدس، ۲۴۱	کلاته مؤذنها، ۵۲
۴۳۵	کلکته، ۳۳۳، ۴۸۰
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۲۲	کماران، ۱۵۱
کتابخانه مسجدالرضا، ۲۵۲	کناباد، ۵۷۳
کتابخانه مسجد جامع گوهرشاد، ۶۶	کنگ، ۳۰۸، ۳۵۳، ۳۶۹، ۴۸۱، ۵۵۶
۲۴۶، ۲۴۵	۵۵۷
کتابخانه مفتوح، ۲۵۲	کنوگیر، ۱۰۱
کتابخانه ملی ملک، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۲۱۴	کنویست، ۲۴، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۷۷، ۳۵۵
کتابخانه نواب، ۲۵۲	کوچه آب میرزا، ۳۲۳
کتابخانه وزیری، ۱۰۵، ۱۰۶	کوچه ارک، ۴۳۶
کتابخانه پاریسیان، ۵۷۴	کوچه چراغ برق، ۳۴۰
کراچی، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۴۸۰	کوچه چهارباغ، ۸۸، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۱۷
کرج، ۳۰، ۳۶۰، ۴۹۹	۳۶۷، ۴۲۱
کرمان، ۵۶، ۶۲، ۷۶، ۹۲، ۱۰۰، ۱۱۶	کوچه سراب، ۴۲۹، ۴۷۶
۴۴۱، ۵۲۷، ۵۳۰	کوچه قنادها، ۱۰۰
کریم آباد، ۳۱۱، ۴۸۲	کوچه مشتاق، ۸۱
کشف رود، ۲۵، ۸۶، ۱۴۱، ۳۰۵، ۳۰۶	کود سلوک، ۳۲۲، ۴۷۱
۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۵۰، ۳۵۱	کوردن، ۳۶۹
۳۵۳، ۴۷۳، ۵۶۶، ۵۶۹	کورده، ۳۳۶
کشمیر، ۸۳، ۱۶۷، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۴۶	کوشک، ۱۵۲

کولاب، ۵۳۴	گلستان، ۱۷۶، ۲۳۹، ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۰۸
کوه سنگی، ۳۱۸، ۳۳۶، ۳۹۷، ۴۵۰	۳۲۴، ۳۲۵، ۳۳۷، ۳۵۳، ۵۵۷، ۵۶۰
۵۰۴، ۴۶۷	گلشهر، ۱۹۱، ۳۷۹، ۴۰۲
کوه فریزی، ۵۸۰	گلمکان، ۸۵، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۳۷
کوه هزار مسجد، ۲۰۷، ۳۰۶، ۳۱۰	۳۵۳، ۴۸۱، ۴۸۲، ۵۶۶، ۵۶۷
کوی آب و برق، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۶، ۳۶۸	گناباد، ۲۹، ۴۸، ۲۶۵، ۳۱۸
کویته، ۴۸۰، ۴۴۷، ۵۵۰	گنبد الله وردی خان، ۴۲
کوی رضائیه، ۳۷۸	گنبد حاتم خانی، ۲۸۳
کوی سیدی، ۳۷۹	گنبد سبز، ۳۲۰، ۳۲۱، ۵۴۰
کوی طلاب، ۹۸، ۱۹۲، ۲۵۲، ۳۱۹	گنج آباد، ۹۲
۳۷۹، ۳۹۷، ۴۶۷، ۴۷۱	گود سلوک، ۶۶، ۳۷۳
کهریزک، ۳۰	گور عراقی، ۸۲
کهستان کرمان، ۷۶	گیلان، ۷۸، ۸۹، ۴۴۱، ۵۵۸
گاش، ۳۱۱	لاهور، ۱۶۶، ۳۴۶، ۴۸۰
گرگان، ۵۵۸، ۵۶۰	لای کو، ۶۲
گرمابه بازار آغچه، ۴۷۵	لندن، ۴۴۴، ۵۲۲، ۵۴۷
گرمابه جدید، ۴۷۵	لنگرشیخ عبدالسلام، ۹۲
گرمابه حضرت، ۴۷۵	مارسی، ۵۳۸
گرمابه سالار، ۴۷۵	ماروکه، ۱۵۲
گرمابه سرسوق، ۶۵، ۴۷۵	مازندران، ۶۱، ۷۷، ۸۶، ۲۰۷، ۳۴۵
گرمابه شاهوردی بک، ۴۷۵	۴۴۱، ۴۴۳، ۵۲۱، ۵۴۹، ۵۵۸، ۵۶۰
گرمابه گود حسام الدین، ۴۷۶	مالان، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳
گرمابه متولی، ۴۷۶	ماوراءالنهر، ۱۲۷، ۲۰۹، ۲۷۱، ۳۰۷
گرمابه مهدی قلی خان، ۴۷۶	۳۱۲، ۳۴۴، ۳۴۸، ۵۴۶، ۵۴۸
گرمسار، ۴۴۳، ۴۴۴	ماوراء خزر، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۷، ۵۵۰
گروس، ۸۳	ماهروان، ۱۵۳
گلبهار، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۱	مایان، ۳۰۸، ۳۲۴، ۳۵۳، ۴۸۱، ۵۵۶

مدرسه پریزاد، ۱۷، ۶۸، ۱۳۸، ۱۳۹،	۵۵۷
۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۶۹، ۱۷۰،	مبارک آباد، ۸۱، ۹۳
۱۷۷، ۲۳۸، ۲۷۷، ۲۷۹	محلہ پلکو، ۸۱
مدرسه حاج حسن، ۱۷۴، ۱۷۵	محلہ چہار باغ، ۵۳۹
مدرسه حاج رضوان، ۱۶۹	محلہ سراب، ۶۴، ۷۶، ۴۷۶
مدرسه حاج صالح بخارائی، ۱۸۳، ۱۸۴	محلہ سرشور، ۴۵۸
مدرسه خوئی، ۱۹۰، ۲۴۶	محلہ عیدگاہ، ۶۸، ۱۶۹
مدرسه خیرات خان، ۶۱، ۱۵۶، ۱۵۷،	محمدآباد، ۴۷، ۵۱، ۵۲، ۵۶، ۶۲، ۸۳
۱۷۷، ۱۸۲، ۲۴۷، ۲۷۸	۱۰۷، ۱۰۹، ۱۵۱، ۴۰۳
مدرسه دو درب، ۳۵، ۸۷، ۱۳۴، ۱۳۵،	محمدآباد تربت، ۱۰۹
۱۳۶، ۱۳۸، ۱۷۹، ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۷۷،	محمدآباد جوین، ۸۳
۲۷۹، ۲۹۲	محمدآباد شادمهر، ۱۰۷
مدرسه سعادت قوچان، ۴۱۷	محمدآباد مشهد، ۴۷
مدرسه سعدیہ، ۱۷۹، ۱۸۱	محمدیہ، ۵۶
مدرسه شاہرخ، ۱۷۷	محمودآباد شیراز، ۸۸
مدرسه شاہرخیہ، ۶۸، ۱۳۵	محمود پورہ برہان پور، ۱۶۷
مدرسه صالحیہ، ۱۴۶	محولات، ۶۳، ۳۹۳
مدرسه صدر اصفہان، ۱۸۳	مدرسه امیر سیدی، ۱۸۶
مدرسه عباسقلی خان، ۱۷، ۷۷، ۱۴۷،	مدرسه باقریہ، ۱۷۲
۱۴۸، ۱۵۴، ۱۵۵	مدرسه بالاسر، ۳۵، ۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱،
مدرسه عبداللہ خان، ۱۷۵، ۱۷۶	۱۷۷، ۱۸۲، ۲۳۸، ۴۷۰
مدرسه عصمتیہ، ۲۱۶	مدرسه رحیمیہ، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۶
مدرسه علی نقی میرزا، ۱۸۵	مدرسه سادات رضوی، ۲۱۶
مدرسه غزالیہ طوس، ۱۸۳	مدرسه معرفت، ۲۱۵
مدرسه فاضل خان، ۸۷، ۸۹، ۱۷۴،	مدرسه بہزادیہ، ۱۷۴، ۱۷۵
۲۲۶	مدرسه پائین پا، ۶۶، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱،
مدرسه فیضیہ، ۴۹۳	۱۸۲، ۱۸۵

مزرعه بجمهن، ۸۰	مدرسه قدمگاه، ۱۷۶
مزرعه برنک، ۱۵۳	مدرسه مستشار، ۱۷۶، ۱۷۷
مزرعه توکار تبادکان، ۷۷	مدرسه ملاتاج، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸
مزرعه جایاب هفت، ۷۸	مدرسه ملا تاجی، ۱۷۷
مزرعه چاهشک، ۱۴۱، ۱۴۲	مدرسه ملا محمد باقر، ۱۷۳
مزرعه چاهنو، ۷۸	مدرسه میرافضل، ۱۸۵
مزرعه چنبره غربال، ۸۵	مدرسه میرزا جعفر، ۲۰، ۱۳۳، ۱۵۷
مزرعه حسینی، ۶۹	۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸
مزرعه حلوانی، ۸۴	۱۷۷، ۱۸۹، ۲۲۶، ۲۴۷، ۵۰۰، ۵۲۹
مزرعه خارستانک، ۵۴	مدرسه میلانی، ۱۹۲
مزرعه خواجه ربیع، ۱۴۲	مدرسه ناموس، ۲۱۸
مزرعه خوش آب، ۱۴۲	مدرسه نواب، ۷۵، ۱۳۳، ۱۴۴، ۱۴۶
مزرعه دائره، ۱۵۴	۱۷۵، ۲۴۳، ۴۲۵
مزرعه در تک آباد، ۸۵	مرغاب، ۵۴۶
مزرعه دمشاد، ۱۵۲	مرغزار رادکان، ۴۵۹
مزرعه دندانه، ۱۴۱	مرو، ۴۲، ۹۸، ۲۹۲، ۳۴۴، ۳۴۹، ۴۴۴
مزرعه دهشک، ۱۱۱	۴۶۵، ۴۸۰، ۵۳۱، ۵۳۴، ۵۴۴
مزرعه رباطچه، ۱۵۱	مریضخانه منتصریه، ۳۹۳
مزرعه رفیقان، ۸۵	مزار گنبد خشتی، ۲۹۲
مزرعه زاغه، ۵۰	مزرعه احمدآباد، ۸۵
مزرعه ساریان، ۱۵۱	مزرعه ارزنجه، ۱۵۲
مزرعه سعدآباد، ۱۵۰	مزرعه استفتی، ۸۵
مزرعه سعیدآباد، ۸۵	مزرعه الندشت، ۳۷
مزرعه سمزقند، ۱۴۱	مزرعه بابا قوری، ۱۴۱
مزرعه سنگور، ۷۷	مزرعه باستان، ۱۵۱
مزرعه سوران، ۷۹	مزرعه باغ خان، ۹۲
مزرعه شاطغای، ۷۸	مزرعه باغند، ۱۵۲

۴۹۸، ۴۲۵	مزرعه شقاق، ۱۴۱
مسکو، ۵۳۸، ۲۸۹	مزرعه شهرآباد، ۹۲
مصر، ۱۹۳، ۱۴۵	مزرعه عاشقان، ۵۴
مصیصه، ۲۵۵	مزرعه عرب آباد، ۸۱
مغان، ۵۷۵، ۵۷۴، ۵۳۶، ۴۴۴، ۳۲۸	مزرعه عشر رادکان، ۷۷
مغرب اقصی، ۱۹۳	مزرعه عوضی، ۸۵
مقبره غزالی، ۴۵۹	مزرعه قاسم آباد، ۸۴، ۱۵۲
مقبره فردوسی، ۴۶۷، ۲۱۸	مزرعه کاهو، ۷۸
مقبره مرحوم مدرس، ۴۸	مزرعه کلیدر، ۱۰۲
مقبره نادرشاه، ۴۶۷، ۲۸۹، ۲۵۱	مزرعه کمرک، ۱۵۱
مکّه، ۹۶، ۸۹	مزرعه گل مکان، ۱۱۱
مکّه معظمه، ۸۹	مزرعه مابور، ۱۵۲
ملک آباد، ۴۶۳، ۳۳۶، ۱۵۱، ۲۷، ۲۶	مزرعه ماریان، ۸۵
۴۶۴	مزرعه ماکان، ۱۴۱
منزل آباد، ۳۳۵، ۷۸	مزرعه مؤیدی، ۹۲
موزه آستان قدس، ۱۸۱، ۱۱۵، ۲۲	مزرعه نمونه، ۲۴، ۲۵، ۳۵۵
۱۸۵، ۲۴۱، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۹	مزرعه نوده، ۱۵۱
موزه ایران باستان، ۵۸	مساد، ۱۵۳
موزه سالار جنگ، ۱۵۷، ۶۲	مسجد بالاسر، ۹۱
مهدی آباد، ۸۴	مسجد جامع اصفهان، ۲۸۰
مهدی آباد نیشابور، ۵۵	مسجد جامع قزوین، ۲۸۰
مهدیه، ۴۲۵، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹	مسجد شاه، ۱۳۲، ۲۷۷، ۳۳۱
مهران، ۳۸۱، ۱۵۱	مسجد گوهرشاد، ۱۳، ۱۸، ۳۵، ۶۰، ۶۶
مهمانخانه باختر، ۴۳۵	۶۸، ۷۵، ۹۴، ۹۸، ۹۹، ۱۰۲، ۱۱۰
مهمانخانه طوس، ۳۹۶	۱۱۷، ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۸۴، ۲۳۸
مهمان سرای، ۴۱، ۴۳	۲۴۰، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۱
میامی، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۵۰، ۳۵۳، ۴۵۱	۳۲۲، ۳۲۳، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۹۰

نهر خیابان، ۳۱۶، ۷۱، ۵۳، ۲۵	میان ولایت، ۹۱، ۸۵، ۸۴، ۷۸، ۵۶، ۵۲
نهر شاهی، ۷۲	۱۵۰، ۱۱۴، ۱۰۴
نهر طرق، ۴۷۳، ۸۳	میان ولایت مشهد، ۱۰۱، ۸۴، ۶۹، ۵۴
نهر گناباد، ۳۱۸	۱۱۴، ۱۰۸
نیشابور، ۱۲۷، ۱۰۸، ۵۶، ۵۵، ۵۳، ۵۱	میدان دقیقی، ۷۹
۱۲۸، ۱۴۱، ۳۱۲، ۳۴۴، ۴۴۴، ۴۷۸	میدان ده دی، ۳۷۸
۵۶۹، ۵۵۵، ۵۵۴، ۵۴۱، ۵۳۰	میدان شهداء، ۱۹۱، ۴۲۵، ۴۶۲، ۴۶۳
وزارت امور خارجه، ۷۴	۵۰۵
وکیل آباد، ۴۶۶، ۳۰۸، ۲۲۳	میدان مشهد، ۱۱۱، ۱۰۴
هرات، ۱۰۱، ۹۴، ۸۵، ۷۷، ۶۸، ۱۶	مؤمن آباد، ۱۰۴
۱۳۲، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۷	ناظریه، ۳۳۵
۲۰۸، ۲۹۲، ۳۰۵، ۳۱۲، ۳۳۱، ۳۴۴	نپال، ۴۸۰
۳۴۵، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۹، ۴۸۰، ۵۲۱	نجف، ۲۰۱
۵۲۲، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۰	نجف آباد، ۵۱
۵۳۱، ۵۳۴، ۵۳۷، ۵۴۸	نجف اشرف، ۱۹۰، ۴۸۹، ۴۹۸، ۵۰۲
هریرود، ۳۰۵، ۳۰۶، ۵۳۴	نخشب، ۲۷۱
هزار مسجد، ۱۵، ۲۰۷، ۳۰۵، ۳۰۶	نصرت آباد، ۶۲
۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۶، ۳۲۸، ۳۳۷، ۳۵۰	نعمت آباد، ۹۳
۳۵۳، ۳۵۴، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۵۶۵	نعیم آباد، ۱۵۰
همت آباد، ۶۳، ۳۹۴	نقندر، ۳۵۳، ۴۵۱
هند، ۴۲، ۹۴، ۱۵۷، ۱۶۷، ۲۰۸، ۲۰۹	نوبهار، ۲۶۰، ۵۶۷
۲۷۳، ۳۴۵، ۳۴۷، ۳۹۱، ۴۱۴، ۴۱۵	نوخد، ۴۵۱
۴۸۰، ۵۲۲، ۵۳۰، ۵۴۳، ۵۴۶، ۵۴۸	نوقان، ۵۲، ۶۳، ۸۲، ۹۸، ۱۳۰، ۱۳۱
۵۵۰	۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۹۲، ۳۰۴، ۳۰۶
هندوستان، ۷۳، ۱۵۷، ۱۶۷، ۱۶۸	۳۱۹، ۴۰۳، ۵۳۵، ۵۵۲، ۵۵۴
۱۹۳، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۵۶، ۲۸۳، ۲۸۹	نوق رفسنجان، ۸۱
۲۹۹، ۳۰۱، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷	نوکاریز، ۱۰۰، ۱۵۰

یخچال سمزقند، ۴۷۱	۳۹۱، ۵۲۲، ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۷
یخچال کود سلوک، ۴۷۱	۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸
یخچال محراب خان، ۴۷۱	۵۵۰، ۵۷۴
یزد، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۳۲۹، ۴۴۱	۴۳۷، ۴۹، هویزه
۵۳۲، ۵۳۳	هی‌هی، ۶۳
بیلاق گلستان، ۵۵۲	یادگار خانی، ۴۶۰
	یخچال اندشت، ۴۷۱

نگارنده گوید :

بعد از اینکه حروف چینی و صفحه بندی مجلد دوم فرهنگ خراسان انجام گرفت و کتاب آماده چاپ گردید مطلع شدیم در مشهد مقدس تعدادی مؤسسات عمومی، خدماتی و بازرگانی تأسیس شده است. برای اینکه از این مؤسسات و خصوصیات آنها در این کتاب یادی شود با مدیران و مسئولان آن سازمانها ملاقات نموده و در مورد کارها و برنامه های مورد نظر گفتگوهای انجام دادیم که اینک بنظر خوانندگان محترم میرسد.

۶۵- مجتمع صنعتی گوشت مشهد مقدس

در کنار راه آهن مشهد مقدس نزدیک ایستگاه سلام بزرگترین کشتارگاه صنعتی در زمینی به مساحت سی و سه هکتار بنا گردیده و در آن روزانه صدها گوسفند، گاو و شتر ذبح و نحر میشوند و به بازار مصرف در سطح شهر مشهد مقدس عرضه می گردند.

در این مجتمع ماشین هائی نصب گردیده و برای ذبح آماده شده اند، ماشین ذبح رو به قبله نصب شده و قصاب در کنار آن ایستاده است، گوسفند، گاو و یا شتر دنبال هم قرار میگیرند و برای ذبح آماده میشوند.

حیوان با پای خود از دالانی فلزی عبور میکند و وارد مسلخ میشود، در آنجا نخست ضربه ای بر سرش وارد میگردد و بعد از آن بوسیله ماشین بطرف قبله قرار میگیرد و عمل ذبح توسط قصاب و یا ماشین انجام میگردد و بلافاصله از مسلخ بیرون انداخته میشود.

بعد از آن پوست حیوان کنده میشود و امعاء و احشاء آن بیرون میگردد و گوشت به سردخانه منتقل میشود، سپس قطعه قطعه شده بصورت بسته بندی برای مصرف روانه بازار میشود، در این کشتارگاه تعدادی دام پزشکی قبل از ذبح و بعد از آن گوسفندان و گاوها را معاینه کرده و اجازه خروج گوشت ها را صادر میکنند.

ما از این مؤسسه دیدن کردیم و با مدیران و مسئولان آنجا به گفتگو نشستیم و از نحوه کار آنها آگاه شدیم و اینک فعالیت این مؤسسه و کارهاییکه در آنجا انجام

میگردد بطور اختصار برای خوانندگان این کتاب ذکر میکنم.

مجتمع صنعتی گوشت مشهد مقدس از مراکز مهم در شرق کشور میباشد، این مجتمع که از طرحهای عظیم ملی و متعلق به سازمان همیاری شهرداریهای استان خراسان میباشد در زمینی به مساحت ۳۳۰۰۰۰ متر مربع در حاشیه خط راه آهن مشهد در مجاورت ایستگاه سلام قرار دارد.

مجتمع صنعتی مشهد مقدس با هدف انجام خدمات مربوط به کشتار دامها در مشهد و سطح استان خراسان بصورت صنعتی و بهداشتی تأمین گردیده است و دارای قسمت های مختلف با ظرفیت های متفاوت شامل:

۱- سالن انتظار با ظرفیت نگهداری ۲۵۰ رأس گاو و ۴۰۰۰ رأس گوسفند و یکصد شتر.

۲- خطوط کشتار گوسفند با ظرفیت ذبح ۲۰۰۰ رأس در یک شیفت.

۳- خط کشتار گاوی و شتری با ظرفیت ذبح ۲۵۰ رأس گاو و ۶۰ شتر.

۴- واحد سردخانه با ظرفیت پنج هزار تن و تعداد ۳۰ سالن زیر صفر و بالای صفر.

۵- واحد بسته بندی با ظرفیت تولیدی ۱۰ تن گوشت و آلایش بصورت روزانه قادر به بسته بندی انواع گوشت ران، ماهیچه، فیله، راسته گوسفندی و گاوی، چرخ کرده گاوی و شتری و آلایش جگر و کله و پاچه و سیرابی با حداکثر کیفیت و نظارت کامل بهداشتی اداره دامپزشکی میباشد.

۶- واحد سوسیس و کالباس و همبرگر با ظرفیت تولید ۶ تن از انواع محصولات.

۷- تولید ۲ تن پودر گوشت و استخوان و تهیه و تولید پودر خون.

۸- واحد تصفیه فاضلاب با توان تصفیه و ورودی ۸۰۰ متر مکعب فاضلاب.

۹- واحد کله پاک کنی گاوی و گوسفندی با ظرفیت مناسب با کشتار روزانه.

۱۰- واحد نگهداری و آماده سازی پوست با ظرفیت ۴۰۰۰ پوست گوسفندی

۲۵۰ پوست گاوی و صد پوست شتری.

۱۱- واحد زهتابی جهت تمیز و پاک کردن شکمبه و روده دامها.

۱۲- واحد بازار دام جهت نگهداری ۱۰۰۰ رأس گاو و ۲۰۰ شتر.

در حاشیه فعالیت‌های انجام شده در این مجتمع عملیات فن آوری و نوآوری در قسمت‌های مختلف، از جمله میتوان به ساخت یک دستگاه ذبح مکانیزه شرعی گاو، یک دستگاه اره لاشه ترو هم‌چنین ساخت دستگاه پوست‌کن گاوی را نام برد. در این مجتمع بزرگ یک پزشک عمومی، و ۱۷ نفر دام پزشک و چهارصد نفر پیمانکار و ۳۰۰ نفر کارگر و کارمند قراردادی انجام وظیفه میکنند. در پایان از مدیران و کارمندان این مؤسسه که ما را در تهیه این گزارش یاری نمودند سپاسگزاریم و توفیق آنان را از خداوند خواستاریم.

۶۶- قطار شهری مشهد مقدس

همان‌گونه که در فصول متعدد این کتاب گفته شد، شهر مقدس مشهد یکی از کلانترین شهرهای ایران است، علاوه بر جمعیت ساکن در این شهر مقدس سالیانه میلیون‌ها زائر از ایران و سراسر جهان به این شهر برای زیارت قبر مطهر حضرت رضا علیه السلام مشرف میشوند.

شهر مشهد بسیار توسعه پیدا کرده و رفت و آمد و سائط نقلیه در آن بیشتر شده و در ایام زیارتی خیابانها و معابر از کثرت عبور و مرور و سائط نقلیه مشکلاتی برای ساکنان و زائران فراهم میکند و اوقات زیادی از شهروندان در راه‌بندان‌ها تلف میشود.

از این‌رو کارگزاران دولتی و کارشناسان مسائل شهری برای رفع این معضل اجتماعی در فکر تأسیس قطار شهری در این شهر مقدس برآمدند و پس از مدتها مذاکره و مشاوره با اهل فن و مهندسان مربوطه این اندیشه جامه عمل به خود پوشید و کار آن آغاز گردید.

تأسیس شرکت قطار شهری مشهد

در سال ۱۳۷۴ شرکت با سرمایه یک میلیارد ریال به ثبت رسید و سهامداران آن عبارتند از شهرداری مشهد مقدس، سازمان همیاریهای شهرداریهای خراسان، سازمان اتوبوسرانی مشهد و حومه و سازمان عمران شهرداری مشهد مقدس.

مدیران شرکت از بدو تأسیس در انجام این کار ملی کوشش کرده‌اند و کار را دنبال نمودند و در اثر حمایت‌های مقامات عالیه مملکت و پی‌گیری مقامات استان و مسئولان امور اجرایی این کار عظیم به جریان افتاد و نقشه‌ها آماده گردید و مسئولان و مدیران دست بکار شدند.

آغاز فعالیت :

خط نخستین قطار شهری مشهد مقدس از انتهای خیابان نخریسی در جنوب شرق مشهد آغاز و در پایان بلوار وکیل آباد در شمال غرب پایان می‌یابد، اداره مرکزی این طرح عظیم در انتهای نخریسی قرار دارد و ساختمانی بزرگ در چند طبقه و ایستگاه بسیار پهناوری برای قطارها ساخته شده است.

مسیر کل این خط ۱۸/۵ کیلومتر از انتهای نخریسی تا انتهای بلوار وکیل آباد می‌باشد، قطار شهری از ابتدای نخریسی تا میدان آزادی در زیرزمین حرکت میکند و ۱۲ ایستگاه دارد و از میدان آزادی تا انتهای بلوار از روی زمین حرکت مینماید و ۱۰ ایستگاه دارد.

اینک سال ۱۳۸۱ ریل‌گذاری از طرف وکیل آباد آغاز گردیده و عملیات آن در حال انجام می‌باشد، برابر گفته مسئولان با پایان گرفتن این خط، خط دوم هم از کوه سنگی آغاز خواهد شد و پس از عبور از خیابان کوهسنگی و خیابان دانشگاه و میدان شهداء بطرف راه آهن و از آن‌جا تا بلوار طبرسی ادامه پیدا میکند.

از خداوند مهربان خواستارم مدیران و مسئولان این کار عظیم را به انجام آن موفق بدارد و در این کار مهم که موجب توسعه و عمران شهر مقدس مشهد رضا علیه السلام خواهد شد توفیق پیدا کنند، از مدیران و مسئولان شرکت قطار شهری که ما را در این گزارش یاری نمودند سپاسگزارم.

۶۷- نمایشگاه بین‌المللی مشهد مقدس

در فصل تجارت و کسب و کار در مشهد مقدس مطالبی در این باره گفته شد و اهمیت این شهر در طول تاریخ از نظر بازرگانی و حرفه و فن و هنر بحث گردید،

مشهد مقدس همواره در طی قرون و اعصار مرکز تجارت بوده و کالاهای فراوانی در آن رد و بدل میشده است.

مشهد مقدس در کنار جاده تجارتي و عبور کاروانها از نواحی مرکزی ایران و کشورهای مجاور بود، بازرگانان از طریق نیشابور، طوس، مرو، بخارا و سمرقند به ترکستان و چین می‌رفتند و کالاهای شرق و غرب را مبادله میکردند.

بعد از تسلط روسیه تزاری و حکومت اتحاد شوروی بر مناطقی از شمال خراسان ارتباط مشهد مقدس با خوارزم و صغد، ترکمنستان و ازبکستان امروزی قطع گردید و رفت و آمد با مشهد از این نواحی ممنوع شد و مشهد از طرف شرق و شمال در بن‌بست قرار گرفت.

بعد از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوریهای آسیای میانه بار دیگر راه‌ها باز شد و ارتباط برقرار گردید، بازرگانان و مسافران و زائران از کشورهای گوناگون به مشهد مقدس آمدند و ارتباط بازرگانی برقرار گردید.

امتداد راه آهن مشهد به سرخس و اتصال آن به راه آهن ترکمنستان و ازبکستان و سایر جمهوریهای آسیای میانه و از آن‌جا به چین و خاور دور و روسیه و اروپای شرقی مشهد مقدس را با کشورهای شرقی و شمالی ارتباط داد.

اتصال راه آهن مشهد از طریق تهران به اروپا و کشورهای عربی و از طریق بافق به بندرعباس مشهد مقدس را با جهان مربوط ساخت، فعالیت فرودگاه مشهد مقدس و پروازهای خارجی آن بر توسعه و عمران این شهر افزود و روزی ده‌ها پرواز از کشورهای مختلف به مشهد انجام میگیرد و رفت و آمد میشود.

شهر مقدس مشهد با داشتن امکانات و وجود مراکز صنعتی، کشاورزی، دامی، صنایع دستی و تولید میوه‌های گوناگون مشهور است، و در خارج طالبان زیادی دارد، شهر مشهد که بار دیگر رونق تاریخی خود را پیدا کرده و مورد توجه بازرگانان و دولت‌ها قرار گرفته نیازمند یک نمایشگاه بین‌المللی بود.

تأسیس نمایشگاه بین‌المللی :

در سال ۱۳۷۷ مؤسسه‌ای بنام شرکت سهامی نمایشگاه بین‌المللی خراسان در

مشهد مقدس رضوی پایه گذاری شد و شروع بکار کرد، هدف از تأسیس این نمایشگاه معرفی و تقویت توانمندیهای استان خراسان، ایجاد رقابت و تبادل اطلاعات و تجربیات میان شرکتهای تولیدی و صنعتی و تقویت روابط اقتصادی و تجاری میان ایران با دیگر کشورهای همسایه بود.

این مرکز با توجه به امکاناتی که در اختیار دارد هر ساله تلاش میکند تا نمایشگاههایی را در سطح ملی، بین المللی در زمینه های گوناگون برگزار کند و از این طریق گامی در جهت توسعه اقتصادی و تقویت روابط بازرگانی خراسان با سایر کشورها بردارد.

مساحت نمایشگاه ۶۰۰ هزار متر مربع میباشد که ۲۵۰ هزار متر مربع آن مورد بهره برداری قرار گرفته و تأسیسات آن عبارتند از:

۱- ۱۰ هزار متر مربع فضای مسقف نمایشگاهی به صورت ۶ سالن مجهز.

۲- ۱۰ هزار متر مربع فضای باز نمایشگاهی.

۳- آمفی تئاتر و باز ۱۲۰۰ متر مربع.

۴- سالن اجتماعات با ظرفیت بیش از چهارصد نفر.

۵- پارکینگ ۴۰ هزار متر مربع.

۶- فضای سبز ۸۰ هزار متر مربع.

موقعیت اقتصادی خراسان:

استان خراسان دارای ۲۲ شهرستان، ۵۱ شهر، ۶۹ بخش و ۲۰۵۰۰ روستا میباشد در این استان بیش از ۴۲ نوع محصول زراعی و ۲۸ نوع محصول باغی تولید میشود، زعفران، زیره، پسته و زرشک از جمله محصولات صادراتی این استان به خارج از کشور میباشند.

در تولید بیش از ۲۰ نوع محصول این استان مقام اول تا سوم را دارد، از مهمترین صنایع این استان میتوان به صنعت خودرو، قطعات، قند، شکر، نساجی، صنایع تبدیلی و غذایی، کارخانجات تولید مصالح ساختمانی، ماشین آلات کشاورزی و پتروشیمی اشاره کرد.

بیش از چهل نوع ماده معدنی در این استان استخراج و برخی از آنها از جمله سنگهای معدنی و تزئینی صادر میگردد حجم ذخائر معدنی در این استان به ۱۲ میلیارد تن میرسد.

ما از محل این نمایشگاه دیدن کردیم و با مدیران و مسئولان آن به گفتگو نشستیم و این اطلاعات را که در یک جزوه چاپ شده بود در اختیار ما قرار گرفت و ما خلاصه‌ای از آن را در این جا نقل کردیم، موفقیت روزافزون مدیران و کارمندان نمایشگاه بین‌المللی خراسان را در انجام کارهای عام‌المنفعه از خداوند متعال خواستاریم.

